۱۰۰

ترجمہ

بحار الانوار

الجامعۃ لدرر اخبار الائمۃ الاطہار

از محدث کبیر شیخ علامہ محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ

ناشران علوم اسلامی

ترجمه بحارالانوار جلد 100: مکاسب و ازدواج

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ص: 2

ترجمه

بحار الانوار

جلد 100

مکاسب و ازدواج

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 100

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

باب های مکاسب

باب یکم: ترغیب به کسب روزی حلال و مفهوم حلال..... 11

باب دوم: میانه روی در طلب.....31

باب سوم: صبح زود رهسپار شدن در طلب روزی.....60

باب چهارم: درآمدهای حلال و حرام 61

باب پنجم: اجرت گرفتن زن نوحه سرا و آوازه خوان 78

باب ششم: حجامت و جفتگیری چهارپا.....80

باب هفتم: فروش قرآن و مزد نوشتن و تعلیم آن.....81

باب هشتم: فروش سلاح به دشمنان اسلام.....83

باب نهم: فروش وقف.....84

باب دهم: استحباب کشت و زرع و حفر چاه و قنات و نهر و آداب آنها.....86

باب یازدهم: فروش کالای نجس.....94

باب دوازدهم: مسیحی شراب و خوک می فروشد.....98

باب سیزدهم: مواردی که مال پدر برای فرزند حلال است و برعکس.....98

باب چهاردهم: مواردی که خوردن میوه برای عابر جایز است.....101

باب پانزدهم: حرفه های مکروه.....103

باب شانزدهم : موارد نهی شده در انواع معامله از جمله غش و ورود در سَوم و نجش در معامله و معامله با تهیدستانی که از روی ناچاری کالای خود را به قیمت اندک می فروشند و سود گرفتن از مؤمن .....106 باب هفدهم: کسانی که معامله با آنها، مستحب است.....110

باب هجدهم: احتکار، دریافت کالا و فروش شهرنشین.....115

باب های تجارت خرید و فروش

باب یکم: آداب تجارت و دعاهای آن و دعاهای مربوط به بازار و موارد مذموم
آن.....
.....118

باب دوم: پیمانه و وزن..... 134

باب سوم: انواع خیار (انتخاب) و احکام آن.....140

باب چهارم: معامله سلف (پیش فروش) و نسیه و احکام آن 144

باب پنجم: ربا و احکام آن 146

باب ششم: معامله صرف و مرکب و شمشیرهای مزّین.....158

باب هفتم: فروش میوه ها، کشتزارها، زمینها و آبها.....159

باب هشتم: خرید و فروش بردگان و احکام آن.....163

باب نهم: استبراء و احکام امهات اولاد.....166

باب دهم: معامله مرابحه و نظایر آن و معامله کالا قبل از دریافت آن.....168

باب یازدهم: معامله حیوان 170

باب دوازدهم: متفرقات احکام معاملات و انواع آن.....171

باب های دین و قرض

باب یکم: ثواب قرض دادن و نکوهش قرض ندادن به نیازمندان.....175

باب دوم: روایاتی درباره قرض گرفتن.....178

باب سوم: تعلل کردن و به تاخیر انداختن قرض.....184

باب چهارم: مهلت دادن به بدهکار تنگدست و بخشیدن او و اینکه ادای قرض او بر عهده حاکم است 187

باب پنجم: آداب قرض و احکام آن 195

باب ششم: ربا در دین، افزون بر آنچه که در باب ربا و احکام آن گذشت.....200

باب هفتم: رهن و احکام آن.....202

باب هشتم: الحجر و رسیدن به بلوغ و احکام آن.....204

باب نهم: آیا غلام مالک چیزی هست؟.....211

باب دهم: اجاره، قباله و احکام آنها 211

باب یازدهم: مزارعه و مساقات.....218

باب دوازدهم: ودیعه.....221

باب سیزدهم: عاریه.....223

باب چهاردهم: کفالت و ضمانت.....224

باب پانزدهم: وکالت.....225

باب شانزدهم: صلح.....225

باب هفدهم: مضاربه.....226

باب هجدهم: شراکت.....228

باب نوزدهم: جعاله.....228

باب های وقف، صدقه و هبه

باب اول: وقف و فضل آن و احکام وقف..... 229

باب دوم: حبس و سکنی و عمری و رقبی.....236

باب سوم: هبه 238

باب چهارم: مسابقه ، تیراندازی و انواع مسابقه.....240

باب های وصیت

باب اول: در فضل وصیت و آداب آن و قبول وصیّت و لزوم آن.....244

باب دوم: احکام وصایا 254

باب سوم: وصایای مبهم 265

باب چهارم: منجزات مریض.....272

باب های ازدواج

باب اول: کراهت تجرّد و تشویق به ازدواج 273

باب دوم: فضل حب النساء و مدارا کردن با آنها و نیز مذمت ایشان و نهی از اطاعت کردن از آنها..... 281

باب سوم: اصناف زنان و صفات آنها، بدان و خوبان آنان و سعی در انتخاب کردن آنها و دعا در این خصوص.....287

باب چهارم: احوال مردان و زنان و معاشرت آنها با یکدیگر 301

باب پنجم: جامع احکام زنان و نوادرها.....316

باب ششم: دعا به هنگام اراده ازدواج و صیغه و خواستگاری و آداب نکاح و زفاف و دادن ولیمه..... 324..

باب هفتم: رفتن به عروسی و حکم شادباشی که در آن نثار می شود.....343

باب هشتم: آداب جماع و احکام آن.....344

باب نهم: وجوه نکاح و نیز اثبات متعه و ثواب آن و همه شرایط مربوط به آن..... 361

باب دهم: احکام متعه (ازدواج موقت) 378

باب یازدهم: شیر دادن و احکام آن 389

باب دوازدهم: تحلیل و احکام آن.....395

باب سیزدهم: وطی دخترکان و احکام آن.....398

باب چهاردهم: اولیاء نکاح و شروط زوجین برای صحت عقد 399

باب پانزدهم: احکام کنیزان و حلال و حرام بودن آنها 403

باب شانزدهم: احکام تزویج کنیزان، افزون بر آنچه ذکر شد.....409

باب هفدهم: مهریه و احکام آن.....420

باب هجدهم: تدلیس و عیب هایی که باعث فسخ ازدواج می شود.....437

باب نوزدهم: محرّمات نکاح و علل آن.....445

باب بیستم: آنچه که از ازدواج ها قبل از اسلام نهی شده است.....449

باب بیست و یکم: هم شأن بودن در ازدواج و آنکه برخی مؤمنان هم شأن هستند..... 451

باب بیست و دوم: نکاح با مشرکان، کافران، مخالفان و دشنام دهندگان به اهل بیت علیهم السلام..... 456

باب بیست و سوم: اسلام یکی از زوجین.....466

باب بیست و چهارم: تعداد همسران آزاد و غلام.....467

باب دوم: پیمانه و وزن..... 134

باب سوم: انواع خیار (انتخاب) و احکام آن.....140

باب چهارم: معامله سلف (پیش فروش) و نسیه و احکام آن 144

باب پنجم: ربا و احکام آن 146

باب ششم: معامله صرف و مرکب و شمشیرهای مزّین.....158

باب هفتم: فروش میوه ها، کشتزارها، زمینها و آبها.....159

باب هشتم: خرید و فروش بردگان و احکام آن.....163

باب نهم: استبراء و احکام امهات اولاد.....166

باب دهم: معامله مرابحه و نظایر آن و معامله کالا قبل از دریافت آن.....168

باب یازدهم: معامله حیوان 170

باب دوازدهم: متفرقات احکام معاملات و انواع آن.....171

باب های دین و قرض

باب یکم: ثواب قرض دادن و نکوهش قرض ندادن به نیازمندان.....175

باب دوم: روایاتی درباره قرض گرفتن.....178

باب سوم: تعلل کردن و به تاخیر انداختن قرض.....184

باب چهارم: مهلت دادن به بدهکار تنگدست و بخشیدن او و اینکه ادای قرض او بر عهده حاکم است 187

باب پنجم: آداب قرض و احکام آن 195

باب ششم: ربا در دین، افزون بر آنچه که در باب ربا و احکام آن گذشت.....200

باب هفتم: رهن و احکام آن.....202

باب هشتم: الحجر و رسیدن به بلوغ و احکام آن.....204

باب نهم: آیا غلام مالک چیزی هست؟.....211

باب دهم: اجاره، قباله و احکام آنها 211

باب یازدهم: مزارعه و مساقات.....218

باب دوازدهم: ودیعه.....221

باب سیزدهم: عاریه.....223

باب چهاردهم: کفالت و ضمانت.....224

باب پانزدهم: وکالت.....225

باب شانزدهم: صلح.....225

باب هفدهم: مضاربه.....226

باب هجدهم: شراکت.....228

باب نوزدهم: جعاله.....228

باب های وقف، صدقه و هبه

باب اول: وقف و فضل آن و احکام وقف..... 229

باب دوم: حبس و سکنی و عمری و رقبی.....236

باب سوم: هبه 238

باب چهارم: مسابقه ، تیراندازی و انواع مسابقه.....240

باب های وصیت

باب اول: در فضل وصیت و آداب آن و قبول وصیّت و لزوم آن.....244

باب دوم: احکام وصایا 254

باب سوم: وصایای مبهم 265

باب چهارم: منجزات مریض.....272

باب های ازدواج

باب اول: کراهت تجرّد و تشویق به ازدواج 273

باب دوم: فضل حب النساء و مدارا کردن با آنها و نیز مذمت ایشان و نهی از اطاعت کردن از آنها..... 281

باب سوم: اصناف زنان و صفات آنها، بدان و خوبان آنان و سعی در انتخاب کردن آنها و دعا در این خصوص.....287

باب چهارم: احوال مردان و زنان و معاشرت آنها با یکدیگر 301

باب پنجم: جامع احکام زنان و نوادرها.....316

ترغیب به کسب روزی حلال و مفهوم حلال..... 11

باب دوم: میانه روی در طلب.....31

باب سوم: صبح زود رهسپار شدن در طلب روزی.....60

باب چهارم: درآمدهای حلال و حرام 61

باب پنجم: اجرت گرفتن زن نوحه سرا و آوازه خوان 78

باب ششم: حجامت و جفتگیری چهارپا.....80

باب هفتم: فروش قرآن و مزد نوشتن و تعلیم آن.....81

باب هشتم: فروش سلاح به دشمنان اسلام.....83

باب نهم: فروش وقف.....84

باب دهم: استحباب کشت و زرع و حفر چاه و قنات و نهر و آداب آنها.....86

باب یازدهم: فروش کالای نجس.....94

باب دوازدهم: مسیحی شراب و خوک می فروشد.....98

باب سیزدهم: مواردی که مال پدر برای فرزند حلال است و برعکس.....98

باب چهاردهم: مواردی که خوردن میوه برای عابر جایز است.....101

باب پانزدهم: حرفه های مکروه.....103

باب شانزدهم : موارد نهی شده در انواع معامله از جمله غش و ورود در سَوم و نجش در معامله و معامله با تهیدستانی که از روی ناچاری کالای خود را به قیمت اندک می فروشند و سود گرفتن از مؤمن .....106 باب هفدهم: کسانی که معامله با آنها، مستحب است.....110

باب هجدهم: احتکار، دریافت کالا و فروش شهرنشین.....115

باب های تجارت خرید و فروش

باب یکم: آداب تجارت و دعاهای آن و دعاهای مربوط به بازار و موارد مذموم آن..... 118

باب دوم: پیمانه و وزن..... 134

باب سوم: انواع خیار (انتخاب) و احکام آن.....140

باب چهارم: معامله سلف (پیش فروش) و نسیه و احکام آن 144

باب پنجم: ربا و احکام آن 146

باب ششم: معامله صرف و مرکب و شمشیرهای مزّین.....158

باب هفتم: فروش میوه ها، کشتزارها، زمینها و آبها.....159

باب هشتم: خرید و فروش بردگان و احکام آن.....163

باب نهم: استبراء و احکام امهات اولاد.....166

باب دهم: معامله مرابحه و نظایر آن و معامله کالا قبل از دریافت آن.....168

باب یازدهم: معامله حیوان 170

باب دوازدهم: متفرقات احکام معاملات و انواع آن.....171

باب های دین و قرض

باب یکم: ثواب قرض دادن و نکوهش قرض ندادن به نیازمندان.....175

باب دوم: روایاتی درباره قرض گرفتن.....178

باب سوم: تعلل کردن و به تاخیر انداختن قرض.....184

باب چهارم: مهلت دادن به بدهکار تنگدست و بخشیدن او و اینکه ادای قرض او بر عهده حاکم است 187

باب پنجم: آداب قرض و احکام آن 195

باب ششم: ربا در دین، افزون بر آنچه که در باب ربا و احکام آن گذشت.....200

باب هفتم: رهن و احکام آن.....202

باب هشتم: الحجر و رسیدن به بلوغ و احکام آن.....204

باب نهم: آیا غلام مالک چیزی هست؟.....211

باب دهم: اجاره، قباله و احکام آنها 211

باب یازدهم: مزارعه و مساقات.....218

باب دوازدهم: ودیعه.....221

باب سیزدهم: عاریه.....223

باب چهاردهم: کفالت و ضمانت.....224

باب پانزدهم: وکالت.....225

باب شانزدهم: صلح.....225

باب هفدهم: مضاربه.....226

باب هجدهم: شراکت.....228

باب نوزدهم: جعاله.....228

باب های وقف، صدقه و هبه

باب اول: وقف و فضل آن و احکام وقف..... 229

باب دوم: حبس و سکنی و عمری و رقبی.....236

باب سوم: هبه 238

باب چهارم: مسابقه ، تیراندازی و انواع مسابقه.....240

باب های وصیت

باب اول: در فضل وصیت و آداب آن و قبول وصیّت و لزوم آن.....244

باب دوم: احکام وصایا 254

باب سوم: وصایای مبهم 265

باب چهارم: منجزات مریض.....272

باب های ازدواج

باب اول: کراهت تجرّد و تشویق به ازدواج 273

باب دوم: فضل حب النساء و مدارا کردن با آنها و نیز مذمت ایشان و نهی از اطاعت کردن از آنها..... 281

باب سوم: اصناف زنان و صفات آنها، بدان و خوبان آنان و سعی در انتخاب کردن آنها و دعا در این خصوص.....287

باب چهارم: احوال مردان و زنان و معاشرت آنها با یکدیگر 301

باب پنجم: جامع احکام زنان و نوادرها.....316

باب ششم: دعا به هنگام اراده ازدواج و صیغه و خواستگاری و آداب نکاح و زفاف و دادن ولیمه..... 324..

باب هفتم: رفتن به عروسی و حکم شادباشی که در آن نثار می شود.....343

باب هشتم: آداب جماع و احکام آن.....344

باب نهم: وجوه نکاح و نیز اثبات متعه و ثواب آن و همه شرایط مربوط به آن..... 361

باب دهم: احکام متعه (ازدواج موقت) 378

باب یازدهم: شیر دادن و احکام آن 389

باب دوازدهم: تحلیل و احکام آن.....395

باب سیزدهم: وطی دخترکان و احکام آن.....398

باب چهاردهم: اولیاء نکاح و شروط زوجین برای صحت عقد 399

باب پانزدهم: احکام کنیزان و حلال و حرام بودن آنها 403

باب شانزدهم: احکام تزویج کنیزان، افزون بر آنچه ذکر شد.....409

باب هفدهم: مهریه و احکام آن.....420

باب هجدهم: تدلیس و عیب هایی که باعث فسخ ازدواج می شود.....437

باب نوزدهم: محرّمات نکاح و علل آن.....445

باب بیستم: آنچه که از ازدواج ها قبل از اسلام نهی شده است.....449

باب بیست و یکم: هم شأن بودن در ازدواج و آنکه برخی مؤمنان هم شأن هستند..... 451

باب بیست و دوم: نکاح با مشرکان، کافران، مخالفان و دشنام دهندگان به اهل بیت علیهم السلام..... 456

باب بیست و سوم: اسلام یکی از زوجین.....466

باب بیست و چهارم: تعداد همسران آزاد و غلام.....467

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش پروردگار جهانیان را و صلوات بر پیشوای فرستادگان، محمد مصطفی و خاندان پاکش. (اما بعد)، این کتاب مجلد بیست و سوم از کتاب بحارالأنوار در بیان احکام عقود و ایقاعات از تألیفات محمد باقر فرزند محمد تقی، نیازمندترین بندگان به رحمت پروردگار توانگرش است که خداوند از گناهان ایشان درگذرد و با امامانشان محشور گرداند.

ص: 9

ص: 10

باب های مکاسب

باب اول : ترغیب به کسب روزی حلال و مفهوم حلال

آیات:

- «قُلْ لا یَسْتَوِی الْخَبیثُ وَ الطَّیِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَکَ کَثْرَهُ الْخَبیثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون»(1)

{بگو پلید و پاک یکسان نیستند، هرچند کثرت پلید(ها) تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید. }

- «وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِه»(2)

{و تا از فضل او بجویید. }

- «لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُم (3) و قال الله تعالی: رَبُّکُمُ الَّذی یُزْجی لَکُمُ الْفُلْکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ کانَ بِکُمْ رَحیما»(4)

{تا (در آن) فضلی از پروردگارتان بجویید. و خداوند تبارک و تعالی فرمود: پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در میآورد، تا از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره به شما مهربان است. }

- «وَ آخَرُونَ یَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّه»(5)

{و عدهای دیگر در زمین سفر میکنند (و) در پی روزی خدا هستند. }

1- . مائده / 100
2- . نحل / 14
3- . إسراء / 12
4- . إسراء / 66
5- . مزمل / 20

روایات:

1. أمالی الصدوق: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به خاطر طلب روزی حلال خسته شود، مورد آمرزش قرار میگیرد.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: از امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت شده که فرمودند: خوشا به حال کسی که فروتنی پیشه کند و کسب خود را پاک گرداند.

3. تفسیر علی بن ابراهیم: مردی نزد امام صادق علیه السّلام ثروتمندان را یاد کرد و پشت سر ایشان سخن گفت، امام صادق علیه السّلام فرمودند: ساکت باش! به راستی که اگر ثروتمند، بسیار صله رحم کرده و به برادرانش نیکی کند، خداوند اجر عملش را دو چندان قرار میدهد، چرا که خداوند میفرماید: }اموال و فرزندانتان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته کرده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام دادهاند پاداش است و آنها در غرفهها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود {.(2)

4. کافی: عدهای از بزنطی نقل کردهاند که میگفت: به امام رضا علیه السّلام گفتم: جانم به فدایت، از خداوند بزرگ بخواه تا بر من روزی حلال عطا کند. ایشان فرمودند: آیا میدانی حلال چیست؟ گفتم: حلال در نزد ما به معنای کسب بی غل و غش است. فرمود: جدم علی بن حسین میفرمود: روزی حلال قوت برگزیدگان (الهی) است. سپس فرمود: بگو پروردگارا، از تو میخواهم که از روزی بی کرانت بر من عطا کنی.(3)

5. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت میکند که رسول خدا فرمودند: گروهی دعایشان مستجاب نمیشود؛ از جمله آنان کسی است که برای مدتی قرضی به شخصی دهد اما نوشتهای برای این قرض ننویسد و نیز شاهدی نگیرد؛ و دیگری کسی که خویشاوندان خود را نفرین میکند؛ و سوم، مردی

1- . أمالی الصدوق: 289
2- . سبأ / 37

3- . الکافی 5: 89

که زنش او را با سخنان بیهوده آزار میدهد و مرد به خاطر این عملش از او نزد خداوند شکایت میکند و میگوید: پروردگارا مرا از دست او نجات ده، خداوند به او پاسخ میدهد: بندهام، آیا امر او را به تو واگذار نکردم، اگر میخواهی او را رها کن و اگر میخواهی او را نگه دار. چهارم، کسی که خداوند تعالی ثروتی را بر او ارزانی داشته است و او آن را در راه خیر انفاق میکند و چیزی از آن باقی نمیگذارد، سپس میگوید: بار خدایا! مرا روزی ده؛ خداوند به او می گوید: آیا به تو روزی عطا نکردم و تو را مورد عنایت قرار ندادم؟ چرا اعتدال پیشه نساختی و اسراف کردی؟ به راستی من اسراف کاران را دوست ندارم. پنجم مردی که در خانه اش بنشیند و از خانه خارج نشود و همانطور که خدا بر او امر کرده، به دنبال فضل خداوند نرود و بگوید: بار خدایا! مرا روزی ده. در این حال خداوند به او میگوید: بندهام! من دنیا را برای تو منع نکردهام و نقصی در جوارح تو قرار ندادم، زمین من پهناور است، تو از خانه خارج نمیشوی و روزی میخواهی! اگر تو را محروم از نعمت و سلامتی می کردم، عذرت قبول بود و اگر روزی ات را داده ام، این همان چیزی است که میخواهی.(1)

همانند این روایت در اسنادی چون کتب دعا و غیره آمده است.

6. قرب الاسناد: ابن عیسی از موسی بن بکر نقل میکند که امام کاظم علیه السّلام به من فرمودند: هر کس روزی را از راه حلال آن، برای خود و خانواده اش فراهم آورد، همچون مجاهد در راه خدای عزّوجل است. و اگر از عهده آن برنیاید، قوت عیال خود را از بیت المال وام گیرد؛ و اگر بمیرد و آن وام را ادا نکرده باشد، بر امام است که آن را ادا کند، و اگر ادا نکند، سنگینی آن بر دوش او است. خداوند عزّوجل فرموده است: «إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِی الرِّقابِ وَالْغارِمِينَ»،(2)

{صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و وامداران

1- . قرب الاسناد: 38
2- . توبه / 60

(گردآوری و پخش) آن، و کسانی که دلشان به دست آورده میشود و در (راه آزادی) بردگان و وامداران اختصاص دارد} یعنی شخص فقیر و مسکین و بدهکار.(1)

7. قرب الاسناد: ابن عیسی از بزنطی روایت کرده که می گوید: به امام رضا علیه السّلام گفتم: کوفه مرا دچار زیان کرده، و زندگی در آن سخت است؛ زندگی ما در بغداد بود، و از این کوه، در روزی بر مردم گشوده بود. فرمود: اگر می خواهی خارج شوی برو، امسال سال آشفته ای است، و مردم را چاره ای جز طلب روزی نیست، پس طلب (تلاش برای کسب معاش) را وامگذار. به او گفتم: فدایت شوم، آنان قوم پرجمعیتی هستند و ما احتمال تأخیر در معامله را میدهیم، آیا با آنها با تأخیر یک سال معامله کنیم؟ فرمود: معامله کن. گفتم: با دو سال تأخیر؟ گفت: معامله کن. گفتم با سه سال تأخیر؟ فرمود: بیش از سه سال، دیگر چیزی برایت باقی نمیماند.(2)

8. قرب الاسناد: ابن ابی خطاب از بزنطی نقل کرده که میگفت: به امام رضا علیه السّلام گفتم: جانم به فدایت، از خداوند بزرگ بخواه تا بر من روزی حلال عطا کند. ایشان فرمودند: آیا میدانی حلال چیست؟ گفتم: حلال در نزد ما به معنای کسب بی غل و غش است. فرمود: جدم علی بن حسین میفرمود: روزی حلال قوت برگزیدگان (الهی) است. سپس فرمود: بگو پروردگارا ! از تو میخواهم که از روزی بی کرانت بر من عطا کنی.(3)

9. الخصال: امام باقر علیه السّلام روایت کرده که رسول خدا فرمودند: جوانمرد کسی است که اموالش را اصلاح کند.(4)

10. معانی الأخبار: پدرم از سعد و او نیز از البرقی همانند این حدیث را نقل کرده است.(5)

1- . قرب الاسناد: 146
2- . قرب الاسناد: 164
3- . قرب الاسناد: 168
4- . الخصال 1: 8
5- . معانی الأخبار: 258

11. الخصال: از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمودند: سه گروه هستند که خداوند آنان را بدون حساب وارد بهشت میکند: امام عادل، تاجر صادق و پیرمردی که عمرش را در اطاعت و بندگی خداوند صرف کرده باشد.(1)

12. الخصال: هشام بن حکم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که حضرت فرمود: هرکس مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند بنا و آب و گل را بر او مسلط می سازد.(2)

13. الخصال: امام باقر علیه السّلام روایت کرده که رسول خدا فرمودند: برکت ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت و یک جزء باقی در پوستها - پوست گوسفند و غیره - است.(3)

14. الخصال: امام سجاد علیه السّلام از پدرانش روایت کرده که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: نه قسم روزی در تجارت و یک قسم آن در سائبات (گوسفندان) است.(4)

15. الخصال: از امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت شده که فرمود: سپیده دمان به دنبال روزی رفتن، موجب افزایش روزی میشود.(5)

16. معانی الأخبار، الخصال: چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابوذر را به آن سفارش میکرد، عاقل باید طالب سه چیز باشد: اصلاح معاش، فراهم آوردن توشه برای آخرت و لذت بردن از چیزهای حلال.(6)

17. أمالی الطوسی: از ابو قلابه نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس مالی از راه حرام کسب کند، خداوند او را تهیدست میسازد.(7)

1- . الخصال1: 50
2- .الخصال1: 104
3- . الخصال1: 212
4- . الخصال1: 212
5- . الخصال1 : 277

6- . معانی الأخبار: 258 و الخصال2: 302
7- . امالی الطوسی 1: 185

18. أمالی الطوسی: عمرو بن سیف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که ایشان به من فرمود: طلب روزی را از راه حلال فرو مگذار، که روزی حلال کمکی بر دینداری تو است؛ و(برای کسب روزی) مرکب خود را ببند و (بعد از آن) بر خدا توکّل کن.(1)

19. أمالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز موجب سعادت است: زن همدل و همسو، فرزند صالح و روزی. صبح زود برای آن حرکت می کند و شبانه به خانه و خانواده باز می گردد.(2)

20. معانی الأخبار: روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: منظور از سخن خداوند بزرگ در آیه: «و أنه هو أغنی و أقنی»،(3) {و هم اوست که شما را بینیاز کرد و سرمایه بخشید.} این است که خداوند هر انسانی را با روزی خویش بی نیاز کرد و او را از کسب و درآمد خویش راضی گردانید.(4)

21. معانی الأخبار: عبدالرّحمن بن عبّاس نقل نموده که معاویه از امام حسن علیه السّلام پرسید: جوانمردی (مروت) چیست؟ فرمود: آن است که مرد بر حفظ دینش حریص باشد، و مال خود را اصلاح و نیکو سازد، و حقوق دیگران را رعایت نماید. معاویه گفت: آفرین بر تو ای أبامحمّد! آفرین بر تو، راوی گوید: معاویه بعد از آن بارها می گفت: دوست داشتم یزید این جواب را بگوید، اگر چه یکچشم باشد.(5)

22. معانی الأخبار: معاویه بن وهب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمودند: زمانی حسن بن علی علیه السّلام با چند تن از یارانش نزد معاویه بودند، معاویه به آن حضرت گفت: ای أبا محمد، مرا آگاه ساز که جوانمردی چیست؟ پس ایشان فرمود: جوانمردی آن است که مرد دین خود را حفظ نماید، و

1- . امالی الطوسی 1: 195
2- . امالی الطوسی 1: 309
3- . النجم / 48
4- . معانی الأخبار: 214
5- . معانی الأخبار: 257

اموالش را نیکو گرداند، و همچنین نیک رفتاری در حال کشمکش و ستیز، سلام دادن و با نرمی سخن گفتن، و خویشتنداری، و دوستی مردم می باشد.(1)

23. معانی الأخبار: حارث أعور گوید: امیرالمؤمنین علیه السّلام به فرزندش امام حسن علیه السّلام فرمود: پسرم! جوانمردی چیست؟ پاسخ دادند: پارسائی و اصلاح مال.(2)

24. معانی الأخبار: عبداللّه انصاری از امام صادق علیه السّلام روایت نموده که ایشان فرمودند: رسیدگی مرد به کسب و مالش، از نشانههای جوانمردی است.(3)

25. معانی الأخبار: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که رسول الله فرمودند: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین جزء آن کسب روزی حلال است.(4)

26. أمالی الطوسی: از چیزهایی که امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندش را به آن سفارش میکرد این است که: مؤمن باید دارای سه ویژگی باشد: اصلاح معاش، کسب توشه برای آخرت و لذت بردن از چیزهای حلال.(5)

27.الخصال: ابن مسکان از امام سجاد علیه السّلام روایت کرده که فرمودند: از جمله سعادت شخص مسلمان این است که محل تجارت او در سرزمینش، شرکایش صالح و نیز صاحب فرزندی باشد که او را یاری رساند.(6)

28. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که از طلب روزی شرم نکند، گذران زندگیاش آسان و خاطرش آسوده و خانواده اش در راحتی و گشایش خواهد بود.(7)

1- . معانی الأخبار: 257
2- . معانی الأخبار: 257
3- . معانی الأخبار: 258
4- . معانی الأخبار: 366

5- . أمالى الطوسى ج 1: 146
6- . الخصال1: 77
7- . ثواب الاعمال: 151

29. ثواب الاعمال: از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت شده که ایشان فرمودند: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین جزء آن کسب روزی حلال است.(1)

30. ثواب الاعمال: عمرو بن جمیع می گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خیری نیست در کسی که دوست نداشته باشد مال را از راه حلال فراهم آورد تا بدین وسیله آبروی خود را حفظ و بدهی خود را پرداخت کند.(2)

31. در حدیث دیگری آمده است: کسی که دنیا را برای بینیازی از مردم و نیکی به همسایه طلب کند، خداوند او را در روز قیامت با چهرهای (نورانی) بسان ماه شب چهاردهم ملاقات میکند.(3)

32. بصایرالدرجات: محمد بن احمد از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: هرکس مالی را از راههای نامشروع و حرام جمع کند، خداوند آن را در راههای نامشروع تباه می کند.(4)

33. محاسن البرقی: هشام بن حکم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که ایشان فرمود: هرکس مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند بنا و آب و گل را بر او مسلط میسازد.(5)

34. ارشاد شیخ مفید: امام صادق علیه السلام فرمود: محمد بن منکدر می گفت: من تصور نمی کردم علی بن حسین علیه السّلام فرزندی به جا نهد که به فضل و بزرگی او باشد تا آن روز که فرزندش محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام را دیدم. خواستم او را موعظه کنم، ولی او مرا موعظه کرد. یارانش به او گفتند: با چه مطلبی تو را موعظه کرد؟ محمد بن منکدر گفت: من در نیمروزی بسیار گرم، از خانه خارج شدم و به اطراف شهر رفتم. محمد بن علی علیه السلام را که مردی تنومند بود دیدم که بر دو غلام سیاه یا دو مولی(غلام آزاد شده) تکیه داشت. با خود گفتم: سبحان اللّه ! بزرگی از بزرگان قریش، در این گرمای نیمروز، با این حال

1- .ثواب الاعمال: 164
2- . ثواب الاعمال: 164

3- . ثواب الاعمال: 164
4- . بصائرالدرجات:
5- . محاسن البرقی: 608

پرمشقت در طلب دنیا است! باید او را موعظه کنم. نزدیک شدم و سلام گفتم، محمد بن علی علیه السلام نفس زنان و در حالی که عرق از سر و رویش می ریخت سلام مرا پاسخ داد. گفتم: خداوند امور تو را اصلاح کند، شایسته نیست که بزرگی از بزرگان قریش، در این ساعت از روز، با این حال پرمشقت برای دنیا تلاش کند، اگر در این حال پیک مرگ در رسد و تو به این حال باشی؟! دستان خود را از آن دو غلام دور کرد و بر روی پای خود ایستاد و گفت: به خدا سوگند اگر پیک مرگ در این حالت بر من رسد، مرا در طاعت و بندگی خدا خواهد دید، چرا که من با این تلاش، خود را از تو و سایر مردم بی نیاز می سازم، تنها ترس من از آن است که پیک مرگ درآید و من در حال معصیت و نافرمانی خدا باشم. پس به او گفتم: رحمت خدا بر تو باد، خواستم تو را موعظه کنم اما تو مرا موعظه کردی.(1)

35. جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: کسب روزی حلال بر تمام مسلمانان (مرد و زن) واجب است.(2)

36. جامع الأخبار: از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین جزء آن کسب روزی حلال است.(3)

37. جامع الأخبار: و نیز پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن در کسب روزی حلال است.(4)

38. جامع الأخبار: ابن عباس روایت کرده است که: هرگاه پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله به مردی نگاه می کرد و از او خوشش می آمد، میپرسید: آیا او شغلی دارد؟ و اگر میگفتند نه؛ میگفت: از چشمم افتاد. پرسیدند: برای چه ای رسول خدا؟ فرمود: برای اینکه مؤمن اگر حرفه ای نداشته باشد، با دینش زندگی را میگذراند {که امری مذموم است}.(5)

1- . ارشاد شیخ مفید: 273
2- . جامع الاخبار: 139
3- . جامع الاخبار: 139
4- . جامع الاخبار: 139
5- .[5] جامع الاخبار: 139

39. جامع الأخبار: و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس از دسترنج خود بخورد، همچون برق (به سرعت) از پل صراط عبور میکند.(1)

40. جامع الأخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هرکس از دسترنج خود بخورد، خدا به او نظر رحمت کند و هرگز او را عذاب نکند.(2)

41. جامع الأخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس از دسترنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به روی وی گشوده می شود، تا از هر طرف که بخواهد به بهشت درآید.(3)

42. جامع الأخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هرکس از دسترنج خود بخورد، در روز قیامت جزو انبیا محسوب میشود و ثواب انبیا را دریافت میکند.(4)

43. أمان الاخطار: در کتاب «مسایل الرجال» مولایمان امام هادی علیه السّلام از محمد بن هارون جلاب نقل شده که میگوید: گفتم: از اجدادتان بر ما روایت شده است که زمانی بر مردم میرسد که چیزی عزیزتر از برادر انیس و کسب مال از راه حلال نیست، سپس ایشان به من جواب داد: ای ابو محمد، چیز ارزشمند وجود دارد، اما زمانی میرسد که چیزی سختتر از به دست آوردن مال حلال و برادر شفیق در نزد خداوند عزّوجل نیست.(5)

44. تنبیه الخواطر: یکی از انصار را نیازی پیش آمد و پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله را از آن آگاه ساخت، پیامبر فرمود: «هرچه در خانه داری بیاور و چیزی را بی ارزش مشمار». آن انصاری به خانه اش رفت و یک نمدزین و کاسهای را نزد رسول الله آورد. ایشان فرمود: «چه کسی اینها را می خرد؟» مردی گفت: آنها را به یک درهم خریدارم. فرمود: «کسی به قیمت بیشتر می خرد؟» مردی گفت: به دو درهم خریدارم. پیامبر فرمود: «مال تو». آنگاه به مرد انصاری گفت: «با یک درهم

1- . جامع الاخبار: 139
2- . جامع الاخبار: 139
3- . جامع الاخبار: 139

4- . جامع الاخبار: 139
5- . أمان الأخطار: 45

طعامی برای خانواده ات فراهم ساز، و با درهم دیگر تبری بخر». (مرد رفت) و با تبری نزد ایشان برگشت، پیامبر فرمود: «چه کسی دسته ای برای این تبر دارد؟» یکی از حاضران گفت: من. پیامبر صلّی الله علیه و آله دسته را گرفت و آن را با دستش بر روی تبر محکم کرد، و به انصاری فرمود: «برو و هیزم جمع کن، و هیچ خار تر و خشکی را اندک مشمار (و همه را بردار!)»، آن مرد چنین کرد و پس از پانزده روز، در حالی که وضع زندگیاش خوب شده بود، نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد. ایشان فرمود: «این کار برای تو نیکوتر از آن است که روز قیامت برسد و بر چهرهات آثار صدقه باشد».(1)

45. الاختصاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس مالی را از راه حرام به دست آورد، (این مال) توشه راه جهنّم او خواهد بود.(2)

46. الاختصاص: و نیز پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود که خداوند عزّوجل میفرمایند: کسی که اهمیت ندهد از چه راهی درهم و دینار به دست میآورد، در روز قیامت نیز اهمیت داده نمیشود که از چه راهی او را وارد جهنم کنند.(3)

47. أمالی الطوسی: گروهی از ابو برده اسلمی روایت کردهاند که میگفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت هیچ بندهای قدم از قدم برنمیدارد، مگر اینکه درباره چهار چیز از او سؤال شود؛ از جسمش که در چه راهی آن را فرسوده کرده، از عمرش که در چه راهی آن را فنا کرده، و از اموالش که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است، و از حب ما اهل بیت.(4)

48. أمالی الطوسی: از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمود: چون کسی مال حرامی به دست آورد، نه حج او قبول می شود، نه عمره او و نه صله رحم او، حتی مال حرام، نکاح را تباه می کند.(5)

1- . تنبیه الخواطر: 37
2- . الاختصاص: 249
3- . الاختصاص: 249
4- . أمالی الطوسی 2: 206

5- . أمالى الطوسى 2: 293

49. امام باقر علیه السّلام فرمود: خداوند- عزّوجل- برای هر کسی روزی حلالی مقدر کرده است که با عافیت به او خواهد رسید. روزی حرام نیز در چشم انداز انسان قرار دارد و اگر انسان چیزی از راه حرام به دست آورد، از روزی حلال او کاسته خواهد شد، غیر از روزی مقدر؛ فضل و کرم خداوند بسیار است (که از دائره تقسیم خارج است و هرکسی می تواند از راه حلال به آن دست پیدا کند) همانطور که خداوند بلند مرتبه فرموده است: «وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِه»،(1) {از فضل خدا درخواست کنید}.

50. دعوات الراوندی: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس از روزی حلال بخورد، تا زمان فارغ شدن او از خوردن، فرشتهای بالای سرش برای او طلب استغفار میکند.

51. و نیز فرمود: بازگرداندن کمتر از درهمی از حرام، نزد خداوند برابر با هفتاد هزار حج مقبول است.

52. و فرمود: هرگاه لقمهای از حرام در شکم بندهای قرار گیرد، تمام فرشتگان موجود در زمین و آسمان بر او لعنت میفرستند.

53. امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: «چهار کس اند که هیچ دعایی از ایشان مستجاب نمی شود: مردی که در خانه اش نشسته، می گوید: بار خدایا! مرا روزی ده، پس به او گفته می شود: آیا تو را به تلاش و جستجو امر نکردم؟ و دیگر، مردی که او را زنی باشد و آن زن بر او غالب آید. پس به او گفته می شود: آیا امر او را به دست تو قرار نداده ام؟ و سوم، مردی که او را مالی بوده و آن را تباه نموده، بعد از آن می گوید: بار خدایا! مرا روزی ده؛ پس به او گفته می شود: آیا تو را به میانهروی و اصلاح امر نکردم؟ سپس این آیه را خواند: «وَ الَّذینَ إِذا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذلِکَ قَواماً»،(2)

{کسانیاند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی میکنند و نه تنگ میگیرند، و میان این دو (روش) حد وسط را برمی

1- . النساء/ 32
2- . الفرقان/ 67

گزینند} و چهارم، مردی که او را مالی باشد و آن را به کسی قرض دهد، بدون شاهد و مدرک. پس به او گفته می شود: آیا تو را امر به گواه گرفتن نکردم؟

54. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: زمانی میرسد که گناهی بر آدمی نوشته نمیشود، و آن زمانی است که به دغدغه معاش مبتلا باشد.

55. نهج البلاغه: علی علیه السلام: هرکس چیزی را طلب کند، به آن و یا بخشی از آن میرسد.(1)

56. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمود: مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش راز و نیاز نماید، ساعتی که در آن به اصلاح معاش خود بپردازد و ساعتی که با خوشیها و لذات حلال و زیبای زندگی دمساز شود. برای انسان عاقل سه ویژگی است: اصلاح معاش، فراهم آوردن توشه برای آخرت، کامجویی از لذتهای مشروع.(2)

57. نهج البلاغه: و فرمود: بزرگترین حسرت در روز قیامت، حسرت کسی است که مالی را از راه غیر طاعت خدا به دست آورد، و مردی مالش را به ارث برد و آن را در راه طاعت خداوند سبحان انفاق کند، پس او را به بهشت وارد کنند و اولی را به جهنم.(3)

58. کنز الکراجکی: از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: «سه کس اند که دعای ایشان مستجاب نمی شود: یکی مردی که در خانه اش نشسته، می گوید: پروردگارا! مرا روزی ده. پس به او گفته می شود: آیا راهی برای طلب روزی برایت قرار ندادم؟ و دیگر مردی که صاحب زنی بد است و میگوید: بار خدایا مرا از دست او رهایی ده! پس به او گفته می شود که: آیا امرش را به دست تو قرار ندادم؟ و دیگری مردی که مالش را بدون شاهد و مدرکی به شخصی (قرض)

1- . نهج البلاغه 3: 247
2- . نهج البلاغه3: 255
3- . نهج البلاغه3: 255

بدهد و شخص بدهکار (قرض) را انکار کند، و مرد او را نفرین کند، پس به او گفته می شود: آیا تو را به گواه گرفتن امر نکردم و انجام ندادی؟(1)

59. عده الداعی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: کسی که در راه تأمین مخارج خانوادهاش زحمت می کشد، مانند مجاهد در راه خداست.(2)

60. عدّه الداعی: امیرالمؤمنین - علیه السّلام - فرمود: معامله کنید - خداوند به شما برکت بدهد - چون من از رسول خدا صلّی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: روزی ده جزء دارد، نُه جزء آن در تجارت است و یک جزء در چیزهای دیگر.(3)

61. عدّه الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمود: یک گناه مرد را کافی است و آن اینکه حق کسی را که برای خانواده اش زحمت می کشد، ضایع کند.(4)

62. عدّه الداعی: و رسول خدا - صلّی اللّه علیه و آله - فرمود: ملعون است، ملعون است، کسی که حق کسی را که برای معاش خانواده اش زحمت می کشد، ضایع کند.(5)

63. عدّه الداعی: و رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: کسی که اهمیت نمی دهد از چه راهی مال به دست بیاورد، خداوند سبحان نیز اهمیت نمی دهد که از چه راهی او را به جهنم بیندازد.(6)

64. عدّه الداعی: شیخ صدوق (ره) از ابو درداء از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: کسی که بدنش سالم، دارای امنیت و مالک مخارج یک روز و شب خود باشد، گویا تمام دنیا را داراست. ای پسر جعشم! کافی است برای تو از مخارج، همان مقداری که گرسنگیات را برطرف سازد. و لباسی که بدنت را بپوشاند. اگر خانه هم داشتی که خوب است و اگر مرکبی هم بر اینها اضافه

1- . کنز الفوائد الکراجکی: 291
2- . عدّه الداعی: 55

3- . عدّه الداعى: 56
4- . عدّه الداعى: 55
5- . عدّه الداعى: 55
6- . عدّه الداعى: 55

شد که خیلی عالی است. اما اگر اینها فراهم نشد، نان و آبت که باشد، کافی است، چون غیر از آن، یا حساب دارد یا عذاب.(1)

65. عدّه الداعی: امام صادق علیه السلام فرمود: من به دنبال حاجتی میروم که خداوند آن را برآورده سازد، و در طلب آن پافشاری میکنم تا خداوند بنگرد که من روزم را در طلب روزی حلال سپری می کنم، مگر سخن خدای بزرگ را نشنیده ای که فرمود: «فَإِذا قُضِيَتِ الصَّلاةُ فَانْتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّه»،(2) و چون نماز گزارده شد، در (روی) زمین پراکَنده گردید و فضل خدا را جویا شوید.} آیا دیدهای که کسی وارد خانهای شود و درآن را گل بگیرد، پس از آن بگوید: روزی من از آسمان برایم فرود میآید، آیا چنین چیزی ممکن است؟ او جزء یکی از سه گروهی است که دعایشان مستجاب نمی گردد. راوی می گوید: از حضرت پرسیدم، آن سه گروه چه کسانی هستند؟ فرمود: اول: کسی که همسری دارد (و از او راضی نیست) و او را نفرین می کند، این نفرین، مستجاب نمی شود، چون اختیار نگهداری این زن به دست خود اوست، اگر خواست رهایش می کند (و طلاقش می دهد). دوم: آن که بر دیگری حقی دارد (چیزی از او طلبکار است)، اما کسی را به عنوان شاهد قرار نداده، آن بدهکار هم انکار مینماید، پس (شخص طلبکار) او را نفرین میکند، اما مستجاب نخواهد شد، زیرا او فرمان الهی (گرفتن شاهد) را ترک نموده است. سوم: فردی که مالی دارد، در خانه می نشیند و به دنبال روزی نمیرود تا آن مال را می خورد، آنگاه دعا می کند (که خداوند به او روزی بدهد)، این دعا نیز مستجاب نمی گردد.(3)

66. عدّه الداعی: امام صادق علیه السلام فرمود: وضع مالی مردی از اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله سخت گردید و زنش به او گفت: کاش پیش پیامبر می رفتی و از او درخواست می کردی. آن مرد پیش پیامبر آمد، شنید که حضرت فرمود: هر کس از ما درخواست کند او را اجابت میکنیم و هر کس بی نیازی پیشه

1- . عدّه الداعی: 56
2- . جمعه/ 10
3- . عدّه الداعی: 63

کند، خداوند او را بی نیاز می سازد. مرد (با خود) گفت، بیشک مقصودش من هستم، پس به سوی زنش برگشت و او را از ماجرا باخبر ساخت. زن گفت: رسول خدا صلّی الله علیه و آله نیز یک انسان است، از حالت او را آگاه کن! دوباره پیش پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد؛ وقتی آن حضرت او را دید فرمود: هرکس از ما درخواست کند او را اجابت میکنیم و هر کس بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز می سازد. تا سه مرتبه این کار را انجام داد (و هر بار همین را شنید). سپس آن مرد رفت و تبری قرض کرد به کوه آمد و از آن بالا رفت و هیزمی جمع آوری کرد و آن را آورد و به نصف چارک آرد فروخت، فردا نیز روانه گردید و بیشتر از قبل هیزم آورد و فروخت و به این کار ادامه داد و مال بیشتری جمع کرد تا آنکه تبری خرید، سپس مقدار بیشتری پس انداز نمود و با آن دو شتر جوان و یک غلام خرید و به تدریج توانگر شد و وضع مالیاش بهبود یافت؛ آنگاه نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد و او را از داستان مطلع کرد و قصه آمدن خود و گفتار آن حضرت را برای ایشان تعریف کرد. حضرت فرمود: من گفته بودم، هر کس از ما درخواست کند او را اجابت میکنیم و هر کس بی نیازی جوید، خداوند او را بی نیاز می سازد.(1)

67. عدّه الداعی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: کسی که مال حرامی را به دست آورد و از آن صدقه دهد، اجر داده نمی شود و اگر از آن انفاق کند، برکت نمی یابد و آن را بعد از مرگش باقی نمی گذارد جز آنکه توشه او به سوی آتش باشد.(2)

68. عدّه الداعی: و از امیرالمؤمنین علیه السّلام در مورد بدبخترین مردم سؤال شد، فرمود: مردی که دنیا را برای دنیا ترک کند در نتیجه، هم دنیا از او فوت شود و هم در آخرت دچار خسران شود، و مردی که عبادت کند و روزه بگیرد ولی این اعمالش از روی ریا باشد، این فرد، کسی است که لذات دنیا را به خاطر ریا بر خود حرام ساخته و دچار زحمتی شده که اگر خالصانه می بود، مستحق ثواب آن می شد. چنین فردی، وارد صحنه قیامت می شود، در حالی که گمان می کند عملی به

1- . عدّه الداعی: 71
2- . عدّه الداعی: 73

همراه دارد که موجب سنگینی اعمال نیکش گردیده، ولی آن را بر باد رفته می یابد. از او می پرسند: حسرت چه کسی بیشتر است؟ می گوید: آن کس که مال خود را در تو رازو و میزان دیگری ببیند، در حالی که او به سبب (کسب حرام) آن مال، وارد جهنم می شود و وارثش به سبب (مصرف حلال و انفاق و ادای حقوق) آن، به بهشت می رود. سؤال شد: چطور چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: چنان که یکی از برادرانمان از مردی برایم تعریف کرد که در حال جان دادن شخصی وارد خانه وی شد آن شخص به او گفت: ای فلانی، نظر تو در مورد صد هزار (درهم و دیناری) که داخل این صندوق است و زکاتش را ندادم چیست؟ گفتم، برای چه جمع کردی؟ گفت: برای ادای حقوق سلطان (مالیات) و فخر فروشی بر بستگان و ترس از فقر خانواده و حوادث روزگار. او ادامه داد: پس هنوز این مرد از خانهاش بیرون نیامده بود که جان داد. پس علی علیه السّلام فرمود: سپاس خدایی را که او را به خاطر جمع اموال از راه باطل، با ملامت از دنیا برد؛ اموالی که در کیسه ریخت و سرش را محکم بست و حقوق صاحبانش را به آنها پرداخت نکرد و برای جمعآوری آن، بیابانهای بی آب و علف و صحراهای خشک و سوزان را در نوردید و در دل دریاها سفر کرد. ای آگاه! فریب مخور، چنان که رفیقت دیروز فریب خورد، زیرا بیشترین حسرت در روز قیامت از آن کسی است که مال خود را در تو رازوی دیگری ببیند و خدای تعالی او (شخص وارث) را به خاطر آن مال وارد بهشت سازد و او را وارد آتش کند.(1)

69. عدّه الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمود: بزرگتر از این حسرت را مردی دارد که مال زیادی را با زحمت بسیار و رویارویی با حوادث و سفر به سرزمینهای مختلف جمع کند، سپس مال خود را در راه صدقات و اعمال خیر فنا کند و جوانی و قوّت خود را در عبادت و نماز از بین ببرد، ولی برای حضرت علی بن ابی طالب حقی (ولایت) قایل نباشد و مقام او را در اسلام به رسمیت نشناسد و کسی را که یک دهم و بلکه یک صدم او ارزش ندارد، بالاتر از ایشان بداند. بر ادله واقف می شود، ولی در مورد آن تأمل نمی کند و وقتی با آیات و روایات برایش

1- . عدّه الداعی: 74

استدلال می نمایند، ابا میکند و جز بر گمراهی اش نمی افزاید. این چنین شخصی، حسرتش از هر حسرتی عظیمتر است و در روز قیامت وارد می شود در حالی که صدقاتش بسان افعی برای او متمثل می شود و او را می گزد و نمازها و عباداتش بسان فرشتگان دوزخ تمثل یافته و او را به جهنم می کشانند. می گوید، وای بر من! مگر من از نمازگزاران نبودم! آیا من از زکات دهندگان نبودم! آیا از اموال و زنان مردم پرهیز نکردم! پس چرا به این مصیبت و بلا گرفتار شدم؟ به او گفته می شود: ای بدبخت! عملت برایت نفعی ندارد، زیرا تو بزرگترین واجب الهی را بعد از توحید خدا و ایمان به نبوت حضرت محمد صلّی الله علیه و آله ضایع کردی و شناخت حقانیت علی علیه السّلام، ولیّ خدا را که بر تو واجب بود، ترک نمودی و خود را ملتزم به پیروی از دشمنان خدا که بر تو حرام بود، کردی. اگر بجای این اعمالت، خدای را از اول دنیا تا آخرش عبادت می کردی و به جای این صدقاتت، همه اموال دنیا، بلکه به اندازه تمام مساحت زمین طلا صدقه می دادی، آن اعمال و صدقاتت جز دوری از رحمت خدا و نزدیک شدن به خشم خدا برای تو چیزی به ارمغان نمی آورد.(1)

70. عدّه الداعی: از مولایمان امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت شده است: ایشان وقتی از جهاد فارغ می شد، به تعلیم مردم و قضاوت بین آنان میپرداخت و هنگامی که از آن امر فارغ می شد، در باغ خود مشغول کار می گردید و با این همه، یاد خدای تعالی می نمود.(2)

71.عدّه الداعی: از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هرکس تا چهل روز، روزی حلال بخورد، نور خدا در قلب او جای میگیرد.(3)

72. عدّه الداعی: و فرمود: خداوند متعال فرشته ای دارد که هر شب بر بیت المقدس این گونه ندا می دهد: کسی که حرامی بخورد، نه عمل مستحبی از او قبول می شود و نه عمل واجبی.(4)

1- . عدّه الداعی: 74
2- . عدّه الداعی: 81
3- . عدّه الداعی: 110
4- . عدّه الداعی: 110

73. عدّه الداعی: و از آن حضرت روایت شده است که فرمود: عبادت با خوردن مال حرام، همچون بنایی بر روی شن - و گفته شده بر روی آب - است.(1)

74. اعلام الدین: عیسی بن موسی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ای عیسی! اموال و دارایی از آن خداوند بزرگ است که آن را نزد بندگان خود به امانت گذاشته و به آنان امر کرده است تا با میانه روی از آن بخورند و بیاشامند، و بپوشند، و با میانه روی از آن برای ازدواج هزینه کنند و مرکب بخرند؛ و آنچه باقی می ماند را به فقرای مؤمن بدهند؛ پس هر کس از این روش (میانه روی) سرپیچی کند، هر آنچه از آن دارایی بخورد و بنوشد و بپوشد و به وسیله آن ازدواج کند و مرکب بخرد، حرام است.

75. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: امت من در دنیا سه دستهاند: دسته اول کسانی هستند که ثروت اندوزی و انباشتن اموال را دوست ندارند و در حفظ و احتکار آن کوشش نمی کنند و رضایت دنیوی شان تنها در حد رفع گرسنگی و پوشاندن عورت است و هرآنچه که در دنیا به آنان ثواب اخروی برساند، آنها را بینیاز میسازد. ایشان کسانی هستند که در امنیت اند و هیچ ترس و اندوهی بر آنان نیست. دسته دوم: کسانیاند که به ثروت اندوزی از راههای پاک و حلال علاقه مندند و با آن صله ارحام میکنند و به برادران نیکویی میورزند و با فقرا همراهی میکنند و اگر یکی از آنان بر روی آهنی گداخته عذاب بیند، برایش آسانتر است که درهمی از غیر حلال کسب نماید یا حقی را منع کند یا اینکه خازن اموال تا روز مرگش باشد، اینان کسانی هستند که اگر به دقت حسابرسی شوند، عذاب می بینند و اگر عفو شوند، ایمن می مانند. امّا طبقه سوم: کسانیاند که جمع مال را، خواه از حلال و خواه حرام دوست دارند و از ادای واجبات ابا میورزند و اگر آن را انفاق کنند با اسراف و زیادهروی انفاق میکنند و اگر آن را امساک کنند، با بخل و احتکار امساک میکنند.

1- . عدّه الداعی: 110

76. پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس مالی حرام کسب کند، خدا نه صدقه او را می پذیرد و نه بنده آزاد کردن و نه حج گزاردن و نه عمره او را، و به اندازه پاداش این اعمال، برای او گناهانی سنگین می نویسد؛ و آنچه از وی پس از مرگش بر جای بماند، توشه راه جهنّم او خواهد بود. و هر کس بر حرام دست یابد و از ترس خدا آن را رها کند، خداوند او را مورد دوستی و رحمت قرار می دهد، و می فرماید تا او را به بهشت ببرند.

77. کتاب الغایات: از سلمان که رحمت خدا بر او باد، سؤال شد: کدام اعمال برتر است؟ جواب داد: ایمان به خداوند و نان حلال از بهترین اعمال است.(1)

78. کتاب الامامه و التبصره: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: کسی که به دنبال روزی حلال برود، همچون مجاهد در راه خداست.

79. امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: پس از نماز واجب، کار کردن (و داشتن کسب و کار) واجب است.

80. امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت نموده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین جزء آن کسب روزی حلال است.

81. و نیز از ایشان طبق این اسناد روایت شده که: عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن در کسب روزی حلال است.

1- . کتاب الغایات: 71

باب دوم : میانه روی در طلب روزی

آیات:

- «إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ»(1)

{براستی که خدا بر هرکس بخواهد بیشمار روزی میدهد. }

- «اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ»(2)

{خدا روزی را برای هر که بخواهد، گشاده یا تنگ میکند. }

- «وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلاَّ عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»(3)

{و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم. }

- «وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَکُمْ عَلی بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ»(4)

{و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. }

- «إِنَّ رَبَّکَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ إِنَّهُ کانَ بِعِبادِهِ خَبیراً بَصیراً»(5)

{بی گمان، پروردگار تو برای هر که بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می گرداند. در حقیقت، او به [حال] بندگانش آگاه بیناست. }

- «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها لا نَسْئَلُکَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُکَ»(6)

{و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم. }

1- .آل عمران/ 37
2- . رعد/26
3- . حجر/ 21
4- .[4] نحل/ 71

5- . اسراء/ 30
6- . طه/ 132

- «وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ»(1)

{و خدا [ست که] هر که را بخواهد بی حساب روزی می دهد.}

- «وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُها وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ»(2)

{و چه بسیار جاندارانی که نمی توانند متحمّل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می دهد، و اوست شنوای دانا.}

- «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ»(3)

{خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می گرداند و [یا] بر او تنگ می سازد، زیرا خدا به هر چیزی داناست.}

- «أَوَ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُون»(4)

{آیا ندانسته اند که [این] خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می گرداند؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می آورند عبرتهاست.}

- «اللَّهُ الَّذى خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُم»(5)

{خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید.}

- «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّه»(6)

{بگو: «کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «خدا».}

- «قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْ ءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقين»(7)

1- . نور/ 38
2- .[2] عنكبوت/ 60
3- . عنكبوت/ 62
4- . روم/ 37
5- . روم/40
6- . سبأ/ 24
7- . سبأ/ 39

{بگو: «در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می گرداند. و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می دهد. و او بهترین روزی دهندگان است.» }

- «هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْض»(1)

{آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ }

- «لَهُ مَقاليدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ»(2)

{کلیدهای آسمانها و زمین از آنِ اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می گرداند. اوست که بر هر چیزی داناست. }

- «اللَّهُ لَطيفٌ بِعِبادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزيزُ»(3).

{خدا نسبت به بندگانش مهربان است: هر که را بخواهد روزی می دهد و اوست نیرومند غالب. }

- «وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبادِهِ لَبَغَوْا فِى الْأَرْضِ وَ لكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ ما يَشاءُ إِنَّهُ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ»(4)

{و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلّماً در زمین سر به عصیان برمی دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه ای [که مصلحت است] فرو می فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاهِ بیناست. }

- «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّهِ الْمَتين»(5)

{خداست که خود روزی بخشِ نیرومندِ استوار است. }

- «وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنى وَ أَقْنى»(6)

{و هم اوست که [شما را] بی نیاز کرد و سرمایه بخشید. }

1- . فاطر/ 3
2- . شوری/ 12
3- . شوری/ 19
4- . شوری/ 27
5- .[5] ذاریات/ 58
6- .[6] نجم/48

- «وَ إِذا رَأَوْا تِجارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْها وَ تَرَكُوکَ قائِماً قُلْ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجارَهِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقين»(1)

{و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند، به سوی آن روی آور می شوند، و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می کنند. بگو: «آنچه نزد خداست، از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است، و خدا بهترین روزی دهندگان است.» }

- «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا*وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْرا»(2)

{و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد. و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرّر کرده است. }

روایات:

1. کنزالفوائد: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: ثروت در کثرت نمایش مال نیست بلکه در غنای نفس است.(3)

2. کنزالفوائد: و فرمود: سه ویژگی از صفات اولیاء خداوند است: اطمینان به خداوند در هر چیزی، بی نیاز از هر چیزی با - تکیه بر - خدا و نیازمندی به او در هر چیزی.(4)

3. کنزالفوائد: و فرمود: آیا شما را از بدبخت‌ترین مردم باخبر سازم؟ گفتند: آری یا رسول اللّه، فرمود: آنکه فقر دنیا و عذاب آخرت بر او گرد آید، پناه برخدا از آن.(5)

1- . جمعه/ 11
2- . طلاق/ 3-2
3- . کنزالفوائد: 288
4- . کنزالفوائد: 288
5- . کنزالفوائد: 288

4. کنزالفوائد: امیرمؤمنان علی علیه السّلام فرمود: فقر، برهان شخص خردمند را ضایع میکند، فقیر در شهر خود هم غریب است، و هرکس دری از درخواست - از مردم - را به روی خود بگشاید، خداوند دری از فقر را به سویش میگشاید.(1)

5. کنزالفوائد: و فرمود: عفاف و پارسایی زینت فقر و شکرگزاری زینت توانگری است.(2)

6. کنزالفوائد: و فرمود: هرکس جامه بینیازی بر تن کند، عیوبش از دیده ها پنهان ماند.(3)

7. کنزالفوائد: و فرمود: هرکس تنگدستی خویش را بر مردم آشکار سازد، خود را رسوا کرده است، بهترین بینیازی، ترک درخواست (گدایی) و بدترین فقر، تن دادن به زبونی است.(4)

8. کنزالفوائد: و فرمود: با خداوند از هر کس که میخواهی مستغنی شو تا مانند او شوی، دست نیاز به سوی هر کس میخواهی دراز کن تا اسیر او گردی و به هر کس میخواهی بخشش کن تا امیر او شوی.(5)

9. کنزالفوائد و فرمود: هیچ ثروتی فقر را از بین نمیبرد، مگر قناعت(6) (جز قناعت پیشه ساختن، هیچ ثروتی فقر را از بین نمیبرد).

10. کنزالفوائد: روایت است که آب بر سنگی ریخت و بر آن این نوشته نمایان شد: فقر و توانگری، تنها پس از عرضه به پیشگاه خداوند آشکار میشوند.(7)

11. کنزالفوائد: مردی به امام صادق علیه السّلام گفت: مرا موعظه کن، امام فرمود: فقر و طول عمر را بر خود تلقین نکن.(8)

1- . کنزالفوائد: 289
2- . کنزالفوائد: 289
3- . کنزالفوائد: 289
4- . کنز الفوائد: 289
5- . کنزالفوائد: 289

6- . كنزالفوائد: 289
7- . كنزالفوائد: 289
8- . كنزالفوائد: 289

12. کنزالفوائد: و گفتند: هرکس با تکیه بر خدا مستغنی شود، مردم به او نیازمند می شوند.(1)

13. کنزالفوائد: و این شعر از امیرالمؤمنین علیه السّلام خوانده شد:

یعنی: دنیا را با هرآنچه میشود دفع کن، دنیا را با هر آنچه بریده میشود از خود ببُر.

انسان بیهوده به دنبال بینیازی است، بینیازی در خویشتن است اگر قناعت پیشه کند.

14. کنزالفوائد: از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت است که فرمود: بسیار استغفار کنید چرا که باعث افزایش روزی میشود.(2)

15. کنز الفوائد: و فرمود: هرکس به روزی اندک راضی باشد، خداوند تعالی به اعمال اندکی از او راضی میشود.(3)

16. کنزالفوائد: و روایت شده که خداوند بزرگ به عیسی بن مریم علیه السّلام وحی کرد: کسی که روزی دادن مرا کند شمارد، باید بر حذر باشد از اینکه خشمگین شوم و دری از دنیا را بر وی بگشایم (و گرفتار دنیا شود) (4)

17. کنزالفوائد: امیرمؤمنان علی علیه السّلام فرمود: روزی دو نوع است، روزیای که تو آن را طلب میکنی و روزیای که خود تو را طلب میکند و اگر به دنبال آن نروی به دنبالت میآید.(5)

18. کنز الفوائد: و فرمود: هرکس نیت خویش را نیکو سازد، روزیاش فزونی یابد.(6)

19. عدّه الداعی: رسول خدا صلی الله علیه و آله به برخی از اصحاب خود فرمود: حالت چگونه خواهد بود اگر زنده بمانی و قومی را ببینی که به خاطر ضعف

1- . کنزالفوائد: 289

2- . كنزالفوائد: 290
3- . كنزالفوائد: 290
4- . كنزالفوائد: 290
5- . كنزالفوائد: 290
6- . كنزالفوائد: 291

ایمانشان، خرج یک سالشان را ذخیره می کنند؟ مبادا هنگام صبح، فکرت را به شب مشغول سازی (اندوهگین مخارج شب باشی) و هنگام شب، در فکر صبح باشی، در حالی که تو نمی دانی فردا نامت چیست (آیا نامت زنده است یا مرده؟).(1)

20. عدّه الداعی: و نیز فرمود: هرکس اموالش را (با اسراف) هدر دهد، خداوند متعال او را فقیر میسازد.(2)

21. عدّه الداعی: و فرمود: کسی که میانه روی پیشه کند، نیازمند نمیشود.(3)

22. عدّه الداعی: در وحی کهن آمده: ای فرزند آدم! من تو را از خاک و سپس از نطفه آفریدم و این کار برایم دشوار نبود، آیا (تو میپنداری) رساندن قرص نانی به تو برایم دشوار است؟(4)

23. عدّه الداعی: و از جمله سخنانی که خداوند بر داوود نبی علیه السّلام وحی فرستاد این است: هر کس به من روی کند و از غیر من قطع امید بنماید، او را کفایت می کنم.(5)

24.عدّه الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمود: جبرئیل خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آمد، و عرض کرد: یا رسول الله! خداوند بزرگ مرا فرستاده که هدیه ای به تو تقدیم نمایم که به احدی قبل از تو نداده است. پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: من پرسیدم: آن چیست؟ گفت: «صبر». بهتر از صبر هم هست. گفتم: بهتر از صبر چیست؟ گفت: قناعت و بهتر از آن هم هست. گفتم: چیست؟ گفت: رضا (خشنودی) و بهتر از آن نیز هست. پرسیدم: بهتر از رضا چیست؟ جواب داد: «زهد» و بهتر از آن هم هست. گفتم: بهتر از زهد چیست؟ گفت: «اخلاص» و نیکوتر از آن نیز هست. گفتم: نیکوتر از اخلاص چیست؟ پاسخ گفت: «یقین» و بهتر از آن هم هست. پرسیدم: ای جبرئیل آن چیست؟ گفت: نردبان رسیدن به همه اینها، و آن «توکّل» بر خدای عزّوجل است. گفتم: ای جبرئیل! تفسیر «توکل» بر

1- . عدّه الداعی: 57

2- . عدّه الداعی: 57
3- . عدّه الداعی: 57
4- . عدّه الداعی: 64
5- . عدّه الداعی: 65

خدا چیست؟ گفت: دانستن اینکه مخلوق (خدا)، نه ضرری می رساند نه نفعی، نه چیزی میبخشد، نه مانع چیزی می گردد، و اینکه نباید به مخلوق خدا امید بست؛ وقتی بنده به این درجه (از آگاهی) رسید، آنگاه برای غیر خدا کار نمی کند و قلبش به بیراهه نمی رود و از غیر او نمی هراسد و به غیر او دل نمی بندد، این است معنای توکل. پیغمبر صلّی الله علیه و آله فرمود: گفتم ای جبرئیل، معنای «صبر» چیست؟ گفت: آن است که انسان در سختی شکیبائی نماید آن طور که در شادمانی رفتار میکند، و در نیازمندی صبور باشد، چنان که در بی نیازی صبور است، در سختی و رنج، صابر باشد آن طور که زمان عافیت، صابر است. و هرگز به خاطر بلاهای روزگار، نزد مخلوق لب به شکایت از خالقش نگشاید. گفتم: تفسیر «قناعت» چیست؟ گفت: اینکه به آنچه از دنیا به وی می رسد، قانع باشد، با کم بسازد و اندک را شکرگزاری کند. گفتم: پس تفسیر «رضا» چیست؟ فرمود: راضی کسی است که چه روزگار او را در فشار قرار دهد و چه ندهد، بر مولای خود خشم نمی گیرد، و به عمل اندک از خودش خشنود نمی گردد. گفتم: ای جبرئیل! تفسیر «زهد» چیست؟ پاسخ داد: زاهد دوست می دارد آنچه را آفریدگارش دوست دارد، و دشمن می دارد هر چه را خالقش دشمن دارد، و از حلال دنیا دوری می کند، و به حرام آن التفاتی ندارد، زیرا حلالش حساب دارد و حرامش عقاب، و با همه مسلمانان چنان مهربان است که نسبت به خود، و از سخن گفتن چنان ابا میکند که از حرام ابا دارد، از پرخوری چنان پرهیز می نماید که از مردار سخت متعفّن شده پرهیز دارد، و از مال دنیا و آرایش آن دوری می نماید همچون پرهیز از آتشی که می خواهد او را فرا گیرد، و آرزویش را کوتاه می سازد، و اجلش را میان دو چشم خود می بیند. گفتم: ای جبرئیل! معنای «اخلاص» چیست؟ گفت: مخلص (کسی که کار بی ریا انجام دهد) کسی است که از مردم چیزی نخواهد تا خود بیابد، و اگر یافت، خرسند گردد، و هرگاه نزد او چیزی اضافه باشد، آن را در راه خدا می بخشد، و درخواست نکردن او از دیگران، خود اقراری است به بندگی خدا و وقتی چیزی مییابد، بدان راضی می گردد (و از کم یا زیادش شکایت نمی کند)، هم او از خدا راضی است هم خدا از او، بخشیدنش در حالی است که خود بدان نیازمندتر و سزاوارتر است. گفتم: پس

تفسیر «یقین» چیست؟ گفت: انسان اهل یقین، کسی است که طوری برای خدا کار می کند که گویا او را می بیند. و (یقین دارد) اگر او خدا را به چشم نمی بیند، امّا خداوند شاهد وی می باشد و شکی ندارد که آنچه به او رسیده (از غم و شادی و غیره) باید به او میرسید و آنچه به او نرسیده، نباید میرسید (تمام آنها از روی حساب بوده) و همه اینها از شاخه های توکّل و درجات زهد است.(1)

25. عدّه الداعی: از امام صادق علیه السّلام درباره سخن خداوند تبارک و تعالی: «وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِکُون»، {و بیشترشان به خدا ایمان نمیآورند، جز اینکه (با او چیزی را) شریک میگیرند.} چنین روایت شده که فرمودند: این (شرک) همان سخن مردی است که می گوید: اگر فلانی نبود، کار من زار بود؛ اگر فلانی نبود، به چنین و چنان نمی رسیدم؛ اگر فلانی نبود، خانواده ام گرفتار می شد... مگر نمی بینی که چنین فردی برای خداوند در حکومتش شریک قرار داده است که آن شریک به او روزی می رساند و ضرر را از او دفع میکند. راوی می گوید: گفتم پس بگوید: اگر خداوند متعال به واسطه فلانی بر من منّت نمی گذاشت، هلاک و گرفتار می شدم؟ فرمود: بله، (امثال این سخنان) اشکالی ندارد.(2)

26. عده الداعی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: امت من در دنیا سه دستهاند: دسته اول کسانی هستند که ثروت اندوزی و انباشتن اموال را دوست ندارند و در حفظ و احتکار آن کوشش نمی کنند و رضایت دنیوی اشان تنها در حد رفع گرسنگی و پوشاندن عورت است و هر آنچه که در دنیا به آنان ثواب اخروی برساند، آنها را بینیاز میسازد. ایشان کسانی هستند که در امنیت اند و هیچ ترس و اندوهی بر آنان نیست. دسته دوم: کسانیاند که به ثروت اندوزی از راههای پاک و حلال علاقهمندند و با آن صله ارحام می کنند و به برادران نیکویی میورزند و با فقرا همراهی میکنند و اگر یکی از آنان بر روی آهنی گداخته عذاب بیند، برایش آسانتر است که درهمی از غیرحلال کسب نماید یا حقی را منع کند یا اینکه خازن

1- . عده الداعی: 65
2- . عده الداعی: 70

اموال تا روز مرگش باشد، اینان کسانی هستند که اگر به دقت حسابرسی شوند، عذاب می بینند و اگر عفو شوند، ایمن می مانند. امّا طبقه سوم: کسانیاند که جمع مال را، خواه از حلال و خواه حرام و نیز خودداری از ادای واجبات دوست دارند و اگر آن را انفاق کنند، با اسراف و زیادهروی انفاق میکنند و اگر آن را تنگ گیرند، با بخل و احتکار تنگ خواهند گرفت؛ آنها کسانی هستند که دنیا زمام امورشان را در دست گرفته تا اینکه آنها را به خاطر گناهانشان وارد جهنم کند. (1)

27. عدّه الداعی: و پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: از مال بپرهیزید! در گذشته مردی بود که اموال و اولادی داشت و آن اموال را برای خود و خانوادهاش جمعآوری و ذخیره کرده بود، روزی ملک الموت در لباس درویشان به در خانه اش آمد و در زد، پس خدمتگزاران جلوی در آمدند. فرمود: اربابتان را صدا کنید. گفتند: آیا آقای ما برای امثال تو از خانه برون می آید! او را کنار زدند و از جلوی در دورش کردند. بار دیگر به همان هیبت و حالت پشت در آمد و فرمود: اربابتان را صدا بزنید و او را باخبر کنید که ملک الموت آمد. وقتی اربابشان این سخن را شنید، از ترس نشست و به خدمتگزارانش گفت: با او به نرمی سخن گویید! و به او بگویید: شاید در طلب غیر از آقای ما هستی - درود خدا بر تو باد - ملک الموت به ایشان گفت: خیر و داخل شد و به او گفت: برخیز! و آنچه می خواهی وصیت کن؛ زیرا من روح تو را قبل از خروج از خانه می گیرم. خانواده اش فریاد زدند و گریه کردند، پس آن مرد گفت: صندوقها را باز کنید و مقدار طلا و نقره اش را یادداشت کنید، سپس رو به مالش کرد، در حالی که آن را دشنام می داد و میگفت: لعنت خدا بر تو باد ای مال! پروردگارم را از یادم بردی و از کار آخرت مرا غافل ساختی تا آنکه به امر خدا (مرگ) ناگهان بر من وارد شد. خدای تعالی مال را به سخن آورد و گفت: چرا مرا دشنام می دهی، در حالی که ملامت بر تو بیش از من رواست!؟ آیا تو در چشمان مردم پست نبودی و مردم به خاطر من تو را (مقامت) بالا بردند؟ آیا به درهای سلاطین و بزرگان که صالحان نیز در آن حضور مییافتند، حاضر نمی شدی و تو قبل از آنها داخل می شدی و ایشان بعد از تو؟ آیا از دختران سلاطین و

1- . عده الداعی: 73

بزرگان خواستگاری نمیکردی، حال آنکه صلحا و خوبان هم خواستار آنان بودند، اما به تو جواب مثبت میدادند و آنان را رد می کردند؟ اگر در راه خیر هم مرا می بخشیدی من امتناع نمی کردم و اگر در راه خدا انفاق می کردی، کاسته نمیشدم! از چه روی مرا دشنام می دهی حال آنکه تو لئیم تری؟ تو و من هر دو از خاک هستیم و من بدون گناه به خاک برمی گردم و تو به گناه مالداری رهسپار می شوی. مال چنین به صاحبش می گوید.(1)

28. عده الداعی: ابو سعید خدری روایت کرده است: هنگام برگشتن از احد، از رسول خدا صلّی الله علیه و آله، در حالی که مردم دورش را گرفته بودند و ایشان به درختی تنومند تکیه داده بود، شنیدم که میفرمود: ای مردم! به اصلاح آخرتتان روی بیاورید و از آنچه که از دنیایتان ضمانت شده، دوری کنید. اعضا و جوارحی را که با نعمت خدا پرورده شده، در خشم و معصیت خدا به کار نگیرید و خود را به طلب آمرزش مشغول سازید. همت خود را صرف طاعت خدا کنید که همانا هرکس به دنبال بهره اش از دنیا باشد، بهره آخرتش را از دست میدهد و به خواستههای دنیویاش نیز دست نمییابد؛ و اما کسی که در پی بهره آخرتش باشد، بهره دنیویاش نیز به او میرسد و به خواستههای اخرویاش دست مییابد.(2)

29. و پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال به عمل اخروی، (بهره) دنیا را به بندهاش میبخشد، (اما) به عمل دنیوی (بهره) آخرت را به او عطا نمیکند.

30. اعلام الدین دیلمی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه برایش دری باشد که اعمالش از آن بالا رود و دری که روزیاش از آن فرود آید و چون بمیرد (آسمان و زمین) بر او گریه کنند، همانطور که خداوند بلندمرتبه فرمودند: «فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ»،(3) {و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند.}

1- . عده الداعی: 75
2- . عده الداعی: 229
3- . دخان/ 29

31. مسکن الفؤاد: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: وقتی که روز قیامت فرا رسد، خداوند به گروهی از امتم پر و بال دهد تا از آرامگاهشان به سمت بهشت پرواز کنند. در آنجا مسرورند و هر طور که بخواهند، در رفاه و نعمت بسر می برند، و فرشتگان به آنها میگویند: آیا شما حساب شدید؟ جواب می دهند؛ ما حسابی ندیدیم. میپرسند: آیا در پل صراط مجازات شدید؟ جواب می دهند: ما پل صراطی ندیدیم. میپرسند: آیا جهنم را دیدید؟ می گویند: ما چیزی ندیدیم. آنگاه فرشتگان می گویند: شما از امت کدام پیامبرید؟ جواب می دهند: از امت حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله. فرشتگان می گویند: شما را به خدا سوگند، بگویید؛ کار شما در دنیا چه بود؟ می گویند: ما دو خصلت داشتیم که خداوند بدان وسیله به لطف و رحمت خود این مقام را بر ما ارزانی کرد. می پرسند: آن دو خصلت چه بودند؟ می گویند: ما در خلوت از خدا شرم می کردیم که مرتکب گناه شویم، دیگر آنکه به روزی اندکی که خداوند برایمان مقدر کرده بود، راضی بودیم. فرشتگان می گویند، این مقام زیبنده شماست.(1)

32. اعلام الدین: امام علی علیه السّلام فرمود: دنیا در گردش است، پس بهره خود را از آن، به معتدل ترین شکل طلب کن.

33. و فرمود: هرکس مرگ را بسیار یاد کند، به اندک چیزی از دنیا راضی میشود.

34. امام صادق علیه السّلام فرمود: هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، شوق عبادت را در دل او میافکند و قناعت را پیشه او میسازد و او را به فهم عمیق دین نایل میگرداند و بر دل او با یقین نیرو میبخشد، چنین انسانی به روزی مورد نیاز (خود) بسنده کرده و جامه عفاف بر تن میکند؛ و چون خداوند از بنده ای متنفر باشد، مال را محبوب او گرداند، و فراوان در اختیارش نهد، و فکر او را مشغول دنیا سازد، و او را به هوای نفسش بسپارد؛ پس چنین انسانی سرکشی کند، و به گستردن فساد بپردازد، و بر بندگان خدا ستم کند.

1- . مسکن الفؤاد: 10

35. امام حسن عسکری علیه السّلام فرموده اند: تا می توانی چیزی از دیگران درخواست نکن، چون هر روز را روزی تازه ای است و بدان که اصرار در درخواست، ارزش و بهای آدمی را زایل می سازد و رنج و سختی را بر جای می گذارد، پس صبر کن تا خداوند متعال دری به روی تو بگشاید که ورود بر آن آسان باشد. چه نزدیک است احسان به انسان اندوهگین، و امان دادن به فرد ترسیده. و چه بسا تغییر حالات انسان (از توانگری به فقر، از سلامتی به بیماری و...) نوعی از تربیت الهی باشد. بهره و روزی مراتبی دارد، پس در چیدن میوه ای که نرسیده شتاب مکن، چون هرگاه وقتش برسد، بدان خواهی رسید. بدان، آن کس که مدبر توست، بهتر می داند که چه وقتی برای تو مناسب تر است، بنابراین، به اختیار و انتخاب او در تمام کارهایت اعتماد کن تا حالت اصلاح شود و در حاجات خود، قبل از رسیدن زمانش، شتاب نکن که مایه دلتنگی و بیتابی می گردد، و تو را گرفتار ناامیدی می سازد.

36. امام حسن عسکری علیه السّلام فرموده اند: تقدیر با ستیز تغییر نمیکند و روزی مقدر شده با حرص و ولع به دست نمیآید و با امساک، دفع نمیشود.

37. از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! همانا روزی تقسیم شده است و هیچ انسانی از آنچه که برایش مقدر شده، سهم بیشتری نمیبرد، پس در طلب روزی میانهروی پیشه کنید. و عمر کوتاه است و هرگز کسی از مدت معینی که برایش تعیین شده، تجاوز نمیکند، پس قبل از رسیدن اجل (برای فراهم آوردن توشه آخرت) بشتابید و اعمال محاسبه می شوند. فرمود: هیچ عمل کوچک و بزرگی نادیده گرفته نمیشود، پس بسیار عمل صالح انجام دهید، به راستی که در قناعت، فراوانی (نعمت) و در میانهروی، کفایت (روزی کافی) و در زهد، راحتی است. هر عملی جزایی دارد و هر آیندهای نزدیک است.

38. و نیز فرمود: با فضیلت ترین مردمان، بنده ای است که از دنیا به اندازه کفاف به دست آورد، و در زندگی عفاف ورزد، و برای سفر (آخرت) توشه فراهم سازد و خود را آماده راه کند.

39. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرموده: ای فرزند آدم! هر روز، روزی تو می رسد و تو اندوهگینی! و هر روز از عمر تو کم می شود و تو شادمانی! تو آنچه را که کفایتت میکند در اختیار داری، حال آنکه به دنبال چیزی هستی که تو را به سرکشی و طغیان میکشاند، نه به اندک قانع میشوی و نه از بسیار سیر!

40. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: از پرخوری بپرهیزید که قساوت قلب می آورد، و بدن را از طاعت خدا سست و گوش دل را از شنیدن موعظه کر می گرداند. و بپرهیزید از زیاد نگاه کردن (به این سو و آن سو و ...)، که انسان را دچار هوا و هوس میسازد و موجب غفلت میشود. بر حذر باشید که طمع را سر لوحه خود قرار ندهید که قلب را آلوده حرص شدید می نماید و حب دنیا را در دل مُهر می کند و این خود کلید هر معصیت، سرآمد هر خطا و موجب از بین رفتن هر حسنه ای است.

41. از امام حسین علیه السّلام روایت شده است که به مردی فرمود: ای مرد! چون تلاش فرد پیروز، در طلب روزی مکوش و چون شخص تسلیم شده، به تقدیر اعتماد مکن، همانا طلب روزی از سنت است و میانه روی در طلب روزی از عفت، و عفت مانع روزی نیست.

42. و فرمود: حرص موجب (کسب) روزی زیاد نمیشود، روزی تقسیم شده و اجل معین شده است و به کار بردن حرص، به دنبال گناه رفتن است.

43. أمالی الصدوق: ابو حمزه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند تعالی ضامن روزی توست، پس این فعالیت و ولع تو برای چیست؟ و اگر روزی تقسیم شده (و هرکس بهاندازه خود از روزی بهره میبرد) پس حرص و طمع برای چیست؟ و اگر حساب روز قیامت حق است، پس این انباشتن (مال) برای چیست؟ و اگر ارث از طرف خداوند بزرگ حق است، پس بخل و حسادت برای چیست؟(1)

· در اسنادی در باب موعظه، این حدیث آمده است.

1- . أمالی الصدوق: 7

44. أمالی الصدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود که جدم رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: جیرئیل از پروردگارم چنین به من خبر داد که هیچ انسانی تا از روزی مقدرش بهرهمند نشود، دیده از جهان نخواهد بست، پس از خدا بترسید و در طلب روزی میانهروی پیشه کنید و بدانید که روزی دو نوع است: روزیای که شما آن را طلب میکنید و روزیای که آن شما را طلب میکند؛ پس روزیتان را از راه حلال کسب کنید، زیرا اگر روزیتان را از راه پاک و طیب به دست آورید، آن را به صورت حلال خوردهاید و اگر روزیتان را از راه پاک به دست نیاورید، آن را به صورت حرام خوردهاید و اینها روزی شما است و چارهای جز خوردن آن ندارید. (1)

45. أمالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرکس برای روزیاش (بیش از اندازه) تلاش کند، برای او گناه نوشته میشود. دانیال پیامبر در زمان پادشاه ستمگری به نام «عات» زندگی می کرد. او دانیال را دستگیر کرد و در چاهی انداخت و با او درندگان را نیز به چاه انداخت، اما درندگان نزدیک او نشدند و او را مجروح نساختند. پس خدای تعالی به پیامبری از پیامبران وحی کرد: برای دانیال غذایی ببر! گفت: پروردگارا، دانیال کجاست؟ فرمود: از روستا خارج شو! کفتاری به استقبال تو می آید، دنبال کفتار برو! او تو را به دانیال می رساند. بدین ترتیب، کفتار او را به آن چاه رساند. دانیال در آن چاه بود، طعام را برایش به چاه فرستاد، (وقتی دانیال طعام را پیش روی خود دید) گفت: حمد خدایی را که یاد کننده اش را فراموش نمی کند، و سپاس خدایی را که دعا کننده اش را ناامید نمی گرداند و سپاس خدایی را که هر کس بر او توکل کند کفایتش می کند، و حمد خدایی را که هر کس به او اعتماد کند به دیگران حواله اش نمی دهد، و سپاس خدایی را که نیکی را با نیکی پاسخ می دهد و صبر را با نجات. سپس امام صادق علیه السّلام فرمود: خدای تعالی روزی پرهیزکاران را از جایی که انتظار ندارند، می رساند و حضور در حکومت ستمگران را برای اولیایش جایز نمیشمارد.(2)

1- . أمالی الصدوق: 293
2- . أمالی الطوسی 1: 306

46. با استناد به صدوق، حفص از امام صادق علیه السّلام مثل این حدیث را روایت کرده است.

47. علل الشرایع: حضرت امام صادق علیه السّلام می فرمود: خداوند بزرگ روزی احمقان و ابلهان را وسیع گردانید، تا عاقلان عبرت گرفته و بدانند که دنیا با عقل و حیله به دست نمی آید.(1)

48. تفسیر علی بن ابراهیم: محمد بن مسلم گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره تفسیر این سخن الهی پرسیدم: «وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ»،(2) {و هر کس از خدا پروا کند، (خدا) برای او راه بیرون شدنی قرار میدهد و از جایی که حسابش نمیکند، به او روزی میرساند.} ایشان فرمود: مقصود این است که در دنیایش (راه نجات و روزی قرار میدهد).(3)

49. ثواب الاعمال: ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر کس بزرگترین دلواپسیاش در بامداد و شامگاه، سرای آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در دلش نهد و کار او را سامان دهد و تا آنگاه که روزی اش کامل به او نرسد از دنیا نرود؛ و هر کس بزرگترین دلواپسی او در بامداد و شامگاه، سرای دنیا باشد، خداوند فقر را میان دو چشمش نهد و کارش را آشفته گرداند و از دنیا به بیش از قسمت خویش دست نیابد.(4)

50. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام روایت نموده که امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: هرگاه فقیهان و حکیمان به یکدیگر نامه بنگارند، به سه چیز سفارش می نمایند که چهارمی ندارد: هرکس همتش برای آخرت باشد، خداوند نیاز دنیای او را تأمین کند؛ و هرکس باطنش (نیت) را نیکو

1- . علل الشرایع: 92
2- . الطلاق/ 3
3- . تفسیر علی بن ابراهیم 2: 375
4- . ثواب الاعمال: 153

سازد، خداوند ظاهرش را اصلاح نماید؛ و هر کس رابطهاش را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او و مردم را نیکو گرداند.(1)

51. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت نموده است که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: به راستی، خداوند بزرگ فزونی روزی اش را بر هر کس که بخواهد، ارزانی میدارد.(2)

52. قصص الانبیاء: امام صادق علیه السّلام فرمود: در میان بنی اسرائیل مرد نیازمندی بود. همسرش برای طلب روزی وی را تحت فشار قرار داد. آن مرد در خواب دید (که از او سؤال شد) آیا دو درهم حلال را بیشتر دوست داری یا دو هزار درهم از حرام را؟ پاسخ داد: دو درهم حلال را بیشتر دوست دارم! به او گفته شد: آن ها زیر سرت است! وقتی آن مرد بیدار شد، دید دو درهم زیر سرش است. آن ها را برداشت و با درهمی یک ماهی خرید و به خانهاش آمد. هنگامی که همسرش او را با (آن وضع) دید، با قیافه نکوهش گرانه به سویش آمد و قسم خورد که به آن (ماهی) دست نزند. [ناچار] آن مرد خودش به تمیز کردن ماهی پرداخت. وقتی شکمش را پاره کرد، ناگهان دو گوهر در آن یافت و آنها را به چهل هزار درهم فروخت.

53. قصص الانبیاء: امام باقر علیه السّلام فرمود: در بنی اسرائیل مردی عابد بود که زهد پیشه کرده بود. زنی داشت که خرجی او را میداد تا اینکه نزد آن زن نیز چیزی نماند. روزی یک دوک به مرد داد (و به او گفت، آن را ببر بفروش و چیزی برای خوردن بخر). آن مرد رفت، اما (نتوانست) چیزی بخرد، پس کنار دریا آمد. در آنجا به ماهیگیری برخورد که ماهی بسیاری گرفته بود، عابد دوک را به او داد و گفت: (این ماهی را به من بفروش و در عوض) این دوک نخ را برای تور خود استفاده کن، بدین ترتیب، ماهیگیر ماهیای به عابد داد و او ماهی را گرفت و به خانه آورد و آن را به زنش داد، وقتی زن شکم ماهی را پاره کرد، دُرّی در شکمش نمایان شد، (عابد آن درّ را به بازار برد) و به بیست هزار درهم فروخت.

1- . ثواب الاعمال: 164
2- . ثواب الاعمال: 163

54. امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: در مواعظ لقمان به پسرش چنین آمده است: ای فرزندم! انسان باید از کسی که یقین و ایمانش در طلب رزق و روزی ضعیف است و تشویش خاطر دارد، عبرت بگیرد، زیرا خداوند بزرگی که او را خلق کرده، در سه حالت او را روزی داده و او خود در هیچ یک از آنها کوچکترین کسب و فعالیت و اندیشه ای نداشته است، پس (یقین داشته باشد) که در حالت چهارم هم خداوند روزی او را خواهد داد؛ اما حالت اول؛ در رحم مادرش در قرارگاهی محکم که هیچ گونه سرما و گرما آزارش نمیداد، او را روزی داد؛ سپس او را از آن محل بیرون آورد و از شیر مادرش روزی داد و آن شیر او را پرورش داده و نیازش را تأمین نمود، بدون اینکه از خودش قدرت و نیرویی داشته باشد؛ سپس بعد از مدتی از شیر گرفته شد و (تا چندین سال) تحت کفالت پدر و مادر قرار گرفت و آنها با کمال مهربانی و رحمت او را مورد حمایتشان قرار دادند، تا اینکه بزرگ شد و دارای عقل و فکر گشت و مشغول کسب و کار گردید و هنگامی که زندگی بر او سخت شد، افکار و گمانهای واهی او را نسبت به پروردگارش بدگمان کرد و پرداخت حقوق الهی (خمس و زکات...) را از مالش نادیده گرفت و از ترس فقر، بر خود و خانواده اش سخت گیری نمود (زیرا یقین نداشت که خداوند این هزینهها را جبران مینماید و به او روزی میرساند).

55. قصص الانبیاء: از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: خداوند روزی بنده خویش را از جایی که انتظار ندارد میرساند، زیرا به یقین هرگاه بنده راه رسیدن به روزی اش را نداند، بسیار دعا می کند.

56. تفسیر علی بن ابراهیم: از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم! روح القدس در دلم افکند که هیچ کس نمی میرد مگر آنکه روزیاش را کاملاً دریافت کند واگر روزیتان به تأخیر افتاد، تقوا پیشه سازید و در طلب روزی میانهروی کنید. مبادا تأخیر وصول روزی، شما را بر آن دارد که از راه معصیت (حرام) در طلب آن برآیید، همانا عطای الهی جز با طاعت و بندگی به دست نیاید.

57. فقه الرضا: تقوا پیشه ساز و در طلب روزی میانهروی کن و مراقب کسب و سود (خود) باش. بدان که روزی دو نوع است، روزیای که تو آن را طلب میکنی و روزیای که خود، تو را طلب میکند؛ اما روزی ای را که تو طلب میکنی، از راه حلال به دست آور که اگر از راه پاکش طلب کنی، خوردنش حلال است، در غیر این صورت، آن را از حرام خوردهای و آن روزی توست و چارهای جز خوردنش نداری.(1)

58. تفسیر العیاشی: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: ای فرزند آدم! بزرگترین همت تو آن روزی نباشد که اگر آن را از دست دادی، از عمر تو نبوده باشد، زیرا اگر روزی تو را قصد کند، هر روزی که در آن وارد شوی، خداوند روزی تو را در آن روز میرساند، و بدان که تو چیزی بیش از خوراک و قوتت به دست نمیآوری، جز اینکه در آن (ثروت)، خزانه دار دیگران باشی؛ رنج و تعب بسیاری در دنیا برای جمعآوری آن متحمل میشوی و بهره اش نصیب وارث تو میشود و روز قیامت به خاطر آن ثروت، حسابت به درازا میکشد، پس در زندگیات به مال و اندوخته خویش راضی باش، و برای روز آخرتت توشهای پیش فرست که پیشاپیش تو باشد، زیرا سفر دور است و وعده گاه قیامت، و منزلگاه، یا بهشت است و یا دوزخ.

59. تفسیر العیاشی: جابر از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است: مردی بادیه نشین خدمت پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله رسید و به وی عرض کرد: ای رسول خدا! من صاحب پسر، دختر، برادر، خواهر، نوه دختری و پسری، برادرزاده و خواهرزاده هستم و زندگی بر ما سخت است. ای رسول خدا! اگر مصلحت می دانید، از خدا بخواهید تا خداوند بر ما وسعت [روزی] بخشد. آن مرد با گریه از پیامبر صلی الله علیه و آله این درخواست را نمود و دل مسلمانان برای او به رحم آمد. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «وَ ما مِنْ دَابَّهٍ فِی الْأَرْضِ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ رِزْقُها وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها کُلٌّ فی کِتابٍ مُبینٍ»،(2) {و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیاش بر عهده خداست، و [او] قرارگاه و

1- .[1]فقه الرضا علیه السلام: 33
2- . هود/ 6

محلّ مُردنش را می داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است.} آن گاه فرمود: هر کس این افراد (خانواده) را تأمین کند، خداوند روزی او را تضمین میکند و همانند آب روان بر وی روزی میدهد، کم در مقابل کم و فراوان در مقابل فراوان. آن گاه پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله دعا کرد و مسلمانان «آمین» گفتند.

- امام باقر علیه السّلام فرمود: برایم از کسی نقل کردهاند که آن مرد را در زمان عمر دیده بود، از وضع زندگی اش سؤال کرد، وی گفت: آن مرد یکی از بهترین کسانی بود که خداوند از روزی حلال و ثروت فراوان بر او ارزانی کرده بود.(1)

60. امالی المفید: ابوالحسن بصری روایت کرده است: امام علی علیه السّلام وارد بازار بصره شد و به مردم نگاه کرد که میفروشند و میخرند، سپس سخت گریه کرد و فرمود: ای بندگان دنیا و ای کارکنان اهل دنیا! شما در روز سوگند میخورید و شبها (با خیالی آسوده) در بسترهایتان میخوابید و در این میان از آخرت غافلید! پس چه وقت توشه (برای آخرتتان) فراهم میکنید؟ و چه وقت به قیامت میاندیشید؟ سپس مردی به ایشان گفت: یا امیر المؤمنین، ما را چارهای از معاش نیست، پس چه کنیم؟ امیر المؤمنین فرمود: طلب روزی حلال، انسان را از عمل آخرت باز نمیدارد؛ اگر بگویی بر ما چارهای جز احتکار نیست، عذرت پذیرفته نمیشود، پس آن مرد با گریه روی برگرداند؛ سپس امیرالمؤمنین علیه السّلام به او فرمود: نزد من بیا تا بیشتر برایت توضیح دهم، مرد به سوی او برگشت و به او فرمود: بدان ای بنده خدا! هر انسانی که در دنیا برای آخرت کار کند، باید پاداش عملش را در آخرت به تمامی دریافت کند و هر انسانی که برای دنیا کار کند، جزایش در آخرت، آتش جهنم است؛ سپس امیرالمؤمنین علیه السّلام سخن خداوند متعال را تلاوت کرد: «فَأَمَّا مَنْ طَغی، وَ آثَرَ الْحَیاهَ الدُّنْیا* فَإِنَّ الْجَحِیمَ هِیَ الْمَأْوی».(2) {اما هر که طغیان کرد و زندگی پستِ دنیا را برگزید، پس جایگاه او همان آتش است}(3)

1- . تفسیر العیاشی2: 139
2- . النازعات/ 39
3- . أمالی المفید: 69

61. امالی المفید: ابن مهزیار از امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت کرده است که ایشان میفرمود: [روزی] دور را به خود نزدیک سازید و سختی [به دست آوردن آن] را بر خود آسان کنید و آگاه باشید که اگر بندهای چارهاندیشی و تلاشش [برای کسب روزی] کم باشد، قطعا از آنچه که خداوند برایش مقدر کرده، کاسته نمیشود و اگر بندهای چارهاندیشی و تلاشش را زیاد کند، بدون شک بر آنچه که خداوند برای او مقدر کرده است، افزوده نمیشود.(1)

62. جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روزی بنده، بیشتر از اجلش او را طلب میکند.(2)

و فرمود: روزی، بنده را میطلبد، همانطور که اجلش او را میطلبد.(3)

و فرمود: اگر یکی از شما از روزیاش فرار کند، بی شک روزی، به دنبال او میرود، همانطور که مرگ به دنبال اوست.(4)

پیامبر صلّی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: به راستی که اگر فرزند آدم از روزیاش بگریزد، چنانچه از مرگ میگریزد، هر آینه روزیاش او را دریابد و به او رسد، چنان که مرگ او را دریابد.(5)

و امام علی علیه السّلام فرمود:

- حرص به دنیا را رها کن و به لذت دنیا طمع نداشته باش.

- مال را ذخیره مکن، (چرا که) نمی دانی برای چه کسی جمع می کنی.

- نمی دانی که در سرزمین خود، مرگ گریبانت را می گیرد و یا جای دیگر.

- بدون تردید رزق و روزی تقسیم شده است و کوشش (بیش از اندازه) انسان سودی ندارد.

- هرکس طمع ورزد، فقیر است و آن کس که قناعت پیشه کند، ثروتمند.(6)

1- . أمالى المفيد: 120
2- . جامع الاخبار: 108
3- . جامع الاخبار: 108
4- . جامع الاخبار: 108
5- . جامع الاخبار: 108
6- . جامع الاخبار: 108

63. تنبیه الخاطر: از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسانهای اسراف کار و کمتر از اشخاص حریص، دنیا دوست و دل به دنیا داده باشد؛ پس خود را در کار و کسب، در حد انسان منصف و پرهیزکار قرار ده، و از اشخاص سست و ناتوان بالاتر ببر، و به کسب آنچه که مورد نیاز شخص مؤمن است بپرداز، همانا کسانی که به آنان نعمت عطا میشود اما شکر آن را به جای نمیآورند، [دیگر] نعمتی به آنان داده نمیشود.

- امام صادق علیه السّلام روایت کرده که امیرمؤمنان علیه السلام بسیار این سخن را می فرمود: به یقین بدانید، اگر بنده ای بیش از حد تلاش کند و بسیار (در طلب مال) چاره بیاندیشد و حیله اش (رنج و زحمتش) فزونی یابد، به بیشتر از آنچه که در لوح محفوظ برایش مقرر شده است، دست نمییابد و نیز ناتوانی و تلاش کم بنده، سبب نرسیدن وی به آنچه که برایش مقرر شده است، نمی گردد. ای مردم! هرگز کسی به خاطر زیرکیاش، ذرهای بر او افزوده نمیشود و فقیری به خاطر حماقتش، ذرهای از او کاسته نمیشود. کسی که از این مطلب آگاه باشد و آن را به کار بندد، آسودهترین مردم است و از سود آن بهرهمند شود و آن کس که به آن آگاه باشد و در عمل آن را ترک کند، گرفتارترین مردم است و زیان بیند. پس ای ساعی! از تلاشت بکاه، از شتابت کم کن و از خواب غفلت بیدار شو، و در آنچه که خداوند بر زبان پیامبرش جاری ساخته، بیندیش. این هفت سخن را حفظ کنید؛ زیرا از سخنان خردمندان و از امور واجب خداوند در لوح محفوظ است، که هیچ کس با مرتکب شدن آنها، خداوند را با (چهره) مهربان ملاقات نخواهد کرد: شرک به خدا در آنچه که بر او واجب کرده است، ارضای کینه توزی به بهای نابودی خود، دستور به امری که خود غیر آن را انجام می دهد، طلب موفقیت و پیروزی برای مخلوقات خداوند با وارد کردن بدعت در دین، مسرور شدن از تمجید مردم برای کاری که انجام نداده است، خودستای فخرفروش و صاحب تکبّر.

64. الاختصاص: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند در هنگام غروب خورشید فرشته ای را گمارد که ندا سر دهد: «ای مردم، به پروردگار خود روی آرید، زیرا [روزیای که] اندک و کافی است، بسیار بهتر از [روزیای است که] زیاد

اما غفلت بار است؛ و نیز زمان طلوع خورشید فرشته ای گماشته، تا ندا زند: ای آدمیزاده! متولد کن برای مرگ، بساز برای ویران شدن و گرد آور برای نابودی.(1)

65. قصص الانبیاء: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت نموده است که فرمود: خداوند راه روزی هیچ مؤمنی را نمیبندد، مگر اینکه راه دیگری را برای او بگشاید و روزی اش را به او برساند، حتی اگر در تقدیرش نباشد.

66. قصص الانبیاء: جابر از امام حسن علیه السّلام روایت کرده است که به مردی فرمود: ای مرد! چون جهاد با دشمن، در طلب روزی مکوش و چون شخص تسلیم شده، به تقدیر تکیه مکن، همانا ایجاد فزونی از سنت است و میانه روی در طلب روزی از عفت، و عفت دفع کننده روزی نیست و حرص موجب کسب روزی زیاد نمیشود، روزی تقسیم شده است و به کار بردن حرص، به دنبال گناه رفتن است.

67. قصص الانبیاء: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت نموده است که فرمود: از نشانههای یقین و ایمان فرد مسلمان این است که مردم را در ازای خشم خداوند راضی و خشنود نسازد و به خاطر روزیای که خداوند بر او ارزانی داشته است، از آنان(مردم) سپاسگزاری نکند و به خاطر آنچه که خداوند بر او عطا نکرده، مردم را سرزنش و نکوهش نکند، زیرا طمع شخص حریص، روزی [مقدر شده] خداوند را به او نمیرساند و حسد و رشک او نیز مانع رسیدن آن نمیشود و اگر یکی از شما از روزیاش فرار کند، همانگونه که از مرگ میگریزد، روزی اش او را درمییابد، همانگونه که مرگش.

68. تمحیص: امام باقر علیه السّلام روایت نموده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله در [سخنرانی] حجه الوداع فرمود: روح الامین در دلم افکند که انسان تا به طور کامل از روزی مقدرش بهرهمند نشود، دیده از جهان نخواهد بست، پس از خدا بترسید و در طلب روزی، میانهروی پیشه کنید. مبادا تأخیر وصول روزی، شما را بر آن دارد که از راه معصیت (حرام) در طلب آن برآیید، همانا عطای الهی جز با طاعت و بندگی به دست نیاید. خداوند متعال روزیها را میان مخلوقاتش تقسیم

1- . الاختصاص: 234

کرده است و هر کس پرده دری کرده و شتاب کند و آن را از راه غیر حلال به دست آورد، از روزی حلال او کاسته می شود؛ و روز قیامت نیز باید حساب آن را پس بدهد.

69. تمحیص: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: چه بسیار انسانهایی که [برای کسب روزی] خود را به سختی میاندازند و [تقدیر] بر آنان بخل میورزد و چه بسیار انسانهایی که در طلب روزی میانه روی میکنند و تقدیر آنان را یاری رسانده است.

70. تمحیص: حضرت امام صادق علیه السّلام می فرمود: خداوند بزرگ روزی احمقان و ابلهان را وسیع گردانید، تا عاقلان عبرت گرفته و بدانند که دنیا با عقل و حیله به دست نمی آید.

71. تمحیص: امام صادق علیه السّلام فرموده اند: اگر بنده در سوراخ حشره ای هم باشد، خدا روزی [مقدر] او را می دهد، پس در طلب روزی میانهروی کنید.

72. تمحیص: از امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند روزی مؤمنان را از جایی که انتظار ندارند، میرساند.

73. تمحیص: امام صادق (ع فرمود: خداوند روزی مؤمنان را از جایی که انتظار ندارد، میرساند، زیرا به یقین هرگاه بنده راه رسیدن به روزی اش را نداند، بسیار دعا می کند.

74. تمحیص: امام محمد باقر علیه السّلام به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دنیا در گردش است و بهرهای که از آن نصیب توست، به تو میرسد حتی اگر ضعیف باشی و ضرری را که نصیب توست، نمیتوانی با قدرتت دفع کنی و هر کس امیدش را از آنچه که از دست رفته، ببرد، جسمش در آسایش است و هر کس به

روزیای که خدوند بر او ارزانی کرده راضی شود، شادمان است.

75. تمحیص: امام صادق علیه السّلام فرمود: باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسانهای اسرافکار و کمتر از اشخاص حریص، دنیا دوست و دل به دنیا داده باشد؛ پس خود را در کار و کسب، در حد انسان منصف و

ص: 54

پرهیزکار قرار ده، و از اشخاص سست و ناتوان بالاتر ببر، و به کسب آنچه که مورد نیاز شخص مؤمن است بپرداز، همانا کسانی که به آنان نعمت عطا میشود، اما شکر آن را به جای نمیآورند، [دیگر] نعمتی به آنان داده نمیشود.

76. دعوات الراوندی: نقل کردهاند که روزی حضرت سلیمان علیه السّلام در ساحل دریا نشسته بود، مورچه ای را دید که دانه گندمی را حمل کرده و به طرف دریا می برد؛ پس [این امر] سلیمان علیه السّلام را به تماشای آن مورچه واداشت تا اینکه به آب رسید، ناگهان قورباغهای سرش را از آب بیرون آورده و دهان گشود و مورچه وارد دهان او شد و قورباغه مدتی طولانی به زیر آب رفت و سلیمان علیه السّلام با تعجب به این قضیه اندیشید؛ سپس قورباغه از آب بیرون آمد و دهان خود را باز کرد و مورچه بدون دانه از آن خارج شد، سلیمان علیه السّلام مورچه را فرا خواند و از او درباره این ماجرا و اینکه کجا رفت، سؤال نمود. مورچه گفت: ای رسول خدا، همانا در قعر این دریایی که میبینی، صخره ای تو خالی وجود دارد که در درون آن کرم نابینایی زندگی می کند و خدا او را در آن مکان آفریده است و نمی تواند برای معاش خود از آن سنگ خارج شود، خداوند مرا متصدی رزق او قرار داده؛ من روزی او را حمل می کنم و خداوند این قورباغه را مأمور نموده که مرا حمل کند تا آب دریا به من آسیبی نرساند و دهان خود را بر سوراخ آن سنگ قرار دهد و من وارد سوراخ شوم؛ پس زمانی که روزی کرم را به او رساندم، از سوراخ سنگ خارج و دوباره وارد دهان قورباغه میشوم و او مرا از دریا بیرون میآورد. سلیمان گفت: آیا از آن کرم تسبیح خداوند شنیده ای؟ او گفت: آری، آن کرم می گوید: ای خدایی که مرا در سوراخ این سنگ در عمق این دریا فراموش نکرده ای و روزی مرا می رسانی، به رحمت خود، بندگان مؤمنت را فراموش مکن.

77. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: ای فرزند آدم! غم روزی را که نیامده، بر روزی که در آن هستی بار مکن؛ اگر روز نیامده از عمرت باشد خداوند روزیات را در آن روز می رساند.(1)

1- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 217

78. و فرمود: به یقین بدانید، اگر بنده ای بیش از حد تلاش کند و بسیار (در طلب مال) چاره بیاندیشد و حیله اش (رنج و زحمتش) فزونی یابد، به بیشتر از آنچه که در لوح محفوظ برایش مقرر شده است، دست نمییابد و نیز ناتوانی و تلاش کم بنده، سبب نرسیدن وی به آنچه که برایش مقرر شده است، نمی گردد. کسی که از این مطلب آگاه باشد و آن را به کار بندد، آسودهترین مردم است و از سود آن بهرهمند شود و آن کس که به آن آگاه باشد و به خاطر شک به آن، در عمل ترکش کند، گرفتارترین مردم است و زیان بیند. چه بسا بهرهمند از نعمتی که نعمت دامی (فرصتی برای گناه) باشد پیش روی او، و چه بسا غافلی در میان مردم که روزی برای او آماده شود. پس ای شنونده! بسیار شکر کن، از شتابت کم کن و از خواب غفلت بیدار شو، و به روزی خود راضی باش.(1)

79. و فرمود: ایمان بندهای صادق نیست، مگر آنکه نسبت به آنچه در ید خداوند سبحان است، اطمینان بیشتری از آنچه که در دست خویش است، داشته باشد.(2)

80.

به آن حضرت عرض شد: اگر در خانهای را به روی کسی ببندند و او را در آنجا بگذارند، روزیاش از کجا به او می رسد؟ ایشان در پاسخ فرمود: از همان جایی که اجلش در می رسد.(3)

81. فرمود: روزی دو نوع است، روزیای که تو آن را طلب میکنی و روزیای که خود تو را طلب میکند و اگر به دنبال آن نروی، بهدنبالت میآید، پس اندوه سال خود را بر اندوه روزت بار مکن، که روزی و رزق هر روز تو را کفایت می کند؛ اگر آن سال جزء عمرت باشد، خداوند متعال در هر روز جدید، آنچه که برایت مقدر کرده را به تو خواهد رساند، و اگر آن سال از عمرت نباشد، پس برای چه بر چیزی که از آن تو نیست، اندوه می خوری؟! هیچ جوینده ای در آنچه رزق

1- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 220
2- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 227
3- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 227

توست، بر تو پیشی نخواهدگرفت، و هیچ قدرتمندی نسبت به آن (روزی) بر تو غالب نخواهد شد و هرگز آنچه که برایت مقدر شده است، به تأخیر نخواهد افتاد.(1)

82. و فرمود: کسی که به نشسته نداده است، به ایستاده هم نخواهد داد.(2)

83. و فرمود: هر آنچه که از دنیا بر تو رسید، بگیر و از آنچه که از تو روی گرداند، روی گردان؛ پس اگر این کار را انجام ندادی، در طلب روزی میانهروی کن.(3)

84. و فرمود: هر قناعتکنندهای، کفایت کننده است.(4)

85. و فرمود: زیانکارترین مردم در معامله و ناامیدترین آنان در سعی و تلاش کسی است که جسمش را در طلب آرزوهای خویش فرسوده سازد و تقدیرهای الهی او را در رسیدن به خواستههایش یاری نرساند، سپس با حسرتهایش از دنیا برود و با عواقب اعمالش وارد آخرت شود.(5)

86. و فرمود: روزی دو نوع است: طلبکننده (روزیای که خود تو را طلب میکند) و طلب شده (روزیای که تو آن را طلب میکنی)، پس هر کس به دنبال دنیا باشد، مرگ او را طلب میکند تا از دنیا بیرون ببرد، و هر کس به دنبال آخرت باشد، دنیا او را طلب میکند، تا روزیاش را به تمامی از آن دریافت نماید.(6)

87. و فرمود: پس از ستایش پروردگار، بدانید که تقدیرهای الهی چون قطرات باران از آسمان به سوی انسانها فرود میآید، و بهره هرکسی، کم یا زیاد به او میرسد، پس اگر یکی از شما برای برادر خود، برتری در مال و همسر و نیروی بدنی مشاهده کند، مبادا فریب خورد و حسادت کند، زیرا مسلمان (تا زمانی که دست به عمل پستی نزده که از آشکار شدنش شرمنده باشد و مورد سرزنش مردم پست قرار گیرد) به مسابقه دهندهای میماند که دوست دارد در همان آغاز مسابقه

1- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 245

2- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده3: 249
3- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 248
4- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده3: 248
5- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده3: 255
6- . شرح نهج البلاغه، شیخ محمد عبده: 256

پیروز گردد تا سودی به دست آورد و ضرری متوجّه او نگردد. همچنین مسلمانی که از خیانت پاک است، انتظار دارد یکی از دو خوبی نصیب او گردد: یا دعوت حق را لبیک گفته، عمر او پایان پذیرد «که آنچه در نزد خداست برای او بهتر است» و یا خداوند روزی فراوان به او دهد و صاحب همسر و فرزند و ثروت گردد، و همچنان دین و شخصیّت خود را نگاهدارد. همانا ثروت و فرزندان محصول دنیا و فانی شدنی، و عمل صالح زراعت آخرت است، گر چه گاهی خداوند، هر دوی آن را به ملّتهایی خواهد بخشید. از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است بر حذر باشید. از خدا آنگونه بترسید که نیازی به عذر خواهی نداشته باشید. عمل نیک انجام دهید بدون آن که به ریا و خود نمایی مبتلا شوید، زیرا هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد. از خدا، درجات شهیدان، و زندگی سعادتمندان، و همنشینی با پیامبران را درخواست میکنیم.(1)

سید رضی - که خداوند از او راضی باشد - میگوید: «غفیره» در اینجا به معنای فراوانی اموال است، چنانکه جمعیّت فراوان را نیز «الجم الغفیر» می گویند، و نقل شده که بجای «الغفیره»، «عفوه من اهل او مال»، به کار می برند، و «عفوه» به معنای نمونه خوب از میان یک جنس است، چنان که گفته می شود، «اکلت عفوه الطعام» یعنی قسمت های خوب غذا را خوردم.

88. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام در وصیتش به امام حسن علیه السّلام فرمود: به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید، و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد، و بر راه کسی میروی که پیش از تو میرفت، پس در به دست آوردن دنیا آرام باش، و در مصرف آنچه به دست آوردی نیکو عمل کن، زیرا چه بسا تلاش بی اندازه برای دنیا، که به تاراج رفتن اموال کشانده شد. پس هر تلاشگری به روزی دلخواه نخواهد رسید، و هر مدارا کنندهای محروم نخواهد شد. نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهدافت رساند؛ زیرا نمیتوانی به اندازه آبرویی که از دست میدهی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید، آن نیکی که جز با شر به دست نیاید، نیکی

1- . نهج البلاغه، [شرح] شیخ محمد عبده: 56

نیست، و آن راحتی که با سختیهای فراوان به دست آید، آسایش نخواهد بود. بپرهیز از آن که مرکب طمع ورزی، تو را به سوی هلاکت به پیش راند، و اگر توانستی که بین تو و خدا صاحب نعمتی قرار نگیرد، چنین باش، زیرا تو، روزی خود را دریافت میکنی، و سهم خود بر میداری، و مقدار اندکی که از طرف خدای سبحان به دست میآوری، بزرگ و گرامیتر از (مال) فراوانی است که از دست بندگان دریافت میداری، گرچه همه از طرف خداست. آنچه با سکوت از دست میدهی آسانتر از آن است که با سخن از دست برود، چرا که نگهداری آنچه در مشک است، با محکم بستن دهانه آن امکان پذیر است، و نگهداری آنچه که در دست داری، پیش من بهتر است از آن که چیزی از دیگران بخواهی، و تلخی نا امیدی بهتر از درخواست کردن از مردم است. شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید، مرد برای پنهان نگاه داشتن اسرار خویش سزاوارتر است، چه بسا تلاش کنندهای که به زیان خود میکوشد. بدترین غذاها، لقمه حرام است، هر بازرگانی خویش را به مخاطره میافکند. چه بسا اندکی که از فراوانی بهتر است.(1) بدان پسرم! روزی دو نوع است: روزیای که در پی توست و روزیای که تو در پی آن هستی؛ پس اگر تو به آن نرسی، او به تو خواهد رسید.

89. و فرمود: با روزگار، تا زمانی که رام و در فرمان تو است، نرمی کن، و چیزی را به امید دست یافتن به بیش از آن، به مخاطره مینداز.(2)

1- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 58-56 و 61
2- . شرح نهج البلاغه شیخ محمد عبده 3: 59

باب سوم : صبح زود رهسپار شدن در طلب روزی

روایات:

1. عیون الاخبار، الخصال: امام رضا علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوندا، به امّت من در بامداد شنبه و بامداد پنجشنبه، برکت ده.(1)

2. الخصال: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: بامدادان به دنبال حوائج خود بروید که آسانتر به دست میآید و نامه خود را خاکآلود کنید که حاجت را بهتر روا می کند و نیکی را نزد خوبرویان طلب کنید.(2)

3. عیون الاخبار، الخصال: امام رضا علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: پنهان داشتن جماع، صبح زود به دنبال روزی رفتن و احتیاط کردن او.(3)

4. محمّد بن هلال روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هنگامی که حاجت و نیازی داری، بامدادان به دنبال آن برو، زیرا که ارزاق و روزی ها پیش از طلوع آفتاب تقسیم می گردد، و خدای متعال در ساعات نخستین روز برای این امت برکت نهاده است؛ و بامدادان چیزی صدقه بده که هرگز تیر بلا و گرفتاری از سپر صدقه در نگذرد.(4)

1- . عیون الاخبار رضا 2: 34 و الخصال 2: 154
2- . الخصال 2: 154
3- . عیون الاخبار رضا 1: 257 و الخصال 1: 62
4- . امالی المفید: 33

باب چهارم : درآمدهای حلال و حرام

آیات:

- «وَ لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ»(1)

{و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید. }

- «لاتَأْکُلُواأَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلاَّ أَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تراضٍ مِنْکُمْ (2)*

{اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با رضایت یکدیگر، بین شما [انجام گرفته] باشد. }

خداوند تعالی در نکوهش یهود میفرماید:

- «...وَ أَکْلِهِمْ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ»(3)

{...و خوردن اموال مردم به ناروا. }

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»(4)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادها[ی خود] وفا کنید. }

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ کَثیراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّه»(5)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند، و [آنان را] از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند. }

1- . بقره / 188
2- . نساء/ 29
3- . نساء/ 161

4- . مائده/ 1
5- . توبه/ 34

- «وَ لا تُكْرِهُوا فَتَياتِكُمْ عَلَى الْبِغاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَياةِ الدُّنْيا»(1)

{و کنیزان خود را - در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند - برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید، به زنا وادار مکنید. }

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: امام علی علیه السّلام فرمود: مال حرام عبارت است از؛ بهای حیوان مرده، بهای سگ، مزد زناکار، رشوه در قضاوت و مزد کاهن (فالبین).(2)

2. قرب الاسناد: ابراهیم بن ابی البلاد می گوید: به امام کاظم علیه السّلام گفتم: فدایت گردم ! مردی از دوستداران شما تعدادی کنیز خواننده دارد که قیمت شان چهارده هزار دینار است و ثلث آن ها را برای شما وصیت کرده است. ایشان فرمود: من نیازی به آن ندارم؛ بهای سگ و کنیز خواننده، حرام است.(3)

3. الخصال: سکونی از امام صادق علیه السّلام و او از پدرانش روایت کرده است که امام علی علیه السّلام فرمود: مال حرام عبارت است از: بهای حیوان مرده، بهای سگ، بهای شراب، مزد زناکار، رشوه در قضاوت و مزد کاهن (فالبین).(4)

4. تفسیر العیاشی: از سکونی مثل این حدیث روایت شده است.(5)

5. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرموده اند: «سحت» انواع بسیاری دارد؛ آنچه که از کارکنان حاکمان ستمکار به دست آید، مزد قاضیان، مزد زناکاران، بهای شراب و می خرما که مست کننده باشد، رباخواری با دانستن حرام بودن آن و اما رشوه (ای عمار!) رشوه گیری در داوری، کفر به خدا و رسول او است.(6)

1- . نور / 33
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 170
3- . قرب الاسناد: 125

4- . الخصال 1: 234
5- . تفسير العياشى 1: 322
6- . الخصال 2: 234

6. معانی الاخبار: عمار بن مروان گوید از امام صادق علیه السّلام درباره «خیانت» سؤال کردم، ایشان فرمود: هر چیزی که در آن به امام خیانت شده باشد، سحت (حرام) است، و خوردن مال یتیم حرام است، سحت انواع بسیاری دارد... الی آخر همانگونه که ذکر شد.(1)

7. از عمار نیز همانند این حدیث روایت شده است.(2)

8. الخصال: امام حسین علیه السّلام فرمود: چون پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد، کمانش را خواست و به یک طرف آن تکیه داد، آنگاه حمد و ثنای الهی را به جای آورد و از فتح و پیروزی ای که خداوند بر او ارزانی داشته بود، سخن گفت و از نه چیز نهی فرمود: مزد زنان زناکار، از جفت گیری چهارپا (یعنی کسب از طریق جفتگیری حیوان نر با ماده)، انگشتر طلا، بهای سگ، زین های ارغوانی - ابو عروبه گفته: از زین های سرخ - از جامه های قیمتی (و آن جامه هایی بوده که در شام بافته میشد) و از خوردن گوشت درندگان و از ص-رافی طلا به طلا و نقره به نقره در حالی که یکسان نیستند، از نگاه کردن به نجوم {جهت پیشگویی}.(3)

9. امالی الصدوق: پیامبر صلّی الله علیه و آله مردم را از فروش نرد و شطرنج نهی کرد و فرمود: کسی که این کار را انجام دهد، همچون خورنده گوشت خوک است و ایشان رااز خرید شراب و فروش آن و از نوشیدنش نهی کرد و فرمود: خداوند شراب و فشارنده انگورش، کشتکننده، نوشنده، ساقی، فروشنده، خریدار، خورنده بهای آن و حمل کننده و حمل شده به سوی آن را لعنت کند.(4)

10. امالی الصدوق: و فرمود: هرکس چیزی را که از راه خیانت به دست آمده است با اینکه واقف به این امر است بخرد، همچون خائن آن (کسی که آن مال را از راه خیانت به دست آورده) است.(5)

1- . معانی الاخبار: 211
2- . تفسیر العیاشی 1: 321
3- . الخصال 2: 184
4- . أمالی الصدوق: 430
5- . أمالی الصدوق: 430

11. تحف العقول: مردی از امام صادق علیه السّلام پرسید: راههای امرار معاش بندگان، از جمله کسب و کار و معاملات میان آنان و نیز راههای مصرف اموال چند گونه است؟ فرمود: کلیه اقسام معیشت و انواع معاملات رایج میان مردم که برای آنان درآمدی دارد، چهار گونه است. گفتند: این چهار نوع همه حلال است یا همه حرام، یا مختلف است؟ فرمود: هر کدام نوعی حلال دارد و نوعی حرام و همه آنها نام و خصوصیاتش معلوم و مشهور است. نوع اول: «ولایت» و حکومت بعضی از مردم بر دیگری است که شامل زمامدار، و حکام زیردست و طبقات پائینتر تا کم رتبه ترین کارمند است که هر یک به نوعی بر زیردستان و مردم تحت نفوذش-ان حکومت دارند. نوع دوم: تجارت و معامله که شامل کلیه خرید و فروش هاست. نوع سوم: صنعت است با همه اقسامش و نوع چهارم: اجارات در کلیه مواردی که در آن نیاز به اجاره است. و هر یک از این اقسام از جهتی حلال و از جهتی حرام هستند و خداوند در این معاملات بر بندگان واجب کرده است که از راه حلالش وارد شوند، و به حلال روی بیاورند و از حرام اجتناب ورزند.

تفسیر انواع «ولایت»: ولایت دو قسم است. یکی از اقسام آن ولایت حکام عادل است، کسانی که خداوند بر مردم امر کرده تا ولایت و حکومتشان را گردن نهند، و نیز حکومتهای زیردست و زیردست تر تا نازلترین طبقه آنان که هر یک به نوعی بر زیردستان خود حکومت می کنند؛ و نوع دیگر، ولایت حکام جور و فرماندهان آنها تا پائین ترین فردشان که هر کدام بر مردم زیردستشان حکومت دارند. وجه حلال آن، ولایت حاکم عادلی است که خداوند به شناخت او و پذیرفتن ولایتش دستور داده است. لازم به ذکر است که در حکومت او و حکومت والیانش (منظور فرمانداران نصب شده از طرف او) باید طبق دستوری که خدا به آن حاکم عادل داده رفتار شود، نه چیزی بر آن بیفزایند، نه از آن بکاهند و نیز سخنش را تحریف نکنند و از فرمانش تخلف ننمایند، و چنانچه حاکم بدان گونه که گفتم دادگستر بود، حکومت از جانب او، کار کردن برایش و کمک به او و تقویتش، حلال و مشروع خواهد بود، و معامله با چنین دستگاهی جایز است زیرا در زمامداری حاکم عادل و فرمانداران او، هر حقی زنده شود، هر عدالت و امانتی احیا گردد و هر ظلم و بیداد و فسادی نابود شود، از این رو هر که در تحکیم قدرت وی بکوشد،

و در امر حکومت یاریاش دهد، در طاعت خدا تلاش کرده و دین خدا را تقویت نموده است.

اما وجه حرامش، حکومت زمامداران ستمگر و دست نشاندگان آنهاست. از: طبقه رؤسا و اطرافیان حاکم تا طبقات پائینتر و آخرین رتبه، کار در این حکومتها و همکاری با آنها در امر حکمرانی، حرام و نامشروع است، و هر کاری چه کوچک و چه بزرگ (برای کمک به این حکومتها) انجام گیرد، مایه عذاب است؛ زیرا هر نوع همکاری با آنان از گناهان بزرگ است؛ به این خاطر که در حکومت حکمرانان ستمگر، هر چه حق است لگدکوب شود، هر چه باطل است زنده گردد و ظلم و بیداد و فساد رواج یابد، کتب الهی نابود شود و پیامبران و مؤمنان به قتل رسند، مسجدها ویران گردد، سنتها و مقررات الهی زیر و رو شود؛ از این رو کار کردن با آنها، یاری کردنشان و معامله با ایشان حرام است، مگر زمانی که ضرورتی ایجاب کند، نظیر اضطراری که به خوردن خون یا مردار پیش آید.

تفسیر انواع تجارات در کلیه خرید و فروشها: اقسام معاملاتی که برای فروشنده یا خریدار جایز و یا حرام است، بدین شرح میباشد: همانگونه که همه انسانها به آن امر شدهاند، آنچه خوراک مردم و مایه قوام زندگی باشد، و انواع چیزهائی که در شئون مختلف زندگی برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالکیت، استعمال مالکانه بدان نیازمند و از آن ناگزیر می باشند، یا از جهتی به صلاح مردم و مفید به حال آنان باشد که از آن چاره ندارند، در همه اینها، فروش، خرید، نگهداری، استعمال، بخشش، و قرض دادنش حلال است.

اما داد و ستدهای حرام، عبارتند از: خرید و فروش هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، کاسبی، ازدواج، مالک شدن، نگهداشتن، بخشیدن، قرض دادن، ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند معاملات ربائی که مفسده آمیز است، یا فروش مردار، خون، گوشت خوک، گوشت درندگان و پرندگان وحشی، پوست درندگان، شراب، و کلیه نجاسات که اینها همه حرام و نامشروع است. تمامی اینها حرام است و از خوردن، نوشیدن، پوشیدن، نگهداشتن، مالک شدن و تصرف در آنها به خاطر مفاسدی که در بر دارد، نهی شده است. همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی {حرام} باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا یا باعث تقویت کفر و شرک

ص: 65

گردد یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم و غیره) یا حقی را تضعیف نماید، فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.

اما تفسیر اجاره ها: اجاره عبارت است از اینکه کسی خودش یا مالش یا چیزی را که اختیارش به دست اوست، چون بستگان یا چهارپا یا لباس، برای استفاده در اختیار دیگری نهد. نوع حلال اجاره این است که انسان خودش، خانه یا زمین یا هر چیز دیگری را که مالک است، برای استفاده از منافع آن در اختیار دیگری گذارد، یا تعهد کند که کاری را به دست خود یا فرزند یا غلامش یا اجیرش انجام دهد، بدون اینکه وکیل یا کارگزاری از جانب حاکم باشد و نیز اشکالی ندارد که کسی خود یا فرزند یا خویشاوند یا ملک یا اجیرش را اجاره دهد، زیرا آنان نیز به جای او و به وکالت او کار می کنند، و کارگزار حاکم هم نیستند؛ مانند حمالی که بار معینی را به اجرت معلومی به جای مشخصی می برد، و چیز حلالی را (نه مثل مشروب و غیره) به دست خود یا به وسیله غلام یا چهارپایش حمل می کند، یا برای کاری اجیر شود که به دست خود یا غلام یا خویشان یا اجیرش انجام دهد، اینها انواع حلال اجاره است که برای هر کس از پادشاه، ملت، کافر و مؤمن، اجاره دادنش حلال است، و عایداتش نیز حلال میباشد.

اما انواع حرام: نظیر اینکه کسی برای حمل و نقل چیزی اجیر شود که خوردن یا نوشیدن، و یا پوشیدنش حرام است (مثل حمل مشروب)، یا برای ساختن چیز حرامی یا نگهداری، یا پوشیدن آن اجیر گردد، یا برای خراب کردن بی دلیل مساجد، یا کشتن بی گناه، یا حمل و نقل مجسمه ها، بتها، ساز، نی، شراب، خوک، مردار، خون یا هر کار فساد انگیزی که صرف نظر از موضوع اجاره، حرام باشد؛ همه این موارد از جهاتی نهی شده است. حرام است که انسان خود و یا چیزی را که متعلق به او است (از قبیل فرزند، غلام، وسیله نقلیه) در این امر اجاره دهد، مگر جایی که عمل به آن سودمند باشد، مانند حمل مردار به جای دوردستی که از تعفنش آسوده شوند و امثال آن.

و فرق بین معنای ولایت (ولایت حکام ستمگر) و اجاره - اگر هر دوی آنها برای دریافت مزدی انجام شود - این است که در ولایت، انسان برای حاکم یا حکام کوچکتر و فرماندهان زیردست خدمت می کند، و در حکومت و تسلط بر زیردستان

ص: 66

و امر و نهی، نقش حاکم را ایفا می کند و جانشین همان مقامات است، و در تحکیم قدرت و یاری آنها سعی می کند، و اگر نازلترین فرد و پائین ترین طبقه هم باشد، باز بر همان مردمی که والی حکومت می کند، فرماندهی دارد و در کشتار و گسترش ستم و فساد، جایگزین (و آلت دست) مقامات بالاست.

ولی اجاره به طوری که تفسیر کردیم این است که انسان خود یا مملوکش را که قبلاً اجاره نداده و اختیارش را دارد، اجیر دیگری کند، و البته شخص مادامی که اجیر کسی نشده، مالک و اختیاردار خود و مملوک خویش است و حاکم اختیاردار مردم نیست و تنها وقتی امور مردم را به دست گرفت و به مقام رسید، کارهای آنها را قبضه می کند. و هر کس خود یا مملوکش یا کسی را که اختیارش به دست اوست، به کافر یا مؤمن یا سلطان یا رعیتی، به نحوی که تفسیر کردیم، در کارهای حلال اجاره دهد، کار و درآمدش جایز و مشروع است.

و اما تفسیر صنایع: صنعت عبارت است از هر کاری که مردم فرا می گیرند یا به دیگران می آموزند، از قبیل: نویسندگی، حس-ابرسی، تج-ارت، رنگ-رزی، زینسازی، بن-ائی، بافن-دگی، لباسشویی، خی-اطی، صورتگری - البته نه تصویر جانداران - و ساختن ابزارهائی که بندگان خدا برای منافع خود بدانها محتاجند، و مایه قوام زندگی و رفع نیازمندی هاست؛ اینها همه حلال است و عملش و تعلیمش، برای خود یا دیگران جایز است، گرچه ممکن است احیاناً از آن کار یا آن ابزار برای فساد یا معصیتی سوء استفاده کنند، و در راه حق و باطل هر دو به کار رود، بنابراین پیشه کردن و یاد دادن آن اشکالی ندارد، مانند: تعلیم نویسندگیای که باعث فساد یعنی تقویت و یاری کارگزاران حکومتهای ستمگر شود.

همچنین کارد، شمشیر، نیزه، کمان و سایر ابزارهای جنگی که در راه صلاح و یا فساد مصرف شود و ابزار و کمک به هر دو قرار گیرد؛ آموختن، یاد دادن و مزد گرفتن برای تعلیم یا ساختن آنها، برای کسانی که آن را در راه صلاح مصرف کنند مشروع است، اما برای کسانی که در راه فساد و به زیان دیگران از آنها استفاده کنند، حرام است و آموزنده و یادگیرنده تقصیر و گناهی ندارند، زیرا ذات عمل سودمند و مصلحت آمیز و مایه قوام و بقای خلق است، آنها که در فساد و حرام آن را به کار می برند، مقصر و گنهکارند.

ص: 67

خداوند تنها مصنوعاتی را حرام کرده که مصرفش منحصراً در فساد محض است، مانند: ساختن ساز، نی، شطرنج، کلیه ابزارهای «لهو» و صلیب، بت، و امثال آنها، نظیر درست کردن نوشابه های حرام و (بطور کلی) هر چه که فساد محض است و هیچگونه مصلحتی (مصرف سودمندی) ندارد؛ بنابراین یاد دادن، یاد گرفتن، ساختن، مزد گرفتن، و تمام تصرفات در آنها مطلقاً حرام است، مگر اینکه صنعتی باشد که به نفع اقسام صنعت به کار رود، هر چند که در معصیت نیز مورد استفاده قرار گیرد که به منظور آن منفعت حلال، یادگرفتن، یاد دادن و ساختنش حلال است، و در این صورت، تنها استعمال نابجا و ناروایش ممنوع خواهد بود. این بود راهها و طرق امرار معاش بندگان و حکم تعلیم کسبها.

انواع بیرون کردن مال و انفاق اموال

راههای بیرون کردن مال و وجوه حلالی که اموال به صورت واجب یا مستحب در آنها خرج می شود، کلاً بیست و چهار نوع است: هفت نوع مربوط به مصارف شخصی انسان است، پنج نوع مخصوص افراد واجب النفقه، سه نوع واجبات شرعی که به عنوان دَین بر عهده اوست، پنج نوع اهداها و بخششهای لازم و چهار نوع مصارف خیر است.

اما مصارف شخصی: عبارت است از احتیاجات و ضروریات مانند: خوراک، نوشیدنی، پوشاک، هزینه ازدواج، هزینه خدمتکار (در صورت لزوم)، حوائجی از قبیل: مزد تعمیر لوازم (خانه و محل کار)، حمل یا نگهداری اجناس، نیازمندیهایی چون: خانه و اسباب و لوازم زندگی.

اما نفقه های پنجگانه، عبارت است از: هزینههای شخصی، هزینه فرزند، پدر و مادر، زن و مملوک (غلام و حیوان). نفقه این افراد چه در حال تنگدستی و چه توانمندی، واجب است.

اما سه نوع دین واجب [الهی]، یکی زکات است که واجب سالانه است، دیگر حج واجب و سوم (هزینه) جهاد در وقت خود (هر زمان که نبردی بین نیروهای اسلام و کفر رخ دهد).

اما پنج نوع بخشش مستحب: اهدا به مافوق و بالادست، به خویشان، مؤمنان و صدقه و احسان، و آزاد کردن بردگان.

و انواع چهارگانه مصارف خیر: پرداخت بدهی، وام، قرض دادن، و مهمانی که اینها در سنت واجب است.

خوراکیهای حلال

خوردنیهای حلالی که از زمین می روید سه گونه است: 1. دانه های نباتی: (بهطور کلی) مثل گندم، جو، برنج، نخود، و انواع دیگر حبوبات، و اقسام کنجد و غیره و هر دانه ای که از زمین بروید و برای بدن و تقویت انسان مفید باشد، اینها همه حلال است؛ و آنچ--ه برای بدن مض-ر باشد حرام است، مگر در حال ضرورت. 2. همه اقسام میوه ها که از زمین میروید و در تغذیه انسان به کار می رود و برای بدن سودمند و نیروبخش است. و هر کدام زیان داشته باشد حرام است. 3. انواع سبزیها و گیاهانی که از زمین بروید و برای بدن مفید باشد و غذای انسان محسوب شود، خوردنش حلال است. اما سبزیهای مضر، مانند: گیاهان سمی کشنده مثل خرزهره و غیره، حرام است.

حیوانات حلال گوشت

گوشت گاو، گوسفند، شتر، حیوانات وحشی حلال گوشت، و هر حیوانی که دندان نیش و چنگال ندارد، حلال است؛ و همچنین پرندگان حلال گوشت آنهایی هستند که سنگدان دارند، اما آنها که سنگدان ندارند حرامند، و اقسام ملخ نیز خوردنش جایز است.

تخم های حلال

هر تخمی که دو طرفش مساوی نباشد حلال و آنچه دو طرفش مساوی باشد حرام است.

انواع ماهیهای حلال

ماهی پولک دار حلال است و هر کدام پولک ندارد حرام است.

انواع نوشیدنی های حلال

نوشیدنیها همه حلالند جز آنها که زیادش عقل را دگرگون و موجب مستی شود؛ و اندکش نیز حرام است.

پوشاکهای حلال

هر آنچه که از گیاه به دست آید، پوشیدن و نماز گزاردن در آن حلال است، و هر حیوان حلال گوشتی که طبق دستور اسلام سر بریده شود، پوست، پشم، مو، و کرکشان حلال است و حیوانات پاک (یعنی کلیه حیوانات به استثنای سگ و خوک) چه طبق دستور اسلام سر بریده شده باشند یا مرده باشند، پوشیدن پشم، مو، پر، و کرکشان و همچنین نماز خواندن در آنها جایز است و هر چه به مصرف خوردن، یا نوشیدن، یا پوشیدن انسان برسد (خوردنیها)، نماز و سجده بر آن جایز نیست. به جز میوه ها، سجده بر گیاهان جایز است مگر گیاهان قابل رستن که بعد از رستن، سجده بر آنها جایز نیست، جز در حال ضرورت که بر رسته هم می توان سجده کرد.

زناشوئی های حلال

چهار نوع زناشوئی حلال است: 1. ازدواجی که منجر به ارث بردن شود (عقد دائم که زن و شوهر از هم ارث می برند). 2. ازدواج بدون ارث (عق-د موقت). 3. کنی-ز گرفتن. 4. ازدواج با تحلیل (یعنی شخصی کنیز خود را برای مدتی معین برای شخص دیگر حلال نماید).

از شش راه می توان مالک چیزی شد: 1. غنیمت 2. خری-د 3. ارث 4. هبه 5. عاریه 6. اجاره.

این بود تفصیل چیزهای حلال و آنچه برای انسان جایز است مالش را انفاق کند و در جهت حلال و در وجوه آن هزینه کند و آنچه می تواند در آن تصرف و دگرگونی ایجاد کند، از انواع واجب و مستحب.(1)

12. فقه الرضا: بدان، خداوند مورد رحمت قرار میدهد، همه کسانی را که امر شدهاند، به آنچه که یاریکننده بندگان و مایه قوام زندگی آنان باشد و از جهتی به صلاح مردم و مفید به حال آنان باشد و برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج،

1- . تحف العقول: 346-356

مالکیت و استعمال مالکانه بدان نیازمند و از آن ناگزیر می باشند. فروش، خرید، نگهداری، استعمال، بخشش، و قرض دادن همه اینها حلال است و هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالک شدن و نگهداشتن، ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند فروش مردار، خون، گوشت خوک، ربا و کلیه فسادها و فروش گوشت درندگان و شراب، و چیزهایی شبیه به آن، همه حرام و نامشروع است و برای جسم مضر بوده و برای روح، فسادآور میباشد.(1)

13. فقه الرضا: مزد گرفتن زن آوازه خوان حرام است و اجرت گرفتن زن نوحه گر در صورتی که راست بگوید اشکال ندارد؛ و نیز اجرت گرفتن زن آرایشگر، در صورتی که هر چه دادند بپذیرد و شرطی نگذارد، مانعی ندارد، اما نباید موی مصنوعی (از شخص دیگر) به سر زن دیگر بندد، ولی وصل موی حیوان مانند موی بز اشکالی ندارد. پیامبر صلّی الله علیه و آله هفت گروه را لعنت کرده است: کسی که موی مصنوعی بر مویش وصل کند، زنان مرد صفت و مردان زن صفت، کسی که دندانش را بساید، کسی که در دستش خالکوبی کند، دعوت کننده به کسی غیر از مولایش، کسی که از زنش غافل باشد، یعنی دیوث (مردی که همسرش با مردان دیگر رابطه نامشروع دارد و او میداند و اهمیت نمی دهد). رسول خدا فرمود: دیوث را بکشید.(2)

اگر زنی به همسرش مالی ببخشد و به او بگوید: هر چه میخواهی با این مال بکن، در این صورت اگر آن مرد بخواهد با آن مال کنیزی بخرد، زمانی میتواند آن کنیز را به تملک خود درآورد که همسرش به او اجازه دهد، زیرا او (زن) خوشحالی همسرش را خواسته است و شایسته نیست مرد کاری انجام دهد که برای زن ناگوار است.(3)

بدان که اجرت زن زناکار و بهای سگ - البته غیر از سگ شکاری - حرام است و رشوه گیری در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است(4).

1- . فقه الرضا علیه السلام: 33
2- . فقه الرضا علیه السلام: 33
3- . فقه الرضا علیه السلام: 33

4- . فقه الرضا عليه السلام: 33

14. فقه الرضا: بدان که خداوند کسی را که چیزی از انواع حرفهها را به بندگان بیاموزد، مورد رحمت قرار میدهد؛ مانند: نویسندگی، حساب، تجارت، نجوم، طب و دیگر حرفهها مثل ساختمانسازی و هندسه و صورتگری - البته نه تصویر جانداران - و نیز ساختن ابزارهائی که بندگان خدا برای منافع خود بدانها محتاجند، و مایه قوام زندگی و رفع نیازمندی هاست؛ تعلیم و پیشه ساختن همه اینها حلال است، گرچه گاهی از آن، در راههای فساد یا معصیت استفاده شود، همانگونه که در راه حق به کار میرود؛ پس حتی اگر آن به کارهای حرام اختصاص داده شود، مثل: یاری به ظالم و دیگر راههای معصیت مثل ساختن ظروف و جامهای شراب و کارهایی شبیه به آن، به سبب آن منفعتش، یاد دادن و پیشه کردنش حلال است، اما کسی که آن را در راهی به غیر از راه حق و حلالی که خداوند بر آن امر کرده اختصاص دهد، حرام است.

خداوند صنعت را حلال ساخته، مگر صنعتی که حرام و از آن نهی شده باشد مثل: ابزار غنا و ساختن آلات موسیقی و بنا کردن کلیسا و معابد و آتشکده و صورتگری جاندارانی به شکل حیوان یا انسان یا ساختن دف و عود (آلت موسیقی) و چیزهایی شبیه به آن و درست کردن شراب و مسکر و آلاتی که با ابزار حلال و مشروع ساخته نمیشوند، بنابراین پیشه کردن و یاد گرفتنش حرام است و جایز نیست؛ و توفیق تنها از جانب خداست.(1)

15. تفسیر العیاشی: محمد بن خالد ضبی نقل کرده است که: ابراهیم نخعی یک روز صبح بر زنی به نام «امّ بکر»، گذشت که کنار در خانه اش نشسته بود و با دوک نخ ریسی نخ می ریسید. ابراهیم به وی گفت: ای ام بکر، آیا پیر نشده ای؟ آیا زمان آن نرسیده که این دوک نخ ریسی را کنار بگذاری؟ ام بکر گفت: چگونه آن را کنار بگذارم در حالی که از امیر مؤمنان - علی علیه السّلام - شنیدم که فرمود: ریسندگی، از کسب های پاک و پاکیزه است.(2)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 41
2- . تفسیر العیاشی 1: 150

16. تفسیر العیاشی: سماعه از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: غلول هر چیزی است که در آن به امام خیانت شود و خوردن مال یتیم و تصرف مال حرام، از جمله آن است.(1)

17. السرایر: ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: فروش شطرنج و خوردن پولی که از فروش آن به دست آید حرام است و استفاده از آن نیز کفر محسوب میشود.(2)

18. تفسیر العیاشی: وشا از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: بهای سگ حرام است و خورنده حرام در آتش است.(3)

19. تفسیر العیاشی: سماعه از امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام روایت کرده است که فرمودند: سحت انواع بسیاری دارد که از آن جمله: اجرت گرفتن حجامتکننده و مزد زن زناکار و بهای شراب و نیز رشوه گیری در قضاوت، و کفر به خداوند است.(4)

20. تفسیر العیاشی: جراح مداینی از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: از موارد سُحت - حرام - ، رشوهگیری در قضاوت است. و نیز از او روایت شده: اجرت زن زناکار.(5)

21. تفسیر العیاشی: سکونی از امام صادق علیه السّلام (از پدرش) روایت می کند که: وی از خوردن گردویی که کودکان از راه قمار بازی بدست میآوردند، نهی میکرد و میفرمود: آن سحت - حرام - است.(6)

22. فقه الرضا: از امام صادق علیه السّلام درباره خریدن متاع و کالایی که از راه خیانت و دزدی به دست آمده است، سؤال شد، ایشان فرمود: اگر شخص

1- . تفسیر العیاشی 1: 205
2- . السرائر: 484
3- . تفسیر العیاشی 1: 321
4- . تفسیر العیاشی 1: 321
5- . تفسیر العیاشی 1: 321

6- . تفسير العياشى 1: 322

خریدار به این مطلب آگاه باشد، نباید آن را بخرد، مگر اینکه فروشنده از ماموران حکومت باشد.(1)

23. به امام صادق علیه السّلام گفته شد: شخصی از مردی ده هزار درهم کالا درخواست می کند، اما او بیش از هزار درهم آن کالا را ندارد؛ از این رو آن مرد فروشنده از همسایه اش و طرف های معامله اش آن کالا را میخرد یا به عاریه میگیرد و به آن شخص می فروشد. آن گاه از او یا کسانی که از او خرید کردهاند، آن کالا را می خرد و به صاحبانش تحویل می دهد. امام فرمود: اشکالی ندارد.(2)

24. از امام صادق علیه السّلام درباره تیرهایی که قصابان میزنند پرسیدند، امام آن را مکروه دانست، هر گاه بین آنان بیش از یک تیر واقع شود(3).

25. از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمود: گرفتن پاداش سلطان اشکالی ندارد. از ایشان سؤال شد: شخصی مال مضاربه ای تحویل می گیرد، آیا برای وی جایز است آن را با سود کمتری به دیگری واگذار کند؟ امام فرمود: نه. و شخص نمیتواند چیزی را که صدقه داده است، بخرد و اگر خانهاش را به خویشانش ببخشد، اگر خواست، میتواند با آنان در آن خانه زندگی کند. و سؤال شد: سمسار کالایی را با اجرتی برای شخصی میخرد و به او میگوید: آنچه که میخواهی را بردار و آنچه را که نمیخواهی وابگذار، این معامله چه حکمی دارد؟ امام فرمود: مانعی ندارد.(4)

26. نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السّلام از پدران خویش روایت نموده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از وفاتم، بیشترین ترس من برای امتم، کسبهای حرام و شهوت نهانی و ربا است.(5)

27. طبق همین سند، روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله مسلمانان را از پذیرفتن هدایای مشرکین نهی کردند.(6)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 77
2- .فقه الرضا علیه السلام: 78
3- 5. فقه الرضا علیه السلام: 78

4- . فقه الرضا علیه السلام: 78
5- . نوادر الراوندی: 17
6- . نوادر الراوندی: 33

28. یوسف بن جابر از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا سه کس را لعنت کرده است، کسی که به فرج زنی که بر او حلال نیست نگاه کند، مردی که به همسر برادرش خیانت کند، و شخصی که مردم به تعلیمش نیازمند باشند و او از آنان درخواست رشوه کند.

29. پیامبر فرمود: هرگاه خداوند چیزی را حرام سازد، بهای آن را نیز حرام می کند.

30. دعوات الراوندی: از امام رضا علیه السّلام درباره اموال بنی امیه سؤال شد و ایشان فرمود: مگر بنی امیه مالی دارد؟

31. در کتاب صفین نصر بن مزاحم آمده است: زمانی که امیر مؤمنان علی علیه السلام از انبار عبور میکرد، دهقانان «بنو خشنوشک» به استقبالش آمدند. - سلیمان(1) گوید: این کلمه فارسی است: خوش «طیب» و نوشک «راضی، یعنی «بنی الطیب الراضی» -. (آن دهقانان) هنگام استقبال امام، از اسبهایشان پیاده شدند و سپس شروع به دویدن به دنبال حضرت کردند و همراهشان اسبهای باریای بود که در مسیر امام متوقف کرده بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام به آنان فرمود: پس این چهارپایان که با خود آورده اید برای چیست؟ و از این کار که می کنید (پیاده شده اید و می دوید) چه قصدی دارید؟ گفتند: این کار که می کنیم، رسم و خوی ماست و بدین وسیله فرمانروایان خود را بزرگ می داریم و به ایشان احترام می نهیم. اما این چهارپایان، پیشکشی برای شماست، همچنین ما برای شما و مسلمانان غذایی مهیا کرده و برای چهارپایانتان علوفه بسیار فراهم آورده ایم.

امام فرمود: اما این که می گویید رسم شماست که فرمانروایان را بدین گونه گرامی و بزرگ بدارید، به خدا سوگند که این رسم (دویدن) شما، برای فرمانروایان سودی ندارد و تنها وجود و جسم خویش را آزار می دهید، دیگر چنین نکنید. اما اگر دوست دارید این چهارپایان را از شما بستانیم، ما آنها را به حساب خراجتان از شما می پذیریم.

1- . سلیمان ابن ربیع بن هشام نهدی، یکی از راویان کتاب صفین و کسی که معنای «خشنوشک» را تفسیر کرد.

اما در مورد طعامی که برای ما تهیه کرده اید، باید بگویم که ما نمیپسندیم چیزی از مال شما را بخوریم، مگر با پرداخت بهای آن. گفتند: ای امیر مؤمنان، ما باید آن را ارزیابی کنیم و سپس بهایش را بگیریم. فرمود: اگر بهایش را معلوم نکنید، ما به کمترین طعام (همان آذوقه ای که خود داریم) اکتفا می کنیم.

گفتند: ای امیر مؤمنان، ما سروران و بزرگانی داریم، آیا شما ما را از این که به ایشان پیشکشی دهیم و آنان را از این که چیزی از ما بپذیرند، منع می فرمایی؟ فرمود: همه اعراب هم که مولای شما باشند، بر هیچ یک از مسلمانان روا نیست که پیشکش شما را بپذیرند، و اگر کسی چیزی از شما به زور غصب کرد، ما را خبر دهید. گفتند: ای امیر مؤمنان، ما دوست داریم که پیشکش ما را بپذیرید. ایشان فرمود: درود بر شما، ولی ما را بدان نیازی نیست. سپس آنان را ترک کرد و به راه خود ادامه داد(1).

32. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید، پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: ای علی! امتم پس از من با اموالشان آزمایش خواهند شد، و برای دینداری خود بر پروردگار خویش منت مینهند، حال آنکه به رحمت او آرزومندند و به واسطه اقتدار و قدرت وی در امانند، با شبهه های کاذب و هواهای اغفال کننده، حرام خدا را حلال شمارند و شراب را به نام نبیذ، و مال حرام را با عنوان هدیه، و ربا را با نام معامله بر خود حلال میکنند.

پس گفتم: یا رسول الله، در این صورت آنان در کدام جایگاه قرار میگیرند، جایگاه کفر یا جایگاه فتنه؟ فرمود: جایگاه فتنه(2).

33. کتاب الامامه و التبصره: ابن فضال از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین کسبها بهای سگ و اجرت زن زناکار و مزد حجامتکننده است.

34. در المنثور: ابن عباس نقل کرده است: حضرت آدم یک کشاورز بود و حضرت ادریس یک خیاط، نوح یک نجار، هود یک تاجر، ابراهیم یک چوپان، داود یک زرهباف، سلیمان فروشنده برگ نخل، موسی یک کارگر و عیسی یک

1- . كتاب صفين نصر بن مزاحم منقرى: 160-161
2- . نهج البلاغه 2: 65

جهانگرد و محمد صلّی الله علیه و آله شجاعی بود که روزیاش را زیر نیزهاش قرار میداد.

35. از ابن عباس روایت شده که او به مردی که نزدش بود گفت: پیش من بیا تا برایت از پیامبرانی که در کتاب خدا ذکر شدهاند، سخن بگویم. از حضرت آدم که یک کشاورز بود و از حضرت نوح که یک نجار و از ادریس که یک خیاط، از داود که یک زرهباف و از موسی که یک چوپان، از ابراهیم که یک کشاورز و مهمان نوازی بزرگ بود و از شعیب که یک چوپان و از لوط که یک کشاورز و از صالح که یک تاجر بود و نیز از سلیمان که به او فرمانروایی داده شده بود و ایشان سه روز از اول و سه روز از وسط و سه روز از آخر هر ماه را روزه میگرفت و او دارای هفتصد سواره نظام و سیصد اسب بود.

و برایت از فرزند عذرا، عیسی علیه السّلام سخن بگویم، کسی که چیزی را برای فردا ذخیره نمیکرد و میگفت: کسی که رزق مرا در روز میدهد، در شب نیز مرا روزی خواهد داد و کسی که شب رزق مرا میدهد، در روز نیز روزی مرا خواهد داد، او تمام شبش را به عبادت خدا میپرداخت و در روز روزه میگرفت.

36. انس روایت میکند که حضرت آدم و حوا، عریان از بهشت به زمین فرود آمدند، در حالی که برگ بهشتی بر آنان بود؛ او گرمش شد تا اینکه نشست و گریه کرد و گفت: ای حوا، گرما مرا آزار میدهد، سپس جبرئیل با پنبهای آمد و به حوا امر کرد که آن را بریسد و این کار را به او آموخت و نیز به آدم فرمان داد که آن را ببافد و این کار را به آدم هم تعلیم داد.

باب پنجم : اجرت گرفتن زن نوحه سرا و آوازه خوان

روایات:

مؤلف: بعضی از این اخبار در باب «درآمدهای حلال و حرام» آمده است.

1. قرب الاسناد: از حنان روایت شده است: در عشیره ما زنی بود که کنیزی نوحهسرا داشت، آن زن نزد پدرم آمد و گفت: جانم به فدایت ای عمو! شما می دانید که معیشت من، اول از خدا و بعد از همین کنیز می گذرد. می خواستم از امام صادق علیه السّلام درباره این مطلب سؤال کنی، اگر اجرت نوحه سرائی حلال است که خوب، وگرنه دیگر نوحهسرایی نکند و او را بفروشم و از پول فروش او امرار معاش کنم تا بالاخره خداوند گشایشی عنایت کند. پدرم به آن زن گفت: به خدا سوگند که من حاضر نیستم چنین سؤالی را در محضر امام صادق علیه السلام مطرح کنم. گفتم: من پرسش تو را مطرح میکنم.

زمانی که خدمت ابوعبداللّه امام صادق علیه السلام رسیدیم، من سؤال آن زن را مطرح کردم و گفتم: زنی در همسایگی ما است که کنیزی نوحه سرا دارد و معیشت او بعد از خدا، تنها از طریق او تأمین میشود. به من گفته است: از امام صادق علیه السّلام درباره اجرت نوحه سرایی سؤال کن، اگر حلال بود که خوب، اگر نه او را بفروشم. امام فرمود: آیا با صاحبان عزا شرط می کند که باید چه مبلغی بپردازند؟ من گفتم: به خدا که نمی دانم شرط می کند یا نه. امام فرمود: به آن کنیز بگو: شرط نکند و هر مبلغی که به او دادند، بپذیرد.(1)

1- . قرب الاسناد: 58

2. الخصال: نصر بن قاموس گفته است، از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میفرمود: منجم، پیشگو (فالگیر)، ساحر، زنآوازهخوان و کسی که او را پناه و منزل میدهد و از درآمد او میخورد، ملعون است.(1)

3. الخصال: و نیز نصر بن قاموس روایت کرده که ایشان فرمود: منجم مانند پیشگو است و پیشگو همانند ساحر، و ساحر کافر است و جایگاهش در آتش است.(2)

1- . الخصال 1: 208
2- . الخصال 1: 208

باب ششم : حجامت و جفتگیری چهارپا

روایات:

1. قرب الاسناد: ابن علوان از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش روایت کردهاند که: پیامبر صلّی الله علیه و آله وسط سرش را حجامت کرد، و ابوطیبه با تیغ وی را حجامت کرد. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله یک پیمانه (سه کیلو) خرما به او داد.(1)

2. عیون الاخبار: امام رضا علیه السّلام از پدرانش روایت نموده است: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: صدقه بر ما اهل بیت حرام است و ما امر شدهایم به کمال وضو و طهارت و اینکه خر نری را برای جفتگیری بر روی اسب ماده نجهانیم.(2)

مؤلف: در باب «درآمدهای حلال و حرام» آمده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله، کسب درآمد از طریق چهارپا، یعنی جفتگیری حیوان نر با ماده را نهی کرده است.

1- . قرب الاسناد: 53
2- . عیون الاخبار2: 29

باب هفتم : فروش قرآن و مزد نوشتن و تعلیم آن

آیات:

- «وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتی ثَمَناً قَلیلاً»(1)

{و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید. }

روایات:

1. علی بن جعفر از برادرش امام موسی علیه السّلام روایت کرده که از ایشان درباره مردی که با مزدی معین قرآن مینویسد سؤال کردم؟ فرمود: اشکالی ندارد.(2)

2. السرایر: در جامع بزنطی نیز همانند این حدیث آمده است.(3)

3. فقه الرضا: بدان که اجرت معلم، اگر در یاد دادن قرآن شرط بگذارد، حرام است و یا معلمی که فقط قرآن تعلیم میدهد، اجرتش، چه شرط بگذارد و چه نگذارد، حرام است.(4)

4. از ابن عباس روایت شده که امام رضا علیه السّلام درباره سخن خداوند تعالی: أَکّالُونَ لِلسُّحْت،(5) {[و] بسیار مال حرام می خورند} فرمود: منظور اجرت معلمانی است که در تعلیم قرآن شرط میگذارند.(6)

1- . البقره/ 41
2- . قرب الاسناد: 115
3- . السرائر: 483
4- . فقه الرضا علیه السلام: 34
5- . المائده/ 42
6- . فقه الرضا علیه السلام: 34

5. روایت شده که عبدالله بن مسعود نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، فلان بادیه نشین، شتری را همراه با بچهاش به من داده است، پیامبر فرمود: برای چه ابن مسعود؟ او جواب داد: چون من چهار سوره از قرآن را به او آموخته بودم. وی فرمود: آن را پس بده ابن مسعود، چون که اجرت گرفتن برای آموختن قرآن حرام است.(1)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34

باب هشتم : فروش سلاح به دشمنان اسلام

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی علیه السّلام روایت کرده که از ایشان درباره مرد مسلمانی که کالای تجاری برای مشرکین حمل میکند سؤال کردم، وی فرمود: اگر اسلحه حمل نکند، اشکالی ندارد. (1)

2. الخصال: از سفارشات پیامبر صلّی الله علیه و آله: ای علی! ده گروه از این امت به خداوند بزرگ کافر شده اند و آنها عبارتند از: سخنچین، ساحر، دیوث، کسی که از حرام با زنی از عقب آمیزش کند، کسی که با چهارپایی در آمیزد، کسی که با نامحرم زنا کند، روشن کننده آتش فتنه، فروشنده اسلحه به دشمنان اسلام، کسی که زکات ندهد و کسی که مستطیع باشد و حج نگذارد.(2)

مؤلف: بعضی از این احادیث در باب «درآمدهای حلال و حرام» آمده است.

1- . قرب الاسناد: 113
2- . الخصال 2: 217

باب نُهم : فروش وقف

روایات:

1. الاحتجاج: حمیری در نامه ای به امام زمان علیه السلام نوشت: یکی از برادران ما در کنار مزرعه مخروبه حاکم، مزرعه تازه و سرسبزی دارد و در آنجا دارای نصیب است و آن را کرایه داده است. مزرعه حاکم از بیست سال پیش تاکنون بدون کشت رها شده و مخروبه است و ارزشی ندارد، ولی با این حال مأموران حکومت با کارکنان مزرعه برادر ما بر سر آنچه که در مرزهای آن کشت کردهاند، اختلاف دارند و آنان را مورد آزار قرار داده و به غلات مزرعه ایشان دست درازی می کنند. برادر ما از خرید مزرعه حاکم خودداری میکند؛ زیرا گفته شده: این بخش از آن مزرعه در گذشته جزء وقف بوده که از آن جدا شده و تحت تملک حاکم در آمده است. اگر خریدن مزرعه از حاکم جایز و کار درستی باشد، این کار به مصلحت وی و سبب آبادانی مزرعه اش است؛ زیرا می تواند این زمین بایر را با مازاد آب مزرعه خودش کشت کند؛ افزون بر آن، دندان طمع کارگزاران حاکم از آنجا کنده می شود؛ و اگر خرید آن جایز نباشد که به دستور شما عمل خواهد کرد، انشاء الله. امام علیه السّلام در پاسخ وی فرمود: خرید مزرعه جایز نیست مگر از مالک آن یا به دستور او یا با رضایت وی.(1)

2. فقیه: روایت کرده است که حمیری در نامهای از امام زمان عج درباره فروش وقف سؤال کرد و روایت شده که ایشان در این باره پاسخ داد: هرگاه چیزی برای افراد معین و فرزندانشان وقف باشد و همه آنان تصمیم به فروش آن بگیرند و این کار برایشان بهتر باشد، می توانند آن را بفروشند. و سؤال کرد: آیا اگر همه آنان راضی به فروش آن نباشند، می توان سهم بعضی از آنان را خرید یا این کار جایز نیست مگر با رضایت همه آنان؟ و چه نوع وقفی، فروشش جایز نیست؟ امام علیه

1- . الاحتجاج 2: 308

السّلام پاسخ داد: هرگاه چیزی برای پیشوای مسلمانان وقف باشد، فروش آن جایز نیست و اگر برای گروهی از مسلمانان وقف باشد، هر گروه از آنان، آنچه را که قدرت بر فروش آن دارند، می توانند بفروشند، خواه با هم یا جداگانه. انشاءا...(1)

ص: 85

1- . الاحتجاج 2: 312

باب دهم : استحباب کشت و زرع و حفر چاه و قنات و نهرها و آداب آنها

آیات:

- «أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَحْرُثُونَ * أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْناهُ حُطاماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ * إِنَّا لَمُغْرَمُونَ * بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ.»(1)

{آیا آنچه را کِشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟، آیا شما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم؟ اگر بخواهیم، قطعاً خاشاکش می گردانیم، پس در افسوس [و تعجّب] می اُفتید، [و می گویید:] واقعاً ما زیان زده ایم، بلکه ما محروم شدگانیم.}

تفسیر:

«أَفَرَأَيْتُمْ ما تَحْرُثُونَ»، أی تبذرون حبه {کشت میکنید} «أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ» أی تنبتونه {شما آن را می رویانید} «أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» أی المنبتون {ما رویاننده ایم.}

«لَجَعَلْناهُ حُطاماً» یعنی گیاه خشک «فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» درباره آن با تعجب و پشیمانی صحبت میکنید، درباره آنچه که در آن خرج کردید و به خاطر آن دچار گناه شدید.

و التفکه: نقل و انتقال انواع میوه. و از آن برای سخن گفتن استعاره شده است. (إنا لمغرمون) قطعا ما به خاطر آنچه که خرج کردیم دچار زیان شدیم، یا به سبب از بین رفتن روزیمان، هلاک شدیم، از کلمه غرام. (بل نحن محرومون) خود را از روزی مان محروم ساختیم، یا ما محدود شدیم نه سعادتمند.

روایات:

1- . واقعه / 68- 64

1. در مجمع البیان: از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: هرگز کسی از شما نگوید زراعت کردم، بلکه بگوید کشت کردم.(1)

2. علل الشرایع: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: برادرم عیسی از شهری عبور کردند که در میوه درختانشان کِرم بود، مردم آن دیار از بودن کرم در میوه ها نزد او شکایت کردند. او گفت: دوای این آفت نزد خودتان است، حال آنکه شما از آن بی اطلاعید. شما وقتی درختان را می کارید، ابتدا خاک ریخته و سپس آب می ریزید، در حالی که این صحیح نیست، بلکه سزاوار است اول پای ریشه درختان آب ریخته، سپس خاک بریزید تا در میوه ها کرم پیدا نشود. مردم آن شهر، همانطور که ایشان توضیح داد، درختان را دوباره کاشتند و کرم ها از میوه ها زایل گشت.(2)

3. الخصال، أمالی الصدوق: ابوکهمس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که ایشان فرمود: شش چیز است که پس از وفات مؤمن به او نفع میرساند: فرزندی که برای او طلب آمرزش کند، کتاب یا قرآنی که پس از او بجای ماند و خوانده شود، چاهی که برای بهره بردن مردم از آبش آن را حفر کند، و نهالی که آن را بکارد، و صدقه آبی که آن را جاری ساخته است، و سنت حسنهای که پس از او به کار گرفته شود.(3)

4. معانی الاخبار، أمالی الصدوق: سکونی از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که از پیامبر صلّی الله علیه و آله پرسیدند: کدامین مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را بکارد و به اصلاحش بکوشد، و حقش را (زکاتش را) در همان روز درو، پرداخت نماید. گفتند: یا رسول اللّه! کدامین مال بعد از زراعت بهتر است؟ فرمود: مال کسی که با گوسفندانش به دنبال محل باران رود و نماز را به پا دارد، و زکات را بپردازد.

1- . مجمع البیان 5: 223
2- . علل الشرایع: 574
3- . الخصال 1: 229 و أمالی الصدوق: 169

گفتند: یا رسول اللّه، و کدامین مال بعد از گوسفند بهتر است؟ فرمود: گاوهایی که هر صبح و عصر خیر بهمراه آورند.

گفتند: یا رسول اللّه، پس از گاو کدامین مال بهتر است؟ فرمود: درختی که ریشه در گل استوار می دارد. و به هنگام قحطی و خشکسالی طعام میدهد. خوب چیزی است نخل، هر کس که آن را بفروشد، بهایش بهمنزله خاکستری بر سر قله ای است که باد در روزی طوفانی، بر آن بوزد، مگر آنکه نخل دیگری را جانشین آن سازد.

گفتند: یا رسول اللّه، بعد از نخل کدامین مال بهتر است؟ پس پیامبر صلّی الله علیه و آله سکوت کرد، تا یکی از آن میان گفت: پس گله شتر چه جایگاهی دارد؟

فرمود: بدبختی و سختی و رنج و دوری از خانه در وجودش نهاده شده است. با رویگردانی در صبح و شب حرکت میکند و خیرش جز از جانب نامیمون و شوم آن نمیآید (منظور این است که شتر را جز از جانب چپش نمیدوشند و جانب چپ کنایه از عدم میمنت است)، ولی با این وجود، تیره بخت نابکار آن را از دست نمیدهد.(1)

5. الخصال: نوفلی از سکونی نیز مانند این حدیث را روایت کرده است.(2)

6. اربعین الشهید: با استناد به همین مرجع، از صدوق نیز مانند این حدیث نقل شده است.(3)

7. کتاب الغایات: امام صادق علیه السّلام نیز از پدرانش چنین حدیثی روایت کرده است.(4)

8. علل الشرایع: محمد بن عطیه نقل میکند که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میفرمود: خداوند عزوجل از میان پیشهها، کشاورزی و چوپانی را برای انبیایش دوست داشت تا آنان هیچگاه از بارش آسمان کراهت نداشته باشند.(5)

1- . معانی الاخبار: 321 و امالی الصدوق: 350

2- . الخصال: 167
3- . اربعين الشهيد: 199
4- . كتاب الغايات: 88
5- . علل الشرايع: 32

9. معانی الاخبار: علی بن حسین علیه السلام از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بهترین مال، نخلستان و مادیانی است که پر زاد و ولد باشد.(1)

مؤلف: در کتاب «الحیوان» حدیث دیگری در این مورد، همراه با تفسیرش ذکر شده است.

10. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام از پدرش روایت کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السّلام می فرمود: هرکس آب و خاکی در اختیار داشته باشد و فقیر شود، خدا او را از رحمت خود دور می سازد.(2)

11. قرب الاسناد: بختری از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش روایت کرده است: امام علی علیه السّلام اشکالی نمیدید که در مزارع، مدفوع و فضولات حیوانی ریخته شود.(3)

12. قرب الاسناد: ابن عیسی از بزنطی نقل کرده که میگفت: از امام رضا علیه السّلام درباره قطع کردن درخت سدر پرسیدم و ایشان فرمودند: یکی از اصحابت نیز این سؤال را از من پرسید و من برای او نوشتم که ابوالحسن درخت سدری را قطع کرد و به جای آن یک درخت انگور کاشت.(4)

13. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمود: زن از مرد آفریده شده و گرایش او تنها در مردان است، پس زنانتان را دوست بدارید؛ و مرد از زمین آفریده شده و خواست و مطلوب او تنها در زمین است.(5)

14. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند آدم را از آب و خاک آفرید و همّ و غمّ و خواست آدم در آب و خاک است؛ و حوا را از آدم آفرید،

1- . معانی الاخبار: 292
2- . قرب الاسناد: 55
3- . قرب الاسناد : 68
4- . قرب الاسناد : 162

5- . علل الشرايع: 498

بنابراین، گرایش و خواست زنان، تنها به مردان است. ای مردان! زنانتان را در خانه نگاه دارید.(1)

15. تفسیر العیاشی: ابن ابی یعفور نقل کرده است: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میفرمود: هر کس دانه گندمی در زمینی بکارد و آن رشد نکرده و فزونی نیابد یا محصول آن جو فراوان با خود بیاورد، نتیجه ستم او در مالک شدن آن زمین و یا ظلم در حق کشاورزان و کارگرانش بوده است. زیرا خداوند می فرماید: {پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم }(2) یعنی گوشت شتر، گاو و گوسفند. و ایشان فرمود: اسرائیل هرگاه گوشت گاو میخورد، درد تهیگاهش شدت می یافت و او گوشت شتر را بر خود حرام کرد، و این امر پیش از نزول تورات بود، و چون تورات نازل شد، آن را حرام نکرد، اما اسرائیل از آن نمیخورد.(3)

16. تفسیر العیاشی: حسن بن ظریف از محمد و او از امام صادق علیه السّلام درباره سخن پروردگار بزرگ: {و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. }(4) روایت کرده است که ایشان فرمود: منظور از مؤمنان در این آیه، کشاورزان است.(5)

17. مکارم الاخلاق: از امام باقر علیه السّلام روایت شده است: هنگامی که تصمیم به کشت و زرع گرفتی، مشتی از بذر بردار، سپس رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: {آیا شما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم؟ } سپس بگو: «خدایا، آن را کشتی با برکت قرار ده و به وسیله آن به ما سلامتی و بی نیازی عنایت فرما و آن را دانه های متراکم و انباشته قرار بده و مرا از خیر آنچه می جویم محروم نکن و به آنچه مرا از آن بهره مند می سازی، آزمایش

1- . تفسیر العیاشی
2- . النساء / 160
3- . تفسیر العیاشی 1:284
4- . ابراهیم/ 11
5- . تفسیر العیاشی 2: 222

نکن. به حق محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش.» سپس آنچه در مشت داری، بپاش، انشاءا...(1)

18. کشف الغمه: امام باقر علیه السّلام فرموده اند: هنگامی که تصمیم گرفتی دانهای را در زمین بکاری، مشتی از بذر بردار و رو به قبله کن و بگو: {آیا آنچه را کشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم؟} سپس بگو: «نه! بلکه خدا رویاننده است نه فلانی.» و اسم صاحب مزرعه را بگو و در ادامه بگو: «پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را با برکت قرار ده و به وسیله آن بر ما سلامتی و شادی و سرور عنایت فرما»، سپس آنچه در مشت داری و دیگر دانهها را بپاش.(2)

19.حسن بن سلیمان در کتاب «المحتضر من کتاب الشفاء و الجلا» همانند این حدیث را از ایشان روایت کرده است.

20. مجالس الشیخ: امام سجاد علیه السّلام میفرمود: کشت را برای درآمد بیشتر نمی کارم، بلکه برای آن می کارم تا فقیر و نیازمند از آن بهره مند شوند و پرندگان از آن تغذیه کنند.(3)

21. عدّه الداعی: برای دفع کرم هایی که خربزه و زراعت را می خورد، بر روی چهار نی [یا چهار تکه کاغذ] دعای زیر نوشته شود و در چهار گوشه مزرعه بر روی چهار نی قرار داده شود. دعا این است: ای کرم ها، ای حشرات و حیوانات، از این زمین و از این کشتزار به خرابه ها روید، همان گونه که یونس از شکم ماهی خارج شد. اگر بیرون نروید، {بر سر شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس می فرستم و [از کسی] یاری نتوانید طلبید.}، {آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: بمیرید.} پس مردند، از مزرعه {بیرون شو که تو رانده شده ای}، {پس ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت.}، {منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از

1- . مکارم الاخلاق: 409
2- . کشف الغمه 2: 325

3- . أمالى الطوسى 2: 299

مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی حرکت داد.}، {روزی که آن را [قیامت را] می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند.}، {سرانجام، ما آنان را از باغستانها و چشمه سارها و کشتزارها و جایگاه های پرناز و نعمت و نعمت هایی که در آن شادمان و خندان بودند، بیرون کردیم.}، {و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند.}، {از آن [مقام] فرو شو، تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبّر نمایی.}، {پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.}، {نکوهیده و رانده، از آن [مقام] بیرون شو}، {که قطعاً سپاهیانی بر [سرِ] ایشان می آوریم که در برابر آنها تاب ایستادگی نداشته باشند و از آن [دیار] به خواری و زبونی بیرونشان می کنیم.}(1)

22. توحید مفضل: امام صادق علیه السّلام فرمود: پند و عبرت بگیر از انواع خواستهها و آرزوهایی که در مخلوقات کوچک و بزرگ مشاهده می کنی و [عبرت گیر] از چیزهای ارزشمند و بی ارزش. پست ترین و بی ارزش ترین آنها سرگین و مدفوعی است که فرومایگی و نجاست با هم در آن جمع شده است. با این حال جایگاه آن نسبت به کشت ها و سبزی ها و گیاهان، جایگاهی است که هیچ چیز جایگزین آن نمی شود؛ به طوری که هیچ یک از گیاهان، بدون سرگین و کود حیوانی، سبز نمی شود و رشد نمی کند. همان مدفوعاتی که انسان آن ها را پلید می شمارد و از نزدیک شدن به آن ها کراهت دارد.(2)

23. اختیار ابن الباقی: هرکس نهالی را در روز چهارشنبه بکارد، و بگوید: »سبحان الله الباعث الوارث»، از میوه آن خواهد خورد.

24. کتاب الغایات: شیخ جعفر قمی روایت کرده: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایتان شوم! از قومی شنیدم که میگفتند: زراعت مکروه است. حضرت فرمود: زراعت کنید و درخت بکارید. به خدا سوگند! مردم کاری حلال تر

1- . عدّه الداعی: 223. آیات: الرحمن/ 35. البقره/ 243. الحجر/ 34. القصص/ 21. الإسراء/ 1. النازعات/ 46. الشعراء/ 57. الدخان /29. الاعراف/ 13و 18. نمل/ 37

2- . توحید المفضل: 80

و پاکیزه تر از آن انجام نمی دهند و بعد از خروج دجّال، قطعا کشت زیادی خواهد شد و درخت زیادی کاشته خواهد شد.(1)

25. کتاب الغایات: و نیز از او روایت شده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: در میان پیشهها، کاری محبوبتر از کشاورزی در نزد خداوند تعالی نیست و خداوند هر پیامبری را که مبعوث کرد، کشاورز بود، البته به جز حضرت ادریس که خیاط بود. (2)

26. کتاب الغایات: امام سجّاد علیه السّلام فرمود: نیکوترین کارها کاشتن کشت است، که نیکوکار و بدکار از آن می خورند؛ اما نیکوکار، آنچه را که از آن میخورد و میآشامد، برایش طلب استغفار میکند. و بدکار، آنچه را که از آن میخورد، او را لعنت میکند.(3)

27. دلائل طبری: امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده که فرمود: پدرم برایم از جدم نقل میکرد که برای فروشنده ملک زراعی [خیر و برکت] از بین میرود و برای خریدار آن، برکت و روزی فزونی مییابد.

1- . کتاب الغایات: 88
2- . کتاب الغایات: 70
3- . کتاب الغایات: 73

باب یازدهم : فروش کالای نجس و پوستهایی که فروشش صحیح است و حکم کالاهایی که در بازار مسلمانان فروخته میشود

روایات:

1. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: پدرم چند درهم به بازار میفرستاد تا با آن برایش پنیر بخرند، سپس بسم الله میگفت و میخورد و از آن سؤال نمیکرد.(1)

2. قرب الاسناد: حنان گوید: شنیدم که مردی از امام صادق علیه السّلام پرسید: اگر بزغاله ای از شیر خوک مادهای بخورد و بزرگ شده و به گوسفند تبدیل شود و از او بزغالهای متولد شود، نظرتان درباره نسل آن چیست؟ ایشان فرمود: اگر بره های او را می شناسی، به آن نزدیک نشو و اگر نمی شناسی، نسل آن بزغاله به منزله پنیر است، از آن بخور و دربارهاش سؤال نکن.(2)

3. قرب الاسناد: ابن ابی خطاب از بزنطی روایت کرده است که گفت: از امام رضا علیه السّلام درباره کفشها سؤال کردم که مردی به بازار می رود و کفش می خرد و نمی داند که آن پوست حیوانی است که ذبح شده یا نه؟ نظرتان درباره نماز خواندن با آن چیست، در حالی که نمی داند آن پوست از حیوان ذبح شده است یا نه؟ حضرت فرمودند: بله! من کفش از بازار می خرم و در آن نماز می خوانم و شما نباید درباره آن سؤال کنید.

1- . قرب الاسناد: 11
2- . قرب الاسناد: 47

و گفت: از ایشان درباره جامه پوستین پرسیدم که شخصی به بازار مسلمین میرود تا جامه پوستینی بخرد که نمیداند متعلق به حیوان ذبح شده است یا نه، آیا در آن جامه می تواند نماز بخواند؟ حضرت فرمودند: بله، امام باقر علیه السّلام میفرمود: خوارج به خاطر جهالتشان بر خود سخت میگرفتند، به درستی که دین وسیعتر از امثال این دقتها است. امیرالمؤمنین علیه السّلام میفرمود: شیعه ما در گستره ای وسیعتر از آنچه که بین آسمان تا زمین است، هستند و شما مورد آمرزش قرار می گیرید. (1)

4. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کردم که آیا نشستن و ایستادن بر روی پوست درندگان و سوار شدن بر زین آن و فروشش صحیح است؟ فرمود: اشکالی ندارد، اما نباید بر روی آن سجده کرد.(2)

5. قرب الاسناد: گفت: از ابشان پرسیدم، اگر موشی در ظرف روغنی بمیرد، حکم آن چیست؟ فرمود: مالیدن آن روغن بر خود و فروختنش بر فرد مسلمان جایز نیست(3) .

6. قرب الاسناد: گفت: از ایشان پرسیدم، اگر موشی داخل ظرفی از روغن بیافتد و موش را پیش از آن که بمیرد، بیرون آورند، آیا میتوان آن را به شخص مسلمانی فروخت؟ فرمود: بله و مالیدن آن روغن بر خود اشکالی ندارد.(4)

7. قرب الاسناد: از ایشان پرسیدم، شخصی گوسفندی دارد که دنبه های گوسفندش را در حال زنده بودنش می بُرد، آیا او میتواند دنبه های بریده شده را بفروشد؟ فرمود: آری، آن ها را ذوب و برای روشنایی استفاده کند، ولی نمیتواند آن ها را بخورد و بفروشد.(5)

1- . قرب الاسناد: 170
2- . قرب الاسناد: 112
3- . قرب الاسناد: 112
4- . قرب الاسناد:113
5- . قرب الاسناد: 115

8. قرب الاسناد: گفت: از او پرسیدم، شخصی صاحب چهارپایانی است که تعدادی از آنها می میرند، آیا فروختن پوست آنها، دباغی کردن و پوشیدن آنها جایز است؟ فرمود: نه، اگر پوشید، در آن نماز نخواند.(1)

مؤلف: برخی از این احادیث را در باب «جوامع المکاسب» آوردهایم .

9. دعائم الاسلام: از امام علی علیه السّلام روایت شده است که درباره روغن نجس فرمود: اگر بخواهد، می تواند با آن صابون بسازد.(2)

10. دعائم الاسلام: پیشوایان معصوم علیهم السّلام فرمودند: اگر حیوانی در غذا بیفتد و آن را زنده بیرون آوری و در غذا نمیرد، آن غذا نجس نمی شود و خورده می شود و اگر در آن بیفتد و بمیرد، خوردن و خرید و فروش آن جایز نیست و از فروش امثال اینها نهی شده است، همان گونه که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند یهود را لعنت کند، پیه ها بر آنان حرام گردید، ولی آنان آن را فروختند و بهایش را خوردند و از آن همانند میته (حیوانی که طبق دستور شرع ذبح نشده) بهره برده میشود و فروشش جایز نیست وهر کس روغنش را برای روشنایی یا ساختن صابون استفاده می کند، باید از تماس آن با لباس پرهیز کند و آن قسمت از بدن یا دست شخصی که با آن تماس پیدا کرده، باید شسته شود، همانند شستن چیزی که با نجاست تماس پیدا کرده است.(3)

11. دعائم الاسلام: از اهل بیت علیهم السّلام بر ما روایت شده است: خرید و فروش میته و نماز خواندن در آن حرام است، و استفاده از آن را جایز شمردهاند - همان گونه که انسان لباس نجس را بر خود می پیچد (و گرم می شود)- ولی نباید با آن نماز خوانده شود. و دباغی کردن و شستن و کارهای دیگر، چیزی از میته را پاک نمی کند.(4)

1- . قرب الاسناد: 115
2- . دعائم الاسلام 1: 122
3- . دعائم الاسلام 1: 122
4- . دعائم الاسلام 1: 126

12. دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السّلام درباره پوست گوسفندی سؤال شد که ذبح شده و میته آن با هم مخلوط و از آن پوستین ساخته می شود. امام فرمود: اگر آن ها را پوشیدی، در آن نماز نخوان و اگر دانستی که آن میته است، پس آن را خرید و فروش نکن و اگر ندانستی، بخر و بفروش.(1)

13. دعائم الاسلام: و از امام علی علیه السّلام روایت شده است که فرمود: بهای پوست درندگان حرام است.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 126
2- . دعائم الاسلام 1: 126

باب دوازدهم : مسیحی شراب و خوک میفروشد

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السّلام درباره دو مرد مسیحی سؤال کردم که یکی از آنها خوک و شرابی را برای مدتی معین فروخت، سپس قبل از گرفتن بهای آن مسلمان شد، آیا بهای خوک و شراب بعد از اسلام آوردن برای آنان حلال است؟ فرمود: آن، قیمت چیز جنس است و گرفتن آن اشکالی ندارد.(1)

باب سیزدهم : مواردی که مال پدر برای فرزند حلال است و برعکس

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کردم: شخصی صدقه ای به فرزندش می دهد، سپس تصمیم می گیرد دیگران را با فرزندش در آن شریک کند. آیا این کار صحیح است؟ امام فرمود: بله، پدر هر کاری که دوست داشته باشد، میتواند با مال فرزندش انجام دهد و هدیه به فرزند مانند صدقه به دیگران است.(2)

2. قرب الاسناد: گفت: از او پرسیدم: آیا جایز است انسان از مال فرزندش بردارد؟ امام فرمود: نه، مگر با اجازه وی یا این که ناچار گردد؛ که در این صورت به طور پسندیده مصرف می کند یا به عنوان قرض از آن برمی دارد تا هنگام توانگری

1- . قرب الاسناد: 115
2- . قرب الاسناد: 119

به وی پرداخت کند و برای فرزند جایز نیست از مال پدرش چیزی بردارد مگر با اجازه او.(1)

3. عیون الاخبار، علل الشرایع: در کتاب علل الشرایع ابن اسنان از امام رضا علیه السّلام در نامهای که به او نوشته، آمده است: علت حلال بودن مال فرزند برای پدر بدون اجازه او و حلال نبودن مال پدر برای فرزند مگر با اجازه او، این است که فرزند بخشیده شده به پدر است، خداوند بزرگ می فرماید: {به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هرکس بخواهد فرزند پسر می دهد. }(2) و اینکه فرزند چه کوچک باشد و چه بزرگ، تحت حمایت پدر و منسوب به او است و به نام او خوانده و شناخته می شود، بنا بر قول خداوند عزوجل: {آنان را به [نام] پدرانشان بخوانید، که این نزد خدا عادلانه تر است. }(3)و سخن رسول خدا صلّی الله علیه و آله که فرمود: {تو و مالت متعلق به پدرت هستید. }، اما مادر این چنین نیست و حق تصرف در مال فرزند را ندارد مگر با اجازه او یا به اذن پدر، زیرا پدر وظیفه نفقه فرزند را بر عهده دارد، ولی مادر این چنین نیست و نفقه فرزند بر او واجب نیست.(4)

4. علل الشرایع: عروه الحناط گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: چرا کنیز پسر بر پدر حرام است - هر چند پسر کوچک باشد - و کنیز دخترش بر وی حلال است؟ امام فرمود: چون دختر با کنیز آمیزش نمی کند و پسر آمیزش می کند و تو نمی دانی، شاید پدر با وی آمیزش کند و این مسأله بر پسر پوشیده بماند و پس از بلوغ و جوانی، او نیز با کنیز آمیزش کند، پس گناهش بر گردن پدر می باشد.

صدوق میگوید: حدیث همین طور آمده و صحیح می باشد و معنای آن این است که برای پدر شایسته تر آن است که با کنیز پسرش همبستر نشود، اگر چه پسر کوچک باشد و گاهی آمیزش پدر با کنیز پسر جایز می باشد و آن زمانی است که پسر با کنیز آمیزش نکرده است و علت جواز، این است که پسر و اموال او متعلق به پدر می باشد، ولی در صورتی که پسر با کنیز آمیزش کرده باشد، برای پدر همبستر

1- . قرب الاسناد: 119
2- . الشوری/ 49

3- . الاحزاب/ 5
4- . عيون الاخبار 2: 96 و علل الشرايع: 524

شدن با کنیز مشروع نیست. و آنچه که من به آن فتوی می دهم این است که همبستر شدن پدر با کنیز دختر نیز جایز نمی باشد.(1)

5. معانی الاخبار: حسین بن ابی العلا می گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: چه چیزی از مال فرزند برای پدر حلال است؟ امام فرمود: غذایش در حال ناچاری و بدون اسراف. گفتم: پس معنای سخن پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله به مردی که پدرش را نزد آن حضرت آورد و ایشان فرمود: «تو و مالت متعلق به پدرت هستی» چیست؟

امام فرمود: همانا آن شخص پدرش را نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آورده بود و می گفت: ای رسول خدا، این پدرم است و او درباره میراث مادرم به من ستم کرده است. و پدر به پیامبر صلّی الله علیه و آله توضیح داد که آن را برای خود و فرزندش هزینه کرده است. از این رو آن حضرت فرمود: تو و مالت، متعلق به پدرت هستی! و آن مرد چیزی (مالی) نداشت. آیا پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله باید پدر را به خاطر فرزند زندانی می کرد؟ !(2)

6. فقه الرضا: بدان که برای پدر جایز است، بدون اجازه فرزندش از مال وی بردارد؛ ولی برای فرزند جایز نیست از مال پدرش بردارد، مگر با اجازه وی؛ و نیز برای زن جایز نیست که از مال شوهرش بدون اجازه او انفاق کند مگر غذا باشد و اگر مادر بخواهد از مال فرزندش بردارد، این کار برایش جایز نیست، مگر آنکه بهای آن را برای خود مشخص کند تا به او بازگرداند. برای انسان اشکالی ندارد که از خانه پدر و برادر و مادر و خواهر و دوستش، بی اجازه او، آنچه را که در آن روز ترسی از فاسد شدنش ندارد، مانند سبزی و میوه و همانند آن بخورد.(3) و اگر شخصی قرضی داشته و بدون مال باشد و فرزندش صاحب مالی باشد، جایز است از مال فرزندش بردارد و قرضش را با آن پرداخت نماید.(4)

1- . علل الشرایع: 525
2- . معانی الاخبار: 155
3- . فقه الرضا علیه السلام: 34
4- . فقه الرضا علیه السلام: 36

باب چهاردهم : مواردی که خوردن میوه برای عابران جایز است

روایات:

1. الاحتجاج: اسدی گوید: در پاسخ عمری به من آمده: اما اینکه پرسیده ای عابری از کنار درختان میوه دار ما عبور می کند و از آنها می خورد، آیا این کار جایز است؟ خوردن آن برایش حلال و بردنش حرام است.(1)

2. قرب الاسناد: هارون از ابن زیاد نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام درباره میوه و خرمای تازه ای که مردمان از می خورند، پرسیده شد که آیا حلال است؟ فرمود: هیچ کس نباید از آن بخورد، مگر در مواقع ضروری و ناچاری و اگر درختان در محوطه ای دیواردار قرار داشت، نباید دیوار را خراب کرد. پیامبر صلّی الله علیه و آله به خاطر نیازمندان، از دیوار کشیدن به دور باغهای خرما و انواع میوه نهی کرد، تا هر کسی بتواند از آنها بخورد.(2)

3. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام فرمود: مردمی نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله میآمدند که هیچ مالی نداشتند، انصار گفتند: اگر ما به این قوم از دیوار هر نخلستانی یک خوشه از خرما هدیه میکردیم (و این گونه هدیه کردیم)، پس سنت تا به امروز جاری است.(3)

4. المحاسن: عبدالله بن قاسم جعفری از پدرش نقل کرده است: پیامبر صلّی الله علیه و آله هرگاه میوهها میرسید، امر میکردند که در دیوار باغها شکافی ایجاد شود (تا عابران بتوانند از آن بخورند).(4)

1- . الاحتجاج 2: 300
2- . قرب الاسناد: 39
3- . قرب الاسناد: 66
4- . المحاسن: 528

5. المحاسن: امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که اشکالی ندارد کسی که از کنار درخت میوه ای عبور می کند، از آن بخورد، اما نباید آن را خراب کند، رسول خدا از ساختن دیوار در مدینه در محل عبور عابر نهی کرده است و هرگاه که خرمای درختان نخل میرسید، امر میکرد، دیوار نخلستان برای عبور عابر خراب شود.(1)

6. فقه الرضا: اگر از کنار باغی عبور کردی، اشکالی ندارد از میوههای آن بخوری، اما نباید چیزی از آن را با خود ببری.(2)

7. السرایر: در کتاب «مسائل» از داود الصرمی روایت شده است که از امام موسی بن جعفر علیه السّلام پرسیدم: اگر کسی وارد باغی شود، آیا میتواند بدون اجازه صاحب باغ از میوه آن بخورد؟ فرمود: بله.(3)

1- . المحاسن: 528
2- . فقه الرضا علیه السلام: 34
3- . السرائر: 485

باب پانزدهم : حرفه های مکروه

روایات:

1. معانی الاخبار: امام (موسی بن جعفر) علیه السّلام روایت کرده است که حضرت فرمودند: مردی نزد پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللّه، به فرزندم کتابت و نوشتن را تعلیم داده ام، پس از آن او را به چه حرفه و شغلی مشغول کنم؟ حضرت فرمود: خدا پدرت را رحمت کند اما به پنج حرفه وادارش مکن: او را به سیّاء (کفنفروش)، زرگر، قصاب، طعامفروش و برده فروش مسپار.

آن مرد گفت: یا رسول اللّه، سیّاء کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که کفن میفروشد و مرگ امت مرا آرزومند است، حال آنکه یک تولد در امتم برای من بهتر از تابیدن خورشید بر هر چیز دیگری است. و اما زرگر، در فکر فریفتن امت من می باشد؛ و قصاب حیوانات را سر می برد و این کار مهربانی را از او سلب میکند؛ و طعامفروش غذای امتم را احتکار می کند و محقّقا اگر خداوند، بنده سارقی را ملاقات کند، برای من خوشایندتر از ملاقات با کسی است که چهل روز طعام امتم را احتکار کرده باشد. اما برده فروش، جبرئیل درباره او به من گفت: ای محمد! بدترین افراد امتت کسانی هستند که مردم را می فروشند.(1)

2. علل الشرایع، الخصال: ابن ولید از صفار و او از برقی و او از محمد بن عیسی و او از دهقان همانند این حدیث را روایت کرده است.(2)

3.علل الشرایع: یحیی بن ابی العلاء از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت: محضر امام صادق علیه السّلام رسیدم و به او خبر دادم که صاحب فرزند پسری شدهام. حضرت فرمود: آیا نامش را محمد نگذاشتی؟ گفتم: بله، بر او این نام را

1- . معانی الاخبار: 150
2- . علل الشرایع: 530 ، الخصال1: 201

نهادم. فرمود: محمد را نزن و دشنامش نده، خداوند او را بهنگام حیاتت نور چشمت و بعد از مرگت جانشین صالحی قرار داده است. گفتم: فدایت شوم، او را به چه شغل و حرفه ای مشغول نمایم؟ حضرت فرمود: از پنج حرفه بازش دار و به هر شغل دیگری که خواستی مشغولش کن:

او را به صراف (زرگر) مسپار، زیرا صراف از ربا در امان نمی ماند؛ و نیز او را نزد کفن فروش مگذار زیرا صاحب کفن، از مبتلا شدن مردم به مرض وبا [و مردن آنها] مسرور می شود و همچنین وی را به طعام فروش مسپار، زیرا او از احتکار مصون نمیماند؛ و به قصاب نیز او را تسلیم مکن، زیرا مهربانی از او سلب شده و قساوت قلب پیدا میکند؛ و بالاخره او را نزد برده فروش مگذار، زیرا رسول خدا فرمودند: بدترین مردم کسانی هستند که مردم را می فروشند.(1)

4. علل الشرایع: طلحه بن زید از حضرت جعفر بن محمد و ایشان از پدرش علیهم السّلام نقل کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: غلامی را به دست خاله ام سپرده و سفارش کردم که او را به حجامتگری یا قصابی یا زرگری نگمارد.(2)

5. در شرح نهج البلاغه ابن میثم، از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: عقل چهل معلم(3) به اندازه عقل یک بافنده است و عقل بافنده به اندازه عقل زن است و زن عقل ندارد.(4)

6. در همان کتاب از موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده که فرمود: با معلمان و بافندگان مشورت نکنید؛ زیرا خداوند عقل هایشان را از آنان گرفته است.(5)

1- . علل الشرایع: 530
2- .علل الشرایع: 530
3- . گاه واژه معلم به دارندگان مشاغلی خاص مثل خیاطی و بنایی و ...اطلاق می شود و در روایتی این گروه به دلیل خلف وعده های فراوانشان مذمت شده اند. در این روایت نیز احتمالا معلم معنایی این چنین داشته باشد. (مترجم)
4- . شرح نهج البلاغه ابن میثم1: 324

5- . شرح نهج البلاغه ابن ميثم1: 324

7. و روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخ رشته شدهای را به بافنده ای از بنی نجار داد تا پارچهای پشمی برای وی ببافد. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله مرتب برای گرفتن پارچه به او سر می زد و کنار درِ مغازه اش می ایستاد و می فرمود: پارچه ما را به ما تحویل دهید تا با آن خود را در میان مردم بیاراییم! و آن بافنده آنقدر تعلل کرد تا این که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله رحلت فرمود.(1)

8. نوادر راوندی: امام موسی علیه السّلام به نقل از پدرانش فرمود: روزی امام علی علیه السّلام از حیوان نری عبور کرد که با مادهای در حال جفتگیری بود، ایشان روی خود را از آن برگرداند، به او گفتند: چرا چنین کردی؟ امام فرمود: هرگز شایسته نیست که انسانها (عمل آمیزش را) این گونه آشکارا انجام دهند، این چنین عملی زشت و ناپسند است، بلکه عمل آمیزش، باید مخفیانه صورت گیرد، طوری که هیچ مرد و زنی آن را نبیند.(2)

9. شرح نفلیه شهید ثانی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: پشت سر بافنده نماز نخوانید حتی اگر عالم باشد، و پشت سر حجامتکننده نماز نخوانید حتی اگر زاهد باشد، و پشت سر دباغ نماز نخوانید حتی اگر عابد باشد.

10. کتاب الامامه و التبصره: ابن فضال از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم برده فروشان هستند.

11.از همین کتاب: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: شبانه بر گروهی از بنی اسرائیل عذابی رسید، پس وقتی به صبح درآمدند، دیدند که چهار گروه را از دست دادهاند: طبل نوازان، آوازخوانان، احتکارکنندگان غذا و صرافان رباخوار.

1- . شرح نهج البلاغه ابن میثم ج 1: 324
2- . نوادر الراوندی: 14

باب شانزدهم : موارد نهی شده در انواع معامله از جمله غش و ورود در سوم

اشاره

و ورود در سوم(1) و نجش(2) در معامله و معامله با تهیدستانی که از روی ناچاری کالای خود را به قیمت اندک میفروشند و سود گرفتن از مؤمن

روایات:

1. أمالی الصدوق: در خبر نهی های پیامبر صلّی الله علیه و آله آمده است: ایشان نهی کرد که شخصی برای فریب برادر مسلمانش وارد معامله شود، و نیز از معامله سلف، و از دو معامله در یک معامله، و از فروختن چیزی که در اختیار تو نیست، و از فروش چیزی که ضمانت نشده. همچنین پیامبر از فروش طلا و نقره به نسیه و از فروش طلا به طلایی با وزن بیشتر نهی کردند مگر اینکه هر دو هموزن باشند. و فرمود: و هر کس در خرید و فروش به مسلمانی تقلب کند، از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور می شود؛ زیرا یهود فریب کارترین مردم نسبت به مسلمانان هستند.(3)

2. معانی الاخبار: ابو عبید قاسم بن سلام در اخبار متفرقه با سندهایی، از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت کرده است که ایشان از معاملاتی که از طریق

1- . یعنی پس از آن که معامله بین دو نفر پایان یافت، فرد دیگری برای کالای فروخته شده قیمت بیشتری را پیشنهاد دهد و آن را از چنگ مشتری اول خارج کند. (مترجم)
2- . نجش در معامله به این معناست که شخصی بهای کالا را بالا ببرد، حال آنکه قصد خریدش را ندارد، با این هدف که بازار گرمی کند تا دیگری بشنود و به خاطر بالا بردن قیمت او، آن هم بر قیمت کالا بیفزاید. (مترجم)
3- . أمالی الصدوق: 423 ، 425 ، 426 ، 429

منابذه (پرتاب کردن کالا) و ملامسه (لمس کردن کالا) و انداختن سنگریزه انجام میشود، نهی کرد. درباره هر یک از این ها دو نظر وجود دارد:

درباره منابذه گفته می شود: معاملهای است که شخصی به دیگری می گوید: لباس یا کالای دیگری را به سوی من بینداز یا من به سوی تو می اندازم و بدین طریق معامله به فلان مبلغ تمام می شود و نیز گفته می شود: معاملهای است که شخصی به دیگری می گوید: هنگامی که سنگریزه را انداختم، قطعا معامله واجب می شود. و این معنا با معامله از طریق انداختن سنگریزه سازگار است که پیامبر صلّی الله علیه و آله از آن نهی کرده است.

و ملامسه معاملهای است که می گویی: وقتی لباسم را لمس کردم یا لباست را لمس کردی، معامله در برابر فلان مبلغ واجب می شود. و گفته می شود که آن به این صورت است که طرف معامله از روی پارچهای، کالا را لمس می کند، بدون اینکه به کالا نگاه کند و معامله بر همان واقع می شود، این معاملات در زمان جاهلیت متداول بود، سپس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله از آن ها نهی کرد؛ چون همه آن ها فریب است.

همچنین پیامبر صلّی الله علیه و آله از معامله «مجر» نهی کرد و آن معامله شتر - یا حیوان دیگر- است در برابر آنچه که در شکم ماده شتر است و در آن میگویند، بچهای که داخل شکم رشد میکند، بهای معامله میباشد. و از «ملاقیح» و «مضامین» نهی کرد. ملاقیح، جنین های موجود در شکم هاست و مفرد آن «ملقوحه» است. و اما مضامین، معامله نطفه های موجود در پشت حیوانات نر است. آنان جنین را در شکم ماده شتر و نوزادان حاصل از جفت گیری حیوان نر را در یک سال یا چند سال، می فروشند. و از معامله «حبل الحبله» نهی کرد و معنای آن معامله، جنین موجود در شکم ماده شتر میباشد و برخی می گویند: آن معامله بچه هایِ بچه شتر است که معاملهای فریب کارانه است.

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با یکدیگر «تناجش» و«تدابر» نکنید؛ تناجش به این معناست که شخصی بهای کالا را بالا ببرد، حال آنکه که قصد خریدش را ندارد، با این هدف که بازار گرمی کند تا دیگری بشنود و به خاطر بالا

بردن قیمت او، آن هم بر قیمت کالا بیفزاید، و «ناجش» خائن است؛ امّا «تدابر» به این معناست که کسی به رفیقش پشت کند و از او روی بگرداند.(1)

3. الخصال: محمد بن سنان روایت کرده است که امام باقر علیه السّلام کراهت داشت که معامله با پرتاب انجام شود و ایشان چیزی را بدون بررسی و دیدن آن نمیخرید.(2)

4. عیون الاخبار: از امام حسین علیه السّلام روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السّلام در خطبهای برای ما فرمود: بر مردم زمانی بسیار سخت خواهد رسید، که مومنان [توانگر] به آنچه در دست دارند چنگ میزنند [و انفاق نمیکنند] در حالی که به نگاه داری مال امر نشده اند. خداوند سبحان فرموده: {و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش مکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.}(3) زمانی خواهد رسید که بدکاران بلند مرتبه، و خوبان فراموش می شوند و تهیدستان دارایی خود را از روی ناچاری به قیمتی اندک می فروشند [و توانگران می خرند] در حالی که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله مردم را از معامله از روی ناچاری و معامله فریبکارانه نهی کرده است. پس ای مردم! از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و حرمتم را حفظ کنید.(4)

5. صحیفه الرضا: از امام رضا علیه السّلام نیز همانند این حدیث روایت شده است.(5)

6. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سودی که مؤمن از مؤمن میبرد، ربا محسوب میشود.(6)

7. المحاسن: محمد بن علی از ابن سنان نیز همانند این حدیث را روایت کرده است.

1- . معانی الاخبار: 278
2- . الخصال 1: 28
3- . البقره/ 237
4- . عیون الاخبار/ 2: 45

5- . صحيفه الرضا عليه السّلام: 26
6- . ثواب الاعمال: 214

مؤلف: برخی از این احادیث در باب «جوامع المکاسب» آمده است.

8. نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که فرمودند: ملعون است کسی که به مسلمانی غش کند یا او را فریب دهد یا نیرنگ کند.(1)

9. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: مردم را روزگاری دشوار در پیش است که توانگر اموال خود را سخت نگهدارد، در صورتی که به بخل ورزی فرمان داده نشده. خداوند سبحان فرموده: {و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش مکنید.} بدان در آن روزگار بلند مقام، و نیکان خوار گردند، و با درماندگان به ناچاری خرید و فروش میکنند، در حالی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله از معامله با درماندگان نهی فرموده است.(2)

10. اعلام الدین: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: زمانی بر امتم فرا میرسد که حاکمانشان ظالم، علمایشان طمعکار و کم تقوا، زاهدانشان ریا کار و تاجرانشان رباخوار و اهل پنهان کردن عیب کالا در خرید و فروش هستند و زنانشان به دنبال زینتهای دنیایند، در این صورت، خدا بدان آنها را بر آنان مسلّط میگرداند و نیکان آنها دعا میکنند و دعایشان در حق آنها اجابت نمیشود.

1- . نوادر الراوندی: 17
2- . نهج البلاغه3: 264

باب هفدهم : کسانی که معامله با آنها مستحب است

روایات:

1. امالی الطوسی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: نیکی را نزد خوبرویان طلب کنید.(1)

2. الاختصاص: در این کتاب، همانند این حدیث از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده است.(2)

3. علل الشرایع: عباس بن ولید از پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: ای ولید، از کسی که کم روزی و بد اقبال است برای من چیزی نخر، زیرا در معامله با او هیچ برکتی نیست.(3)

4.علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: معامله نکنید مگر با کسی که در خیر و برکت پرورش یافته باشد.(4)

5. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمود: از معامله با صاحبان آفت و بلا دوری کنید، زیرا آنان بدترین کسان هستند.(5)

6. علل الشرایع: علی بن حکم از کسی که برایش از ابو ربیع شامی نقل کرده است، می گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم: گروهی از کردها در جوار ما هستند که به منظور داد و ستد نزد ما میآیند و ما هم با آنها معامله می کنیم، این معامله اشکالی ندارد؟ حضرت فرمودند: ای ربیع، با ایشان معامله مکن، زیرا این

1- . أمالی الطوسی2: 7
2- . الاختصاص: 233
3- . علل الشرایع: 526
4- . علل الشرایع: 526
5- . علل الشرایع: 526

جماعت گروهی از طائفه جن بوده که حق تعالی آشکارشان فرموده است، پس با آنان معامله نکن.(1)

7. علل الشرایع: ابن ولید از حسن بن متیل از محمد بن حسین از جعفر بن بشیر از حفص و او از کسی که برایش نقل کرده، همانند این حدیث را از ابو ربیع روایت کرده است.(2)

8. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از معامله با فرومایگان دوری کنید، زیرا در آنان خیر و برکتی نیست.(3)

9. الخرایج: از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: در زمان پدرم اولین چیزی که به دست آوردم دو دینار بود. مردی از «صنعا» ردا می خرید، خواستم که دو دینار را به او بدهم تا برای من نیز ردایی بیاورد. اما پدرم گفت: دو دینار را به او نده. حضرت گفت: ولی من دور از چشم پدرم پول را به او دادم و او راهی شد. وقتی که برگشت، یک نفر را برای گرفتن ردا نزد او فرستادم. اما در جواب گفت: او چیزی به من نداده است. گمان کردم این سخن او، تنها برای مخفی کردن از پدرم است. لذا خودم نزد او رفتم و گفتم: دو دینار را بده. گفت: تو چیزی به من ندادی. پس نزد پدرم آمدم؛ وقتی که مرا دید، رو به من کرد و با تبسم فرمود: فرزندم! مگر نگفتم دینارها را به او نده! هر کس به شرابخوار اعتماد کند، از طرف خدا هیچ ضمانتی برای او نیست؛ خداوند متعال می فرماید: {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید}(4) آیا کسی سفیهتر از شرابخوار وجود دارد؟ نه! وجود ندارد، چون شهادتش پذیرفته نمی شود و اگر وساطت کند، وساطتش مقبول واقع نمیشود و اگر خواستگاری کند، به او همسر نمی دهند.(5)

1- . علل الشرایع: 527
2- . علل الشرایع: 527
3- . علل الشرائع: 527
4- . النساء/ 5
5- . الخرایج

10. تفسیر العیاشی: یونس بن یعقوب میگوید: از امام صادق علیه السّلام درباره سخن خداوند متعال: {اموال خود را به سفیهان مدهید.} سؤال کردم و ایشان پاسخ دادند: منظور از سفیه کسی است که نتوان به او اعتماد کرد.(1)

11. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس بعد از آن که خداوند شراب را بر زبان پیامبرش صلّی الله علیه و آله حرام ساخت، شراب بنوشد، اگر خواستگاری کند، شایستگی ازدواج را ندارد؛ و چون سخن بگوید، سخنش قابل قبول نیست؛ و اگر وساطت کند، وساطت او پذیرفته نمیشود؛ و نباید امانتی به او سپرد و اگر کسی او را مورد اعتماد قرار دهد و امانتی به دست او بسپارد، پس او امانت را نابود و ضایع میگرداند و کسی که به او اعتماد کند، نه خدا به او اجری می دهد و نه جای آن را برایش پر می کند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: من می خواستم کالایی را برای تجارت به یمن بفرستم، خدمت پدرم امام باقر علیه السّلام رسیدم و گفتم: می خواهم کالایی را برای تجارت به فلانی بدهم. حضرت به من فرمود: آیا نمی دانی که او شراب خوار است؟ گفتم: من شنیده ام که بعضی از مؤمنان درباره او چنین می گویند. پدرم فرمود: حرف آنها را باور کن، چرا که خداوند بزرگ می فرماید: {به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می کند.}(2) سپس گفت: اگر کالایی را برای تجارت به او سپردی و آن کالا نابود شد یا ضایع گشت، بر خدا نیست که به تو پاداشی دهد و جای آن را برایت پر کند.

گفتم: چرا؟ فرمود: به خاطر اینکه خداوند متعال فرموده است: {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.} و آیا سفیهی سفیه تر و نابخردتر از شراب خوار وجود دارد؟ بنده مادامی که شراب نخورد، همواره در وسعت و گشایشی از سوی پروردگارش است، اما اگر شراب بخورد، خداوند شلوار او را [که مایه آبروی او است] می درد و پس از آن، فرزند، برادر،

1- . تفسیر العیاشی 1: 220
2- . التوبه/ 61

گوش، چشم، دست و پای او، شیطان خواهد بود و او را به هر گمراهیای میکشد و از هر کار خیری دور میسازد.(1)

12. تفسیر العیاشی: ابراهیم بن عبدالحمید میگوید: از امام باقر علیه السّلام درباره این آیه: {و اموال خود را به سفیهان مدهید.} پرسیدم، ایشان فرمود: هر کسی که شراب بنوشد، سفیه است.(2)

13. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمود: من می خواستم کالایی را برای تجارت به یمن بفرستم، پس خدمت پدرم امام باقر علیه السّلام رسیدم و گفتم: می خواهم کالایی را برای تجارت به فلانی بدهم. حضرت به من فرمود: آیا نمی دانی که او شراب خوار است؟ گفتم: من شنیده ام که بعضی از مؤمنان درباره او چنین می گویند. پدرم فرمود: حرف آنها را باور کن، چرا که خداوند بزرگ می فرماید: {به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می کند.} و سپس پدرم فرمود: به این معنا که خداوند و مؤمنان را تصدیق میکند، چرا که او نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم است.(3)

14. الاختصاص: امام باقر علیه السّلام فرمود: اگر کسی بداند بندهای از بندگان خدا، اگر سخن بگوید به دروغ است و اگر وعده دهد خلف وعده کند و اگر به او اعتماد شود، خیانت کند، اما با این وجود، به او اعتماد کند و امانتی به دست او بسپارد، پس بر خداست که او را به این عملش گرفتار سازد و جای آن را برایش پر نکند و به او اجری ندهد.(4)

15. الاختصاص: از داوود رقی روایت شده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: ای داوود! اگر دستت را تا آرنج در دهان اژدها فرو ببری، برای تو بهتر از طلب حاجت از شخص تازه به دوران رسیده است.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 220
2- . تفسیر العیاشی 1 : 220
3- . تفسیر العیاشی 2: 95
4- . الاختصاص: 225
5- . الاختصاص: 232

16. کتاب صفات الشیعه: سعید بن غزوان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: مؤمن کم روزی و بد اقبال نمیباشد.(1)

17. نوادر الراوندی: امام موسی بن جعفر از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز نشان خوشبختی انسان است: معاشرت با صالحان، فرزند نیکوکار، زن خوب و شایسته و اینکه روزیاش در سرزمین خود باشد.(2)

18. دره الباهره: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هرکس در فقر به دنیا آید، توانگری او را سرکش می کند.

19. دعوات الراوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: برای من از کسی که کم روزی و بد اقبال است چیزی نخرید، زیرا در معامله با او هیچ برکتی نیست و معامله نکنید مگر با کسی که در خیر و برکت پرورش یافته باشد.

20. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام: با کسی شریک شوید که روزی بر او روی آورده، چرا که او برای ثروتمندی سزاوارتر و برای روی آوردن بخت، شایستهتر است.(3)

21. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: اطمینان به هر کس قبل از آزمایش او، مایه درماندگی است.(4)

22. اعلام الدین: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: روزی را از کسانی که از راه زبانه ترازو و سر پیمانهها، کسب روزی میکنند، درخواست نکنید، بلکه آن را از کسانی که دنیا بر آنان گشوده شده، طلب کنید.

1- . صفات الشیعه: 180
2- . نوادر الراوندی: 11
3- . نهج البلاغه 3: 204
4- . نهج البلاغه 3 : 264

باب هجدهم : احتکار، دریافت کالا و فروش شهرنشین به روستایی و پیش پرداخت

روایات:

1. قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمودند: امام علی علیه السّلام پیوسته از احتکار، در همه مناطق، نهی می کرد. سپس فرمود: احتکار تنها در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن جایز می باشد.(1)

2. الخصال: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: احتکار در شش چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و روغن زیتون.(2)

3. الخصال: ثمالی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند عزوجل بر بندگانش به واسطه دانه منت نهاد، زیرا آفت را بر آن مسلط ساخت و اگر چنین نمی کرد، سلاطین و امرا آن را همچون طلا و نقره در خزانههای خود ذخیره می کردند.(3)

4. الخصال: هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: خداوند متعال با سه نعمت، بر بندگانش منت نهاده: بعد از بیرون آمدن روح از جسدشان بر جسد بو افکند و اگر این چنین نبود، برادر، برادرش را دفن نمی کرد. و پس از مصیبت، آرامش قلب به آنها داد و اگر چنین نبود، قطعا نسل انسان منقرض می شد. و بر این دانه آفت افکند و اگر چنین نمی کرد، سلاطین و امرا آن را همچون طلا و نقره ذخیره می کردند.(4)

1- . قرب الاسناد: 63
2- . الخصال 1: 233
3- . الخصال 1: 70
4- . الخصال 1: 70

6. المحاسن: پدرم از ابن ابو عمیر همانند این حدیث را روایت کرده است. (1)

7. أمالی الطوسی: ابو زبیر از جابر نقل کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: نباید یک شهرنشین به جای روستایی اجناس او را بفروشد؛ مردم را به حال خود بگذارید؛ خداوند بعضی از آنان را به دست بعضی دیگر روزی میدهد.(2)

مؤلف: در باب «حرفههای مکروه» درباره احتکار روایاتی را آوردهایم.

7. قرب الاسناد: ابو بختری از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش امام باقر علیه السّلام روایت کردهاند که امام علی علیه السّلام میفرمود: پیشپرداخت جایز نیست مگر اینکه آن، به عنوان بخشی از بهای کالا محسوب شود.(3)

8. المحاسن: ابن طریف از ابن نباته نقل میکند که مردم آفتی را که در طعام است، دشنام میدادند، سپس امام علی علیه السّلام فرمود: آن را دشنام ندهید، قسم به خدایی که جانم به دست اوست، اگر این آفت نبود، طعام را همچون طلا و نقره نزد خود ذخیره می کردید.(4)

9. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر، زمانی که او را به ولایت مصر فرستاد، نوشت: سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن میباشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار میکنند؛ چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آوردندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار میباشند، از بیابانها و دریاها، و دشتها و کوهستانها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمیکنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، و از ستیزه جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه انگیزی ندارند. در کار آنها بیندیش، چه در شهری باشند که تو به سر میبری، یا در شهرهای دیگر، با

1- . المحاسن 2: 316
2- . أمالى الطوسى 2: 311
3- . قرب الاسناد: 69
4- . المحاسن: 316

توجه به آنچه که تذکر دادم. این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کنندهاند، که تنها با زورگویی به سود خود میاندیشند. و کالا را به هر قیمتی که میخواهند میفروشند، که این سود جویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از آن جلوگیری میکرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخهایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، امّا در کیفر او اسراف نکن.(1)

10. مجالس الشیخ: پیامبر صلّی الله علیه و آله به روایت امام باقر علیه السّلام فرمود: هر کس طعامی را بخرد و آن را چهل روز احتکار کند تا مسلمانان را به گرانی دچار سازد، سپس کالای احتکار شده را بفروشد و بهای آن را صدقه دهد، این عملش کفاره آنچه کرده است، نخواهد بود.(2)

11. کتاب الاعمال المانعه من الجنه: هشام بن عروه از پدرش از جدش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس بیش از چهل روز کالایی را احتکار کند، قطعا بوی بهشت - که از مسیر پانصد سال استشمام می شود - بر وی حرام خواهد بود.(3)

12. کتاب الامامه و التبصره: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: شبانه بر گروهی از بنی اسرائیل عذابی رسید. به صبح که درآمدند، دیدند که چهار گروه را بر اثر عذاب از دست دادهاند: طبل نوازان، آوازخوانان، احتکارکنندگان غذا و صرافان رباخوار.

1- . نهج البلاغه 3: 110
2- . أمالی الطوسی 2: 289
3- . اعمال المانعه من دخول الجنه: 64

ابواب تجارت و خرید فروش

باب یکم : آداب تجارت و دعاهای آن و دعاهای مربوط به بازار و موارد مذموم آن

آیات:

- «رِجالٌ لا تُلْهیهِمْ تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِیتاءِ الزَّکاه.»(1)

{مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد. }

-«فَإِذا قُضِیَتِ الصَّلاهُ فَانْتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْکُرُوا اللَّهَ کَثیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون»(2)

{و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید. }

روایات:

1. تفسیر العیاشی: سکونی از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خدا در روز قیامت به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند، و برایشان عذابی دردناک است: کسی که از روی تکبر دامن (لباس) بر زمین کشد، و کسی که با دروغ کالای خود را خوب و بینقص جلوه دهد، و کسی که با محبت از تو استقبال کند، در حالی که قلبش مملو از نیرنگ است و آن را پنهان میکند.(3)

2. تفسیر العیاشی: ابوذر از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: خداوند روز قیامت با سه گروه سخن نمی گوید و پاکشان نمی گرداند و

1- . النور/ 37
2- . الجمعه/ 10
3- . تفسیر العیاشی 1: 179

برایشان عذابی دردناک است. گفتم: آنان چه کسانی هستند که زیانکار و بدبخت اند؟ پیامبر فرمود: کسی که لباسش را از روی تکبر بر زمین کشد، شخص بسیار منت گزار و کسی که کالایش را با سوگند دروغ بفروشد؛ پیامبر صلّی الله علیه و آله سه مرتبه این سخن را تکرار کرد.(1)

3. تفسیر العیاشی: سلمان از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: سه گروهند که خداوند در روز قیامت به آنان نظر رحمت نمی افکند: پیر زناکار، و شخص مفلس بیخیال و فریبکار، و کسی که سوگندش را وسیله کسب و تجارت قرار دهد؛ کالایی نمی خرد مگر با قسم، و نمی فروشد جز با قسم.(2)

4. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هرگاه خواستی پس از طلوع آفتاب و رفتن سرخی آن، به دنبال حاجتت بروی، دو رکعت نماز با حمد و سوره «قل هو الله احد» و سوره «قل یا أیها الکافرون» بخوان و پس از گفتن سلام بگو: خدایا! من صبحگاهان به جستجوی فضل و روزی تو - آن گونه که دستور دادی - بیرون می روم، پس، از فضل خویش روزیای پسندیده، فراوان، حلال و پاک به من عنایت کن و در آنچه به من روزی می دهی، عافیت قرار ده. با نیرو و قدرت خدا، صبحگاهان خارج می شوم. سپیدهدمان با قدرت و نیروی تو خارج می شوم، نه با قدرت و نیروی خود، و از این نیرو و قدرت (منظور قدرت خود) به سوی تو برائت می جویم. خدایا! من برکت این روز را از تو می خواهم، پس در همه کارهایم به من برکت ده؛ ای مهربان ترین مهربانان! و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد.

هنگام رسیدن به بازار بگو: گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست. زنده می کند و می میراند، می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که مرگ ندارد. خیر و خوبی در اختیار اوست و او بر هر چیزی تواناست و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. خدایا! من خیر بازار و خیر اهل بازار را از تو می خواهم و از شر

1- . تفسیر العیاشی 1: 179
2- . تفسیر العیاشی 1: 179

آن و شر اهلش به تو پناه می برم ! خدایا به تو پناه می برم از ستم کردن و مورد ستم قرار گرفتن، یا ظلم کردن یا مظلوم واقع شدن یا تجاوز کردن یا مورد تجاوز قرار گرفتن، و از شیطان و لشکریانش و از فاسقان عرب و عجم به تو پناه می برم. خداوند مرا بس است، خدایی جز او نیست، تنها بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

و هنگام خریدن چیزی، بگو: ای زنده ! ای پایدار ! ای جاودان ! ای رئوف ! ای مهربان، از تو می خواهم به حق یاری و قدرتت و آنچه که دانشت را فراگرفته، امروز پر سودترین، بهترین و نیک فرجام ترین تجارت را نصیبم کنی و هنگام خرید چهارپا یا اسب بگو: خداوندا ! بلند عمرترین، پرسودترین و نیک فرجام ترین آنها را روزی من بفرما.

و نیز امام صادق علیه السّلام فرمود: چون کالا یا چیزی دیگر خریدی، آن را بزرگ بشمار و بگو: بار خدایا، خریدم آن را و فضل تو را در آن خواستارم، در آن برایم فضل و خیر قرار ده. خدایا خریدم آن را و روزی تو را در آن میطلبم، برایم در آن روزی قرار ده؛ سپس هریک از آنها را سه بار تکرار کند.(1)

5. نوادر الراوندی: امام موسی علیه السّلام از اجدادش علیهم السّلام روایت کردند که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: چهار گروهند که عذرشان پذیرفته نیست: مردی که در شهر خود قرض بر گردن دارد، و عذری ندارد، جز اینکه در روی زمین سفر کند و چیزی را طلب کند که بتواند با آن قرض خود را ادا کند؛ و مردی که مرد بیگانهای را بر شکم همسرش بیابد و عذری ندارد، جز اینکه او را طلاق دهد که مبادا شریک فرزند شخص دیگری شود؛ و مردی که غلام بدی دارد و او را آزار میدهد، عذری ندارد مگر اینکه او را بفروشد و یا آزاد کند؛ و در آخر، دو مردی که همسفرند و همدیگر را لعنت میکنند و عذری ندارند، جز اینکه از هم جدا شوند.(2)

1- . مکارم الاخلاق: 294
2- . نوادر الراوندی: 27

6. مجالس الشیخ: یحیی بن علا و اسحاق بن عمار می گویند: هرگز امام صادق علیه السّلام با ما خداحافظی نکرد، مگر آن که ما را به دو خصلت سفارش نمود: بر شماست راستگویی و بازگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار؛ زیرا این دو، کلید روزی است.(1)

7. مجالس الشیخ: خلاد ابو علی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی گفت: ای جعفر! کسی صاحب مالی است و آن را تباه می کند و آن مال از میان می رود. فرمود: مالت را حفظ کن که مایه قوام دین تو است، سپس این آیه را خواند: {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.}(2)

از خط مرحوم شهید - قدس سره -: دعا برای مسافر و تاجر به هنگام ورود به مغازه اش در اول روز این است که: بیست و یک مرتبه سوره اخلاص بخواند، سپس بگوید: خدایا! ای یگانه، ای بی همتا، ای کسی چون او نیست، به فضیلت «قل هو اللّه احد» از تو می خواهم که به روزی ام برکت دهی و شر همه را از من برطرف کنی.

8. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: هرکس بدون علم به احکام شرعی تجارت کند، گرفتار ربا میشود.(3)

9. کتاب الغارات: ابو حصیره از مختار تمار نقل کرده است که مردی از مردم بصره گوید: من در مسجد کوفه می خوابیدم و برای قضای حاجت به حیاط می رفتم و از بقال نان می گرفتم. روزی به قصد بازار بیرون آمدم که صدایی مرا خواند: ای مرد، جامهات را بالا بکش تا هم جامه ات پاکیزه تر ماند و هم برای پروردگارت پرهیزکارتر باشی. پرسیدم: این مرد کیست؟ گفتند: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

1- . أمالی الطوسی 2: 289
2- . أمالی الطوسی 2: 292
3- . نهج البلاغه 3: 259

از پی او رفتم. به بازار شترفروشان می رفت. چون به آنجا رسید، وسط بازار ایستاد و گفت: ای جماعت فروشندگان! از سوگند دروغ بپرهیزید که سوگند خوردن اگر کالا را به فروش برساند، برکت را از میان می برد. سپس به بازار کرباس فروشان رفت. و با مردی خوش روی برخورد کرد، علی علیه السّلام به او فرمود: آیا دو جامه به بهای پنج درهم داری؟ مرد به ناگاه از جا پرید و گفت: بله یا امیرالمؤمنین. چون فروشنده او را شناخت، از مغازه او گذشت و او را ترک کرد. آنگاه کنار غلامی ایستاد. فرمود: ای غلام، آیا دو جامه به پنج درهم نزدت هست؟ غلام گفت: آری! دو جامه دارم، یکی از آنها که بهتر از دیگری است را به سه درهم می دهم و آن دیگر را دو درهم.

علی علیه السّلام فرمود: آنها را بیاور و به قنبر گفت: آنکه به سه درهم می ارزد از آن تو. قنبر گفت: یا امیرالمؤمنین، آن برای شما مناسب تر است که به منبر می روید و برای مردم سخنرانی می کنید. ایشان گفت: تو جوانی و در تو شور جوانی است. من از پروردگارم شرم دارم که خود را بر تو برتری دهم، که از رسول خدا صلّی الله علیه و آله شنیده ام که فرمود: به زیردستان همان چیزی را بپوشانید که خود می پوشید و همان را خورانید که خود می خورید. آنگاه جامه را بر تن و دست در آستین آن کرد که از انگشتانش بلندتر بود. فرمود: ای غلام، این تکه را ببر. او آن را برید و گفت: ای شیخ! بگذار لبه اش را بدوزم. علی علیه السّلام گفت: چنان که هست رهایش کن که امر - مرگ - از آن سریعتر است.

10. أمالی الطوسی: محمد بن قیس از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: امام علی علیه السّلام هر بامداد در بازارهای کوفه، یکی پس از دیگری، با تازیانه ای بر دوش - که دو سر داشت و «سبیبه» نامیده می شد - میچرخید، و بر سر هر بازار می ایستاد و ندا میداد: ای تاجران و کاسبان! در طلب خیر و برکت از خداوند پیشی گیرید، و از آسانگیری (در داد و ستد) برکت جویید، با خریداران صمیمی باشید و بردباری را زینت خود سازید، از دروغ گفتن و سوگند خوردن خودداری ورزید، از ستمگری دوری گزینید و با مظلومان به انصاف رفتار کنید، از ربا بپرهیزید {و پیمانه و ترازو را به عدالت بدهید، و حقوق مردم را کم مدهید، و

در زمین به فساد سر برمدارید }(1). ایشان در همه بازارهای کوفه گردش می کرد و این سخنان را بیان میکرد، سپس میفرمود:(2)

- لذتهایی که آدمی از کار حرام به آن کامروا میشود، از بین می رود و در پایان آن لذتها، تنها گناه و ننگ و عاقبتی بد باقی می ماند؛ آری، لذتی که به دنبال آن آتش جهنم باشد، خیری در آن نیست.

11. مجالس الشیخ: احمد بن ولید از پدرش و او از صفار، از ابن معروف، از ابن مهزیار، از ابن محبوب، از ابو مقدام از امام علی علیه السّلام همانند این حدیث را نقل کرده است.(3)

12. عیون الاخبار: بنا بر اسناد سهگانه از امام رضا علیه السّلام و ایشان از اجدادش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: مغبون (خسران دیده)، نه مورد ستایش قرار گرفته و نه پاداش داده میشود.(4)

13. صحیفه الرضا: از امام رضا علیه السّلام مثل این حدیث نقل شده است.(5)

14. الخصال: حسین بن زید از پدرانش نقل می کند که علی علیه السّلام از پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود: هنگامی که دو تاجر راست بگویند و نیکی کنند، به آنها برکت داده می شود، و چون دروغ بگویند و خیانت کنند، به آنها برکت داده نمی شود و آنان مادامی که از هم جدا نشده اند، حق انتخاب دارند و هرگاه اختلاف پیدا کنند، سخن، سخن صاحب کالاست و یا میتوانند متارکه کنند.(6)

15. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: در کالای خوب دو دعا و در کالای بد نیز دو دعا وجود دارد: به صاحب کالای خوب گفته می شود: خداوند به

1- . هود / 85
2- . أمالی الصدوق: 497
3- . أمالی المفید: 116

4- . عيون اخبار الرضا 2: 48
5- . صحيفه الرضا عليه السلام: 28
6- . الخصال 1: 27

تو و به کسی که این جنس را به تو فروخته، برکت بدهد و به صاحب کالای بد گفته می شود: خداوند به تو و به کسی که این را به تو فروخته، برکت ندهد.(1)

16. الخصال: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نمیگوید: شخص بسیار منت گزاری که چیزی را جز با منت گزاری نمیبخشد، کسی که لباسش را از روی تکبر بر زمین کشد و کسی که کالایش را با سوگند دروغ بفروشد.(2)

17. الخصال: محمد بن منکدر از جابر بن عبداللّه نقل می کند که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند مردی را که پیش از شما بود، آمرزید، زیرا او وقتی چیزی می فروخت و چیزی می خرید، آسان می گرفت و چون داوری میکرد و از کسی داوری میخواست، آسان می گرفت. (3)

18. الخصال: سکونی از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: کسی که خرید و فروش می کند، باید از پنج خصلت اجتناب ورزد، در غیر این صورت خرید و فروش نکند: ربا، سوگند خوردن، پنهان کردن عیب و تعریف کردن بهنگام فروش و بد گفتن هنگام خریدن.(4)

19.الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: هرگاه وارد بازار شدید و نیز هنگام سرگرم بودن مردم به کار، بسیار خداوند بزرگ را یاد کنید که آن کفاره گناهان است و باعث فزونی حسنات میگردد، پس از غافلان مباشید. (5)

20. و امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: مغبون (خسران دیده)، نه مورد ستایش قرار گرفته و نه پاداش داده میشود.(6)

1- . الخصال 1: 28
2- . الخصال 1: 120
3- . الخصال 1: 131
4- . الخصال 1: 200

5- . الخصال 2: 403
6- . الخصال 2 : 412

21. و امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: به تجارت روی بیاورید که آن شما را از آنچه که در دستان مردم است بینیاز میسازد و خداوند انسان شاغل امین را دوست دارد.(1)

22. و امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: هنگام خرید مایحتاج خود از بازار و زمان ورود به بازار بگویید: گواهی میدهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و او شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست. پروردگارا، پناه می برم به تو، از معامله زیان آور و از سوگند دروغ و پناه می برم به تو از کسادی و بی مشتری بودن.(2)

23. توحید: حسین بن زید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله به زینب عطر فروش فرمود: هر گاه چیزی می فروشی، با عدالت و راستی رفتار کن، زیرا آن برای مال انسان پاک تر و با برکت تر است... ادامه خبر.(3)

24. الخصال: سماعه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: چهار گروهند که خداوند عزوجل روز قیامت بدانها نظر رحمت میافکند: هر کس از شخص پشیمانی درگذرد، کسی که به فریاد دردمندی رسد، و کسی که بنده ای را آزاد کند، و کسی که مجردی را تزویج نماید.(4)

25. أمالی الصدوق: ابو عبیده نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هرکس در بازار بگوید: «گواهی میدهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و او شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست» خداوند برایش هزاران هزار حسنه مینویسد.(5)

26. عیون الاخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس هنگام ورود به بازار بگوید: «پاک و منزه است خداوند و ستایش از آن اوست و معبودی جز او نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست. زنده

1- . الخصال 1: 413
2- . الخصال 1: 430

3- . التوحيد: 221
4- . الخصال 1: 152
5- . أمالى الصدوق: 607

می کند و می میراند، و او زنده ای است که مرگ ندارد. خیر و خوبی در اختیار اوست و او بر هر چیزی تواناست»، خداوند به تعداد موجوداتی که تا روز قیامت خلق کرده است به او پاداش میهد.(1)

27. صحیفه الرضا: از امام رضا علیه السّلام و ایشان از پدرانش نیز چنین حدیثی نقل شده است.(2)

28. معانی الاخبار: مفضل بن سعید از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: عرب بادیه نشینی از بنی عامر، خدمت پیامبرصلّی الله علیه و آله آمد و از حضرت سؤالی پرسید - و سخن طولانی ای را بیان کرد - و در آخر آن آورده است که اعرابی از آن حضرت درباره «صلیعاء و قریعاء» و بهترین نقطه زمین، و بدترین نقطه زمین سؤال کرد. پیامبر - بعد از آنکه جبرئیل آمد، این سؤال را از او پرسید - به مرد پاسخ داد: «صلیعاء» زمین بایر یا شوره زاری است که سیراب و سرسبز نمی گردد، و چراگاهش سیر نمی کند و «قریعاء» زمینی است که برکتی ندارد و گیاهی در آن نمیروید، هر چه در آن هزینه شود، بهره ای از آن عاید نمی گردد.

و بدترین مکان زمین، بازار است که جولانگاه شیطان بوده و او هر بامداد پرچم خویش را در آنجا برمیافرازد و تخت خویش را در آن می نهد و اولادش را پراکنده می کند؛ آنان کسانی هستند که پیمانه را کم دهند، یا کفه ترازو را سبک گیرند، یا از متر پارچه بدزدند، یا درباره کالایی دروغ گویند، شیطان به فرزندانش گوید: سفارش می کنم شما را به مردی که پدرش مرده و حال آنکه پدر شما زنده است، و شیطان همواره با نخستین فردی که وارد بازار می شود، و آخرین نفری که از آن خارج میشود، همراه می باشد. و اما بهترین مکانهای زمین، مساجد است، و محبوب ترین مردم نزد خدا، شخصی است که اول از همه وارد مسجد میشود و آخرین نفری است که از آن خارج میشود.(3)

1- . عیون الاخبار 2: 31
2- . صحیفه الرضا علیه السلام: 4
3- . معانی الاخبار: 168

29. أمالی الطوسی: جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله از جیرئیل پرسید: محبوبترین مکانهای زمین در نزد خداوند کدام است؟ جبرئیل جواب داد: مساجد، و محبوب ترین مردم نزد خدا، شخصی است که اول از همه وارد مسجد میشود و آخر از همه از آن خارج میشود. پیامبر پرسید: بدترین مکانها در نزد خداوند تعالی کدام است؟ گفت: بازارها، و بدترین ترین مردم در پیشگاه خداوند، شخصی است که زودتر از دیگران وارد بازار میشود و دیرتر از دیگران از آن خارج میشود.(1)

30. أمالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرکس که هنگام ورود به بازار بگوید: «گواهی میدهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و او شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست، پروردگارا به تو پناه می برم از ظلم و گناه و زیان» خداوند برایش به تعداد عرب و عجم حسنات مینویسد.(2)

31. أمالی الصدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند دشمن کسی است که کالایش را با سوگند به فروش برساند.(3)

32. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: سه گروه هستند که خداوند آنان را بدون حساب وارد بهشت میکند: امام عادل، تاجر صادق و پیرمردی که عمرش را در اطاعت و بندگی خداوند صرف کرده باشد.(4)

33. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند عزوجل به سه نفر نظر رحمت نمی افکند: به کسی که از روی تکبر، روی بگرداند؛ کسی که لباسش را از روی تکبر بر زمین کشد؛ و کسی که کالایش را با سوگند بفروشد، همانا بزرگی فقط مخصوص خداوند بزرگ است.(5)

1- . أمالی الطوسی 1: 144
2- . امالی الطوسی 1: 144
3- . أمالی الصدوق: 483
4- . ثواب الاعمال: 120
5- . ثواب الاعمال: 199

34. المحاسن: یحیی بن ابراهیم از حسین بن مختار همانند این حدیث را نقل کرده است.(1)

35. المحاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند دشمن کسی است که کالایش را با سوگند به فروش برساند.(2)

36. فرحه الغری: امام صادق علیه السّلام فرمود: برای دریا همسایهای و برای پادشاه دوستی نیست و سلامتی را بهایی نیست، چه بسیار کسانی که بهرهمند از نعمتند، اما از آن غافلاند. و نیز فرمود: روز پنجشنبه [را مبارک بشمارید] و به آن پایبند باشید و در هر کاری ابتدا از خداوند طلب خیر کنید و زکات و صدقه را به آسانی ادا کنید. صبر و بردباری را زینت خود سازید و از دروغ اجتناب ورزید و پیمانه و ترازو را به عدالت بدهید.

37. المحاسن: محمد بن فیض گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی چیز چشیدنی را می خرد، آیا قبل از خریدن میتواند آن را بچشد؟ فرمود: بله، میتواند بچشد، اما چیزی را که نمیخواهد بخرد، نباید بچشد.(3)

38. فقه الرضا: و روایت شده است که هر کس بدون علم و آگاهی به احکام شرعی، تجارت کند، قطعاً گرفتار ربا میشود.(4)

39. فقه الرضا: و روایت شده است، کسی که خرید و فروش می کند باید از پنج خصلت اجتناب ورزد، در غیر این صورت خرید و فروش نکند: ربا، سوگند خوردن، پنهان کردن عیب و تعریف کردن به هنگام فروش و بد گفتن هنگام خریدن.(5)

40. فقه الرضا: روایت شده است که سود بردن مؤمن از برادرش رباست، مگر این که بیش از صد درهم از وی خرید کند؛ بدین ترتیب میتواند به اندازه خوراک یک روز خود از وی سود بگیرد، یا کالایی را برای تجارت از وی بخرد، که در این

1- . المحاسن: 259
2- . المحاسن: 119
3- . المحاسن: 450

4- . فقه الرضا عليه السلام: 33
5- . فقه الرضا عليه السلام: 33

صورت می تواند اندکی سود بگیرد.(1) هرگاه مشغول کسب و تجارت بودی و وقت نماز رسید، نباید کار تجارت، تو را از نماز باز دارد، که خداوند قومی را توصیف کرده و چنین به ستایش آنان پرداخته است: {مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا مشغول نمی دارد.}

و آنان مردمی بودند که تجارت می کردند، و چون وقت نماز می رسید، تجارت خود را رها می کردند و به نماز می ایستادند؛ و اجر ایشان بالاتر از اجر کسی خواهد بود که مشغول کسب و کاری نیست و در وقت نماز به نماز می ایستد. همچنین کسی که تجارت می کند، باید از دروغ اجتناب کند. و اگر شخصی کلاه بدوزد و لای آنها پنبه کهنه بگذارد، عملش درست نیست مگر اینکه عیب پنهان آن را آشکار کند. و هرگاه شخصی از تو بخواهد لباسی برایش بخری، از جنس خود به وی نده؛ زیرا این خیانت است، حتی اگر جنس تو مرغوب تر از جنس دیگران باشد.(2) و در تجارت و کسب خود، اخلاق نیکو داشته باش، و رفتارهای پسندیده دین و دنیا را به کار گیر.(3)

41. فقه الرضا: چون کالا یا جنس یا کنیز یا چهارپایی خریدی بگو: بار خدایا، خریدم آن را و روزی تو را در آن میطلبم، برایم در آن روزی قرار ده و فضل تو را در آن خواستارم، در آن برایم فضل قرار ده. خداوندا، در آن خیر و برکت و فراوانی روزیات را خواستارم، در آن برایم روزی واسع و سود حلال و گوارا قرار ده، سپس هریک از آنها را سه بار تکرار کند.(4) چون به مالی رسیدی بگو: بار خدایا من بنده و بنده زاده و فرزند کنیز تو هستم و سرنوشت من در دست توست، هر حکمی خواهی درباره ام بنما و هر چه خواهی با من بکن. پروردگارا، در برابر قضا و قدر، ستایش برای توست، خدایا آن مال و روزی توست و من بنده تو هستم که برای روزی، آن را به من عطا نمودی. خدایا شکر و سپاس این نعمت را به

1- . فقه الرضا علیه السلام: 33
2- . فقه الرضا علیه السلام: 33
3- . فقه الرضا علیه السلام: 33
4- . فقه الرضا علیه السلام: 54

من الهام کن و نیز صبر در آن را آنهنگام که بدان رسیدم و آن را گرفتم، خدایا تو بر من عطا کردی و تو مرا از نعمت بهرهمند ساختی، خدایا مرا از ثوابش محروم مساز و مرا - کسی را که خلقش کردهای - در دنیا و آخرتم نادیده مگیر که تو بر هر چه توانائی. خدایا من برای تو و با توام و مقصدم به سوی توست و از توام و هیچ اختیاری در سود و زیان خویش ندارم.

و چون خواهی کالای خود را بیمه کنی، آیه الکرسی بخوان و آن را بنویس و میان آن کالا قرار بده و همچنین بنویس: «وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ لَا ضَیْعَهَ عَلَی مَا حَفِظَهُ اللَّهُ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم» { و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند.}آنچه که خداوند حفظ کند، تباه نمیگردد. {پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. }(1) بدین ترتیب تو آن را بیمه کردی و انشاءا... به اذن خدا گزندی به آن نمیرسد.(2)

42. مصباح الشریعه: امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که نزد او گرفتن مطلوب تر از بخشیدن باشد، مغبون است، زیرا که او در اثر نادانی و غفلت، دنیا را بر آخرت ترجیح داده است؛ و سزاوار است که شخص مؤمن هرگاه بخواهد چیزی از کسی بگیرد، با نیت حق باشد، و اگر خواست چیزی ببخشد، لازم است در راه حق، با نیت حق و از راه حق، این امر صورت گیرد. و چه بسیارند کسانی که چیزی از دیگران می گیرند و در مقابل، دین و آخرت خود را از دست می دهند، در حالی که خود نمیدانند؛ و چه بسیار کسانی که می بخشند و با این بخشیدن خود را مورد غضب الهی قرار می دهند. پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند.

1- . التوبه / 129
2- . فقه الرضا علیه السلام: 54

و مردم در این دو خصلت - بخشیدن و گرفتن - دو گونهاند؛ خاص و عام: گروه خاص: آنان با تقوایی دقیق در امور می نگرند، و چیزی را دریافت نمیکنند، مگر آنکه یقین پیدا کنند که آن حلال است، و در موارد مشتبه به مقدار ضرورت اکتفا می کنند. گروه عام: کسانی هستند که به ظواهر امور می نگرند، و هر آن چیزی را که به غصب بودن و سرقت آن آگاهی و اطمینان نیافته، استفاده کرده، میگویند: مشکلی نیست، آن برایم حلال است، و انسان امین در این مورد کسی است که مطابق حکم و دستور الهی چیزی را به دست آورد، و در راه رضای خداوند متعال انفاق کند.(1)

43. فتح الابواب: احمد بن محمد یحیی از یکی دوستانش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام در مورد کسب و تجارت او را چنین سفارش کرد و فرمود: بر تو باد راستگویی در سخن، و مبادا عیب موجود در کالایت را پنهان کنی؛ و مشتریای را که نزد تو آمده، مغبون مکن، که این غبن در حکم ربا است؛ و برای دیگران نپسند مگر آنچه را که برای خود می پسندی؛ و از راه حق ببخش و به دست آور؛ عیب کالا را پنهان نساز و خیانت نکن، که تاجر راستگو در روز قیامت، با فرشتگان کاتب بزرگوار و نیکوکار همراه خواهد بود. از قسم خوردن بپرهیز که قسم دروغ، قسم خورنده را به جهنم میکشاند؛ و تاجر و کاسب فاجر است، مگر اینکه به حق بخرد و به حق بفروشد، هرگاه تصمیم بر سفر یا به دست آوردن حاجتی مهم گرفتی، بسیار دعا و طلب خیر کن.(2)

مؤلف: تمام این احادیث در ابواب «استخاره» آمده است .

44. کتاب الغارات: ابوسعید گوید: امام علی علیه السّلام به بازار می آمد و می گفت: ای بازاریان، از خدا بترسید و از سوگند دروغ بپرهیزید، که سوگند خوردن اگر کالا را به فروش برساند، برکت را از میان می برد،

تاجر و کاسب فاجر است، مگر اینکه به حق بخرد و به حق بفروشد، همین و بس. سپس بعد از چند روز دوباره به بازار می آمد و همان سخنان را تکرار میکرد. هر وقت که به بازار می آمد،

1- . مصباح الشریعه: 35
2- . فتح الابواب: باب ششم

بازاریان می گفتند: مرد شکنبه آمد (یعنی آن مرد شکم بزرگ آمد). علی علیه السّلام میفرمود: پایینش طعام است و بالایش علم.

45. در همین کتاب از حارث نقل شده است که گفت: علی علیه السّلام وارد بازار شد و گفت: ای جماعت قصابان، هر یک از شما در گوشت بدمد، از ما نیست.

46. در همین کتاب از نعمان بن سعد نقل شده است که گوید: علی علیه السّلام همراه با تازیانه به بازار می رفت و می گفت: بار خدایا، به تو پناه می برم از فسق و فجور و شر این بازار.

47. عده الداعی: از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هرکس در بازار و هنگام غفلت و سرگرم بودن مردم به کار دنیا، خدا را یاد کند، خداوند برای او هزاران حسنه مینویسد و چنان او را میآمرزد که به ذهن هیچ انسانی خطور نمیکند.(1)

48. اعلام الدین: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: سود گرفتن مؤمن از مؤمن ربا است.

49. الهدایه: هرکس که تجارت می کند، باید از پنج چیز اجتناب ورزد: سوگند خوردن، دروغ، پنهان کردن عیب کالا و تعریف کردن بهنگام فروش و بد گفتن هنگام خریدن. کسی که در راه تأمین مخارج خانوادهاش تلاش کند، مانند مجاهد در راه خداست.(2)

50. الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمود: چه زیباست که برای طلب روزی سوار (کشتی در) دریا شوی.(3)

51. الهدایه: و نیز فرمود: روزی دو نوع است: روزیای که تو آن را طلب میکنی و روزیای که خود، تو را طلب میکند و حتی اگر به دنبال آن نروی به سویت میآید، پس آن را از راه حلال به دست آور که اگر از راه پاکش طلب کنی خوردنش حلال است، در غیر این صورت، آن را از حرام خوردهای و آن روزی

1- . عده الداعی: 189

2- . الهدايه: 80
3- . الهدايه: 80

توست و چارهای جز خوردنش نداری. مزد گرفتن زن آوازهخوان حرام است و اجرت گرفتن زن نوحه گر در صورتی که راست بگوید، اشکال ندارد.(1)

52. الهدایه: و نیز روایت شده است که با زدن یکی بر دیگری، آن را حلال دانسته و اجرت گرفتن زن آرایشگر، در صورتی که هر چه دادند بپذیرد و شرطی نگذارد، مانعی ندارد. نباید موی زنی را به سر زن دیگر وصل کرد، ولی اشکالی ندارد که موی بز به موی زن وصل شود.(2)

53. کتاب زید النرسی: زید نرسی از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: هرگاه خواستی کالایی را حفظ کنی، بگو: خدایا! من آن را نزد تو به امانت می گذارم. ای کسی که امانتش را تباه نمی سازد، و نگهبانی از آن را از تو درخواست می کنم، پس آن را برای من حفظ کن و از آن با چشمان همیشه بیدارت، با قدرت و نیروی زوال ناپذیرت، با عزّت جاودانه ات و با قدرت غالب و قاهرت بر هر چیز، پاسداری کن.(3)

54. کتاب الغایات: امام صادق علیه السّلام فرمود: بدترین مردم، کشاورزان و تاجران هستند، مگر کسانی از آنان که بر دین خود پایدار باشند.(4)

55. کتاب الغایات: و نیز فرمود: بدترین مردان، تاجران خائن هستند.(5)

56. کتاب الامامه و التبصره: موسی بن اسماعیل از پدرش و او از پدرانش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند بیامرزد بندهای را که در هنگام قضاوت و یا قضاوت خواستن، با گذشت است.

56. کتاب الامامه و التبصره: پیامبر صلّی الله علیه و آله به روایت امام صادق علیه السّلام و پدرانش فرمود: مغبون کردن مشتری ربا است.

1- . الهدایه: 80
2- . الهدایه: 80
3- . اصول سته عشر: 56

4- . كتاب الغايات: 91
5- . كتاب الغايات: 91

باب دوم : پیمانه و وزن

آیات:

- « وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْميزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها»(1)

{و پیمانه و ترازو را به عدالت، تمام بپیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم. }

- «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِى الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ.»(2)

{پس پیمانه و ترازو را تمام نهید، و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید، برای شما بهتر است. }

- «وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْميزانَ إِنِّى أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّى أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحيطٍ * وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْميزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ مُفْسِدينَ * بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفيظٍ»(3)

{و پیمانه و ترازو را کم مکنید. به راستی شما را در نعمت می بینم. [ولی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم. و ای قوم من، پیمانه و ترازو را به داد، تمام دهید، و حقوق مردم را کم مدهید، و در زمین به فساد سر برمدارید. اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم. }

- «وَ أَنْبَتْنا فيها مِنْ كُلِّ شَىْ ءٍ مَوْزُونٍ»(4)

{و از هر چیز سنجیده ای در آن رویانیدیم. }

1- . انعام/ 152
2- . اعراف/ 85
3- . هود/ 84-85
4- . حجر/ 19

- «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقيمِ ذلِکَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْويلا»(1)

{و چون پيمانه می کنيد، پيمانه را تمام دهيد، و با ترازوی درست بسنجيد که اين بهتر و خوش فرجام تر است. }

- «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرينَ * وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقيمِ * وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدينَ»(2)

{پيمانه را تمام دهيد و از کم فروشان مباشيد. و با ترازوی درست بسنجيد. و از ارزش اموال مردم مکاهيد و در زمين سر به فساد برمداريد. }

-«اللَّهُ الَّذی أَنْزَلَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ وَ الْميزان»(3)

{خدا همان کسی است که کتاب و وسيله سنجش را به حق فرود آورد. }

«وَ وَضَعَ الْميزانَ * أَلاَّ تَطْغَوْا فِی الْميزانِ * وَ أَقيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْميزانَ»(4)

{و ترازو را گذاشت، تا مبادا از اندازه درگذريد. و وزن را به انصاف برپا داريد و در سنجش مکاهيد. }

- «لَقَدْ أَرسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْط»(5)

{به راستی [ما] پيامبران خود را با دلايل آشکار روانه کرديم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آورديم تا مردم به انصاف برخيزند. }

- «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفينَ * الَّذينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ *أَلا يَظُنُّهأُولئِکَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمينَ».(6)

1- . إسراء/ 35

2- . شعراء/ 183- 181
3- . شوری/ 17
4- . رحمن/ 9- 7
5- . حدید/ 25
6- . مطففین / 4-2

{وای بر کم فروشان، که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند؛ و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد؟ [در] روزی بزرگ: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند.}

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ» [المستقیم یعنی به طور برابر. در روایت ابوجارود آمده که امام باقر علیه السّلام فرمود: منظور از القسطاس المستقیم] ترازویی است که دارای زبان است.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: «ویل للمطفّفین»، منظور از این آیه کسانی هستند که از پیمانه و ترازو کم میکنند. در روایت ابوجارود آمده که امام باقر علیه السّلام فرمود: این سوره در زمان ورود پیامبر صلّی الله علیه و آله بر مدینه نازل شد. مردم مدینه در آن روزگار بدترین مردم در وزن و پیمانه کردن بودند، اما بعداً در این زمینه نیکو شدند. اما منظور از «ویل»، به خدا سوگند که بر ما خبر رسیده، آن چاهی در جهنم است.(2)

3. تفسیر علی بن ابراهیم: ابن جریح از ابن عباس درباره سخن خداوند متعال: «الَّذينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» نقل کرده که گفت: منظور از این آیه، کسانی هستند که وقتی [از مردم چیزی] بخرند، آن را با پیمانهای سنگین و تمام و کمال دریافت میکنند و به هنگام فروش، از پیمانه و ترازو کم میکنند و این خصلت با آنان است تا اینکه زندگیشان به پایان میرسد .

علی بن ابراهیم درباره این آیه گوید: «الَّذينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ» کسانی که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند برای خودشان «وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به آیشان کم دهند، پس

1- . تفسیر علی بن ابراهیم قمی 2: 19
2- . تفسیر علی بن ابراهیم قمی 2: 410

خداوند میفرماید: «أَلا یَظُنُّ أُولئِکَ» یعنی آنان نمیدانند که روز قیامت برای این عمل باید حساب پس دهند.(1)

4. قرب الاسناد: صفوان جمال از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: در میان شما دو خصلت است که برخی از امتهای پیش از شما را هلاک کرده است، گفتند: این دو خصلت چیست یا رسول الله؟ فرمود: پیمانهها و ترازوها.(2)

5. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام موسی علیه السّلام سؤال کردم: شخصی کالایی را در ظرف و جوال میخرد و می گوید: برای ظرف آن، یک رطل یا کم تر یا بیشتر کم کن! آیا این معامله صحیح است؟ امام فرمود: اگر وزن ظرف و جوال را نداند، در صورت رضایت دو طرف، اشکال ندارد.(3)

6. أمالی الطوسی: ثمالی از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در کتاب امام علی علیه السّلام دیدم: هرگاه پس از من زنا پدیدار شود، مرگ ناگهانی پدید میآید؛ و هرگاه از پیمانه و ترازو کم شود، خداوند آن مردم را به قحطی و کمی گرفتار میسازد؛ و هرگاه از دادن زکات امتناع کنند، زمین برکات خود را از زراعتها، میوه ها و معادن، از تمام آنان دریغ میکند؛ و هرگاه در داوری ستم کنند، در گناه و دشمنی با یکدیگر همکاری کنند و چون پیمان شکنی کنند خداوند اشرار آنان را بر ایشان مسلط گرداند، پس نیکان ایشان دعا کنند و دعایشان در حق آنها مستجاب نشود.(4)

7. علل الشرایع: ابن متوکل از سعد آبادی از برقی از ابن محبوب از مالک بن عطیه از ثمالی مثل این حدیث را روایت کرده است.(5)

سوره مطففین: {وای بر کم فروشان، که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند؛ و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان

1- . تفسیر علی بن ابراهیم القمی 2: 410
2- . قرب الاسناد: 27

3- . قرب الاسناد: 113
4- . أمالى الطوسى 1: 214
5- . علل الشرايع: 584

نمی دارند که برانگیخته خواهند شد؟ [در] روزی بزرگ: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. }

8. نهج البلاغه: از خطبه های آن حضرت درباره پیمانه ها و ترازوها: بندگان خدا، شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدّتی معیّن برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید، و اعمال شما همگی حفظ میشود، چه بسیارند تلاشگرانی که به جایی نرسیدند، و زحمتکشانی که زیان دیدند. در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و میگذرد، و بدی بدان روی آورده، پیش میتازد، و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر میگردد. هم اکنون روزگاری است که ساز و برگ شیطان تقویت شده، نیرنگ و فریبش همگانی، و به دست آوردن شکار برای او آسان است. به هر سو میخواهی نگاه کن، آیا جز فقیری میبینی که با فقر دست و پنجه نرم کند یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده و با بخل ورزیدن در ادای حقوق الهی، ثروت فراوانی گرد آورده است، یا سرکشی که گوش او از شنیدن پند و اندرزها کر است. کجایند خوبان و صالحان شما؟ کجایند آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ کجایند پرهیزکاران در کسب و کار؟ کجایند پاکیزگان در راه و رسم مسلمانی؟ آیا جز این است که همگی رخت بستند و رفتند و از این جهان پست و گذران و تیره کننده عیش و شادمانی گذشتند؟! مگر نه این است که شما وارث آنها بر جای آنان تکیه زدید، و در میان چیزهای بی ارزش قرار دارید که لبهای انسان به نکوهش آن میجنبد تا قدر آنها را کوچک شمرده و برای همیشه یادشان فراموش گردد؟! پس در این نگرانیها باید گفت: «فإنَا لله وَ انّا اليهِ رَاجِعُونَ» فساد آشکار شد، نه کسی باقی مانده که کار زشت را دگرگون کند، و نه کسی که از نافرمانی و معصیت باز دارد. شما با چنین وضعی میخواهید در خانه قدس الهی و جوار رحمت پروردگاری قرارگیرید و عزیزترین دوستانش باشید! هرگز خدا را نسبت به بهشت جاویدانش نمیتوان فریفت، و جز با عبادت، رضایت او را نمیتوان به دست آورد. نفرین بر

آنان که امر به معروف میکنند و خود ترک مینمایند، و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن میشوند.(1)

9. نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که امّت من پیمانه ها و ترازوها را کم دهند، و خیانت ورزند، و عهد و پیمان را بشکنند، و با عمل آخرت، دنیا را طلب کنند، آنگاه به خودستایی پردازند (به گمان اینکه مسلمانان خوبی هستند) و حال آنکه باید از آنان پرهیز کرد .(2)

باب سوم : انواع خیار و احکام آن

روایات:

1- . نهج البلاغه 2: 17- 15
2- . نوادر الراوندی: 16

1. قرب الاسناد: حماد بن عیسی گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میگفت، جدم امام سجاد علیه السّلام فرمود: حکم در آنچه گذشت، درباره آن مردی که کنیزی خرید و با او همبستر شد، سپس عیب جسمانی او آشکار گشت، چنین است؛ [پس از همبستری] بیع لازم میگردد و خریدار نمیتواند کنیز را پس دهد و باید أرش - مابه التفاوت - عیب را بگیرد.(1)

2. قرب الاسناد: ابن رئاب گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم: شخصی کنیزی می خرد، در این مورد خریدار خیار دارد یا فروشنده یا هر دو؟ امام فرمود: خریدار تا سه روز خیار دارد، هنگامی که سه روز گذشت، خرید واجب می شود. به امام گفتم: اگر مشتری او را ببوسد یا لمس کند، چه می فرمایید؟ امام فرمود: هرگاه ببوسد یا لمس کند یا به جایی از بدنش که بر دیگران حرام است، نگاه کند، شرط از میان می رود و بیع بر وی لازم می شود.(2)

3. الخصال: فضیل بن یسار گوید، از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: شرط در مورد معامله حیوان چیست؟ فرمود: خریدار تا سه روز حق انتخاب دارد. پرسیدم: و در کالاهای دیگر شرط چیست؟

فرمود: هر دو طرف معامله تا زمانی که از یکدیگر جدا نشدهاند، حق انتخاب دارند، اما اگر از هم جدا شدند و بعد از رضایت هر دو طرف، هیچکدام خیار ندارند.(3)

4. الخصال: حسین بن زید از پدرانش نقل می کند که علی علیه السّلام از پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود: هنگامی که دو تاجر راست بگویند و نیکی کنند، به آنها برکت داده می شود و چون دروغ بگویند و خیانت کنند، به آنها برکت داده نمی شود و آنان مادامی که از هم جدا نشده اند، خیاردارند و هر گاه اختلاف پیدا کنند، سخن، سخن صاحب کالاست و یا میتوانند متارکه کنند.(4)

1- .[1]قرب الاسناد: 10
2- . قرب الاسناد: 78
3- . الخصال 1: 83
4- . الخصال 1: 27

5. أمالی الطوسی: ابن عمر از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: هر کس ماده گوسفند تصریه شده ای (یعنی گوسفندی که چند روز آن را ندوشیده‌اند تا شیر در پستانش جمع شود) را بخرد، خیار با اوست. (1)

مؤلف: تمام این روایت در کتاب «احوال النبی» در باب «احوال الصحابه» آمده است .

6. معانی الاخبار: ابوعبید از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: شیر را در پستان شتر و گوسفند نگه ندارید که در آن جمع گردد، هر کس حیوان تصریه‌شده‌ای را بخرد و بعد از وارسی آن، بفهمد (که برای زیاد جلوه دادن شیرش این کار را کرده اند و شیر حیوان آنقدر نیست)، حق انتخاب دارد، اگر خواست آن را بر گرداند و با آن یک صاع (حدود سه کیلو) خرما هم به فروشنده بدهد.

توضیح: «مصراه» یعنی ماده شتر یا گاو یا گوسفندی که شیر در پستان او جمع شده و چند روز دوشیده نشده است (تا به بهای بیشتری آن را بفروشد) و معنی اصلی «تصریه»، حبس کردن آب و جمع کردن آن است، گفته می شود: از آن است «صریت الماء و صریته» و گفته می شود «ماء صری» بدون مد، و از همین جهت «مصراه» نامیده شده؛ چون مثل این است که آبهایی در یک جا جمع شود.

7. و در حدیث دیگری آمده: آن کس که گوسفندی را که دوشیده نشده (تا وقت فروختن، بزرگ پستان و پر شیر بنماید) بخرد، وقتی فهمید و اگر خواست آن را برگرداند، باید با آن یک صاع خرما به فروشنده بدهد.

توضیح: «محفله» نامیده شده، چون شیر در پستان آن پر و جمع شده است، و هر چیزی که جمع شود، آن پر و زیاد شده و از همین جهت است که گفته شده «قد احفل القوم» وقتی انجمنی تشکیل داده شود و قبیله ای گرد هم آیند و زیاد شوند، و به همین جهت نامیده شده «محفل قوم» و جمع «محفل»، کلمه «محافل» است.(2)

1- . أمالی الطوسی 1: 179

2- . معانى الاخبار: 282

8. الخصال: ابن فضال از امام رضا علیه السّلام روایت کرده که حضرت فرمود: در چهار عیب، خریدار تا یک سال، اختیار فسخ در معامله دارد: دیوانگی، بیماری خوره، پیسی و قرن (قرن استخوانی است که در عضو تناسلی زن میروید و مانع از عمل آمیزش میگردد).(1)

9. فقه الرضا: روایت شده است که اگر شخصی در معامله با طرف مقابل دست دهد، معامله واجب میشود، در غیر این صورت میتوانند معامله را فسخ کنند.

10. و روایت شده است که شرط در معامله حیوان تا سه روز است، خواه شرط کند یا نکند.

11. و روایت شده است که اگر شخصی کالایی (پارچه) بخرد و در آن عیبی بیابد، برگرداندن آن به صاحبش لازم است؛ اگر آن پارچه به همان صورت باقی است، آن را به فروشنده بازمی گرداند و اگر پارچه بریده یا دوخته یا مشکلی در آن ایجاد شده، بازمیگرداند و آن نقصان، به منزله ارش - مابه التفاوت - حساب میشود.(2)

12. و روایت شده است که هر نقصی در بدن [کنیز] باشد، به طوری که از بدو تولد این نقص وجود داشته باشد، برگرداندن آن را به فروشنده لازم میآید.(3)

بدان که دو طرف معامله تا زمانی که از یکدیگر جدا نشدهاند، خیار دارند، اما اگر از هم جدا شدند، هیچ یک از هردو طرف، خیار ندارند.(4)

اگر در کالا عیبی آشکار شد و خریدار از آن آگاه شد، پس حق انتخاب با اوست؛ اگر بخواهد آن را پس میدهد و اگر بخواهد نگه می دارد و در این صورت، خسارت عیب موجود را از قیمت کم میکند، اگر یکی از آن کالاهایی که خریده معیوب باشد و بخواهد به فروشنده باز گرداند، میتواند آن را باز گرداند یا قیمت

1- . الخصال 1: 166
2- . فقه الرضا علیه السلام: 33

3- . فقه الرضا عليه السلام: 33
4- . فقه الرضا عليه السلام: 34

معیوب را دریافت کند، به این صورت که قیمت کالای سالم و کالای معیوب تعیین میشود و تفاوت آن دو قیمت به خریدار پرداخت می شود.(1)

باب چهارم : معامله سلف

اشاره

معامله سلف(2) (پیش فروش) و نسیه و احکام آن

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کردم: معامله سلف (پیش فروش) در دین چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر بگوید از تو خریدم چنین و چنان و به بهای فلان، اشکالی ندارد.

و از برادرم درباره شخصی پرسیدم که نخلی را قبل از اینکه به بار بنشیند، پیش فروش میکند، فرمود: پیش فروش نخل صلاح نیست.(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34
2- . معامله سلف یا سلم، عکس نسیه است، یعنی بهای کالا نقد است و تحویل کالا مدتدار.
3- . قرب الاسناد: 113

علی بن جعفر گوید: از برادرم سؤال کردم: شخصی از دیگری یک کرّ گندم طلبکار است. آیا به همان اندازه جو یا خرما دریافت کند؟ امام علیه السّلام فرمود: هرگاه هر دو راضی باشند، اشکال ندارد.

و از برادرم سؤال کردم: شخصی از دیگری خرما یا گندم یا جو طلبکار است. آیا به قیمت آنها درهم بگیرد؟ امام فرمود: در صورتی که آن را با درهم، قیمت [و معامله] کرده باشد، باطل است؛ زیرا مالش را با درهم خریده است و درهم در برابر درهم شایسته نیست.(1)

2. قرب الاسناد: پرسیدم، شخصی چیزی را برای زمانی معین می فروشد، زمان فرا می رسد و جنس نزد خریدار است. فروشنده می آید و می گوید، چیزی که به تو فروخته ام به من بفروش و مبلغی را هم کم کن، من از خودم تاوان آن را می دهم، آیا حلال است؟ فرمود: وقتی راضی باشند اشکالی ندارد.(2)

3. قرب الاسناد: پرسیدم، شخصی جامه ای را تا مدت معینی به قیمت ده درهم میخرد، سپس همان جامه را به پنج درهم، نقداً می فروشد؟ فرمود: اگر شرط نکرده باشد و راضی باشند اشکالی ندارد.(3)

4. قرب الاسناد: ابن عیسی از بزنطی روایت کرده که گوید: به امام رضا علیه السّلام گفتم: میخواهم به مقصد این کوه کوچ کنم، آنان قوم پر جمعیتی هستند و ما احتمال تأخیر در معامله را میدهیم، آیا با آنها با تأخیر یک سال معامله کنیم؟ فرمود: معامله کن. گفتم: با دو سال تأخیر؟ گفت: معامله کن. گفتم با سه سال تأخیر؟ فرمود: بیش از سه سال دیگر چیزی برایت باقی نمیماند.(4)

5. السرایر: طاهر گوید: به امام هادی علیه السّلام نامهای نوشتم و از ایشان پرسیدم: شخصی مالی به دیگری می دهد، و با آن جنسی را به بیست درهم به وی می فروشد. سپس یک سال میگذرد و بدهکار چیزی ندارد؛ از این رو جنس

1- . قرب الاسناد: 114
2- . قرب الاسناد: 114

3- . قرب الاسناد: 114
4- . قرب الاسناد: 164

دیگری به او می فروشد. امام پاسخ داد: آنچه مردم معامله می کنند، حلال است و آنچه معامله نمی کنند، رباست.(1)

ص: 145

1- . السرائر / 485

آیات:

- «الَّذینَ یَأْکُلُونَ الرِّبا لا یَقُومُونَ إِلاَّ کَما یَقُومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهی فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَی اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فیها خالِدُونَ * یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثیم»(1)

{کسانی که ربا می خورند، [از گور] برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «داد و ستد صرفاً مانند رباست.» و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست، و کارش به خدا واگذار می شود، و کسانی که [به رباخواری] باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. خدا از [برکتِ] ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد.}

و خداوند منزه فرمود:

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ.»(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده

1- . البقره/ 275 -276
2- . البقره/ 278 -279

وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. }

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید. }

- در ذم یهود: «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْه»(2)

{و [به سبب] رباگرفتنشان، با آنکه از آن نهی شده بودند. }

- «وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ رِباً لِیَرْبُوَا فی أَمْوالِ النَّاسِ فَلا یَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ زَکاةٍ تُریدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُون»(3)

{و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی گیرد؛ و[لی] آنچه را از زکات - در حالی که خشنودی خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]. }

روایات:

1. نهج البلاغه: علی علیه السلام: پیغمبر در بیان اهل فتنه فرمود: شراب را با نام نبیذ و حرام را با نام هدیه (مقصود رشوه است) و ربا را با نام معامله (خرید و فروش)، حلال میشمارند.(4)

2. الهدایه: ربا تنها در چیزی که پیمانه و وزن میشود است و یک درهم ربا، بدتر از هفتاد بار زنا با محارم است. ربا دو نوع است: نوعی که خوردنش حلال و نوعی که خوردنش حرام میباشد: و امّا آنچه که خوردنش حلال است، هدیه ای است که تو به میل خود به طلبکار می دهی و بیشتر از آن به دنبال ثواب هستی. و

1- . آل عمران/ 130

2- . النساء/ 161
3- . الروم/ 39
4- . نهج البلاغه 2: 65

امّا ربایی که خوردنی نیست (حرام است)، این است که شخصی به دیگری ده درهم دهد تا پس از مدتی بیش از ده درهم به او باز گرداند و این ربایی است که خداوند از آن نهی فرموده است. هرکس از روی جهل ربا بخورد و نداند که آن حرام است، آنچه گذشته، از آن اوست و گناهی بر او نیست و کسانی که باز گردند، اهل آتشند.(1)

3. کتاب الامامه و التبصره: ابن فضال از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین کسبها، کسب از راه ربا است.

4. علل الشرایع: عیسی بن جعفر علوی از پدرانش نقل کرده است که از امیرالمؤمنین علیه السّلام سؤال شد: خداوند چگونه جو را آفرید؟ امام پاسخ داد: خداوند به آدم دستور داد، آنچه را که برای خود برگزیدی، کشت کن و جبرئیل با مقداری از گندم آمد. آدم یک مشت برداشت و حوا نیز مشتی دیگر. آدم به حوا گفت: تو نکار! ولی او به دستور آدم توجه نکرد. پس، از آنچه که آدم کاشت، گندم رویید و از آنچه حوا کشت کرد، جو پدید آمد.(2)

5. أمالیالصدوق: ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: یک درهم از ربا نزد خداوند متعال، بزرگتر از سی بار زنا کردن با محارم خود، مثل عمّه و خاله است.(3)

6. فقه الرضا: امام باقر علیه السّلام فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند متعال، بزرگتر از چهل بار زنا کردن است.(4) و فرمود: ربا حرام است.(5)

و از ایشان درباره نان که بعضی از آنها بزرگتر از بعضی دیگر است سؤال شد و حضرت جواب داد: اگر آن را قرض دهی، اشکالی ندارد.(6)

1- . الهدایه: 80
2- . علل الشرایع: 574 . این روایت ارتباطی به عنوان این باب ندارد.
3- . أمالی الصدوق: 181
4- . فقه الرضا علیه السلام: 77
5- . فقه الرضا علیه السلام: 78

6- . فقه الرضا علیه السلام: 78 . مؤلّف باید این احادیث را با رمز «ین» نشان میداد، زیرا همه احادیثی که در این صفحه ذکر شده، از کتاب «نوادر» احمد بن محمد بن عیسی آمده است.

7. أمالی الصدوق: در مناهی پیامبر صلّی الله علیه و آله آمده است: ایشان از خوردن ربا و شهادت دروغ و نوشتن ربا نهی کرده است .

8. امالی الصدوق: و در حدیث دیگر، پیغمبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل خورنده ربا و کسی که میخوراند و نویسنده آن و آن دو کس که شاهد آن قرار میگیرند را لعن کرده است.(1)

9. امالی الصدوق: و از فروش طلا به طلایی با وزن بیشتر نهی کردند، مگر اینکه هر دو هم وزن باشند.(2)

10. أمالی الصدوق: کنانی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین کسبها، کسب از راه ربا است.(3)

11. تفسیر علی بن ابراهیم: هشام از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان بردند، مردمی را دیدم که یکی از آنان به خاطر بزرگی شکمش، هر چه می کرد، نمی توانست از جای خود برخیزد. به جبرئیل گفتم: اینان چه کسانیاند؟ جبرئیل پاسخ داد: اینان رباخوارانند که برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است؛ آنان مانند اطرافیان فرعون، هر صبح و شام بر آتش جهنم عرضه می شوند و می گویند: پروردگارا! چه وقت قیامت بر پا می شود.(4)

12. تفسیر علی بن ابراهیم: درباره سخن خداوند: «یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ» {خدا از [برکتِ] ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید.} علی بن ابراهیم گوید: به امام علیه السّلام گفته شد: مردی را میبینیم که ربا میکند و مالش زیاد میشود، ایشان فرمود: خداوند از دین او میکاهد، هر چند مالش افزایش یابد.(5)

1- . أمالی الصدوق: 425
2- . أمالی الصدوق: 426
3- . أمالی الصدوق: 488

4- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 93
5- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 84

13. تفسیر علی بن ابراهیم: جمیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند، بزرگتر از هفتاد بار زنا کردن با محرمی در خانه خداست.(1) و فرمود: ربا هفتاد جزء دارد، ساده ترین جزء آن، بدان می ماند که کسی در خانه خدا با مادر خود درآمیزد.(2)

14. فقه الرضا: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند هیچ حلال و حرامی نیافریده، مگر این که برای آن حدودی چون حدود خانه وجود دارد. پس هر چه متعلق به حدود خانه میباشد، از خانه است؛ حتی ارش یک خراش و غیر از آن و یک تازیانه و نصف تازیانه.

شخصی از راه ربا اموال بسیاری به دست آورده بود، پس قاصدی نزد امام باقر علیه السّلام فرستاد و از ایشان درباره این امر سؤال کرد. امام به وی فرمود: راه نجات تو در این آیه قرآن است: {پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست.}(3) مقصود از موعظه، توبه است. پس در صورتی که کسی اطلاعی از حرام بودن ربا نداشته باشد و بعدا به آن آگاه شود، آنچه گذشته، بر او حلال است و باید از آینده خود را حفظ کند.(4)

15. فقه الرضا: پدرم گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: ربا تنها در چیزی که پیمانه و وزن میشود است و هرکس از روی جهل چیزی را که خداوند حرام ساخته، بخورد، گناهی بر او نیست.(5)

16. روضه الواعظین: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: ای مردم! نخست فقه بیاموزید و سپس تجارت کنید. سوگند به خدا که ربا در میان این امت، پوشیده تر از حرکت مورچه بر سنگ است.(6)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 93
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 93
3- . البقره/ 275
4- .فقه الرضا علیه السلام: 77
5- . فقه الرضا علیه السلام: 77
6- . منبع آن مشخص نیست.

17. روضه الواعظین: و فرمود: هر کس احکام دینی خود را نیاموزد و به تجارت و داد و ستد بپردازد، پیدر پی گرفتار ربا میشود.(1)

18. تفسیر علی بن ابراهیم: دلیل نزول این آیه: {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید.} این بود که هنگامی که آیه: {الذین یأکلون الربوا} نازل شد، خالد بن ولید به سوی رسول الله صلی الله علیه و آله رفت و گفت: یا رسول الله! پدرم در ثقیف ربا کرد و هنگام مرگش مرا به گرفتن آن وصیت نمود، پس خداوند متعال آیه: {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید، و اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید.} را نازل کرد. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس ربا بگیرد، کشتن او واجب است و هر کسی که ربا دهد،

کشتن او واجب میگردد.(2)

19. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کردم: شخصی روغن کره می خرد، سپس آن را مقداری زیاد می کند، آیا می تواند به جای آن، یک رطل یا دو رطل روغن زیتون بگیرد؟ فرمود: در صورتی که دو نوع باشد و دو طرف راضی باشند، اشکالی ندارد.(3)

20. الخصال: حسن بن زیاد عطار گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه کس در پناه خدای عزوجل باشند تا خداوند از حساب مردم فارغ شود: کسی که هرگز زنا نکرده باشد، کسی که هرگز مالش را به ربا نیامیخته و کسی که در این دو (زنا و ربا) کوششی نکرده است.(4)

مؤلف: برخی از این احادیث در باب «حرفههای حرام» آمده است .

1- . منبع آن مشخص نیست.
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 84
3- . قرب الاسناد: 113
4- . الخصال 1: 63

21. الخصال: ابن عمر روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله در حجه الوداع فرمود: هر ربایی که در جاهلیت بود، برچیده شد و نخستین ربای برچیده شده، ربای عباس بن عبدالمطلب است.(1)

22. الخصال: در توصیههای پیامبر صلّی الله علیه و آله [به امام علی] آمده است: ای علی! ربا هفتاد جزء دارد، ساده ترین جزء آن، بدان می ماند که کسی در خانه خدا با مادر خود درآمیزد. ای علی! یک درهم ربا نزد خداوند، بزرگتر از هفتاد بار زنا کردن با محرمی در خانه خداست.(2)

23. علل الشرایع و عیون الاخبار: در کتاب «علل» آمده است که امام رضا علیه السّلام [در پاسخ به پرسش های] محمد بن سنان نوشت: دلیل حرام بودن ربا: خداوند به دلیل تباهی اموال از ربا نهی کرده است؛ زیرا هنگامی که انسان یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای یک درهم، یک درهم میباشد و بهای درهم دیگر باطل است. پس در هر حال، خرید و فروش ربوی موجب ضرر و زیان خریدار و فروشنده است. بنابراین خداوند عز و جل ربا را به دلیل تباهی اموال، بر بندگان حرام ساخت، همان گونه که پرداخت اموال سفیه را تا هنگام رسیدن وی به مرحله فهم و شعور ممنوع کرده است؛ زیرا از تباه کردن مال توسط وی بیمناک است. پس به این دلیل است که خداوند ربا را حرام کرده و معامله ربوی، معامله نقدی یک درهم به دو درهم است.

و علت حرام بودن ربا پس از بیان دلایل قاطع، کوچک شمردن حرامی است که ممنوع شده و مبادرت انسان به ربا پس از بیان دلایل و حرام شدن از جانب خداوند، گناهی کبیره است و او دلیلی جز کوچک شمردن عمل حرامی که ممنوع شده است ندارد؛ و کوچک شمردن عمل حرام، وارد شدن در کفر است. دلیل حرام شدن ربا در معامله نسیه این است که آن موجب از بین رفتن نیکی و تلف شدن

1- . الخصال 2: 275
2- . الخصال 2: 371

اموال و نیز روی آوردن مردم به سود و ترک قرض دادن و اعمال نیک است و همچنین به این خاطر که در آن (ربا)، تباهی و ظلم و نابودی اموال است.(1)

24. عللالشرایع: هشام بن حکم گوید: از امام صادق علیه السّلام دربارهی علت حرام بودن ربا پرسیدم، ایشان فرمود: اگر ربا حلال می بود، مردم تجارت و کارهای مورد نیاز خود را رها می کردند از این رو خداوند ربا را حرام ساخت، تا مردم از حرام بگریزند و به کسب و کار و خرید و فروش روی بیاورند و تجارت به واسطه قرض در میان آنان تداوم یابد.(2)

25. عللالشرایع: هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند بزرگ ربا را حرام کرد تا مردم از انجام کار نیک خودداری نکنند.(3)

26. عللالشرایع: زراره از امام باقر علیه السّلام روایت می کند که فرمود: ربا حرام شد تا کار نیک از میان نرود.(4)

27. جامع الاخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس رباخواری کند، خداوند به همان اندازهای که ربا خورده است، شکمش را از آتش جهنم پر میکند و اگر مالی را از طریق ربا به دست آورد، تا زمانی که یک قیراط [واحد وزن - یک بیست و چهارم از هر چیز] از آن مال نزد او باقی مانده باشد، خداوند هیچ عملی را از او نپذیرد.

28. الفقیه: و پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین کسبها، کسب از راه ربا است.(5)

29. معانی الاخبار: عبدالله بن فضل گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: معنای این سخن نمازگزار در تشهدش چیست؟ «آنچه حلال و پاک است از خداست و آنچه پلید و ناپاک است از سوی غیر خداست.» امام فرمود: مقصود از

1- . علل الشرایع: 483 ، عیون الاخبار 2: 93
2- . علل الشرایع: 482

3- .[3]علل الشرايع: 482
4- . علل الشرايع: 483
5- . فقيه 2: 342

آنچه پاک و حلال است، درآمد حلال از روزی است و منظور از پلید و ناپاک، [مال به دست آمده از] رباست.(1)

30. تفسیر العیاشی: شهاب بن عبد ربّه روایت می کند که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: ربا خوار از دنیا بیرون نمی رود، تا اینکه شیطان او را آشفته و سردرگم سازد.(2)

31. السرایر: طاهر گوید: به امام هادی علیه السّلام نامهای نوشتم و از ایشان پرسیدم: شخصی مالی به دیگری می دهد، به این صورت که جنسی را به بیست درهم به وی می فروشد. سپس مدت تعیین شده فرامی رسد و بدهکار قدرت پرداخت ندارد؛ از این رو جنس دیگری به او می فروشد.امام پاسخ داد: آنچه مردم معامله می کنند، حلال است و آنچه معامله نمی کنند، رباست.(3)

32. الخرایج: ابو هاشم گوید: حجاج بن سفیان عبدی را نزد امام حسن عسکری علیه السّلام بردم. او درباره معامله از امام سؤال کرد و گفت: گاهی با مردم معامله می کنم و مواضعه به اصل میکنم - یک برابر از آنها می کاهم -. امام فرمود: معامله یک دینار به دو دینار که میانشان مهره ای (یعنی کالایی برای معامله) باشد، اشکال ندارد.

با خود گفتم: این مانند کاری است که رباخواران انجام می دهند. امام نگاهی به من کرد و فرمود: ربای حرام چیزی است که با آن حرام قصد شود. پس وقتی از محدوده ربا بگذرد و از آن جدا شود، معامله نقدی دینار به دو دینار اشکال ندارد و در صورتی که در میانشان چیزی نباشد که معامله بر آن انجام گیرد، ناپسند است.(4)

33. فقه الرضا: رحمت خدا بر تو باد، بدان که ربا، حرام و پلید و از گناهان کبیره است و از گناهانی است که خداوند، آن را به آتش وعده داده است؛ پس، از

1- . معانی الاخبار: 175
2- . تفسیر العیاشی 1: 152
3- . السرائر: 485

4- . الخرايج: 110

آن به خداوند پناه می بریم، ربا از زبان هر پیامبر و در هر کتاب آسمانی، حرام شده است.

و از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده که فرمود: خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از کار نیک خودداری نکنند.(1)

34. فقه الرضا: از امام موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال شد: آیا می توان گوسفندی را با دو گوسفند، یا یک تخم مرغ را با دو تخم مرغ مبادله کرد، امام فرمود: اگر وزن و پیمانه نباشد اشکالی ندارد.(2)

35. فقه الرضا: از امام موسی بن جعفر علیه السّلام درباره مرز میان ربا و عینه(3) سؤال شد. امام فرمود: هرچه بر آن معامله شود، حلال است و هر چه با آن از حرام به حلال فرار کنی، حلال است و هر آنچه که به صورت نسیه به قیمت روز - بدون کاهش - معامله شود، مثل معامله درهم و دینار به صورت نسیه و معامله دینار با دینار و یک حبه [واحد وزن = وزن دو جو یا یک ششم دینار و سه دهم نخود] تا بیشتر و معامله درهم به درهم و طلا به طلا به صورت نابرابر در وزن و حتی معامله نان خشک با نان نرم و معامله نان مرغوب با نان نامرغوب با افزوده، جایز نیست و رباست؛ مگر آن که به یک اندازه باشند و امثال و شبیه به آن، همه ربا هستند.(4)

36. فقه الرضا: بدان که ربا دو نوع است: نوعی که خوردنش حلال و نوعی که خوردنش حرام میباشد. و امّا آنچه که خوردنش حلال است، هدیه ای است که تو به میل خود به طلبکار می دهی و بیشتر از آن به دنبال ثواب هستی. و امّا ربایی که خوردنی نیست، چیزی است که پیمانه و وزن میشود، پس اگر شخصی به دیگری ده درهم دهد تا پس از مدتی بیش از ده درهم به او باز گرداند، این ربائی است که خداوند از آن نهی کرده و فرموده است: {ای کسانی که ایمان آورده اید، از

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34
2- . فقه الرضا علیه السلام: 34
3- . عینه آن است که: شخص کالایی را به بهای معینی، نقدا بخرد و سپس نسیه به فروشنده بفروشد؛ یا نسیه بخرد و همان را نقد به او بفروشد.
4- . فقه الرضا علیه السلام: 34

خدا پروا کنید؛ و آنچه را از ربا باقی مانده است واگذارید. } این آیه اشاره دارد به اینکه، شخص آنچه که افزون از سرمایه [اصلی] خود گرفته است، به صاحبش باز گرداند، حتی گوشتی که از مال ربا بر بدن او روئیده، باید آب کند. اگر توبه کرد، با حمام کردن پیش از صبحانه (ناشتا)، آن گوشت را از بدنش پاک کند (تا وزنش سبک گردد)، این در صورتی است که شخص از خوردن، گرفتن و معامله ربوی توبه کند. میان پدر و فرزند ربا نیست (یعنی میان پدر و فرزندان، ربا حرام نیست) و میان زن و شوهر، میان مولا و بنده و میان مسلمان و اهل ذمّه ربا نیست و اگر شخصی یک پارچه را به دو پارچه یا حیوانی را به دو حیوان - از هر جنس که باشد - بفروشد، این معامله ربا نیست؛ و اگر لباسی که ده درهم ارزش دارد به بیست درهم بفروشد یا انگشتری که یک درهم ارزش دارد به ده درهم بفروشد، تا وقتی که نگین روی آن است، اشکالی ندارد و ربا نیست.(1)

37. تفسیر العیاشی: زراره گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: ربا تنها در چیزی که پیمانه و وزن میشود، است.(2)

38. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام درباره سخن خداوند متعال: {پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود.}(3) فرمود: مقصود از موعظه، توبه است.(4)

39. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم روایت کرده است که شخصی از راه رباخواری اموال بسیاری به دست آورده بود. آن گاه از فقیهان در این باره سؤال کرد و آنان گفتند: هیچ عملی از تو پذیرفته نمیشود، مگر آن که اموال را به صاحبانشان بازگردانی. این شخص زمانی که ماجرا را برای امام باقر علیه السّلام بازگو کرد. امام به وی فرمود: راه نجات تو در این آیه قرآن است: {پس، هرکس اندرزی از جانب

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34
2- . تفسیر العیاشی 1: 152
3- . البقره/ 275
4- . تفسیر العیاشی 1: 152

پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود} مقصود از موعظه، توبه است. (1)

40. تفسیر العیاشی: حلبی روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: مردی تا مدتی معین، دینی بر گردن دارد، وقت تعیین شده فرا میرسد و طلبکار نزد او میآید و میگوید: بهطور نقدی پرداخت کن. امام فرمود: در آن اشکالی نمیبینم، زیرا شخص طلبکار چیزی بر سرمایه خود نیفزوده است.(2) و خداوند تعالی فرمود: {سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.}(3)

41. تفسیر العیاشی: ابوعمرو زبیری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: توبه، [گنهکار را] از پلیدی گناه پاک میگرداند. خداوند متعال فرمود: {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید . . . و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است، نه ستم میکنید و نه ستم می بینید.}(4) در این آیه، خداوند بندگانش را به توبه دعوت نموده و آنان را به ثواب آن وعده داده است، پس هرکس از توبه که خداوند به آن امر کرده، سرپیچی کند، گرفتار خشم خداوند میشود و آتش برای او سزاوارتر و شایستهتر است.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 152
2- . تفسیر العیاشی 1: 153
3- . البقره/ 279
4- . البقره/ 279- 278
5- . تفسیر العیاشی 1: 153

باب ششم : معامله صرف

اشاره

معامله صرف(1)و مرکبها و شمشیرهای مزّین

روایات:

1. أمالی الصدوق: در احادیث نهی آمده است که: پیامبر صلّی الله علیه و آله از معامله طلا و نقره به نسیه نهی کرده است.(2)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السّلام پرسیدم: مردی از دیگری دینارهایی طلبکار است، به جای دینارها، به قیمت آن از شخص بدهکار نقره می گیرد؟ امام فرمود: اشکالی ندارد.(3)

3. قرب الاسناد: از برادرم سؤال کردم: نقره در خوان {سفره}، کاسه، شمشیر، کمربند، زین و افسار، با درهمهایی کمتر از نقره یا بیشتر فروخته می شود، آیا حلال است؟ فرمود: باید نقره را به دینار بخرد و غیر آن را به درهم.(4)

1- . منظور از معامله صرف، معامله طلا با طلا یا نقره با نقره یا نقره با طلا است .
2- . أمالی الصدوق: 426
3- . قرب الاسناد: 113
4- .قرب الاسناد: 113

باب هفتم : فروش میوه ها، کشتزارها، زمینها و آبها

روایات:

1. أمالی الصدوق: در احادیث نهی پیامبر صلّی الله علیه و آله آمده است که ایشان از فروش میوه پیش از رشد کردن - یعنی زرد و سرخ شدن رنگش - نهی کرد، و نیز وی از «محاقله» یعنی معامله خرما با کشمش و امثال آن نهی فرمود.(1)

2. معانی الاخبار: ابوعبید قاسم بن سلام با چند سند متصل به پیامبر صلّی الله علیه و آله، در ضمن چند خبر پراکنده روایت نموده است که پیامبر از «محاقله و مزابنه» نهی کرد.

«محاقله» (پیش) فروش زراعت در خوشهاش که تازه خوشه بسته و نرسیده، در مقابل گندم است، که از «حقل» (زرعی که ساق آن ضخیم نشده) اقتباس گردیده، حقل همان اسمی است که مردم عراق آن را «قراح» می نامند و در مثل گفته شده: سبزی را نمی روياند، مگر زمین زراعتی و قابل کشت.

و «مزابنه» فروش خرمای روی شاخه نخل است در مقابل خرمای چیده شده و رسیده.

و پیغمبر صلّی الله علیه و آله بیع «عرایا» را جایز دانسته، که مفرد آن «عریه» است و آن نخلی است که صاحبش آن را در اختیار شخصی می گذارد تا از میوهاش به طور رایگان استفاده کنند «اعراء» نخلی است که میوه یک سالش را به فردی واگذار می کنند. ایشان میفرماید: به صاحب نخل اجازه داده شده که به اندازه برآورده شدن حاجتش، از خرمای آن نخل بخرد.

او گوید: پیامبرصلّی الله علیه و آله همواره هرگاه شخصی را برای تخمین زدن می فرستاد، به او می فرمود: از تخمین خود بکاهید، زیرا در نخلستان، درخت عاریه و سفارش شده وجود دارد.(2)

1- . أمالی الصدوق: 426

2- . معانى الاخبار: 277

گوید: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله از «مخابره» نهی فرمود و آن قرارداد مزارعه به نصف و یک سوم و یک چهارم یا کمتر و یا بیشتر از درآمد آن است، همچنین ابو عبیده گوید: بهمین دلیل است که کشاورز «خبیر» نامیده شده، زیرا او زمین را میکند و شخم میزند، یعنی می شکافد.

و رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از «مخاضره» نهی فرمود و آن خرید و فروش میوه های سردرختی نارس است که معلوم نیست از آفات سالم درآید یا نه. خرید و فروش خرما و سبزیجات و امثال آن نیز جزء «مخاضره» است.

و در حدیثی دیگر، ایشان از معامله خرما پیش از آنکه غورهاش رنگین و سرخ شود، نهی کرده است. و گفته می شود: «یشقح» و «تشقیح» همان قد کشیدن و رنگین شدن خرما می باشد، و معنای سخن ایشان این است که [خرما را معامله نکنند] تا از آفتها ایمن گردد؛ «عاهه» آفتهایی است که خرما دچار آن میشود.(1)

و پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس زراعت را قبل از رسیدن و نارس بفروشد، ربا کرده است، «اجباء» فروختن زراعت است، قبل از آنکه معلوم شود چه مقدار محصولش از آفت در امان میماند(2) (یعنی هنوز نارس بوده و آفتهای آن آشکار نشده است.)

3. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السّلام پرسیدم: آیا معامله نخل خرما، هنگامی که غورهاش رنگین شده، جایز است؟ ایشان فرمود: اگر خرمای تازه رنگین شده از خرمای فاسد و بی ارزش تشخیص داده شود، خرید و فروش آن جایز استْ .

و گوید: از او سؤال کردم: شخصی نخل را قبل از اینکه خوشهاش میوه دهد، پیش فروش میکند؟ فرمود: پیش فروش نخل جایز نیست.(3)

4. علل الشرایع: از عبد اللّه بن سنان نقل شده که گفت: محضر امام صادق علیه السّلام عرض کردم: مردی میوه های معینی از زمین را پیش از رسیدن آنها می فروشد، بعداً تمام میوه های آن زمین فاسد می شود و از بین می رود، حکم این مسأله چیست؟ حضرت فرمود: در زمان رسول خدا صلّی الله علیه و آله جماعتی در

1- . معانى الاخبار: 278
2- . معانى الاخبار: 277
3- . قرب الاسناد: 113

همین مسأله به نزاع پرداختند و نزد ایشان آمده و تمام واقعه را بیان کردند، وقتی پیامبر دید که طرفین از نزاع دست بر نمی دارند، آنها را از فروش میوه قبل از رسیدن نهی نمود ولی حرام نکرد؛ و این نهی بهخاطر به وجود آمدن نزاع بین آنان بود.(1)

5. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السّلام پرسیدم: گروهی در یک قنات آب، با هم شریک هستند و هر یک سهم آب معینی دارند. یکی از آنان سهم خویش را در برابر درهم یا طعامی می فروشد، آیا این کار جایز است؟ امام علیه السّلام فرمود: آری، اشکال ندارد.(2)

6. بصائر و الصواب: ابن مسکان از حلبی روایت کرده است که گفت: از ایشان پرسیدم: شخصی آب شراکتی دارد، آیا می تواند آن را بفروشد؟ امام فرمود: می تواند آن را در برابر درهم یا جو یا گندم، یا هر چه بخواهد، بفروشد. و فرمود: هر کس زمین یهود را بخرد، خراج آن بر او واجب میشود و هر زمینی که اهل خراج ادعای مالکیت آن را کنند، خریدار نمیتواند آن را بخرد، مگر اینکه آنان را راضی گرداند.(3)

7. نوادر الراوندی: امام موسی کاظم علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که امام علی علیه السّلام فرمود: هر کس آب زیاده از مصرف خود را بفروشد (و رایگان در اختیار دیگران نگذارد)، خداوند در روز قیامت فضل خویش را از او دریغ خواهد کرد.(4)

8. قرب الاسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام شنیدم که در تفسیر سوره «و اللیل إذا یغشی» فرمود: مردی از انصار در خانه شخصی، درخت خرمایی داشت و او از این بابت در تنگنا و فشار بود؛ از این رو در این باره به پیامبر صلّی الله علیه و آله شکایت کرد. آن حضرت صاحب درخت را نزد خویش فراخواند و به وی فرمود: درخت خرمایت را در برابر یک درخت خرما در بهشت به من واگذار کن، ولی او ابا کرد. وقتی این خبر به گوش یکی دیگر از انصار به نام ابو دحداح

1- . علل الشرایع: 589
2- . قرب الاسناد: 113

3- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 78
4- . نوادر الراوندی: 53

رسید، نزد صاحب درخت رفت و به وی گفت: درخت خرمایت را در برابر باغم به من بفروش. صاحب درخت آن را فروخت. ابودحداح نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله رفت و گفت: ای رسول خدا! من درخت خرمای فلانی را در برابر باغم خریدم! پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: به جای او، برای تو یک درخت در بهشت است.

خداوند متعال در این باره، این آیات را بر پیامبرش نازل فرمود: {و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید. که همانا تلاش شما پراکنده است. اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت، و - به وعده رسول خدا صلّی الله علیه و آله - [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. }(1)

9. تفسیر علی بن ابراهیم: علی بن ابراهیم در تفسیرش از سوره لیل میگوید: مردی از انصار، درخت خرمایی در خانه شخصی داشت، و بدون اجازه وارد خانه میشد. صاحب خانه در این باره به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکایت کرد و آن حضرت به صاحب درخت فرمود: نخلت را در برابر یک نخل در بهشت به من بفروش. او گفت: چنین نمی کنم. پیامبر فرمود: آن را در برابر یک باغ در بهشت به من بفروش. گفت: نه! و رفت. آن گاه ابودحداح نزد صاحب درخت رفت و آن را از وی خرید و نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، این درخت را بگیر و باغی را که در بهشت به آن مرد فرمودی و نپذیرفت، به من بده. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: در بهشت برای تو باغ ها و باغ هایی است. سپس خداوند در این باره این آیات را نازل کرد: {اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت - یعنی ابودحداح - و امّا آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید، و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، بزودی راهِ دشواری به او خواهیم نمود. و چون هلاک شد - یعنی مُرد - [دیگر] مال او به کارش نمیآید. } یعنی صاحب نخل(2). و تا پایان آنچه که در کتاب «احوال النبی صلّی الله علیه و آله» آمده است.

باب هشتم : خرید و فروش بردگان و احکام آن

اشاره

ص: 162

1- . قرب الاسناد: 156 و اللیل / 5- 7

2- . تفسیر علی بن ابراهیم 2: 425 با تفاوت در کلمات .

آیات:

- «وَ جَعَلْنا لَکُمْ فیها مَعایِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرازِقین»(1)

{ و برای شما و هر کس که شما روزی دهنده او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم. }

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السّلام پرسیدم: شخصی کنیزی می خرد و با او همبستر می شود، آیا می تواند او را با بهره و سود بفروشد؟ فرمود: اشکالی ندارد.(2)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم پرسیدم: شخصی کنیزی میدزدد و سپس آن را میفروشد، آیا فرج آن کنیز برای کسی که او را میخرد، حلال است؟ فرمود: اگر خریدار بداند که آن کنیز دزدی است، آمیزش با او برایش حلال نیست، اما اگر از این موضوع اطلاعی نداشته باشد، بر او حلال است.(3)

3. عیون الاخبار: امام رضا علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خدا هر گناهی را می آمرزد، مگر اینکه کسی دینی بنیان گذاری کند، یا مزد کارگری را غصب کند، یا شخص آزادی را بفروشد [و به بردگی کشاند.](4)

4. أمالی الطوسی: سالم از پدرش نقل کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس بردهای بفروشد و برده دارای مالی باشد، مال برده متعلق به فروشنده است، مگر اینکه خریدار آن مال را شرط کند.(5)

1- . الحجر/ 20
2- . قرب الاسناد: 113
3- . قرب الاسناد: 114
4- . عیون الاخبار 2: 33
5- . أمالی الطوسی 1: 397

5. الخصال: محمد بن حماد حارثی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: دعای پنج کس مستجاب نمی شود: مردی که زنش او را مورد آزار قرار میدهد، حال آنکه خداوند اختیار طلاق زن را به دست او داده و دارای تمکن مالی است و میتواند مهریهاش را به او بدهد و او را رها کند، اما او را طلاق نمیدهد؛ و کسی که بردهاش سه بار از او فرار کند و او را نفروشد؛ کسی که از کنار دیوار خمیدهای عبور کند و آن در حال فرو ریختن به روی باشد، ولی شتاب نکند تا اینکه دیوار بر او فرو ریزد؛ و کسی که به مردی قرض دهد و بر آن شاهد نگیرد؛ و کسی که در خانه اش بنشیند و بگوید: خدایا به من روزی عطا کن و خود به دنبال طلب روزی نرود.(1)

6. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت نموده است که امام علی علیه السّلام هرگاه میخواست کنیزی بخرد، ساقهایش را برهنه میکرد و به آنها نگاه میکرد.

7. صحیفه الرضا: امام رضا علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خدا هر گناهی را می آمرزد، مگر اینکه کسی مهریهای را انکار کند، یا مزد کارگری را غصب کند، یا شخص آزادی را بفروشد.(2)

8. صحیفه الرضا: روایت شده: پرسش از کنیز کوچکی شده که فروخته میشود و بدین طریق بین او و مادرش جدایی میافتد؟ امام در پاسخ فرمود: اگر فرزند از مادر بینیاز باشد، اشکالی ندارد.(3)

9. المحاسن: ابن ابو عمیر از مروان چنین نقل کرده است که: عبدالله بن ابی عبدالله به من گفت: برایم غلامی بخر که از این امر (امامت) آگاه است تا مزرعهام را اداره کند و در آن حضور داشته باشد. سپس ابو الحسن گفت: مصلحت با خود

1- . الخصال 1: 209
2- . صحیفه الرضا علیه السلام: 30 با تفاوتی اندک.
3- . فقه الرضا علیه السلام: 33

اوست، اما برایش غلامی نیرومند بخر که در مزرعهاش کار کند. پس عبدالله بن ابی عبدالله گفت: چیزی را که به تو گفت بخر.(1)

10. المحاسن: صفوان بن یحیی از ابو مخلد سراج نقل کرده است که گفت: امام صادق علیه السّلام به دوستش اسماعیل و حارث بصری فرمود: برایم کنیزی مسلمان از کسانی که آنان را «کدبوجه» {کدبانوجه} نام نهادهاند، بیابید تا همراه «أم فروه» باشد. سپس آنان به ایشان کنیزی معرفی کردند که مال شریک پدرم بود که از زینسازان بود. آن کنیز برایش دختری به دنیا آورد، اما فرزند آن کنیز مُرد، پس آنان امام را از احوال آن کنیز باخبر ساختند. آنها کنیز را خریدند و نزد امام صادق علیه السّلام بردند، اسم کنیز «رساله» بود، امام اسمش را تغییر داد و او را «سلمی» نامید و به ازدواج «سالم» درآورد.(2)

11. فقه الرضا: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که: نزد امام علی علیه السّلام بردهای از اهل ذمه (غیر مسلمان) آورده شد که اسلام آورده بود، امام فرمود: ببرید او را به مسلمانان بفروشید و بهایش را به صاحبش دهید.(3)

12. نوادر الراوندی: امام موسی بن جعفر از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: شما را توصیه میکنم به غلامان کوتاه قد، زیرا آنان در آنچه که میخواهید، قویتر و شایستهتر هستند.(4)

باب نهم : استبراء و احکام امهات اولاد

اشاره

استبراء و احکام امهات اولاد(5)

1- . المحاسن: 625
2- . المحاسن: 625
3- . فقه الرضا علیه السلام: 62
4- . نوادر الراوندی: 38
5- . امهات اولاد: یعنی کنیزانی که از صاحبان خود فرزند دار میشوند.

روایات:

1. قرب الاسناد: ابوبختری از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدر بزرگوارش روایت کرده است که امام علی علیه السّلام فرمود: کنیز زمانی که خریداری می شود با یک حیض و اگر حیض نمی بیند، با گذشت چهل و پنج روز استبراء(1) می شود.(2)

2. قرب الاسناد: ابوبختری از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: اگر کنیز از صاحبش باردار شود و فرزندش سقط شود، کنیز آزاد است.(3)

3. قرب الاسناد: ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام کاظم علیه السّلام پرسیدم: مردی کنیز بارداری می خرد، آیا میتواند با او مباشرت جنسی کند؟ حضرت فرمود: نباید به او نزدیک شود.(4)

4. عیون الاخبار: ابن بزیع گوید: از حضرت رضا علیه السّلام درباره میزان سن کنیز کم سن و سالی که اگر به آن سن نرسد لازم نیست مرد او را استبراء کند، پرسیدم. حضرت فرمود: زمانی که کنیز بالغ نشود، به مدت یک ماه استبراء می شود. گفتم: اگر هفت ساله یا مانند آن که حامله نمی شود، باشد؟ حضرت فرمود: آن کوچک است و برای تو زیانی نیست، اگر او را استبراء نکنی. گفتم: در فاصله هفت تا نه سالگی چگونه است؟ حضرت فرمود: آری ! نه ساله استبراء دارد.(5)

5. علل الشرایع: عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: از مرد امینی، کنیز می خرم، او به من می گوید که از زمانی که کنیز پیش او حیض شده و پاک گردیده، با کنیز رابطه جنسی نداشته است. حضرت فرمود: جایز نیست که تو با کنیز آمیزش کنی تا آن که او را با یک بار حیض شدن استبراء کنی، اما کام گیری

1- . استبراء یعنی پاک شدن از حیض.
2- . قرب الاسناد: 64
3- . قرب الاسناد: 74
4- . قرب الاسناد: 128
5- . عیون الاخبار 2: 19

از قسمتهای دیگر بدن [به جز فرج] برایت حلال است، کسانی که کنیزانی میخرند و قبل از استبراءشان با آنان آمیزش میکنند، در واقع با مال خود زنا کردهاند.(1)

6. فقه الرضا: اگر صاحب کنیز بمیرد و فرزند کنیز (قبل مرگ صاحبش) سقط شده باشد، آن کنیز متعلق به ورثه است؛ اما اگر فرزندش زنده باشد، کنیز برای فرزندش است و وارثان نمیتوانند او را به مالکیت خود درآورند و آن کنیز آزاد است، زیرا انسان نمیتواند پدر و مادر و فرزندش را به تملک خود درآورد، حال اگر میت دارای فرزندی از غیر از کنیز باشد، آن کنیز سهم فرزندان زن دیگر قرار میگیرد - اگر کوچک باشند - و اگر بچه های زن دیگر بزرگ شوند، کنیز و فرزندش به آن زن و بچه هایش متعلق است، ولی اگر آن زن و فرزندانش بمیرد، آن کنیز به ورثه (دیگر) تعلق میگیرد؛ توفیق تنها از آن خداوند است.(2)

باب دهم : معامله مرابحه و نظایر آن و معامله کالا قبل از دریافت آن

روایات:

1- . علل الشرایع: 503
2- . فقه الرضا علیه السلام: 39

1. قرب الاسناد: علا گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: شخصی میخواهد کالایی را بفروشد، پس میگوید: آن را به ده یازده، یا ده به دوازده به تو میفروشم. امام فرمود: اشکال ندارد، همانا این معامله است. پس وقتی تصمیم به معامله گرفت، قیمت را یک جمله ثابت میکند.(1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم امام موسی کاظم علیه السّلام سؤال کردم: شخصی مواد خوراکی می خرد. آیا جایز است پیش از تحویل، آن را به قیمت خرید بفروشد؟ امام فرمود: اگر سود دریافت کند، پیش از تحویل گرفتن، فروش آن جایز نیست و اگر آن را به همان قیمت خرید بفروشد، اشکال ندارد.(2)

3. قرب الاسناد: گوید: از او پرسیدم: شخصی کالایی میخرد و شرط میکند که نصف آن متعلق به خودش باشد، سپس آن را با سود میفروشد، آیا این معامله صحیح است؟ امام فرمود: اشکال ندارد.(3)

4. قرب الاسناد: گوید: از او سؤال کردم: شخصی کالایی را که دارای پیمانه یا وزن است، می خرد. آیا فروش آن به صورت مرابحه صحیح است؟ امام فرمود: اگر فروشنده و خریدار راضی باشند، اشکال ندارد و اگر کالا جزء کالاهای پیمانهای و دارای وزن باشد، فروش آن پیش از پیمانه و وزن کردن جایز نیست.(4)

5. أمالی الصدوق: در اخبار نهی پیامبر صلّی الله علیه و آله آمده است که ایشان از فروش کالایی که ضمانت نشده است، نهی کردند.(5)

6. أمالی الطوسی: عطا از حزام بن حکیم نقل کرده است که گفت: من طعامی از طعام صدقه خریدم، و تصمیم گرفتم قبل از تحویل گرفتن طعام، آن را با دریافت سود بفروشم، پس درباره این امر از پیامبر صلّی الله علیه و آله سؤال کردم و ایشان فرمود: تا کالا را تحویل نگرفتی، آن را نفروش.(6)

1- . قرب الاسناد: 15
2- . قرب الاسناد: 114
3- . قرب الاسناد: 114

4- . قرب الاسناد: 114
5- . أمالى الصدوق: 425
6- . أمالى الطوسى 2: 14

باب یازدهم : معامله حیوان

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی کاظم علیه السّلام درباره معامله حیوان با حیوان به نسیه و افزوده درهم، سؤال کردم که: درهم به

صورت نقد پرداخت می شود و حیوان با تأخیر؟ امام فرمود: اگر دو طرف راضی باشند، اشکال ندارد.(1)

2. عیون الاخبار: با اسناد نقل شده، امام رضا علیه السّلام از پدرانش از امام حسین علیه السّلام روایت کرده است: دو نفر با یکدیگر اختلاف داشتند، برای رفع اختلاف نزد امام علی علیه السّلام آمدند. یکی از آن دو شتری به دیگری فروخته بود، به شرط آنکه سر و پوست شتر برای او باشد. ولی خریدار از کشتن شتر منصرف شده بود. حضرت علی علیه السّلام فرمود: فروشنده به اندازه سر و پوست، از شتر سهم دارد.(2)

3. صحیفه الرضا: در این کتاب نیز همانند این روایت ذکر شده است.(3)

مؤلف: در باب «موارد نهی شده در انواع معامله»، نهی از معامله مضامین، ملاقیح و باردار کردن کنیزان ذکر شده است.

1- . قرب الاسناد: 113
2- . عیون الاخبار 2: 43
3- . صحیفه الرضا علیه السلام: 24

روایات:

1. أمالی الطوسی: عبدالوارث بن سعید گوید: وارد مکه شدم و در آنجا با «ابوحنیفه» و «ابن ابی لیلی» و «ابن شبرمه» برخورد کردم. از ابوحنیفه سؤال کردم: نظر شما درباره کسی که کالایی را می فروشد و در ضمن معامله چیزی را شرط می کند، چیست؟ ابوحنیفه گفت: معامله و شرط هر دو باطل است. سپس نزد ابن ابی لیلی رفتم و همان مسئله را از وی سؤال کردم. وی گفت: معامله صحیح ولی شرط باطل است. پس از آن نزد ابن شبرمه رفتم و از وی نیز سؤال کردم. او گفت: معامله و شرط هر دو صحیح است.

با خود گفتم: سبحان الله! شما هر سه از فقیهان عراق هستید و در پاسخ یک مسأله با یکدیگر اختلاف نظر دارید!

پس بار دیگر نزد ابوحنیفه رفتم و نظر ابن ابی لیلی و ابن شبرمه را برای وی بازگو کردم. او گفت: من نمیدانم آنها چه گفته اند! عمرو بن شعیب از پدرش از جدش برای من روایت کرد که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله از معامله و شرط کردن در آن نهی کرد. پس معامله و شرط هر دو باطل است.

سپس نزد ابن ابی لیلی رفتم و ماجرا را برایش باز گو کردم. او نیز گفت: من نمیدانم آنها چه گفته اند! هشام از عروه و او از پدرش برای من روایت کرد که عایشه گفت: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله به من دستور داد «بریره» را بخرم، پس او را آزاد کرد. پس معامله صحیح و شرط باطل است.

پس از آن، نزد ابن شبرمه رفتم و ماجرا را برای وی بازگو کردم. او گفت: من نمی دانم آنها چه گفته اند! مسعر بن کدام از محارب بن زیاد روایت می کند که جابر بن عبدالله گفت: من شتر ماده ای به پیامبر صلّی الله علیه و آله فروختم و او با من شرط کرد که شتر را به شهر مدینه [نزد او] ببرم. پس معامله و شرط، هر دو جایز است.(1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی کاظم علیه السّلام پرسیدم: شخصی ده درهم از دیگری طلبکار است، پس او [بدهکار] می گوید: یک پیراهن از من بخر و آن را بفروش؛ هر چه کمتر فروختی من از خودم می دهم، آیا صحیح است؟ فرمود: اگر هر دو راضی باشند صحیح است.(2)

3. الخصال: حسین بن زید از پدرانش نقل می کند که علی علیه السّلام از پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود: هنگامی که دو تاجر راست بگویند و نیکی کنند، به آنها برکت داده می شود، و چون دروغ بگویند و خیانت کنند، به آنها برکت داده نمی شود و آنان مادامی که از هم جدا نشده اند، حق انتخاب دارند و هرگاه اختلاف پیدا کنند، سخن، سخن صاحب کالاست و یا میتوانند متارکه کنند.(3)

4. أمالی الطوسی: حکیم بن حزام گوید: پیامبر صلّی الله علیه و آله او را با یک دینار فرستاد تا برایش یک گوسفند قربانی بخرد، او با یک دینار گوسفند را خرید، سپس آن گوسفند را به دو دینار فروخت و با یک دینار از آن، گوسفند دیگری خرید و با یک دینار دیگر نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله بازگشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک دینار را به او داد و دعا کرد که خداوند به تجارتش برکت دهد.(4)

1- . أمالی الطوسی 2: 4
2- . قرب الاسناد: 114
3- . الخصال 1: 27
4- . أمالی الطوسی2: 13

5. کتاب الامامه و التبصره: مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: صاحب کالا به نرخگذاری سزاوارتر است.

6. الکافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرگاه شخصی به دیگری بگوید: بیا تا در معامله به تو نیکی کنم، سود بردن بر او حرام میشود.(1)

7. الکافی و تهذیب: در اسناد آمده است که: مسلمانان پایبند به شرطهایشان هستند، مگر شرطی که مخالف و مغایر با کتاب خداوند متعال باشد.(2)

8. تهذیب: اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش روایت کرده است که امام علی علیه السّلام می فرمود: هرکس برای زن خویش چیزی شرط کند، باید به آن وف-ا کند، زیرا مسلم--انان پایبند به شرط هایشان هستند، مگر شرطی که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کند.(3)

- اخبار معامله شرطدار اگر در قرار داد نباشد، شامل اطلاق و عموم آن میشود.

9. الکافی: حسین بن منذر گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: شخصی نزد من می آید و از من درخواست عینه (4) می کند. من کالایی را با سود برایش می خرم، سپس آن را به وی می فروشم و آن گاه در همان مکان، کالا را از او می خرم. امام فرمود: اگر او در فروختن یا نفروختن آن کالا حق انتخاب داشته باشد، و تو نیز در خریدن یا نخریدن کالا مختار باشی، اشکالی ندارد.(5)

10. الکافی: خالد بن حجاج گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: شخصی نزد من می آید و می گوید: این لباس را بخر و فلان مبلغ به تو سود می دهم! امام فرمود: آیا چنین نیست که اگر مایل نباشد، کالا را وا می گذارد و اگر مایل باشد

1- . الکافی 5: 152

2- . الکافی 5: 169 و تهذیب 7: 22
3- . تهذیب 7: 467
4- . عینه: فروختن کالایی به دیگری و خریدن مجدد کالا از او، یا خریدن کالای مورد نیاز کسی نقداً و فروختن آن به وی به صورت نسیه است.
5- . الکافی 5: 202

می خرد؟ گفتم: بله! امام فرمود: اشکال ندارد! معامله با یک حرف حلال می شود و با یک حرف دیگر حرام می گردد.

11. و در الکافی از علی از پدرش از ابن ابو عمر همانند این روایت نقل شده است.(1)

12. الکافی: معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: شخصی می آید و از من حریر درخواست میکند، درحالی که من هیچ نوعی از آن ندارم. من و او در مورد سود و سررسید پرداخت گفتگو می کنیم و به توافق می رسیم. آنگاه من می روم و برای او حریر می خرم و او را فرا میخوانم تا جنس خود را ببرد. این معامله چه حکمی دارد؟

امام فرمود: آیا اگر خریدار کالای مرغوبتری پیدا کند، حق آن را دارد که تو را با جنس حاضر واگذارد و از دیگران خریداری کند، یا تو این حق را داری که اگر مشتری مناسبتری پیدا کردی، آن کالا را به او بفروشی و مشتری قبلی را وا گذاری؟ من گفتم: بله. امام صادق علیه السلام فرمود: اشکال ندارد.(2)

مؤلف: مانند این روایت در بسیاری از اسناد، البته با کمی تفاوت نقل شده است.

1- . الکافی 5: 201
2- . الکافی 5: 200

باب های دَین و قرض

باب اول : ثواب قرض دادن و نکوهش قرض ندادن به نیازمندان

روایات:

1. أمالی الصدوق: در احادیث نهی پیامبر صلّی الله علیه و آله آمده است که فرمود: هر کس برادر مسلمانش در قرض به وی نیاز پیدا کند و توانایی [قرض دادن] داشته باشد و به او ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام میگرداند.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر در بهشت نوشته شده است: ثواب قرض دادن، هجده برابر و ثواب صدقه ده برابر است، چرا که قرض همواره به نیازمند داده می شود و صدقه گاهی در دست غیر نیازمند قرار می گیرد.(2)

3. تفسیر علی بن ابراهیم: اسحاق بن عمار گوید: از ابو ابراهیم علیه السّلام درباره سخن خداوند متعال در این آیه پرسیدم: «مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَریمٌ»،(3) {کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟} ایشان فرمود: این آیه در باب صله ارحام (خویشاوندان) نازل شده است.(4)

4. ثواب الاعمال: عمر بن شمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: هر کس که به مؤمنی قرض دهد و

1- . أمالی الصدوق: 430
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 2: 350
3- . الحدید: 11
4- . تفسیر علی بن ابراهیم 2: 351

صبر کند تا وضع مالی او بهتر شود، تا زمانی که آن شخص قرض خود را به وی ادا کند، مالش پاک میماند و فرشتگان بر او (قرض دهنده) درود می فرستند.

5. ثواب الاعمال: محمد بن جناب از یکی از بزرگان نقل کرده است: شنیدم که امام صادق علیه السّلام میفرمود: به تحقیق اگر مالی قرض داده شود، در نزد من خوشایندتر است از اینکه همانند آن مال بخشیده شود.(1)

و روایت کرده که می فرمود: هرکس مالی را به کسی قرض دهد، و مدتی برای [پرداخت] آن تعیین کند، و شخص مقروض نتواند در آن مدت معین، قرضش را به او وصول کند، به ازای هر روز تأخیر، ثواب یک دینار صدقه برای او خواهد بود.(2)

6. ثواب الاعمال: فضیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ مسلمانی نیست که برای رضای خدا به مسلمان دیگری قرض بدهد، مگر آنکه تا زمانی که آن مال به او باز گردد، پاداش صدقه دادن به حساب او ثبت شود.(3)

7. ثواب الاعمال: هیثم صیرفی و دیگران از امام صادق علیه السّلام روایت کردهاند که فرمود: ثواب یک قرض، هجده برابر است و اگر (شخص مقروض قبل از پرداخت قرضش) بمیرد، آن مال جزو زکات حساب میشود.(4)

8. ثواب الاعمال: عبداللّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: اگر مبلغ هزار درهم، دو بار قرض داده شود، در نزد من خوشایندتر از آن است که آن هزار درهم یک بار (و یک جا) صدقه داده شود. و همچنان که برای آن شخصی که از تو قرض می گیرد، جایز نیست در صورت توانایی، بازدهی قرض خود را به تأخیر بیندازد، برای تو نیز جایز نیست - اگر بدانی که او در مضیقه و تنگدستی است -

او را در فشار قرار دهی.(5)

9. الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر در بهشت نوشته شده است: ثواب صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است و قرض از صدقه برتر گردیده، زیرا

1- . ثواب الاعمال: 124
2- . ثواب الاعمال: 124
3- . ثواب الاعمال: 124
4- . ثواب الاعمال: 124
5- . ثواب الاعمال: 124

قرض کننده جز از روی نیاز قرض نمی کند ولی گاهی غیرنیازمند درخواست صدقه می کند.(1)

10 تحف العقول: در یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السّلام ایشان فرمودهاند: اما وجوه چهارگانه که آن شامل پرداخت دِین، عاریه دادن، قرض دادن، و پذیرایی از مهمان که در سنت واجب است.(2)

11. فقه الرضا: روایت شده است که: پاداش قرض هجده برابر پاداش صدقه است؛ زیرا قرض به کسانی می رسد که برای گرفتن صدقه خود را در جایگاه صدقه قرار نمی دهند.(3)

12. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در تفسیر سخن خداوند متعال در این آیه: «لا خَيْرَ فِی كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النَّاسِ»(4) {در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست، مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان دهد.} فرمود: منظور از کلمهی «معروف» در اینجا، قرض دادن است.(5)

13. تفسیر الامام العسکری: اما قرض؛ قرض دادن یک درهم همانند صدقه دادن دو درهم است، از رسول خدا صلّی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: قرض دادن بر عهده اغنیاء است.(6)

14. نوادر الراوندی: امام موسی کاظم علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: ثواب صدقه ده برابر، و قرض هجده برابر است و ثواب صله برادر، بیست برابر و صله رحم، بیست و چهار برابر است.(7)

1- . الهدایه: 44
2- . تحف العقول: 353
3- . فقه الرضا علیه السلام: 34
4- . النساء/ 114
5- . تفسیر العیاشی 1: 275
6- . [6]منبعی برای آن یافت نشده است.

7- . نوادر الراوندى: 6

باب دوم : روایاتی درباره قرض گرفتن

روایات:

1. علل الشرایع و الخصال: امام باقر علیه السّلام فرمود: شهادت در راه خدا، کفاره همه گناهان قرار میگیرد به جز قرض، مگر اینکه گیرنده قرض، قرضش را ادا کند و یا صاحب مال آن را بر او ببخشد.(1)

2. الخصال: ابوسعید خدری روایت کرده است، از پیامبر صلّی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود: پناه می برم به خدا از کفر و قرض. گفتند: ای پیامبر خدا! آیا قرض را با کفر برابر می شماری؟ فرمود: بله.(2)

3. علل الشرایع: عطار از پدرش و او از اشعری همانند این را نقل کرده است.(3)

4. علل الشرایع: سکونی از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرانش روایت کرده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بپرهیزید از بدهکاری، که مایه اندوه در شب و خواری در روز است.(4)

5. علل الشرایع: عبدالله بن میمون از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امام علی علیه السّلام فرمود: بپرهیزید از بدهکاری که آن مایه خواری در روز و موجب اندوه در شب است و پرداختنی در دنیا و پرداختنی در آخرت دارد.(5)

1- . علل الشرایع: 528 و الخصال 1: 9
2- . الخصال 1: 27
3- . علل الشرایع: 527
4- . علل الشرایع: 527
5- . علل الشرایع: 527

6. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: دردی جز درد چشم و اندوهی جز اندوه قرض نیست.(1)

7. علل الشرایع: بنا بر این اسناد، رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: قرض و وام پرچم خداوند در زمین است، و اگر بخواهد بنده ای را خوار گرداند، آن را بر گردن او قرار میدهد.(2)

8. علل الشرایع: ابوهریره از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت کرده است که ایشان فرمود: پیوسته نفس مؤمن درگیر دِینی است که بر ذمه اوست.(3)

9. علل الشرایع: ابن یزید با واسطه از ائمه علیهم السّلام روایت می کند که فرمود: روز قیامت بدهکار آورده می شود، در حالی که از وحشت شکایت می کند. پس اگر اعمال حسنهای داشته باشد، برای طلبکار از او گرفته می شود و اگر عمل حسنهای نداشته باشد، از گناهان طلبکار به او داده می شود. در زمان رسول خدا صلّی الله علیه و آله مردی از دنیا رفت در حالی که دو دینار بدهکار بود، پیامبرصلّی الله علیه و آله از این مسئله (بدهکار بودن او) باخبر شد، بنابراین از نماز خواندن بر جنازه آن شخص خودداری کرد. البته پیامبر صلّی الله علیه و آله تنها به این دلیل آنگونه رفتار کرد تا مسلمانان جرأت بر بدهی پیدا نکنند (و آن را بیاهمیت نشمارند، وگرنه) پیامبرصلّی الله علیه و آله رحلت فرمود در حالی که بدهکار بود و امام حسن علیه السّلام بدهکار درگذشت و امام حسین علیه السّلام بدهکار شهید شد.(4)

10. علل الشرایع: ابو ثمامه گوید: خدمت امام باقر علیه السّلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم! من قصد دارم راهی مکه شوم، ولی دِین و بدهیای بر گردن دارم که به تأخیر افتاده است، در این باره نظرتان چیست؟ فرمود: به آنجا که باید دینت را

1- . علل الشرایع: 529
2- . علل الشرایع: 529
3- . علل الشرائع: 528

4- . علل الشرائع: 528

ادا کنی بازگرد، و بنگر که خداوند عزیز را در حالی ملاقات میکنی که دینی بر عهده تو نیست، زیرا مؤمن خیانت نمی کند.(1)

11. علل الشرایع: ولید بن صبیح گوید: پس از کشته شدن معلی بن خنیس شخصی نزد امام صادق علیه السّلام آمد و ادعا کرد که معلّی به او بدهکار است و گفت: او حق مرا ضایع کرد. امام به او فرمود: کسی که او را کشت، حق تو را از میان برد! سپس ایشان به ولید فرمود: به سوی این مرد برو و حقش را بپرداز؛ زیرا من می خواهم پوست معلی را خنک کنم؛ هرچند که خنک است. (کنایه از برداشتن عذاب از او)(2).

12. علل الشرایع: معاویه بن وهب گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم، به ما خبر رسیده که مردی از انصار بدهکار از دنیا رفت و پیامبر صلّی الله علیه و آله بر جنازه آن شخص نماز نخواند و به اصحابش فرمود: بر برادرتان نماز نخوانید تا اینکه بدهی او پرداخت شود. آیا این صحّت دارد؟

امام صادق علیه السّلام فرمود: بله! البته رسول خدا صلّی الله علیه و آله، تنها به این دلیل آنگونه رفتار کرد تا هر کس دینی به گردن دارد، آن را ادا نماید و دیگر اینکه قرض و بدهی را بی اهمیّت نشمارند. وگرنه رسول خدا صلّی الله علیه و آله از دنیا رفت، حال آنکه مدیون بود، و امام علی علیه السّلام و امام حسن مجتبی علیه السّلام رخت از دنیا بستند در حالی که مقروض بودند و حضرت حسین علیه السّلام قرض به گردن داشت و شهید شد.(3)

13. المحاسن: پدرم از یونس همانند این روایت را نقل کرده است.(4)

14. أمالی الطوسی: محمد بن اسماعیل و سعید بن سفیان از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش و از عبدالله بن جعفر روایت می کنند که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: تا وقتی که قرض در مورد کار ناخوشایند خداوند نباشد، خداوند

1- . علل الشرائع: 528
2- . علل الشرائع: 528
3- . علل الشرایع: 590

4- . المحاسن 2: 318

با بدهکار است تا قرضش را بپردازد. و عبدالله بن جعفر به کنیزش میگوید: برو و برایم قرض کن، زیرا بعد از اینکه آن سخن را از پیامبر صلّی الله علیه و آله شنیدم، برایم ناخوشایند است که شبی را بگذرانم مگر اینکه خداوند همراه من باشد.(1)

15. قرب الاسناد: ابن علوان از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدرش روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس از راه حلال، روزی خدا را طلب کرد، اما باز نیازمند شد، به حساب خدا و رسول خدا وام گیرد.(2)

16. قرب الاسناد: بنا بر همین اسناد نقل شده است که: پیامبر صلّی الله علیه و آله هیچ درهم و دیناری و هیچ غلام و کنیز و گوسفند و شتری به ارث نگذاشت و در حالی رحلت نمود که زره اش نزد یکی از یهودیان مدینه در مقابل بیست صاع (60 کیلوگرم) جو که برای امرار معاش خانواده اش قرض کرده بود، رهن بود.(3)

17. تفسیر العیاشی: سماعه گوید: از ایشان سؤال کردم: مردی بدهکار است و درآمد ناچیزی دارد که از آن گذران زندگی می کند. آیا آن را صرف قوت خانوادهاش کند تا اینکه خداوند متعال به او وسعت روزی دهد و آنگاه قرض خود را ادا کند؟ یا در این زمانه پلیدی که کار و کاسبی دشوار شده است، [برای تأمین مخارج زندگی دوباره] قرض بگیرد و صدقه قبول کند؟ و یا اینکه قرض خود را [از همین درآمد اندک] بپردازد؟

ایشان فرمود: با درآمد حاضر، قرض خود را بپردازد و صدقه قبول کند و مال مردم را [به ناحق] نگیرد، مگر اینکه وقتی مالی از آنان گرفت یا قرض داد، آن را (تا زمان گشایش روزی) [به باز پس دادن آن وفادار باشد و به پرداخت آن] متعهد باشد، خداوند متعال میفرماید: {ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد}(4)

[انسان] نمی تواند وامی را بر عهده بگیرد، مگر زمانی که متعهد به ادای آن

1- . أمالى الطوسى 1: 382
2- . قرب الاسناد: 56
3- . قرب الاسناد: 44
4- . النساء/ 29

باشد، و حتی اگر مجبور شود بر در خانه های مردم برود، [باید] قرضش را با یک لقمه و یا دو لقمه، یا یک دانه خرما و دو دانه خرما فراهم [و پرداخت] کند، مگر اینکه صاحب فرزندی باشد که بعد از مرگش قرض او را پرداخت کند. از خاندان ما هرکس وفات کند، خداوند برای او جانشینی قرار می دهد تا وعده ها و قرض او را ادا کند.(1)

18. السرایر: ابوایوب از سماعه روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم: یک تن از یاران ما بدهکار است و درآمد ناچیزی دارد که از آن گذران زندگی می کند. آیا آن را صرف قوت خانوادهاش کند تا اینکه خداوند متعال به او وسعت روزی دهد و آنگاه قرض خود را ادا کند؟ یا در این زمانه پلیدی که کار و کاسبی دشوار شده است، قرض بگیرد؟ و یا اینکه قرض خود را بپردازد و صدقه بگیرد؟

ایشان فرمود: با درآمد حاضر قرض خود را بپردازد و صدقه قبول کند و فرمود: مال مردم را نخورد، مگر اینکه از آنچه در اختیار دارد، حقوق و دین آنان را پرداخت کند. خداوند متعال میفرماید: {ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید.}

و فرمود: برای او خوشایند نمیدانم که از کسی قرضی بگیرد، مگر اینکه به آن متعهد باشد، چه در پیمان و چه در تجارت، و حتی اگر مجبور شود بر در خانه های مردم برود، قرضش را با یک لقمه و یا دو لقمه، فراهم کند، مگر اینکه برای او جانشینی باشد که بعد از مرگش قرض او را پرداخت کند. سپس فرمود: از خاندان ما هرکس وفات کند، خداوند برای او جانشینی قرار می دهد تا قرض او را ادا کند.(2)

19. مؤلف: در کتاب «کشف المحجه» سید بن طاووس دیدم که نقل کرده است: در کتاب ابراهیم بن محمد اشعری که قابل اعتماد و استناد است، دیدم که از امام باقر علیه السّلام روایت شده است: حضرت علی علیه السّلام وقتی رحلت کرد

1- . تفسیر العیاشی 1: 236
2- . السرائر: 486

که هشتصد هزار درهم قرض داشت. بنابراین امام حسن علیه السّلام ملکی از اموال آن بزرگوار را به پانصد هزار درهم و زمینی از وی را به سیصد هزار درهم فروخت و دین او علیه السّلام را ادا کرد. علت این دین آن بود که آن بزرگوار با وجود گرفتاریهای فراوانی که داشت، چیزی از خمس را برای خود نگاه نمی داشت (و همه را بین مستحقان تقسیم می نمود).(1)

20. و در کتاب «عبدالله بن بکیر» دیدم که از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است: امام حسین علیه السّلام وقتی به شهادت رسید، مقروض بود و امام زین العابدین ملکی از وی را به سیصد هزار درهم فروخت و دین ایشان و وعده هایی را که داده بود، ادا کرد.(2)

21. أمالی الطوسی: حسین بن منذر از پدرش روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: قرض و دین خود را کم و سبک کنید، زیرا کم بودن قرض، موجب زیادی عمر میشود.(3)

1- . کشف المحجه: 125
2- . کشف المحجه: 125
3- . أمالی الطوسی 2: 279

باب سوم : تعلل کردن و به تاخیر انداختن قرض

آیات:

- «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَلْيُؤَدِّ الَّذِی اؤْتُمِنَ أَمانَتَهُ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّه»(1)

{و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. }

روایات:

1. الخصال: یونس از اسماعیل بن کثیر نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: دزدها سه گروهاند: کسانی که زکات نپردازند، و کسانی که مهریه زنان را حلال شمارند، و نیز کسانی که وام و قرضی بگیرند و قصد پرداخت آن را نداشته باشند.(2)

2. الخصال: عبدالله بن فضل از امام صادق علیه السّلام روایت نموده که فرمود: سه کس هستند که هر که با آنها رقابت کند، خوار میگردد: پدر، حاکم و طلبکار.(3)

3. أمالی الصدوق: در احادیث نهی، پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس با وجود توانایی [مالی]، در ادای حق صاحب حقی تعلل کند و آن را به تأخیر بیندازد، در هر روز [تأخیر]، برای او گناه باج گیری نوشته میشود.(4)

1- . البقره / 283
2- . الخصال 1: 101
3- . الخصال 1: 129
4- . أمالی الصدوق: 432

4. أمالی الطوسی: پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: تأخیر توانگر در پرداخت بدهی، ریختن آبرو و مجازات او را حلال می کند، مگر اینکه بدهیاش در امر ناخوشایند خداوند نباشد.(1)

5. الخصال: ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: وام و قرض بر سه قسم است: اول، کسی که اگر طلبکار باشد، مهلت میدهد و اگر بدهکار باشد، آن را می پردازد و به تأخیر نمیاندازد، بنابراین (معامله قرضی با چنین کسی) سودمند است و بی زیان. دوم، کسی که اگر طلبکار باشد طلب خود را به طور کامل می ستاند و نسبت به بدهی اش متعهد است، معامله با چنین کسی نه سود دارد نه زیان. سوم، کسی که طلبش را تمام و کمال می ستاند و بدهیاش را به تأخیر میاندازد، معامله با چنین کسی زیان بار است و بی سود.(2)

6. ثواب الاعمال: مفضل از یونس بن ظبیان روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: ای یونس! هر که حق مؤمنی را نگه دارد (و از ادای آن سر باز زند)، خداوند در روز قیامت او را به مدت پانصد سال روی دو پایش نگه میدارد تا عرق بدنش یا خونش جاری شود و منادیای از جانب خداوند ندا سر میدهد: این همان ستمکاری است که حق مؤمن را از او دریغ کرده و نزد خویش نگه داشته است. حضرت فرمود: پس چهل سال مورد توبیخ و عقوبت قرار میگیرد، آنگاه فرمان داده میشود که او را به دوزخ برند.(3)

7. ثواب الاعمال: و بنا بر همین سند، از مفضل نقل شده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر مؤمنی که مال مؤمنی را در نزد خود نگاه دارد و به او نپردازد، در حالی که آن مؤمن بدان نیازمند است، به خدا سوگند که غذای بهشتی را نخواهد چشید، و از نوشیدنی گوارای سر به مهر (رحیق مختوم) نخواهد نوشید.(4)

1- . أمالی الطوسی2: 134
2- . الخصال 1: 56
3- . ثواب الاعمال: 215
4- . ثواب الاعمال: 215

8. فقه الرضا: روایت شده است که هر کس قرضی بر گردن داشته باشد و قصد پرداخت آن را نماید، از جانب خداوند دو [فرشته] نگهبان بر او گماشته میشود تا او را بر ادای قرضش یاری نمایند؛ پس هرگاه آن شخص در انجام نیت خویش کوتاهی کند، به اندازه کوتاهیاش از میزان یاری آن دو فرشته نگهبان کاسته میشود.(1)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34

باب چهارم : مهلت دادن به بدهکار تنگدست و بخشیدن او و اینکه ادای قرض او بر عهده حاکم است

آیات:

- «وَ إِنْ كانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلى مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»(1)

{و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید]؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد،] بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید.}

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: سعید بن مسیب از عایشه نقل کرده است که گفت: از پیامبر صلّی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر بدهکاری که با طلبکار خود نزد حاکمی از حاکمان مسلمان برود، و تنگدستی و ناتوانی او در پرداخت قرضش بر آن حاکم آشکار شود، دین و قرض بدهکار تنگدست از گردن او برداشته میشود و پرداخت آن بر عهده حاکم قرار می گیرد، و او باید از بیت المالی که در دست دارد، آن قرض را بپردازد.(2)

و نیز پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکس از شخصی مالی قرض کند و آن را با اسراف یا در امر معصیت خرج نکند، و برایش دشوار باشد که آن قرض را ادا کند، بر صاحب مال لازم است که به او مهلت دهد تا خداوند به وی وسعت

1- . البقره/ 280
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 93

روزی دهد و بتواند آن را پرداخت کند. و اگر امام عادلی باشد، بر اوست تا قرض او را بنا بر سخن رسول خدا صلّی الله علیه و آله ادا کند. ایشان فرمود: هر کس بعد از مرگش اموالی بجا گذارد، آن مال به وارثان او میرسد و هرکس بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگانی بیسرپرست بجا گذارد، (ادای آن قرض و سرپرستی بازماندگان) بر عهده من و امام است و اگر صاحب مال توانگر باشد، اینکه از مالش به او صدقه دهد یا آن قرض را به وی ببخشد، بنابر سخن خداوند، آن برایش بهتر است. خداوند فرمود: {و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد،] بخشیدن آن برای شما بهتر است، اگر بدانید. }(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: مردی نزد امام صادق علیه السّلام آمد، امام پرسید: چرا فلانی از تو شکایت دارد؟ مرد گفت: چون تمام حقم را از او مطالبه کرده ام. امام فرمود: گویا تو فکر کردهای، اگر حقت را به طور کامل از او بگیری، به او بدی نکردهای؟ آیا سخن خداوند عزوجل را در قرآن ندیده ای که فرمود: {و از سختی حساب بیم دارند. }(2) آیا می ترسند خداوند به آنها ستم کند؟ بهخدا سوگند نه! از این نمی ترسند!؟ بلکه آنها از آن می ترسند که در حسابشان نهایت دقت و موشکافی صورت گیرد و به همین دلیل خداوند آن را «سوء الحساب» نام نهاد.(3)

3. أمالی المفید و أمالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام از پدرش امام باقر علیه السّلام و ایشان از ابولبابه بن عبدالمنذر روایت می کند که او برای گرفتن طلبش از ابا بشر نزد وی رفت. (وقتی به آنجا رسید) از او شنید که می گفت: به ابولبابه بگویید که أبابشر خانه نیست. پس (ابولبابه) فریاد زد: ای ابا بشر! از خانه بیرون بیا و أبابشر بیرون آمد، ابولبابه به وی گفت: چه چیزی تو را به این کار واداشت؟ أبا بشر گفت: تنگدستی. ابولبابه گفت: تو را به خدا سوگند، راست می گویی؟ أبابشر گفت: به خدا سوگند! راست می گویم. ابولبابه گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: چه کسی دوست دارد از شدت گرمای

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 93
2- . الرعد/ 21
3- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 364

دوزخ به سایه پناه ببرد؟ گفتیم: همه ما طالب آن هستیم. ایشان فرمودند: پس باید به بدهکار مهلت دهید یا از بدهی تنگدست درگذرید.(1)

4. أمالی الطوسی: گروهی از ابومفضل از محمد بن ذلیل بن بشر از احمد بن ولید از محمد بن جعفر مثل این روایت را نقل کرده اند.(2)

5. ثواب الاعمال: سدیر از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: روز قیامت گروهی محشور می شوند که در سایه عرش جای می گیرند و چهره ها و جامههایشان از نور است و بر تختهایی از نور می نشینند. پس خلایق به آنان نظر می کنند و می گویند: اینان پیامبرانند! در آن حال منادی از زیر عرش ندا می دهد که اینان پیامبر نیستند. مردم می گویند: اینان شهدایند. منادی از زیر عرش ندا می کند که اینان شهید نیستند، بلکه اینان کسانی هستند که کار را بر مؤمنان آسان می گرفتند و به بدهکار تنگدست مهلت می دادند تا گشایشی برای او حاصل شود.(3)

6. ثواب الاعمال: ابن عبد الحمید گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: عبد الرحمن بن سیابه قرضی از مردی دارد که مرده است، ما با او گفتگو کردیم که او را حلال کند، اما وی امتناع کرد. پس امام فرمود: وای بر او! آیا نمیداند که چون او را حلال کند، در برابر هر درهمی ده درهم، و اگر او را حلال نکند، تنها درهمی بجای یک درهم نصیب او خواهد شد!

7. فقه الرضا: روایت شده است که شخص بدهکار به طلبکارانش واگذار میشود، پس اگر خواستند، طلب خویش را از او بگیرند و اگر خواستند، میتوانند او را به کار گیرند؛ و اگر شخص بدهکار دارای ملک و مزرعهای بود، بخشی از بدهی خود را بگیرند و بخش دیگر را تا زمان گشایش وضعیت مالی او واگذارند.

8. و روایت شده است که (اگر بدهکار نتواند وام خود را پرداخت کند)، صاحب مال نمی تواند خانه و کنیز او را به معرض فروش بگذارد.

1- . أمالی المفید: 186 و أمالی الطوسی 1: 81
2- . أمالی الطوسی 2: 74
3- . ثواب الاعمال: 130

9. و روایت شده است که هرکس مالی را به کسی قرض دهد، و مدتی برای (پرداخت) آن تعیین کند و شخص مقروض نتواند در سر رسید معین، قرضش را به او بدهد، به ازای هر روز تأخیر، ثواب یک دینار صدقه برای او [طلبکار] خواهد بود.

10. و روایت شده است: همان گونه که بر بدهکار، در صورتی که توانگر باشد، روا نیست که پرداخت بدهی خود را به تاخیر بیاندازد، بر صاحب مال نیز روا نیست که بدهکار تنگدست را در فشار و تنگنا قرار دهد.(1)

11. فقه الرضا: بدان که! هرکس قرضی بگیرد و تصمیم بر پرداخت آن داشته باشد، وی در امان خداست تا آن قرض را بپردازد؛ و اگر تصمیم بر پرداخت آن نداشته باشد، پس او دزد است. بنابراین از خدا بترس و قرض خود را به طلبکارت بپرداز و با کسی که به تو مقروض است، با نرمش و ملایمت رفتار کن تا حقّت را از وی با عفاف و خویشتن داری بگیری.

پس اگر بدهکارت تنگدست بود و مالی را که از تو گرفته در راه اطاعت خدا هزینه کرده است، تا زمان گشایش به وی فرصت بده، بهطوری که گزارش وضع او به امام برسد تا بدهی را از جانب وی بپردازد یا خودش توانگر شود و بدهی اش را ادا کند. و اگر مالی را که از تو گرفته در راه نافرمانی خدا مصرف کرده است، پس حقّت را از وی درخواست کن؛ زیرا او از اهل این آیه نیست: {پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید.]}(2)

12. تفسیر العیاشی: عمار دهنی گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: هر کس بخواهد که خداوند او را در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، زیر سایه عرش خویش قرار دهد، بر اوست که به بدهکار تنگدست مهلت دهد یا از حق خود درگذرد.(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 34
2- . فقه الرضا علیه السلام: 36 ، البقره/ 280
3- . تفسیر العیاشی 1: 153

13. تفسیر العیاشی: هر کس که در امان ماندن از باد داغ جهنم او را خرسند میکند، بر اوست که به بدهکار تنگدست مهلت دهد یا از حق خود درگذرد.(1)

14. تفسیر العیاشی: اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: شخص تا چه اندازه می تواند بر بدهکارش سختگیری کند؟ فرمود: به هیچ وجه حق سختگیری ندارد، خدا به او مهلت داده است.(2)

15. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله در یک روز داغ فرمود: هرکس که قرار گرفتن در زیر سایه عرش خدا، در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، وی را خرسند میکند، بر اوست که به بدهکار تنگدست مهلت دهد، یا از حق خود درگذرد.(3)

16. تفسیر العیاشی: حنان بن سدیر از پدرش نقل کرده است که امام باقر علیه السّلام فرمود: روز قیامت خداوند گروهی را محشور می گرداند که در سایه عرش جای می گیرند و چهره ها و جامههایشان از نور است و بر تختهایی از نور می نشینند. پس خلایق به آنان نظر می کنند و می گویند: اینان پیامبرانند! در آن حال منادی از زیر عرش ندا می دهد که اینان پیامبر نیستند. مردم می گویند: اینان شهدایند. منادی از زیر عرش ندا می کند که اینان شهید نیستند، بلکه اینان کسانی هستند که کار را بر مؤمنان آسان می گرفتند و به بدهکار تنگدست مهلت می دادند تا گشایشی برای او حاصل شود.(4)

17.تفسیر العیاشی: ابن سنان از ابو حمزه نقل کرده است که گفت: خداوند روز قیامت - روزی که سایهای جز سایه او نیست - بر سر سه گروه سایه می افکند: مردی که زن زیبارویی او را به سوی خود فراخواند و او آن زن را ترک کند و بگوید: من از پروردگار جهانیان میترسم! کسی که به بدهکار تنگدستی مهلت دهد یا از حقش بگذرد، و شخصی که حب مساجد را در دل داشته باشد، {بخشیدن آن

1- . تفسیر العیاشی 1: 154
2- . تفسیر العیاشی 1: 154

3- . تفسير العياشى 1: 154
4- . تفسير العياشى 1: 154

برای شما بهتر است.} یعنی اگر مال تان را صدقه دهید، برای شما بهتر است. پس باید بدهکار تنگدست را رها کند یا به وی مهلت دهد.

امام صادق علیه السّلام از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: هر کس به بدهکار تنگدستی مهلت دهد، در هر روز نزد خداوند پاداش صدقهای به اندازه بدهیاش دارد، تا وقتی که حقش را دریافت کند. (1)

18. تفسیر العیاشی: عمر بن سلیمان، از مردی از اهل جزیره روایت کرده است که گفت: شخصی از امام رضا علیه السّلام پرسید: فدایت شوم! خدای متعال می گوید: {فَنَظِرَهٌ إِلی مَیْسَرَهٍ، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید].}، این «نظره (مهلت دادن)» که خدا از آن یاد کرده است چیست، آیا حد و تعریفی دارد که معلوم شود به آن کس که در تنگدستی است تا چه اندازه باید مهلت دهند؟ او مالی قرض کرده و خرج عیال خود کرده است، و حال آنکه او را محصولی نیست که منتظر رسیدن آن باشد، و طلبی ندارد که چشم به راه وصولش باشد، و مال پنهانی ندارد که انتظار رسیدن آن را بکشد؟

امام گفت: بله (حدی دارد)، به اندازهای مهلت می دهند تا خبر آن به امام برسد، پس امام به جای او بدهی وی را از سهم بدهکاران (که در زکات هست) می پردازد، به شرط آنکه مال وام گرفته را در راه بندگی خدا خرج کرده باشد؛ و اگر آن را در راه معصیت خدا صرف کرده باشد، پرداختن آن بر عهده امام نیست. گفتم: پس تکلیف مال این مردی که به آن شخص اعتماد کرده و نمیداند که آن مال را در طاعت خدا صرف کرده یا در معصیت خدا، چه میشود؟ امام فرمود: باید سعی کند مالش را از او پس بگیرد و او خوار است.(2)

19. السرایر: سیاری از هشام بن محمود نقل کرده است که گفت: مردی نزد امام صادق علیه السّلام آمد. امام پرسید: چرا برادرت از تو شکایت دارد؟ مرد گفت: ای فرزند رسول خدا! از من شکایت دارد، چون تمام حقم را از او مطالبه کرده ام. حضرت خشمگین نشست و سپس فرمود: گویا تو فکر کردهای اگر حقت را به طور

1- . تفسير العياشى 1: 154
2- . تفسير العياشى 1: 155

کامل از او بگیری، به او بدی نکردهای؟ خداوند عز و جل میفرماید: {از پرودگارشان میترسند و از سختی حساب بیم دارند.}(1) آیا به گمان تو، آنها می ترسند که خداوند بر آنان ستم کند؟ بهخدا سوگند نه! بلکه آنها از آن می ترسند که در حسابشان نهایت دقت و موشکافی صورت گیرد و (این دقت در حسابرسی) آنان را هلاک گرداند. بله! هر کس تمام حقش را مطالبه کند، بد کرده است... ایشان این جمله را سه بار تکرار کرد.(2)

20. مؤلف میگوید: با خط شهید بزرگوار محمد بن علی جبعی که رحمت خدا بر او باد، نقلی از خط شهید والا مقام یافتم که گفته بود: امام صادق علیه السّلام بر مردی گذشت که صدایش را بر شخصی که مبلغ ناچیزی به او مقروض بود، بلند کرده بود. پس امام فرمود: چقد از او طلب داری؟ آن مرد مبلغ را بیان کرد، آنگاه امام به او فرمود: برای تو همین کافی است که گفته شود: دین ندارد کسی که مروت ندارد.

21. اعلام الدین: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس که دوست دارد خداوند اندوهش را تسلی دهد، بر اوست که به مؤمن تنگدست مهلت دهد، یا از حق خود درگذرد، همانا خداوند تعالی دستگیری از دردمند را دوست دارد.

22. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند: هرکس بر مؤمنی تنگدست [در مورد پرداخت بدهیاش] آسان بگیرد، خداوند نیز، برآورده شدن حاجات او را در دنیا و آخرت آسان و هموار میگرداند. همانا خداوند عزوجل به مؤمنی که به برادر مؤمنش کمک میکند، یاری میرساند، پس از موعظه و اندرز بهره بگیرید و به کار خیر روی آورید.

23. الهدایه: هرکس قرضی بگیرد و تصمیم بر پرداخت آن داشته باشد، وی در امان خداست تا آن قرض را بپردازد، و اگر تصمیم بر پرداخت آن نداشته باشد، پس او دزد است.

1- . الرعد/ 21
2- . السرائر: 482

24. الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند عزوجل مهلت دادن به (بدهکار) تنگدست را دوست دارد، و هر کس بدهکارش تنگدست بود، بر اوست که تا زمان گشایش به او مهلت دهد، و اگر مالی را که گرفته در راه نافرمانی خدا صرف کرده است، پس نباید به او تا زمان گشایش مهلت داده شود، زیرا او از اهل این آیهای که خداوند متعال فرمود، نیست: {پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید.]}(1)

25. کتاب الغایات: از جابر نقل شده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله برای مردم سخنرانی کرد و گفت: - بعد از ستایش و حمد خدا - همانا بهترین سخن، سخن کتاب خدای عز و جل و بهترین هدایت، هدایت محمّد است و بدترین کارها بدعت آن و هر بدعتی گمراهی است، سپس صدایش را بالا برد - و گونه هایش سرخ شد و آنگاه که قیامت را یاد کرد، سخت خشم نمود، گویا طلیعهدار سپاه است - سپس فرمود: ! همانا من به پیامبری برانگیخته شدم، در حالی که من و قیامت مثل این دو انگشت [به هم نزدیک] هستیم. سپس فرمود: مرگ به هنگام صبح یا شب بر شما خواهد آمد، هرکس مالی واگذارد، متعلق به وارثانش است و هر کس قرض و ملکی بجا گذارد، برعهده من و به سوی من است.(2)

1- . الهدایه: 80
2- . کتاب الغایات: 69

باب پنجم : آداب قرض و احکام آن

آیات:

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا تَدایَنْتُمْ بِدَیْنٍ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکْتُبُوهُ وَ لْیَکْتُبْ بَیْنَکُمْ کاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا یَأْبَ کاتِبٌ أَنْ یَکْتُبَ کَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْیَکْتُبْ وَ لْیُمْلِلِ الَّذی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَ لْیَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا یَبْخَسْ مِنْهُ شَیْئاً فَإِنْ کانَ الَّذی عَلَیْهِ الْحَقُّ سَفیهاً أَوْ ضَعیفاً أَوْ لا یَسْتَطیعُ أَنْ یُمِلَّ هُوَ فَلْیُمْلِلْ وَلِیُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهیدَیْنِ مِنْ رِجالِکُمْ فَإِنْ لَمْ یَکُونا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَکِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْری وَ لا یَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَکْتُبُوهُ صَغیراً أَوْ کَبیراً إِلی أَجَلِهِ ذلِکُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنی أَلاَّ تَرْتابُوا إِلاَّ أَنْ تَکُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدیرُونَها بَیْنَکُمْ فَلَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَلاَّ تَکْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبایَعْتُمْ وَ لا یُضَارَّ کاتِبٌ وَ لا شَهیدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ یُعَلِّمُکُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ»(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او [نویسنده] بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی تواند املا کند، پس ولیّ او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید؛ پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان

1- . البقره / 3-282

گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید]، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، [زنِ] دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتنِ [بدهی] چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش [فرا رسد]. این [نوشتنِ] شما، نزد خدا عادلانه تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید، گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می دهد، و خدا به هر چیزی داناست.

-«مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصى بِها أَوْ دَيْن»(1)

{[البته همه اینها] پس از انجام وصیّتی است که او بدان سفارش کرده، یا دینی [که باید استثنا شود].}

- «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصينَ بِها أَوْ دَيْن»(2)

{[البته] پس از انجام وصیّتی که بدان سفارش کرده اند یا دینی [که باید استثنا شود].}

- «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِها أَوْ دَيْن»(3)

{[البته] پس از انجام وصیّتی که بدان سفارش کرده اید یا دَینی [که باید استثنا شود].}

روایات:

1. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: حضرت علی علیه السّلام درباره مردی که فوت نمود و میراثی برجای گذاشت و یکی از ورثه بیان

1- . النساء/11

2- . النساء /12
3- . النساء /13

نمود که پدرش یک بدهی دارد، چنین فرمود: آن ورثه که به بدهی پدر خود اقرار نموده است، باید از سهم خود، بدهی پدر را بدهد. و اگر دو نفر از وارثان اقرار به بدهی پدر کردند و افراد عادلی هم بودند، پرداخت بدهی بر همه ورثه جایز است. امّا اگ-ر عادل محسوب نمی شوند، باید از سهم خود بدهی را بپردازند. حال اگر یکی از وارثان اقرار نماید که برادر یا خواهر دیگری هم دارد، باید از سهم خود به این برادر یا خواهر (که تازه هویتشان معلوم شده) ارثیه بدهد.

امام علی علیه السّلام فرمودند: هر کس (پس از مرگ پدر) به وجود یک برادر اقرار نماید، این برادر شریک در اموال پدر است، امّا منسوب به خانواده نمی شود. حال اگر دو نفر، اقرار به وجود برادر جدید کنند، از ارثیه سهم می برد، امّا از اصل و نسب خانوادگی خیر. امّا اگر این دو نفر عادل باشند، در این صورت این شخص جدید، نام و نسب خانوادگی را هم گرفته و در میراث نیز شریک سایر وارثان می شود. (1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گوید: از وی درباره دو نفر که در کالایی پیش خرید شده شریکند، سؤال کردم که آیا جایز است آن را قبل از به دست آوردن تقسیم کنند؟ فرمودند: اشکالی ندارد.

و نیز گوید: از امام موسی علیه السّلام پرسیدم: آیا صحیح است در برابر جحود - شخصی که همواره بدهکاری را انکار می کند - بدهی به او را انکار کرد؟ فرمودند: آری، ولی بیشتر نباشد. (2)

3. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمود: خانه و کنیز در هنگام بدهکار بودن شخص نباید فروخته شود، زیرا مرد مسلمان احتیاج به خانهای برای سکونت و خادمی برای خدمت دارد.(3)

4. علل الشرایع: محمد ابن ابی عمیر مردی پارچه فروش بود و از شخصی ده هزار درهم طلب داشت، آن شخص ورشکست شده و خانه اش را به ده هزار درهم

1- . قرب الاسناد: 25

2- . قرب الاسناد: 113
3- . علل الشرايع: 529

فروخت و نزد پارچه فروش برد و در خانه اش را زد، محمد ابن ابی عمیر بیرون آمد و شخص بدهکار گفت: این بدهی من به توست، آن را بگیر. محمد گفت: این مال را از کجا آوردهای، آیا ارث بردهای؟ آن مرد گفت: نه. محمد گفت: به تو بخشیده شده؟ گفت: نه، من خانهای داشتم و فروختم تا بدهی ام را بدهم. محمد ابن أبی عمیر گفت: ذریح المحاربی به نقل از امام صادق علیه السّلام بیان کرده که: هیچ آدمی از کاشانه خود با بدهکاری خارج کرده نشود. حال این پول را بردار، مرا به آن نیازی نیست و اکنون به یک درهم نیز احتیاج ندارم و از این پول، یک درهم نیز به خانه من داخل نمی شود.(1)

5. الاختصاص: ابوغالب الزّواری، از محمد بن المحسن السجاد از علی بن ابراهیم، این روایت را ذکر کرده اند.(2)

6. فقه الرضا: اگر از کسی طلبی داری، و او را در مکه یا حرم دیدی، طلبت را از او مطالبه نکن و حتی سلامش هم نکن، چرا که او را می ترسانی، مگر اینکه در حرم به او قرض داده باشی؛ در این صورت اشکالی ندارد که حقّت را مطالبه کنی.(3)

7. فقه الرضا: اگر شخصی تا مدتی معین بدهکار بود، ولی در این می--ان از دنیا رفت، بدهی اش از بین می رود. (4)

8. فقه الرضا: اگر مردی بمیرد و طلب داشته باشد، وارث او می تواند طلب پدر را برای خود بستاند و در غیر این صورت، طلب شخص فوت شده برای روز قیامت می ماند. (5)

9. فقه الرضا: اگر شخصی بمیرد و بدهی داشته باشد و مالش به اندازه کفنش باشد، با آن مال کفن می شود؛ حال اگر شخصی لطف کند و برای میّت کفن تهیه کند، از مال باقی مانده میّت، بدهی اش پرداخت می شود. (6)

1- . علل الشرایع: 529
2- . الاختصاص: 86
3- . فقه الرضا علیه السلام: 34

4- . فقه الرضا عليه السلام: 34
5- . فقه الرضا عليه السلام: 36
6- . فقه الرضا عليه السلام: 36

10. فقه الرضا: اگر شخصی بمیرد و بدهی داشته باشد و مالی هم برجای نگذاشته، مردی باید از زکات مال خود، هزینه کفن او را بدهد و این برای میّت جایز است و اگر در همان حال مرد دیگری کفنی برای میّت تهیه کرده باشد، کفن دوم به ورثه میّت می رسد، تا با آن اوضاع خود را سامان دهند. زیرا این مال دیگر جزء ارثیه میّت نیست، بلکه مالی است که به ورثه رسیده، آن هم بعد از مرگ پدرشان. «و توکل بر خداوند است». (1)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 36

باب ششم : ربا در دین افزون بر آنچه که در باب ربا و احکام آن گذشت

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السّلام فرمودند: ربا دو نوع است. حلال و حرام. امّا ربای حلال آن است که مردی به دیگری قرضی دهد به طمع اینکه قرض گیرنده چیزی بیشتر از آنچه گرفته، پس بدهد، ولی در این میان هیچ [صحبت] و شرطی میان آنها نیست، و اگر قرض گیرنده، بدون هیچ شرطی، بیش از آنچه را که قرض گرفته، به قرض دهنده بپردازد، مباح و حلال است ولی در نزد خداوند ثوابی ندارد. چون خداوند می فرماید: «فَلا یَرْبُوا عِنْدَ اللّه»، {نزد خدا فزونی نمی گیرد.} اما ربای حرام آن است که شخصی، پولی قرض دهد و شرط بگذارد که بیشتر از مبلغ پرداختی، دریافت کند و این حرام است. (1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر علیه السّلام به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گفت: از او درباره مردی پرسیدم که صد درهم به شخصی داد، مشروط به اینکه آن شخص پنج درهم یا بیشتر یا کمتر، افزون بر صد درهم باز پس دهد، امام فرمودند: این ربای محض است. (2)

3. قرب الاسناد: و نیز از امام موسی علیه السّلام پرسیدم که مردی به غلام خود ده درهم داد، مشروط بر اینکه آن غلام، هر ماه ده درهم به صاحب خود بدهد، آیا حلال است؟ فرمودند: اشکالی ندارد. (3)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 2: 159
2- . قرب الاسناد: 114
3- . قرب الاسناد: 114

4. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: سائلی نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد و درخواستی کرد، پیامبر فرمودند: آیا کسی هست که قرضی به او دهد؟ مردی از انصار از قبیله بنی الجبلی برخاست و گفت: نزد من موجود است. پیامبر فرمود: به این سائل، چهار بار شتر [هر بار شتر حدود 180 کیلو است] خرما بدهید. آن مرد نیز چنین کرد. مدّتی بعد مرد انصاری نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله آمد و تقاضای برگشت مالش را کرد. پیامبر فرمود: انشاا... . آن مرد برای بار دوم و سوم هم، خدمت پیامبر رسید و ایشان باز هم گفتند: انشاا... . مرد انصاری گفت: ای رسول خدا چقدر انشاا... می گویید. پیامبر خندید و فرمود: آیا کسی هست که به این مرد جنسی به قرض دهد؟ شخصی بلند شد و گفت: من دارم. فرمودند: چقدر دارید؟ گفت: هرچه بخواهید. فرمود: به این مرد انصاری، هشت بار شتر خرما بدهید. مرد انصاری گفت: مرا چهار بار شتر است. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: و چهار بار شتر دیگر نیز.(1)

5. فقه الرضا: از امام رضا علیه السّلام درباره مردی سؤال شد که بدهی داشت و درخواست می کرد که قرضی دیگر هم به او داده شود و می گفت که من به تو سودی (بابت وام) خواهم داد. و یک دانه لؤلؤ به ارزش ده هزار درهم یا بیست هزار درهم را به وام دهنده می فروشد. (حکمش چیست؟) فرمود: اشکالی ندارد.

6. در روایت دیگری، این قصه مذکور است؛ و پدرم به من امر کرد و من نیز به شیوه همین روایت عمل کردم.(2)

1- . قرب الاسناد: 44
2- . فقه الرضا علیه السلام: 34

باب هفتم : رهن و احکام آن

آیات:

- «وَ إِنْ کُنْتُمْ عَلی سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا کاتِباً فَرِهانٌ مَقْبُوضَه»(1)

{و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید وثیقه ای بگیرید. }

روایات:

1. قرب الاسناد: ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی چیزی را رهن می کند و به دنبال کار خود می رود امّا نمی تواند که از پس هزینه رهن برآید، آیا می توان رهن را فروخت؟ (مثلاً خانه ای را رهن می کند ولی توان دادن مال رهن را ندارد) امام فرمودند: خیر، مگر اینکه صاحب مال یعنی رهن دهنده حضور بیابد.(2)

2. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: کسی که رهن برایش مطمئن تر از (قول) برادر مسلمانش باشد، من از او مبری هستم.(3)

3. المحاسن: محمد بن علی از مروک مانند این قول را ذکر نموده.(4)

4. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: رهن هنگامی حاصل می شود که در دستان رهن کننده باشد.(5)

1- . البقره / 283
2- . قرب الاسناد: 80
3- . ثواب الاعمال: 214
4- . المحاسن: 102
5- . تفسیر العیاشی 1: 156

5. کتاب الامامه و التبصره: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بر مرکب رهن داده شده، می توان سوار شد و کسی که بر حیوان سوار شود، خرجش را هم می دهد.

6. کتاب الامامه و التبصره: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: رهن به اندازه ارزش چیزی است که رهن می شود. پس اگر ارزش چیزی بیشتر از مالی باشد که رهن کننده داده، او باید ارزش افزوده را به صاحب اصلی رهن بدهد، و اگر ارزش چیز رهن شده کمتر از مبلغی باشد که رهن کننده پرداخته، باید مبلغ اضافی به او برگردانده شود. امّا اگر رهن هم طراز قیمت خود باشد. در این حالت رهن صحیح است.

و نیز پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرموده اند: مال رهن شده، تحت سیطره رهن کننده است.(1)

1- . [در کتاب صحیح بخاری این روایت چنین ذکر شده: الرهن مغلوب و محلوب. یعنی حیوانی را که رهن شده، می توان سوار شد و شیرش را دوشید. (صحیح بخاری)،3: 143، دمشق، دارطوق النجاه، 1422،ط (0) مترجم]

باب هشتم : حجر و رسیدن به بلوغ و احکام آن

آیات:

- «فَإِنْ کانَ الَّذی عَلَیْهِ الْحَقُّ سَفیهاً أَوْ ضَعیفاً أَوْ لا یَسْتَطیعُ أَنْ یُمِلَّ هُوَ فَلْیُمْلِلْ وَلِیُّهُ بِالْعَدْلِ»(1)

{پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی تواند املا کند، پس ولیّ او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید.}

- «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَکُمُ الَّتی جَعَلَ اللَّهُ لَکُمْ قِیاماً وَ ارْزُقُوهُمْ فیها وَ اکْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً، وَ ابْتَلُوا الْیَتامی حَتَّی إِذا بَلَغُوا النِّکاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَیْهِمْ أَمْوالَهُمْ وَ لا تَأْکُلُوها إِسْرافاً وَ بِداراً أَنْ یَکْبَرُوا وَ مَنْ کانَ غَنِیًّا فَلْیَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ کانَ فَقیراً فَلْیَأْکُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذا دَفَعْتُمْ إِلَیْهِمْ أَمْوالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَیْهِمْ وَ کَفی بِاللَّهِ حَسیباً»(2)

{و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان مدهید، و[لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید؛ و با آنان سخنی پسندیده بگویید. و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سنّ] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتنِ اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان ردّ کردید، بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است.}

1- . البقره / 282
2- . النساء / 5-6

- «وَ یَسْتَفْتُونَکَ فِی النِّساءِ قُلِ اللَّهُ یُفْتیکُمْ فیهِنَّ وَ ما یُتْلی عَلَیْکُمْ فِی الْکِتابِ فی یَتامَی النِّساءِ اللاَّتی لا تُؤْتُونَهُنَّ ما کُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْیَتامی بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ کانَ بِهِ عَلیماً»(1)

{و در باره آنان، رأی تو را می پرسند. بگو: «خدا در باره آنان به شما فتوا می دهد، و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می شود: در مورد زنان یتیمی که حقّ مقرّر آنان را به ایشان نمی دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید، و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شماست].» و هر کار نیکی انجام دهید، قطعاً خدا به آن داناست.}

- «وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْیَتیمِ إِلاَّ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ»(2)

{و به مال یتیم - جز به نحوی [هر چه نیکوتر]- نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد.}

- « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ»(3)

{و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند.}

روایات:

1. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در آن روز (جنگ با بنی قریظه کسی را گمارد تا) عانه اسیران یهودی را بنگرد. اگر بر عانه شخصی موی روییده بود، او را کشته و اگر موی نروییده بود، وی را به جمع زنان و بچه ها ملحق می ساخت.(4)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی علیه السّلام روایت کند که از او پرسیدم: که چه زمانی، یتیم بودن یک نفر به پایان می رسد؟ فرمود: هرگاه که در خواب محتلم شود و داد و ستد را بداند.(5)

1- . النساء / 127

2- . الانعام / 152
3- . التوبه / 71
4- . قرب الاسناد: 63
5- . قرب الاسناد: 119

3. الخصال: امام جعفر صادق علیه السّلام گویند: نجده الحروری به ابن عباس نامه ای نوشت و درباره چهار چیز پرسید: آیا رسول خدا صلّی الله علیه و آله زنان را به جنگ می برد؟ آیا برای ایشان از غنایم جنگی چیزی لحاظ می کرد؟ و نیز درباره خمس پرسید و اینکه چه وقت یتیم بودن یک نفر به پایان می رسد و نیز درباره کشتن کنیزان (کافرانی که به اسارت درآمده اند).

ابن عباس جواب داد: امّا درباره زنان، رسول خدا صلّی الله علیه و آله مال اندکی از غنایم به آنها

می داد و سهم خاصی برایشان در نظر نمی گرفت. اما درباره خمس، ما (اهل بیت پیامبر) معتقدیم که خمس از آن ما است، امّا جماعتی دیگر (اهل سنت) چنین اعتقادی ندارند، پس در این مورد صبر پیشه کردهایم. امّا درباره یتیم، اتمام یتیم بودنش، منوط به بلوغ او است و آن احتلام می باشد. مگر اینکه [بعد از احتلام هم] عقل و شعوری در او دیده نشود و به نظرت سفیه یا ضعیف آید، که در این صورت ولیّ و قیّم او، امور او را به دست می گیرد، امّا درباره ذراری (یعنی زنان اسیر)، پیامبر آنها را نمی کشت، امّا حضرت خضر علیه السّلام، کافران آنها را می کشت و مؤمنان آنها را زنده می گذاشت. اگر تو درباره آنها چیزی را می دانی که خضر علیه السّلام می دانست، پس تو عالم تر از خضر علیه السّلام هستی.(1)

4. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: حد بلوغ زن، نه سالگی است. (2)

5. الخصال: عبدالله بن سنان گوید: پدرم از امام صادق علیه السّلام پرسیدند: یتیم چه زمانی أمرش جایز است؟ فرمود: زمانی که به حد بلوغ برسد. پدرم پرسید: حد بلوغ چه زمانی است؟ فرمود: زمان احتلام او. پدرم گفت: گاهی جوان هجده ساله یا بزرگتر یا کوچکتر است و محتلم نمی شود. فرمود: هرگاه که به سن بلوغ برسد و فرایض دینی بر او واجب شود، دیگر یتیم نیست و امرش جایز است (یعنی می تواند در دارایی خود، دخل و تصرف کند) مگر اینکه سفیه یا ضعیف (ناتوان و نابخرد) باشد.(3)

1- . الخصال 1: 160

2- . الخصال 2: 187
3- . الخصال 2: 268

6. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بچه در سن پانزده تا شانزده سالگی، باید روزه گرفتن را آغاز کند[.(1)

7. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هرگاه پسر به بلوغ، یعنی سیزده سالگی رسید و وارد چهارده سالگی شد، آنچه که بر محتلم شدگان واجب است، بر او نیز واجب می شود، چه محتلم شود و چه نشود و گناهان و حسنات او برایش نوشته می شود، و دخل و تصرف در اموالش جایز است، مگر اینکه سفیه باشد یا ضعیف.(2)

8. امالی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: پس از قطع کردن شیر بر کودک، دیگر شیر دادن نیست و پس از احتلام هم، یتیمی به پایان می رسد. ادامه روایت.(3)

9. عیون الاخبار: ابن بزیغ گوید: از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: کنیزک به چه سنی نرسیده باشد، بر مرد واجب نیست که منتظر پاک شدن او از حیض باشد؟ فرمود: اگر به سن بلوغ نرسیده باشد، یک ماه از حیض کافی است. گفتم: اگر هفت ساله باشد یا در سنی باشد که باردار نمی شود؟

فرمود: این کنیز کوچک است و اگر او را استبراء نکنی، زیانی بر تو وارد نیست. گفتم: اگر هشت ساله باشد ؟ فرمود: اگر نه ساله شد (باید استبراء شود).(4)

10. تفسیرعلی بن ابراهیم: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان مدهید.} فرمودند: سفیهان یعنی، زنان و کودکان، زمانی که مرد بفهمد که زنش سفیه است و تباه کننده و کودک نیز چنین است، شایسته نیست که هیچ یک از آنها را بر اموال خود که بر آن مالک هستید، مسلط گردانید و {و[لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید؛ و با آنان سخنی پسندیده بگویید.} منظور از معروف، چندین کار است و {و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سنّ] زناشویی

1- . الخصال 2: 274
2- . الخصال 2: 269

3- . امالی الطوسی 2: 37
4- . عیون الاخبار 2: 19

برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. }

فرمودند: هر کسی که اموال یتیمان در دست اوست، جایز نیست که اموال را به او بدهد، تا به سن نکاح رسیده و محتلم شوند، پس اگر محتلم شد و حدود شرعی و انجام فرایض بر او واجب شد و زناکار و شارب خمر و از بین برنده اموال نبود و مطمئن شد که کودک به حد بلوغ رسیده، مال را به او بدهد و شاهد گیرد و اگر مطمئن نبودند که آیا کودک به سن بلوغ رسیده، به واسطه موی زیر بغل یا موی روییده برعانه مورد آزمایش قرار گیرد، و اگر این موارد حاصل آمده بود، پس کودک به بلوغ رسیده و باید أموال به او پرداخت شود، و جایز نیست که اموال یتیمی که به بلوغ رسیده، حبس شود و بهانه آورده شود که به بلوغ نرسیده و {و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. } اگر مال یتیم در دست شخصی ثروتمند باشد، حلال نیست که از مال یتیم بخورد و اگر در دست فقیر باشد، باید تا حد امکان خویشتنداری کند و تا حد معروف و معقول می تواند از مال یتیم بردارد. (1)

11. تفسیر العیاشی: ابن سنان گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: چه زمانی اموال کودک به او داده می شود؟ فرمود: هرگاه به بلوغ برسد و عقل و رشد او معلوم گردد، ولی سفیه یا ضعیف نباشد. گفتم: اگر برخی به سن پانزده یا شانزده سالگی برسند ولی بلوغ نشده باشند چه حکمی دارد؟

فرمودند: اگر پسر به سن سیزده سالگی برسد، امرش جایز و جاری است، مگر اینکه سفیه یا ضعیف باشد. گفتم: سفیه یا ضعیف یعنی چه؟ فرمودند: سفیه، شارب الخمر است و ضعیف کسی است که در معامله، یکی را می گیرد و به جایش دو تا می دهد. (2)

12. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره آیه: «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ» فرمود: یعنی کسی را که به او اطمینان ندارید.(3)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 131
2- . تفسیر العیاشی 1: 155

3- . تفسير العياشى 1: 220

13. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره کسی که شراب نوشیده است بعد از اینکه خداوند آن را بر زبان پیامبرش صلّی الله علیه و آله حرام گردانیده، فرمود: او اهلیت ندارد که اگر به خواستگاری آمد، دختر را به ازدواجش درآورد و آنگاه که سخن گوید، حرفش مورد قبول واقع شود؛ و شفاعتش مورد قبول نیست، و برای سپردن امانت به او نباید مورد اعتماد قرار گیرد و هر که به او اعتماد کند و امانتی به او دهد و آن شخص شارب الخمر هم آن امانت را تباه سازد، امانت دهنده هیچ حقی و اجری را نمی تواند از خداوند طلب کند. و تاوانی هم برایش نیست.

امام صادق علیه السّلام گوید: می خواستم که به فلان شخص کالایی دهم تا به یمن ببرد، خدمت امام باقر علیه السّلام رسیدم و عرض کردم: می خواهم جنسی را به فلان شخص دهم، فرمود: آیا نمی دانی که او شارب الخمر است؟ گفتم: از مؤمنین به من خبر رسیده که این حرف را می زنند. امام باقر علیه السّلام فرمودند: حرف آنها را قبول کن، زیرا خداوند می فرماید: «یؤمن بالله و یومن للمؤمنین» و سپس ادامه داد: اگر تو کالایی به او بدهی و نابود و تباه شود، بر خداوند هیچ حرجی نیست که به تو عوض دهد. گفتم: از چه روی؟ فرمود: زیرا خداوند می فرماید: {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان مدهید.} آیا هیچ سفیهی بدتر از شارب الخمر هست؟ بندگان خدا همیشه در مغفرت و پوشش گناهان هستند، مادامی که شراب ننوشیده باشند، و اگر شراب بنوشد، خداوند آن پوشش و مغفرت را از آنها برمی دارد و فرزند و برادر و چشم و دست و پایش همچون شیطان می شوند که او را به سوی همه بدیها سوق می دهند و از هر خیری باز می دارند.(1)

14. تفسیر العیاشی: ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام باقر علیه السّلام درباره آیه {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.} پرسیدم، فرمودند: هر کسی که شراب بنوشد، سفیه است.(2)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 220
2- . تفسیر العیاشی 1: 220

15. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: نجده الحروری به ابن عباس نامهای نگاشت و درباره مسائلی پرسید، از جمله اینکه چه زمانی یتیم بودن یک شخص تمام می شود؟ ابن عباس به او جواب نوشت: تمام شدن یتیمی یک شخص، زمانی است که بلوغ برسد و آن محتلم شدن است. (1)

16. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان گوید: پدرم در حالی که من هم حضور داشتم، از امام صادق علیه السّلام پرسید: چه زمانی أمر یتیم جایز است (چه وقت می تواند در اموال خود دست ببرد؟) فرمودند: هر گاه به بلوغ برسد. گفتم: یعنی چه زمانی؟ فرمود: زمانی که محتلم شود. گفتم: ممکن است جوانی هجده ساله یا کمتر یا بیشتر باشد و محتلم نشود. فرمود: جوان هرگاه سیزده ساله شد، خوبی ها و بدی هایش نوشته می شود و أمرش جایز و جاری است، مگر اینکه سفیه یا ضعیف باشد. (2)

17. کتاب سلیم بن قیس: امیرالمؤمنین علیه السّلام درباره بدعت عمر فرمودند: عمر بدعتی نهاد و به کارگزاران خود در بصره، طنابی به طول پنج وجب فرستاد و گفت: هرکس از بیگانگان را که یافتید و قدش به اندازه این طناب بود گردنش را بزنید و نیز طنابی فرستاد برای کودکان دزد بصره و گفت: هرکس قدش به اندازه این طناب بود، دستش را قطع کنید. (3)

18. نوادر الراوندی: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: بعد از احتلام، یتیمی به پایان می رسد... (4)

1- . تفسیر العیاشی 2: 291
2- . تفسیر العیاشی 2: 291
3- . کتاب سلیم بن قیس: 135
4- . نوادر الراوندی: 51

باب نهم : آیا غلام مالک چیزی هست؟

آیات:

- «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً عَبْداً مَمْلُوکاً لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ءٍ وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً فَهُوَ یُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْراً هَلْ یَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُون»(1)

{خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزیِ نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟ سپاس خدای راست. [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند.}

باب دهم : اجاره، قباله و احکام آنها

آیات:

- «قالَتْ إِحْداهُما یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمینُ ،قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِک»(2)

{یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی: هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است.»،[شعیب] گفت: «من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو

1- . النحل / 75
2- . القصص / 26-27

در آورم، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی، و اگر ده سال را تمام گردانی، اختیار با تو است.}

روایات:

1. امالی الصدوق: در اخبار مناهی آمده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله از به کارگیری کارگر نهی فرموده اند، مگر اینکه کارگر أجرت خود را بداند.(1)

2. امالی الصدوق: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس در دستمزد کارگر ظلم کند، خداوند عمل او را پست شمارد و بوی بهشت را بر وی حرام گرداند. بوی بهشت از راهی به فاصله پانصد سال به مشام می رسد.(2)

3. عیون الأخبار: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند هر گناهی را می بخشد، مگر کسی که بدهکاری درست کرده، یا دستمزد کارگری را به ناحق گرفته، یا مردی که انسان آزاده ای را فروخته.(3)

4. علل الشرایع: از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السّلام سؤال شد: علت چیست که جایز نیست زمین را در برابر غذا اجاره داد و باید با طلا و نقره اجاره داد؟ فرمودند: علت آن است که آنچه از زمین می روید گندم و جو است و جایز نیست که گندم به گندم و جو در برابر جو اجاره داده شود.(4)

5. معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام فرمودند: زمین در برابر خرما و گندم و جو و آب و اضافه آب اجاره نمی شود، گفته شد: الاربعاء چیست؟ فرمودند: آب، و النطاف هم به معن-ای اضافه آب است لکن می توان زمین را در برابر طلا یا نقره و یا نصف محصول یا یک سوم یا یک چهارم محصول اجاره کرد.(5)

1- . امالی الصدوق: 426
2- . امالی الصدوق: 427
3- . عیون الاخبار 2: 33
4- . علل الشرایع: 518

5- . معانى الاخبار: 162

6. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام فرمودند: صاحب حمام چیزی را تضمین نمی کند. او فقط أجرتی بابت دخول به حمام می گیرد.(1)

7. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم علیه السّلام روایت نموده است: از او درباره مردی پرسیدم که خانه ای را به ده درهم اجاره داد و یک خیاط یا صاحب شغلی دیگر نزد مستأجر آمده و می گوید: من در این خانه کار می کنم و کرایه خانه میان من و تو تقسیم شود و هر چه سود کردم نیز تقسیم شود، اگر مرد خیاط بیش از اجاره خانه سود ببرد، آیا حلال است؟ فرمودند: آری، اشکال ندارد.(2)

8. قرب الاسناد: و نیز سؤال کردم درباره مردی که به دیگری گوید: شغل خودت را به من یاد بده، من شش درهم به تو می دهم و مرا به مشارکت بگیر. امام موسی علیه السّلام فرمودند: اگر راضی باشد، اشکالی ندارد.(3)

9. قرب الاسناد: و نیز از امام موسی علیه السّلام سؤال کردم، درباره مردی که خانه به مدت دو سال مشخص اجاره می کند، با این شرط که بعد از این دو سال، آن را کاه گل کرده و درهایش را هم اصلاح نماید. آیا این صحیح است؟ امام موسی علیه السّلام فرمودند: اشکالی ندارد.(4)

10. قرب الاسناد: امام رضا علیه السّلام فرمودند: سرزمینهایی که به واسطه جنگ فتح شده اند، به دست امام مسلمین است و او می تواند آن را به هر کس که صلاح میداند اجاره دهد، همانطور که پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله انجام دادند: یعنی زمین خیبر و نخل آن را اجاره دادند، در حالی که مردم میگفتند: در سالی که سفیدی بیش از سیاهی است (گاوها پرشیرترند و محصول خرما کمتر است) صلاح نیست که زمین و نخل اجاره داده شود، اما پیامبر صلّی الله علیه و آله خیبر را اجاره

1- . قرب الاسناد: 71
2- . قرب الاسناد: 114
3- . قرب الاسناد: 114
4- . قرب الاسناد: 114

داد و یک عُرش و نصف عرش (پانزده درصد) از سهم محصول اجاره کنندگان را به عنوان اجاره قرار داد.(1)

11. صحیفه الرضا: حضرت رسول اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند هر گناهی را می بخشد، به جز گناه کسی که مهریه همسرش را انکار کند و شخصی که کارگری را به کار گیرد و دستمزدش را غصب کند و یا کسی که انسان آزادهای را بفروشد.(2)

12. السرایر: موسی بن بکر از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل میکند که: از وی درباره مردی پرسیدم که یک قایقران أجیر کرده و بار (غذا) را به او داده بود تا به جایی ببرد و شرط کرده بود، اگر غذا کم شود بر عهده قایقران است. ایشان فرمودند: اگر غذا کم شود بر عهده قایقران است. گفتم: اگر زیاد شود چه حکمی دارد؟ امام فرمود: آیا قایقران ادعا می کند که او بر غذا افزوده؟ گفتم: نه، گفت: پس غذای اضافی مال توست.(3)

13. السرایر: امام علی علیه السّلام فرمودند: رنگرز و لباس شوی و طلا ساز، به خاطر احتیاط بر اموال مردم باید، نسبت به حفظ اموال مردم تضمین بدهند، البته در برابر سیل و آتش سوزی و حوادث غالب مانند زلزله و بلایای طبیعی ضمانت نمی دهد.(4)

14. مناقب: الرفاعی گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: شخصی یک کارگر را در برابر دادن ده درهم، به کندن چاهی به اندازه ده قامت امر می کند. کارگر، یک قامت از زمین را حفر کرد و پس از آن اظهار ناتوانی کرد، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: ده درهم بر پنجاه و پنج قسمت تقسیم شود و در ازای کندن قامت اول، یک قسم و در ازای قامت دوم، دو قسم و در ازای قامت سوم، سه قسم و به همین ترتیب تا ده قامت پرداخت شود.(5)

1- . قرب الاسناد: 170
2- . صحیفه الرضا: 30
3- . السرائر: 478
4- . السرائر: 484

5- . مناقب ابن شهر آشوب 3: 378

15. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: کثیف ترین گناهان سه تا هستند: کشتن حیوانات، حبس مهریه زن و نپرداختن اجرت کارگر. (1)

16. فقه الرضا: ابن مسکان به نقل از الحلبی گوید: از امام رضا علیه السّلام درباره مردی پرسیدم که زمینی را اجاره کرده و آن را به قیمتی بالاتر اجاره می دهد، فرمودند: اشکالی ندارد. زمین به منزله خانه و اجیر [کارگر] نیست، (اجاره مجدد) خانه و اجیر حرام است.(2)

17. فقه الرضا: شخصی زمینی را به هزار درهم اجاره کرده و قسمتی از آن زمین را به دویست درهم اجاره می دهد. سپس صاحب اصلی زمین می آید و می گوید: من با تو در کار زمین با همان پولی که به من داده ای شراکت می کنم. سپس هر دو روی زمین کار می کنند، و هر چقدر سود که اضافه باشد، میان آنها تقسیم شود. (3)

18. فقه الرضا: امام رضا علیه السّلام درباره مردی که زمینی را به قیمت صد دینار اجاره کرد و قسمتی از آن را به نود و نه دینار اجاره می دهد و در قسمت باقیمانده به کار می پردازد. فرمودند: اشکالی ندارد، «مزارعه» به صورت نصف به نصف جایز است. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله نیز اقدام به مزارعه (مشارکت در کشت و زرع) کرده اند، به این شرط که خرج به عهده آنان (یهودیان) باشد.(4)

19. فقه الرضا: از امام صادق علیه السّلام درباره روستایی پرسیده شد که در اختیار اهل ذمه بود ولی مشخص نبود که آیا (زمینهای) این روستا مال ایشان است یا نه؟ و اهل ذمه از یکی از مسلمانان خواستند این زمین را از آنها گرفته و خراجش را داده و درآمد اضافی را برای خود بردارد (چه حکمی دارد؟) فرمودند: جایز است.(5)

1- . مکارم الاخلاق: 272
2- . فقه الرضا علیه السلام: 78
3- . فقه الرضا علیه السلام: 78
4- . فقه الرضا علیه السلام: 78
5- . فقه الرضا علیه السلام: 78

20. فقه الرضا: از امام صادق علیه السّلام درباره کفاری که در روستایی بودند و خراج بر آنها واجب بود سؤال شد: آیا صد در صد محصول از آنها گرفته شود یا بیشتر و یا کمتر؟ چگونه با آنها برخورد کنیم؟ فرمودند: همان کاری را بکن که با اهل بلد انجام می دهید، زیرا بر آنها تعهدی نیست (یعنی چون خراج می پردازند، پس با آنها مانند سایر مردم در خصوص اجاره زمین، برخورد شود).(1)

21. فقه الرضا: از حضرتش علیه السّلام درباره شخصی پرسیده شد که فوت شده و یتیمانی را بر جای گذاشته و آنها زمین زراعی دارند و محصولش را به کسی می دهند که از آن شراب میسازد و زمینش را هم در عوض طعام اجاره می دهد، چه حکمی دارد؟ فرمودند: فروش محصول به کسی که شراب میسازد اشکالی ندارد، اما اجاره زمین در برابر طعام جایز نیست، و از محصول زمین، می توان نصف یا یک سوم آن به عنوان اجاره گرفته شود. (2)

22. فقه الرضا: امام علیه السّلام فرمودند: زمین در برابر گندم و جو و آب اجاره داده نمی شود، اما در برابر طلا و نقره می توان زمین را اجاره داد. و اگر کسی زمینی را در برابر طلا و نقره اجاره بکند، نباید به میزان بیشتری اجاره دهد، زیرا طلا و نقره تضمین شده و کاملاً مشخص است. اما محصولات غذایی تضمین شده نیست، زیرا محصول چیزی است که زمین آن را می رویاند.(3)

23. فقه الرضا: امام علیه السّلام فرمودند: اگر محصول زمین یک سال یا بیشتر دیده شود، جایز است که آن را به دیگری اجاره داد. در غیر این صورت جایز نیست.(4)

24. فقه الرضا: اگر مردی قبول کند که زمین را بگیرد و آن را آباد ساخته و از محصول آن استفاده کند و پس از چند سال مشخص آن را به صاحبش بازگرداند، چه حکمی دارد؟ امام رضا علیه السّلام فرمودند: اشکالی ندارد؟ (5)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 78
2- . فقه الرضا علیه السلام: 78

3- . فقه الرضا عليه السلام: 78
4- . فقه الرضا عليه السلام: 78
5- . فقه الرضا عليه السلام: 78

25. فقه الرضا: از امام علیه السّلام سؤال شد: کسی که زمین یا روستایی را از کافران به مالی مشخص قبول (اجاره) کند، چه حکمی دارد؟ فرمود: کراهت دارم که نام صاحبان زمین (علوج) یعنی کافر گفته شود. اگر صاحبان زمین را (علوج) نام نبرند، اشکالی ندارد.(1)

26. فقه الرضا: آدم نباید از میوه بوستان یا زمین چیزی بخورد مگر به اجازه صاحبش، مگر اینکه ناچار باشد. گفتم: در بوستان، کارگر و غلامان کار می کنند، آنها چه؟ فرمودند: آنها نیز فقط با اجازه صاحب باغ می توانند بخورند.(2)

27. کتاب الامامه و التبصره: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: ظلم به اجیر در خصوص اجرتش، از گناهان کبیره است.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 78
2- . فقه الرضا علیه السلام: 78

باب یازدهم : مزارعه و مساقات

روایات:

1. امالی الطوسی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله نصف خیبر را به یهود داد و هنگام دروی محصول، عبدالله بن رواحه را به سوی یهود فرستاد تا میزان محصول را تخمین بزند، و او گفت: اگر خواستید، میزان تخمینی سهم ما را بگیرید و اگر هم خواستیم، ما سهم شما را می گیریم و حساب می کنیم. یهود گفتند: این حق است، و آسمانها و زمین بر اساس حق برافراشته شده.(1)

مؤلف: برخی از اخبار در باب اجاره آمده است.

2. معانی الاخبار: ابوعبید خبری را به رسول الله صلّی الله علیه و آله منسوب کرده که پیامبر اسلام از مخابره (تخمین زدن) نهی فرموده اند و مخابره یعنی مزارعه [شرط زراعت بستن] به نصف یا یک سوم و یا یک چهارم و یا کمتر و یا بیشتر. ابوعبیده همچنین گفته است: به أکار، خبیر (کارشناس) گفته می شود زیرا وی زمین را کارشناسی می کند و مخابره یعنی المواکره (تخمین زدن محصول زمین) و «خبره» فعل است و خبیر اسم و به همین خاطر أکار گفته شده، زیرا أکار زمین را ارزیابی یعنی تقسیم می کند.(2)

3. السرایر: سماعه گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی صد جریب از زمین خود را با بذر خود می کارد، سپس شخصی آمده و می گوید: نصف بذر و هزینه ات را از من بگیر و من با تو در کشت و زرع شراکت میکنم، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: اشکالی ندارد.(3)

1- . امالی الطوسی 1: 351
2- . معانی الاخبار: 278
3- . السرائر: 486

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: رسول خدا صلّی الله علیه و آله زمین و نخلستان خیبر را به نصف اجاره داد. وقتی زمین به بار نشست، عبدالله بن رواحه را فرستاد و او هم قیمت محصول را تخمین زد و گفت: یا محصول را بردارید و نصف بهای کل محصول را به من دهید و یا من کل محصول را گرفته و نصف قیمت را به شما می پردازم. گفتند: بر همین اساس آسمانها و زمین استوار شده اند.(1)

5. نوادر احمد بن محمد: ابن مسلم گوید: از امام محمد باقر علیه السّلام پرسیدم درباره خرید زمین از یهود و مسیحیان فرمودند: اشکالی ندارد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر اهل خیبر پیروز شد و با آنها شرط زراعت بست، به این شکل که زمین را به آنها وانهاد تا آبادش کنند؛ و اشکالی ندارد اگر آن را بخرید. هرچند کسانی که زمین را احیا کرده اند، نسبت به مالکیت زمین سزاوارترند.(2)

6. نوادر احمد بن محمد: امام علی علیه السّلام به کارگزاران خود نامه نگاشت که مسلمانان را به بیگاری نگیرید که باعث خواری آنها می شود؛ و هر کس که بیش از مقدار واجب طلب کرد، مطالبه ای ناحق است؛ و امام توصیه به توجه به أکارها یعنی کشاورزان می کرد.(3)

7. نوادر احمد بن محمد: صلاح نیست که زمینی در برابر محصول مشخص]مثلاً صد کیلو] اجاره داده شود، ولی اجاره آن در برابر نصف یا یک سوم یا یک چهارم و یک پنجم اشکالی ندارد.(4)

8. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از (امام علیه السّلام) سؤال شد: مسلمانی با مشرکی مزارعه می کنند (شرکت در کشاورزی) و بذر از مسلمان است، به مقدار پاشیدن یک جریب کمتر یا بیشتر. در این هنگام شخصی می آید و می گوید: نصف بذر و نصف هزینه را از من بگیر و مرا در زمینت مشارکت ده. امام فرمودند: اشکالی ندارد. گفتم: بذری که در زمین کاشته را که نخریده؟ بلکه در خانه داشته

1- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
2- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
3- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام

4- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام

است. فرمودند: به قیمت روز محاسبه می شود و نصف قیمت بذر مورد استفاده و نصف هزینه را گرفته و آن شخص را مشارکت می دهد.(1)

9. نوادر احمدبن محمد: از امام علیه السّلام سؤال شد: مردی در آب]زراعت[شریک است، آیا حلال است که آن را بفروشد؟ امام فرمودند: او حق دارد که سهم آب خود را در برابر یک برگ یا گندم و یا جو و یا هرچه خواهد بفروشد.(2)

10. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام رضا علیه السّلام درباره مردی که زمین شخصی دیگری را زراعت کرده، فرمودند ؛ یک سوم محصول مال زمین، یک سوم مال گاو (که شخم زده) و یک سوم هم برای بذر منظور شود. و فرمودند: به نام بذر یا گاو نامیده نمی شود. بلکه می گوید: در این زمین زراعت کن، در برابر نصف یا یک سوم زمین.(3)

11. و نیز فرمودند: مزارعه کردن بر نصف محصول جایز است. رسول خدا صلّی الله علیه و آله (با یهود) مزارعه کرد، به این شرط که مخارج با آنها باشد.(4)

12. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند بزرگ هر گناهی را می بخشد، جز گناه آدمی که أجرت یک کارگر را غصب کند یا مهریه زن را غصب نماید.(5)

1- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
2- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
3- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
4- . نوادر احمد بن محمد: 78، ملحق به کتاب فقه الرضا علیه السلام
5- . نوادر الراوندی: 36

باب دوازدهم : ودیعه

آیات:

-« فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَلْيُؤَدِّ الَّذِی اؤْتُمِنَ أَمانَتَهُ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّه»(1)

{و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. }

- « وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينارٍ لا يُؤَدِّهِ إِلَيْکَ إِلاَّ ما دُمْتَ عَلَيْهِ قائِماً ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَيْسَ عَلَيْنا فِی الْأُمِّيِّينَ سَبيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُون»(2)

{و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو برگرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی پردازد، مگر آنکه دایماً بر [سرِ] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می بندند با اینکه خودشان [هم] می دانند. }

- « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها»(3)

{خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها ردّ کنید. }

- « وَ الَّذينَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُون»(4)

{ و کسانی که امانتها و پیمان خود را مراعات می کنند. }

1- . البقره / 283
2- . آل عمران / 75
3- . النساء / 58
4- . المؤمنون / 8 و المعارج / 32

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن موسی به نقل از برادرش امام رضا علیه السّلام گوید: از امام درباره مردی سؤال کردم که أمانتی نزد او بود و به آن احتیاج پیدا کرد، آیا جایز است بدون اجازه امانت دهنده چیزی از آن بردارد، در حالی که قصد برگرداندن آن را هم دارد؟ امام فرمودند: اگر توان باز پس دادن امانت را داشته باشد، اشکالی ندارد که از مال امانتی چیزی بردارد و بعداً جایگزین نماید.(1)

2. السرایر: در کتاب جامع البزنطی مانند این روایت آمده است.(2)

3. السرایر: محمد بن ادریس گوید: به این حدیث نباید توجه شود، زیرا که در نوادر اخبار آمده و دلیل و منطق بر خلاف آن حکم می کند و اجماع بر این است که دخل و تصرف در مال امانتی، مگر با اجازه صاحبش حرام است. پس نباید از آنچه که علم و یقین اقتضاء می کند، به شک و گمان برگردیم.(3)

4. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: به کسی که به تو خیانت کرد خیانت مکن؛ زیرا تو نیز همچون او خواهی بود. (4)

5. کتاب زید النرسی: ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السّلام گوید: پدرم می فرمودند: فرزندم، هرکس که به شارب خمر اطمینان کند و امانتی به او دهد، و شارب الخمر امانت را پس ندهد، هیچ راه چاره ای نزد خدا و هیچ اجر و پاداشی ندارد. و اگر برود و خداوند را دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب نخواهد کرد.(5)

1- . قرب الاسناد: 119
2- . السرائر: 483
3- . السرائر: 483
4- . نوادر الراوندی: 6
5- . کتاب زید النرسی: 50

باب سیزدهم : عاریه

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله هفتاد سپر ضخیم از صفوان بن أمیه الجمحی عاریه گرفتند و پس از آن بود که سه سنت نبوی بر جای ماند. بدین ترتیب که: صفوان گفت: ای پیامبر، آیا این سپرها را به غصب می گیری؟ فرمودند، عاریه است و پس داده می شود. گفت: ای پیامبر، آیا قبل از هجرتم، پس خواهی داد؟ فرمود، بعد از فتح (مکه) دیگر مهاجرتی نیست. صفوان در مسجد رسول الله در خواب بود و ردایش هم زیر سرش بود، بیرون رفت تا رفع حاجت کند، کسی آمد و ردایش را دزدید. گفت: چه کسی ردایم را برده؟ به دنبال ردا رفت و آن را دست مردی یافت، او را نزد پیامبر برد. پیامبر دستور داد تا دست دزد را قطع کنند. صفوان گفت: آیا دست او را به خاطر ردای من قطع می کنید؟ من این ردا را به او بخشیدم. پیامبر فرمود: آیا این شخص پیش از اینکه او را پیش من آوری، دزدی نکرده بود؟ پس دستش قطع شد. (1)

2. تحف العقول: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اعمال چهارگانهای که جزو اعمال نیکو هستند و باید به خاطر آنها هزینه کرد، عبارتند از: پرداخت بدهی، و چیزی که عاریه گرفته شده، و پرداخت قرض، و پذیرایی از میهمان که در سنت نبوی از واجبات هستند. (2)

1- . الخصال 1: 127
2- . تحف العقول: 353

باب چهاردهم : کفالت و ضمانت

روایات:

1. الخصال: ابوالحسن الحذّاء گوید: شنیدم که امام صادق علیه السّلام به ابوالعباس البقباق می فرمودند: چه چیز تو را از حج رفتن باز داشته است؟ گفت: کفالتی که به عهده گرفته ام. فرمود: تو را با کفالت چه کار؟ آیا نمی دانی که کفالت باعث هلاکت مردم قرون کهن شده؟(1)

2. فقه الرضا: روایت شده که اگر مردی کفالت شخصی دیگر را به عهده بگیرد، حبس می شود تا زمانی که آن شخص باز گردد.(2)

3. فقه الرضا: روایت شده که: کسی که ضمانت می کند، مستحق پرداخت غرامت نیست و غرامت بر عهده کسی است که مال را خورده. اگر از کسی طلب داشته باشی و مردی بیاید و ضمانت نماید و آن کس بمیرد، دیگر طلب تو از آن میت بدهکار ساقط می شود و آن مردی که ضامن شده، باید بدهی را بپردازد. (3)

4. السرایر: عبدالله بن بکیر گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که ضامن شخص دیگر شده، امَا بعد، قسمتی از ضمانت خود را با مصالحه و توافق باز پس می گیرد، چه حکمی دارد؟ فرمودند: بر شخص ضامن، فقط در مالی که مصالحه کرده ضمانت واجب است.(4)

1- . الخصال 1: 9
2- . فقه الرضا علیه السلام: 34
3- . فقه الرضا علیه السلام: 36
4- . السرائر: 496

باب پانزدهم : وکالت در متن کتاب هیچ آیه و حدیثی در این باب ذکر نشده است.

باب شانزدهم : صلح

روایات:

1. الهدایه: صلح بین مسلمانان جایز است مگر صلحی که حرامی را حلال و حلالی را حرام گرداند.(1)

2. کتاب الامامه و التبصره: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: صلح میان مسلمانان جایز است، مگر صلحی که حلال را حرام و حرامی را حلال سازد.

1- . الهدایه: 75

باب هفدهم : مضاربه

روایات:

1. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بر انسان مؤمن جایز نیست که با کافر ذمّی مشارکت نماید یا کالایی بفروشد یا ودیعه ای پیش او گذارد و با او مودّت خالصانه داشته باشد.(1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گفت: عباس اموال بسیاری داشت و مال خویش را به مضاربه می داد (سرمایه خود را وسیله تجارت دیگران قرار می داد) و با آنها شرط می کرد که در میان دره اُطراق نکنند، حیوان زنده نخرند و اینکه آب را در پی آب روان دارند. و اگر تجارت کننده به شرطی از شروط عمل نمی کرد، ضامن مال و اموال او بود.(2)

3. قرب الاسناد: ابن زیاد گوید: از امام موسی علیه السّلام شنیدم که به پدر بزرگوارشان می گفت: ای پدر، فلان شخص قصد یمن کرده، آیا به او مالی ندهم تا برایم از یمن، پارچه یمانی بخرد؟ امام جعفر علیه السّلام فرمودند: فرزندم چنین مکن؛ گفت: از چه روی؟ امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: زیرا این مال تو اگر به یمن برود، با آن تجارتی انجام نمی شود و آن شخص هم چیزی به تو برنمی گرداند؛ زیرا خداوند متعادل فرموده است: «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتی جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً»، {و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان مدهید.} بعد از زنان، پس چه کسی سفیه تر از شارب الخمر است؟ ای فرزندم، پدرم به نقل از پدرانش و به نقل از رسول خدا صلّی الله علیه و آله

1- . قرب الاسناد: 78
2- . قرب الاسناد: 113

فرموده اند: هر کس بر شخصی غیر امین اطمینان کند، خداوند هیچ ضمانتی در کار او نکند، زیرا خداوند او را نهی کرده است که بر غیر امین اطمینان کند.(1)

4. فقه الرضا: امام رضا علیه السّلام فرموده اند: پدرم گفت: عباس اموالی داشت که به مضاربه می داد و شرط می نمود که سوار کشتی در دریا نشوند؛ در درّه اقامت نکنند و می گفت: اگر این کارها را کردید، شما ضامن اموال هستید. این خبر به پیامبر صلّی الله علیه و آله رسید، و شرط عباس بر ایشان را جایز دانستند.(2)

5. فقه الرضا: از امام باقر علیه السّلام درباره مردی سؤال شد که مالی را به صورت مضاربه گرفته است. آیا حلال است که آن مال را با سودی کمتر از آنچه که خود با نفر اول شرط کرده، به شخص سومی دهد؟ فرمودند: خیر.(3)

1- . قرب الاسناد: 131
2- . فقه الرضا علیه السلام: 77
3- . فقه الرضا علیه السلام: 78

باب هجدهم : شراکت

1. السرائر: سماعه گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که با بذر خود صد جریب (گندم و جو) یا چیز دیگری می کارد، سپس شخصی دیگر آمده و می گوید: نصف بذر و نصف هزینه ات را از من بگیر و مرا شریک خود در کشت و زرع این زمین قرار ده، چه حکمی دارد؟ فرمودند: اشکالی ندارد.(1)

باب نوزدهم : جعاله

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گوید: از قرارداد بستن برای یافتن برده فراری و شخص گمشده پرسیدم. فرمودند: اشکالی ندارد.(2)

1- . السرائر: 486
2- . قرب الاسناد: 121

بابهای وقف و صدقه و هبه

باب اول : وقف و فضیلت و احکام وقف

روایات:

1. امالی الصدوق و الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: شش خصلت است که مؤمن بعد از مرگش از آنها سود می برد. فرزند صالحی که برایش طلب مغفرت کند، قرآنی که نوشته باشد و مردم آن را می خوانند، چاهی که آن را حفر نموده و درختی که کاشته است و صدقه آبی را که به جریان انداخته [مثل قنات، آب راه] و سنت نیکویی که بر جای گذاشته و مردم به آن عمل می کنند.(1)

2. امالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بهترین چیزی که انسان پس از خود بر جای میگذارد، سه چیز است: فرزند نیکویی که برایش درخواست آمرزش کند، سنت پسندیده ای که از خود برجای گذاشته و مردم از آن پیروی می کنند، و صدقهای که پس از او جریان دارد. [مانند، چاه آب، درختان، ساخت مسجد.](2)

3. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بعد از مرگ آدمی، تنها سه چیز به دنبال او اجر و پاداش روان می سازد: صدقه ای که در زندگی آن را اجرا کرده (مثلاً چاه آبی کنده) و این صدقه جاری است تا روز قیامت. و صدقه ای که وقف نموده و کسی وارث آن نیست و یا سنتی نیکو که برقرار ساخته و خود به آن عمل

1- . امالی الصدوق 102، الخصال 1: 229
2- . امالی الطوسی 1: 242

کرده و مردم نیز به آن عمل می کنند، یا فرزند صالحی که برایش درخواست بخشش می کند.(1)

4. امالی الصدوق: امام محمد باقر علیه السّلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرموده اند: روزی رسول الله صلّی الله علیه و آله بر مردی گذر کرد که در حیاط خانه اش درختی میکاشت، ایستاد و گفت: آیا تو را راهنمایی کنم به کشت درختی که ریشه اش محکم تر و محصولش سریعتر و میوه اش پاک تر و بهتر باشد؟ گفت: آری یا رسول خدا! پدر و مادرم فدایت شوند. حضرت فرمودند: هرگاه که صبح کردی و هر گاه در شب درآمدی، بگو: «سبحان الله و الحمدالله و لا إله إلاالله و الله اکبر». که تو را با این دعا و با هر تسبیح، ده درخت در بهشت از انواع میوه ها خواهد بود و اینها باقیات صالحات هستند.

امام باقر علیه السّلام در ادامه فرمودند: آن مرد گفت: ای رسول خدا، من تو را شاهد می گیرم که این حیاط من صدقه ای است برای مسلمانان فقیر که اصل صفه هستند. و خداوند متعال این آیه را فرو فرستاد. «فَأَمَّا مَنْ أَعْطی وَ اتَّقی، وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنی فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْری»، {امّا آنکه [حقّ خدا را] داد و پروا داشت، و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، بزودی راهِ آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. }(2)

5. الاحتجاج: الأسدی گوید: در آنچه که از جانب ناحیه مقدس [امام عصر عج] و توسط محمد بن عثمان العمری به دست من رسیده، چنین آمده است: امّا آنچه که درباره وقف در منطقه ما و آنچه را که به ما اختصاص داده اند [جواب چنین است] که هر آنچه را که صاحب مال وقف نکرده، صاحبش اختیار آن را دارد که هرچه می خواهد انجام دهد، اما هرچه را که وقف ناحیه ما کرده، دیگر هیچ اختیاری در آن ندارد، محتاج باشد یا نباشد، نیازمند آن (موقوفه) باشد یا بی نیاز از آن.(3)

1- . الخصال 1: 99
2- . امالی الصدوق: 202
3- . الاحتجاج 2: 298

6. الاحتجاج: اما در خصوص سؤالی که درباره ملک و املاک ناحیه ما پرسیدی که آیا جایز است که برای اجر و ثواب، آن را آباد کنید و خراج را از آن بدهید و الباقی سود را خرج ناحیه ما کنید؟ هیچ کس حق ندارد در مال دیگری دخل و تصرف کند مگر با اجازه او؛ پس چگونه جایز است دخل و تصرف در مال ما. هر کس بدون اجازه ما کاری (در اموال و املاک ما) انجام دهد، چیزی را برای خود حلال ساخته که برای او حرام است و هرکس از اموال ما چیزی بخورد، در واقع آتش را در شکم خود خورده است و در آتش خواهد افتاد.(1)

7. الاحتجاج: و اما سؤالی که درباره مردی که ملکی را وقف ناحیه ما می کند و آن را به قیّمی می سپارد، تا به آن برسد و آبادش کند و از درآمد آن خراج و هزینه ها را بپردازد و باقیمانده سود را خرج ناحیه ما کند؟ جواب این است که این کار برای کسی که قیم است جایز میباشد، ولی برای دیگران جایز نیست.(2)

8. الاحتجاج: اما درباره سؤالی که: آیا جایز است عابر از میوه و محصول ناحیه ما بخورد؟ عابر می تواند از میوه ها بخورد ولی بر او حرام است که از میوه ها ببرد.(3)

مؤلف: حکم فروش وقف در أبواب بیع ذکر شده است.

9. قرب الاسناد: علی بن جعفر نقل کرده است: از برادرم امام موسی کاظم علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که مال را به عنوان صدقه به فرزندش می دهد، سپس بر آن می شود که دیگری را نیز در این مال شریک فرزندش کند، آیا صحیح است؟ فرمودند: آری، پدر میتواند با مال فرزندش هر چه دوست دارد بکند؛ و هبه و هدیه از سوی فرزند، مانند صدقه از دیگری است.(4)

10. قرب الاسناد: البزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام درباره باغهای هفت گانه سؤال کردم: فرمود: میراث رسول خدا صلّی الله علیه و آله بود که وقف نمودند

1- . الاحتجاج 2: 299

2- . الاحتجاج 2: 299
3- . الاحتجاج 2: 300
4- . قرب الاسناد: 119

و رسول خدا صلی الله علیه و آله از محصول آن برای میهمانان و کسانی که در آن باغها بودند بهره می گرفت و آنگاه که پیامبر فوت نمودند، عباس آمد و با فاطمه علیها السّلام در خصوص این باغها به مخاصمه پرداخت. امام علی علیه السّلام و دیگران شهادت دادند که اینها وقف است. باغها عبارت بودند از: الدّلال، العواف، الحسنی، الصافیه، باغ امّ ابراهیم، المنبت، برقه.(1)

11. علل الشرایع: ابوضحاک گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: شخصی خانه ای خرید در آن ساخت و ساز کرد؛ حیاطی باقی ماند و آن را به صورت سیلوی غلات ساخت، آیا می تواند آن را وقف مسجد کند؟ فرمودند: مجوس بر آتشکده خود وقف می کردند.(2)

12. نهج البلاغه: وصیت امام علی علیه السّلام در خصوص چگونگی عمل با اموالش که بعد از بازگشت از جنگ صفین نوشت: این دستوری است که بنده خدا علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان نسبت به اموال شخصی خود، برای خشنودی خدا، داده است تا خداوند با آن به بهشتش در آورد، و آسودهاش گرداند. همانا سرپرستی این اموال بر عهده فرزندم حسن بن علی است، آنگونه که رواست از آن مصرف نماید، و از آن انفاق کند؛ اگر برای حسن حادثهای رخ داد و حسین زنده بود، سرپرستی آن را پس از برادرش بر عهده گیرد و کار او را تداوم بخشد. پسران فاطمه از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر پسران علی خواهند داشت، من سرپرستی اموالم را به پسران فاطمه واگذاردم تا خشنودی خدا، و نزدیک شدن به رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و بزرگداشت حرمت او و احترام پیوند خویشاوندی پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را فراهم آورم. و با کسی که این اموال در دست اوست شرط میکنم که اصل مال را حفظ کرده، تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند، و هرگز نهالهای درخت خرما را نفروشند، تا همه این سرزمین یک پارچه به گونهای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد. و زنان غیر عقدی من که با آنها بودم و صاحب فرزند یا حامله می

1- . قرب الاسناد: 160
2- . علل الشرایع: 319

باشند ، پس از تولّد فرزند، فرزند خود را برگیرد که بهره او باشد، و اگر فرزندش بمیرد، مادر آزاد است، و کنیز بودن از او برداشته شده، و آزادی خویش را باز یابد.(1)

توضیح: سیدرضی در خصوص کلام امام علیه السّلام فرمود: در این وصیت و این که نهالهای تازه خرما را نفروشند، کلمه «وَدِیَّه» به معنای نهال خرما و جمع آن «وَدِیّ» است و گفته امام که «حتّی تُشکِل أرضُها غراساً» از فصیح ترین سخنان ایشان است و منظور این است که نهال خرما در زمین به قدری زیاد شود که هر کسی که قبلاً زمین را دیده است آن را نشناسد و آن را زمین دیگری تصور کند.(2)

13. مصباح الانوار: امام محمدباقر علیه السّلام فرمودند: فاطمه علیها السّلام تا شش ماه بعد از مرگ رسول خدا صلّی الله علیه و آله زندگی کرده و این مرقومه را مکتوب کردند: «بسم الله الرحمن الرحیم»، این چیزی است که فاطمه دختر محمد در خصوص مال خویش نگاشته که اگر حادثه ای رخ داد، هشتاد اوقیه (320 درهم) صدقه دهند که از میوه باغ در هر سال و در ماه رجب پرداخت شود، البته بعد از پرداخت هزینه های آب و کارگر؛ و میوه های امسال را هم صدقه دهند و محصول گندم سال دیگر را هم به هنگام برداشت نیز انفاق نمایند. و نیز امر فرمودند: 45 اوقیه (180 درهم) به زنان پدرشان داده شود و پنجاه اوقیه (200 درهم) نیز به مستمندان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب پرداخت شود.

و در اصل مال خود نیز که در شهر مدینه بود، از امام علی علیه السّلام خواستند که اداره اموال او را به عهده بگیرند و آن را با اموال رسول خدا صلّی الله علیه و آله جمع کنند تا در کنار هم باشند. و اگر حادثه ای (برای امام علی علیه السّلام) رخ داد، آن را به فرزندان خود، حسن و حسین علیهما السّلام محول سازد.

حضرت فاطمه علیها السّلام (نوشتند): من اداره اموال خود را به علی علیه السّلام سپردم که تا زنده است مال و اموال من و محمد صلّی الله علیه و آله را به هم ملحق کند، و میان این دو مال جدایی نیاندازد، و آن چیزهایی را که از سود اموالم بر من واجب است و صدقه دادم، انجام دهند. پس اگر خداوند صدقه آن و آنچه را

1- . نهج البلاغه 3: 25
2- . نهج البلاغه 2: 26

که بر من واجب است گذراند، امور دست خداوند و به دست علی علیه السّلام است که از اموال من هرجا و هر وقت که اراده نمود، صدقه بدهد و انفاق کند و هیچ باکی بر او نیست. و اگر برای او حادثه ای رخ داد، آن اموال را به فرزندانم حسن و حسین علیهما السّلام بدهد. و آن دو مجازند که هرگاه خواستند، از اموال من و محمد صلّی الله علیه و آله انفاق کرده و صدقه بدهند و هیچ باکی بر آنها نیست. و صندوقچه و کفشهای پوستی و پارچههای بلند و کوتاه و تخت و پشتی ها و روسریها نیز به دختر جندب (دختر ابوذر الغفاری) داده شود.

و اگر برای کسانی که نام بردم و اموالم را به او سپردم، حادثه ای پیش آید، مال در میان فقیران و مستمندان انفاق شود و پرده ها را جز یکی از دخترانم، استفاده نمی کند الا این که علی علیه السّلام مادامی که ازدواج نکرده، میتواند استفاده کند، این چیزی است که فاطمه سلام الله علیها درباره مالش نوشت و در مورد آن حکم نمود و خداوند و مقداد بن الاسود و الزبیر بن العوام و علی بن ابی طالب، شاهد هستند و بر علی علیه السّلام باکی نیست اگر کار نیک در خصوص اموال انجام دهد.

- جعفر بن محمد گوید: پدرم گفته است: این چیزی است که ما از وصیت فاطمه علیها السّلام یافتیم و نیز اصل وصیت نامه را هم یافتهایم.

14. الهدایه: زید بن علی گوید: باخبر شدم که امام حسن بن علی علیه السّلام فرمود: این وصیت فاطمه علیها السّلام دختر رسول خدا صلّی الله علیه و آله در خصوص باغهای هفتگانه: العواف و الدلال و البرقه و المبیت و الحسنی و الصافیه و باغ أم ابراهیم است که امور آنها را به علی بن ابی طالب وانهاد. پس اگر علی علیه السّلام نبود، بر حسن بن علی و بعد بر حسین بن علی علیهما السّلام است و به همین ترتیب از بزرگتر به کوچکتر از نسل رسول خدا صلّی الله علیه و آله.

سپس تو را به رعایت حال خود وصیت می کنم، چرا که تو (ای علی) پس از رسول خدا - صلّی الله علیه و آله - دوست داشتنی ترین شخص نزد من هستی. اگر مردم، مرا با دست خود غسل ده، حنوط کرده و کفن نموده و شبانه دفن نما و فلان شخص و فلان شخص را بر مرگم حاظر و شاهد نکن و در وصیت من به تو بیش از

اینها نیست. تو را به خدا میسپارم تا دیدارت کنم، و خداوند ما را در خانه خود جمع گرداند و نزدیک خود سازد. این وصیت را علی علیه السّلام با دست خود نگاشت.

15. الهدایه: وقف به سه شکل است: یکی آنکه در آن، حج ذکر شود و دوم، آنچه در آن برای امام ذکر شود، و سوم، آنچه در آن ذکر میشود تا خداوند، زمین و آنچه را در آن است به ارث برد. و این وقف ها مادامی که ابدی باشند جایز هستند؛ و هر کس که چیزی را برای مدت زمان نامعلوم وقف کند، صحیح نمیباشد و مال به ورثه برگشت داده میشود و انسان میتواند تا زمانی که مال وقفی را واگذار نکرده، از وقف برگردد، و این حکم در صدقه و هبه هم صادق است و او می تواند در وصیت خود هر وقت که بخواهد، تجدید نظر کند، تا زمانی که از دنیا برود.(1)

1- . الهدایه: 82

باب دوم : حبس و سکنی و عمری و رقبی(1)

روایات:

1. معانی الاخبار: عبدالرحمن الجعفی گوید: من به خاطر اموال موروثه ها نزد ابن ابی لیلی میرفتم و او مرا از خود میراند، وقتی که این مطالبه به درازا کشید، شکایت نزد جعفربن محمد علیه السّلام بردم، امام فرمودند: آیا نمیداند که رسول خدا صلّی الله علیه و آله به پس دادن مال (وقفی) و پرداخت موروثه ها امر فرموده اند؟ پس نزد ابن لیلی رفتم و گفتم: شکایت تو را نزد امام جعفرعلیه السّلام بردم و امام چنین و چنان فرمود. ابن ابی لیلی مرا قسم داد که آیا امام چنین حرفی زده اند؟ من هم قسم خوردم، و او مال و اموال را به من برگرداند.(2)

2. معانی الاخبار: ابن عیینه البهری می گوید: من شاهد ابن ابی لیلی بودم، وی درباره مردی حکم کرد که سیلویی را به یکی از بستگانش داده بود، ولی وقتی را تعیین نکرده بود. آن مرد فوت کرده بود و ورثه اش نزد ابن ابی لیلی آمدند و آن کسی هم که سیلو به او داده شده بود، حاضر شد. ابن ابی لیلی گفت: نظرم این است که این سیلو (انبار غله) به همان شکلی که متوفی آن را داده، بماند. محمد بن مسلم الثقفی گفت: اما علی بن أبی طالب علیه السلام در این مسجد بر خلاف قضاوت تو حکم نموده است. ابن ابی لیلی گفت: تو از کجا میدانی؟ ابن مسلم گفت: از امام جعفر صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: علی علیه السّلام به باز پس دادن مال حبسی [و وقفی] و اجرای حکم ارث قضاوت نمودند. ابن ابی لیلی گفت: آیا این

1- . رقبی: آن است که شخصی خانه یا مالی را به کسی داده و شرط کند: اگر من زودتر بمیرم، آن مال برای تو و اگر تو زودتر بمیری، آن مال به من بازگردد.
2- . معانی الاخبار: 219

مطلب به صورت نوشته در دست توست؟ گفت: آری. گفت: آن را برایم بفرست. محمد بن مسلم گفت: به این شرط که در این نوشته فقط به حدیث مذکور نگاه کنی. گفت: هر چه تو بگویی. گفت: حدیث را به نقل از امام محمد باقرعلیه السّلام به ابن ابی لیلی نشان داد. و ابن ابی لیلی هم قضاوت خود را مردود شمارد. «حبس»، وقفی است که زمان آن مشخص نیست که در این صورت به ورثه برمی گردد.(1)

3. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام فرمودند: «سکنی» به منزله عاریه است و اگر صاحب آن بخواهد، میتواند آن را باز پس بگیرد، و اگر خواست به عاریه وانهد، هر کاری که خواست بکند.(2)

1- . معانی الاخبار: 219
2- 2. قرب الاسناد: 69

باب سوم : هبه

آیات:

- « وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ رِباً لِیَرْبُوَا فی أَمْوالِ النَّاسِ فَلا یَرْبُوا عِنْدَ اللَّه»(1)

{و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی گیرد. }

روایات:

1. معانی الاخبار: امام محمد باقرعلیه السّلام فرمودند: باز پس گرفتن هبه جایز است، چه مورد تصرف شخص دیگر واقع شده باشد یا نه، تقسیم شده باشد یا نه. اما مردم هبه را با نحل اشتباه گرفتند. باز پس گرفتن نحل (مالی را که زن به مرد می بخشد) جایز نیست.(2)

2. تفسیرالعیاشی: زراره گوید: هرگاه زنی چیزی را به همسرش هبه کرد، نمی تواند آن را باز پس بگیرد، چه آن مال به دست شوهرش رسیده باشد و یا نرسیده باشد، آیا خداوند نمی فرماید؟ «فَإِنْ طِبْنَ لَکُمْ عَنْ شَیْ ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَکُلُوهُ هَنیئاً مَریئا»،(3) {و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید. }

3. تفسیرالعیاشی: امام محمد باقرعلیه السّلام فرمودند: شایسته نیست کسی که چیزی را در راه خدا داده، باز پس گیرد. اما مادامی که در راه خدا و به خاطر خدا چیزی را به عنوان هبه یا نحله نداده باشد، به دست کسی رسیده باشد یا نرسیده

1- 3. الروم / 39
2- 4. معانی الاخبار: 392
3- 5. تفسیر العیاشی 1: 219

باشد، می تواند آن را باز ستاند. مرد یا زن اگر به یکدیگر مالی را هبه کنند، چه به دست طرف مقابل رسیده باشد و یا نه، نمی توانند هبه را باز بستانند. آیا خداوند نمی فرمایند: «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْ ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنيئاً مَريئا»،(1) {و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.}

4. عدّه الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر کس چیزی را صدقه بدهد و آن صدقه به وی باز گردانده شود، نباید آن را بفروشد یا بخورد، زیرا وی دیگر شریک در مال صدقه نیست، و این صدقه به منزله آزاد کردن غلام است و صحیح نیست که بعد از آزاد کردن چیزی، آن را دوباره به تملک در آورد.(2)

5. عدّه الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر مردی برای دادن صدقه به سائلی خارج شود و ببیند که او رفته است، باید آن را به دیگری بدهد و نباید آن را در مال خود وارد کند.(3)

6. کتاب الامامه و التبصره: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: کسی که هب--ه خود را باز پس می گیرد، مانند کسی است که استفراغ خود را باز پس می خورد.

1- . تفسیر العیاشی 1: 219
2- . عده الداعی: 46
3- . عده الداعی: 46

روایات:

1. امالی الصدوق: روزی پیامبر صلّی الله علیه و آله بر خانه فاطمه علیها السّلام وارد شدند و امام حسن و حسین علیهما السّلام همراه ایشان بودند. پیامبر خدا به آنها فرمودند: بلند شوید و کشتی بگیرید، آن دو نیز چنین کردند، در حالی که فاطمه علیها السّلام برای انجام کاری خارج شده بودند؛ وقتی بازگشتند، شنیدند که پیامبر میفرماید: زود باش حسن، حسین را محکم بگیر و بر زمین بزن. فاطمه علیها السّلام فرمود: و اعجبا، ای پدر، آیا این یکی را بر دیگری تشویق میکنی؟ بزرگ را بر کوچک تهییج میکنی؟ پیامبر فرمودند: دخترم، آیا راضی نیستی که بگویم: ای حسن، حسین را محکم بگیر و بر زمین زن؟ در حالی که این دوست من جبرئیل علیه السّلام می گوید: ای حسین، حسن را محکم بگیر و بر زمین بزن.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: در باره «وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلامِ ذلِكُمْ فِسْق» گفت: عرب ها به سوی شتر رفته و آن را ده قسمت میکردند، سپس بر آن گرد آمده و تیر هایی را [از کیسه] خارج می کردند، و به مردی می دادند و تعداد تیرها ده تا بود که هفت تای آن دارای نصیب بودند و سه تا نصیب نداشتند. اما آن هایی که نصیب داشتند، عبارت بودند از: الفذ، التوأم، المسبل، النافس، الحلس، الرقیب و المعلّی. الفذ یک سهم داشت، التوأم دو سهم، المسبل سه سهم، النافس چهار سهم، الحلس پنج سهم، الرقیب شش سهم و المعلّی هفت سهم داشت، و آن تیرهایی که نصیبی نداشتند، السفیح، المنیح، و الوغد بودند. و بهای شتر را کسی می دادند که سهمی برایش در نمی آمد و این قمار بود که خداوند متعال آن را حرام ساخت.(2)

1- . امالی الصدوق: 445
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 161

3. تفسیر علی بن ابراهیم: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: المیسر همان تخته نرد و شطرنج است و هر قماری میسر است. اما «انصاب» همان أوثانی [بتهایی] هستند که مشرکان آنها را عبادت می کردند. و اما «ازلام» همان تیرهایی هستند که مشرکان عرب درجاهلیت با آنها [در گوشت شتر و غیره] سهم می بردند. و خرید و فروش و استفاده از اینها از سوی خداوند حرام است و عمل پلیدی است از سوی شیطان و خداوند، شراب و میسر را همراه با أوثان ذکر فرموده است.(1)

4. قرب الاسناد: امام محمد باقرعلیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله میان سوارکاران مسابقه می گذاشت و به برندگان از مال خود می بخشید.(2)

5. قرب الاسناد: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: در هیچ چیزی مسابقه جایز نیست جز در اسب دوانی، تیر اندازی و شتر دوانی.(3)

6. قرب الاسناد: امام حسین علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله مسابقه اسب سواری قرار می داد و هفت اوقیه [هر اوقیه چهل درهم] نقره برای آن قرار میداد و نیز پیامبر صلّی الله علیه و آله هنگام بازگشت از جنگ تبوک، مسابقه شتر سواری برگزار کرد که شتری به نام عضبا با سوارکاری أسامه برنده شد و مردم گفتند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله پیشتاز بود و رسول خدا صلّی الله علیه و آله میفرمود: اسامه پیشتاز شد.(4)

7. معانی الاخبار: جعفر بن بشیر به نقل از غیاث گوید: شنیدم که امام صادق علیه السّلام میفرمود: در اسلام (جنب، شغار و جلب) نیست. جلب کسی است که اسب را به رفتن تشویق میکند و پشت سر او میدود و جنب کسی است که در کن--اره اسب می ایستد و او را تهییج می کند و شغار در دوران جاهلی کسی بود که دخترش را به کسی می داد، به شرط اینکه آن شخص خواهرش را به او بدهد.(5)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 181
2- . قرب الاسناد: 42
3- . قرب الاسناد: 42

4- . قرب الاسناد: 63
5- . معانى الاخبار: 274

8. فقه الرضا: بپرهیز از بازی چوگان، زیرا شیطان همراه تو روان است و فرشتگان از تو میگریزند و هر کس که اسبش بر زمین خورد و بمیرد، وارد جهنم می شود.(1)

9. المحاسن: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: عقیم کردن حیوانات و جنگ انداختن میان آنها کراهت دارد.(2)

10.المحاسن: امام صادق علیه السّلام درباره جنگ انداختن در میان حیوانات فرمودند: جنگ انداختن حرام است، مگر در میان سگ ها.(3)

11. تفسیرالعیاشی: امام صادق علیه السّلام در مورد آیه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، {و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید.} فرمودند: [منظور] شمشیر و سپر است.(4)

12. تفسیرالعیاشی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در خصوص آیه {و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید} فرمودند: تیراندازی است.(5)

13. کتاب الزهد: امام صادق علیه السّلام فرمودند: عربی صحرانشین خدمت پیامبر رسید و گفت: آیا با این شترت با من مسابقه میدهی؟ پیامبر نیز با آن عرب مسابقه داد و عرب صحرا نشین برنده شد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: شما مردم میخواستید شتر من ببرد ولی خداوند دوست داشت که آن را بازنده کند. کوه ها در برابر کشتی نوح علیه السّلام گردن فرازی کردند و «جودی» خیلی متواضع بود، خداوند آن را بر جودی نشاند.(6)

14. کتاب المسایل: علی بن جعفرعلیه السّلام به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام نقل کند: از ایشان سؤال کردم که آیا «محرم» صلاح است کشتی بگیرد؟

1- . فقه الرضا علیه السلام: 38
2- . المحاسن: 634
3- . المحاسن: 628

4- . تفسيرالعياشی 2: 66
5- . تفسير العياشی 2: 66
6- . كتاب الزهد: باب التواضع و الكبر (نسخه خطی)

فرمودند: صلاح نمی باشد، مبادا که جراحتی بر او وارد شود یا قسمتی از مویش بریزد.

15. کتاب زیدالنرسی: زید گوید: از امام موسی بن جعفر شنیدم که می فرمود: بپرهیز از مجالست با آدمی که لعنت بسیار کند، ملائکه از کنار این آدم میگریزند. و نیز فرشتگان از مسابقه فرار می کنند. بپرهیز از مسابقه دادن، مگر مسابقه شتر دوانی و اسب دوانی و تیراندازی، چرا که فرشتگان در آن حاضرند.

اگر شنیدی که دو نفر همدیگر را لعنت می کنند، بگو: ای خداوند آفریننده آسمان ها و زمین، بر محمد و آل محمد درود فرست، مگزار از این سخن های زشت به ما برسد و لعنت و خشم و انتقامت را بر ولّی مسلمین و مسلمانان قرار مده. خدایا، اسلام را و مسلمانان را محترم و پاک قرار بده، تا جایی که خشم تو بر ایشان راهی نیابد و لعنت خود را بر ظالمان قرار ده، کسانی که بر اهل دین تو ظلم کردند و با رسول خدا و ولیّ تو به جنگ برخاستند و اسلام و مسلمین را عزّت بخش و آنها را به زینت تقوا بیارای و از هلاکت دورشان ساز.(1)

16. بشاره المصطفی: ابو رافع گوید: با امام حسن بن علی علیه السّلام در زمانی که کودک بود، با مداحی [نوعی بازی با وسیله ای چوبی بوده و کودکان آن راروی زمین می چرخاندند] بازی می کردیم. هر وقت «مدحاه» من به مدحاه او برخورد می کرد [پیروز میشدم] میگفتم: مرا سواری ده. امام می فرمود: وای بر تو، آیا میخواهی سوار بر پشتی شوی که رسول الله آن بر دوش خود می گرفت. و اگر او بازی را میبرد، میگفتم: تو را بر دوش حمل نمی کنم، همانطور که تو نبردی. فرمود: آیا خشنود نمی شوی که به دوش بکشی پیکری را که رسول اللّه صلّی الله علیه و آله او را بر دوش گرفته است؟(2)

1- . کتاب زید النرسی: 57
2- . بشاره المصطفی: 140

باب های وصایا

باب یکم : فضیلت وصیت و آداب آن و قبول وصیّت و لزوم آن

آیات:

- «وَ وَصَّی بِها إِبْراهیمُ بَنیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُون، أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلَهَ آبائِکَ إِبْراهیمَ وَ إِسْماعیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُون»(1)

{و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند؛ [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند:] «ای پسران من، خداوند برای شما این دین را برگزید؛ پس، البته نباید جز مسلمان بمیرید.» ، آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق -معبودی یگانه- را می پرستیم؛ و در برابر او تسلیم هستیم.» }

روایات:

1. فلاح السائل: رسول اللّه صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس پیش از مرگش وصیت نکند، دلیل بر نقصان در عقل و جوانمردیاش است. گفتند: ای رسول خدا، وصیت چگونه است؟ فرمود: هر گاه که مرگش نزدیک شد و مردم گرد او آمدند، گوید: ای خداوند خالق آسمانها و زمین، ای دانای پیدا و ناپیدا، ای بخشنده مهربان، من گواهی میدهم که هیچ الهی جز تو نیست، تو یگانه هستی و بی همتا. و محمد بنده و رسول توست و ساعت مرگ بی شک خواهد آمد و تو هر

1- . البقره / 132-133

کس را که در قبرهاست بر می انگیزی و روز حساب حق است و بهشت حق است. و آنچه که خداوند در بهشت وعده کرده، مانند نعمتها و خوردنی ها و نوشیدنی ها و ازدواج، حق است، دوزخ حق است، آتش حق است، ایمان حق است و دین اس-لام همانط-ور که تو بیان نمودهای و مقرر ساختهای حق است، و سخن همان است که تو فرمودهای و قرآن به همان صورت است که تو نازل فرمودهای و تو به راستی ای خداوند، حقیقت آشکار هستی.

من اقرار می کنم در این دنیا، که من پذیرفتهام و راضیام به پروردگاری تو و به اینکه اسلام دین من و محمد صلّی الله علیه و آله پیامبر و امام علی علیه السّلام امام، و قرآن کتاب می باشد. و اهل بیت پیامبرت پیشوایان من هستند، خدایا تو تکیه گاه من در سختی، و امید من در گرفتاری ام، و پشتیبان و همراه من هستی در مسائلی که بر من وارد می شود، و تو سرور و ولّی من در نعمت های من و الله من و پدران من هستی، بر محمد صلّی الله علیه و آله و خاندانش درود فرست، و هرگز و حتی برای یک لحظه مرا به خود وا مگذار، و تنهاییام را در قبرم با وجودت تحت انس و الفت قرار ده و نزد خود برای من در روزی که با تو ملاقات می کنم، عهد و پیمانی قرار ده. این عهد و میثاق میّت است در روزی که وصیّت می کند و وصیّت برای هر مسلمانی حق است.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: تصدیق این عهد و میثاق در سوره مریم آمده است: «لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَةَ إِلاَّ مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً»، {[آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است.} و این همان عهد و پیمان است.(1)

2. فلاح السائل: رسول خدا صلّی الله علیه و آله به امام علی علیه السّلام فرمودند: این [حدیث مذکور] را فرا گیر و به خانواده ات و پیروانت بیاموز. پیامبر فرمود: این را جبرئیل علیه السّلام به من آموخته.(2)

1- . فلاح السایل: 60
2- . فلاح السایل: 66

3. مؤلف: مانند این حدیث را با دست خط شهید به نقل از کتاب حسین بن سعید و به نقل از یکی از یارانش که این مطلب را به امام صادق علیه السّلام می رساند، یافتهام.

روضه الواعظین: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: شایسته نیست که انسان مسلمان، شب هنگام بخوابد، مگر اینکه وصیّت او زیر سرش باشد.

4. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: وصیّت، تکمیل کننده نقصان و کمبود زکات است.

5. و نیز فرمودند: هر کس وصیّت نیکویی به هنگام مرگ نداشته باشد، [بیانگر] نقصان در عقل و مروّت اوست.

6. امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: هر کس وصیت نماید و در آن ستم روا ندارد و (به وارثان) ضرر نرساند، مانند کسی است که مالش را در زندگیاش به صدقه داده است.

7. و نیز فرمودند: باکی ندارم که در اموالم به وارثانم ضرر برسانم یا آن مال را از آنها بدزدم (مالم را به صدقه بدهم).

8. امام صادق علیه السّلام فرمودند: وصیّت بر هر مسلمانی حق[واجب) است.

9. و نیز فرمودند: هیچ کس در حالت مرگ قرار نمیگیرد، مگر آنکه خداوند متعال، گوش و چشم و عقلش را به او بر میگرداند تا وصیّت کند. چه وصیّت کند و چه وصیّت نکند، و این فرصتی است که به آن «راحه الموت» گفته می شود. وصیّت برگردن هر مسلمانی حق است.

10. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس انجام وصیّت انسانی را در خصوص فریضه حج به عهده بگیرد، ولی بدون هیچ عذر و بهانهای در اقامه فریضه حج کوتاهی نماید، خداوند نماز و روزهاش را قبول نمیکند و دعایش مورد اجابت قرار نمی گیرد و هر روز و شب صد گناه بر او نوشته می شود و مانند کسی است که با مادر و دخترش زنا کند. و اگر در همان سال، فریضه حج را به جای آورد، در برابر هر درهمی که

خرج کرده، ثواب یک حج و عمره برایش نوشته می شود. و اگر بین آن زمان تا حج سال بعدی بمیرد، همچون شهید

ص: 246

است، و از آن زمان تا سال بعد، در هر روز و شب ثواب شهید برایش نوشته می شود و حوائج دنیا و آخرتش بر آورده خواهد شد.(1)

11. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس وصیّت متوفی را به عهده بگیرد و بدون هیچ عذر و بهانه ای از انجام وصیت عاجز بماند، هیچ کار نیکو و حسنهای از او قبول نمیشود و تمامی فرشتگان در آسمان و زمین او را لعنت میکنند و روز و شب در خشم خداوند است. و هر وقت بگوید: ای خدا، لعنت بر او نازل شود و خداوند ثواب اعمال نیکویش را برای شخص متوفّی مینویسد. و اگر در همین حالت بمیرد، وارد جهنم میشود. ولی اگر وصیّت را بجای آورد، در هر روزو شب، ثواب آزاد کردن یک برده برایش نوشته می شود و در برابر هر درهمی که خرج کند، خداوند برای او یک شهر و شصت حورالعین قرار دهد، و صبح و شب میکند در حالی که دو دروازه گشوده به سوی بهشت برایش وجود دارد. و اگر از زمانی که وصیت را انجام داده تا سال بعد فوت نماید، با آمرزش خداوند خواهد مُرد و خداوند در روز قیامت ثواب کسی را که حج یا عمره بجای آورده، برای او در نظر می گیرد و در بهشت، همراه یحیی بن زکریّا خواهد بود.(2)

12. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس وصیّت شخصی را در خصوص انجام فریضه حج ضامن شود و در انجام آن توانا باشد (اما انجام ندهد)، عقوبت خداوندی شدید و ندامتش طولانی خواهد بود. تنها آدم شقّی و بدبخت است که وصیّت میّت را انجام نمیدهد و فقط انسان خوشبخت است که وصیّت را انجام میدهد.

و هر کس که به سرعت وصیّت را انجام دهد، خداوند بدنش را بر آتش حرام گرداند و او را همراه صدّیقین و شهیدان وارد بهشت کند. و ثواب و کرامت هفتاد شهید را بر او إکرام نماید. و مادامی که زنده باشد، در هر روز هزار حسنه برای او می نویسد و او را هزار درجه بالاتر می برد. وای بر کسی که از انجام وصیت متوفّی ناتوان باشد. خداوند در هر روز هزار گناه برای او و برای هر قدمی که بر می دارد،

1- . جامع الاخبار: 90
2- . جامع الاخبار: 90

خانه ای در جهنم بنا می کند و به روی او نگاه نمی کند، چه در هنگام زنده بودن و چه مرگ. و اگر در همین حالت بمیرد، در حالی از قبرش برخیزد که در پیشانیاش نوشته شده: مأیوس و ناامید از رحمت خدا.(1)

13. امام صادق علیه السّلام فرمودند: وصیّت کردن حقی است بر هر مسلمانی.

14. نهج البلاغه: ای فرزند آدم! - علیه السّلام - وصّی خودت باش و در خصوص أموالت چنان رفتار کن که دوست داری پس از تو، چنان رفتار کنند.(2)

15. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند: ستم در وصیّت، از گناهان کبیره است. (یعنی ظلم در وصیّت.) (3)

16. علل الشرایع: پدرم به نقل از حمیری این حدیث را آورده است.(4)

17. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: هر کس در وصیّت نامهاش جانب عدالت را رعایت نماید، مانند این است که در زمان حیاتش اموالش را به صدقه داده است. و هر کس در وصیّت نامهاش جور و ستم روا دارد، در قیامت با خداوند ملاقات می کند، در حالی که خدا از او روی برگردانده است.(5)

18.علل الشرایع: پدرم از حمیری مانند این روایت را آورده است.(6)

19. قرب الاسناد: به رسول خدا خبر رسید که مردی از انصار فوت نمود، در حالی که فرزندانی کوچک داشت که جایی برای گذرندان شب نداشتند و از مردم کمک می گرفتند. و آن شخص متوفّی شش برده داشت و به هنگام مرگ آنها را آزاد کرده بود. پیامبر فرمودند: با این مرد چه کردید؟ گفتند: دفنش کردیم. فرمود:

1- . جامع الاخبار: 90
2- . نهج البلاغه 3: 209
3- . قرب الاسناد: 30

4- . علل الشرايع: 567
5- . قرب الاسناد: 30
6- . علل الشرايع: 567

اگر می دانستم که وی چنین کرده، نمی گذاشتم وی را در کنار مسلمانان دفن کنید. کسی که کودکان خردسالش را بر جای نهاده، و آنها از مردم طلب غذا می کنند.(1)

20. قرب الاسناد: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: اگر در خصوص یک پنجم اموالم وصیت کنم، برای من دوست داشتنیتر است از اینکه درباره یک چهارم اموالم وصیت نمایم. و اگر در خصوص یک چهارم اموال خود وصیت کنم، برای من دوست داشتنی تر از این است که در خصوص یک سوم اموالم وصیت نمایم. و هر کس در خصوص یک سوم اموالش وصیت نماید، چیزی را بر جای نگذاشته است.(2)

21. علل الشرایع: پدرم به نقل از حمیری این روایت را آورده اند.(3)

22. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر تنها دو روز از عمرت باقی باشد، یک روز آن را برای آخرت قرار ده و از این روز برای مرگت کمک بگیر. گفته شد: منظور از کمک گرفتن چیست؟ فرمودند: تا در این روز درباره آنچه که به ارث می گذارد و درباره آن حکم می کند، به نیکی تدبیر کند.(4)

23. الخصال: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: ای فرزندآدم! خداوند با سه چیز بر تو منّت نهاده است: خطاهایی را از تو پوشاند که اگر خانوادهات از آن باخبر می شدند، تو را دفن نمی کردند؛ و نعمت هایی فراوان بر تو ارزانی داشت، و از تو قرض الحسنه خواستم، ولی تو هیچ خیری نداشتی؛ و برای هنگام مرگت هم فرصتی به تو داده شد تا درباره یک سوم از مالت نظری بیافکنی، امّا کار خیری انجام ندادی.(5)

24. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: براء ابن معرورالأنصاری در مدینه بود و رسول خدا صلّی الله علیه و آله در مکه بودند که مرگ به سراغ

1- . قرب الاسناد: 31
2- . قرب الاسناد: 31
3- . علل الشرایع: 567

4- . قرب الاسناد: 33
5- . الخصال 1: 89

ایشان آمد و رسول خدا، در خصوص یک سوم اموالش وصیّت نمود، و بدین ترتیب سنّت وصیت برپا و استوار شد.(1)

25. الخصال: حسین بن مصعب به نقل از امام صادق علیه السّلام، این حدیث را نقل کرده است.(2)

26. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه «فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْه»، {ولی کسی که از انحراف [و تمایل بیجای] وصیت کننده ای [نسبت به ورثه اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست.} فرمودند: یعنی اگر در وصیت نامه از راه راست منحرف شود و اگر در بیشتر از یک سوم مالش وصیت نماید.(3)

27. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدر بزرگوارشان روایت کنند: مردی از انصار فوت نمود و کودکی خردسال داشت. این مرد شش غلام داشت که هنگام مرگش آزادشان کرد و اموالی به جز این غلامان نداشت. پیامبر از این موضوع با خبر شد، فرمودند: با این مرد چه کردید؟ گفتند: او را دفن کردیم. فرمودند: اگر می دانستم، او را در گورستان مسلمانان دفن نمی کردم؛ او فرزندانی از خود بر جای نهاده، در حالی که این کودکان از مردم کسب روزی [گدایی] می کنند.(4)

28. فقه الرضا: بدان که وصیت حقی است واجب بر گردن هر مسلمانی. مستحب است که انسان برای فامیل هایی که ارث نمی برند، وصیت نماید، کم باشد یا زیاد. و اگر کارش به مرگ ختم شد (وصیّت هم ننوشت)، در واقع معصیت نموده. و هر کس در خصوص تمام مال یا قسمتی از اموالش در راه خدا وصیت نماید، مثلاً درباره حج یا آزادی برده یا دادن صدقه یا کارهای خیر دیگر، این وصیّت جایز

1- . علل الشرایع: 566
2- . الخصال 1: 126
3- . علل الشرایع: 567
4- . علل الشرایع: 566

است و صحیح و حلال نیست که آن را تبدیل و تعویض نماید، زیرا خداوند می فرماید: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَى الَّذينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ»، { پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.} و اگر به ناحق یا بر خلاف سنت وصیت نماید، پس باید آن را به حق و سنّت باز گرداند؛ و اگر در خصوص یک چهارم مالش وصیّت نماید، این برای من دوست داشتنی تر از این است که درباره یک سوم مالش وصیّت نماید. و اگر درباره یک سوم اموالش وصیت کند، این نهایت وصیّت است؛ و اگر در خصوص همه اموالش وصیت کند، خود بهتر میداند که چه میکند و وصیّ او ملزم است که وصیت متوفّی را انجام دهد.(1)

29. تفسیر العیاشی: امام علی علیه السّلام فرمودند: مستی از گناهان بزرگ است و ظلم در وصیّت هم از گناهان کبیره است.(2)

30. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در جواب عمار بن مروان در سؤال از آیه «إِنْ تَرَکَ خَيْراً الْوَصِيَّه»، {اگر مالی بر جای گذارد.} فرمودند: [وصیّت] حقی است که خداوند در اموال مردم برای صاحبان مال قرار داده. ابن مروان گفت: آیا برای وصیت حدّ و اندازهای مشخص است؟ فرمودند: آری. گفت: چقدر؟ فرمودند: کمترین میزان در وصیّت یک ششم و بیشترین میزان آن هم یک سوم است.(3)

31. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم به نقل از امام محمد باقر علیه السّلام گفت: از امام پرسیدم که آیا این وصیّت برای وارث جایز است؟ فرمودند: آری، سپس این آیه را ذکر نمودند، «إِنْ تَرَکَ خَيْراً الْوَصِيَّهُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبين»،(4) {اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند.}

1- . فقه الرضا علیه السلام: 40
2- . تفسیر العیاشی 1: 238
3- . تفسیر العیاشی 1: 76
4- . تفسیر العیاشی 1: 76

32. تفسیر العیاشی: امام علی علیه السّلام فرمودند: هر کس به هنگام مرگش برای خویشاوندانی که از او ارث نمی برند، چیزی [از اموالش را] وصیت نکند، کار[دنیایش را] با معصیت به پایان رسانده است.(1)

33. تفسیرالعیاشی: ابو بصیر به نقل از یکی از دو امام (امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السّلام) گوید: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ»، {بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند.} امام فرمودند: این آیه به واسطه آیه فرایض که برای مواریث است، منسوخ شده: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، {پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.} یعنی وصیت را تغییر دهد.(2)

34. تفسیر العیاشی: سماعه به نقل از امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه «إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»، {اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران.} گوید که امام فرمودند: وصیّت چیزی است که خداوند برای صاحب اموال مقرر ساخته. گفتم: آیا وصیت در اموال حد و مرزی دارد؟ فرمودند: آری. گفتم: آن چیست؟ فرمودند: کمترین میزانی که می تواند وصیت نماید، یک سوم از ثلث مالش است.(3)

35. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: باکی ندارم که به وارثم ضرر برسانم یا آنکه آن مال را بدزدم و به صدقه دهم.(4)

1- . تفسیر العیاشی 1: 76
2- . تفسیر العیاشی 1: 77
3- . تفسیر العیاشی 1: 77
4- . نوادر الراوندی: 41

36. دعوات الراوندی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به هنگام مرگش با وصیّت نیکو بمیرد، همچون شهید مرده است. و فرمودند: هر کس وصیّت نیک و مناسبی انجام ندهد، بیانگر نقصان در عقل و مروّت اوست، و وصیّت حقی است بر گردن همه مسلمانان.

37. و نیز فرمودند: هر شخصی اگر هفتاد سال کارهای صالح و نیک انجام دهد ولی در وصیتش ظلم روا دارد، مانند آن است که کار خیر دنیایش را با عملی از اعمال اهل جهنم به پایان رسانیده؛ و هر شخصی که در دنیا اعمال اهل جهنم را انجام دهد ولی در وصیتش عدالت را به جای آورد، کار دنیای خویش را با اعمال اهل بهشت به پایان رسانیده و سپس قرائت فرمودند: «وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّه»، {و کسانی که از حدود[احکام] الهی تجاوز کنند.} وصیّت حدود خداست.

باب دوم : احکام وصایا

آیات:

- «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ، فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ،فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيم»(1)

{بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران. پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.ولی کسی که از انحراف [و تمایل بیجای] وصیت کننده ای [نسبت به ورثه اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست، که خدا آمرزنده مهربان است.}

-«مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصى بِها أَوْ دَيْن»(2)

{[البته همه اینها] پس از انجام وصیّتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنا شود].}

- «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصينَ بِها أَوْ دَيْن»(3)

{[البته] پس از انجام وصیّتی که بدان سفارش کرده اند یا دینی [که باید استثنا شود].}

1- . البقره / 180-182
2- . النساء/ 11
3- . النساء/ 12

- «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِها أَوْ دَيْن»(1)

{[البته] پس از انجام وصيّتى كه بدان سفارش كرده ايد يا دَينى [كه بايد استثنا شود]. }

روايات:

1. تفسير على بن ابراهيم: {بر شما مقرر شده است كه چون يكى از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالى بر جاى گذارد، براى پدر و مادر و خويشاوندان [خود] به طور پسنديده وصيت كند؛ [اين كار] حقى است بر پرهيزكاران. } اين آيه منسوخ شده است، به واسطه آيه «يُوصيكُمُ اللَّهُ فى أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْن»، {خداوند به شما در باره فرزندانتان سفارش مى كند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. } و نيز آيه {پس هر كس آن [وصيت] را بعد از شنيدنش تغيير دهد، گناهش تنها بر [گردن] كسانى است كه آن را تغيير مى دهند. آرى، خدا شنواى داناست. } يعنى آن وصيّت را تغيير دهند. و سپس اجازه داده و فرمودند: {ولى كسى كه از انحراف [و تمايل بيجاى] وصيت كننده اى [نسبت به ورثه اش] يا از گناه او [در وصيت به كار خلاف] بيم داشته باشد و ميانشان را سازش دهد، بر او گناهى نيست، كه خدا آمرزنده مهربان است. }

امام صادق عليه السّلام فرمودند: اگر شخصى وصيت نمايد، حلال و جايز نيست كه وصىّ آن را تغيير دهد و بايد همان چيزى را كه شخص متوفى وصيت نموده، انجام دهد. مگر اينكه متوفى وصيتى كرده باشد كه در آن معصيت خداوند باشد و بر خلاف فرم-ان خدا بوده و ستمى روا داشت--ه باشد، و در اينج-ا وصىّ مى تواند آن را به سوى حق برگرداند. مثلاً مردى وارثانى دارد و همه مال خود را به يكى از وارثان داده و بقيه را از ارث محروم مى سازد. در اين حالت جايز است كه وصىّ آن را به سوى حق برگرداند و سخن خداوند «جَنَفاً أَوْ إِثْماً»، {از گناه او [در وصيت به كار خلاف] بيم داشته باشد. } [دال بر همين موضوع است].

1- . النساء /13

توضیح:

«الجنف» یعنی میل پیدا کردن به یکی از وارثان، بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران. و «إثم» یعنی اینکه شخص متوفی به ساخت آتشکده و فراهم آوردن شراب امر کند که در این صورت برای وصیّ جایز است وصیت را انجام ندهد.(1)

2. قرب الاسناد: علی بن جعفر به نقل از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام گوید: از امام درباره مرد یا زنی سؤال کردم که هنگام مرگشان، زبانشان بند آمده و قدرت تکلم ندارند و در این هنگام خانواده از آنها میپرسند که آیا فلان شخص را آزاد کردی؟ و یا فلان مال را چه کنیم؟ و اگر آنها با تکان دادن سرشان، جواب مثبت یا منفی دهند، آیا جایز است؟ فرمودند: آری جایز است.(2)

3. قرب الاسناد: البزنطی گوید: به امام رضا علیه السّلام نامه ای نوشتم به این مضمون: مردی برای خویشاوندان خود هزار درهم وصیت کرده، در حالی که او را خویشاوندانی از سوی پدر و نیز از سوی مادر است. حد و حدود خویشاوندی تا کجاست؟ آیا میتواند به هر کسی که با او قرابتی دارد، در مال خود برای او وصیت کند؟ یا اینکه خویشاوندی دارای حد و مرتبهای است؟ جانم به فدایت! نظرتان چیست؟ امام جواب نوشتند: اگر کسی را نام نبرده است، به خویشاوندانش داده شود(3)

4. عیون الاخبار: یاسر خادم گوید: از نیشابور برای مأمون نامه ای نوشتم: مردی مجوس به هنگام مرگ وصیت نمود که مال بسیاری در میان مساکین و فقیران تقسیم شود. قاضی نیشابور هم مال را میان فقیران مسلمان تقسیم کرد. مأمون عباسی به امام رضا علیه السّلام گفت: آقای من، در این خصوص چه می گویید؟ امام رضا فرمودند: مجوسیان نمی توانند بر مسلمانان فقیر صدقه دهند. پس برایش

1- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 65
2- . قرب الاسناد: 119
3- . قرب الاسناد: 172

نامه ای بنویس و بگو که به همان اندازه ای که بر مسلمانان صدقه داده، بر فقیران مجوس صدقه دهند. (1)

5. فقه الرضا: اگر مردی، شخصی را که حاضر و شاهد است، برای انجام وصیت انتخاب کند، آن شخص می تواند امتناع کند از اینکه وصیّ شود. اما اگر آن مرد، وصیت کند و شخصی را که غائب است برای انجام وصیّت، وصیّ خود انتخاب کند، در این صورت بر آن شخص واجب است که انجام وصیت را بپذیرد. و شهادت دو کافر در هنگام وصیّت جایز است، اگر مسلمانی نباشد، و نیز جایز است شهادت زن در یک چهارم وصیّت، البته اگر کسی دیگر وجود نداشته باشد، و نیز جایز است شهادت یک زن در خصوص نوزادی که به دنیا می آید و چند لحظه بعد می میرد. اگر مردی به دو نفر در خصوص اموالش وصیت کند، آن دو نفر باید با هم وصیت متوفّی را انجام دهند و نمی توانند که اموال را دو قسمت کرده و هر کدام جداگانه به انجام وصیت بپردازند. اگر مرد متوفّی، صندوق یا یک کشتی را به شخصی بدهد (بنابر وصیت)، پس هر چه در صندوق یا کشتی است، متعلق به این شخص است. مگر اینکه مرد متوفی چیزی را مستثنی کرده باشد. و اگر وصیت کند که شخص در خانه اش ساکن شود، بر وارثان واجب است که این وصیت را انجام دهند، و اگر این شخص بمیرد، خانه هم به عنوان میراث به ورثه میّت بر می گردد. اگر مردی چند فرزند داشته باشد و یکی را بر دیگران برتری بخشد، اشکالی ندارد، و اگر یک سوم مالش را برای مملوک خود وصیت کند، مملوک را تعیین قیمت می کنند و اگر قیمت مملوک بیش از این مال باشد، باید سعی کند تا باقیمانده قیمت تعیین شده را فراهم کند و پس از آن می تواند آزاد باشد. اگر متوفی وصیّت کند که برایش حج بگذارند و ضروری هم باشد، باید [حتی] با همه اموالش، فریضه حج انجام شود. و اگر قبلاً به حج رفته باشد، از یک س-وم اموالش برای انج-ام حج استفاده می ش-ود. و اگر مال متوفّی به اندازه ای نباشد که بتوان از شهر خودش کسی را به حج فرستاد، پس از هر جایی که امکانش فراهم بود، باید حج انجام شود. و اگر متوفیّ یک سوم مالش را برای انجام حج و آزاد کردن غلام و صدقه اختصاص داده باشد، وصیت

1- . عیون الاخبار 2: 15

باید انجام شود، ولی اگر یک سوم مالش برای این سه وصیت کافی نباشد، در وهله اول باید حج به جای آورده شود، زیرا حج فریضه و واجب است، و هر چقدر که از یک سوم اموال باقی ماند، برای آزاد کردن غلام و دادن صدقه اختصاص یابد، انشاا... . و اگرمردی به یک زن و پسر جوانی وصیّت کند، زن جایز است که وصیت را اجرا کند، بدون اینکه منتظر بلوغ پسربچه باشد. و بر پسر لازم نیست که درباره آنچه که زن انجام داده، دوباره کاری کند، مگر اینکه در اجرای وصیّت، از سوی زن تغییر و اشتباهی رخ داده باشد. (1)

6. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم به نقل از امام محمدباقر علیه السّلام گوید: از امام سؤال کردم: مردی مال خود را در راه خدا وصیت کرد: فرمودند: مال را به هرکس که آن مرد وصیت کرده بدهید، حتی اگر یهودی یا مسیحی باشد. زیرا خداوند می فرماید: {پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.}(2)

7. تفسیرالعیاشی: ابوسعید به نقل از امام صادق علیه السّلام گوید: سؤال کردم: مردی وصیت می کند که بعداز فوتش حج به جای آورده شود، امّا وصّی او، غلامی را آزاد می کند، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: وصّی شخص متوفی باید غرامت بپردازد و حج به جای آورد، همانطور که متوّفی وصّیت کرده. خداوند فرموده:{پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.}(3)

8. تفسیرالعیاشی: مثّنی بن عبدالسّلام از امام صادق علیه السّلام پرسید: مردی متوّفی، مالی را برای شخصی وصیّت می کند، امّا قبل از اینکه مال به این شخص برسد، او میمیرد، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: به دنبال وارثان او و یا ولیّ او باشید و این مال را به بازماندگان دهید. خداوند می فرماید: {پس هر کس آن

1- . فقه الرضا علیه السلام: 40
2- . تفسیر العیاشی 1: 77
3- . تفسیر العیاشی 1: 77

[وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.} گفتم: این شخص از اهل ایران بوده که اسلام آورده و نامی نبرده و ولیّ او هم مشخص نیست. امام فرمودند: تلاش کن که ولیّ او را بیابی و اگر نیافتی و خداوند بر سعی و تلاش تو آگاه بود، این مال را صدقه بدهید.(1)

9. تفسیر العیاشی: محمد بن سوقه گوید: از امام محمد باقر درباره آیه {پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری، خدا شنوای داناست.} پرسیدم. فرمودند: این آیه با آیه بعدی آن منسوخ شده {ولی کسی که از انحراف [و تمایل بیجای] وصیت کننده ای [نسبت به ورثه اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست، که خدا آمرزنده مهربان است.} یعنی اگر شخص وصیّ بترسد از اینکه شخص متوفی در وصیتش چیزی آورده که رضای خدا در آن نیست و بر خلاف حق است، پس وصیّ گناهی مرتکب نمیشود، اگر وصیّت متوفی را به حق و آنچه که باعث خشنودی خداست و در راه خیر است، تبدیل کند.(2)

10. تفسیرالعیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره آیه: {ولی کسی که از انحراف [و تمایل بیجای] وصیت کننده ای [نسبت به ورثه اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست، که خدا آمرزنده مهربان است.} فرمودند: یعنی اگر وصیت کننده در وصیت خود ظلم کند و در بیش از یک سوم مالش وصیت کند.(3)

11. المناقب: مردی وصیت کرد که هزار درهم برای کعبه بدهند. وصیّ او به مکه آمد و پرسید، او را به سوی قبیله بنی شیبه راهنمایی کردند. وی نزد آنان رفت و ماجرا را به ایشان گفت. گفتند ذمّه تو بری شد، پول را به ما بده و برو. مردم

1- . تفسیر العیاشی 1: 77
2- . تفسیر العیاشی 1: 78
3- . تفسیر العیاشی 1: 78

گفتند: نزد امام محمد باقر علیه السّلام برو و سؤال کن. آن مرد از امام سؤال کرد، امام فرمودند: کعبه نیازی به این پول ندارد، به این زیارت کنندگان نگاه کن که برخی اموالشان دزدیده شد، برخی پولشان تمام شده، برخی شتر خود را گم کرده اند و برخی ناتوان هستند که به سوی خانواده خود باز گردند. پس پول خود را به این افراد بده.(1)

12. نوادر احمد بن عیسی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر مرگ جوانی فرا رسید ولی هنوز به مرحله مردی نرسیده بود و وصیّت کرد، وصیّت او درباره خویشاوندانش جایز است، ولی برای دیگران جایز نیست.(2)

13. کشف الغمه به نقل از دلایل حمیری: وشاء گوید: محمد بن یحیی از وصیّ علی بن السری گوید: به امام موسی علیه السّلام عرض کردم: علی بن السری وفات یافت و من را وصیّ خود قرار داد. امام فرمودند: خدا رحمتش کند. گفتم: جعفر بن علی بن السری با ام ولد او (کنیزی که بچه دارد) مجامعت نموده و پدرش به من امر کرد که او را ارثیه ندهم. امام فرمودند: او را از ارثیه خارج ساز و اگر راست بگوید، (جعفر) دچار نقص عضو خواهد شد. وقتی برگشتم، جعفر مرا نزد ابویوسف قاضی برد و گفت: خداوند تو را شایسته دارد، من جعفر بن علی السری هستم و این مرد وصیّ پدرم هست به او دستور بده که میراث پدرم را به من دهد. قاضی گفت: ای وصیّ چه میگویی؟ گفتم: آری، این شخص جعفر است و من وصیّ پدرش هستم. گفت: پس مالش را به او بده. گفتم: ای قاضی، میخواهم با تو حرف بزنم. قاضی گفت: نزدیک شو، من هم نزدیک شدم و به شکلی که کسی صدایم را نمی شنید گفتم: این جعفر با کنیز پدرش که بچه هم داشت همبستر شده و پدرش به من امر کرده که او را از ارث محروم سازم و چیزی به او ندهم. نزد امام موسی علیه السّلام در مدینه رفتم و در این باب سؤال کردم و ایشان مرا امر کردند که جعفر را از میراث خارج کرده و چیزی به او ندهم. قاضی گفت: تو را به خدا، آیا ابوالحسن علیه السّلام چنین امری فرمود؟ گفتم: آری؛ و سه بار من را قسم داد و گفت: آنچه

1- . المناقب 3: 330
2- . نوادر احمد بن عیسی: 77

را که امام فرمان داده انجام بده، چون سخن، سخن امام است. وصی گوید: بعد از مدتی جعفر دچار نقص عضو شد. حسن بن علی الوشاء گوید: من جعفر را به این شکل دیدم.

گفتم: این خبر نیازمند تأمل بیشتری در راویان است، زیرا اگر این خبر صحیح باشد، باید حد شرعی بر جعفر جاری می شد و ارثیهاش هم پرداخت میشد؛ پس از آن به من خبر رسید که وی از پیروان مذهب ابویوسف بود که در آن، مجتهد از عالم تر از خود تقلید می کند. و در کتابهای اصولشان روایت شده که ابویوسف بر شخصی حکمی کرد و آن شخص گفت: تو بر خلاف آنچه که موسی بن جعفر علیه السّلام حکم نموده بر من حکم کرده ای. ابو یوسف گفت: ایشان چه حکمی کردند؟ گفت: فلان حکم را کرده اند. ابویوسف وی را قسم داد که آیا این حکم موسی بن جعفر علیه السّلام است؟ که جواب داد آری. پس ابویوسف هم حکم امام موسی علیه السّلام را اجرا کرد و شاید این مطلب اشاره ای باشد بر قصه ای که ذکر شد.

14. رجال الکشی: امام صادق علیه السّلام گوید: یکی از پسر عموهایم بر من وارد شد و درخواست نمود، اجازه دهم حیان السراج نزد من آید. اجازه دادم. حیان گفت: ای ابوعبدالله، می خواهم چیزی بپرسم که خود جواب آن را می دانم، ولی دوست دارم که از تو سؤال کنم. مرا با خبر ساز از عمویت محمد بن علی، آیا مرده است؟ امام فرمود، پدرم به من گفته اند که عمویم در مزرعه ای بود، کسی نزد او آمد و گفت: عمویت را دریاب. پس نزد او رفتم در حالیکه دچار غش شده بود. به هوش آمد و به من گفت به مزرعه ات بازگرد. پدرم گوید من نپذیرفتم، ولی عمویم گفت: باید برگردی. پدرم گفت: به مزرعه بازگشتم ولی خبر آمد که عمویت را دریاب؛ پس نزد او رفتم، دیدم که زبانش بند آمده است، کاغذی آوردند و او شروع به نوشتن وصیت کرد و از او فارغ نشدم تا این که چشمانش را بر هم نهادم و کفن کرده و غسل دادم و بر او نماز گزاردم و او را دفن کردم. پس اگر این مرگ باشد، او مرده است. امام ادامه داد: حیان گفت: درود و مرحمت خدا بر تو باد، در این خصوص بر سخنان پدر بزرگوارتان شبه--های وجود داشت. امام فرمودند: سبحان

الله، تو قلب خ-ود را الصدف می کنی. حیان گفت: الصدف یعنی چه؟ امام فرمودند: یعنی: الکذب.(1)

15. مجالس الشیخ: امیرالمومنین علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله امر نموده اند که پرداخت دین و بدهی قبل از وصیت باشد، در حالی که شما می خوانید «مِنْ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصی بِها أَوْ دَیْن»،(2) {[البته همه اینها] پس از انجام وصیّتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنا شود]. }

16. الهدایه: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اولین چیزی که از ما ترک شخص متوفی پرداخت می شود، کفن، سپس بدهی، سپس وصیت و سپس میراث است. (3)

17. الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: وصیت بر ذمه هر مسلمانی حق است و مستحب است که انسان بر خویشاوندانی که ارث نمی برند هم مقداری، کم یا زیاد، به ارث گذارد؛ و هر کس این کار را نکند، کار این دنیای خود را با معصیت به پایان رسانیده است. (4)

18. الهدایه: میت میتواند فقط درباره یک سوم از مال خود وصیت کند و اگر درباره بیش از یک سوم وصیت کند، وصیتش به یک سوم برگردانده میشود و اگر درباره یک جزء از مالش وصیت کند، آن یک جزء در واقع یک هفتم حساب می شود. زیرا خداوند می فرماید: «لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ»(5) { [دوزخی] که برای آن هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند]. } و روایت شده که جزء یک دهم از مال است، به واسطه قول خداوند: «ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْء»(6) {سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده }و کوهها ده تا بودند.

1- . رجال الکشی: 266
2- . مستدرک الوسایل 2: 524
3- . الهدایه: 81
4- . الهدایه: 81
5- . حجر / 44

6- . بقره / 260

و اگر درباره سهمی یا چیزی از مالش وصیت نمود، در واقع یک ششم مالش محسوب می شود و اگر درباره مال بسیاری وصیت نماید. آن مال، هشتاد یا بیشتر حساب می شود، به دلیل سخن خداوند: «لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ فی مَواطِنَ کَثیرَه»(1) {قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است.} که هشتاد موطن بوده است.(2)

19. الهدایه: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال شد که مرگش فرا رسیده بود، غلامی را که داشت آزاد کرد (و فقط همین یک غلام را داشت). وارثان نپذیرفتند. امام فرمودند: تنها می تواند یک سوم از ارزش غلام را آزاد کند. و نیز درباره مردی پرسیدند که وصیت کرد: این کشتی برای فلان شخص باشد، اما اسمی از اموال درون کشتی که غذا بود نبرد. امام فرمودند: آنها مال شخصی هستند که متوفی به او بخشیده، مگر اینکه متوفی چیزی را در کشتی مستثنی کرده باشد و ورثه در اموال این کشتی سهمی ندارند. و نیز سؤال شد درباره مردی که صندوقی را به شخصی وانهاده بود، در حالی که اموالی در آن بود. امام فرمودند: صندوق و آنچه در آن است، مال آن شخص است.

و نیز سؤال شد درباره مردی که وصیت کرده بود مالی را در راه خدا خرج کنند. فرمود: این مال متعلق به شیعیان ما است. و نیز از امام نقل شده که فرمود: این مال را در فریضه حج خرج کنید، زیرا من راهی برای خرج کردن در راه خدا بهتر از حج نمی شناسم.(3)

20. الهدایه: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: مردی وصیتی می کند شمشیری مرصَّع را به فلان شخص دهند. ورثه گفتند: تنها تیغه شمشیر از آن توست (و زیور آلات آن مال ماست) امام فرمود: شمشیر با هر آنچه که به آن ملحق است. متعلق به فلان شخص است. (4)

1- . توبه / 25
2- . الهدایه: 81
3- . الهدایه: 81
4- . الهدایه

21. کتاب زید النرسی: علی بن مزید صاحب السابری گوید: مردی ماترک خود را در اختیار من قرار داد و امر کرد که به وسیله آن، حج بجای آورم، من به ماترک نگاه کردم، چیز اندکی بود که برای حج کافی نبود. از ابوحنیفه و دیگران سؤال کردم، گفتند: آن مال را صدقه بده. وقتی که خودم به حج آمدم، به عبدالله بن حسن برخوردم، به او گفتم: مسئله ای دارم، گفت: این جعفر بن محمد علیه السّلام است که در کنار حجر است، از او بپرس. گوید: نزد امام در کنار حجر رفتم و امام در زیر ناودان، روی به کعبه داشت و دعا می کرد. برگشت و مرا دید. گفت: چه حاجت داری؟ گفتم: فدایت شوم، من مردی از کوفه و از پیروان شما هستم. امام فرمود: از اینها بگذر و حاجتت را بگو: گفتم: مردی فوت کرده و مرا وصیت کرده که با اموالش حج به جای آورم. من هم دیدم که اموال او کم است و کفاف حج را نمی دهد، پس از اطرافیان خود پرسیدم و گفتند: این مال را صدقه بده. امام فرمود: چه کردی؟ گفتم: مال را به صدقه دادم. فرمود: اگر آن مال برای انجام حج کفایت میکرد. تو ضامن بودی، و اگر کفایت نمی کرد، دیگر بر تو ضمانتی نیست.(1)

1- . کتاب زید النرسی: 48

باب سوم : وصایای مبهم

روایات:

1. معانی الاخبار: حسین بن خالد گوید: از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: مردی درباره یک جزء از اموالش وصیت نموده است، یعنی چه مقدار؟ فرمودند: یک هفتم از ثلث مالش.(1)

2. عیون الاخبار: ابن ابی سعید المکاری بر امام رضا علیه السّلام وارد شد و گفت: خداوند از قدر و منزلت تو بکاهد، اگر آنچه را که پدرت ادعا کرده است، بگویی. امام فرمود: تو را چه شده، خدا نورت را خاموش گرداند، و فقر را در خانه ات وارد کند. آیا نمی دانی که خداوند بر حضرت عمران وحی نمود که «من به تو پسری خواهم داد»، ولی به او حضرت مریم را عطا نمود. و برای مریم هم عیسی را بخشید و عیسی علیه السّلام از مریم است و مریم از عیسی و هر دو یک چیز هستند. و من از پدرم هستم و پدرم هم از من و من و پدرم یک شیء واحد هستیم.

ابن ابی سعید گفت: سؤالی می کنم. فرمود: گمان نکنم که از من جواب را بپذیری، تو از تبار ما نیستی، ولی زود باش بپرس. ابن ابی سعید گفت: مردی هنگام مرگش گفت: هر غلامی که دارم و قدیمی است، در راه خدا آزاد است. امام فرمود: آری، خداوند در قرآن می فرماید: «حَتَّی عادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدیم»، {تا چون شاخکِ خشکِ خوشه خرما برگردد.} پس هر غلامی که شش ماه بر بردگیاش گذشته، قدیمی و آزاد است. راوی گفت: آن مرد خارج شد، دچار فقر گردید تا اینکه مرد و حتی برای یک شب هم قوت و توشه ای نداشت و خداوند او را لعنت کرد. (2)

1- . معانی الاخبار: 218 و عیون الاخبار 1: 308
2- . عیون الاخبار: 308

3. معانی الاخبار: پدرم از محمد عطار و او از اشعری، مانند این روایت را ذکر نموده است. (1)

4. رجال الکشی: حمدویه از حسن بن موسی از علی بن عمر الزیات از ابن ابی سعید مانند این را آورده است. (2)

5. معانی الاخبار: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال شد که درباره یک سهم از مالش وصیت کرده بود، یعنی چه مقدار؟ امام فرمودند: یک سهم یعنی یک هشتم. با عنایت به آیه «انَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساکینِ وَ الْعامِلینَ عَلَیْها وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِی الرِّقابِ وَ الْغارِمینَ وَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبیل»، {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیّان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد }(3)

6. معانی الاخبار: صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: مردی یک سهم از مالش را وصیت کرد و معلوم نیست که چه مقدار است؟ فرمودند: آیا در این خصوص چیزی از امام جعفر و امام محمدباقر علیه السّلام به شما نرسیده؟ گفت: فدایت شوم، ما از یاران خود چیزی در این باره و به نقل از پدران بزرگوارتان نشنیده ایم. امام فرمود: یک سهم یعنی یک هشتم. گفتم: فدایت شوم! چگونه یک هشت-م می شود؟ فرمود: آیا در قرآن نخوانده اید؟ عرض کردم: فدایت شوم، قرآن می خوانم اما نمی دانم در کجای قرآن مذکور است؟ فرمود: {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیّان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد.}سپس با دستانش هشت انگشت را نشان داد و فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله آن را بر هشت تقسیم کرده و هر سهم، یک از هشت است. (4)

1- . معانی الاخبار: 218
2- رجال الکشی: 290
3- . معانی الاخبار: 216
4- . معانی الاخبار: 216

7. تفسیرالعیاشی: البزنطی این روایت را ذکر نموده است.(1)

8. معانی الاخبار: روایت شده که هر سهم یعنی یک از شش قسمت و این بر اساس چیزی است که وصیت کننده منظورش است و بر اساس سهامی که میان وارثان تقسیم می کند، فهمیده می شود. (2)

9. معانی الاخبار: ثمالی به نقل از امام زین العابدین علیه السّلام گوید: شخصی مالی از اموال خود را وصیت می کند، یعنی چقدر؟ امام فرمودند: در کتاب امام علی علیه السّلام آمده است که چیزی از اموال یعنی یک از شش اموال.(3)

10. معانی الاخبار: امام محمد باقر علیه السّلام درباره مردی که در خصوص یک جزء از مالش وصیت نموده، فرمودند: یک جزء یعنی یک از ده جزء، زیرا خداوند می فرمایند: «ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءٍ» و تعداد کوهها ده تا و تعداد پرندگان چهار تا بود که (تکه پاره هایشان با هم مخلوط شده بود)، بر هر کوهی قسمتی از گوشتها قرار داده شد.(4)

11. معانی الاخبار: روایت شده که یک جزء، یک از هفت قسمت است بنابر سخن خداوند «لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُوم» {[دوزخی] که برای آن هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند]. }(5)

12. معانی الاخبار: عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: زنی درباره یک سوم مالش وصیت کرد که با آن بدهی برادرزاده اش پرداخت شود و یک جزء هم برای فلان و فلان شخص، اما من چیزی نفهمیدم، پس وصیت را نزد ابن ابی لیلی بردیم. امام فرمود: چه گفت؟ گفتم: ابن ابی لیلی گفت، برای فلان و فلان شخص چیزی نمی رسد. امام فرمود: به خدا دروغ گفت، برای آن دو، یک دهم از ثلث مال می رسد. (6)

1- . تفسیر العیاشی 2: 90
2- . معانی الاخبار: 216
3- . معانی الاخبار: 217
4- . معانی الاخبار: 217

5- . معانى الاخبار: 217
6- . معانى الاخبار: 217

13. معانی الاخبار: حسین بن عمر گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: مردی مرا وصی خود قرار داد تا مالش را در راه خدا خرج کنم. امام فرمودند: در راه حج خرج کن. گفتم: آن مرد وصیت کرده که در راه (خدا) خرج کنم. فرمودند: آن م-ال را در اقامه فریض-ه حج خرج کن. من هی-چ راهی را برتر از حج نمی دانم.(1)

14. تفسیرالعیاشی: از حسین مانند این روایت آمده است.(2)

15. معانی الاخبار: حسین بن راشد گوید: از امام ابوالحسن عسکری علیه السّلام در مدینه پرسیدم: مردی مالش را در راه خدا وصیت نمود، فرمودند: سبیل الله یعنی شیعیان ما.(3)

16. تفسیرالعیاشی: حسن مانند این روایت را ذکر نموده است.(4)

17. فقه الرضا: اگر مردی برای دیگری یک جزء از مالش را وصیت کند، یعنی یک از ده قسمت، بنا بر قول خداوند: «ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْء» و کوهها ده تا بودند. و نیز روایت شده، یک جزء یعنی یک هفتم، بنابر قول خداوند: «لَها سَبْعَهُ أَبْوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُوم» و اگر یک سهم از مالش را وصیت کرد، یعنی یک از شش؛ و نیز اگر چیزی نامعلوم از مالش را وصیت کرد، یعنی یک ششم و اگر مالش را در راه خدا وصیت کرد ولی نامی نبرد (که در چه راهی باشد)، در این صورت (وصی) می تواند آن را در اختیار امام مسلمین قرار دهد؛ یا اگر خواست می تواند در راه حج صرف نماید و یا در میان مؤمنان تقسیم کند.(5)

18. تفسیر العیاشی: همه قاضیان نزد ابوجعفر جمع شدند. وی گفت: مردی درباره یک جزء از مالش وصیت نمود، جزء چه مقدار است؟ قاضیان ندانستند که جزء چه مقدار است و شکایت نزد او بردند. او هم نامهای به امیر مدینه نوشت تا از امام جعفر بن محمد علیه السّلام این مسئله را بپرسند، اگر امام جواب نامه را داد (چه بهتر)، در غیر این صورت او را به همراه نامه به سوی من بفرست.

1- . معانی الاخبار: 167
2- . تفسیر العیاشی 2: 95

3- . معانى الاخبار: 167
4- . تفسير العياشى 2: 94
5- . فقه الرضا عليه السلام: 40

امیر مدینه به خدمت امام جعفر صادق علیه السّلام رسید و گفت: ابوجعفر نامه ای برایم فرستاد تا از تو بپرسم: مردی یک جزء از مالش را وصیت نمود، یک جزء یعنی چه مقدار. البته او این سؤال را از قاضیان پرسید، اما جوابی نداشتند، پس برای من نامه ای نوشت که جواب این سؤال را از شما بپرسم و جواب بگیرم، در غیر این صورت (اگر جواب ندهی)، تو را همراه با نامه به سوی آنها می فرستم. امام صادق علیه السّلام فرمودند: این مسئله در کتاب خدا آشکار است، آنجا که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السّلام فرمود: «رَبِّ أَرِنی کَیْفَ تُحْیِ الْمَوْتی قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیَطْمَئِنَّ قَلْبی قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیْکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءً»، {«پروردگارا، به من نشان ده، چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده.}

پرندگان چهارتا و کوهها ده تا بودند و مرد از هر ده جزء، یک جزء برمی داشت و ابراهیم علیه السّلام هاونی طلبید و همه پرندگان را در آن کوبید و سرهای پرندگان را نگهداشت. سپس ابراهیم علیه السّلام دعا نمود و مشاهده کرد که چگونه پرها خارج می شوند و رگها یک به یک به هم می پیچند، تا اینکه بالها شکل گرفتند و به سوی ابراهیم پایین آمدند، ابراهیم به یکی از سرهای پرندگان گفت که به سوی تنه خود برود، اما این سر مال بدن پرنده ای که آمده بود، نبود، تا اینکه سری دیگر به آن منتقل شد و بدن پرندگان کامل گردید و به این صورت، بدنهای پرندگان دوباره به شکل اول درآمدند. (1)

19. تفسیر العیاشی: عبدالرحمن بن سیابه گوید: زنی به من وصیت کرد: یک سوم مال من را برای پرداخت بدهی من به برادر زاده ام و جزیی از آن را برای فلان خانم در نظر بگیر. درباره این وصیت از ابن ابی لیلی پرسیدم: گفت: من برای فلان خانم سهمی نمی بینم و نمی دانم جزء یعنی چه؟ از امام صادق علیه السّلام پرسیدم و نیز ماجرای آنچه که زن و ابن ابی لیلی گفت را برای امام صادق نقل کردم. امام فرمودند: ابن ابی لیلی دروغ گفت: فلان زن را یک دهم از ثلث مال است. خداوند

1- . تفسیر العیاشی 1: 143

به ابراهیم علیه السّلام امر فرمود: «اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءا»، { بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده.} و کوهها در آن زمان ده تا بودند و جزء یعنی یک از ده.(1)

20. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره مردی که یک جزء از اموالش را وصیت نموده، فرمودند: جزء، یک دهم می باشد. کوهها ده تا بودند و پرندگان، طاووس و کبوتر و خروس و هدهد بودند. خداوند دستور فرمود تا ابراهیم علیه السّلام آنها را تکه تکه کند و با هم مخلوط نماید و بر سر هر کوهی مقداری از این گوشت را قرار دهد، (در حالیکه سرهای پرندگان را نگهداشته بود) و هرگاه سر یک پرنده را به دست می گرفت، اجزای بدن پرنده از روی کوهها به سوی سر می آمدند، تا اینکه دوباره به شکل اول در می آمدند. (2)

21. تفسیرالعیاشی: عبدالله بن عبدالله گوید: ابو جعفر بن سلیمان خراسانی پیش من آمد و گفت: مردی خراسانی از میان حاجیان نزد من آمد و شروع کردیم به ذکر حدیث و گفت: برادرم در مرو مرد و مرا وصیت کرد که از یکصد هزار درهم، یک جزء آن را به أبوحنیفه بدهم و من نمی دانم جزء چه مقدار است، وقتی به کوفه رسیدم، نزد ابوحنیفه رفتم و پرسیدم، جزء چه مقدار است؟ گفت: یک چهارم. اما قلبم راضی نشد؛ گفتم، مال را نمی دهم تا حج به جای آورم و مسئله را کاملاً بفهمم. وقتی دیدم که اهل کوفه بر یک چهارم اتفاق نظر دارند، به ابوحنیفه گفتم: در این مسئله ضرری به تو نمی رسد. به من وصیت کرده شده، اما باید حج بگذارم و مسئله را کاملاً روشن کنم. ابوحنیفه گفت: من هم می خواهم به حج بروم.

وقتی به مکه رسیدیم و در طواف بودیم، به پیر مردی رسیدیم که نشسته بود و از طواف فارغ شده بود و در حال دعا و تسبیح بود، ابوحنیفه وقتی او را دید، گفت: اگر خواستی، از این شخصی که والاترین مردم است بپرس، زیرا بعد از او کسی والاتر نیست. گفتم: او کیست؟ گفت: امام جعفر بن محمد علیه السّلام. وقتی نشستم و آرام گرفتم، ابوحنیفه از پشت امام جعفر علیه السّلام رفته و نزدیک من نشست و بر امام سلام کرده و او را بزرگ داشت، اندک اندک تعداد زیادی از مسلمانان آمدند و گرد امام نشستند. وقتی دیدم که مردم، آن مرد را گرامی می

1- . تفسير العياشى 1: 144
2- . تفسير العياشى 1: 144

دارند، پشتم گرم شد. ابوحنیفه به من اشاره کرد که حرف بزن. گفتم: فدایت شوم، من مردی از خراسان هستم، مردی در آنجا فوت کرد و مرا در خصوص صدهزار درهم وصی قرار داد و امر کرد که یک جزء آن را به فلان شخص بدهم، یک جزء چه مقدار می شود، فدایت شوم؟!

امام جعفر علیه السّلام فرمودند: ای ابوحنیفه، برای تو وصیت شده، در این خصوص چیزی بگو. ابوحنیفه گفت: جزء یعنی یک چهارم. امام به ابن ابی لیلی فرمود: تو بگو. گفت: یک چهارم. امام فرمودند: از کجا چنین می گویید؟ گفتند: به خاطر سخن خداوند: «فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءا»، {«پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده} امام صادق علیه السّلام به آنها فرمود: - در حالی- که من گ-وش می دادم - می دانم که پرندگان چهار تا بودند، اما کوهها چند تا بودند؟ اجزاء مربوط به کوهها می شوند نه پرندگان. گفتند: ما گمان کردیم که چهار تا هستند. امام صادق علیه السّلام فرمودند: اما کوهها ده تا هستند.(1)

22. المناقب: اصبغ به مردی وصیت کرد و او را وصی ده هزار درهم قرار داد و گفت: هرگاه پسرم به سن بلوغ رسید، هر چقدر دوست داشتی به او بده. وقتی پسر به بلوغ رسید، امام علی علیه السّلام بر آن مرد وارد شد و گفت: دوست داری چقدر به پسر بدهی؟ گفت: هزار درهم. امام علیه السّلام فرمودند: نه هزار درهم به او بپرداز، زیرا تو نه هزار درهم را دوست داری و هزار درهم را برای خود بردار. (2)

23. تفسیر العیاشی: امام رضا علیه السّلام فرمودند: جزء یک ش-ی ء یعنی یک از هفت؛ خ-داوند می فرماید: «لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُوم»، {[دوزخی] که برای آن هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند].}(3)

1- . تفسیرالعیاشی 1: 144
2- . المناقب 2: 201
3- . تفسیر العیاشی 2: 243

24. تفسیر العیاشی: امام رضا علیه السّلام در خصوص مردی که درباره یک جزء از مالش وصیت کرده بود، فرمودند: جزء یعنی یک از هفت، خداوند می فرمایند «لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُوم».(1)

25. المناقب: امتحان الفقهاء: مردی سه غلام داشت که اسم هر سه میمون بود. وقتی که زمان وفات او رسید، گفت: میمون آزاد است و میمون غلام و میمون دیگر هم یکصد دینار ببرد. آزاد کیست؟ غلام کدام است؟ و یکصد دینار برای کیست؟

غلام آزاد، آن است که پیش از همه در خدمت مرد متوفی بوده و بر آن دو نفر باقیمانده هم قرعه انداخته شود. و قرعه بر هر کدام قرار گرفت، برده آن شخص است که آزاد شده و سومین نفر هم نه آزاد است و نه برده و یکصد دینار هم به او پرداخته می شود (منقول از امام زین العابدین علیه السّلام).(2)

- مردی را زمان مرگ فرا رسید. گفت: فلان شخص را نزد من هزار درهم است، البته اندکی کمتر. اندکی چه مقدار است؟ قلیل یعنی نصف. خداوند می فرمایند. «يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ، قُمِ اللَّيْلَ إِلاَّ قَليلاً» {ای جامه به خویشتن فروپیچیده، به پا خیز شب را مگر اندکی}(3) یعنی نصف شب. (به نقل از امام رضا علیه السّلام)

باب چهارم : منجزات مریض - خبر آزاد کردن انصاری در باب فضل وصیت ذکر شده است.

1- . تفسیر العیاشی 2: 244
2- . المناقب 3: 298
3- . المناقب 3: 468

باب های نکاح

باب اول : کراهت تجرّد و تشویق به ازدواج

آیات:

- «وَ سَیِّداً وَ حَصُوراً»(1)

{و بزرگوار و خویشتندار [پرهیزنده از زنان]. }

- «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً»(2)

{و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد. }

- «أَنْکِحُوا الْأَیامی مِنْکُمْ وَ الصَّالِحینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إِمائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ. وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لا یَجِدُونَ نِکاحاً حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذینَ یَبْتَغُونَ الْکِتابَ مِمَّا مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ فَکاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فیهِمْ خَیْراً وَ آتُوهُمْ مِنْ مالِ اللَّهِ الَّذی آتاکُمْ وَ لا تُکْرِهُوا فَتَیاتِکُمْ عَلَی الْبِغاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ مَنْ یُکْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِکْراهِهِنَّ غَفُورٌ رَحیمٌ»(3)

{بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می یابید، قرار بازخرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]، و کنیزان خود را - در صورتی که تمایل به پاکدامنی

1- . آل عمران / 39
2- . النحل / 72
3- . النور / 32 به بعد

دارند - برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است. }

- «وَ هُوَ الَّذی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ کانَ رَبُّکَ قَدیراً»(1)

{و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندیِ] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. }

- «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ»(2)

{و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، قطعاً نشانه هایی است. }

- « جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً وَ مِنَ الْأَنْعامِ أَزْواجاً یَذْرَؤُکُمْ فیه»(3)

{از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد، و از دامها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. }

روایات:

1. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمودند: مردی نزد پدرم آمد، پدرم به او گفت: آیا همسر داری؟ مرد گفت: خیر. امام فرمود: دوست ندارم که همه دنیا و مافیها از آن من باشد و من شبی بدون همسر بگذرانم. آنگاه حضرت فرمود: دو رکعت نماز که شخص متأهل می خواند، برتر است از مردی که شب را به نماز می ایستد و روز را روزه می دارد، در حالی که مجرد است. سپس پدرم هفت دینار به او بخشید و فرمود: با اینها ازدواج کن. این مطلب را سال 198 هجری برایم بازگو

1- . الفرقان / 54
2- . الروم / 21

3- . الشورى / 11

نمود و آنگاه فرمود: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرموده اند: خانواده تشکیل دهید که باعث فزونی روزیتان می شود.(1)

2. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرموده اند: هیچ بندهای بهتر از همسری صالح و نیکوکار که هرگاه او را ببیند، مسرور شود، و اگر مرد غایب باشد، زن مالش را پاس بدارد و محبتش را در دل حفظ نماید، سودی نبرده است.(2)

3. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند که پیامبر صلّی الله علیه و آله

فرمود: نهایت سعی آدمی آن است که فرزندش شبیه او شود و نیز همسری نیک سیمای دین دار و مرکبی راهوار و مسکنی وسیع داشته باشد.

4. الخصال: ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: سه چیز است که خداوند بنده مؤمن خود را بدانها محاسبه نمی کند:

1. غذایی که می خورد.

2. لباسی که می پوشد.

3. و زن صالحی که مردش را یاری کرده و پاکدامنی خویش را پاس می دارد.(3)

5. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: سه چیز است که راحتی مؤمن در آن است:

1. خانه ای وسیع که محارمش را [از چشم نامحرم] می پوشاند و پریشان حالیاش را مکتوم می سازد.

2. زنی صالح که وی را در دنیا و آخرت یاری می نماید.

3. دختر یا خواهری را که از منزل به بیرون می فرستد [کنایه از پاکدامنی] که یا جنازه اش را تشییع کند یا به تزویج باشد.(4)

6. المحاسن: منصور بن عباس نیز مانند این روایت را نقل کرده.(5)

ص: 275

1- . قرب الاسناد: 11
2- . قرب الاسناد: 11
3- . الخصال 1: 50
4- . الخصال 1: 104
5- . المحاسن: 610

7. الخصال: پیامبر صلّی الله علیه و آله اسلام فرمودند: از دنیا سه چیز برایم محبوب است: زن، عطر و نور چشمم نماز.(1)

8. الخصال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: خداوند عزّوجلّ در چهار کس به روز قیامت بنگرد: آنکه از انسان پشیمانی بگذرد، یا مصیبت دیده ای را یاری کند، یا بنده ای را آزاد سازد، یا مجردی را به خانه بخت بفرستد.(2)

9. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرموده اند: چهار چیز جزء سنتهای پیامبر است: عطر، زن، مسواک، حنا.(3)

10. الخصال: امام علی علیه السّلام فرمود: ازدواج کنید، رسول الله صلّی الله علیه و آله بسیار می فرمود: هر که میخواهد از سنت من پیروی کند، باید ازدواج نماید، همانا از سنتهای من ازدواج است. و در طلب کثرت فرزند باشید، چرا که من فردای روزگار، به واسطه شما بر سایر امتها برتر خواهم بود.(4)

11. جامع الاخبار: امام رضا علیه السّلام فرمودند: در خروس سفید پنج خصلت از خصال انبیاء است: شناخت وقت نماز، غیرت، بخشندگی، شجاعت، سر به زیر داشتن(5)

12. امالی الطوسی: ابوعبدالله امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز باعث سعادتمندی است: همسر همراه و همدل، فرزند نیکو، رزق و روزی که شخص صبحگاهان به دنبال آن می رود و شبانگاه بر خانواده اش باز می گردد.(6)

13. امالی الطوسی: امام رضا علیه السّلام فرمود: زنی از امام باقر علیه السّلام سؤالی کرد و گفت: خداوند تو را نکو دارد، من ترک ازدواج کردهام. امام فرمود: از چه روی؟ زن گفت: هرگز نمی خواهم ازدواج کنم. فرمود: چرا؟ گفت: از این کارم به دنبال فضل و پاکی هستم. فرمود: از این کار روی برگردان، چرا که اگر در ترک

1- . الخصال 1: 108
2- . الخصال 1: 152
3- . الخصال 1: 165
4- . الخصال 2: 405
5- . عیون الاخبار 1: 277
6- . امالی الطوسی 1: 309

ازدواج فضلی بود، قطعاً فاطمه کبری علیها السّلام، نسبت به تو شایسته تر بود، چرا که هیچ کس در فضل و برتری از وی پیشتر نیست.(1)

14. امالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرموده اند: هر کس ازدواج نماید، نیمی از دینش را پاس داشته است، و در نصف دیگر آن باید تقوای خدا پیشه کند.(2)

15. ثواب الاعمال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: دو رکعت نمازی که شخص متأهل به جای

می آورد، برتر است از هفتاد رکعت نمازی که مجرد به پای می دارد.(3)

16. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: به عیسی بن مریم علیه السّلام گفته شد: از چه روی ازدواج نمی کنی؟ گفت: تا چه شود؟ گفتند: صاحب فرزند شوی. گفت: با فرزندان چه کنم؟ که اگر در حیات باشند فتنه کنند و اگر بمیرند، محزون کنند.(4)

17. روضه الواعظین: امام باقر علیه السّلام فرمود: سرگرمی و فرح مؤمن سه چیز است: بهره بردن از زنان، و بذله گویی با برادران، و نماز گزاران به هنگام شب.(5)

18. روضه الواعظین: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر که خواهد خداوند را پاک و مطهر ملاقات نماید، باید که با همسر او را ملاقات کند.(6)

19. روضه الواعظین: و نیز فرمودند: بدترین مردگان شما مجردها هستند.(7)

20. روضه الواعظین: و نیز فرمودند: ای جوانان، هر کدام از شما که توانایی مجامعت دارد، باید که ازدواج نماید وهر که توانایی ندارد، باید که روزه مکرر بدارد چرا که روزه برایش وجاء - بازیابی قدرت - است.(8)

1- . امالی الطوسی 1: 380
2- . امالی الطوسی 2: 132

3- . ثواب الأعمال: 37
4- . مكارم الاخلاق: 268
5- . روضه الواعظين: 373
6- . روضه الواعظين: 373
7- . روضه الواعظين: 374
8- . روضه الواعظين: 374

21. روضه الواعظین: و نیز فرمود: پست ترین مردگان شما عزب ها هستند؟(1)

22. روضه الواعظین: و نیز فرمودند: هر که ازدواج کند، نیمی از عبادت خود را انجام داده است.(2)

23. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: نکاح سنت من است، و هر که از آن روی گرداند از من نیست.(3)

24.جامع الاخبار: و نیز فرمودند: ازدواج کنید و افزون گردید، چرا که من، به واسطه کثرت تعداد شما بر سایر امتها مباهات می کنم، حتی اگر از فرزندان شما سقط شده باشد.(4)

25. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: آنکه ازدواج کرده و در خواب است، نزد خداوند نسبت به روزه دار نماز گزاری که عزب است، برتر است.(5)

26. جامع الاخبار: و نیز فرمود: درهای رحمت خداوندی در چهار موضع گشوده میشوند: هنگام بارش باران، و هنگام نظر انداختن فرزند بر چهره والدینش، و هنگام گشوده شدن دروازه کعبه، و به هنگام نکاح.(6)

27. جامع الاخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله به مردی به نام عکاف فرمود: آیا همسر داری؟ گفت: خیر. فرمود: آیا کنیز داری؟ گفت: خیر یا رسول خدا. فرمود: آیا توان مالی داری؟ گفت: آری. فرمود: ازدواج کن، در غیر این صورت از گناه کاران خواهی بود.(7)

28. جامع الاخبار: در روایتی دیگر آمده که فرمودند: ازدواج کن، در غیر این صورت از راهبان مسیحی خواهی بود.(8)

1- . روضه الواعظین: 374
2- . روضه الواعظین: 375
3- . جامع الاخبار: 103
4- . جامع الاخبار: 103
5- . جامع الاخبار: 103

6- . جامع الاخبار: 103
7- . جامع الاخبار: 103
8- . جامع الاخبار: 103

29. جامع الاخبار: و در روایتی دیگر آمده است: ازدواج کن، در غیر این صورت از برادران شیاطین خواهی بود.(1)

30. جامع الاخبار: روایت شده که امام حسن علیه السّلام با افزون بر دویست نفر ازدواج کرد و گاه در یک جلسه عقد، چهار نفر را به عقد خویش در می آورد.(2)

31. جامع الاخبار: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: بدترین شما، عزب های شما و عزب ها برادران شیاطین هستند.(3)

32. جامع الاخبار: و نیز فرمودند: بهترین افراد امت من متأهلان هستند و بدترینشان عزب ها.(4)

33. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر که در ازدواج حلال قدم بردارد، خداوند آنها را به هم رسانده و حورالعین را به ازدواج او درآورده و هر گامی که بردارد و یا هر کلمه ای که بگوید، خداوند عبادت یک سال را برایش منظور دارد.(5)

34. نوادر الراوندی: موسی بن جعفر علیه السّلام به نقل از پدران بزرگوارشان و به نقل از پیامبر اسلام فرمودند: هر کس در جوانی ازدواج کند، فریاد واویلای شیطان برآید که یک سوم دینش را از من مصون داشت، و خداوند هم دو سوم دین بنده اش را محفوظ می دارد.(6)

35. نوادر الراوندی: پیامبر اسلام فرموده اند: هر که خواهد خداوند را پاک و مطهر ملاقات کند، باید که هم-راه زوجه اش باشد.(7)

36. نوادر الراوندی: و نیز فرموده اند: هر که خواهد بر سرشت و طینت من باشد، باید که از سنتم پیروی کند و از سنت من، نکاح است.(8)

1- . جامع الاخبار: 103
2- . جامع الاخبار: 103
3- . جامع الاخبار: 104
4- . جامع الاخبار: 104
5- . جامع الاخبار: 104

6- . نوادر الراوندی: 12
7- . نوادر الراوندی: 12
8- . نوادر الراوندی: 35

37. نوادر الراوندی: و نیز فرمود: دنیا چون متاعی است و بهترین متاع آن همسر صالح است. (1)

38. نوادر الراوندی: و نیز فرمودند: عزبهایتان را به ازدواج درآورید، چرا که خداوند اخلاق ایشان را نیکو گردانیده وروزیشان را فزونی بخشیده و جوانمردیشان را افزایش دهد.(2)

39. الهدایه: نکاح سنت پیامبر است و از وی نقل شده که فرمود: از سنت من ازدواج است وهر که از این سنت روی گرداند از من نیست. (3)

40. الهدایه: و نیز فرمودند: در اسلام هیچ بنایی نزد خداوند، محبوب تر از ازدواج نیست.(4)

41. کتاب الغایات: امام علی علیه السّلام فرمود: دزدترین دزدها کسی است که از زبان امیر سرقت کند، و بزرگترین خطاها، گرفتن مال مسلمان به ناحق است، و برترین شفاعت ها آن است که میان دو نفر در نکاح شفاعت شود تا به هم برسند.(5)

42. کتاب الامامه والتبصره: پیامبر فرموده اند: بدترین افراد امت من عزب ها هستند.

1- . نوادر الراوندی: 35
2- . نوادر الراوندی: 36
3- . الهدایه: 67
4- . الهدایه: 67
5- . کتاب الغایات: 86

باب دوم : فضیلت حب النساء و مدارا کردن با آنها و نیز مذمت ایشان و نهی از اطاعت کردن از آنها

آیات:

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِکُمْ وَ أَوْلادِکُمْ عَدُوًّا لَکُمْ فَاحْذَرُوهُم»(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید.}

روایات:

1. علل الشرایع و امالی الصدوق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: مردی از یاران امام علی علیه السّلام از زنان خود شکایت کرد، امام علیه السّلام بر پای خاست و خطابهای فرمود: ای مردم، از زنان در هیچ حالتی اطاعت نکنید و ایشان را بر هیچ مالی مورد اعتماد قرار ندهید. نگذارید تا امر اهل خانه را تدبیر کنند، زیرا اگر آنها را به خواسته اشان واگذارید، در مصیبتها واردتان کنند و امر صاحب خویش را به چالش کشند. آنها به هنگام حاجتمندی هیچ تقوایی ندارند و به هنگام شهوت نیز بی صبرند. اعتلا و برتری نمودن لازمه آنهاست حتی اگر به سن بالا برسند. خودپسندی همراه و ملازم آنهاست، گرچه ناتوان باشند. چون از نعمت اندک منع شوند، سپاس نعمت فراوان را به جای نمی آورند. کارهای نیک را به فراموشی می سپرند. در عصیان و طغیان پافشاری می کنند. به شیطان متوسل می شوند. پس

1- . التغابن: 14

در هر حالتی با آنها مدارا کنید. و سخن نیک به آنها بگویید، باشد که کارهایشان را اصلاح نمایند.(1)

2.امالی الصدوق: أمیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: اهل دین علاماتی دارند که به آنها شناخت-ه می شوند: راستی گفتار، ادای امانت، وفای به عهد، صله رحم، ترحم بر ضعیفان، کمی زحمت برای دیگران، بخشش، اخلاق نیکو، پیروی از علم و آنچه که آنها را به خداوند نزدیک می سازد. بهشت بر ایشان باد و عاقبت به خیر شوند. (2)

3. امالی الصدوق: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدرانشان و به نقل از امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: عقل زنان در زیبایی شان و جمال مردان در عقل آنهاست.(3)

4. امالی الصدوق: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: از زنان بد بپرهیزید و از خوبهای آنها بر حذر باشید. اگر شما را به کار نیک فرمان دادند، مخالفتشان کنید تا در کار زشت بر شما طمع نکنند.(4)

5. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدرشان فرمودند: هر که همسری برگزیند، باید که اکرامش کند، زیرا زن وسیله سرگرمی و فراغ بال شماست؛ و هر که او را برگزیند، نباید که تباهش کند.(5)

6. قرب الاسناد: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: جماعتی دعایشان اجابت نمیشود. مردی که همسرش با تمام توان وی را آزار می کند و مرد در این خصوص همسرش را لعنت می کند و میگوید: خدایا مرا از دست او را راحت کن. و خداوند در جواب میفرماید: ای بنده من! آیا من امر او را به تو واگذار نکردم، اگر خواستی او را طلاق ده و رهایش کن و اگر خواستی او را نگهدار.(6)

1- . علل الشرایع: 512 و امالی الصدوق: 206
2- . امالی الصدوق: 221
3- . امالی الصدوق: 228
4- . امالی الصدوق: 304
5- . قرب الاسناد: 34

6- . قرب الاسناد: 38

7. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدرانشان و به نقل از رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خدای را، خدای را در نظر گیرید، در خصوص دو ضعیف: یتیم و زن: بهترین شما کسانی هستند که برای خانواده بهترین باشند. (1)

8. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از خدا در مورد دو ضعیف بترسید که منظور یتیم و زنان هستند.(2)

9. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر کس گفتارش راست باشد، عملش نیز پاک است و هر کس نیتش نیکو باشد، خداوند روزیاش را فزونی بخشد و هر کس نسبت به خانواده اش نیکوکار باشد، خداوند عمرش را طولانی گرداند.(3)

10. الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: فتنه ها سه تا هستند: عشق به زن که شمشیر شیطان است، و شرب شراب که دام شیطان است، و عشق دینار و درهم که تیر شیطان است. هر کس به زنان عشق بورزد، از زندگی بهره نخواهد برد. هر که شراب را دوست بدارد، بهشت بر او حرام گردد؛ و هر که دینار و درهم را دوست بدارد، غلام دنیا است.(4)

11. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: پنج چیز از پنج کس محال است: نصیحت از شخص حسود، مهر و شفقت از دشمن، حرمت داشتن از آدم فاسق، وفا از زن و هیبت و بزرگی از فقیر.(5)

12. الخصال: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اولین چیزهایی که خداوند به واسطه آنها مورد عصیان قرار می گیرد، شش خصلت است: حب دنیا، حب ریاست، حب طعام، حب زنان، حب خواب، حب رفاه و راحت.(6)

1- . قرب الاسناد: 44
2- . الخصال 1: 22
3- . الخصال 1: 55
4- . الخصال 1: 71
5- . الخصال 1: 186

6- . الخصال 1: 234

13.امالی الطوسی - امالی المفید: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرموده اند: چهار چیز باعث فساد قلب می شود: خلوت با زنان، و حرف شنوی از ایشان، و بر گرفتن رأی آنها، و همنشینی با مردگان. گفته شد: ای رسول خدا، مجالست با مردگان چیست؟ فرمود: مجالست با گمراهان از ایمان و متجاوزان از احکام.(1)

14. امالی الطوسی: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکُم(2) [انفاق کنید از آنچه روزی تان ساختیم] انفاق کنید از آنچه که خداوند روزیتان ساخت در آنچه برایتان واجب گرداند و تقوای خدا پیشه کنید در باب دو ضعیف، یعنی زنان و یتیم، چرا که آنها عورت و حریم شما هستند. (3)

15. امالی الطوسی: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: کامل ترین مؤمنین از نظر ایمان، خوش اخلاق ترین آنها هستند و بهترین شما، کسانی هستند که با زنان خود بهترین رفتار را بکنند.(4)

16. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: زن از مرد خلق شده و تمام همّ و غمش در رسیدن به مرد است، پس زنان خود را دوست بدارید؛ و مرد از زمین خلق شده وتمام همّ و غمش در رسیدن به زمین است.(5)

17. عیون الاخبار: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: زن را ده عورت است، اگر ازدواج کند یک عورت او پوشیده می شود و اگر بمیرد همه عورتهایش پوشیده می شوند.(6)

18. علل الشرایع: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: زنی از اهل بادیه نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمد در حالی که دو کودک داشت، یکی را در بغل و آن دیگری [به دنبالش] پیاده می رفت. پیامبر صلّی الله علیه و آله قرص نانی

1- . امالی الطوسی 1: 81 ، امالی المفید: 168
2- . بقره / 254
3- . امالی الطوسی 1: 380

4- . امالی الطوسی 2: 6
5- . علل الشرایع: 498
6- . عیون الاخبار 2: 39

به او داد: زن نان را میان آن دو تقسیم کرد. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: زنان بچه دار مهربان، اگر بازیگوشی فراوانشان نبود، نمازگزارانشان به بهشت می رفتند.(1)

19. بصائرالدرجات: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: در نامه ای که پیامبر صلّی الله علیه و آله

بر علی علیه السّلام املاء کردند، چنین آمده: اگر بدشگونی در چیزی باشد، در زنان است.(2)

20. السرایر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: هر که محبتش به ما بیشتر باشد، محبتشان به زنان و شیرینی هم شدید است.(3)

21. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله هر گاه که اراده جنگ می کرد، زنانش را فراخوانده و با آنها مشورت می کرد و سپس بر خلاف نظرشان اقدام می نمود.(4)

22. مکارم الاخلاق: حضرتش فرمودند: اطاعت از زن باعث پشیمانی است.(5)

23. مکارم الاخلاق: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله ذکر زنان کرده و فرمودند: آنها را به کار نیک موعظه کنید قبل از آنکه شما را به منکرات امر کنند و از زنان بد به خدا پناه برید و از نیکان آنها نیز بر حذر باشید.(6)

24. مکارم الاخلاق: امام باقر علیه السّلام فرمودند: در خلوت و پنهانی با آنها مشورت نکنید و از امر آنها در خصوص بستگان خود اطاعت نکنید. زن اگر پیر شود، قسمت خوبش که همان زیبایی است برود و قسمت شرّش که عقیم شدن و تند زبانی است بماند. و اگر مرد پیر شود، نیمه شرّش رفته و نیمه خیرش باقی ماند، یعنی عقلش ثبات یافته و رای و نظرش استحکام یابد و جهل و نابخردیاش کم شود.(7)

1- . علل الشرایع: 598
2- . بصائرالدرجات: 43
3- . السرائر: 497

4- . مكارم الاخلاق: 264
5- . مكارم الاخلاق: 265
6- . مكارم الاخلاق: 265
7- . مكارم الاخلاق: 265

25. مکارم الاخلاق: امام علی علیه السّلام فرموده اند: هر مردی را که زنش تدبیر امورش را کند، ملعون است.(1)

26. مکارم الاخلاق: و نیز فرمودند: در مخالفت با آنها برکت نهفته است.(2)

27. مکارم الاخلاق: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله فرمودند: هرکس از زن خود اطاعت کند، خداوند او را با صورت در آتش دوزخ خواهد انداخت. امّا آن اطاعت چیست؟ فرمود: آنگاه که زن از شوی خود بخواهد که به حمام ها، عروسی ها، جشنها، ماتم سراها رفته و یا لباس نازک طلب کند و مرد نیز اجابت نماید.(3)

28. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر چقدر که ایمان بنده افزون گردد، محبتش نسبت به زنان بیشتر می شود.(4)

29. نوادر الراوندی: و نیز فرمودند: به أهل بیت نبوت هفت چیز اعطا شده که به هیچ کس پیش از ما اعطا نشده و پس از ما هم اعطا نخواهد شد: سحرخیزی، فصاحت گفتار، بزرگ منشی، شجاعت، علم، بردباری و محبت نسبت به زنان.(5)

30. نهج البلاغه: امام علی علیه السّلام فرموده اند: زن چون عقرب است امّا نیش شیرین دارد.(6)

31. نهج البلاغه: و نیز بعد از جنگ جمل در مذمّت زنان فرمودهاند: ای مردم، زنان ایمانی ناقص و بهره ای ناقص و عقلی ناقص دارند. امّا نقصان ایمانشان به خاطر این است که در زمان حیض از نماز و روزه باز می مانند. و امّا نقصان عقلشان به خاطر این است که شهادت دو نفر از آنها مساوی است با شهادت یک مرد. و امّا نقصان بهره مندی آنها، در ارث بردن است که نصف مردان ارث میبرند پس از زنان بد بپرهیزید و از نیکان آنها هم بر حذر باشید، حتی در کار نیک هم از آنها اطاعت نکنید تا مبادا در انجام منکرات بر شما طمع ورزند.(7)

1- . مکارم الاخلاق: 265

2- . مکارم الاخلاق: 265
3- . مکارم الاخلاق: 265
4- . نوادر الراوندی: 12
5- . نوادر الراوندی: 15
6- . نهج البلاغه 3: 164
7- . نهج البلاغه 1: 125

باب سوم : اصناف زنان و صفات آنها، بدان و خوبان آنها و سعی در انتخاب کردن آنها و دعا در این خصوص

آیات:

- «مِنْ کَیْدِکُنَّ إِنَّ کَیْدَکُنَّ عَظیم»(1)

{بی شک، این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است.}

- «وَ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیَّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً»(2)

{و کسانی اند که می گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنیِ چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.}

- «وَ مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَهِ وَ هُوَ فِی الْخِصامِ غَیْرُ مُبینٍ»(3)

{آیا کسی [را شریک خدا می کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در [هنگام] مجادله، بیانش غیر روشن است؟}

- «عَسی رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَکُنَّ أَنْ یُبْدِلَهُ أَزْواجاً خَیْراً مِنْکُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ ثَیِّباتٍ وَ أَبْکاراً» (4)

{اگر پیامبر، شما را طلاق گوید، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما: مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، عابد، روزه دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد.}

1- . یوسف / 28
2- . الفرقان / 74
3- . الزخرف / 18
4- . التحریم / 5

روایات:

1. قرب الاسناد: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز مادر فقر است: سلطانی که اگر به او نیکی کنی سپاس-گزاری نکند و اگر بدی کنی نبخشد. چشمش مدام در تعقیب توست و قلبش بدی تو را می خواهد؛ اگر نیکی ببیند آن را دفن کرده و افش-ایش نمی کند و اگر بدی ببیند آن را اظه-ار کرده و پخ--ش می کند؛ و همسری که اگر او را ببینی، خوشحال نمی شوی و اگر پنهان شوی [به سفر روی] به او مطمئن نباشی. (1)

2. معانی الاخبار، امالی الصدوق، الخصال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: بدیها را به یکدیگر یادآوری کنید. سپس فرمودند، بدشگونی در سه چیز است: زن و مرکب و خانه. امّا بدشگونی زن کثرت مهریه و نافرمانی و عصیان بر همسرش است. امّا بدشگونی مرکب در بداخلاقی و سواری ندادنش است. امّا بدشگونی خانه در تنگی حیاطش و همسایه های بد و عیوب زیادش است.(2)

3. الخصال: از وصایای پیامبر صلّی الله علیه و آله به امام علی علیه السّلام: چهار چیز است که کمر را می شکند. امامی که گناه می کند و امرش مورد اطاعت است. زنی که زیبایی رویش او را نگهداشته و او خیانت می کند. فقری که صاحبش راه چاره ای برای آن نمی یابد. همسایه بد در محل سکونت.(3)

4. الخصال: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زن--ان چه--ار گروهند 1- پرخی--ر و برکت 2- پرزاد و ولد 3- مصیبت بدکردار 4- وبال گردن.

توضیح: شیخ صدوق در این مورد گفته است: «جامع مجمع» به معنای کثیرالخیر است. «ربیع مربع» یعنی زنی که در بغل بچه ای و در شکم هم بچه ای دیگر دارد. «کرب مقمع» نیز بمعنای زن بداخلاق با شوهر است. «غلّ قمل» نیز به معنای زنی است که مانند نواری چرمین باشد که شپش ها روی آن جمعند و

1- . قرب الاسناد: 40

2- . معانی الأخبار: 152 ، الخصال 1: 62 ، امالی الصدوق: 239
3- . الخصال 1: 137

برگردن شوهر چون وبالی است که خون او را می مکند، امّا مرد نمی تواند از دست آن راحت شود. و این ضرب المثلی در میان عرب است.(1)

5. معانی الاخبار: از احمد بن ادریس به نقل از عبدالله بن عیسی از پدرش از ابن مغیره به نقل از السکونّی مانند این روایت آمده است.(2)

6. معانی الاخبار و الخصال: از زید بن ثابت نقل شده که گفت: پیامبر اسلام فرمودند ای زید، ازدواج کردهای؟ گفتم: خیر. فرمودند: ازدواج کن تا عفیف بمانی، و با پنج شخص ازدواج نکن. زید گفت: آنها کیستند؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با شهبره - لهبره - نهبره - هیدره و لفوه ازدواج نکن. زید گفت: ای رسول خدا، از آنچه فرمودی چیزی نفهمیدم و آخرین اسم را هم نشنیده ام. پیامبر فرمود: آیا عرب نیستی؟ ! اما الشهبره، یعنی چشم آبی بددهان و لهبره به معنای بلند و لاغر است و نهبره قدکوتاه زشت است و هیدره پیرزن گوژپشت باشد و لفوه یعنی زنی که فرزندی از دیگری دارد.(3)

7. معانی الاخبار: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: بد یمنی در سه چیز است: در مرکب، زن و خانه. امّا شوم بودن زن در مهریه زیادش و سختی زایمانش است. و شومی مرکب هم بداخلاقی و فراوانی بیماری اش است. و اما شومی خانه هم در تنگ بودن و خباثت همسایه های آن است. و نیز فرمودند: از برکات زن، کمی مخارج و زادن آسان اوست و از شومی زن، زیادی مخارج و سخت زادن است.(4)

8. امالی الطوسی: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: بهترین زنان پنج گروه هستند... و فرمود: مطیع و نرم خوی و سازگار باشد که اگر شوهرش از او عصبانی باشد، حتی سرمه بر چشم نکشد تا اینکه او را راضی سازد و اگر شوهر در

1- . الخصال 1: 165
2- . معانی الاخبار: 317
3- . معانی الاخبار: 318
4- . معانی الاخبار: 152

غیبت باشد، امانت او را محفوظ دارد. این زن از کارگزاران خداست که هرگز شکست نمی خورد.(1)

9. امالی الطوسی: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: زنان چهار دسته اند: جامع مجمع - ربیع مربع - کرب مقمع و غل قمل(2) که خداوند او را بر گردن هر که خواهد قرار می دهد و از ه-ر که بخ-واهد دور می سازد.(3)

10. معانی الاخبار: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم! بپرهیزید از گل و گیاهی که در تفاله حیوانات رشد کرده است. گفته شد: ای رسول خدا، منظور از گیاه تفاله چیست؟ فرمود: زن زیباروی که در زیستنگاه بد باشد. شیخ صدوق گفته است: ابو عبیده در این خصوص گفته: منظور پیامبر فساد در خاندان و نسب است. چون بیم آن رفته است که زن، نامناسب باشد. و پیامبر، زن زیباروی را خضراء الدمن توصیف کرده، به خاطر تشبیه آن به درخت سرسبزی که در پهن گاو روییده و معنای دمن، تفاله شتر و گوسفند است. و چه بسیار که در میان این تفاله ها گیاهان زیبا بروید در حالی که ریشه در پهن دارد. سیمای آنان زیبا، اما محل رویش آنها فاسد است. شاعر گفته است:

گاه گل و گیاه بر روی خاکروبه زمین می روید و آتش کینه دلها به همان صورت بماند.

این بیت ضرب المثلی است برای کسی که در ظاهر اظهار مودت می کند و در دلش عداوت است.(4)

1- . امالی الطوسی 1: 379
2- . احمد بن محمّد خالد برقی گفت: «جامع مجمع» «یعنی پر خیر و حاصلخیز و «ربیع مربع» زنی که فرزندی در دامن دارد و فرزندی در شکم، و «کرب مقمع» یعنی بدخو و بد رفتار با شوهرش، و «غلّ قمل» آنکه در پیش شوهرش مانند قلّاده پر شپش باشد، و آن قلّاده ای است از پوست که شپش در او افتاده باشد و شخص را آزار دهد و چاره ای نتواند کرد، و این یک ضرب المثل عرب است. (مراد آنست که مانند قلّاده ای به گردن انسان طوق است که نه تحمّل آن را می تواند بکند و نه قدرت طلاق او را

از سنگینی مهر دارد). {به نقل از من لا یحضره الفقیه / ترجمه غفاری، علی اکبر ومحمد جواد و بلاغی، صدر، ج 5، ص: 14 }
3- . امالی الطوسی 1: 379
4- . معانی الاخبار: 316

11. معانی الاخبار: ابراهیم کرخی گفت: به امام جعفر صادق علیه السّلام عرض کردم: زوجه ام فوت نموده، وی با من یار و موافق بود، اکنون قصد ازدوج دارم. امام فرمود: بنگر که خود را در چه جایگاهی قرار می دهی و چه کسی را در مالت شریک کرده و بر دین و راز و امانت خود آگاه می سازی؛ اگر ناچار به این کار هستی، پس باکره ای انتخاب کن که به خیر و حسن اخلاق مزین و منسوب باشد و بدان که زنان مانند این گفتارند:

- زنان به اشکال مختلف خلق شده اند، برخی از آنها همچون غنیمت اند.

- و برخی چون هلال ماهند برای صاحبانشان آنگاه که بدرخشد، و برخی تاریکی اند.

- هر کس به زنان صالح دست یافت خوشبخت می شود و هر کس زیان کرد، هیچ راه چاره و انتقامی ندارد.

آنها سه گروهند: زن مهربان، پر زاد و ولد که شویش را برای دنیا و آخرت یاری می رساند و همراه با مصیبتهای دنیا علیه شوهرش نمی باشد، و زن عقیم و زشت روی و بد خلق که همسرش را بر کار خیر یاری نمی کند، و نیز پر خاشگر، پرسه زن و سخن چین که زیاد را کم می شمارد و اندک را قبول نمی کند.(1)

12. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: زن چون گردنبند است، پس نیک بنگر که چه چیز را بر گردن آویزان می کنی. زن را نمی توان ارزش نهاد، نه برای نکوکارانشان و نه برای زیانکارانشان. اما نیکوکاران آنها، ارزششان چون طلا و نقره نیست، چرا که ایشان برتر از طلا و نقره اند. اما زیانکارانشان هم ارزششان به اندازه خاک هم نیست، چرا خاک از آنها بهتر است.(2)

13. عیون الاخبار: رسول اکرم صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنانی که تاکنون سوار بر پشت شتر شده اند، زنان قریش اند، چون مهربانترین زنان نسبت به شویشان هستند.(3)

1- . معانی الاخبار: 317

2- . معانى الاخبار: 144
3- . عيون الاخبار 2: 62

14. قصص الانبیاء: امام باقر علیه السّلام فرمودند: در بنی اسراییل مردی عاقل و ثروتمند بود. پسری داشت از زنی عفیفه که در شکل و شمایل به او شبیه بود، دو فرزند هم از زنی غیر عفیفه داشت. هنگام مرگ به آنها گفت: مال من تنها از آن یکی از شماست. وقتی مرد، پسر بزرگ گفت: آن فرزند من هستم، فرزند وسط و کوچک نیز چنین گفتند. پس به دعوا افتاده و به نزد قاضی رفتند. قاضی گفت: در خصوص شما حکمی ندارم. نزد سه فرزند غنام بروید. آنها نیز نزد یکی از آنها رفتند و پیر مردی را دیدند. پیر مرد به آنها گفت: بر برادرم که از من بزرگتر است وارد شوید و از او بپرسید. برادران بر او وارد شدند و مردی مسن را دیدند. او هم گفت، نزد برادر بزرگترم بروید. آنها هم بر سومین برادر وارد شدند، ناگاه دیدند که وی از لحاظ ظاهری از نظر دو نفر قبلی جوانتر است. از او درباره وضعیت آنها پرسیدند، گفت: امّا برادرم راکه در ابتدا دیدید، از من کوچکتر است، زنی بد دارد که بر او بدی می کند و برادرم هم از روی ترس و اینکه مبادا به بلایی دچار شود که طاقتش را ندارد، صبر پیشه کرده و همین مسئله او را پیر کرده. امّا برادر دوم من، زنی دارد که گاه بدی می کند و گاهی هم باعث مسرّت او می شود و به این خاطر برادرم اندک جوانی ای دارد. و اما من همسری دارم که مرا مسرور می کند و به من بدی نمی کند. از او، از زمانی که در کنار من است، هیچ گونه بدی به من نرسیده و جوانی ام را به خاطر او دارم. و امّا سخن شما نیز سخنی عجیب است. اولاً بروید قبر او را بشکافید و استخوانهایش را در آورید و بسوزانید و نزد من آورید تا در میانتان قضاوت کنم. آنها رفتند و جوانتر آنها شمشیر پدرش را برداشت و آن دو برادر که از زن غیر عفیفه بودند، کلنگ برداشتند وقتی خواستند به کار بپردازند، پسر جوانتر گفت: قبر پدرم را نشکافید، من سه-م خود را به شما می دهم. سپس نزد قاضی رفتند. قاضی گفت: این کار برادرتان شما را محکوم می کند، اموال را نزد من آورید و به پسر کوچکتر گفت: اموال را بردار، چرا که اگر آن دو نفر پسرانش بودند، حتماً مهر و رقّت قلب بر آنها وارد می شد، همچنان که بر فرزند کوچک وارد شد.

15. فقه الرضا: هر گاه خواستی ازدواج کنی، استخاره کن، دو رکعت نماز گزار و دستانت را بلند کن و بگو: خدایا، من می خواهم ازدواج کنم، پس از میان

زنان بهترین آنها را از لحاظ خلقت برایم به آسانی فراهم ساز. کسی که عفیف ترین باشد و بیشترین اهتمام و محافظت را نسبت به من و مالم داشته باشد و از لحاظ زیبایی کامل باشد و فرزندان بسیار داشته باشد. و بدان که زنان بر اصناف مختلفی هستند: برخی از آنها همچون غنیمت و غرامت می باشند، یعنی به شوی خود عشق می ورزند و او را دوست دارند، و برخی چون هلال ماهند آنگاه که بدرخشد، و برخی چون تاریکی مطلق و عبوسند؛ و هر کس بر زنان نیکو دست یابد سعادتمند می شود و هر کس نصیبش زنان ناصالح باشد، مبتلای به بدبختی است و هیچ راه چاره و انتقامی ندارد. زنان سه دسته اند: زن پر زاد و ولد و مهربان که همسرش را در برابر مشکلات روزگار یاری کرده و در دنیا و آخرتش یاریگر اوست و علیه او با روزگار همپیمان نیست، و نیز زن نازا و زشت روی که در کار خیر به شویش کمک نمی کند، و زن پرصدا و پرخاشگر که رفت و آمد بسیار دارد، سخن چین است، مال بسیار را اندک می شمارد و مال اندک را هم قبول نمی کند. مبادا فریب کسی را بخوری که این صفتها را دارد؛ چرا که پیامبر خدا فرمود: بپرهیزید از خضراء الدمن (گل و سبزه در تفاله حیوانات). گفته شد: یا رسول الله، خضراء الدمن چیست؟ فرمود زن نیکو سیمایی که در محل کثیفی رشد کرده.(1)

16. مکارم الاخلاق: امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمودند: هرکه قصد ازدواج دارد، باید زنی انتخاب کند که قامتی میانه و شانه هایی فراخ، و رنگ پوستی گندم گون داشته باشد. اگر از او بهره مند نشد، مهریه او بر من واجب است.(2)

17. مکارم الاخلاق: از حسین بن بشّار نقل شده که گفت: به موسی بن جعفر علیه السّلام نامه نگاشتم که فامیلی دارم که برای خواستگاری نزد من آمده، امّا سوء اخلاق دارد: فرمودند: اگر سوء اخلاق دارد، دخترت را به ازدواج او درنیاور.(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . مکارم الاخلاق: 230
3- . مکارم الاخلاق: 232

18. مکارم الاخلاق: ابن أبی یعفور از امام صادق علیه السّلام سؤال کرد: می خواهم با زنی ازدواج کنم امّا والدینم دیگری را می خواهند. امام فرمود: با آن کس که می خواهی ازدواج کن و آن را که والدینت انتخاب کرده اند فرو بگذار. (1)

19. روضه الواعظین: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس با زنی فقط به خاطر زیبایی ازدواج کند، در او آنچه را می خواهد، نخواهید دید. و هر کس با زنی فقط به خاطر اموالش ازدواج کند، خدا او را به همان مال و اموال احاله دهد. پس با زنی دین دار ازدواج کنید.(2)

20. روضه الواعظین: جابر بن عبدالله الأنصاری گوید: همراه رسول خدا صلّی الله علیه و آله نشسته بودیم که اوصاف زنان را برای ما برشمرد و برخی را بر دیگران برتر دانست و فرمود: آیا شما را با خبر سازم؟ گفتیم: آری ای رسول خدا، باخبرمان ساز. فرمود: بهترین زنان شما، زن پر زاد و ولد، مهربان و پوشیده و عزیز نزد خاندانش و سر به راه و رام در نزد شویش می باشد که خویشتن را برای همسر می آراید و نسبت به دیگران در پوشش است. او سخن شویش را گوش داده، امرش را اطاعت می کند، و در خلوت هر چه که شویش بخواهد، می کند، امّا مانند مرد، اظهار شوق و اشتیاق در همبستری نمی کند. (رعایت حیا می کند) سپس فرمود: آیا شما را از زنان بد با خبر کنم؟ گفتند: آری. فرمود: بدترین زنانتان کسانی هستند که در خاندان خود خوار و ذلیل است و نزد همسرش عزیز. عقیم است و کینه توز و از خودنمایی و تبرّج هنگام نبودن شوهر پرهیز ندارد، و اگر در خلوت شوهر رود، از او ممانعت کند، همچنان که مرکب ناراهوار هنگام سوار شدن بر آن ممانعت کند، و از شوی خود هیچ عذری قبول نکند و هیچ گناهی را بر او نبخشد.(3)

21. روضه الواعظین: پیامبرصلّی الله علیه و آله فرمودند: با دختران باکره ازدواج کنید، چرا که خوشبوترین از نظر دهان و پرحاصلترین از نظر فرزند و

1- . مکارم الاخلاق: 272
2- . روضه الواعظین: 474
3- . روضه الواعظین: 474

نیکوترین از نظر اخلاق و گشودهترین از نظر رحم، گشادهتر، پر نعمتتر و لطیف ترند.(1)

22. روضه الواعظین: امام صادق علیه السّلام فرمودند: پیامبر صلّی الله علیه و آله برای خطبه برخاست و فرمود: بپرهیزید از سبزی روییده در خضراء الدمن. گفته شد: ای رسول خدا، خضراء الدمن چیست؟ فرم-ود: زن زیب-اروی در رویشگاه بد. (2)

23. روضه الواعظین: امام صادق علیه السّلام فرمودند: برای زن نمی توان قیمتی گذاشت، نه برای خوبهایش و نه بدهایش: زیرا زنان صالح قیمتشان به طلا و نقره نیست، چون آنها از طلا و نقره بالاترند و امّا زنان ناصالح، ارزششان به اندازه خاک هم نیست، چرا که خاک از آنها قیمتی تر است. (3)

24. روضه الواعظین: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: از اخلاق انبیا، محبت به زنان است.(4)

25. روضه الواعظین: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان امت من، خوش روی ترین آنها و کم مهریه ترین آنهاست.(5)

26. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز باعث سعادتمندی انسان است: همنشینان صالح، فرزند نیکو، زن دمساز، و اینکه معیشت و کارش در شهرش باشد.(6)

27. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هیچ اسبی ماندگارتر از اسب سیاه و هیچ زنی چون دختر عمو نیست.(7)

1- . روضه الواعظین: 375
2- . روضه الواعظین: 375
3- . روضه الواعظین: 375
4- . روضه الواعظین: 375
5- . روضه الواعظین: 375
6- . نوادر الراوندی: 11

7- . نوادر الراوندى: 12

28. نوادر الراوندی: برای نطفه های خود همسری مناسب برگزینید، زیرا دایی یکی از دو همبستر است {خصوصیات دایی روی فرزند تاثیر می گذارد }.(1)

29. نوادر الراوندی: پیامبر خدا فرمودند: با همسنگان خود ازدواج نمایید و برای نطفه های خود همسر مناسب اختیار کنید. بپرهیزید از نکاح با زنگیان، چرا که آنها اخلاق ناپایدار و نامناسب دارند. (2)

30. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با دختران باکره ازدواج کنید، چرا که دهانی شیرین و ارحامی گشاده دارند و به سرعت یاد می گیرند و مودت و محبت آنها محکم تر است.(3)

31. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با زنان چشم آبی ازدوج کنید، چرا که در آنها خیر و برکت است.(4)

32. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان چهار دسته اند: ربیع مربع [پر زاد و ولد چون بهار] و جامع مجمع [پر خیرو برکت] خرقاء مقمع [احمق و نابود کننده] و عاقر [نازا](5)

33. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با زنان سیه چرده پر زاد و ولد و مهربان ازدواج کنید، ولی با زیبا روی نازا ازدواج نکنید. من در روز قیامت به تعداد شما بر دیگر امتها مباهات می کنم. آیا نمی دانی که فرزندان زیر عرش خداوند رحمان برای پدرانشان طلب بخشش می کنند و حضرت ابراهیم علیه السّلام آنها را در آغوش دارد و ساره علیها السّلام آنها را در میان کوهی از مشک و عنبر و زعفران تربیت می کند.(6)

1- . نوادر الراوندی: 12
2- . نوادر الراوندی: 12
3- . نوادر الراوندی: 12
4- . نوادر الراوندی: 12
5- . نوادر الراوندی: 13
6- . نوادر الراوندی: 13

34. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان عفیفه شما، زنی پرشهوت امّا عفیف است که در عین حال برای همسر خود پر شهوت می نماید.(1)

35. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بپرهیزید از ازدواج با احمقها، چرا که همراهی و مصاحبت با آنها باعث تباهی است و فرزندانشان درنده خوی هستند.(2)

36. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی خواست با زنی ازدواج کند، باید درباره موی او بپرسد، همانطور که درباره صورتش سؤال می کند، چرا که مو یکی از دو زیبایی است.(3)

37. نوادر الراوندی: رسول صلّی الله علیه و آله فرمودند: برترین زنان امّت من زیباترین آنها و نیز کسانی هستند که پایین ترین مهریه را دارند.(4)

38. امالی الطوسی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس را چهار خصلت عطا شود، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده و بهره اش را از دو دنیا برده است: ورع و تقوایی که او را از محارم خدا پاس دارد، حسن اخلاقی که با آن در میان مردم زندگی کند، و صبری که به واسطه آن جهل جاهل را از خود براند، و همسر صالحی که وی را در کار دنیا و آخرت یاری کند.(5)

39. امالی الطوسی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: سیمای نیک نیمی از عقل است، و اندازه داشتن در مخارج نیمی از معیشت است، و زن صالح در دخل و خرج، رعایت حال شوهر را می کند.(6)

40. دعوات الراوندی: حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر که پنج خصلت به او عطا شود، دیگر هیچ عذری در ترک عمل آخرت ندارد: همسر

1- . نوادر الراوندی: 13
2- . نوادر الراوندی: 13

3- . نوادر الراوندی: 13
4- . نوادر الراوندی: 36
5- . امالی الطوسی 2: 189
6- . امالی الطوسی 2: 227

صالح و نیکوکاری که شویش را بر امر دنیا و آخرت یاری می کند، فرزندان نیکوکار و کسب و کار در شهر خود، و حسن اخلاقی که به واسطه آن با مردم مدارا کند، و نیز محبت نسبت به خاندان من.

41. امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: برشما باد ازدواج با باکره اگر چه دور باشد، و استفاده از جاده اگر پر پیچ و خم باشد، و سکونت در شهر اگر چه مردمش ظلم کنند.

42. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: بهترین خصلتهای زنان بدترین خصال مردان است: تکبر یا به خود بالیدن، ترس و بخل. چون اگر زن متکبر باشد، خود را به تمکین دیگری واندارد. اگر بخیل باشد، مال خود و مال شوهرش را محفوظ می دارد و اگر ترسو باشد، از هر چه که بر سر راهش قرار گیرد فرار می کند.(1)

43. مصباح الانوار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: مرا خبر دهید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟ حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: اینکه مرد را نبیند و مردان هم ایشان را نبینند. پیامبر شگفت زده شد و فرمود: فاطمه سلام الله علیها پاره تن من است.

44. کتاب الغایات: حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شویش پرده حیا بر کند.(2)

45. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: زنی که اگر خشمگین شود یا همسرش خشم گیرد، به او بگوید: دستم در دستان توست، سرمه بر چشم نکشم تا زمانی که از من راضی شوی.(3)

46. کتاب الغایات: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بهترین زنان شما کسی است که اگر به او عطای شود سپاسگزاری کند و اگر منع شود راضی باشد.(4)

1- . نهج البلاغه 3: 205
2- . کتاب الغایات: 90
3- . کتاب الغایت: 90

4- . كتاب الغايت: 90

47. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: بهترین زنان شما کسی است که اگر انفاق کند در کار خیر باشد، و اگر امساک کند به خاطر کار خیر باشد، او از عاملان اوامر خداست و عامل خدا هرگز دچار شکست و ناامیدی نمی شود.(1)

48. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: بهترین زنان شما سپید رویان آنها هستند و کسانی که مهریه ایشان پایین است.(2)

49. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: بهترین زنان شما زنان قریشاند که نسبت به همسرانشان با محبتترین و نسبت به فرزندانشان مهربانترینانند. نسبت به همس-ر بی شرم و حیا و نسبت به دیگران محکم و سخت اند. گفتیم که: المجون چیست؟ فرمود: زنی که امتناع نمی کند.(3)

50. کتاب الغایات: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: شما را از بهترین زنانتان آگاه کنم؟ گفتیم: آری ای رسول خدا، فرمود: بهترین زنان شما، پر زاد و ولد، عفیف و پوشیده و عزیز در نزد خاندانش و رام و سر به زیر با شوهرش و سخت و محکم با دیگران است. زنی که حرف شنوی دارد و از فرمان شوهر اطاعت می کند، و هر گاه با او خلوت کند، هر چه بخواهد، ممانعت نکند.(4)

51. کتاب الغایات: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: آیا شما را از بدترین زنانتان آگاه سازم؟ گفتند: آری یا رسول خدا. فرمود: از بدترین زنان شما، زن نازا و کینه توز است که به هنگام غیبت شوهرش از هیچ کار زشتی برای خودنمایی پرهیز نمی کند. و با شویش رام و سر بزیر نبوده و حرف--ش را گ--وش نمی کند و امرش را اطاعت نمی کند. در خلوت با شوهرش از خواسته های او ممانعت می کند، مانند مرکب ناراهواری که سواری نمی دهد. و هیچ عذری را از او نمیپذیرد و هیچ گناهی از او را نمی بخشد.(5)

1- . کتاب الغایت: 90
2- . کتاب الغایت: 90
3- . کتاب الغایت: 90
4- . کتاب الغایت: 90

5- . كتاب الغايات: 92

52. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: بدترین چیز ها زن بد است.(1)

53. کتاب الغایات: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بیشترین دشمنان مردان مؤمن، همسر بد است.(2)

54. کتاب الغایات: و نیز فرمودند: بدترین زنان شما، زنانی بی حیا، عبوس، پرحرف و بد دهان هستند.(3)

1- . کتاب الغایت: 92
2- . کتاب الغایت: 92
3- . کتاب الغایت: 92

باب چهارم : احوال مردان و زنان و معاشرت آنها با یکدیگر و برتری برخی بر دیگران و حقوقی که نسبت به هم دارند.

آیات:

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا یَحِلُّ لَکُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ کَرْهاً وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَنْ یَأْتینَ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ یَجْعَلَ اللَّهُ فیهِ خَیْراً کَثیراً»(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] بَرید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند، و با آنها به شایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می دهد.}

- «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللَّه»(2)

{مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند. پس، زنانِ درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهرانِ خود] را حفظ می کنند.}

1- . النساء: 19
2- . النساء: 34

روایات:

1. علل الشرایع و امالی الصدوق: امام حسن بن علی علیه السّلام فرمودند: شخصی از یهود نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمده و از او درباره مسایلی سؤال کرد، از جمله گفت: ما را با خبر کن، که فضل و برتری مردان بر زنان چیست؟ پیامبر فرمودند: مانند فضل و برتری آسمان و یا همچون فضل آب بر زمین. چون با آب زمین زنده می شود و به واسطه م-ردان، زنان زنده میشوند. و اگر مردان نبودند، زنان خلق نمیشدند. به دلیل سخن خداوند که فرمود: {مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.} یهودی گفت: چرا این چنین است: پیامبر فرمودند: خداوند عزّوجلّ آدم را از گل آفرید و از اضافه آن حوّا خلق شد و اولین کسی که از زنان پیروی کرد، آدم بود که خداوند او را از بهشت پایین آورد و فضل و برتری مردان را بر زنان در دنیا آشکار ساخت. آیا نمی بینی که زنان چگونه حیض می شوند و به خاطر آن نمی توانند عبادت کنند، ولی مردان را چیزی از حیض وارد نمی شود؟ یهودی گفت: راست گفتی یا محمد.(1)

2. الخصال: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: خداوند تبارک برای زن صبوری ده مرد را قرار داده و آنگاه که حامله شود، توان ده مرد دیگر را نیز به او میافزاید.(2)

3. هارون به نقل از ابن صدقه مانند این روایت را نقل کرده است.(3)

4. الخصال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: خداوند عزّوجلّ برای زن صبر ده مرد را قرار داده و آنگاه که به هیجان آید، او را توان ده مرد باشد.(4)

5. الخصال: پیامبراسلام صلّی الله علیه و آله فرمودند: در سه مورد دروغ گفتن نیکوست: نیرنگ در جنگ، وعده به زن، و اصلاح میان مردم. و فرمود: در سه

1- . علل الشرایع: 512 و امالی الصدوق: 192
2- . الخصال 2: 205

3- . قرب الاسناد
4- . الخصال 2: 206

چیز راست گفتن قبیح است: خبرچینی، خبردادن به انسان درباره خانواده اش درمورد چیزی که از آن بدش می آید، تکذیب کردن خبر [بد برای یک شخص] و نیز فرمود: سه گروه هستند که مصاحبت با آنها باعث مرگ قلب می شود: همنشینی با فرومایگان، سخن گفتن با زنان، همنشینی با ثروتمندان.(1)

6. الخصال: از وصایای پیامبر صلّی الله علیه و آله به علی علیه السّلام: ای علی، سه گروهند که مجالست با آنها قلب را می میراند: همنشینی با فرومایگان، مجالست با اغنیا و همصحبتی با زنان.(2)

7. الخصال: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز باعث مرگ قلب می شود: گناه بر گناه افزودن، فراوانی سخن گفتن با زنان، همراهی با احمق در حالی که تو سخن می گویی و او سخن می گوید ولی به راه خیر باز نمی گردد، مجالست با مردگان. گفته شد، ای رسول خدا، مردگان یعنی چه؟ فرمود: ثروتمندان مرفه.(3)

8. الخصال: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، نباید بگذارد که زنش برای حمام از خانه خارج شود.(4)

9. الخصال: از وصایای رسول خدا صلّی الله علیه و آله به امام علی علیه السّلام: ای علی، هر کس از زن خود اطاعت کند، خداوند او را با صورت به آتش خواهد انداخت. علی علیه السّلام فرمود: کدام اطاعت؟ فرمودند: اجازه دهد که زن به حمام و عروسی و مراسم عزا رفته و لباس نازک بپوشد.(5)

10. الخصال: امام علی علیه السّلام فرمودند: هرکس در چهار چیز از زن خود اطاعت کند، خداوند با بینی، او را به آتش می اندازد. گفته شد، کدام اطاعت؟ فرمود: در پوشیدن لباس نازک و رفتن به حمام و عروسی و عزاداری.(6)

1- . الخصال 1: 54
2- . الخصال 1: 82
3- . الخصال 1: 155

4- . الخصال 1: 107
5- . الخصال 1: 130
6- . الخصال 1: 130

11. ثواب الاعمال: امام على عليه السّلام فرمودند: هر كس از همسرش اطاعت كند، خداوند او را با صورت در آتش خواهد انداخت: گفته شد:آن اطاعت چيست؟ فرمود: اگر زن از شويش بخواهد كه به حمام و يا عروسى يا عزادارى رود يا لباس نازک طلب كند و او اجابت كند.(1)

12. الخصال: امام جعفر صادق عليه السّلام فرمودند: چهار كس نمازشان قبول نمى شود. نماز امام ستمكار، مردى كه به سوى قوم و كسانى رود كه او را خوش ندارند و غلامى كه بى دليل از نزد مولايش فرار كند، و زنى كه از خانه بدون اجازه شويش خارج شود.(2)

13. امالى الصدوق: پيامبراسلام صلّى الله عليه و آله نهى فرمودند كه زن بدون اجازه همسر از خانه خارج شود و اگر خارج شد، تمامى فرشتگان آسمان و همه إنس و جنى كه بر او گذر كنند لعنتش مى كنند تا به خانه باز گردد. و نيز فرمودند: زن نبايد غير از همسرش براى ديگرى آرايش كند، و اگر چنين كرد، خداوند حق دارد او را به آتش دوزخ بسوزاند. و نيز نهى فرمودند كه زن نزد نامحرم بيش از پنج كلمه حرف بزند، آن هم از روى ضرورت. و نيز نهى فرمودند كه زن از آنچه در خلوت با شويش انجام دهد، صحبت كند.(3)

14. امالى الصدوق: و نيز نهى فرمودند كه مرد همسر خويش را به حمام وارد كند.(4)

15. امالى الصدوق: و نيز فرمودند: هر زنى كه با زبان شوهرش را آزار دهد، خداوند هيچ عمل خالص و عدالت و نكويى در كردار را از او قبول نكند، تا زمانى كه شوهرش را راضى نمايد، حتى اگر روز را به روزه سپرى و شب را به نماز قيام كند، بندگانى آزاد سازد و در راه خدا سوار بر اسبان شود، او اولين كسى است كه

1- . ثواب الاعمال: 201
2- . الخصال 1: 165
3- . امالى الصدوق: 423
4- . امالى الصدوق: 424

وارد آتش می شود و همچنین است در خصوص مرد، اگر نسبت به همسرش ستم کند.(1)

16. امالی الصدوق: و نیز فرمودند: آگاه باشید! هر کس که بر اخلاق زنی بد اخلاق صبوری کند و در این راه چشم به پاداش داشته باشد، خداوند در آخرت ثواب شاکرین را به او عطا خواهد کرد. و هر زنی که با شویش مدارا نکند و او را بر کاری که قادر به انجام آن نیست وادارد، هیچ کار نیکی از او پذیرفته نمی شود و با خداوند ملاقات خواهد کرد، در حالی که خدا از او خشمگین است.(2)

17. قرب الاسناد: علی از برادرش امام موسی علیه السّلام نقل میکند که از او درباره زنی که بر شویش عصیان کرده پرسیدم که آیا نماز او درست است و حالت او چگونه است؟ فرمود: پیوسته در حالت عصیان خواهد بود تا اینکه شویش از او راضی شود.(3)

18. قرب الاسناد: و نیز گفت: از او پرسیدم، درباره اینکه آیا زن می تواند از خانه همسرش مالی ببخشد، فرمود: خیر، مگر آنکه شوهرش حلال کرده باشد.(4)

19. قرب الاسناد: و نیز گفت: از او پرسیدم درباره اینکه زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ فرمود: خیر.(5)

20. الخصال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی شهوت را ده قسمت نموده که نه تای آن در زنان و یکی در مردان است. و اگر خداوند عزّوجل به تعداد شهوت آنها، برایشان حیا قرار نمی داد، هر مرد را نه زن بود که به او تعلّق داشتند.(6)

21. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: حیا ده قسمت دارد که نه قسم آن در زنان و یک قسم آن در مردان است. هرگاه زن دچار حیض شود، یک قسم

1- . امالی الصدوق: 429
2- . امالی الصدوق: 430

3- . قرب الاسناد: 101
4- . قرب الاسناد: 101
5- . قرب الاسناد: 101
6- . الخصال 2: 204

آن می رود، اگر ازدواج کند قسم دیگری و اگر بکارتش ازاله شود، قسم دیگر و اگر زایمان کند قسم دیگر از بین می رود و فقط پنج قسم از حیای او باق-ی می ماند و اگر به فسق و فجور اقدام کند، همه حیای او از بین می رود و اگر عفّت پیشه دارد، پنج قسم حیا باقی می ماند.(1)

22. الخصال: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله در خطبه ای فرمودند: ای مردم، زنان در نزد شما امانت هستند، آنها برای خود چیزی از ضرر یا منفعت ندارند. شما آنها را برای خود حلال ساخته اید، شما را برایشان حقی است و آنها را بر شما حقی، از حقوق شما این است که به شما خیانت نکرده و در کار خیر بر شما عصیان نکنند، و اگر چنین کردند، آنها را روزی و پوشش مناسب باشد و هرگز آنها را مورد ضرب قرار ندهید.(2)

23. الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: جهاد زن، همسرداری نیکوست و نیز فرمودند: باید که زن مسلمان برای همسر خود از بوی خوش استفاده کند. (3)

24. عیون الاخبار: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: من و فاطمه علیها السّلام بر رسول صلّی الله علیه و آله وارد شدیم، دیدیم که ایشان با شدت گریه می کنند. گفتم: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! چه چیزی باعث گریستن شما شده؟ فرمود: ای علی، شبی که خداوند مرا به آسمان برد، زنانی از امت خود را در عذابی شدید دیدم، از وضعیت آنها مبهوت شدم و از شدت عذاب آنها گریستم. زنی را دیدم که از مویش آویزان بود و مغز سرش می جوشید، زنی را دیدم که از زبانش آویزان بود و آتش در حلقش می ریخت، زنی را دیدم که از پستانهایش آویزان بود و زنی را که گوشت بدنش را می خورد و آتش از زیرش شعله ور بود. و نیز زنی را که پاهایش به دستهایش بسته شده بود و مارها و عقربها بر پیکر او بودند. و زنی کور و کر و گنگ در تابوتی از آتش که مغز سرش از بینی اش بیرون می زد و

1- . الخصال 2: 205
2- . الخصال 2: 84
3- . الخصال 2: 412

بدنش از جذام و برص پاره پاره بود. و زنی را که از پاهایش آویزان بود و در تنوری از آتش قرار داشت، و زنی که گوشت بدنش از پس و پیش با قیچی هایی از آتش بریده بود. و زنی را دیدم که صورت و دستهایش می سوخت در حالی که أمعا و احشای خود را می خورد، و زنی را دیدم که سرش، سر خوک بود و بدنش، بدن الاغ و هزار هزار نوع از عذاب بر او بود، و زنی به صورت سگ که آتش از پشتش وارد می شد و از دهانش خارج می شد و ملائکه سر و بدنش را با چماقهایی از آتش می زدند. فاطمه علیها السّلام فرمود: ای حبیب و نور چشم من، آگاهم ساز که عمل و کردار ایشان چه بود که خداوند این عذاب را برایشان قرار داد؟ پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: امّا آنکه از موی خود آویزان بود، موی خود را بر مردان نمی پوشاند؛ و آنکه از زبان آویزان بود، همسرش را اذیت می کرد؛ و آنکه از پستانهایش آویزان بود، از همبستری با شوهر امتناع می کرد؛ و آنکه از پاها آویزان بود، بدون اجازه همسر از خانه خارج می شد؛ و آنکه گوشت بدنش را می خورد، بدنش را برای مردم زینت می کرد؛ و آنکه دستهایش به پاهایش بسته بود و مارها و عقربها بر او بودند، کثیف و با لباسهای کثیف بود که غسل جنابت و حیض نمی کرد، خود را نظافت نمی کرد و نماز را سبک می شمارد؛ و آن زنی که کور و کر و گنگ بود، از راه زنا بچه دار می شد و به گردن شوهر می انداخت؛ و آنکه گوشت بدنش قیچی میشد، خود را بر مردان عرضه می داشت؛ و آنکه سرش خوک و بدنش الاغ بود، سخن چین و دروغگو بود؛ و آنکه به صورت سگ بود و آتش از دهانش خارج می شد، کنیزک حسود و پر آه و ناله بود. سپس فرمود: وای بر زنی که شویش را خشمگین سازد و خوشا به حال زنی که شویش از وی راضی باشد.(1)

25. علل الشرایع: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: خداوند عزّوجلّ برای زنان غیرت را قرار نداده، و فقط زنان فاقد ایمان رشک می برند، امّا زنان مؤمن چنین نیستند؛ و خداوند عزّوجلّ غیرت را برای مردان قرار داده، زیرا خداوند

1- . عیون الاخبار 2: 10

تعالی چهار همسر و نیز تا جایی که توانایی اش را دارد، برای او حلال ساخته امّا برای زن فقط یک مرد قرار داده و اگر زیاده خواهی کند، زناکار است.(1)

26. تفسیر علی بن ابراهیم: {مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.}(2) یعنی خداوند بر مردان واجب ساخته که بر زنان انفاق کنند. و سپس به مدح زنان پرداخته و فرموده است: {پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند.}(3)یعنی خویشتن را به هنگام غیبت شوهر حفظ نماید. و در روایت أبی الجارود به نقل از امام باقر علیه السّلام آورده که «قانتات» به معنای مطیعات است.(4)

27. ثواب الاعمال: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله

فرمودند: هر زنی که خود را معطر نماید و از خانه خارج شود، مورد لعنت خداست تا اینکه به خانه بازگردد.(5)

28. قصص الانبیاء: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله فرمودند: جهاد زن، شوهرداری نیکو برای همسرش است.

29. قصص الانبیاء: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اگر می خواستم که فرمان دهم شخصی بر دیگری سجده کند، قطعاً دستور می دادم که زن بر شوهرش سجده کند.

30. مکارم الاخلاق: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله: هر کس بر اخلاق بد زنش صبر پیشه کند، خداوند همان صبری را که به حضرت داوود علیه السّلام عطا فرموده، به وی عطا فرماید؛ و هر کس بر خلق بد شوهر خود صبوری کند، خداوند متعال ثواب دختر آسیه را به او عطا فرمایند. (6)

1- . علل الشرایع: 504
2- . النساء / 34

3- . النساء / 34
4- . تفسير على بن ابراهيم 1: 137
5- . ثواب الاعمال: 231
6- . مكارم الاخلاق: 245

31. مکارم الاخلاق: امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: زنی نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمده و گفت: ای رسول خدا، حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: از او اطاعت کرده، سرکشی نکند و از خانه او چیزی صدقه ندهد مگر به اجازه او و روزه مستحبی نگیرد مگر به اجازه شوهر و از او در همبستری ممانعت نکند حتی اگر بر کجاوه باشد. از خانه خارج نشود مگر به اجازه او، که اگر خارج شود، ملایکه آسمان و زمین و فرشتگان رحمت و غضب او را لعنت کنند تا وقتی که به خانه باز گردد.

زن گفت: ای رسول خدا: چه کسی بزرگترین حق را نسبت به مرد دارد؟ فرمود: والدینش. زن گفت: چه کسی بزرگترین حق را بر زن دارد؟ فرمود: همسرش. زن گفت: پس من را هم حقی به اندازه او بر او هست؟ فرمودند: خیر، حتی یک از صد را هم ندارد. زن گفت: قسم به کسی که تو را مبعوث فرمود، هیچ کس بر من صاحب نخواهد شد.(1)

32. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: رسول خدا از جنگی بازگشتند که جماعت زیادی از مسلمانان در آن صدمه دیده بودند. زنان نزد وی آمدند و از کشته هایشان پرسیدند، زنی نزدیک او شد و گفت: فلانی چه کرد؟ پیامبر فرمود: نسبت او با تو چه بود؟ گفت برادرم. فرمود: خدای را شکر کن و بازگرد که به شهادت رسید. زن گفت: ای رسول خدا، فلان شخص چه کرد؟ فرمود: چه نسبتی با تو دارد؟ گفت همسرم است. فرمود: خدای را شکر کن و بازگرد که شهید شد. زن گفت: ای وای و افسوس. پیامبر فرمود: گمان نمی کردم که زن نسبت به همسرش این چنین باشد، تا اینکه این زن را دیدم.(2)

33. مکارم الاخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پدرم حضرت ابراهیم علیه السّلام غیور بود و من از او غیورترم و خداوند نابود سازد کسی را که نسبت به مؤمنین غیور نباشد.(3)

1- . مکارم الاخلاق: 268
2- . مکارم الاخلاق: 273
3- . مکارم الاخلاق: 273

34. جامع الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس تهمت زنا به زن خود زند، از همه خوبیهای خود خارج شود، همچنان که مار از پوست خود خارج شود و در برابر هر مویی که بدن دارد، هزار گناه برایش نوشته می شود.(1)

35. جامع الاخبار: امام علیه السّلام فرمودند: تهمت زنا به زنان خود نزنید، چرا که این شبیه طلاق است. بپرهیزید از غیبت که این شبیه کفر است، و بدانید که قذف و غیبت، عمل صد ساله را نابود می سازد.(2)

36. جامع الاخبار: امام علیه السّلام فرمودند: هر کس تهمت زنا به زن خود زند، لعنت خدا بر او نازل شود و هیچ کار نیک و عدلی از او قبول نمی شود.(3)

37. جامع الاخبار: امام علیه السّلام فرمودند: فقط ملعون به زن خود تهمت می زد - و یا منافق هم گفت-ه اند -. قذف [تهمت ناروای زنا] از کفر است و کفر از آتش. تهمت زنا به زنان خود نزنید، چرا که در این کار، ندامتی است طولانی و عقوبتی است شدید.(4)

38. جامع الاخبار: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله

فرمودند: من در شگفتم از کسی که زن خود را می زند، در حالی که خود مستحق تر است به زدن. زنان خود را با چوب نزنید، چرا که در آن قصاص است. اما آنها را با گرسنگی و عریانی تنبیه کنید تا در دنیا و آخرت راحت باشید. هر مردی که زنش زینت کند و از در خانه اش خارج شود، دیّوث است و هر کس آن را دیوث بنامد گناه نکرده. و زن اگر از خانه اش خارج شود در حالی که زینت کرده و عطر زده باشد و همسرش راضی به آن باشد، با هر قدمی که بر می دارد، خانهای در جهنم برایش بنا می کند. بالهای زنانتان را کوتاه کنید و آن را طولانی نسازید، زیرا در کوتاه کردن آن رضایت و شادی و دخول بهشت، بدون حساب و کتاب است. وصیت مرا در

1- . جامع الاخبار: 157
2- . جامع الاخبار: 158
3- . جامع الاخبار: 158

4- . جامع الاخبار: 158

خصوص زنانتان رعایت کنید تا از شدت روز حساب نجات یابید و هر کس وصیت مرا حفظ نکند، چه حال و روز بدی در برابر خدا خواهد داشت. و نیز فرمودند: زنان دامهای شیطان هستند. (1)

39. نوادر الراوندی: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: زنان را برای تعلیم کار نیک بزنید.(2)

40. نوادر الراوندی: امیرالمؤمنین علیه السّلام بر فاطمه علیها السّلام وارد شدند در حالی که به شدّت غمگین بودند. فاطمه علیها السّلام فرمودند: ای علی، این غمگینی از چه روی است؟ علی علیه السّلام فرمودند: پیامبر خدا از ما درباره زن سؤال کردند؛ و ما گفتیم که عورت هستند. سپس فرمودند: چه هنگام به خداوند نزدیکتر است؟ امّا ما ندانستیم. فاطمه علیها السّلام به علی علیه السّلام گفتند: نزد وی رفته و بگو که نزدیکترین حالت زن به خدا زمانی است که در قعر خانه اش باشد. علی علیه السّلام نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله رفت و آنچه را که فاطمه سلام الله علیها گفته بود به پیامبر عرض کرد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: فاطمه پاره تن من است.(3)

41. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: زنی خدمت رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، مرا همسری است که بر من خشم و غضب دارد و من کاری نکردم که بر من مهربان باشد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: وای بر تو، دینت را خراب کردی و ملایکه آسمان و زمین تو را لعنت کنند. پس آن زن روزها روزه گرفت و شبها به نماز ایستاد و لباس خشن پوشید و موی سر تراشید. پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: تراشیدن موی سر او پذیرفته نمی شود مگر اینکه همسرش از او راضی شود.(4)

1- . جامع الاخبار: 158
2- . نوادر الراوندی: 13
3- . نوادر الراوندی: 14
4- . نوادر الراوندی: 25

42. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زن همچون بازیچهای است و هر کس آن را برگزیند، باید با او همبستر شود.(1)

43. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان عورتند آنها را در خانه ها حبس کنید و در این راه از عریان نگه داشتن آنها {لباس های رنگارنگ نخریدن برای آنها} استفاده کنید.(2)

44. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: غیرت از ایمان است و تهمت و سخن زشت از جفا.(3)

45. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند جهاد را بر مردان امت من واجب ساخته و غیرت را بر زنان امت من. و هر زنی که صبوری پیشه کند و خود را پاس دارد، خداوند اجر شهید را بر او عطا کند.(4)

46. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: مردی از انصار دختر خود را خدمت پیامبر صلّی الله علیه و آله آورده و گفت: ای رسول خدا، همسر این دختر که فلان بن فلان انصاری است او را زده و در صورت او اثری نهاده، آیا می توانم آن مرد را به خاطر دخترم در قید و بند کنم؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: تو را چنین باشد. که خداوند وحی فرمود: الرجال قوامون علی النساء {مردان، سرپرست زنانند.}(5) رسول خدا فرمود: تو چیزی را اراده کردی و خداوند غیر از آن را.(6)

47. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر مردی که در خانه فسق و فجوری دید و بر آن غیرت نکرد، خداوند پرنده ای سفید را بر او می فرستد که چهل صبح بر او سایه افکند و هر گاه که مرد داخل یا خارج شود گوید: غیرت کن، غیرت کن! و اگر غیرت کرد که هیچ، و گرنه بالهایش را بر سر و

1- . نوادر الراوندی: 35
2- . نوادر الراوندی: 36
3- . نوادر الراوندی: 36
4- . نوادر الراوندی: 37

5- . النساء / 34
6- . نوادر الراوندى: 38

چشمان وی بمالد و زان پس اگر چیز نیکویی ببیند آن را خوش ندارد و اگر چیز قبیحی ببیند، از آن بدش نمی آید.(1)

48. امالی الطوسی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان ناتوانند و عورت شما هستند؛ ناتوانی آنها را با سکوت و عورت بودن آنها را با در خانه نگهداشتن مداوا کنید.(2)

49. امالی الطوسی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: امّ سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فضل زنان در خدمت کردن به همسرانشان سؤال کرد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی که در منزل شوهرش، برای اصلاح کاری، چیزی را از مکانی برداشته و به جایی دیگر منتقل نماید، خداوند به روی او خواهد نگریست و هر کس که خداوند به رویش بنگرد، عذابش نخواهد داد.

ام سلمه گفت: ای که پدر و مادرم فدایت! درباره زنان مسکین بگو که چگونه می توانند ثواب ببرند. پیامبر فرمودند: ای ام سلمه. هر گاه زن باردار شود، اجری خواهد داشت مانند کسی که با جان و مال خود در راه خدا جهاد کند؛ و هرگاه وضع حمل کند، به او گفته خواهد شد، گناهانت بخشیده شد، کار و زندگی ات را از سر بگیر. و آنگاه که شیر دهد، با هر شیری که دهد، گویا فردی از نسل اسماعیل را آزاد ساخته است.(3)

50. امالی الطوسی: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان ناتوان و عورت هستند، پس عورتهای خود را در خانه ها مستور سازید و ناتوانی در کلام آنها را با سکوت کردن مستور نمایید.(4)

51. نهج البلاغه: امام علی علیه السّلام فرموده اند: غیرت زن کفر است و غیرت مرد ایمان.(5)

1- . نوادر الراوندی: 47
2- . امالی الطوسی 2: 197
3- . امالی الطوسی 2: 230
4- . امالی الطوسی 2: 276

5- . نهج البلاغه 3: 179

52. نهج البلاغه: امام علی علیه السّلام فرمودند: جهاد زن همسرداری نیکو است.(1)

53. نهج البلاغه: و نیز فرمودند: زن در کل شر است، امّا چاره ای هم از او نیست.(2)

54. نهج البلاغه: امام علی علیه السّلام در وصیت خود به امام حسن علیه السّلام فرمودند: بپرهیز از مشورت با زنان، چون که رأی آنها سست و ضعیف است و در تصمیم گرفتن ناتوانند. آنها را در پشت پرده نگهدار تا چشمشان به نامحرم نیفتد، چرا که در پرده بودن، آنها را بهتر نگه می دارد و بیرون رفتن آنها از خانه، بدتر از به خانه آوردن کسی است که به او اطمینان نداری؛ و اگر بتوانی کاری کنی که جز تو را نشناسد، این کار را بکن. و کاری را که خارج از توانایی زن است به او وامگذار، همانا زن گل است نه پهلوان؛ و بر حذر باش از این که او را بیش از اندازه گرامی بداری و یا طمع او را درباره شفاعت از دیگران بر انگیزی. و بر حذر باش از غیرت نابجا، زیرا که این کار درستکار را به نادرستی می کشاند و پاکدامن را به ریاکاری.(3)

55. کنز الکراجکی: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: ملعون است ملعون است زنی که مردش را آزار داده و غصهاش می دهد. و چه نیکو و نیک بخت است زنی که مردش را اکرام کرده و اذیت نمی کند و در تمام احوال از او اطاعت کند.(4)

56. کنز الکراجکی: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: بپرهیز از مشورت با زن، مگر آنهایی را که کمال عقلشان را تجربه کرده ای. زیرا رأی آنها به سوی سستی و تصمیمشان به سوی ضغف رهنمون می شود. و آنها را در حجاب نگهدار، چرا که این برایشان بهتر است. و خروج آنها از خانه بدتر است از اینکه شخص

1- . نهج البلاغه 3: 184
2- . نهج البلاغه 3: 206
3- . نهج البلاغه 3: 63
4- . کنزالفوائد الکراجکی: 63

نامطمئنی را به خانه آوری. و اگر توانستی کاری کنی که غیر از تو شخص دیگری را نشناسد، پس این کار را انجام بده. و کاری که از توان او خارج است بر وی وامگذار، چرا که این برای روان و روح او و تو بهتر است. زن چون گلی لطیف است، او پهلوان نیست. او را به طمع نینداز که درباره کسی نزد تو شفاعت کند. خلوت با زنان را طولانی نکن که باعث ملال شوند. و برای خود توان و قدرت بگذار. بپرهیز از اینکه نابجا بر او غیرت کنی، زیرا این کار زن درستکار را به نادرستی می کشد، و اگر از آنها کار ناپسندی دیدی، در توبیخ آنها عجله کن و بر آنها کمتر خشم گیر، مگر در عیب یا گناه.(1)

57. کنز الکراجکی: و نیز فرمودند: زنان را بر حال خود آگاه مسازید و بر مال خود امین مدارید و در کارها به آنها اطمینان نکنید، چرا که ایشان به هنگام عهد بستن، به آن پایبند نیستند و در هنگام حاجت، هیچ تقوایی ندارند. بدیها را به حافظه می سپارند و خوبیها را از یاد می برند. با این اوصاف، در هر حالتی برایشان ملاطفت کنید، باشد که کارهایشان نیکو شود.(2)

58. عده الداعی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: همیشه جبرئیل مرا به زنان توصیه می کرد، تا جایی که گمان کردم طلاق دادن آنها شایسته نیست مگر به خاطر گناهی آشکار.(3)

59. عده الداعی: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: تقوای خدا را درباره دو ضعیف پیش گیرید: زنان و یتیم.(4)

60. عده الداعی: و نیز فرمودند: حق زن بر شویش آن است که گرسنگی اش را برطرف ساخته و عورتش را بپوشاند و او را سرزنش و خوار ندارد. و اگر این چنین کرد، به خدا سوگند که حق او را ادا نموده است. (5)

1- . کنزالفوائد الکراجکی: 177
2- . کنزالفوائد: 177
3- . عده الداعی: 62
4- . عده الداعی: 63
5- . عده الداعی: 63

آیات:

- «یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ قَرْنَ فی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی وَ أَقِمْنَ الصَّلاهَ وَ آتینَ الزَّکاهَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَه.»(1)

{ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سَرِ پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید. و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیّتِ قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید.}

- «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرینَهُ بَیْنَ أَیْدیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصینَکَ فی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ»(2)

{ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرامزاده ای را که پس انداخته اند با بُهتان [و حیله] به شوهر نبندند، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.}

روایات:

1- . احزاب / 33 - 32
2- . الممتحنه / 12

1. الخصال:: امام باقر علیه السّلام فرمودند: بر زنان اذان و اقامه و نماز جمعه و جماعت و نیز عیادت مریض و تشییع جنازه و لبیک گفتن و هروله میان صفا و مروه و بوسیدن حجرالاسود و دخول کعبه و تراشیدن موی سر در حج واجب نیست و تنها اندکی از موی خود را کوتاه کنند. زن نمیتواند متولی منصب قضاوت و یا إمارت باشد، و مورد مشورت قرار نمی گیرد مگر در هنگام اضطرار. در وضو از درون دست شروع می کند و مرد از پشت دست. زن مانند مرد مسح نمی کند، بلکه باید در نماز صبح و مغرب چادر را از روی سر کنار زند و سر خود را مسح کند و در دیگر نمازها باید انگشتان را زیر چادر کرده و سرش را مسح کند، بدون اینکه چادر را کناری زند. و آنگاه که برای نماز قیام کند، پاهایش را به هم بچسباند و دستها را کنار سینه قرار دهد و در هنگام رکوع، دستها را بر رانهایش قرار دهد و هنگام سجده، اول بنشیند و سپس سجده کند، در حالی که کاملاً بر زمین چسبیده است و هر گاه سر از سجده برداشت، بنشیند و سپس قیام کند. و آنگاه که برای تشهّد نشست، دست بر رانهایش بگذارد و هرگاه که تسبیح گوید، با انگشتان خود بشمارد، زیرا با انگشتان است که چیزی درخواست می شود.

اگر زن حاجتی داشت، به پشت بام خانه اش رفته، نمازگزارد و سر خویش آشکار سازد و آنگاه که چنین کند، خداوند دعایش را اجابت نماید و او را مأیوس نسازد. غسل جمعه بر زن در هنگام سفر واجب نیست، امّا اگر در محل سکونتش باشد، ترک غسل جمعه جایز نیست. شهادت زن در خصوص چیزهایی که در آن حدود الهی جاری می شود جایز نیست و شهادت آنها در طلاق و در رؤیت هلال ماه جایز نیست. امّا شهادت آنها در چیزی که برای مرد حلال نیست که به آن نگاه کند جایز است. زنان نباید از وسط خیابان راه بروند بلکه باید از کناره ها رفت و آمد کنند. جایز نیست که در چشمه ها وارد شوند، نوشتن یاد بگیرند. مستحب است که بافندگی و سوره نور را یاد بگیرند و کراهت دارد که سوره یوسف را یاد بگیرند.

اگر زن مرتد شود، از او خواسته می شود که توبه کند وگرنه تا همیش--ه در زندان می ماند و کشت--ه نمی شود، آنچنان که مرد مرتد کشته می شود. امّا زن مرتّد باید به شدت به خدمت گرفته شود و از غذا و آب ممنوع شود، مگر به اندازهای که زنده بماند. و باید فقط غذای نامناسب بخورد و لباس خشن بپوشد. و برای انجام

نماز و روزه مورد فشار قرار گیرد. جزیه زن واجب نیست و هر گاه که زمان وضع حمل او شد، باید همه زنان از خانه خارج شوند تا اولین کسی نباشند که به عورت او نگاه می کنند. حضور زن حایض و جنب در هنگام تلقین میت جایز نیست، زیرا فرشتگان از آنها اذیت می شوند. جایز نیست که این زنها میت را داخل قبر کنند. اگر زن از جایش بلند شد، جایز نیست که مرد در جایش بنشیند تا اینکه آن مکان سرد شود. جهاد زن همسرداری نیکوست و کسی که بیشترین حق را بر زن دارد شوهر اوست. و هر گاه زن فوت نماید، شوهر او شایسته ترین شخص برای نماز خواندن بر اوست. جایز نیست که زن در برابر یهودی و مسیحی کشف حجاب کند، زیرا آنها، وی را برای همسرانشان توصیف می کنند. جایز نیست که هنگام خروج از خانه از عطر استفاده کند. و جایز نیست که خود را شبیه مردان سازد، زیرا رسول خدا صلّی الله علیه و آله لعنت نموده مردانی را که به زنان شبیه شوند و نیز لعنت نموده است زنانی را که شباهت به مردان جویند. جایز نیست که زن خود را نیاراید حتی اگر با یک نخ ساده باشد. و جایز نیست که ناخنهای زن سفید دیده شود و اگر شده، اندکی حنا بر آنها بمالد. و در هنگام حیض دستانش را خضاب نبندد، چرا که بی-م شیطان می رود (که بر او مسلط شود.)

اگر زن به هنگام نماز حاجتی داشت، دست بر هم زند و مرد با سر اشاره کند و یا در حالی که سبحان الله می گوید، با دستش اشاره کند. جایز نیست که زن بدون چادر نماز گزارد، اما اگر کنیز باشد می تواند با سر باز و بدون چادر نماز بخواند. جایز است که زن لباس ابریشمی بر تن کند به غیر از زمان نماز و احرام. پوشیدن لباس ابریشم بر مردان حرام است مگر در جهاد. جایز است که زن انگشتر طلا بر دست کرده و نماز گزارد، ولی برای مردان حرام است.

پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، انگشتر طلا بر دست مکن، چرا که آن زیور تو در بهشت است و لباس حریر بر تن مکن که لباس تو در بهشت است. جایز نیست که زن از مال خود بنده آزاد کند و یا احسان کند و از خانه خارج شود. و روزه مستحب بگیرد مگر به اذن شویش. جایز نیست که با نامحرم دست دهد یا بیعت کند مگر با استفاده از لباسش. جایز نیست که حج مستحبی به

جای آورد مگر با اجازه همسرش. جایز نیست که زن به حمام رود، چرا که بر او حرام است. و جایز نیست که بر زین نشیند مگر از روی ضرورت یا در سفر.

ارثیه زن نصف ارثیه مرد است و دیه او نیز نصف دیه مرد است. دیه جراحتها در زن مساوی با مرد است، تا زمانی که به یک سوم دیه برسد و اگر از یک سوم بیشتر شود، دیه جراحتها در مرد افزایش و درباره زنان کاهش می یابد. اگر زن به تنهایی نماز گزارد، باید پشت مرد باشد نه در کنارش. اگر زن بمیرد، نمازگزار در کنار سینه اش اقامه نماز کند و برای مرد در کنار سرش نماز گزارد. هر گاه زن را داخل قبر کنند، همسرش در جایی بایستد که باسن او را بگیرد. هیچ شفیعی برای زن نزد خداوند، کارسازتر از رضایت شوهر نیست. وقتی فاطمه علیها السّلام فوت شد، امیرالمؤمنین بر جنازه اش ایستاد و گفت: خدایا، من از دختر پیامبر راضی ام. خدایا او تنها شده، مونس او باش. خدایا او مورد ظلم واقع شده، برایش قضاوت کن که تو بهترین قاضی هستی. (1)

2. الخصال: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله به علی علیه السّلام وصیت نمود: ای علی، بر زنان نماز جمعه و جماعت، أذان و اقامه، عیادت مریض و تشییع جنازه و هروله میان صفا و مروه و بوسیدن حجرالاسود و تراشیدن موی و منصب قضاوت و مشاوره جایز نیست و نباید لبیک بگویند و در کنار قبر اقامت کنند و به خطبه گوش دهند و امر ازدواج را به عهده گیرند و از خانه خارج شوند مگر به اذن همسرشان. و اگر بدون اجازه خارج شدند، خداوند و جبرئیل و میکاییل بر او لعنت کنند. و از خانه مالی را نبخشد مگر به اذن شوهرش. به بستر نرود در حالی که شوهرش بر او خشمگین است، حتی اگر شوهر بر او ظلم کرده باشد.(2)

3. معانی الاخبار: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله لعنت کرده اند (نامصه و المنتمصه الواشره و المتوشره و الواصله و المستوصله و الواشمه و المستوشمه) را. علی بن غراب گفته است: النامصه کسی است که موی از صورت زنان بردارد و المنتمصه کسی است که این کار بر او انجام می شود. الواشره کسی است که دندانهای زن را مرتب کرده، از هم می گشاید و تیز

1- . الخصال 2: 376 - 373
2- . الخصال: 287

می کند و المتوشره کسی است که این کار بر او انجام شود. الواصله کسی است که موی زن دیگری را به موی زنی پیوند می دهد و المتوصله کسی است که این کار بر او انجام شود. و الواشمه کسی است که در دستان و بدن زن خالکوبی نماید. بدین ترتیب که دستها یا قسمتی از بدن زنی را سوراخ کرده، سپس آن را با سرمه یا خضاب پر نماید تا سبز شود و المستوشمه کسی است که خالکوبی بر او انجام شود.(1)

4. معانی الأخبار: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: لعنت کند خداوند الواصله و المتوصّله را، یعنی زن زناکار و نیز قوّاد را.(2)

5. علل الشرایع: امیرالمؤمنین علیه السّلام به نقل از پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین تفریح برای زن نیکوکار، بافندگی است.(3)

6. علل الشرایع: امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل از پیامبر صلّی الله علیه و آله

فرمودند: خداوند لعنت کند مردانی را که خود را شبیه به زنان می کنند و زنانی که خود را شبیه به مردان می کنند.(4)

7. علل الشرایع و عیون الاخبار: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: چهار چیز از چهار چیز دیگر سیر نمی شود: زمین از باران، زن از مرد، چشم از دیدن و دانشمند از علم.(5)

8. علل الشرایع: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: برادرم عیسی بن مریم از شهری گذشت، مرد و زنی در آنجا فریاد می کردند. عیسی فرمود: چه شده؟ مرد گفت: ای پیامبر خدا، این زن من است که نیکوکار است امّا من میخواهم از او جدا شوم. عیسی فرمود: درباره او مرا باخبر ساز. مرد گفت: این زن چهرهای پژمرده دارد، بدون اینکه پیر شده باشد. عیسی علیه السّلام به زن گفت: ای زن، آیا دوست داری که طراوت چهرهات باز گردد؟ زن گفت: آری. عیسی علیه السّلام فرمود: هر

1- . معانی الاخبار: 249
2- . معانی الاخبار: 250

3- . علل الشرايع: 583
4- . علل الشرايع: 602
5- . علل الشرايع: 596 و عيون الاخبار 1: 246

گاه که غذا خوردی، بپرهیز از این که سیر شوی، زیرا غذا اگر در سینه افزون گردد، طراوت و نشاط چهره را از بین می برد. زن چنین کرد و طراوت به چهره اش بازگشت.(1)

9. المحاسن: مردی از امام جعفر صادق علیه السّلام سؤال کرد: چگونه است که بر نشیمنگاه مرد موی می روید و در زنان چنین نیست؟ فرمود: خداوند آن را مختص به مردان کرد و چراگاهی {مورد توجه} برای زنان قرار داد.(2)

10. صحیفه الرضا: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمودند: زن ده عورت دارد، هر گاه ازدواج کند، یک عورت او پوشیده شود و اگر وفات یابد، همه عورتهای او از بین می روند.(3)

11. تفسیر امام عسکری علیه السّلام: زنی نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: از چه روی دو زن در شهادت و ارثیه مساوی با یک مرد هستند؟ فرمودند: زیرا شما در دین و عقل ناقص هستید. زن گفت: ای رسول خدا، نقص در دین ما چگونه است؟ فرمود: شما نیمی از زندگی اتان را بدون نماز می گذرانید. زیاده از حد لعن و نفرین می کنید و کفران نعمت و آسایش می کنید. زنی در کنار مردی، ده سال یا بیشتر می ماند در حالی که آن مرد به او نیکی کرده و نعمت می دهد، امّا اگر روزی دست آن مرد خالی شد یا با آن زن دعوا کرد، زن میگوید: من هرگز از تو خیری ندیدم. اما اگر زنی این چنین خوی و خصلتی نداشته باشد، این نقص در دین، همچون رنج و محنتی بر دوش اوست که باید بر آن صبر کند و خداوند ثواب او را افزون گرداند، پس بشارت بر تو باد.

رسول خدا صلّی الله علیه و آله سپس فرمودند: زن فرومایه پست تر از مرد فرومایه است. و مرد صالح، بهتر و نیکوتر از زن صالحه است. و خداوند هیچ زنی را با مرد مساوی قرار نداد، مگر در خصوص مساوات فاطمه علیها السّلام با علی علیه السّلام. و او زنی است که برتر از مردان جهانیان است.(4)

1- . علل الشرایع: 497
2- . المحاسن: 306

3- . صحیفه الرضا: 13 و عیون الاخبار 2: 39
4- . تفسیر الامام عسکری: 276

12. مکارم الاخلاق: از پیامبر صلّی الله علیه و آله درباره زینت زن سؤال شد: فرمودند: اشکالی ندارد. شایسته نیست که زن به خود بی توجه باشد، حتی اگر شده، با انداختن یک گردنبند. و شایسته نیست که دست خود را بدون خضاب کردن وانهد، حتی اگر شده، اندک حنایی بر آن بمالد، حتی اگر پیرزن باشد.(1)

13. مکارم الاخلاق: پیامبر صلّی الله علیه و آله نهی فرموده اند که زن سوار بر زین اسب شود.(2)

14. مکارم الاخلاق: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنها را بر زینها سوار نکنید که باعث تهییج آنها می شود.(3)

15. مکارم الاخلاق: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: زن نباید برای تشییع جنازه برود و در روز عید هم نباید خارج شود مگر زنان بیوه، امّا دختران جایز نیستند.(4)

16. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان را بر چشمه ها وارد نکنید و نوشتن یاد ندهید و به بافندگی امرشان کنید و سوره نور را به آنان بیاموزید.(5)

17. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر زنان ممنوع ساختند که نوحه کنند و چنگ بر چهره اندازند و با مردان در مکان خلوت بنشینند.(6)

18. مکارم الاخلاق: از پیامبر در خصوص آیه [و در کار معروف و خیر بر تو عصیان نکنند] نقل شده که فرمودند: معروف آن است که گریبان پاره نکنند و بر صورت مشت نکو بند و آه و واویلا نگویند و در کنار قبر نمانند، و لباس سیاه بر تن نکنند و موی را آشفته نسازند.(7)

1- . مکارم الاخلاق: 107
2- . مکارم الاخلاق: 265
3- . مکارم الاخلاق:265
4- . مکارم الاخلاق: 266

5- . مكارم الاخلاق: 266
6- . مكارم الاخلاق: 267
7- . مكارم الاخلاق: 267

19. مکارم الاخلاق: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: نماز زن به تنهایی در خانه، همان فضل نماز در جماعت را دارد، با بیست و پنج درجه بالاتر.(1)

20. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بهترین تفریح برای زنان صالحه، بافندگی است. (2)

21. نوادر الراوندی: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بر گردن زنان گردنبند بیاندازید حتی با نواری از چرم. (3)

22. امالی الطوسی: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: زنان نباید از وسط راه و خیابان بروند، بلکه باید از کناره ها رفت و آمد کنند.(4)

23. اعلام الدین دیلمی: امام علی علیه السّلام فرمودند: بر مردم زمانی فرا خواهد رسید که انسان فاجر و بد کاره در آن مورد تعریف و تمجید قرار گیرد، و انسان لهو و لعب کار مقرّب گردد و آدم با انصاف ضعیف شود. گفته شد: آن زمان چه موقع باشد. امام فرمودند: آنگاه که امانت به عنوان غرامت گرفته شود و عبادت را به عنوان فخر و صله رحم را به عنوان منت قرار دهند.

گفته شد: آن چه موقع باشد؟ فرمودند: آنگاه که زنان و کنیزان مسلط بر امور شوند و کودکان فرمانروایی کنند.

24. کتاب الغایات از شیخ جعفر بن أحمد قمی: امام علی علیه السّلام فرمودند: من از زنانی که خضاب نمی کنند و سرمه نمی کشند بیزارم. (5)

25. کتاب الامامه و التبصره: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با زنان مشورت کنید و بر خلاف آن عمل کنید، زیرا در مخالفت با مشاوره آنها، برکت است.

1- . مکارم الاخلاق: 268
2- . مکارم الاخلاق: 273
3- . نوادر الراوندی: 15
4- . امالی الطوسی 2: 273

5- . كتاب الغايات: 81

باب ششم : دعا به هنگام اراده ازدواج و صیغه و خواستگاری و آداب نکاح و زفاف و دادن ولیمه

آیات:

- «قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ»(1)

{من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو در آورم، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی.}

روایات:

1. مکارم الاخلاق: امام ص-ادق علیه السّلام از أبابصیر پرسیدند: به هن-گام ازدواج چه می کنید؟ گفت: نمی دانم. فرمود: آنگاه که شخصی از شما قصد ازدواج داشت، باید دو رکعت نماز گزارد، خداوند عزّوجلّ را حمد و ثنا کند و گوید: خدایا من میخواهم ازدواج کنم، خدایا از میان زنان بهترین آنها را از لحاظ خلق و خوی و سیما و پاک ترین آنها را و کسی را که من و اموالم را به نیکی محفوظ دارد و نیز پر روزی ترین آنها و پربرکت ترین آنها را برایم در تقدیرگیر و از او فرزندانی طیب و طاهر برایم فراهم ساز که جانشین صالح من در زندگی و بعد از مرگم باشند.(2)

مکارم الاخلاق: پس از آنکه پیامبر صلّی الله علیه و آله بعد از خواستگاری خدیجه بنت خویلد از پدرش - و برخی گفتهاند از عمویش - با او

1- . القصص: 27
2- . مکارم الاخلاق: 234

1. ازدواج کرد، جناب ابوطالب دست بر چهارچوب در نهاد و در حضور شاهدانی از قریش چنین خطبه خواند: سپاس خدایی را که ما را از نسل ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد، کعبه و حرمی را که ثمرات هر چیزی به سوی آن می آید، در اختیار ما نهاد، و ما را حاکمان بر مردم در سرزمینی که در آن هستیم قرار داد. و بعد، اینکه برادر زادهام محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب برترین فرد در میان قریش است و اگر با دیگران قیاس شود، از آنها بزرگتر است. و گر چه مال اندکی دارد، امّا مال و منال، چون سایه زایل شدنی است. او و خدیجه یکدیگر را می خواهند و صداقی را که طلب کنید، چه امروز و چه در آینده، از مال خود خواهم داد. او مقام و شأنی بزرگ و رفیع و زبانی شفیع و بزرگ دارد. و پدر خدیجه (و گویند عموی وی) او را به ازدواج محمد صلّی الله علیه و آله در آورد و فردایش با او هم خانه شد.(1)

2. مکارم الاخلاق: وقتی امام رضا علیه السّلام با دختر مأمون ازدواج کرد، چنین فرمود: سپاس خداوندی را که با رحمت خود، نعمت را کامل ساخت و با لطف خود مرا به سوی شکر گزاری هدایت فرمود. درود خداوند بر محمد صلّی الله علیه و آله بهترین مخلوقاتش. پیامبری که تمامی فضل و نعمات را در او یکجا گرد آورد، فضلی که در سایر پیامبران یکجا فراهم نبود و میراث خود را به پیامبر خلیفه خود اختصاص داد و بر او درود فرستاد و اینک امیرالمؤمنین مأمون، دختر خود را به نکاح من در آورده، بر اساس آنچه خداوند عزّوجلّ واجب فرموده از انجام معروف و اقدام به احسان، و من مهریه ای را که پیامبر برای زنانش قرار داده بود، قرار دادم که عبارت است از 500 درهم و من از مال خود ده هزار درهم به او بخشیدم. ای امیرالمؤمنین! آیا او را به ازدواج من در میآوری؟ گفت: آری. امام فرمود: قبول کرده و راضی ام.(2)

1- . مکارم الاخلاق: 234
2- . مکارم الاخلاق: 235

1. مکارم الاخلاق: و مستحّب است که ازدواج با خطبه امام رضا علیه السّلام و با تبرک جستن به آن آغاز شود زیرا معانی جامع و کامل دارد و خطبه چنین است:

سپاس خدای را که در قرآن خود را ستایش فرموده و با ستایش، قرآن را آغاز نموده و حمد را در اولین محل نعمتهای خود و آخرین پاداش بندگانش قرار داده. درود بر محمد صلّی الله علیه و آله بهترین مخلوقات و بر خاندان او که پیشوایان رحمت و معادن حکمت هستند. و سپاس خدایی را که در خبر صادق و کتاب ناطقش آمده است که ازدواج از شایسته ترین اسباب پیوند است و در شمار اولین اموری است که باید زودتر انجام شود که باعث ایجاد روابط خویشاوندی شده و ثروت به دنبال دارد و خداوند متعال فرموده: {و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندیِ] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست.} (1)

و نیز فرموده: {بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می یابید، قرار بازخرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]؛ و کنیزان خود را - در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند - برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است.} (2)

و حتی اگر درباره ازدواج آیه ای نازل نمی شد و سنتی نبوی نبود، نکویی قرابت و نزدیک شدن افراد دور به هم، دلیل خوبی است که انسان عاقل به نکاح

1- . الفرقان / 54
2- . النور / 32-33

راغب شود و انسان موفق و صاحب خرد به انجام آن بشتابد. شایسته ترین مردم نزد خداوند کسانی هستند که امر او را پیروی کرده، حکمش را اجرا نمایند و امید به پاداش او داشته باشند. ما از خداوند می خواهیم که ما و شما را بر شایسته ترین کارها مصمم بدارد.

و فلان شخص را که جوانمردی و عقل و نکوکاری و نیت و فضلش را می شناسید، دوست دارد که با خاندان شما شریک شود، و فلان دختر را از شما خواستگاری کرده و صداق او را (فلان مقدار) داده، او را بپذیرید و دختر خویش را در شرایط آسان به ازدواج او در آورید. این سخن را می گویم و از خداوند برای خود و شما طلب استغفار می کنم. (1)

1. مکارم الاخلاق: خطبه امام محمد تقی علیه السّلام به هنگام ازدواجش با دختر مأمون: سپاس خداوند را، اقرار می کنیم به نعمتهای او و با اخلاص در وحدانیت او لا اله الا الله می گوییم. درود خدا بر محمد صلّی الله علیه و آله سرور بندگانش و بر برگزیدگان خاندانش. أما بعد: از نعمتهای خداوند بر بندگانش آن است که ایشان را با اعطای حلال از حرام بی نیاز ساخت. خداوند فرمود: {بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می یابید، قرار بازخرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]؛ و کنیزان خود را - در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند - برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است.}(2)

1- . مکارم الاخلاق: 235
2- . النور: 33-32

اما بعد: محمد بن موسی، دختر عبدالله مأمون، ام فضل را خواستگاری می کند به مهریه جدهاش فاطمه علیها السّلام که 500 درهم می باشد. ای امیرالمؤمنین! آیا دخترت را بر مهریه مذکور به نکاح من درمیآوری؟ مأمون گفت: آری ای اباجعفر، دخترم امّ فضل را با مهریه مذکور به نکاح ت-و درآوردم، آیا نکاح را قبول داری؟ ابوجعفر علیه السّلام گفت: آری نکاح را قبول کردم و راضی به آن هستم.(1)

1. مکارم الاخلاق: امام زین العابدین علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله وقتی فاطمه علیها السّلام را به ازدواج علی علیه السّلام در آورد، خطبه ای فرمود: الحمدلله به پاس نعمتهای بی کرانش، سپاس معبود قدرتمند را، سلطنتش مورد اطاعت است و از عذابش همه ترسان، همه به سویش راغبند به واسطه آنچه نزد اوست. خدایی که امرش در آسمان و زمین نافذ است. خداوند عزّوجلّ امر فرمود که فاطمه را به عقد علی درآورم. من نیز او را به چهارصد مثقال نقره به عقد علی در آوردم، اگر راضی باشد. سپس ظرفی خرما طلب کرد و گفت: بخورید. در این هنگام علی علیه السّلام داخل شد، رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: ای علی، خداوند مرا فرمان داده که فاطمه را به عقد تو درآورم با چهارصد مثقال نقره، اگر رضایت دهی؟ علی علیه السّلام فرمود: به آن راضی ام، با اجازه خداوند و رسولش. پیامبر فرمود: خداوند پیوندتان را پایدار سازد و نصیب شما را نیکو سازد و از نسل شما افراد نیکوی بسیاری فراهم سازد.(2)

2. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زینب بنت جحش را به نکاح زید بن حارثه و ضباغه بنت ذبیر بن عبدالمطلب را به نکاح مقداد در آوردم تا بدانند که والاترین شرف و عزت اسلام است.(3)

مکارم الاخلاق: وقتی رسول خدا صلّی الله علیه و آله فاطمه را به عقد علی علیه السّلام در آوردند، جماعتی از قریش نزد پیامبر آمده و گفتند: تو دخترت را به علی دادی با مهریه ای اندک. پیامبر فرمود: ما فاطمه را به عقد علی

1- . مکارم الاخلاق: 236
2- . مکارم الاخلاق: 237

3- . مكارم الاخلاق: 238

1. در نیاوردیم، بلکه خداوند، در شب معراج و هنگامی که در کنار درخت سدره المنتهی بودم، او را به ازدواج علی در آورد. خداوند به درخت وحی کرد که آنچه داری نثار کن و درخت هم درّ و گوهر بر حورالعین نثار کرد، و حورالعین نیز به آن گوهرها افتخار کرده و می گفتند: این از شاد باشهای فاطمه دختر محمد صلّی الله علیه و آله است.

در شب زفاف، پیامبر استر کهربایی رنگ خود را آورده و بر آن لُنگی انداخت و به فاطمه علیها السّلام گفت: سوار شو و به سلمان فرمود که افسار استر را بگیرد، در حالی که پیامبر آن را می راند. در میانه راه پیامبر صدایی شنید، ناگاه دید که جبرئیل با هفتاد هزار و میکاییل با هفتاد هزار فرشته حاضرند. پیامبر فرمود: چه چیز شما را به زمین فرود آورده؟ گفتند: آمدهایم تا فاطمه را به وصال همسرش برسانیم و جبرئیل و میکاییل و فرشتگان و پیامبر همگی تکبیر گفتند. و از آن شب تکبیر گفتن در عروسی ها مرسوم شد.(1)

2. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: عروسی هایتان را شبها انجام دهید و روز اطعام کنید.(2)

10. کتاب الامامه و التبصره: از رسول خدا صلّی الله علیه و آله نیز چنین سخنی فرموده اند.

11. نوادر احمد بن محمد بن عیسی: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: شهود و بینات برای اثبات نسبت و میراث و حدود شرعی قرار داده شده است.(3)

12. کتاب حسین بن سعید و النوادر ابن عیسی: از زراره نقل شده که گفت: از امام جعفرصادق علیه السّلام درباره مردی پرسیدم که صیغه کرده بود امّا بدون شاهد. فرمودند: عیبی ندارد. حتی در ازدواج هم عیبی ندارد که بدون شاهد باشد و

1- . مکارم الاخلاق: 238
2- . مکارم الاخلاق: 238
3- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 66

تنها نیت فرد با خدا شرط است؛ و شهود در ازدواج، برای اثبات فرزندان قرار داده شده اند و اگر فرزندی نبود، اشکالی ندارد. (1)

13. نوادر الراوندی: در کتاب جواهر المطالب ذکر شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله وقتی فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام در آورد، این خطبه را فرمود: سپاس خداوندی را که به واسطه نعمتهایش ستوده شده و به خاطر قدرتش مورد عبادت است و سلطنت او مورد اطاعت. از عذاب و هیمنه او می ترسند و به واسطه آنچه در نزد اوست، همه به سویش راغبند. کسی که امرش در آسمان و زمین نافذ است. کسی که مردم را با قدرت خود خلق و با حکمت خود آنها را تدبیر نمود و با احکام خود به آنها فرمان داد و با دین خود به آنها عزت بخشید و با پیامبر خود به آنها اکرام کرد. خداوند تبارک و تعالی، ازدواج را به عنوان خویشاوندی لاحق و امری واجب قرار داد. و به واسطه آن رویاهای گناه آلود را از بین برد و گناهان را کنار زد و به واسطه ازدواج به مردم اکرام کرد. خداوند بلند مرتبه فرمود: {و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندیِ] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست.}(2) و فرمان خدا به سوی انجام شدن پیش می رود و قضای خداوند بسوی قدر و سرنوشت جاری است. و هر قضایی را قدری است و برای هر آنچه که در آینده است کتاب و سر نوشتی است، و خداوند هر آنچه را که بخواهد پاک می کند و امّ الکتاب نزد اوست. خداوند مرا فرمان داد که فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام در آوردم و من چهارصد مثقال نقره را واجب کردم، اگر علی علیه السّلام به آن رضایت دهد. علی علیه السّلام گفت: راضی هستم به رضای خدا و رسولش. سپس پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند میان شما را جمع گرداند و نصیب شما را نیکو سازد و از شما فرزندان نیکو و بسیار فراهم سازد.

1- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 66
2- . الفرقان / 54

14. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: شب زنده داری فقط در سه چیز است: شب بیداری با قرآن، طلب علم، عروسی که به سوی همسرش برده می شود.(1)

15. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: فرق میان نکاح و سفاح (زنا)، زدن دفّ است. (2)

16. نوادر الراوندی: علی علیه السّلام فرمودند: انصار گفتند ای رسول خدا، آنگاه که زنان را به زفاف بفرستیم چه بگوییم؟ پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: بگویید: نزد شما آمده ایم، نزد شما آمده ایم، بر ما سلام کنید تا سلامتان کنیم، و اگر طلای سرخ نباشد، دختر ما به سرزمین شما فرود نخواهد آمد.(3)

17. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زفاف عروسی را در شب قرار دهید و در روز ولیمه دهید.(4)

18. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: هرکس که قصد ازدواج کرد، باید دو رکعت نماز و سوره فاتحه الکتاب و سوره یس را بخواند. وقتی از نماز فارغ شد، باید خداوند عزّوجلّ را سپاس و ثنا بگوید و ادامه دهد: خدایا، همسری صالحه، مهربان، پر زاد و ولد، شکور، قانع و غیور روزی ام ساز. اگر احسانش کنم، شکر گزار باشد و اگر بدی کنم ببخشد. اگر خداوند را یاد کنم، در این راه یاری ام کند و اگر خدا را فراموش کنم، به یادم آورد. اگر از کنارش دور شدم، خود را حفظ کند و اگر بر او داخل شدم، مسرور گردد. اگر امری کنم اطاعت نماید و اگر قسم خوردم، قسم مرا باور کند، و اگر بر او خشم گیرم، مرا راضی سازد.

ای صاحب جلال و اکرام، این نعمت را بر من ببخش. من فقط از تو می خواهم و جز آنچه را که تو قسمت نمایی، نمی یابم. پس هر کس این کار را انجام دهد، خداوند آنچه را که بخواهد عطا نماید.

1- . نوادر الراوندی: 13
2- . نوادر الراوندی: 40
3- . نوادر الراوندی: 40

4- . نوادر الراوندى: 40

آنگاه که با او ازدواج کرد و بر خلوت وارد شد، باید دو رکعت نماز گزارد، سپس دست بر پیشانی زن نهاده و بگوید: خدایا، پیوند میان ما را مبارک فرما. و با خیر و برکت میان م-ا را جمع گردان. و اگر فراقی در این پیوند قرار می دهد، آن فراق هم برای خیر باشد.(1)

19. الهدایه: اگر مردی قصد ازدواج کرد، باید دو رکعت نماز بخواند، دستش را بلند کرده و از خداوند طلب کند: خدایا، من می خواهم ازدواج کنم، پس از میان زنان بهترن آنها را از نظر اخلاق و پاک ترین آنها را و کسی که من و اموالم را کاملاً حفظ کند و روزی فراوان و برکت عظیم داشته باشد، فراهم ساز، و از او برایم فرزندی قرار ده که در زندگی و پس از مرگم خلفی صالح باشد و در این ازدواج شیطان را نصیب و شریک قرار مده.(2)

20. الهدایه: زمانی که برج قمر در عقرب است، ازدواج کراهت دارد و اگر کسی در این هنگام ازدواج کند، خیر نخواهد دید.(3)

البته سخن در این باب در کتاب السماء و العالم و در باب نجوم آمده و در خلال صفحات آینده هم مطالبی خواهد آمد.

21. مسند فاطمه علیها السّلام: وقتی رسول خدا صلّی الله علیه و آله قصد تزویج فاطمه علیها السّلام به علی علیه السّلام را نمود، به علی علیه السّلام فرمود: یا اباالحسن، به سوی مسجد برو، من نیز در پشت سر تو می آیم و در حضور مردم تو را به ازدواج فاطمه علیها السّلام در می آورم. و از فضایل خود به یادآور، آنچه را که باعث شادی ات می شود.

علی علیه السّلام فرمود: از نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله خارج شدم، در حالی که از شادی و سرور مبهوت بودم. ابوبکر و عمر به استقبال من آمده و گفتند: ای اباالحسن، تو را چه شده؟ گفتم: رسول خدا صلّی الله علیه و آله، فاطمه علیها السّلام را به ازدواج من درآورد و خبر داد که خداوند وی را به نکاح من در

1- . نوادر الراوندی: 48
2- . الهدایه: 67

3- . الهدايه: 68

آورده است؛ و رس--ول خدا صلّی الله علیه و آله در پ-ی من می آید تا در حضور مردم این را بگوید. آن دو هم خوشحال شده و همراه من وارد مسجد شدند.

علی علیه السّلام میگوید: به خدا سوگند هنوز به وسط مسجد نرسیده بودیم که رسول خدا صلّی الله علیه و آله به ما ملحق شدند، در حالی که چهرهشان از شادی می درخشید. فرمود: بلال کجاست؟ [بلال] جواب داد: لبیک یا رسول الله. سپس فرمود: کجاست مقداد: جواب داد: لبیک یا رسول الله. سپس فرمود: سلمان کجاست؟ جواب داد: لبیک یا رسول الله. وقتی همگی در برابرش قرار گرفتند، گفت: همگی به گوشه و کنار شهر رفته و مهاجرین و انصار و مسلمانان را جمع کنید. آنها نیز به فرمان رسول خدا رفتند. رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر بالاترین پله منبر نشستند. وقتی مسجد پر شد، رسول خدا قیام کرده، سپاس و ثنای خدا نموده و فرمود: سپاس خداوندی را که آسمان را بر افراشت و زمین را گسترانید و آن را با کوهها ثابت و مستحکم نمود، و از زمین آب و چراگاه بیرون ساخت. خداوندی که از توصیف توصیفگران بزرگتر است و عظیم تر و از حلقه تحسین و تزیین سخنوران جلیل تر. خداوند بهشت را ثواب پرهیزگاران و آتش را جزای ظالمان و مرا نیز تیغ نقمتی بر کافران و رحمت و محبت برای مؤمنان قرار داد. ای بندگان خدا، شما در خانه صحت و بیماریها و خانه فنا و دگرگونی اوضاع هستید که همین مسایل سبب مرگ شمایند. خداوند رحمت کند کسی را که آرزویش را کوتاه کرد و در کارهایش جدّیت به خرج داد و افزونِ روزی و قوت خویش را نگهداشت و از خیرات و مبّرات برای روز نیاز خود، روزی که در آن مردگان محشور می شوند، ذخیره نمود. روزی که صدای مردم در کام می ماند و فریادی بر نمی آید. مردم همچون مستان دیده می شوند، در حالی که مست نیستند. روزی که خداوند به دین حق آنها وفا می کند و مردم خواهند دانست که خداوند همان حقیقت مبین است. «یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَراً وَ ما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَها وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعیدا»،(1) {روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی

1- . آل عمران / 30

مرتکب شده، حاضر شده می یابد؛ و آرزو می کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله ای دور بود}

« فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ خَیْراً یَرَهُ، وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ شَرًّا یَرَهُ»،(1) {پس هر که هموزن ذرّه ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید، و هر که هموزن ذرّه ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید.}

قیامت روزی است که حسب و نسب در آن باطل می شود و أسباب مودت و محبّت از بین می رود و جزا و حساب مجرمان در آن به شدّت اجرا شده و به سوی عذاب رانده می شوند. {پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.}(2)

ای مردم، انبیا حجتهای خدا بر زمین هستند، که کلام او را بازگو کرده و به وحی او عمل می کنند. خداوند عزّوجلّ مرا امر کرده که دخترم فاطمه را به نکاح پسر عمویم، برترین مردم نزد من یعنی علی بن ابی طالب در آورم. خداوند او را در آسمان با شهادت ملایکه به عقد علی علیه السّلام در آورده و به من فرمان داده که فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام در آورده و شما را بر آن شاهد گیرم. سپس رسول خدا صلّی الله علیه و آله نشست و به علی علیه السّلام گفت: بلند شو و خطبه ای بخوان. علی علیه السّلام گفت: من خطبه بخوانم؟ آن هم در محضر شما؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: بخوان که این چنین جبرئیل فرمانم داده که به تو امر کنم خطبه بخوانی. و اگر داوود علیه السّلام خطیب بهشت نبود، حتماً تو خطیب بهشت می شدی.

علی علیه السّلام آغاز به سخن کرد: سپاس خداوندی را که با کلید عملش به ناطقین الهام کرد و با شهاب های عظمتش قلوب متقین را روشنی بخشید و با احکام روشن خود، راه فاصله گرفتگان را روشن ساخت و با پسر عمویم محمد مصطفی صلّی الله علیه و آله، جهانیان را به راه راست هدایت نمود و دعوت او بر پیشوایان ملحد و کافر برتری یافت و سخنانش بر کلام پوچ پیروان باطل تفوق

1- . الزلزال /7-8

2- . آل عمران / 185

یافت. خداوند او را خاتم پیامبران و سرور رسولانش قرار داد، او نیز پیام خدایش را ابلاغ فرمود و در کارش استواری به خرج داد و آیات خدا را تبلیغ نمود. سپاس خدایی را که بندگان را به قدرت خویش آفرید و آنها را با دین خود عزّت بخشید و با ارسال پیامبر خویش محمد صلّی الله علیه و آله بر مردم اکرام نموده، آنها را مورد رحمت و تکریم و شرف و تعظیم قرار داد. سپاس خداوند را به خاطر نعمات و کراماتش، شهادت می دهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، شهادتی که به او رسیده و او را خشنود ساخته و درود بیکران بر محمد صلّی الله علیه و آله.

نکاح از جمله مواردی است که خداوند به آن إذن و فرمان داده و این مجلس ما را هم خداوند در تقدیر آورده و به آن خشنود شده است. و اینک این، محمد بن عبدالله علیه السّلام، دختر خویش فاطمه علیها السّلام را با مهریه چهارصد درهم و دینار به عقد نکاح من درآورده؛ از او سؤال کنید و شهادت دهید. مسلمانان گفتند: آیا فاطمه را به عقد علی علیه السّلام درآوری؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: آری: مسلمانان گفتند: خداوند بر آنها برکت و نعمت دهد و پیوندشان را مستدام سازد.

22. مسند فاطمه علیها السّلام: از ابو محمد محمودی روایت شده که گفت: در مجلس ازدواج أبا جعفر علیه السّلام با دختر مأمون نشسته بودم، در حالی که به دنبال یحیی بن أکثم فرستاده بودند تا مسألهای فقهی را از امام بپرسد. وقتی مردم اجتماع کردند و امام نیز حاضر شد، گفتند: ای امیرالمؤمنین، یحیی بن اکثم حاضر است، اگر اجازه فرمایی از ابا جعفر علیه السّلام مساله ای فقهی بپرسد تا ببیند قدرت او چقدر است. مأمون اجازه داد. یحیی گفت: اگر صیدی در ماه محرم کشته شود، حکمش چیست؟

ابوجعفر علیه السّلام فرمود: آیا در اطراف مکه اتفاق افتاده یا در حرم؟ عالمانه بوده یا ناآگاهانه؟ عمدی بوده یا سهوی؟ قاتل صغیر بوده یا کبیر؟ آزاده بوده یا عبد؟ حیوان از پرندگان بوده یا نه؟ کوچک یا بزرگ بوده؟ قاتل پشیمان شده یا در کار خود مصرّ بوده؟ شبانه کشته شده یا در لانه اش، یا در روز و در ملاعام؟ قاتل احرام بسته؟ برای عمره یا حج تمتع؟

یحیی از این سخنان درماند به گونهای که بر هیچ یک از اهل مجلس پوشیده نبود. مردم هم از جواب امام در شگفت شدند. مأمون وساطت کرده و گفت: ای أبا جعفر، اینک خطبه ای بخوان.

امام علیه السّلام برخاست و گفت: سپاس خدای را که با رحمت خود نعمت ها را بخشید. با لطف خود مردم را به فضل و کرم خویش هدایت نمود. صلوات خداوند بر بهترین مخلوقاتش، کسی که آنقدر فضل و بزرگی را در او فراهم ساخت که وی را بر رسولان پیش از او برتری بخشید و میراث خود را به خلیفه برگزیده خود وانهاده و ندای حق را لبیک گفت.

و اینک امیرالمؤمنین مأمون، دختر خویش را به نکاح من درآورده، بر اساس آنچه که خداوند برای مسلمانان واجب کرده، مانند انجام کار نیک و گسترش احسان، و من به او همان مهریه ای را که رسول خدا صلّی الله علیه و آله برای همسرانش قرارداد، قرار می دهم؛ یعنی 500 درهم و علاوه بر آن یکصدهزار درهم از مال خود را بخشیدم. ای امیرالمؤمنین، آیا او را به ازدواج من در میآوری؟ مأمون گفت: سپاس خداوند را با اقرار به نعمت او و لا اله الا الله با اخلاص به خاطر عظمت او، و صلوات خدا بر محمد بنده و برگزیده اش و خداوند در تقدیر مردم قرار داد که آنها را با حلال از حرام بی نیاز سازد و فرمود: {بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. }(1) اما بعد، محمد بن علی، دختر عبدالله، ام فضل را خواستگاری نمود و 500 درهم مهریه برایش قرار داد و من نیز او را به عقد محمد بن علی در آوردم، آیا قبول کردی ای أبا جعفر؟

ابو جعفر علیه السّلام فرمودند: این تزویج را با این صداق قبول کردم. سپس مأمون به خاطر این ازدواج ولیمه ای داد که مردم بر اساس مراتب خود پیش آمدند. در حالی که مشغول طعام بودیم، کلامی شنیدیم که مانند کلام دریانوردان بود. ناگاه دیدیم که خادمان، یک کشتی پر از نقره گرانقیمت را می کشند. سپس سر و روی

1- . النور / 32

خواص را با نقره ها آراستند، و آن را به سوی سالن عمومی بردند و همه را از نقره ها بهرهمند ساختند.

در بابهای مربوط به تاریخ امام جواد علیه السّلام، دو سند آمده که وقتی مأمون اراده کرد که دختر خود را به ازدواج امام علیه السّلام درآورد، گفت: ای اباجعفر، آیا خطبه می خوانی؟ امام علیه السّلام فرمودند: آری یا امیرالمؤمنین. مأمون به او گفت: خطبه بخوان. ای که جانم به فدایت. من از تو راضی ام و دخترم امّ فضل را به ازدواج تو در آورم، حتی اگر جماعتی از آن ناخشنود باشند.

ابو جعفر علیه السّلام فرمودند: سپاس می گویم خداوند را و به نعمتهایش اقرار می کنم و لا اله الّا الله می گویم از روی اخلاص به وحدانیت او. صلوات خدا بر سرور و سالار مردم [رسول الله] و برگزیدگان از خاندانش.

امّا بعد، از الطاف خداوند بر مردم این است که با حلال آنها را از حرام بی نیاز فرمود: {بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. }(1)

و محمد بن علی بن موسی علیه السّلام دختر مأمون ام الفضل را خواستگاری کرده و مهریه جدّه خویش فاطمه صلّی الله علیه و آله را که 500 درهم بود، برایش قرار داد و سپس فرمود: امیرالمؤمنین! آیا با این مهریه او را به عقد من درآوری؟

مأمون گفت: آری، دخترم مأمون ام الفضل را بر مهریه مذکور به عقد تو در آوردم، آیا نکاح را قبول داری؟ ابو جعفر علیه السّلام فرمود: قبول کردم و به آن راضی ام.(2)

23. قرب الاسناد: علیّ بن جعفر گفت: همراه برادرم امام موسی علیه السّلام به سوی ملکش می رفتیم و غلامی همراه ما بود. به او گفت: غلام! از ما دور شو، می خواهم حرف بزنم. سپس به من گفت: چه میگویی، درباره مردی که در این مکان یا جایی دیگر، بدون شاهد و مدرک ازدواج کند؟ گفتم: کراهت دارد. به من

1- . النور / 32
2- . مراجعه شود به: 76 از همین چاپ در باب ازدواج امام با ام الفضل

گفت: آری، کراهت دارد، در این مکان با جای دیگر بدون شاهد و مدرک ازدواج کنی. (1)

24. قرب الاسناد: امام ضا علیه السّلام فرمودند: رضایت دختر باکره در ازدواج، با سکوت اوست و رضایت بیوه، به هر شکلی که خود بخواهد.(2)

25.الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: روز جمعه روز خطبه خواندن و نکاح است.(3)

26. علل الشرایع: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: شهادت در عقد نکاح، برای تعیین ارث و میراث قرار داده شده.(4)

27. علل الشرایع: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: جماع کردن در اول، وسط و آخرماه، کراهت دارد؛ هر کس این کار را کند، فرزند دیوانه به دنیا آید. آیا شاهد نیستید که بیشترین حالت جنون در دیوانه در اول، وسط و آخر ماه حادث می شود.(5)

28. علل الشرایع: هر کس ازدواج کند و قمر در عقرب باشد، خوشبختی نخواهد دید.(6)

29. علل الشرایع: و نیز فرمودند: هر کس در آخر ماه ازدواج کند، باید تسلیم سقط جنین شود.(7)

30. امالی الطوسی: از ضحّاک بن مزاحم در خبر ازدواج فاطمه علیها السّلام نقل شده که علی علیه السّلام فرمود: پیامبر خدا مرا به ازدواج فاطمه سلام الله علیها درآورد، سپس نزد من آمد، دستم را گرفت و گفت: به نام خدا برخیز و بگو: بر برکت خدا و آنچه او خواسته (لاقوه الا بالله) و توکل بر خدا. سپس مرا آورد تا نزد

1- . قرب الاسناد: 101
2- . قرب الاسناد: 159
3- . الخصال 2: 148
4- . علل الشرایع: 498
5- . علل الشرایع: 514

6- . علل الشرايع: 514
7- . علل الشرايع: 514

فاطمه علیها السّلام نشاند و گفت: خدایا، این دو محبوب ترین خلق تو نزد من هستند پس آنها را دوست بدار و در نسلشان برکت قرار ده و از جانب خود بر آنها حافظی قرار ده. من آنها و فرزندانشان را از شر شیطان رجیم در پناه تو قرار می دهم. (1)

31. امالی الطوسی: جابر بن عبد الله گفته است: وقتی رسول خدا صلّی الله علیه و آله فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام در آورد، جماعتی از قریش نزد او آمدند و گفتند: تو فاطمه را با مهریهای پایین به عقد علی در آوردهای: پیامبر فرمودند: من این کار را نکردم، بلکه آن شبی که خداوند مرا به معراج برد و در کنار درخت سدره المنتهی، فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام درآورد، خداوند به درخت وحی کرد که هر چه داری نثار کن و درخت درّ و گوهر و مرجان بیفشاند و حورالعین ظاهر شده و آنها را برداشتند در حالی که به آن افتخار می کردند و می گفتند، این از هدایای فاطمه علیها السّلام دختر محمد است.

وقتی شباب زفاف شد، پیامبر استر کهربایی رنگ خود را آورده و قطیفه ای بر آن انداخت و به فاطمه علیها السّلام گفت: سوار شو و به سلمان امر فرمود که دهانه اش را بگیرد و خود از پی آن به راه افتاد. در میانه راه، رسول خدا صلّی الله علیه و آله بانگی بلند شنید، ناگاه دید که جبرئیل در میان هفتاد هزار فرشته و میکاییل در میان هفتاد هزار فرشته آمده اند، رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: چه چیز شما را به زمین فرود آورده؟ گفتند: آمدهایم تا فاطمه علیها السّلام را همراهی کنیم. جبرئیل و میکاییل و فرشتگان و رسول خدا همه تکبیر گفتند. و از آن شب تکبیر در عروسی ها سنت شد.(2)

32. امالی الطوسی: پیامبر صلّی الله علیه و آله از خانه علیّ بن هبّار می گذشت، صدایی شنید؛ فرمود: این چیست؟ گفتند: علی بن هبّار برای خانواده اش عروسی گرفته است. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: بسیار نیکوست، این نکاح است نه زنا. سپس فرمود: برای نکاح شاهد و سند آورده و آن را در میان

1- . امالی الطوسی 1: 28
2- . امالی الطوسی 2: 263

مردم اعلام کنید و دفّ بنوازید. و بدین سان دفّ نواختن به هنگام عروسی سنت شد. (1)

33. الخصال: درباره آنچه که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله ، علی علیه السّلام را به آن توصیه کرد: ای علی، ولیمه دادن در پنج چی--ز است. در عروس--ی، در زادن فرزند، در ختنه کردن و در خرید خانه و در مسافری که از مکه می آید.(2)

34. الخصال: از امام موسی بن جعفر علیه السّلام نیز چنین روایتی آمده. (3)

35. معانی الاخبار: نظیر این روایت نقل شده است. شیخ صدوق - رحمه الله - گفته است: غذایی که در هنگام ساخت یا خرید خانه، مردم به آن دعوت می شوند، (وکر یا وکار) گفته می شود. و به غذایی که برای از سفر بازگشته داده می شود (النقیعه) گویند و (الرکاز) به معنی غنیمت است، گویا به این وسیله برای کسی که از سفر حج بازگشته غذا می دهند تا غنیمتی از ثواب فراوان برای صاحبش باشد. و کلام پیامبر خدا در همین راستاست که فرمود: روزه در زمستان غنیمت سرد است. (4)

36. معانی الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان را به عنوان امانت از خداوند گرفتید و آنها را با کلام خدا برای خود حلال ساختید. امّا امانت آن چیزی است که خداوند بر آدم قرار داد، زمانی که حوّا را به ازدواج او در آورد. امّا کلمات، آن چیزی است که خداوند بر آدم شرط کرد که خدا را عبادت کند و برایش شریک قرار ندهد، زنا نکند، و به غیر از خدا کسی را ولی قرار ندهد.(5)

37. المحاسن: اباجعفر امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: شهادت به خاطر تعیین ارث و میراث برای ازدواج قرار داده شده است.(6)

1- .امالی الطوسی 2: 132
2- . الخصال 1: 221
3- . الخصال 1: 221
4- . معانی الاخبار: 272

5- . معانی الاخبار: 212
6- . المحاسن: 319

38. المحاسن: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: زمانی که قمر در عقرب است، اگر کسی به سفر رود یا ازدواج کند، نیک بختی نخواهد دید. (1)

39. المحاسن: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: ولیمه در چهار چیز است: عروسی، و طفلی که از شیر گرفته شده و به او غذا داده می شود، و ختنه پسر، و بازگشت سفر کردهای که برادرانش را به غذا دعوت می کند، وقتی که از سفر باز می گردد.(2)

40. المحاسن: ابو جعفر امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: ولیمه دادن در یک روز یا دو روز از روی احسان و کرامت است و در سه روز از روی ریا و شهرت طلبی.(3)

41. المحاسن: امام صادق علیه السّلام به نقل از پدرانش می فرمایند: رسول صلّی الله علیه و آله فرموده اند: اولین روز ولیمه دادن حق است و روز دوم از روی احسان و خیر و آنچه بیش از اینهاست، از ریا و شهرت طلبی است.(4)

42.المحاسن: ابوالحسن رضا علیه السّلام فرمود: وقتی نجاشی، ام حبیبه آمنه دختر ابوسفی-ان را برای رسول الله صلّی الله علیه و آله خواستگاری کرده و به عقد او درآورد، مردم را دعوت به طعام کرد و گفت: از سنت پیامبران، اطعام به هنگام ازدواج است. (5)

43. المحاسن: ابوعبدالله جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله وقتی با میمونه دختر حارث ازدواج نمود، ولیمه داد و مردم را اطعام نمود.(6)

44. المحاسن: جعفرالقلانسی به نقل از پدرش گفت: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم: ما غذا را به نیکی درست می کنیم و خوب فراهم می سازیم، اما بوی

1- . المحاسن: 347
2- . المحاسن: 417

3- . المحاسن: 417
4- . المحاسن: 417
5- . المحاسن: 418
6- . المحاسن: 418

طعام عروسی را نمی دهد. فرمودند: چون در غذای عروسی بوی بهشت می وزد، زیرا غذایی است که برای کار حلال فراهم آمده.(1)

45. المحاسن: اسماعیل فرزند امام صادق علیه السّلام ولیمه ای دادند، امام صادق علیه السّلام فرمودند: مساکین را درباب و سیرشان کن(2)، که خداوند می فرماید: {بگو: «حق آمد و [دیگر] باطل از سر نمی گیرد و برنمی گردد.» }(3)

46. فقه الرضا: هرگاه نوعروست بر تو ورود نمود، موسی پیشانی او را بگی-ر و بوسه ای بر پیشانی اش بزن و بگو: «خدایا، امانتم را گرفتم و به پیمان و عهدی که بستم، او را بر خود حلال داشتم. خدایا مرا فرزندی مبارک و سالم عطا فرما و شیطان را در او شراکت و نصیبی قرار مده.» هر گاه قمر در عقرب باشد، از ازدواج بپرهیزید، چرا که امام صادق علیه السّلام فرمود: هرکس ازدواج کند و قمر در عقرب باشد، هرگز خیر نخواهد دید.(4)

47. تفسیر العیاشی: اباجعفر امام محمدباقر علیه السّلام فرمودند: به هنگام روز طلب حاجات کنید، زیرا خداوند حیا و شرم را در چشمان قرار داده؛ و اگر ازدواج کردید، شبانه باشد، زیرا خداوند شب را به عنوان سکون و آرامش قرار داده است. (5)

48. تفسیر العیاشی: امام رضا علیه السّلام فرمودند: خداوند شب را برای سکون و آرامش قرار داده و نیز زنان را برای سکون و آرامش قرار داده، ازدواج در شب و اطعام از سنت است.(6)

49. تفسیر العیاشی: ابو عبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: در شب ازدواج کنید که خداوند شب را برای آرامش و سکون قرار داده، در شب به دنبال حاجات خود نباشید، چرا که سیاه و تاریک است.(7)

1- . المحاسن: 418
2- . المحاسن: 418
3- . سبأ / 49
4- . فقه الرضا علیه السلام: 31

5- . تفسير العياشى 1: 370
6- . تفسير العياشى 1: 371
7- . تفسير العياشى1: 371

باب هفتم : رفتن به عروسی و حکم شادباشی که در آن نثار می شود

روایات:

1. امالی الصدوق: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: أم أیمن وارد بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله شد، در حالی که در لباس خود چیزی داشت؛ رسول خدا فرمودند: چه چیز به همراه داری؟ گفت: برای فلان زن عروسی گرفته و بر او شاد باشی بیافشاندند، من نیز از آن شادباش چیزی برداشتم؛ سپس گریسته و گفت: یا رسول الله، فاطمه علیها السّلام را عقد کردی اما چیزی بر سرش نیفشاندی. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: ای أم أیمن! چرا دروغ می گویی؟ وقتی فاطمه علیها السّلام را به عقد علی علیه السّلام درآوردم، خداوند درختان بهشت را فرمان داد تا از زیورآلات و دُر و گوهر و مروارید و زمرد بر آنها بیفشانند و خدا می داند که چقدر از این شادباشها را [ملائکه] برداشتند. خداوند درخت طوبی را در مهریه فاطمه علیها السّلام قرار داد و او را در منزل علی علیه السّلام برنشاند.(1)

2. قرب الاسناد: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: آنگاه که به عروسی دعوت شدید، آرام بروید، چون عروسی یاد دنیاست و اگر بر تشییع جنازه دعوت شدید، بشتابید، زیرا که یاد آخرت است.(2)

3. قرب الاسناد: علی بن جعفر به نقل از برادرش امام موسی کاظم علیه السّلام گفت: درباره شادباش از او پرسیدم [که شامل] نقل و بادام و دیگر چیزهاست، آیا خوردنش حلال است؟ گفت: خوردن مال غنیمتی کراهت دارد.(3)

1- . امالی الصدوق: 287
2- . قرب الاسناد: 42
3- . قرب الاسناد: 116

باب هشتم : آداب جماع (همبستر شدن) و احکام آن

آیات:

- «وَ شارِکْهُمْ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلاد»(1)

{ و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن. }

روایات:

1. علل الشرایع و امالی الصدوق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله، علی علیه السّلام را به چند چیز وصیت کرد: ای علی، هرگاه عروس وارد خانهات شد و نشست، کفش او را در بیاور و پاهایش را بشوی و از در خانه تا انتهای آن را آب پاشی کن، زیرا اگر چنین کنی، خداوند هفتاد هزار نوع از فقر را از خانه ات براند و هفتاد نوع برکت را در آن وارد کند و هفتاد رحمت را بر تو نازل کند که بر سر عروس بالا روند تا جایی که برکت آن هر گوشه از خانه ات را فراگیرد و عروس تا زمانی که در آن خانه است، از جنون و جذام و برص در امان باشد و عروس را در هفته اولش از شیر و ترشی [سرکه] و خربزه و سیب ترش بازدار. علی علیه السّلام فرمود: یا رسول الله، از چه روی این چهار چیز را منع کنم؟

فرمودند: زیرا رحم از این چهار چیز سرد و عقیم شده و در این صورت، حصیری در گوشه خانه، از زنی که نمی زاید بهتر است. علی علیه السّلام گفت: یا رسول الله، ترشی چگونه مانع فرزند می شود؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اگر زن در زمان خوردن ترشی حیض شود، هرگز کاملاً پاک نمی شود، و خربزه هم حیض را برمی انگیزد و زادن را برایش دشوار می کند، و سیب ترش هم حیض او را قطع می کند و به شکل دردی دائمی برایش می ماند.

1- . الإسراء / 64

سپس فرمود: یا علی، با همسرت در اول، وسط و آخر ماه [قمری] جماع نکن، زیرا جنون و جذام و غم و رنج به سوی او و فرزندش می شتابد.

یا علی، بعد از ظهر جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، احمق می شود و شیطان از حماقت در آدمی خوشحال می شود.

یا علی، به هنگام جماع صحبت نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، احتمال لال بودن فرزند بعید نیست و نباید کسی به عورت زن خود نگاه کند و باید هنگام جماع چشم فرو بندد، زیرا نگاه به عورت، کوری در فرزند را به دنبال دارد.

یا علی، با زن خود با شهوت زنی دیگر جماع نکن، چرا که خوف آن دارم اگر فرزندی حاصل شود مخنّث، مونّث و بخیل باشد.

یا علی، اگر در حالت جُنُب در بستر کنار همسرت هستی، قرآن نخوان، زیرا می ترسم که از آسمان آتشی بر شما نازل شود و شما را بسوزاند.

یا علی، با همسرت جماع نکن مگر اینکه هر کدام دستمال جداگانه ای داشته باشید و با یک دستمال خود را پاک نکنید، چرا که شهوت بر شهوت افتاده و این باعث عداوت بین شما می شود و سپس شما را به سوی جدایی و طلاق می کشاند.

یا علی، در حالت ایستاده جماع نکن، زیرا این از کارهای الاغ است و اگر فرزندی حاصل شود، در بستر خود بول کند، مانند الاغ که در هر مکانی بول می کند.

یا علی، در شب فطر جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود و آن فرزند بزرگ شود، صاحب بچه نخواهد شد مگر در پیری.

یا علی، در شب قربان جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، شش انگشت یا چهار انگشت خواهد داشت.

یا علی، در زیر درخت میوه دار جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، جلاد، قاتل و یا جنگ سالار خواهد شد.

یا علی، با همسرت در برابر خورشید و نور آن جماع نکن مگر اینکه پوششی داشته باشید، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، همیشه در بدبختی و فقر خواهد بود تا بمیرد.

ص: 345

یا علی، در فاصله اذان و اقامه جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، بر قتل و خونریزی حریص خواهد شد.

یا علی، اگر همسرت باردار باشد، جماع نکن مگر اینکه وضو داشته باشی، زیرا اگر فرزندی حاصل شد، کوردل و بخیل می شود.

یا علی، در نیمه شعبان جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، چهره ای زشت داشته و در موی و صورتش خال خواهد بود.

یا علی، در دو روز مانده به آخر ماه، با همسرت جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، فقیر و تهیدست خواهد شد.

یا علی، با همسرت به شهوت خواهر او جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، مالیات بگیر و یاریگر ظالمان خواهد شد و مرگ جماعتی از مردم به واسطه او خواهد بود.

یا علی، با همسرت در پشت بام خانه جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، منافق، ریاکار و بدعت گذار خواهد شد.

یا علی، آنگاه که قصد سفر کردی، در شب سفر با همسرت جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، مالش را در را ناحق خرج می کند و این آیه را خواند: {کسانی که تبذیر می کنند، برادران شیاطین هستند.}

یا علی، اگر برای سفری سه شبانه روزه خارج شدی، با همسرت مجامعت نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، یاریگر هر ظالمی خواهد شد.

یا علی، در شب دوشنبه جماع کن، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، حافظ کتاب خدا و راضی به روزی خدا خواهد بود.

یا علی، اگر در اول شب سه شنبه با همسرت مجامعت نمودی و فرزندی حاصل شد، او بعد از گفتن شهادتین طعم شهادت را خواهد چشید و خداوند او را با مشرکین عذاب نخواهد داد. دهانی خوش بو و قلبی مهربان و دستی بخشنده و زبانی پاک از غیبت، دروغ و بهتان خواهد داشت.

یا علی، اگر شب پنجشنبه جماع کردی و فرزندی حاصل شد، حاکم و عالم خواهد شد، و اگر در روز پنجشنبه در هنگام زوال خورشید از دل آسمان

جماع

ص: 346

کنی و فرزندی حاصل شود، شیطان به این فرزند نزدیک نخواهد شد تا پیر شود و انسانی فهمیده خواهد شد و خداوند به او سلامتی در دین و دنیا خواهد داد.

یا علی، اگر با همسرت در شب جمعه مجامعت کردی و فرزندی حاصل آمد، آن فرزند خطیب و سخنور خواهد شد و اگر روز جمعه بعد از عصر جماع کردی و فرزندی حاصل شد، وی معروف و مشهور و عالم خواهد شد، و اگر در شب جمعه بعد از نماز عشا جماع کردی، امید می رود که آن فرزند مردی شریف و کریم گردد إنشاا...

یا علی، با همسرت در اولین ساعت شب جماع نکن، زیرا اگر فرزندی حاصل آید، بیم آن می رود جادوگری شود که دنیا را بر آخرت ترجیح می دهد.

یا علی، این وصیتم را محفوظ بدار، آنچنان که من از جبرئیل حفظ کردم. (1)

1. الاختصاص: در این کتاب نیز مثل همین روایت ذکر شده.(2)

2. امالی الصدوق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برای شما بیست و چهار خصلت را مکروه داشته و نهی فرموده: نگاه به عورت زنان را مکروه دانسته و فرموده: کوری را به ارث می گذارد (برای فرزند) و صحبت کردن هنگام جماع را مکروه داشته و فرموده: گنگی را به ارث می گذارد و جماع زیر آسمان را نیز مکروه ساخته و برای مرد جماع با زن حائض را مکروه ساخته، و اگر این کار را بکند و فرزندی حاصل آید که جذام یا برص دارد، فقط باید خود را سرزنش کند؛ و نیز مکروه ساخته که مرد در حالت احتلام با زن درآمیزد مگر زمانی که غسل کند، و اگر غسل نکرده باشد و فرزند مجنون به دنیا آید، فقط باید خود را سرزنش کند. (3)

3. الخصال: این روایت در الخصال نیز مذکور است.(4)

4. المحاسن: این روایت در المحاسن نیز مذکور است.(5)

1- . علل الشرایع: 517 -514 و امالی الصدوق:570 -566
2- . الاختصاص: 132
3- . امالی الصدوق: 301
4- . الخصال 2: 297
5- . المحاسن: 321

1. امالی الصدوق: در باب مناهی آمده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله نهی فرموده اند از خوردن طعام در حال جنابت و گفته اند: فقر را به دنبال دارد.(1)

و نیز نهی کرده اند از کثرت کلام به هنگام جماع و فرموده اند: باعث گنگی کودک می شود.(2)

و نهی فرمودهاند که مرد مجامعت کند در حالی که رو به قبله است و یا در راهی که رفت و آمد در آن است. زیرا در این صورت، لعنت خداوند و ملائکه و مردم بر او خواهد بود.

و نیز نهی فرموده اند که مرد زن خود را به حمام داخل کند.(3)

2. قرب الاسناد: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرموده اند: کراهت دارد که مرد رو به سوی قبله مجامعت کند.(4)

3. قرب الاسناد: از ابن عباس روایت شده است: نگاه به عورت زن در هنگام جماع، کوری به دنبال دارد.(5)

4. قرب الاسناد: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرموده اند: سه چیز جفا است: اینکه مردی با شخصی مصاحبت کند ولی از اسم و کنیه اش نپرسد؛ اینکه شخصی به طعام دعوت شود اما اجابت نکند، یا اجابت کند ولی چیزی نخورد؛ و نیز مجامعت مرد با زن قبل از ملاعبه.(6)

5. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم علیه السّلام نقل می کند که گفت: سؤال کردم از اینکه جایز است مرد عورت زن را ببوسد؟ فرمود: اشکالی ندارد.(7)

1- . امالی الصدوق: 422
2- . امالی الصدوق: 423
3- . امالی الصدوق: 424
4- . قرب الاسناد: 66
5- . قرب الاسناد: 66
6- . قرب الاسناد: 74

7- . قرب الاسناد: 102

1. قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام به نقل از اجدادشان فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله روز جمعه به یکی از اصحاب گفتند: آیا امروز روزه گرفته ای: گفت: نه؛ فرمود: آیا چیزی صدقه داده ای: گفت: نه؛ فرمود: برخیز و به خانواده ات برس، زیرا این صدقه ای است از جانب تو بر او.(1)

2. الخصال: ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: سه چیز از سنن رسولان خداست: عطر، کوتاه کردن موی و زیاد جماع کردن.(2)

3. عیون الاخبار و الخصال: امام رضا علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: سه چیز را از کلاغ یاد بگیرید: پنهان کاری در جفت گیری، سحر خیزی در طلب روزی و برحذر بودنش را.(3)

4. عیون الاخبار: امام رضا علیه السّلام فرمودند: امام علی علیه السّلام فرموده است: هرکه می خواهد زندگی کند، باید صبح زود بیدار شود و کفش خوب به پا کند و لباسِ تن سبک گرداند و از مجامعت با زنان کم کند.(4)

5. امالی الطوسی: همین روایت مذکور است اما جمله [کفش خوب به پا کند] وجود ندارد.(5)

6. علل الشرایع: امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: عذاب قبر به خاطر سخن چینی و بول و کناره گیری مرد از همسرش است.(6)

17. علل الشرایع: ابوعبدالله علیه السّلام فرمودند: مرد نباید با زن و یا کنیز خود مجامعت کند در حالی که کودکی در خانه است، زیرا این کار، زنای آن کودک را به دنبال دارد.(7)

1- . قرب الاسناد: 32
2- . الخصال 1: 57
3- . عیون الاخبار 2: 257 و الخصال 1: 62
4- . عیون الاخبار 2: 38
5- . امالی الطوسی 2: 279

6- . علل الشرايع: 309
7- . علل الشرايع: 502

18. علل الشرایع: امام علی علیه السّلام در حدیثی طولانی که وصیت پیامبر را در آن ذکر می فرمود، گفتند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند: کراهت دارد که مرد با همسرش در حالی که حائض است مجامعت کند، اگر این کار را کرد و فرزند با جذام یا برص به دنیا آمد، نباید هیچ کس را ملامت کند؛ و کراهت دارد که مرد در حالت احتلام و غسل نکرده با همسرش جماع کند، اگر این کار را کرد و بچه دیوانه بود، فقط باید خودش را ملامت کند.(1)

19. الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: اگر خواستید که با همسرانتان همبستر شوید، نباید آنها را به عجله وادارید، زیرا زنان حوائجی دارند. اگر شخصی زنی را دید که او را به شگفت آورد، باید نزد همسرش برود، چون همسرش نیز همان چیزی را دارد که آن مرد دیده است. نباید که آدمی برای شیطان راهی به سوی قبلش قرار دهد و باید نگاهش را از آن زن برگرداند و اگر همسر ندارد، باید دو رکعت نماز خوانده و خداوند را سپاس بیکران نموده و بر پیامبر و خاندانش درود فرستد، و آنگاه از دریای فضل خداوند، خواسته خویش را طلب نماید، زیرا خداوند از روی مهر به او می بخشد، آنچه را که بی نیازش کند. اگر شخصی از شما با همسرش همبستر شود، باید کم سخن بگوید، زیرا صحبت کردن در این زمان، گنگی را به دنبال دارد.

اگر کسی از شما قصد مجامعت با همسرش را داشت، باید بگوید: خدایا من به فرمان تو عورت او را حلال داشتم و امانت تو را قبول کردم، اگر فرزندی از او برایم مقدر فرمودی، پسری سالم قرار ده و برای شیطان در او نصیب و شریکی قرار مده.(2)

و نیز فرمودند: اگر شخصی از میان شما قصد همبستری با زنش را داشت، باید از این کار در اول هلال ماه و میانه ماه بپرهیزد؛ زیرا شیطان در این دو وقت به

1- . علل الشرایع: 514
2- . الخصال 2: 433

دنبال فرزند است و شیاطین در این دو زمان به دنبال شراکت در [وجود] فرزند هستند، میآیند و دام خود را می نهند.(1)

20. علل الشرایع: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: آنگاه که زن و مرد همبستر می شوند، نباید مانند الاغ کاملاً لخت شوند، زیرا فرشتگان از میان آنان خارج می شوند.(2)

21. امالی الصدوق: امام جعفر علیه السّلام فرمودند: شایسته نیست بر زن که به خود نرسد، حتی اگر شده، در گردن خود گردنبندی بیاندازد، و شایسته نیست که دست خود را از حنا خالی بگذارد، حتی اگر شده اندکی حنا بمالد، حتی اگر پیرزن باشد.(3)

22. امالی الطوسی: در این کتاب هم، مانند این روایت مذکور است.(4)

- الخصال: ابوجعفر امام باقر علیه السّلام فرمودند: با کنیز همبستر نشو تا اینکه نه یا ده سالگیاش تمام شده باشد.(5)

23. الخصال: ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: هرکس با همسرش مجامعت کند، قبل از اینکه نه ساله باشد و زن دچار عیب و نقص شود، آن شخص ضامن است.(6)

24. تفسیر علی بن ابراهیم: {زنانِ شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید، به کشتزار خود [در]آیید.}(7) یعنی هر وقت خواستید. اما عوام مردم کلام خدا را تأویل کردند که از قُبُل یا دُبُر و امام صادق علیه السّلام فرمودند: «أنّی شئتم» یعنی از قُبُل، هر وقت که خواستید؛ و دلیل بر این سخن نیز کلام

1- . الخصال 2: 434
2- . علل الشرایع: 518
3- . امالی الصدوق: 396
4- . امالی الطوسی 2: 52
5- . الخصال 2: 187
6- . الخصال 2: 187

7- . البقره / 223

خداست که می فرمایند (نساؤکم حرث لکم) و حرث بمعنای کشت و کاشتن است و کشت در زن، برای حصول فرزند از طریق قُبُل است.

امام صادق علیه السّلام فرموده اند: هرکس با زن خود در اول حیض مجامعت کند، باید یک دینار صدقه بدهد و یک چهارم حد زنا یعنی 25 ضربه شلاق دارد. و اگر در آخرین روز حیض مجامعت کند، باید نصف دینار صدقه بدهد و دوازه و نیم ضربه شلاق دارد.(1)

25. عیون الاخبار: امام رضا علیه السّلام به نقل از پدرانشان فرمودند که پیامبر صلّی الله علیه و آله از وطی با زنان نهی نموده اند، تا آنگاه که وضع حمل کنند.(2)

26. ثواب الاعمال: رسول خدا صلّی الله علیه و آله به مردی فرمود: آیا روزه ای؟ گفت: نه. فرمود: مریض شده ای؟ گفت: نه. فرمود: در تشییع جنازه ای بوده ای؟ گفت: نه. فرمود: آیا مسکینی را اطعام کرده ای؟ گفت: نه. فرمود: پس بسوی همسر و خانواده ات برو و به آنها سری بزن، زیرا این صدقهای است از جانب تو بر آنها. (3)

27. بصائرالدرجات: سالم، غلام علی بن یقطین به نقل از او گفته است: قصد داشتم نامه ای به امام علیه السلام بنویسم و بپرسم، آیا مرد می تواند نوره بکشد در حالی که جنب است؟ اما او برایم نامه ای نوشت که: نوره باعث می شود شخص جنب نظافت بیشتری داشته باشد، اما مرد نباید در حالی که خضاب کرده، مجامعت نماید و نیز زنی که خضاب کرده، نباید مجامعت کند.(4)

28. المحاسن: ابوجعفر امام باقر علیه السّلام در جواب [سالم] که پرسیده بود آیا کراهت دارد مجامعت در زمانی خاص، حتی با همسر حلال خود؟ فرمودند: آری، میان طلوع فجر تا طلوع خورشید، و از زمان رفتن خورشید تا رفتن شفق

1- . تفسیرعلی بن ابراهیم 1: 73
2- . عیون الاخبار 2: 63
3- . ثواب الاعمال: 152

4- . بصائر الدرجات: 125

شامگاهی، و در روزی که کسوف واقع شود، و در شبی که ماه در خسوف است، و در روز و شبی که در آن باد سیاه و باد سرخ و زرد می وزد، و در روز و شبی که زلزله رخ می دهد.

شبی پیامبر صلّی الله علیه و آله نزد یکی از همسرانش بود که ماه گرفت و در آن شب پیامبر صلّی الله علیه و آله مجامعت نکرد تا اینکه صبح شد. همسرش به او گفت: یا رسول الله، آیا به خاطر غضب و کینه ای بود که به سوی من نیامدی؟ پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: خیر، بلکه به خاطر خسوف بود که در این شب رخ داد، پس نامیمون و زشت دیدم که در این شب به لذت بپردازم و خداوند برخی اقوام را در کتابش نکوهش نموده و فرموده: {و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند، می گویند: «ابری متراکم است.» پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می افتند برسند. }(1)

سپس امام علیه السّلام فرمودند: قسم به خدا، هر کسی که مجامعت کند و صاحب فرزند شود، در او چیزی که آن را دوست داشته باشد نخواهد دید.[یعنی دارای عیب و نقص می شود.](2)

29. الاختصاص: ابو جعفر امام باقر علیه السّلام فرمودند: قسم به خداوند، هر کس که در این اوقات که پیامبر خدا نهی کرده اند مجامعت کند، درحالی که از این اوقات خبر داشته، و صاحب فرزندی شود، در او آنچه که دوست دارد نمی بیند. (یعنی فرزند دارای نقص می شود.)(3)

30. المحاسن: ابو عبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: نباید مرد با زن یا کنیز خود در خانهای که کودک حضور دارد مجامعت کند، زیرا این کار، زنا را (برای کودک) به دنبال خواهد داشت.(4)

1- . الطور /44-45
2- . المحاسن: 311
3- . الاختصاص: 218
4- . المحاسن: 317

31. فقه الرضا: اگر بعد از غسل و شستن میت و قبل از اینکه غسل مس میت را بجای آوری، قصد جماع داشتی، وضو بگیر.(1)

32. المحاسن: ابو عبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: سه چیز بدن را نابود می کند و شاید بکشد. گوشت قرمه قرمه شده نمک سود، داخل شدن به حمام با شکم پر، و نکاح پیر زنان. و ابواسحاق النهاوندی در این حدیث افزوده اند که: و جماع با زنان با شکم پر.(2)

33. فقه الرضا: از جماع در اول، وسط و آخر ماه بپرهیز، زیرا اگر کسی این کار را کرد، فرزندش از خطر سقط در امان نخواهد بود و حتی اگر به دنیا آید، ممکن است مجنون شود؛ و بپرهیز از جماع در روزی که خورشید در آن پوشیده می شود، یا در شبی که کسوف است و نیز در هنگام زلزله و باد زرد و سرخ و سیاه. و اگر کسی این کار را بکند، در حالی که از این نواهی خبر داشته، در فرزندش چیزی را خواهد دید که او را خوش نیابد. در کشتی هم جماع نکن و نیز رو به قبله و پشت به قبله.(3)

34. طب الائمه: امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: اگر کسی از شما درد و رنجی در بدن داشت و تب بر او غلبه کرد، باید در بستر رود. از امام باقر علیه السّلام پرسیده شد: منظور از بستر چیست؟ فرمود: همبستری با همسر، زیرا باعث تسکین او شده و حرارت بدنش را خاموش می کند.(4)

35. طب الائمه: عبدالرحمن بن سالم گوید: به ابا جعفر امام باقر علیه السّلام گفتم: آیا زمانی هست که جماع در آن وقت کراهت داشته باشد؟ فرمود: آری، حتی اگر با زن حلال خود باشد، کراهت دارد مجامعت بین طلوع فجر تا طلوع خورشید، بین غروب خورشید تا از بین رفتن شفق، و در روز کسوف خورشید و در شب و روزی که زلزله در آن واقع شده، یا باد سیاه و سرخ و زرد در آن روز باشد.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 18
2- . المحاسن: 463
3- . فقه الرضا علیه السلام: 31
4- . طب الائمه: 94

رسول خدا صلّی الله علیه و آله شبی را که در آن ماه گرفتگی بود، با یکی از همسرانش بود، و در آن شب با همسر خود همبستر نشد. همسرش گفت: آیا به خاطر ناراحتی از من بی توجهی نمودی؟ فرمودند: آیا نمی دانی که این آیه در چنین شبی ظاهر شد و من اجتناب کردم که در آن کام جویم و شبیه به قومی باشم که خداوند در قرآن آنها را چنین نکوهش کرده. {و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می گویند: «ابری متراکم است.»پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می افتند برسند. }(1)

سپس امام باقر علیه السّلام فرمودند: قسم به خدا، هر کسی در این اوقات که رسول خدا صلّی الله علیه و آله از مجامعت در آنها کراهت دارند جماع نماید و صاحب فرزندی شود، در حالی که عالم به مناهی پیامبر صلّی الله علیه و آله بوده است، در فرزند خود چیزی را خواهد دید که دوست نمی دارد. بدان ای ابن سالم، هر کس از لذت و کامجویی در هنگام ظهور نشانه های خداوند پرهیز نکند، از کسانی است که آیات کتاب خدا را به استهزاء گرفته اند. (2)

36. طب الائمه: سعد المولی گوید: ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام به من گفت: بپرهیز از مجامعت در شبی که هلال ماه تازه است، زیرا اگر چنین کنی و خداوند فرزندی عنایت کند، مجنون خواهد شد. گفتم: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، چرا این زمان را مکروه می دارید؟ فرمودند: آیا نمی بینی که آنهایی که دچار بیماری صرع می باشند، بیشترشان در اول ماه دچار صرع می شوند؟(3)

37. طب الائمه: عبدالرحمن ابن سالم گوید: به امام محمد باقر علیه السّلام گفتم: قربانت شوم، از چه روی مجامعت در اول ماه و نیمه ماه [قمری] را مکروه می دارید؟ فرمودند: چرا که مصروع بیشتر وقتها در این دو زمان دچار صرع می شود. گفتم: ای فرزند رسول خدا، من دلیل اول ماه را فهمیدم، اما نیمه ماه چگونه است؟ فرمودند: هلال ماه از حالتی به حالت دیگر متحول می شود و شروع به نقصان می

1- . الطور / 45-44
2- . طب الائمه: 131

3- . طب الائمه: 131

کند و اگر کسی این کار انجام دهد و صاحب فرزند شود، آن فرزند فقیر و ضعیف و در سختی خواهد بود. (1)

38. طب الائمه: امام جعفر صادق علیه السّلام به یکی از یارانش فرمودند: با همسرت همبستر مشو، در حالی که خضاب بسته ای، زیرا اگر فرزندی حاصل شود، مخنث خواهد شد.(2)

39. طب الائمه: امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله مجامعت در شبی را که آدمی قصد سفر دارد مکروه داشته اند و گفته اند: اگر صاحب فرزندی شود، پرسفر خواهد شد. (3)

- و از امام محمد باقر نیز آمده که فرمود: حسین بن علی علیه السّلام به یارانش فرمود: بپرهیزید از همبستری در شبی که فردایش قصد سفر دارید، هرکس این کار انجام دهد، و صاحب فرزند شود، آن فرزند حواله {سرگردان و بی ثبات} خواهد بود.(4)

40. طب الائمه: جابر گوید: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: بپرهیز از مجامعت در جایی که کودکی هست و می تواند آن رفتار تو را توصیف کند. گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا کراهت فعل قبیح را دارد؟ گفت: خیر، ولی اگر صاحب فرزندی شدی، در فسق و فجور شهره و سرآمد خواهد شد.(5)

41. طب الائمه: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: بپرهیز از مجامعت با همسر در حالی که کودکی به تو نگاه می کند، زیرا رسول خدا صلّی الله علیه و آله از این کار به شدت کراهت داشتند. (6)

42. طب الائمه: امام باقر علیه السّلام فرمودند: با زن آزاد در برابر زن آزاد دیگر مجامعت نکن، اما اگر با کنیز در برابر کنیز دیگر مجامعت کردی، عیبی ندارد.(7)

1- . طب الائمه: 132
2- . طب الائمه: 132
3- . طب الائمه: 133

4- . طب الائمه: 133
5- . طب الائمه: 133
6- . طب الائمه: 133
7- . طب الائمه: 133

43. تفسیر العیاشی: ابو عبدالله امام صادق علیه السّلام فرمودند: وقتی زن حیض شود، بر شوهر حرام است که از قُبُل مجامعت کند، زیرا خداوند فرموده «و لا تقربوهن حتی یطهرن»؛ اما مرد میتواند به شکل دیگری با همسرش همبستر شود.(1)

44. تفسیر العیاشی: جمیل بن دراج گفت: از ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام درباره کلام خدا پرسیدم: {هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]} فرمود: جماع (2)

45. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: «لا تُضَارَّ والِدَهٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِه» فرمودند: زن [باردار] به سوی همسر که قصد مجامعت دارد دست امتناع بلند می کند و می گوید: اجازه نمی دهم و بر فرزندم می ترسم و مرد به زن می گوید: با تو مجامعت نمی کنم و می ترسم که فرزندم را بکشم، و خداوند نهی فرموده که مرد و زن به یکدیگر ضرر برسانند. (3)

46. تفسیر العیاشی: از یونس، از ابوالربیع الشامی نقل میکند که گفت: شبی نزد امام صادق علیه السلام بودم، دامهای شیطان را ذکر کرد و آن را بسیار عظیم دانست، تا جایی که مرا به وحشت انداخت گفتم: فدایت شوم، راه فرار از شرّ شیطان چیست و چه کار کنیم؟ گفت: اگر قصد مجامعت کردی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان که معبودی جز او نیست و آفریننده آسمانها و زمین است»، اگر در این شب قصد داری از من فرزندی حاصل کنی، شیطان را در او نصیب و شریک و بهره ای قرار مده و آن فرزند را بنده ای صالح و پاک قرار ده، که ثنا و سپاس تو بسی بزرگ است. (4)

47. تفسیر العیاشی: سلیمان بن خالد گفته است: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم: این سخن خداوند به چه معناست؟ {و با آنان در اموال و اولاد شرکت

1- . تفسیر العیاشی 1: 110
2- . تفسیر العیاشی 1: 120

3- . تفسيرالعياشى 1: 120
4- . تفسير العياشى 2: 300

کن.} فرمودند: در این خصوص بگو: پناه می برم به خداوند شنوا و دانا از شیطان رانده شده.(1)

48. تفسیرالعیاشی: امام باقر یا امام صادق علیهما السّلام فرمودند: شراکت شیطان در فرزند بنی آدم از روی مال حرام است و این مال حرام همراه مرد است آنگاه که مجامعت می کند، و نطفه مال حرام همراه با نطفه مرد است. و نیز فرمودند: هر دوی این نطفه ها در هم آمیخته اند و فرمودند: شاید فرزند از یک نطفه به دنیا آید و یا خلقش با هر دو نطفه باشد. (2)

49. تفسیر العیاشی: صفون الجمال گفت: خدمت امام صادق علیه السّلام بودم که عیسی بن منصور اجازه ورود خواست. امام علیه السّلام فرمودند: تو را با فلان شخص چه کار ای عیسی، او تو را دوست نمی دارد. عیسی گفت: ای که پدر و مادرم فدایت باد، فلان شخص حرف ما را می زند و پیروی می کند از آنچه ما پیروی می کنیم. امام علیه السّلام فرمود: در او نخوت و تکبر شیطان است.

عیسی گفت: پدر و مادرم فدایت باد، آیا ابلیس نمی گوید: {مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و گل.} امام علیه السّلام فرمودند: و خداوند فرموده است: {و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن.} شیطان با بنی آدم همبستر می شود و [سپس] دو انگشتش را کنار هم قرار داد. (3)

50. کشف الغمه: الوشّا به نقل از ابن محرز گوید: به ما خبر رسیده که امام صادق علیه السّلام هر گاه قصد داشت با اهل خویش مجامعت کند، وضو می ساخت. دوست دارم که از امام رضا علیه السّلام بپرسی که آیا چنین بود؟ الوشا گوید: بر امام رضا علیه السّلام وارد شدم و بدون اینکه سؤالی کنم، امام علیه السّلام فرمودند: امام جعفر صادق علیه السّلام هر گاه مجامعت می نمود و اگر قصد انجام دوباره این کار را داشت، وضو می ساخت و اگر باز هم قصد می کرد، وضو می

1- . تفسیر العیاشی 2: 300
2- . تفسیر العیاشی 2: 300
3- . تفسیر العیاشی 2: 300

ساخت. الوشاء گوید: خارج شدم و به ابن محرز گفتم: امام جوابم را داد بدون اینکه سؤال کنم. (1)

51. نوادر الراوندی: امام جعفر صادق علیه السّلام به نقل از پدران خویش فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه خواستید با همسرتان همبستر شوید، او را به عجله نیاندازید. (2)

و نیز فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: بپرهیزید از اینکه مردی با همسرش مجامعت کند، در حالی که کودک در گهواره به آنها نگاه می کند.(3)

52. الهدایه: کراهت دارد مجامعت در شب اول ماه و نیمه ماه و آخر ماه و هر کس چنین کند، باید تسلیم سقط جنین شود و اگر ماه تمام شود و چنین کند، بسیار نزدیک است که فرزند مجنون ش-ود. آیا نمی بینید که مجنون بیشتر وقتها در اول، وسط و آخر ماه دچار جنون میشوند. و کراهت دارد مجامعت در روز خورشید گرفتگی و شبی که ماه گرفته می شود و نیز به هنگام زلزله و باد زرد و سیاه و سرخ و هر کسی که مجامعت کند و اینها را بداند، در فرزند خود [عیبی] را خواهد دید که آن را نمی پسندد. (4)

53. الهدایه: هر گاه مرد با زنی ازدواج نموده و با او خلوت نمود، مهریه و عدّه واجب می شود، و خلوت بمعنای دخول است؛ و اگر مرد با همسرش مجامعت نمود و آلت آنها با هم تماس یافت، غسل واجب است، چه انزال صورت گیرد و چه نگیرد.

اگر مرد با رانهای همسرش مجامعت کرد و انزال شد، غسل بر او واجب است و زن تنها باید پاهایش را بشوید. و اگر مرد هم انزال نکند، بر او هم غسلی نیست. جایز نیست که مرد با زن حایض خود مجامعت کند، زیرا خداوند نهی فرموده {به آنها نزدیک نشوید تا اینکه پاک شوند.} منظور غسل پس از حیض است. اگر مرد

1- . کشف الغمه 3: 136
2- . نوادر الراوندی: 13
3- . نوادر الراوندی: 14

4- . الهدايه: 68

برای مجامعت عجله داشت، امر کند که همسرش عورت خود را بشوید. هر کس با زن حائض جماع کرد، در اول حیض او باید یک دینار صدقه دهد و اگر در اواسط حیض باشد، نصف دینار و اگر در آخر باشد، یک چهارم دینار؛ و اگر با کنیز خود در حالت حیض جماع کند، باید سه وعده غذا صدقه دهد. (1)

1- . الهدایه: 69

باب نهم : انواع نکاح و نیز اثبات متعه و ثواب آن و همه شرایط مربوط به آن

آیات:

- «وَ أُحِلَّ لَکُمْ ما وَراءَ ذلِکُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوالِکُمْ مُحْصِنینَ غَیْرَ مُسافِحینَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَریضَةً وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ فیما تو راضَیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَریضَهِ إِنَّ اللّهَ کانَ عَلیماً حَکیماً»(1)

{به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنانِ نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است.}

- «وَ الَّذینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ، إِلاَّ عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومینَ، فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ»(2)

{و کسانی که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جُوید، آنان از حد درگذرندگانند.}

- «وَ تَذَرُونَ ما خَلَقَ لَکُمْ رَبُّکُمْ مِنْ أَزْواجِکُم»(3)

1- . النساء / 24
2- . المؤمنون / 5-7
3- . الشعراء / 166

{و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده، وامی گذارید. }

- «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَحْلَلْنا لَکَ أَزْواجَکَ اللاَّتی آتَیْتَ أُجُورَهُنَّ وَ ما مَلَکَتْ یَمینُکَ مِمَّا أَفاءَ اللَّهُ عَلَیْکَ وَ بَناتِ عَمِّکَ وَ بَناتِ عَمَّاتِکَ وَ بَناتِ خالِکَ وَ بَناتِ خالاتِکَ اللاَّتی هاجَرْنَ مَعَکَ وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَها لِلنَّبِیِّ إِنْ أَرادَ النَّبِیُّ أَنْ یَسْتَنْکِحَها خالِصَةً لَکَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ قَدْ عَلِمْنا ما فَرَضْنا عَلَیْهِمْ فی أَزْواجِهِمْ وَ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ لِکَیْلا یَکُونَ عَلَیْکَ حَرَجٌ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیما»(1)

{ای پیامبر، ما برای تو آن همسرانی را که مَهْرشان را داده ای حلال کردیم، و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده، و دختران عمویت و دختران عمّه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند، و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد - در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد. [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان. ما نیک می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرّر کرده ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید، و خدا همواره آمرزنده مهربان است. }

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرموده اند: نکاح سه وجه دارد: نکاح به میراث، نکاح بدون میراث، و نکاح به آنچه در اختیار دارد (کنیز).(2)

الاحتجاج: حمیری برای ناحیه مقدسه (امام عصر علیه السلام) نامهای فرستاد و درباره مردی سؤال کرد که انسانی راستگو است و به متعه و رجعت اعتقاد دارد، اما همسری دارد که در تمامی امور زندگی با آن مرد موافقت دارد، ولی مرد با زنش عهد بسته که بر او همسری نیاورده، صیغه نکند و به این عهد و پیمان نوزده سال است که وفادار مانده و چه بسا چند ماه از منزل دور بوده و متعه نکرده و حتی قصد این کار را هم ننموده و چنین می پندارد که اگر همراهانش

1- . الاحزاب / 50
2- . الخصال 1: 75

1. مانند، برادر، فرزند، غلام و دیگران، اگر بر تمتع وی پی ببرند، باعث کاهش جایگاهش نزد آنان می شود. و نیز دوست دارد به قولی که داده وفادار بماند، به خاطر محبت به خانواده و نیز صیانت از قولی که داده، البته نه از روی تحریم صیغه، بلکه اعتقاد به صیغه که حکم خداست دارد. اکنون آیا در ترک این عهد و پیمان، گناهی هست یا نه؟ جواب آمد: مستحب است که در خصوص متعه از خداوند اطاعت کند تا عهد و پیمان از او زایل شود و معصیت نکند، ولو شده یک بار.(1)

3. تفسیر علی بن ابراهیم: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: در کلام خداوند آمده است: «ما یَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَهٍ فَلا مُمْسِکَ لَها وَ ما یُمْسِکْ فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکیم» و امام علیه السّلام فرمودند: و متعه نیز از جمله رحمت های خداست.(2)

5. قرب الاسناد: ابن سعد به نقل از الازدی گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره متعه سؤال کردم، فرمودند: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید]. }

و نیز از ابوالحسن امام موسی کاظم علیه السّلام درباره متعه پرسیدم که آیا منظور چهار همسر عقدی است؟ فرمودند: خیر(3)

5. قرب الاسناد: ابن سعد به نقل از الازدی گفت: از ابوعبدالله امام صادق علیه السّلام درباره متعه پرسیدم: فرمودند: کراهت دارد که آدمی از دنیا برود در حالی که سنتی از سنتهای خداوند باقی مانده باشد و آن را انجام نداده باشد. (4)

6. قرب الاسناد: درباره متعه از امام جعفر صادق علیه السّلام سؤال کردم: فرمودند: حلال است و نیز خبر دادند که مهریه متعه، از یک درهم به بالا باشد.(5)

1- . الاحتجاج 2: 306
2- . تفسیرعلی بن ابراهیم 2: 207 و فاطر/ 2

3- . قرب الاسناد: 21
4- . قرب الاسناد: 21
5- . قرب الاسناد: 77

7. الخصال: ابو جعفر امام باقر علیه السّلام فرمودند: لهو و لعب مؤمن در سه چیز است: تمتع از زنان، طنز گویی با برادران، نماز در شب. (1)

8. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: حلال شمردن دو متعه واجب است، همانطور که خداوند در قرآن فرموده و پیامبر خدا سنت نهاده: متعه حج و متعه نساء. (2)

9. تحف العقول: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از نکاح ها چهار وجه جایز است: نکاح به میراث، نکاح بدون میراث و نکاح الیمین [یعنی با کنیز زرخرید] و نکاح به تحلیل (یعنی شخصی کنیز خود را برای مدتی معین برای شخص دیگر حلال نماید). (3)

10. فقه الرضا: خداوند تو را در پناه رحمت خود بدارد، بدان که وجوه نکاح که خداوند به آن دستور فرموده، چهار وجه است: نکاح میراث که [شرط آن وجود] ولی و دو شاهد و مهریه مشخص است که چه کم باشد و چه زیاد، باید با رضایت طرفین باشد و احتیاج به شهود دارد. و تعداد زنان در این نوع از نکاح چهار است، و جایز نیست کسی که چهار همسر دارد، همسر دیگری اختیار کند مگر با طلاق دادن یکی از زنان قبلی و به پایان رسیدن عده زن مطلقه و حلال شدن ازدواج مطلقه با مردی دیگر، زیرا تا زمانی که زن مطلقه برای دیگری حلال نباشد، همچنان تحت پوشش مرد اول است.

نوع دوم نکاح بدون شهود و بدون میراث است که همان متعه است، البته با شروط متعلقه آن و این شروط آن است که از زن سؤال کنی که آزاد است یا همسر دارد؟ در ایام عده است یا حامله است؟ پس اگر زنی فارغ از این شروط بود، مرد به آن زن می گوید: آیا بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر اساس نکاح و نه زنا، با فلان شرط به عقد من در می آیی؟ و سپس مهریه و زمان را مشخص

می کند، به این ترتیب که از من ارث نمی بری و از تو ارث نمی

1- . الخصال 1: 106
2- . الخصال 2: 396

3- . تحف العقول: 355

برم و هر گونه بخواهم با تو همبستر شوم و اگر زمان نکاح تمام شد، چهل و پنج روز عده نگه دار. پس اگر قبول کرد، به او می گویی: تو خود را به نکاح متعه من در آوردی و همه شروط قبل از نکاح فاسد است و امر نکاح با سخن دوم منعقد می شود، پس اگر بار دوم گفت: آری. مرد مهریه یا آنچه را که حاضر است می پردازد و الباقی به عنوان دین [بدهی] بر ذمه اوست و در این زمان همبستری با او حلال است.

روایت شده که زن مشهور به فجور و بدکاری را برای متعه انتخاب نکن و زن را قبل از متعه به کار حرام دعوت کن [امتحانش کن]، اگر جواب مثبت داد با او عقد نکن.

در این باب از روی سهولت و آسان گیری روایت شده که اگر مردی اجرت و زمان را رعایت کرد ولی از زن سؤال نکرد و او را امتحان نکرد، گناهی بر او نیست و اگر مرد خواست که مدت و مهر را افزایش دهد [به صیغه ادامه دهد] بر زن واجب نیست که عده نگهدارد. عده برای مرد دیگر واجب است، مگر اینکه مرد زمان متعه را بر زن ببخشد و کلام خداست که {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید].} منظور زیاد کردن مهریه و زمان است و مرد می تواند از کنیزها به هر اندازه که می خواهد صیغه نماید.

و وجه سوم، نکاح ملک الیمین است، بدان معنا که مردی کنیزی بخرد که نکاح با او حلال است (اگر حیض شده باشد)، و (اعلام) حیض شدن کنیز به عهده فروشنده است. پس اگر فروشنده مورد اطمینان باشد و بیان دارد که کنیز حیض شده است (باردار نیست)، نکاح او بر خریدار جایز است، اما اگر فروشنده مطمئن نباشد، خریدار باید منتظر حیض شدن کنیز بشود. اما اگر کنیز مال زنی باشد یا باکره باشد یا مال کسی باشد که به حد بلوغ نرسیده، دیگر نیازی به اطمینان از حیض شدن کنیز نیست.

و وجه چهارم، نکاح تحلیل است بدین شکل که مرد یا زنی عورت کنیز خود را برای مدت مشخص برای شخص دیگر حلال گرداند. اگر کنیز مال مرد باشد، باید قبل از تحلیل کنیز، از حیض شدن او مطمئن شود (باردار نباشد) و پس از ایام تحلیل هم از حیض شدن کنیز مطمئن شود، اما اگر کنیز مال یک زن باشد، به این کارها نیازی نیست. (1)

مؤلف: در کتاب الغیبه خبری طولانی از مفضل بن عمر درباره «الرجعه» ذکر شده و در آن آمده است:

11. مفضل به امام صادق علیه السّلام گفت: ای مولای من، متعه حلال آزاد است؟ فرمود: حلال محض است، شاهد آن کلام خداست: {و درباره آنچه شما به طور سربسته، از زنان [در عدّه وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته اید، بر شما گناهی نیست. خدا می دانست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد. ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید.(2) }

سخن پسندیده یعنی کلام و فعلی همراه با شاهد و ولی، و بدین خاطر احتیاج به ولی و شهود است تا نسبت فرزند ثابت شود و میراث به صاحب میراث برسد. و نیز کلام خدا {و مَهرِ زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید. }(3)

خداوند طلاق را برای زنان شوهردار مجاز ندانسته مگر با دو شاهد عادل مسلمان و درباره سایر شهادتها در خصوص اموال و املاک و خون [قتل] و عورت فرموده: {و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید]. }(4)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . البقره / 235
3- .النساء / 4
4- . البقره / 282

خداوند عزوجل شرایط طلاق را روشن ساخته و فرموده: {ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویید، در [زمان بندی] عدّه آنان طلاقشان گویید و حساب آن عدّه را نگه دارید. }(1)

و اگر زن مطلقه با سه طلاق و با گفتن یک کلمه یا بیشتر یا کمتر مباین شود، خداوند نمی فرمود: {و حساب عده را نگهدارید و از خدا بپرهیزید ....ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویید، در [زمان بندی] عدّه آنان طلاقشان گویید و حساب آن عدّه را نگه دارید. این است احکام الهی. و هر کس از مقرّرات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد، پس چون عدّه آنان به سر رسید، [یا] به شایستگی نگاهشان دارید، یا به شایستگی از آنان جدا شوید، و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید. این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، داده می شود، و هر کس از خدا پروا کند. (2) }

و آیه: {نمی دانی، شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.} اشاره به این دارد که ممکن است چیز ناخوشایندی بین زوجین حاصل شود. پس طلاق اول را با شهادت اشخاص عادل، می دهد و حدّ زمان طلاق، آخرین حیض است و هنگامی که خون حیض از سرخی و زردی گذشته و [دستمال] سفید شود، طلاق محقق می شود. و تا طلاق دوم و سوم، شاید خداوند میان آنها محبتی ایجاد کند یا آنچه را که از یکدیگر ناپسند می دارند بر طرف سازد. خداوند فرموده: {و زنانِ طلاق داده شده، باید مدّتِ سه پاکی انتظار کشند، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رَحِم آنان آفریده، پوشیده دارند؛ و شوهرانشان اگر سرِ آشتی دارند، به بازآوردن آنان در این [مدّت] سزاوارترند. و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است، و مردان بر آنان درجه برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است. }(3)

1- . الطلاق / 1
2- . الطلاق/ 2-1
3- . البقره/ 229-228

این را خداوند فرموده تا ظرف مدت این حیض تا حیض دیگر، زن یا مرد در خواست رجوع کنند، البته اگر قصد اصلاح دارند. و خداوند فرموده: {طلاقِ [رجعی] دوبار است. پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن.} و در مرتبه سوم اگر طلاق دهد و {اگر [شوهر برای بار سوّم] او را طلاق گفت، پس از آن، دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید].} (1)

مرد بعد از سه بار طلاق دادن همسر خود، دیگر نمی تواند با او ازدواج کند مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج کرده و طلاق گرفته باشد. در این صورت مرد مانند سایر افراد می تواند خواستگاری کند.

و متعه ای که خداوند آن را حلال ساخت و رسول خدا آن را برای مسلمانان آزاد ساخت، قول خداوند است که {و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنانِ نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است.}

فرق میان ازدواج دائم با متعه در این است که زوجه داری صداق است و متعه دارای اجرت.

مسلمانان در عهد رسول خدا صلّی الله علیه و آله در هنگام حج و غیر آن و زمان ابوبکر و چهار سال از خلافت عمر از متعه استفاده می کردند. تا اینکه عمر بر خواهرش «عفراء» وارد شد و در آغوش او کودکی دید که شیر می خورد، عمر بن خطاب به شیر موجود در دهان کودک نگاه کرده، خشمگین شد، به لرزه افتاد، دهانش کف کرد و طفل را از مادرش گرفت و خارج شده، به مسجد رفت؛ بر منبر نشست و گفت: در میان مردم ندا دهید که نماز برپاست! در حالی که زمان نماز

1- . البقره/ 230

نبود. مردم دانستند که امری پیش آمده، پس حاضر شدند. عمر گفت: ای مردم، مهاجرین، انصار، فرزندان قحطان، کدام یک از شما دوست دارد که ببیند یکی از محرمهایش این چنین کودکی دارد که از شکمش درآمده و از پستان مادرش شیر می خورد، در حالی که آن زن شوهر نکرده؟ برخی گفتند: ما دوست نداریم چنین باشد. عمر گفت: آیا شما نمی دانید که خواهرم عفراء دختر خنتمه - مادرم - و دختر خطاب - پدرم - شوهر نکرده؟ گفتند: چرا می دانیم. گفت: من در این ساعت بر او وارد شدم و این کودک را در دامان او دیدم و پرسیدم، این از بچه از کجاست؟ گفت: متعه شده ام. پس بقیه مردم را با خبر سازید که این متعه را که در زمان رسول الله صلّی الله علیه و آله حلال بود، من تحریم کرده ام و هر کس سرکشی کند، با شلاق بر صورتش می زنم. و در میان مردم کسی حرفش را انکار نکرد و جواب ردی نداد و کسی نگفت: پیامبری بعد از رسول خدا نمی آید، یا کتابی بعد از قرآن نیست و ما [امر] خلاف تو را علیه خدا و رسول خدا و کتابش قبول نمی کنیم، بلکه تسلیم شده و راضی گشتند.

مفضل گفت: مولای من، شرایط متعه چیست؟ فرمود: ای مفضل، هفتاد شرط دارد و هر کس با یک شرط از آن مخالفت کند، به خود ظلم کرده است. مفضل گوید: گفتم: سرور من، امر فرمودید که با زناکار و مشهور به فساد و مجنون متعه نکنیم و اینکه به بدکاره پیشنهاد گناه کنیم، اگر قبول کرد، متعه با او حرام است. و اینکه سؤال کنیم، شوهر دارد یا ندارد، باردار است یا در زمان عدّه، و اگر یکی از سه حالت مذکور را داشت، متعه او حلال نیست. اگر همسری نداشت، به او می گوید: بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، خود را به متعه من در آور، به عنوان نکاح نه زنا، برای مدتی معلوم و با اجرتی معلوم که این مدت ممکن است یک ساعت ، یک روز، دو روز، یک ماه یا یک سال و یا کمتر و بیشتر باشد. و اجرت آن چیزی است که بر آن توافق کنند، مانند حلقه انگشتری یا کفش یا دانه خرمایی، تا درهم و دینار یا هر چیزی که عرضه دارد و زن به آن راضی باشد.

پس اگر به این اجرت رضایت داد، زن به مرد حلال گردد و این اجرت مانند صداق زنان ازدواج کرده است که خداوند درباره آنها فرموده: «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ

شَیْ ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَکُلُوهُ هَنیئاً مَریئا»،(1) {و اگر به میل خودشان چیزی را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.}

و سپس مرد می گوید: بر این شرط که نه از من ارث بری و نه من از تو ارث ببرم و هرگونه که خواهم با تو همبستر شوم، و بر تو واجب است که چهل و پنج روز یا یک حیض کامل عده نگاه داری، و اگر گفت: آری، سخن را دوباره گویی و در اینجاست که نکاح منعقد می شود.

حال اگر دوست داشتی و زن دوست داشت، می توانید مدت متعه را اضافه کنید، و در این باره روایت آوردهایم. و اگر زن این کار را کرد، خبر دادن از وضعیت خود بر عهده اوست و بر تو حرجی نیست و سخن امیرالمؤمنین علیه السّلام است «خداوند لعنت کند ابن خطاب را، که اگر نبود، کسی زنا نمی کرد مگر آدم بدبخت. زیرا متعه، مسلمانان را از زناکردن بی نیاز می سازد». سپس تلاوت فرمود: {و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجّب وامی دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است. و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباهکاری را دوست ندارد.}(2)

سپس فرمودند: هر کس نطفه خود را از همسرش دور سازد، فدیه آن ده دینار به عنوان کفّاره است و در متعه شرط است که مرد نطفه خود را در هر جای بدن زن قرار دهد، و اگر آن را در رحم قرار دهد و فرزندی به دنیا آید، منسوب به پدرش می باشد.(3)

12. تفسیر سعد بن عبدالله: به روایت جعفر بن قولویه در همین خصوص که گفت: امام باقر و امام صادق علیهما السّلام قرائت فرمودند: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید.}

1- . النساء/ 4
2- . البقره/ 205-204
3- . بحار الانوار 53: 32 -26

13. رساله المتعه: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: بر مرد مستحب است که ازدواج با متعه کند و دوست ندارم که از میان شما کسی بمیرد، در حالی که متعه نکرده باشد ولو یک مرتبه.

14. رساله المتعه: از امام صادق علیه السّلام درباره متعه سؤال شد: فرمودند: کراهت دارد برای انسان که از دنیا برود، در حالی که سنتی از سنن پیامبر باقی مانده باشد که انجام نداده است.

15. رساله المتعه: محمد بن مسلم گوید: امام جعفر صادق علیه السّلام به من فرمود: آیا متعه کرده ای؟ گفتم: خیر. فرمودند تا از دنیا نرفته ای، سنت پیامبر را بجای آور.

16. رساله المتعه: اسماعیل بن فضل هاشمی گوید: امام جعفر صادق علیه السّلام به من فرمودند: از زمانی که از نزد همسرت خارج شدی، متعه کرده ای؟ گفتم: به خاطر کثرت همراهان، خداوند مرا از متعه بی نیاز ساخته است. فرمودند: حتی اگر بی نیاز هم باشی، من دوست دارم که سنت رسول خدا را به جای آوری.

17. رساله المتعه: اسماعیل جعفی گوید: امام صادق علیه السّلام فرمودند: ای اسماعیل، آیا امسال تمتع کرده ای؟ گفتم: آری. فرمودند: منظورم متعه حج نیست. گفتم: پس چه؟ فرمودند: متعه زنان. گفتم: با کنیزی بربر و فربه. گفته شد: ای اسماعیل، متعه کن با هر کس که شد، حتی اگر زنی از اهالی سند باشد.

18. رساله المتعه: ابو بصیر گوید: بر امام جعفر صادق علیه السّلام وارد شدم. فرمودند: یا ابا محمد، آیا از زمانی که از نزد خانواده خارج شدی، متعه کرده ای؟ گفتم: خیر. فرمود: چرا؟ گفتم: پولی که داشتم، کفاف این کار را نمی کرد. ابو محمد گوید: امام علیه السّلام امر فرمودند تا دیناری به من داده شود و گفت: تو را قسم می دهم، تا به منزل برسی، متعه کن. ابو محمد گوید: من نیز چنین کردم.

19. رساله المتعه: صالح بن عقبه به نقل از پدر گوید که به امام محمد باقر علیه السّلام گفتم: آیا متعه را ثوابی است؟ فرمودند: اگر این کار را به خاطر خدا کند، در این صورت، هر کلمهای که با زن متعه ای گوید، خداوند برایش ثوابی بنویسد و اگر نزدیک او شود، خداوند گناهی از او را ببخشد، و هر گاه غسل کند،

خداوند به تعداد آبی که بر مویش رود، از گناهانش می بخشد. گفت: گفتم: به تعداد موی سر؟ فرمودند: آری به تعداد موی سر.

20. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: خداوند بزرگ بر پیروان ما، هر گونه شراب مستی آور را حرام کرده و به جای آن متعه را حلال نموده است.

21. رساله المتعه: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که به آسمان برده شدم، جبرئیل علیه السّلام به من ملحق شد و فرمود: ای محمد - صلّی الله علیه و آله - خداوند عزّوجلّ می فرمایند: من کسانی را که زنان را متعه می کنند، بخشیدم.

22. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر کس متعه کند سپس غسل سازد، خداوند از هر قطره آبی که از او می چکد، هفتاد فرشته خلق می کند که برای او تا روز قیامت طلب آمرزش می کنند. و دوری کننده از متعه را تا روز قیامت لعنت می کنند.

23. رساله المتعه: بشربن حمزه از مردی از قریش نقل می کند که گفت: مرا دختر عمه ای است که مالی فراوان برایم فرستاد [و گفت] تو می دانی که بسیاری از مردان از من خواستگاری کرده اند امّا من قبول نکردم و این مالی که برای تو فرستادم، نه به خاطر این است که به مردان رغبتی دارم، بلکه به من خبر رسیده که خداوند متعه را در قرآن حلال ساخته و رسول خدا صلّی الله علیه و آله در سنت خود آن را حلال ساخته، امّا عمر آن را حرام ساخته و من دوست دارم که از خدا و رسولش اطاعت کنم و بر عمر عصیان نمایم، پس مرا متعه کن. گفتم: باید نزد امام محمد باقر علیه السّلام رفته و با آن حضرت مشورت کنم. از این رو بر امام علیه السّلام وارد شدم و مشورت کردم، ایشان فرمودند: انجام بده.

24. رساله المتعه: علی سائی به امام موسی بن جعفر علیه السّلام گفت: من متعه می کردم اما از آن بیزار شدم و با خداوند در میان «رکن » و «مقام» عهد کردم و بر خود نذر کردم که به فلان اندازه نذری دهم و روزه بگیرم که دیگر متعه نکنم. بعدها این مسئله بر من سخت آمد و بر عهد خود پشیمان شدم و توان مالی هم

نداشتم که ازدواج رسمی بکنم. امام علیه السّلام فرمودند: با خداوند عهد بسته ای که از او اطاعت نکنی، به خدا سوگند اگر از او اطاعت نکنی، معصیتش را کرده ای.

25. رساله المتعه: ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السّلام فرمودند: کمترین سخنی که برای (متعه) کفایت می کند این است که انسان بگوید: تو را به عقد متعه خود در آوردم، بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، به فلان چیز و فلان چیز.

26. رساله المتعه: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: اشکالی در ازدواج با دختر باکره نیست، اگر خود، بدون اجازه پدر، رضایت دهد.(1)

و جمیل بن دراج از امام صادق علیه السّلام درباره متعه باکره سؤال کرد، فرمودند: اشکالی ندارد که انسان با دختر باکره متعه کند، مادامی که باعث عیب و عار برای خانواده دختر نباشد.

27. رساله المتعه: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: متعه فقط با دو چیز است، زمان مشخص و اجرت مشخص.

28. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام در جواب این سؤال که مهریه در متعه چقدر است؟ فرمودند: هر چه که طرفین رضایت دادند و از نظر زمان هم تا آنجا که خدا خواهد.

29. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام در جواب این سؤال که کمترین میزان مهریه که شخصی بتواند متعه کند چیست؟ فرمودند: کف دستی از گندم.

30. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام در جواب این سؤال که کمترین میزان مهریه در متعه چیست؟ فرمودند: مسواکی که بر آن دندان فشارد.

31. رساله المتعه: از امام صادق علیه السّلام در خصوص متعه آمده است که «از یک درهم به بالا» برای مهریه کفایت کند.

32. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام در خصوص مهریه متعه فرمودند: به اندازه یک کف دست از غذا یا آرد یا خرما.

1- . فتوای عموم فقهای شیعه این است که اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است. بنا بر این به این روایت عمل نمی شود. (مترجم)

33. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام در خصوص مردی گوید که با زنی ملاقات کرده و می گوید: برای یک ماه با من ازدواج کن، اما اسم آن ماه را نمی گوید. مدتها می گذرد و آن مرد دوباره آن زن را می بیند [چه حکمی دارد] امام می فرماید: اگر اسم ماه را مشخص می کرد، زن بر او حلال بود، ولی اگر ماه را مشخص نکرده باشد، دیگر هیچ حقی بر زن ندارد.

34. رساله المتعه: حارث بن مغیره از ابا عبدالله علیه السّلام سؤال کرد: آیا در متعه، یک مرد می تواند دو زن را با هم متعه کند؟ امام علیه السّلام فرمودند: آری؛ چون این کار باعث می شود که زن پیش خود نگوید که فلان مرد دنبال فسق و فجور است، و این کار باعث برائت مرد از فسق و فجور می شود.

35. رساله المتعه: حمران از اباعبدالله علیه السّلام نقل می کند که گفتم: آیا می توانم بدون شهود متعه کنم؟ حضرت فرمودند: خیر، مگر اینکه زن نیز مانند تو باشد.

36. رساله المتعه: محمد بن مسلم درباره متعه گفت: متعه جزء چهار همسر اصلی نمی باشد، زیرا طلاق و ارث ندارد.

37. رساله المتعه: از امام صادق علیه السّلام درباره متعه سؤال شد که آیا متعه جزء چهار همسر اصلی است؟ فرمودند: خیر، حتی اگر هفتاد متعه باشد.

38. رساله المتعه: ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام سؤال کرد که آیا متعه جزء چهار همسر اصلی است؟ فرمودند: هزار نفر را متعه کن.

39. رساله المتعه: عمر بن أذینه گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم، و بزنطی به نقل از موسی بن جعفر علیه السّلام آورده که متعه جزء چهار همسر اصلی است.

40. رساله المتعه: از ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السّلام در خصوص متعه با زنی زیبا روی ولی بدکاره سؤال شد که آیا مرد می تواند یک روز یا بیشتر با او متعه کند؟ فرمودند: اگر مشهور به زنا باشد، نباید با او متعه یا ازدواج کند.

41. رساله المتعه: حسن بن جریر گوید: از ابا عبدالله علیه السّلام در خصوص زنی که نسبت زنا به او داده می شود سؤال کردم، که آیا متعه با او صحیح است؟

ص: 374

فرمودند: آیا تو خود دیده ای؟ گفت: خیر ولی به او اتهام زنا وارد می شود. فرمود: می شود متعه کرد، چون تو می روی و در خانه ات را می بندی.

42. رساله المتعه: حسن بن جریر گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره حلال بودن ازدواج با زن فاجر سؤال شد، در جواب فرمودند: آری، اگر مرد آن زن را از فجور دور سازد تا عده اش به پایان رسد و رحم او پاک شود، می تواند با آن زن ازدواج کند، بعد از اینکه از توبه او مطمئن شود.

43. رساله المتعه: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: هر کس به زنا شهره شد یا بر او حد جاری شد، با او ازدواج نکن.

44. رساله المتعه: أبان بن تغلب گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم که شخصی با زنی برای یک ماه متعه می کند، آیا جایز است که قبل از اینکه زمان متعه به پایان رسد، در اجرت و مدت او بیافزاید ؟ فرمودند: جایز نیست دو شرط را بر یک شرط اضافه کردن، گفتم: پس چه کند، فرمودند: مدتی را که باقی مانده به زن ببخشد و سپس شرط را جدید (متعه جدید) کند.

45. رساله المتعه: عمر بن حنظله گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردم: زنی را برای یک ماه متعه می کنم ولی او مهر کامل را از من طلب می کند و من می ترسم که خلف وعده کند. فرمودند: تا جائی که می توانی مهریه را نگهدار، اگر خلف وعده کرد، تو نیز به اندازه ای که خلف وعده کرد، از او بازگیر.

46. رساله المتعه: سماعه گوید: به اباعبدالله علیه السّلام گفتم: مردی (متعه می کند و زن ش-رط می گذارد) که دخول انجام نشود ولی هرگونه که می خواهی لذت ببر. امام فرمودند: بر مرد آنچه که زن شرط کرده، جایز است.

47. رساله المتعه: عیسی بن یزید گوید: به ابا جعفر علیه السّلام نوشتم که زنی در منزل مردی خدمت می کند، مرد کراهت دارد به او نگاه کند و از او لذت ببرد و شرط این است که دخول نکند. امام علیه السّلام نوشتند: اشکالی ندارد، به شرط اینکه آن زن متعه باشد.

48. رساله المتعه: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: اشکالی در متعه با زن با شروط مشخص خود نیست، اما باید که مرد به زن چیزی بدهد، زیرا اگر برای زن حادثه پیش آید، ارث نمی برد.

49. رساله المتعه: از امام صادق علیه السّلام درباره زنی سؤال شد که در راهی دیده می شود، ولی مشخص نیست که آیا همسر دارد یا بدکاره است. آیا متعه با او صحیح است؟ فرمودند: این مسئله بر عهده تو نیست، بلکه باید حرف او را باور کنی.

50. رساله المتعه: از ابا الحسن علیه السّلام درباره ازدواج متعه سؤال شد که زنی را مشکوک به داشتن همسر می دانم، آیا جایز است که با او متعه کنم؟ فرمودند: اگر از او سؤال کنی که همسر داری و او نفی کند، می توانی با او ازدواج کنی.

51. رساله المتعه: ابوالحسن امام جعفر علیه السّلام به یکی از موالی خود نوشتند: در باب متعه پافشاری نکنید، بر شماست که فقط سنت پیامبر را به جای آورید و به جای همسر اصلی خود، با متعه خود را مشغول نسازید، چرا که زنان حلال شما کفر می ورزند و به کسانی که شما را امر به متعه می کنند، نفرین می فرستند.

52. رساله المتعه: علی بن یقطین از امام موسی بن جعفر علیه السّلام درباره متعه روایت کند و گوید که امام کاظم علیه السّلام فرمودند: تو را با متعه چه کار، در حالی که خداوند تو را بی نیاز ساخته. گفتم: فقط خواستم که درباره آن بدانم. فرمود: متعه در کتاب علی علیه السّلام آمده است.

53. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام درباره متعه و امثال آن فرمودند: هیچ کس از شما حیا نمیکند که در موضع عورت دیده شود و بدین ترتیب بر برادران صالح خود وارد شود؟

54. رساله المتعه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: متعه را در حرمین بر من ببخشید، زیرا شما بسیار بر من وارد می شوید و من می ترسم که به خاطر متعه مؤاخذه شوید و گفته شود: اینها از اصحاب جعفر هستند.

-

جماعتی از اصحاب امام علیه السّلام در خصوص نهی امام جعفر صادق علیه السّلام از متعه در حرمین گفته اند که ابان ابن تغلب که یکی از یاران امام صادق علیه السّلام بود، با زنی در مکه ازدواج کرد. وی ثروتمند بود و زن او را فریب داده، درون صندوقی گذاشت، سپس به باربران پیغام فرستاد و صندوق را به باب صفا برده و به أبان گفتند: این باب صفا است و ما می خواهیم ندا دهیم که این شخص أبان بن تغلب است که قصد داشته با زنی فسق و فجور کند. أبان هم به بهای ده هزار درهم خویشتن را آزاد ساخت. این مطلب به اباعبدالله علیه السّلام رسید و ایشان فرمودند: متعه کردن در حرمین را بر من ببخشید.

55. رساله المتعه: امام جعفر صادق علیه السّلام به اسماعیل جعفی و عمار ساباطی فرمودند: مادامی که بر من وارد می شوید، من متعه را بر شما حرام می کنم؛ زیرا می ترسم مورد سرزنش واقع شوید، مضروب و مشهور به این کار شده و گفته شود: اینها یاران جعفر هستند.

باب دهم : احکام متعه - برخی از احکام در باب وجوه نکاح ذکر شده.

روایات:

1. معانی الاخبار: محمد بن الفیض گوید: از امام جعفر علیه السّلام درباره متعه سؤال کردم، فرمودند: جایز است، هر گاه زن عارفه یعنی با ایمان باشد. گفتم: فدایت شوم! اگر عارفه نباشد؟ فرمودند: طلب خود را بیان کن، اگر قبول کرد، با او ازدواج کن و اگر سرباز زد، او را رها کن. بپرهیزید از زنانی که خود را آشکار کنند و نشان دهند و نیز بدکاره ها و زن همسردار.

گفتم: کواشف چه کسانی هستند؟ فرمود: زنانی که خود را آشکار ساخته و خانه هایشان معلوم و مشهور است. گفتم: دواعی چه کسانی هستند؟ فرمود: آنهایی که به زنا معروفند. گفتم: همسرداران چه کسانی هستند؟ فرمود: زنان مطلقهای که سال آنها نگذشته. (1)

2. قرب الاسناد: از ابوالحسن امام موسی کاظم علیه السّلام درباره متعه سؤال شد که آیا جزء چهار همسر اصلی می شوند؟ فرمودند: خیر.(2)

3. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی علیه السّلام در این خصوص سؤال کرد که آیا درست است شخصی با زنی بدون شاهد متعه کند ؟ فرمود: اگر مسلمان باشند و در امان، اشکالی ندارد.

1- . معانی الاخبار: 225
2- . قرب الاسناد: 21

1. قرب الاسناد: علی گوید: از برادرم امام موسی علیه السّلام سؤال کردم: مردی با زنی متعه می کند، چند بار میتواند این کار را انجام دهد: فرمود: هر قدر که دوست دارد.(1)

2. قرب الاسناد: علی گوید: از برادرم درباره مردی سؤال کردم که زنی را به عنوان متعه در اختیار دارد و می خواهد که متعه را ادامه دهد و مهریه مقرر سازد، چه وقت باید این کار را بکند؟ قبل از اینکه زمان متعه به پایان رسد یا پس از آن؟ فرمود: اگر قصد داشت که پیش از پایان مدت متعه، زمان را افزایش دهد، نیازی به بیّنه و شاهد ندارد ولی اگر پس از انقضای زمان عقد، قصد تمدید متعه را داشت، باید بینه و شاهد داشته باشد.(2)

3. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرموده اند: عده در متعه، دیدن یک حیض کامل است، و به برخی از یاران هم چهل و پنج روز گفته است.(3)

4. قرب الاسناد: بزنطی از امام رضا علیه السّلام روایت می کند: درباره مردی که با زنی ازدواج موقت می کند و پس از طلاق، زن با مرد دیگری ازدواج می کند، سؤال کردم: کدام یک از دو مرد نسبت به زن اولی تر هستند. امام فرمودند: همسر اولی و گفتند: دختر باکره فقط به اجازه پدر ازدواج موقت می کند.

5. قرب الاسناد: البزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام درباره میراث پرسیدم: فرمودند: امام جعفر علیه السّلام می فرمودند: یک ازدواج به میراث است و یک ازدواج به غیر میراث؛ حال اگر زن میراث بردن را شرط گذاشت که میراث می برد و اگر شرط نگذاشت، ارث نمی برد.(4)

1- . قرب الاسناد: 109
2- . قرب الاسناد: 110
3- . قرب الاسناد: 159
4- . قرب الاسناد: 159

1. قرب الاسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: آیا متعه جزء چهار همسر اصلی است؟ فرمودند: بنا بر احتیاط، جزء چهار همسر اصلی قرار دهید.

2. قرب الاسناد: و فرمودند: متعه کردن کنیز هم با اجازه خانواده اش است.(1)

3. قرب الاسناد: البزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام سؤال کردم: آیا مردی که همسری دارد، می تواند خواهر او را متعه کند؟ فرمود: خیر. گفتم: زراره از امام باقر علیه السّلام حکایت کرده که آنها مانند کنیز می مانند و مرد می تواند هر قدر بخواهد با آنها ازدواج کند. امام رضا علیه السّلام فرمودند: کنیز جزء چهار همسر اصلی است.(2)

4. الاحتجاج: الحمیری به امام قائم علیه السّلام نامه نگاشت و سؤال کرد: مردی با زن برای مدتی معلوم و مهریه معلوم ازدواج می کند و مدت باقیمانده را بر او می بخشد در حالی که در روز سوم حیض است. آیا جایز است که مردی دیگر او را برای مدت و مهریه معلوم متعه کند، البته وقتی که از حیض فعلی پاک شود؟ امام علیه السّلام جواب دادند: زن باید به غیر از حیض فعلی، یک حیض و پاکی کامل [دیگر] بیند.(3)

13. تفسیر القمی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: آیه: «فما استمتعتم به منهن...»، {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید.} دلالت بر متعه دارد.(4)

14. المحاسن: محمد بن مسلم گوید: به ابا جعفر امام محمد باقر علیه السّلام گفتم: چرا زنی که متعه می شود، از مرد ارثیه نمی برد؟ فرمودند: زیرا آن زن در حکم اجاره است و عده اش چهل و پنج روز.(5)

1- . قرب الاسناد: 160
2- . قرب الاسناد: 161
3- . الاحتجاج 2: 311
4- . تفسیر القمی 1: 136
5- . المحاسن: 330

15. تفسیر العیاشی: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: جابر بن عبدالله به نقل از پیامبر صلّی الله علیه و آله گفته است: مسلمانان همراه رسول خدا صلّی الله علیه و آله جنگیدند و او متعه را برایشان حلال شمرد و حرام نکرد و امام علی علیه السّلام فرمودند: اگر عمر بن خطاب پیش از این متعه را حرام نمی ساخت، فقط آدمهای شقی و بدبخت زنا می کردند. ابن عباس گوید: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید} آنها به این آیه و رسول خدا که آن را حلال نموده و حرامش نشمارده است، کفر می ورزند.(1)

16. تفسیر العیاشی: ابوجعفر امام محمد باقر علیه السّلام درباره متعه فرمودند: این آیه نازل شده: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید].} و فرمودند: اشکالی ندارد که وقتی که مدت متعه به پایان رسید، زمان متعه را اضافه کنید. می گویی: تو را حلال خود قرار دادم، برای مدت معین دیگر، البته به رضایت زن و آن زن برای دیگری حلال نیست تا این-که ع-ده اش به پایان برسد و عده، دو حیض می باشد.(2)

17. تفسیر العیاشی: امام محمد باقر علیه السّلام این آیه را می خواند: {و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید].} و فرمود: یعنی با زنی برای مدت مشخصی ازدواج کند و پس از آن مدت، هر چیز [می تواند رخ دهد].(3)

18. تفسیر العیاشی: عبدالسلام می گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم: در خصوص متعه نظرتان چیست؟ فرمود: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید].} عبدالله سلام گوید: به امام عرض کردم، فدایت شوم، آیا متعه جزء چهار همسر

1- . تفسیر العیاشی 1: 233
2- . تفسیر العیاشی 1: 233

3- . تفسير العياشى 1: 234

اصلی است؟ فرمود: خیر، جزء چهار همسر نیست، متعه اجاره است. گفتم: اگر مرد و زن قصد کردند که پیش از پایان مدت معلوم در زمان بیافزایند [چگونه است؟] فرمود: اشکالی ندارد، اگر هر دو طرف، رضایت به وقت و زمان بدهند. و فرمود: بعد از اینکه مدت به پایان رسد، بر مدت می افزاید.(1)

19. السرایر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: اگر مردی زن را متعه کند، از یکدیگر ارث می برند، اگر شرط و شروط نگذاشته باشند، و شرط هم بعد از نکاح است.(2)

20. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابو بصیر گوید: از ابا جعفر محمد باقر علیه السّلام درباره متعه پرسیدم. فرمود: در قرآن این آیه

نازل شده: {و زنانی را که مُتعه کرده اید، مَهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید]}. و اشکالی ندارد که زمانی که مدت به پایان رسید، در متعه بیافزایید. در این صورت به زن گویی: تو را برای مدت زمان دیگری حلال خود قرار دادم، البته به رضایت زن، و آن زن برای کس دیگری حلال نیست تا اینکه عده او سپری شود و عده اش دو حیض است.(3)

21. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: جابر بن عبدالله به نقل از رسول خدا صلّی الله علیه و آله گفت: مسلمانان همراهشان جنگیدند، او نیز متعه را حلال کرد و حرام نداشت. جابر گوید: امام علی علیه السّلام می فرمود: اگر پیش از من عمر بن خطاب [متعه را حرام نمی کرد]، جز آدم شقی و بدبخت کسی زنا نمی کرد. جابر گوید: ابن عباس متعه را حلال می دید.(4)

22. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن مسلم گوید: از ابا عبدالله امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مهریه در متعه چقدر

است؟ فرمودند: هر آنچه که دو

1- . تفسير العياشى 1: 234
2- . السرائر: 483
3- . نوادر احمد بن محمد: 65 ملحق به فقه الرضا عليه السلام
4- . نوادر احمد بن محمد: 66

طرف بر آن رضایت دادند، تا مدتی که خدا خواست. گفتم: اگر حامله شود؟ فرمود: بچه اوست و اگر خواست دوباره امر آن زن را تجدید کند، میتواند و نیازی نیست که زن برای ازدواج مجدد با آن مرد عده نگه دارد، اما برای مرد دیگر باید چهل و پنج شب عده نگه دارد و اگر بر ارث بردن شرط کرده باشند، شرط بر آنها لازم الاجرا است.(1)

23. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کند که امام علیه السّلام فرمودند: عده متعه چهل و پنج روز و شب است، در حالی که می دیدم امام علیه السّلام با دستانش چهل و پنج روز را را نشان می داد و فرمود: اگر مدت متعه تمام شود، بدون طلاق دادن، جدایی حاصل شود. و اگر مرد بخواهد که در مدت متعه بیافزاید، باید به زن چیزی بدهد، کم یا زیاد؛ و اگر یکی از طرفین در مدت متعه فوت شود، هیچ ارثی میان آنها نیست. مرد میتواند که متعه کند، حتی اگر همسر داشته باشد و اگر در شهر خود ساکن باشد.(2)

24. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: (عده) متعه چهل و پنج شب است.(3)

25. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالله بن بکیر گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره کلام خدا سؤال کردم: {و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرّر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مَهر را کم یا زیاد کنید.} فرمودند: آنچه را که بعد از نکاح رضایت دادند، جایز است، و آنچه را که قبل از نکاح باشد جایز نیست مگر با رضایت زن.

26. نوادر احمد بن محمد: عبدالله بن أبی یعفور گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: آیا مرد می تواند با جاریه و کنیز خود متعه کند؟ فرمودند: آری، مگر اینکه پدر داشته باشد، در این صورت باید از پدرش کسب تکلیف کند.(4)

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 65
3- . نوادر احمد بن محمد: 65
4- . نوادر احمد بن محمد: 65

27. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوبکر حضرمی گوید: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: ای أبابکر! بپرهیزید از متعه کردن دختران باکره.(1)

28. کتاب حسین بن سعید و النوادر: معلی بن خنیس گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام عرض کردم: در متعه چند شاهد کفایت می کند؟ فرمود: دو مرد، یا یک مرد و دو زن. گفتم: اگر کسی را نیافت؟ فرمودند: جایز نیست. گفتم: اگر بترسند که از آنها خبردار شوند، آیا یک شاهد مرد کفایت می کند؟ فرمود: آری. گفتم: فدایتان شوم، مسلمانان در زمان رسول خدا بدون شهود متعه می کردند؟ فرمودند: خیر، گفتم: عده چقدر است؟ فرمودند: چهل و پنج شب.(2)

29. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عمر بن حنظله گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره شروط متعه پرسیدم. فرمودند: مرد با زن بر آنچه از عطایا و مهریه بخواهد شرط می گذارد و اگر فرزندی بخواهد، برای فرزند هم شرط میگذارد. و ارثیه میان آنها نیست و عده هم چهل و پنج شب است. و اگر مرد بخواهد که زن را نگه دارد، در پایان مدت معلوم شده، باید زمان جدیدی را تعیین کنند و بر أجرت نیز به توافق برسند.(3)

30. کتاب حسین بن سعید و النوادر: اسماعیل بن فضل هاشمی گوید که از ابو عبدالملک بن جریح درباره متعه پرسیدم، او گفت: در این باره از امام جعفر صادق علیه السّلام بپرسید، زیرا وی در این باره علم دارد و برای من چیز های زیادی گفته است، از جمله اینکه: در متعه وقت مشخص و تعداد مشخصی نیست و متعه مانند کنیزان هستند و می شود بدون ولی و شاهد با آنها ازدواج کرد. و هر وقت هم که مدت متعه تمام شد، زن بدون طلاق از مرد دور می شود. و عده زن هم یک حیض کامل است، اگر حیض شود؛ و اگر یائسه باشد، یک ماه. من نوشته ها را نزد امام جعفر علیه السّلام بردم و عرضه داشتم، فرمودند: درست گفته است. و آن مطالب را تایید کردند. عمر بن أذینه گوید: زراره هم این را می گفت و قسم می

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 65

3- . نوادر احمد بن محمد: 65

خورد که حقیقت دارد، جز اینکه اگر زن حیض شود، عدّه او دیدن یک حیض است و اگر یائسه باشد، یک ماه و نیم عده اوست.(1)

31. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالله بن عمیر خدمت امام محمد باقر علیه السّلام آمد و گفت: درباره متعه زنان چه میگویی؟ امام فرمودند: خداوند آن را در قرآن و بر زبان پیامبرش حلال ساخته و حلال است تا در روز قیامت. عبدالله گفت: آیا شخصی چون تو چنین گوید، در حالی که امیرالمؤمنین عمر آن را حرام کرده؟ امام فرمود: او چنین کرده. عبدالله گفت: من نصیحت می کنم چیزی را که عمر حرام ساخته، حلال نشماری. امام علیه السّلام فرمود: تو بر قول مولایت باش و من بر قول رسول الله صلّی الله علیه و آله، پس [هر آنچه سند داری] بیاور تا بر تو بانگ برآرم که سخن درست همان است که رسول خدا گفته و سخن باطل آن است که مولای تو گفته. عبدالله بن عمیر روی به امام علیه السّلام کرد و گفت: آیا تو را اینکه زنانت، خواهرانت و دختران عمویت چنین کنند، خشنود می کند؟ امام محمد باقر علیه السّلام وقتی سخن زنان و دختران عمویش به میان آمد، از عبدالله و سخن گفتن با وی روی برگرداند و رفت.(2)

32. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: شهود و بینات برای تعیین نام و نسبت و میراث و حدود شرعی وضع شده است.(3)

33. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام درباره متعه فرمودند: امر متعه سخت است، و از متعه باکره ها بپرهیزید.(4)

34. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: هر شرطی که پیش از نکاح گذاشته شود نکاح را نابود می کند و هر شرطی که بعد از نکاح باشد صحیح است. عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره متعه پرسیدم، فرمود: خودت را به آن آلوده نکن.(5)

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 66

3- . نوادر احمد بن محمد: 66
4- . نوادر احمد بن محمد: 66
5- . نوادر احمد بن محمد: 66

35. کتاب حسین بن سعید و النوادر: علی بن یقطین گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السّلام درباره متعه سؤال کردم. فرمودند: تو را با متعه چه کار؟ در حالی که خداوند تو را از آن بی نیاز ساخته. گفتم: فقط می خواستم که درباره آن بدانم. فرمود: در کتاب علی - علیه السلام - گاهی آن را زیاد میکند و زیاد میشود. پس گفت: آیا بهتر از این چیزی آن را حلال می کند؟.(1)

36. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: نزد ما تنها فاجرها این کار را (متعه) می کنند.(2)

37. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن اسماعیل بزیع گوید: مردی از موسی بن جعفر علیه السلام سؤالی کرد که مردی، زنی را متعه کرده و شرط می کند که فرزندی نباشد، اما فرزندی حاصل شد و مرد آن فرزند را به شدت انکار کرد. امام فرمود: آن مرد از روی ترس انکار می کند. مرد گفت: من بر این زن مشکوک هستم. امام فرمودند: شایسته نیست ازدواج کنی مگر با زن مومن و مسلمان. خداوند می فرماید: «الزَّانی لا یَنْکِحُ إِلاَّ زانِیَةً أَوْ مُشْرِکَةً»، مرد زناکار فقط با زن زناکار یا مشرک ازدواج می کند و یا با زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند و این ازدواج ها بر مؤمنین حرام است.(3)

38. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن اسماعیل بن بزیع گوید: از امام موسی بن جعفر سؤال کردم، آیا جایز است که مرد درحالی که همسر دارد، با کنیز با اجازه خانواده اش متعه کند؟ امام فرمود: آری، اگر همسرش رضایت دهد. و گفتم: مرد می تواند با زنی برای یک سال یا کمتر یا بیشتر متعه کند، در حالی که مهر معلوم و زمان هم معلوم باشد؟ فرمودند: آری. گفتم: آیا می توانم چند نفر را با هم متعه داشته باشم؟ امام اندکی ساکت ماند و سپس گفت: این موضوع را فروگذار.(4)

1- . نوادر احمد بن محمد: 66
2- . نوادر احمد بن محمد: 66
3- . نوادر احمد بن محمد: 66
4- . نوادر احمد بن محمد: 66

39. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام گوید: از جابر بن عبدالله پرسیدم، در مکه چگونه متعه می کردند؟ جواب داد: چه بسا که شخصی با یک کف دست گندم متعه می کرد.(1)

40. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن حمزه گوید: یکی از یاران، به امام جعفر علیه السّلام گفت: دختر باکره می تواند متعه قرار گیرد؟ امام فرمود: اشکالی ندارد، مادامی که بکارتش را از بین نبرد.(2)

41. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام گوید: به عمر خبر رسید که مردم عراق گمان می کنند عمر متعه را حرام کرده است؛ پس شخصی را فرستاد و به او گفت: به مردم عراق خبر ده که من متعه را حرام نساختهام و عمر نمی تواند چیزی را که خداوند حلال کرده حرام سازد. بلکه عمر از متعه کردن نهی کرده است.

42. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام درباره متعه فرمودند: متعه جزء چهار همسر اصلی نیست، زیرا طلاق داده نمی شود، ارث نمی برد و در حکم اجاره می ماند و فرمود: عده او نیز چهل و پنج شب است.(3)

43. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که ازدواج موقت کرده، اما بدون شهود. فرمودند: ازدواج بدون شهود اشکالی ندارد، آنگاه که عهد و پیمانی میان مرد و خدا باشد. شهود در ازدواج فقط به خاطر اثبات فرزند است. و اگر فرزندی در میان نباشد، متعه هم اشکالی ندارد.(4)

44. کشف الغمه: حس بن ظریف گوید: سی سال بود متعه را ترک کرده بودم، اما دوباره میل به متعه پیدا کردم. در محله زنی بود که زیباییاش برایم نقل شده بود، قلبم میل او را کرد، او زنی بدکاره بود که دست کسی را رد نمیکرد. اما این وضعیت

1- . نوادر احمد بن محمد: 66
2- . نوادر احمد بن محمد: 66
3- . نوادر احمد بن محمد: 66

4- . نوادر احمد بن محمد: 66

او مرا خوش نیامد. پیش خود گفتم: گفتهاند: زن فاجر را متعه کن تا او را از حرام به حلال وارد کنی. پس برای امام حسن عسکری علیه السّلام نامه نوشتم تا درباره متعه، مشورت گیرم و گفتم: آیا جایز است که بعد از سالها متعه کنم؟ امام علیه السّلام مرقوم فرمودند: با این کار سنتی را زنده کرده و بدعتی را میمیرانی و اشکالی ندارد. اما بپرهیز از زن همسایه ای که معروف به بدکارگی شده و اگر در دلت این سخن هست که پدرانم گفته اند: با زن فاجر ازدواج کن تا بدین وسیله او را از حرام خارج و به حلال وارد کنی، این زن معروف به هتک و پرده دری است و همسایه است و می ترسم که خبر این متعه پراکنده شود. من نیز متعه کردن این زن را ترک کردم. شاذان بن سعد، مردی از همسایه های ما با آن زن متعه کرد و شهره شهر شد و کارش بالا گرفت و نزد سلطان رفت و به خاطر این زن مال بسیاری غرامت داد و خداوند به برکت مولایم مرا از این کار محفوظ داشت.(1)

الهدایه: و اما متعه؛ رسول خدا آن را حلال ساخت و تا وفاتش آن را حرام نکرد: و اگر مرد بخواهد زنی را متعه کند، باید آن زن دین دار و عفیف باشد. جایز نیست متعه با زن زناکار یا غیر عفیف. برای متعه باید از زن خواستگاری کرده و بگوید: خود را بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر و به عنوان ازدواج و نه زنا، به عقد موقت من درآور، به فلان مقدار درهم و تا فلان مدت و هر وقت هم که مدت متعه به پایان رسید، بدون نیاز به طلاق جدایی حاصل شود و زن چهل و پنج شب عده نگه می دارد. و اگر فرزندی آورد، مرد باید او را قبول کرده و انکار نکند.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد و متعه ما را حلال نداند.

1- . کشف الغمه: 303

باب یازدهم : شیر دادن و احکام آن

آیات:

- «وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ کِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُکَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَی الْوارِثِ مِثْلُ ذلِکَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَیْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَکُمْ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَیْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصیر»(1)

{و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]. و مانند همین [احکام] بر عهده وارث [نیز] هست. پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست، به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته اید، به طور شایسته بپردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.}

- «وَ فِصالُهُ فی عامَیْن »(2)

{و از شیر بازگرفتنش در دو سال است.}

- «وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً»(3)

1- . البقره / 233
2- . لقمان / 14
3- . الاحقاف / 15

{و بار برداشتن و از شیر گرفتنِ او سی ماه است.}

- «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرى»(1)

{و اگر باردارند، خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر برای شما [بچه] شیر می دهند، مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید، و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید، [زن] دیگری [بچّه را] شیر دهد.}

روایات:

1. قرب الاسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام سؤال کردم: زنی دخترکی را شیر داده، سپس پسرانی به دنیا آورده و غلامی را شیر داده، آیا حلال است که غلام با آن دخترکی که زن شیرش داده ازدواج کند؟ فرمود: خیر، او خواهرش است.(2)

قرب الاسناد: درباره زنی سؤال کردم که زنی دختر بچه ای را شیر داده و همسرش پسری از زن دیگر دارد، آیا حلال است که پسر شوهرش با آن دختر ازدواج کند؟ فرمود: جایز نیست.(3)

2. قرب الاسناد: ابن رئاب گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم: چه مقدار از شیر باعث حرمت و محرمیت می شود؟ فرمودند: آنچه که باعث رویش گوشت شده و استخوان را محکم کند. گفتم: آیا ده بار شیر دادن باعث محرمیت می شود؟ فرمود: ده بار گوشت نمی آورد و استخوان را محکم نمی کند.(4)

3. قرب الاسناد: امام جعفر صادق علیه السّلام می فرمایند: ده بار شیر دادن باعث محرمیت نمی شود.(5)

1- . الطلاق / 6
2- . قرب الاسناد: 169
3- . قرب الاسناد: 170
4- . قرب الاسناد: 77

5- . قرب الاسناد: 79

1. قرب الاسناد: صالح بن عبدالله الخثعمی گوید: به امام موسی علیه السّلام نامه ای نگاشتم و سؤال کردم که ام ولدی دارم که می گوید، به دختر من شیر داده است، امام فرمود: حرفش را قبول نکن.(1)

2. معانی الاخبار: فضیل بن یسار گوید: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: از شیر دادن محرمیت حاصل نمی شود، مگر آنکه مجبور باشد. گفتم: مجبور کیست؟ فرمودند: مادر مربیه، دایه یا کسی را که برای شیر دادن اجاره شود یا خدمتکار خریداری شده و مانند آنها که معین شده بر آن باشد.(2)

3. امالی الصدوق: رسول خدا فرمودند: بعد از قطع شیر از کودک، دیگر شیر دادن نیست. ادامه روایت.(3)

4. نوادر الراوندی: از موسی بن جعفر علیه السّلام به نقل از پدرانش، مانند این حدیث نقل شده است.(4)

5. امالی الطوسی: از صدوق نیز مانند این حدیث ذکر شده.(5)

6. الخصال: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: فرزندانتان را از شیر زنان بدکاره و دیوانه باز دارید، زیرا شیر سرایت می کند.(6)

7. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام می فرمود: برای شیر دادن به کودک، زنان را گزینش کنید، همانطور که برای ازدواج گزینش می کنید؛ زیرا شیر دادن سرشت ها را تغییر می دهد.(7)

قرب الاسناد: علی از برادرش امام موسی علیه السّلام نقل می کند: در باره مردی مسلمان سؤال کردم که، آیا صحیح است زنی یهودی یا نصرانی

1- . قرب الاسناد: 125
2- . معانی الاخبار: 241
3- . امالی الصدوق: 378
4- . نوادر الراوندی: 51
5- . امالی الصدوق 2: 37
6- . الخصال 2: 405

7- . قرب الاسناد: 45

1. را که شراب می نوشند، برای شیر دهی به فرزندش برگزیند؟ فرمود: آنها را از نوشیدن شراب مادامی که برایتان شیر می دهند، منع کنید.(1)

2. قرب الاسناد: و نیز سؤال کردم، درباره زنی که از طریق زنا به دنیا آمده، که آیا صحیح است از شیرش برای کودکی استفاده شود؟ فرمود: خیر و نیز از کسی که دخترش از زنا به دنیا آمده هم درست نیست.(2)

3. عیون الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: زنان احمق و زنی که چشمش مریض است و از آن اشک و چرک می ریزد را برای شیر دهی به فرزند انتخاب نکنید، زیرا شیر سرایت می کند.(3)

4. صحیفه الرضا: از امام رضا علیه السّلام نیز مانند این حدیث روایت شده است.(4)

5. عیون الاخبار: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: کودک را شیری بهتر از شیر مادرش نیست.(5)

6. صحیفه الرضا: از امام رضا علیه السلام نیز چنین روایتی موجود است.(6)

فقه الرضا: بدان که شیر فقط از جهت اینکه باعث همخونی می شود در جنبه نکاح باعث حرمت است. ولی از جنبه مالک بودن بر شخص یا فروش او باعث حرمت نمی شود، مگر در زنی که [کودک را] شیر داده و مردی که شوهر اوست، زیرا این دو در حکم والدین انسان هستند و فروش آنها یا مالکیت آنها حرام است، چه مؤمن باشند و چه نباشد. و مقدار شیری که باعث محرمیت میشود و مردم به آن عمل می کنند، بسیار مختلف است. مثلاً شیری که باعث رویش گوشت و قوام استخوان شود که با سه روز متوالی شیر خوارگی حاصل می

1- . قرب الاسناد: 117
2- . قرب الاسناد: 117
3- . عیون الاخبار 2: 34
4- . صحیفه الرضا: 9

5- . عيون الاخبار 2: 34
6- . صحيفه الرضا: 22

1. شود، یا ده شیر دادن پی در پی، آزاد شده و سیراب شده با شیر شوهر {شیر ناشی از حاملگی از ازدواج} است و نیز روایت شده که یک یا دو سه بار مکیدن، باعث محرمیت می شود.(1)

2. المناقب: علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه السّلام گفته شد: مردی با کنیزبچهای ازدواج می کند و زنش به آن به بچه کنیز شیر می دهد، سپس یک زن دیگر به آن کنیز بچه شیر می دهد. ابن شبرمه گفت: هم کنیزک و هم آن دو زن بر او حرام شدند. امام فرمود: ابن شبرمه اشتباه کرده، آن کنیز بچه و زن اول بر مرد حرام شده اند. اما زن دوم حرام نیست، چون به بچه مرد شیر داده است.(2)

3. مکارم الاخلاق: علی علیه السّلام فرموده اند: زنان احمق را برای شیر دادن به کودک اختیار نکنید، زیرا شیر بر طبیعت کودک غالب می شود.(3)

4. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند: زنان احمق را برای شیر دادن برنگزینید، زیرا کودک با آن شیر بزرگ می شوند.(4)

5. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند: بپرهیزید از اینکه احمقها را برای شیر دادن به کودک بر گزینید، زیرا کودک با شیر بزرگ می شود.(5)

الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از میان کنیزان، ده تای آنها حرامند: نمی توان مادر و دختر را با هم گرفت، و یا دو خواهر را با هم. و نیز کنیزی که شوهر دارد. و نیز کنیزت که خواهر رضاعی (شیری) توست یا کنیزت که عمه رضاعی تو یا خاله رضاعی توست. و یا کنیزت که حائض است تا اینکه پاک

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . المناقب 4:200
3- . مکارم الاخلاق: 27
4- . مکارم الاخلاق: 272
5- . نوادر الراوندی:13

1. شود، و نیز کنیزت که شیر خوار توست و کنیزی که شخص دیگری با تو در او شریک است.(1)

2. الهدایه: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از طریق شیر خوردن، محرمیتی چون خویشاوندی حاصل می شود. و زمانی محرمیت رضاعی حاصل می شود که کودکی پانزده شبانه روز پی در پی و متصل، شیر یک زن را بخورد.(2)

1- . الهدایه: 69
2- . الهدایه: 70

باب دوازدهم : تحلیل و احکام آن

روایات:

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوبکر الحضرمی گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: همسرم، کنیز خود را برایم حلال ساخته. امام فرمود: اگر میخواهی، با او ازدواج کن. گفتم: او را بخرم؟ امام فرمود: آنچه را که همسرت حلال ساخته، حلال است.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: حسن عطار گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره عاریه گرفتن [کردن] عورت کنیز سؤال کردم: فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: اگر فرزندی حاصل شود؟ فرمود: فرزند مال صاحب اصلی کنیز است مگر اینکه شرط کرده باشد. [اگر فرزندی حاصل شد، مال عاریه گیرنده باشد.](2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالکریم به نقل از امام صادق علیه السّلام گوید: پرسیدم: آیا مرد می تواند عورت کنیز خود را برای برادر خود حلال کند؟ فرمود: آری برای برادر حلال است، آنچه که برای صاحب اصلی آن حلال بوده است.(3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره شخصی سؤال کردم که کنیزی دارد و او را برای دیگری حلال می سازد. فرمودند: اشکالی ندارد.(4)

1- . نوادر احمد بن محمد:66
2- . نوادر احمد بن محمد: 66
3- .نوادر احمد بن محمد: 66
4- . نوادر احمد بن محمد: 66

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام درباره شخصی که کنیز خود را به برادرش عاریه می دهد، گفت: اشکالی ندارد و در صورت آوردن فرزند، بچه به عاریه گیرنده می رسد و کنیز را به صاحب اصلی خود بر می گرداند.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره غلام خود سؤال کردم که با کنیزکی همبستر شده و باردارش کرده و ما به شیر او نیاز پیدا کردیم. امام فرمود: اگر کاری را که کرده اند تحلیل کنی، شیرش طیب و پاک است.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابوالعباس گوید: خدمت امام صادق علیه السّلام بودم که شخصی از ایشان درباره عاریه دادن عورت کنیز سؤال کرد. امام فرمود: حرام است. سپس مکثی کرده و فرمود: البته اشکالی ندارد که مردی کنیز خود را به برادرش عاریه دهد.(3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره گوید: به امام باقر علیه السّلام گفتم: [جایز است] که شخصی کنیز خود را به برادرش به عاریه دهد؟ فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: اگر آن کنیز فرزندی آورد؟ فرمود: آن برادر فرزند را به خود ملحق می کند و کنیز را به صاحبش باز می گرداند. گفتم: صاحب اصلی کنیز به برادر خود اجازه فرزند نداده بود. فرمود: صاحب اصلی این اجازه را به برادرش داده است و خود نمی داند.(4)

کتاب حسین بن سعید و النوادر: مفضل گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام گفتم: مردی به همسرش گوید که کنیزت را برایم حلال ساز [چه حکمی دارد؟] امام فرمود: باید برای مسئله شاهد گیرد. گفتم: اگر شاهدی نگیرد، آیا

1- . نوادر احمد بن محمد: 66
2- .نوادر احمد بن محمد: 66
3- . نوادر احمد بن محمد: 66
4- . نوادر احمد بن محمد: 66

1. میان آن مرد و خداوند چیزی وجود خواهد داشت؟ فرمودند: آن کنیزک برایش حلال است.(1)

10. نوادر حمد بن محمد: فضیل بن یسار گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: یکی از اصحاب ما از شما روایت کرده اند که اگر شخصی کنیز خود را برای برادرش حلال کند، آن کنیز حلال است. امام فرمود: آری یا فضیل. گفتم: چه می فرمایید درباره شخصی که کنیز گران بهایی دارد و او را برای برادرش حلال کرده، به شرط اینکه بکارت کنیز دست نخورد. آیا می تواند بکارت او را بردارد؟ فرمود: درست نیست چنین کاری کند، و فقط آنچه را که صاحب اصلی کنیز حلال کرده، حلال است. و حتی اگر بوسیدن را حلال کرده باشد، به غیر از آن نباید کاری کند. گفتم: حال اگر شهوت غلبه کرد و بکارت کنیز را برداشت چه؟ فرمود: درست و شاسته نیست. گفتم: اگر انجام داد، آیا زناکار است؟ فرمود: خیانتکار است و باید یک دهم قیمت کنیز را بپردازد.(2)

11. کتاب حسین بن سعید و النوادر: رفاعه بن موسی از امام صادق علیه السّلام مانند این روایت را بیان نموده، با این اختلاف که رفاعه گفت: کنیز با ارزش نزد من است.(3)

12. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ضریس بن عبدالملک از امام صادق علیه السّلام روایت کند که شخصی کنیز خود را برای برادر خود حلال می سازد و کنیز هم در رفع نیازهای برادر می کوشد. اما فرمود: کنیز حلال اوست. گفتم: اگر کنیز صاحب فرزندی شد، چه نظری دارید؟ فرمود: فرزند مال صاحب اصلی کنیز است، مگر اینکه در زمان حلال کردن کنیز، شرط کرده باشند که فرزند مال برادر باشد، که در این صورت فرزند آزاده است. گفتم: پس برادر صاحب فرزند می شود. فرمود: اگر مالی داشته باشد، آن را به قیمت می خرد.(4)

1- . نوادر احمد بن محمد: 66
2- . نوادر احمد بن محمد:66
3- . نوادر احمد بن محمد: 66
4- . نوادر احمد بن محمد:66

باب سیزدهم : وطی دخترکان و احکام آن

روایات:

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: زن توسط شوهرش دخول نمیشود، مگر اینکه، نه یا ده سال داشته باشد. (1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر مردی با کنیزی ازدواج کند در حالی که کودک است، نباید بر او دخول کند تا اینکه نه ساله شود.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام فرمودند: نباید بر کنیز دخول کرد مگر زمانی که نه یا ده ساله شده باشد.(3)

1- . نوادر احمد بن محمد: 66
2- . نوادر احمد بن محمد: 66
3- . نوادر احمد بن محمد: 66

باب چهاردهم : اولیاء نکاح و شروط زوجین برای صحت عقد

آیات:

- «أَوْ یَعْفُوَا الَّذی بِیَدِهِ عُقْدَهُ النِّکاحِ»(1)

{یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخش}

- «وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُن»(2)

{و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید باز پس دهند.}

- «وَ یَسْتَفْتُونَکَ فِی النِّساءِ قُلِ اللَّهُ یُفْتیکُمْ فیهِنَّ وَ ما یُتْلی عَلَیْکُمْ فِی الْکِتابِ فی یَتامَی النِّساءِ اللاَّتی لا تُؤْتُونَهُنَّ ما کُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْیَتامی بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ کانَ بِهِ عَلیما»(3)

{و در باره آنان، رأی تو را می پرسند. بگو: «خدا در باره آنان به شما فتوا می دهد، و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می شود: در مورد زنان یتیمی که حقّ مقرّر آنان را به ایشان نمی دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید، و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شماست].» و هر کار نیکی انجام دهید، قطعاً خدا به آن داناست.}

روایات:

قرب الاسناد: علی از برادرش امام موسی علیه السّلام نقل کرده و گوید: درباره مردی سؤال کردم که دختری دارد، دو مرد برای خواستگاری دختر

1- . البقره/ 237
2- . النساء/ 19
3- . النساء/ 127

1. می آیند، مرد دوست دارد که دخترش را به یکی دهد، ولی پدر مرد دوست دارد که نوه اش را به دیگری دهد، در این حالت کدام یک برحقند؟ فرمود: آن شخصی را که پدر بزرگ دوست دارد، چون پدر بزرگ صاحب پسرش و نوه اش می باشد.(1)

2. عیون الاخبار: ابن بزیع گوید: از امام رضا علیه السّلام درباره دختری پرسیدم که پدرش او را به ازدواج شخصی در میآورد در حالی که هنوز صغیر است، و پدر می میرد. دختر بزرگ میشود، قبل از اینکه شوهرش بر او دخول کند. آیا این ازدواج جایز است یا منوط به اجازه دختر است؟ فرمودند: بر دختر ازدواجی که پدر انجام داده، جایز است.(2)

3. عیون الاخبار: و نیز گفت: درباره زنی سؤال کردم که نبیذ نوشیده و مست شده و در حالت مستی خود را به نکاح مردی در آورده، ولی پس از هوشیاری، نکاح را انکار نمود. بعد هم به گمان اینکه مرد با او می ماند، در کنارش ماند با همان عقدی که کرده بود. آیا این ازدواج برای زن حلال است یا فاسد، به خاطر اینکه مست بوده؟ امام فرمود: اگر آن زن بعد از هوشیاری همراه آن مرد بماند، معنایش رضایت اوست. گفتم: این ازدواج او جایز است؟ فرمود: آری.(3)

4. عیون الاخبار: ابن بزیع گوید: از امام رضا علیه السّلام درباره کنیزی پرسیدم که دو نفر با هم صاحب او هستند و آزادش می کنند، این کنیز باکره است و برادری غایب دارد، آیا جایز است که یکی از دو صاحب قبلی با او ازدواج کند یا باید با اجازه برادرش باشد؟ فرمود: آری جایز است. گفتم: پس اگر خواست، می تواند با وی ازدواج کند؟ فرمود: آری.(4)

5. نوادر احمد بن محمد: ابن ابی یعفور گوید: به امام جعفر علیه السّلام عرض کردم: آیا مرد می تواند کنیز را متعه کند؟ فرمود: آری، مگر اینکه پدر داشته باشد. در این صورت باید با پدرش مشورت کند و اجازه بگیرد.(5)

کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام باقر یا امام جعفر صادق علیه السّلام سؤال شد: مردی برای پسرش که صغیر است زن می گیرد، آیا جایز

1- . قرب الاسناد: 119
2- . عيون الاخبار 2: 18
3- . عيون الاخبار2: 19
4- . عيون الاخبار2: 20
5- . نوادر احمد بن محمد: 65

1. است که پدر، طلاق را هم جاری کند؟ فرمود: خیر. پرسیده شد: پس مهریه بر عهده چه کسی است؟ فرمود: بر پدر، اگر مهریه را تضمین کرده باشد، و اگر مهریه را بر عهده نگرفته باشد، بر پسر واجب است. اما اگر پسر مالی نداشته باشد، مهریه بر ذمه پدر است، چه بر عهده گرفته باشد یا نه.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السّلام سؤالی شد درباره اینکه: پسر نابالغی با دختری ازدواج می کند، آیا از هم ارث می برند. فرمود: اگر والدین آن دو زنده باشند، آری. گفته شد: آیا جایز است که پدر طلاق پسرش را بگیرد؟ فرمود: خیر.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که برای پسر کوچکش زن می گیرد؟ فرمود: اگر پسرش مالی داشته باشد، پس مهریه بر اوست، مگر اینکه پدرش مهریه را بر عهده گرفته باشد و اگر پسر را مالی نباشد، پدر ضامن است که مهریه را بدهد، چه بر عهده گرفته باشد یا نه.(3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السّلام یا امام محمد باقر علیه السّلام سؤال شد: پسر نابالغی با دخترکی ازدواج می کند، آیا از یکدیگر ارث می برند؟ فرمود: اگر والدین آنها را به عقد هم در آورده باشند، آری. گفته شد: آیا پدر می تواند برای پسرش طلاق بگیرد؟ فرمود: خیر.(4)

5. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام جعفر صادق یا امام محمد باقر علیهما السّلام سؤال شد: مردی دختر مرا به ازدواج پسرش درآورد و مهری را معین کرد، سپس فوت نمود. مهریه از کجا محاسبه میشود؟ فرمود: از همه مالی که پدر داشته است، زیرا مهریه مانند دین و بدهی می باشد.(5)

دلائل طبری: محمد بن جریر طبری شیعه غیر مورخ گوید: وقتی اسیران ایرانی وارد مدینه شدند، عمر بن خطاب خواست زنان را بفروشد و مردان را غلام سازد؛ امیرالمؤمنین علی علیه السّلام، ممانعت نمود و سهم خود از اسیران را

1- . نوادر احمد بن محمد: 71
2- . نوادر احمد بن محمد: 71
3- . نوادر احمد بن محمد: 71
4- . نوادر احمد بن محمد: 71
5- .نوادر احمد بن محمد: 71

1. آزاد نمود، سپس صحابه نیز چنین نموده و عمر هم قبول کرده و چنین نمود. آنگاه امام فرمود: این زنان را به اکراه به تزویج در نیاورید، بلکه با اختیار خودشان باشد. وقتی امام شهربانو را در ازدواج مخیّر ساخت و به او گفته شد، از خواستگارانت چه کسی را اختیار می کنی و آیا همسر می خواهی؟ سکوت کرد. امام فرمود: قبول دارد و فقط باید انتخاب کند. عمر گفت از کجا می دانی که قصد ازدواج دارد؟ امام فرمود: هرگاه بانوی محترمی قیّم نداشت، در حالی که از او خواستگاری شده بود، نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله می آمد. پیامبر می فرمود: آیا راضی به شوهر هستی؟ اگر حیا کرده و سکوت می نمود، این سکوت را نشانه رضایت می دید و امر به ازدواج می داد. و اگر می گفت: خیر، بر خلاف میلش به نکاح کسی در نمی آورد. عمر بن خطاب به شهربانو نشان داده شد. شهربانو با دست به امام حسین علیه السّلام اشاره کرد و به زبان فارسی گفت: اگر مختار باشم، او را انتخاب می کنم و امیرالمؤمنین را ولی خود قرار داد. (این روایت در کتاب جهاد نقل شده است.)(1)

2. الهدایه: پدر فقط تا وقتی بر دختر ولایت دارد که باکره باشد، و اگر بیوه شد، دیگر ولایت ندارد و زن بر خود ولایت دارد. اگر دختر باکره باشد و پدر و پدر بزرگ هم داشته باشد، تا زمانی که پدر زنده باشد، پدر بزرگ برای شوهر دادن او شایسته تر است. اما اگر پدر فوت نمود، پدر بزرگ دیگر ولایتی بر دختر ندارد. زیرا پدر بزرگ فقط در زمان حیات پسر خود، بر پسر و نوه اش ولایت دارد و اگر پسر مُرد، ولایت پدر بزرگ هم باطل می شود. (2)

1- . دلائل الطبری: 81
2- . الهدایه: 68

باب پانزدهم : احکام کنیزان و حلال و حرام بودن آنها

آیات:

- «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُم»(1)

{اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زنِ آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده اید [اکتفا کنید].}

روایات:

1. قرب الاسناد: علی از برادرش امام موسی علیه السّلام روایت کند: از او درباره شخصی پرسیدم که به دیگری گفت: این کنیز تا وقتی که زنده هستی برای تو باشد. آیا عورت آن کنیز حلال است؟ فرمود: آری، حلال است تا زمانی که به کسی که آن را صدقه داده، بازنگرداند، اما اگر کنیز را به کسی که آن را صدقه داده بازپس دهد، دیگر حرام می شود.(2)

2. قرب الاسناد: از او درباره کنیزی که مال دو مرد است سؤال کردم. که اگر یکی غایب باشد و دیگری کنیز را به نکاح خود در آورد، چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر شخص غایب راضی نباشد، نکاح جایز نیست.(3)

3. قرب الاسناد: نیز سؤال کردم درباره مردی که با کنیز خواهر یا عمه یا پسر خواهرش ازدواج کند و فرزندی حاصل شود، چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر آن فرزند جزئی از مایملک آن مرد باشد، فرزند آزاد خواهد بود.(4)

4. قرب الاسناد: و نیز پرسیدم: شخصی کنیزی را می خرد و با او همبستر می شود، آیا درست است که او را به پدر بزرگ خود بفروشد؟ فرمود: اشکالی ندارد.(5)

1- . النساء/3
2- . قرب الاسناد: 109
3- . قرب الاسناد: 109
4- . قرب الاسناد: 113
5- . قرب الاسناد: 113

1. قرب الاسناد: و نیز سؤال کردم: مردی به کنیز پسر خود احتیاج پیدا کرده و با او همبستر می شود، در حالی که پسر با کنیز همبستری نکرده، آیا صحیح است؟ فرمود: آری کنیز برای پدر حلال است، البته اگر پدر ثروتمند باشد، کنیز را قیمت گذاشته و قیمت را به پسر پرداخت می کند. (1)

2. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: از میان کنیزان، ده تای آنها حرامند: میان مادر و دختر جمع نمیشود، یعنی نمی توان مادر و دختر کنیز را با هم در اختیار داشت؛ و نیز دو خواهر؛ و کنیزی که از دیگری حامله است تا وقتی فارغ شود؛ و کنیزی که شوهر دارد؛ و کنیزی که خواهر رضاعی تو است؛ و نیز کنیزی که عمه رضاعی و یا خاله رضاعی تو است؛ و نیز کنیزی که حیض است تا وقتی که پاک شود؛ و نیز کنیزی که دست پرورده توست (زنت به کنیز شیر داده)؛ و کنیزی که در او شریک داری.(2)

3. عیون الاخبار: ابن بزیع گوید: از امام رضا علیه السّلام سؤال کردم: مردی کنیزی دارد و او را می بوسد، آیا این کنیز برای پسرش حلال است؟ فرمود: با شهوت بوسیده؟ گفتم: آری. گفت: خیر. هرگاه با شهوت بوسیده باشد، دیگر چیزی باقی نمی ماند. سپس فرمود: اگر کنیز را عریان سازد و با شهوت به او نگاه کند، بر پدر آن مرد و نیز پسر آن مرد حرام می شود. گفتم: اگر به بدنش نگاه کند؟ فرمود: اگر به عورت او نگاه کند.(3)

4. عیون الاخبار: ابن بزیع گوید: ازامام رضا علیه السّلام پرسیدم: دو نفر کنیزی را در اختیار دارند و او را آزاد می کنند و این کنیز، برادری در جای دوری دارد، آیا صحیح است که یکی از آن دو نفر با کنیز ازدواج کند یا باید از برادرش اجازه گیرد؟ فرمود: جایز است ازدواج کند. گفتم: پس هر وقت خواست، می تواند با کنیز ازدواج کند. فرمود: آری.(4)

1- . قرب الاسناد: 119
2- . الخصال 2: 204
3- . عیون الاخبار 2: 19
4- .عیون الاخبار 2: 20

1. علل الشرایع: عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: گروهی به طور اشتراکی در یک کنیز شریک هستند و وی را به شخصی از خودشان می سپارند، آن شخص با کنیز همبستر می شود، چه حکمی دارد؟ فرمود: حد شلاق بر او جاری می شود و به اندازه مالش از شلاق کاسته و به کنیز داده می شود و کنیز را قیمت می گذارند و غرامت به شریکان داده می شود. اگر قیمت در روزی که همبستری کرده، کمتر از پول خرید کنیز باشد، باید آن قیمتی را که بیشتر است بپردازد زیرا که به شرکای خود زیان رسانده؛ و اگر قیمت کنیز در آن روزی که همبستری کرده بیشتر از پول خرید باشد، باید قیمت بالاتر را بدهد، به خاطر اینکه بر کنیز لطمه وارد کرده است.(1)

2. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام به نقل از علی علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام نهی می کرد که مرد به کنیز خود دست بزند، در حالی که کنیز از مرد دیگری فرزندی داشته و فوت شده، تا زمانی که یک حیض کامل ببیند یا مشخص شود که کنیز حامله است یا نه. - اخبار پاک شدن در أبواب بیع آمده است.(2)

3. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند که علی علیه السّلام فرموده است: هر کس کنیزانی بیشتر از نیاز خود بگیرد و این کنیزان زنا کنند، گناه بر آن شخص است.(3)

4. الخصال: از سلمان روایت شده است: هر کس کنیزی بگیرد و در چهل روز یک بار بر او وارد نشود و این کنیز کار حرامی انجام دهد، بار گناه این کار بر عهده اوست.(4)

5. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر کس کنیزی اختیار کند و در هر چهل روز یک بار با او همبستر نشود، گناه آن بر عهده اوست.(5)

1- . علل الشرایع: 580
2- . قرب الاسناد: 66
3- . قرب الاسناد: 70
4- . الخصال 2: 317
5- . الخصال 2: 317

1. الاحتجاج: امام محمد جواد علیه السّلام در مجلس مأمون عباسی از یحیی بن أکثم قاضی سؤال کرد: مرا با خبر ساز از اینکه، مردی به زنی در اول روز نگاه می کند و نگاهش حرام است و در میانه روز حلال است و در هنگام زوال خورشید دوباره حرام می شود، و در هنگام عصر حلال و هنگامی که خورشید غروب کند حرام و در هنگام عشا حلال و در نیمه شب حرام و در طلوع فجر حلال می شود. حالت این زن چگونه است؟ و از چه روی حلال و حرام می شود؟ یحیی بن اکثم گفت: به خدا که راه رسیدن به جواب این سؤال را نمی دانم، اگر خواهی ما را جواب ده. امام فرمود: این زن مردی است که غریبهای در اول روز به زن نگاهی حرام می کند و هنگامی که روز می شود زن را از صاحبش می خرد پس حلال می شود؛ و در ظهر کنیز را آزاد می کند، پس حرام می شود؛ هنگام عصر با او ازدواج می کند پس حلال می شود؛ هنگام مغرب ظهار میکند [یعنی به او می گوید: تو بر من چون مادرم حرام هستی] پس حرام می شود؛ و در هنگام عشاء کفاره ظهار را میدهد پس حلال میشود؛ در نیمه شب یک بار طلاقش میدهد پس بر او حرام می شود؛ و هنگام فجر رجوع می کند، پس حلال میشود.(1)

2. ارشاد المفید: دو مرد از یمن نزد امیرالمؤمنین شکایت آوردند، بدین شکل که آن دو نفر یک کنیز مشترک داشتند و علم و آگاهی نسبت به زمان همبستری با او را نداشتند و در یک ماه هر دو با کنیز همبستر شدند و کنیز پسری آورد، آن دو مرد بر سر پسر منازعه کردند و شکایت نزد امیرالمؤمنین آوردند؛ وی قرعه کشید و پسر به یکی از آن دو رسید و امر نمود که نصف قیمت یک غلام بچه را به آن دیگری بپردازد و فرمود: اگر می دانستم که شما بعد از فهمیدن احکام اسلامی این کار را کرده اید، شما را به شدت مجازات می کردم. این خبر به رسول خدا صلّی الله علیه و آله رسید، آن را تأیید کرد و بدین وسیله یکی از احکام اسلامی شد. پیامبر فرمود: سپاس خدای را که در میان اهل بیت ما کسی را قرار داده که به سنت داود پیامبر علیه السّلام حکم می کند.(2)

1- . الاحتجاج 2: 244
2- . ارشاد المفید: 105

16. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد که می شود دو خواهر کنیز را با هم در عقد نکاح داشت؟ فرمود: دومین خواهر را نمی توان [همزمان با خواهر اول] به نکاح در آورد، مگر در صورتی که عورت او سالم بماند و اگر این کار نشود، بهتر است. مانند آن زنی که حیض می شود و بر شوهرش حرام است که دخول کند. خداوند می‌فرماید: «وَ لا تَقْرَبُوهُنَ حَتَّی یَطْهُرْنَ» و نیز فرمودند: «وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَیْنَ الْأُخْتَیْنِ إِلاَّ ما قَدْ سَلَف»، {و جمع دو خواهر با همدیگر - مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد.} یعنی دو خواهر را نباید در نکاح داشت. و بر مرد واجب است که بدون دخول نزد همسر حایض خویش باشد.(1)

17. تفسیر العیاشی: امام علی علیه السّلام روزی در میان جمعی فرمود: از من سؤال کنید. ابن الکوا پرسید: ما را با خبر ساز از نکاح با دختر رضاعی برادر و ازدواج با دو خواهر که کنیز هستند. امام فرمودند: تو در وادی سرگشتگی هستی، چیزی بپرس که به تو مربوط باشد. ابن الکوا گفت: ما چیزی را که نمی دانیم می پرسیم، آنچه را که می دانیم نمی پرسیم. سپس امام علیه السلام فرمود: اما درباره دو کنیزی که خواهرند، یک آیه آن را حلال و آیه ای دیگر آن را حرام ساخته و من هم نه حلال می کنم و نه حرام، خودم هم چنین کاری نمی کنم و هیچ یک از اهل بیتم نیز چنین نکنند.(2)

18. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: مردی دو کنیز خواهر دارد، یک مرتبه با اولی و دیگر بار با دومی همبستر شده، چه حکمی دارد؟ فرمودند: کنیز اول بر او حرام است تا زمانی که کنیز دومی فوت شود. گفتم: درباره فروش او نظرتان چیست؟ فرمود: اگر از روی نیازمندی کنیز دوم را بفروشد و در فکر کنیز اول نباشد عیبی ندارد، اما اگر کنیز دوم را بفروشد برای اینکه به کنیز اول برسد، صحیح نیست.(3)

1- . تفسیر العیاشی 1: 232
2- . تفسیر العیاشی 1: 232
3- . نوادر احمد بن محمد: 70

19. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: مادر و دختر یکسان هستند [برای ازدواج] مادامی که دخول نکرده باشد.(1)

20. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤالی شد: مردی دو کنیز خواهر دارد، آیا می تواند بر هر دو دخول کند؟ فرمود: میتواند با یکی از آنها همبستر شود و اگر دومی را هم دخول کند، کنیز اول بر او حرام خواهد شد تا اینکه دومی بمیرد یا از او جدا شود، و نمیتواند به خاطر حلال شدن کنیز اول، کنیز دوم را بفروشد. تا به او رجوع کند، مگر این که کنیزش را تجدید کند یا او را صدقه دهد یا بمیرد.(2)

21. کتاب سلیم بن قیس: امیرالمؤمنین علیه السّلام در زمینه ذکر بدعتهای عمر فرمود: عمر کنیزانی را که دارای بچه بودند آزاد ساخت، مردم هم سخنش را پذیرفتند و امر خدا و امر رسولش را ترک کردند. وی دختران اسیر شوشتر را که حامله بودند و نیز اسیران اهل یمن را آزاد ساخت.(3)

22. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: مردی از انصار پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله را به غذا دعوت کرد. در میانه غذا خوردن، رسول خدا صلّی الله علیه و آله کنیزکی را دید که شکم بزرگی دارد و پذیرایی می کند. پیامبر فرمود: این کیست؟ گفت: او را در حالی که حامله بود خریدهام. پیامبر فرمودند: آیا با او همبستر می شوی؟ گفت: آری. پیامبر فرمود: اگر حرمت طعامت نبود، تو را لعنتی میکردم که داخل قبرت شود. آنچه که این زن در شکم دارد را آزاد کن. مرد گفت: ای رسول خدا از چه روی مستحق این لعنت هستم؟ فرمود: زیرا نطفه تو گوش و چشم و گوشت و خون و مو و پوستش را تغذیه می کند.(4)

1- .نوادر احمد بن محمد: 70
2- . نوادر احمد بن محمد: 70
3- . کتاب سلیم بن قیس: 123،122
4- . نوادر الراوندی: 37

باب شانزدهم : احکام تزویج کنیزان، افزون بر آنچه ذکر شد

آیات:

- «وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْکُمْ طَوْلاً أَنْ یَنْکِحَ الْمُحْصَناتِ الْمُؤْمِناتِ فَمِنْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ مِنْ فَتَیاتِکُمُ الْمُؤْمِناتِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإیمانِکُمْ بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْکِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَناتٍ غَیْرَ مُسافِحاتٍ وَ لا مُتَّخِذاتِ أَخْدانٍ فَإِذا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَیْنَ بِفاحِشَةٍ فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ ما عَلَی الْمُحْصَناتِ مِنَ الْعَذابِ ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ الْعَنَتَ مِنْکُمْ وَ أَنْ تَصْبِرُوا خَیْرٌ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ یُرِیدُ اللَّهُ لِیُبَیِّنَ لَکُمْ وَ یَهْدِیَکُمْ سُنَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ وَ اللَّهُ یُرِیدُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَ یُرِیدُ الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الشَّهَواتِ أَنْ تَمِیلُوا مَیْلاً عَظِیماً یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِیفاً»(1)

{و هر کس از شما، از نظر مالی نمی تواند زنانِ [آزادِ] پاکدامنِ با ایمان را به همسری [خود] درآورد، پس با دختران جوانسالِ با ایمانِ شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند]؛ و خدا به ایمان شما داناتر است. [همه] از یکدیگرید. پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسریِ [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست گیران پنهانی نباشند. پس چون به ازدواجِ [شما] درآمدند، اگر مرتکب فحشا شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازاتِ] زنان آزاد است. این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آلایش گناه بیم دارد؛ و صبر کردن، برای شما بهتر است، و خداوند آمرزنده مهربان است. خدا می خواهد برای شما توضیح دهد، و راه [و رسمِ] کسانی را که پیش از شما بوده اند به شما بنمایاند، و بر شما ببخشاید، و خدا دانای حکیم

1- . النساء / 25-28

است. خدا می خواهد تا بر شما ببخشاید؛ و کسانی که از خواسته ها[ی نفسانی] پیروی می کنند، می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید. خدا می خواهد تا بارتان را سَبُک گرداند؛ و [می داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است.}

روایات:

1. قرب الاسناد: علی ابن جعفر علیه السّلام به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گفته است: از او درباره مردی سؤال کردم که قصد ازدواج با کنیزش را داشت و می خواست او را آزاد کند و به کنیز گفت: تو را آزاد کردم و مهریه ات را آزادی ات قرار دادم. فرمود: کنیز آزاد است و اختیار دارد که با مرد ازدواج کند یا نه و اگر مرد بگوید: با تو ازدواج کرده و مهریه ات را آزادی تو قرار می دهم، نکاح جاری شده است تا اینکه چیزی هم به زن بدهد.(1)

2. امالی الطوسی: صفیه گوید: رسول خدا صلّی الله علیه و آله مرا آزاد ساخت و صداق مرا آزادی من قرار داد.(2)

3. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام گوید: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در خصوص بریره به دو چیز فرمان داد: ولایت بر او از آن کسی است که وی را آزاد ساخته؛ و فرمان داد که در هنگام آزادی، اختیار دارد که با هر کسی ازدواج کند و حکم داد که آنچه که به زن صدقه داده شده، اگر هدیه نماید، پس آن هدیه است و اشکالی در استفاده از آن نیست.(3)

الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بریره کنیزی بود که شوهر داشت. عایشه او را خرید و آزادش کرد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله او را مخیّر ساخت که اگر خواست نزد شوهرش بماند و اگر خواست از او جدا شود. کسانی که صاحب او بودند و او را فروخته بودند، بر عایشه شرط کرده بودند که ولایت کنیز با آنها باشد. رسول خدا صلّی الله علیه و آله

فرمودند: ولایت از آن

1- . قرب الاسناد: 109

2- . امالی الطوسی 2: 19
3- . قرب الاسناد: 45

1. کسی است که کنیز را آزاده کرده، و به بریره تکه گوشتی صدقه داد، او هم گوشت را به رسول خدا صلّی الله علیه و آله هدیه کرد. عایشه گوشت را در جایی آویزان کرد و گفت: رسول خدا صدقه را نمی خورند، رسول خدا وقتی به خانه آمد، گوشت را در جایی آویزان دید و فرمود: قضیه این گوشت چیست که پخته نشده؟ عایشه گفت: ای رسول خدا، این گوشت به عنوان صدقه به بریره داده شده و او به ما هدیه کرده، ولی شما که صدقه نمی خورید! فرمودند: این گوشت برای او صدقه بود و برای ما هدیه؛ سپس دستور داد که پخته شود و با این قضیه، سه سنت جاری شد.(1)

5. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم درباره کلام خدا که میفرماید: «وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُم»، {و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده ای.} فرمود: یعنی آنکه شخصی به غلام خود دستور دهد که از کنیز جدا شود و بگوید: از کنیز کناره گیری کن و کنیز را از آن غلام دور دارد تا اینکه حایض شود، پس از آن می تواند به کنیز خود دست زند و پس از آن اگر کنیز حایض شد، می تواند کنیز را بدون نکاح به دیگری بدهد.(2)

6. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره «وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُم»، {و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده ای.} فرمود: آنها زنان شوهر دار هستند.(3)

7. تفسیرالعیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: «وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُم» {و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده ای.} فرمودند: به غلامت که کنیز تو را در اختیار دارد، دستور می دهی که از کنیز کناره گیری کند تا اینکه حیض شود، سپس از کنیز بهرهمند می شوی.(4)

1- . الخصال 1: 125
2- . تفسیر العیاشی 1: 232
3- .تفسیر العیاشی 1: 232
4- . تفسیر العیاشی 1: 233

8. تفسیر العیاشی: ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السّلام نقل می کند که امام درباره کلام خدا: «وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُم»، {و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده ای.} فرمود: اینها زنان شوهر دار هستند مگر اینکه [در جنگ به اسارت] در دستان شما قرار گیرند. اگر کنیزت را به غلامت دادی، اگر خواستی، کنیز را از غلام جدا می کنی. گفتم: نظرتان درباره اینکه کنیز را به شخصی غیر از غلام خود شوهر داده باشد چیست؟ فرمود: نمی تواند کنیزش را از همسرش جدا کند مگر اینکه فروخته شود و اگر کنیز را بفروشد نیز در این صورت کنیز در دست دیگری است و اگر خریدار بخواهد، می تواند میان کنیز و شوهرش جدایی افکند یا خیر.(1)

9. تفسیر العیاشی: البزنطی گوید: از امام رضا علیه السّلام سؤال کردم: آیا میشود با کنیز با اجازه خانواده اش ازدواج کرد؟ فرمودند: آری، خداوند می فرماید: {پس آنان را با اجازه خانواده اشان به همسری [خود] در آورید.}(2)

10. تفسیر العیاشی: محمد بن صدقه بصری گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا متعه کردن به منزله کنیز گرفتن نیست؟ فرمود: آری، آیا کلام خدا را نخوانده ای: {و هر کس از شما، از نظر مالی نمیتواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری خود در آورد} تا {و دوست گیران پنهانی نباشد.} همانطور که جایز نیست مرد با کنیز ازدواج کند در حالی که توانایی ازدواج با زن آزاد را دارد بر همین اساس جایز نیست که مرد کنیز را متعه کند در حالی که میتواند با زن آزاد ازدواج کند.(3)

11. تفسیر العیاشی: ابوالعباس گوید: به ابا عبدالله امام جعفر صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا مرد میتواند بدون اجازه خانوادهاش با کنیز ازدواج کند؟

1- . تفسیر العیاشی 1: 233
2- . تفسیر العیاشی 1: 234
3- . تفسیر العیاشی 1: 234

فرمودند: این زنا است. خداوند می فرمایند: {پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسریِ [خود] درآورید.}(1)

12. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام پرسیدم که کنیزان شوهردار چه حکمی دارند؟ فرمود: آنها [همچون] زنان مسلمان هستند.(2)

13. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: شایسته نیست که مرد مسلمان با کنیزان ازدواج کند مگر از ترس فساد، و بر او حلال نیست ازدواج با کنیزان، بیشتر از یک نفر.(3)

14. السرایر: از کتاب المسائل از داود الصرمی که گفت: از موسی بن جعفر علیه السّلام سؤال کردم، درباره غلامی که زنی آزاده را در اختیار دارد، سپس این غلام از نزد سرور خویش فرار می کند و به خاطر فرار، زنش را طلاق می دهد، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: اگر زن طلاق را بخواهد، درست است.(4)

15. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی پرسیدم که با کنیزش نکاح می کند، در حالی که شوهر دارد. فرمودند: اگر شوهر کنیز مملوک باشد، اگر [او را] خواست، باید میان آنها جدایی افکند. زیرا خداوند میفرماید: «عَبْداً مَمْلُوکاً لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ءٍ»، {بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید.} پس غلام را هیچ اختیاری نیست. اما اگر همسر کنیز آزاد باشد، طلاق دادن کنیز باعث آزاد شدن او می شود.(5)

16. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام روایت کند و گوید: غلام امام باقر علیه السّلام بر ایشان گذر کردند، امام او را فرا خواند و گفت: جوان، من فلان کنیز را به تو باز می گردانم و تو ما را به یک درهم جریب اطعام می کنی. ابن مسلم گوید: به امام عرض کردم: فدایت شوم، ما نزد خود روایت می

1- . تفسیر العیاشی 1: 234
2- تفسیر العیاشی 1: 235

3- . تفسير العياشى 1: 235
4- . السرائر: 485
5- . تفسير العياشى 2: 264

کنیم که به امام علی علیه السّلام کنیزی هدیه دادند یا اینکه کنیزی خرید، از او پرسید، شوهر داری یا نه؟ کنیز گفت: دارم. و امام شخصی را فرستاد و همبستری او را از شوهرش به پانصد درهم خرید. امام صادق علیه السّلام فرمودند: بر امام علی علیه السّلام دروغ بسته اند و حفظ روایت نکرده اند، آیا کلام خدا را نشنیده ای که {خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید.}؟(1)

17. تفسیر العیاشی: زراره از امام محمد باقر علیه السّلام و امام جعفر صادق علیه السّلام روایت کند: جایز نیست طلاق و نکاح مملوک مگر با اجازه سرورش. گفتم: اگر سرور، مملوک را ازدواج دهد، طلاق او در دست کیست؟ فرمودند: به دست مولایش. {خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید} آیا طلاق «شی ء» نیست؟ (2)

18. تفسیر العیاشی: از ابابصیر درباره مردی روایت شده که کنیزی را به عقد مردی دیگر در می آورد، آیا حق دارد که آنها را از هم جدا کند؟ گفت: اگر آن مرد مملوک باشد، اگر بخواهد، می تواند میان آنها جدایی افکند، زیرا خداوند می فرماید: «عَبْداً مَمْلُوکاً لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ء»، {بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید.} پس مملوک هیچ اختیاری ندارد؛ و اگر کنیز را به عقد مرد آزاد در آورده باشد، در این صورت اگر مولا و سرور بخواهد، می تواند میان آنها جدایی افکند.(3)

19. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان به نقل از امام صادق علیه السّلام گوید: از ایشان شنیدم که می فرمود: اگر مردی غلامش را با کنیزش تزویج کند، هر وقت که بخواهد، میتواند میان آنها جدایی افکند.(4)

20. تفسیر العیاشی: الحلبی به نقل از امام صادق علیه السّلام درباره مردی که کنیز خود را به ازدواج غلام خود در آورده، میگوید: امام فرمود: هر وقت بخواهد،

1- .تفسیر العیاشی : 265
2- . تفسیر العیاشی 2: 265
3- .تفسیر العیاشی 2: 265

4- . تفسير العياشى 2: 265

بدون طلاق آنها را از هم جدا می کند، زیرا خداوند می فرماید: «عَبْداً مَمْلُوکاً لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ءٍ»، { بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید. }(1)

21. تفسیر العیاشی: امام علی علیه السّلام همواره می فرمود: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً عَبْداً مَمْلُوکاً لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ءٍ»، {بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید. } غلام حق طلاق و نکاح را ندارد و آن به دست سرور اوست. و مردم بر خلاف رای دادند، یعنی اگر سرور به غلام خود اجازه ازدواج دهد، دیگر حق جدا کردن غلام و کنیز را ندارد.(2)

22. مکارم الاخلاق: سلمان با زنی ثروتمند ازدواج کرد، پس وی وارد شد و خانه ای دید که درآن تخت هایی است. گفت: خانه شما حرام است زیرا کعبه در آن دگرگون شده و ناگاه کنیزکی آرایش کرده را دید. گفت: کنیز مال کیست؟ گفتند: مال خانم شما است. گفت: هر کس کنیزی بگیرد و با او همبستر نشود، و آن کنیز کار حرامی کند، گناه آن بر ذمه صاحب اوست.(3)

23. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر کس کنیزی بگیرد، باید در هر چهل روز یک بار با او همبستر شود.(4)

24. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر شخصی با کنیز خود در آمیزد و سپس بخواهد نزد دیگری رود، باید وضو بگیرد.(5)

25. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام جعفر صادق علیه السّلام یا امام محمد باقر علیه السّلام سؤال شد: مردی همسری آزاد دارد و با کنیزی ازدواج میکند، چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر کنیزی را در نکاح دارد و با زن آزادی ازدواج کند، دو سوم مالش را به زن آزاد و یک سوم را به کنیز بدهد.(6)

1- . تفسیر العیاشی 2: 265
2- .تفسیر العیاشی 2: 266
3- . مکارم الاخلاق: 272
4- . مکارم الاخلاق: 272

5- . مكارم الاخلاق: 272
6- . نوادر احمد بن محمد: 69

26. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: مردی که با کنیز خود ازدواج میکند، چه حکمی دارد؟ امام فرمود: اگر دچار اضطرار و اجبار شده باشد، اشکالی ندارد.(1)

27. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام درباره مردی که کنیزی را به عقد خود درآورد و سپس توانایی ازدواج یک زن آزاد را می یابد ولی کراهت دارد که کنیز را طلاق دهد، فرمودند: میتواند در حالی که کنیز را دارد، زن آزاده را به عقد خود در آورد، و نباید در حالی که آزاده را در نکاح دارد، کنیز را به نکاح درآورد؛ و دو سوم مالش و خودش را به زن آزاده و یک سوم مال و خودش را به کنیز اختصاص دهد.(2)

28. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام درباره مردی پرسید که که با زن آزاده ازدواج می کند در حالی که همسر کنیزی داشته است و زن آزاده نمیدانسته که او همسر کنیز دارد. فرمودند: اگر آزاده بخواهد با کنیز در یک خانه اقامت کند، میتواند و اگر بخواهد، میتواند نزد خانوادهاش برود. گفته شد: اگر مرد راضی به رفتن او نباشد، چه؟ فرمود: اگر زن راضی به سکونت نباشد، هیچ راهی برای مرد نیست. گفته شد: پس رفتن به سوی خانواده، یعنی طلاق؟ فرمودند: آری، اگر به سوی خانواده اش خارج شود و سه ماه یا سه حیض از او بگذرد، میتواند ازدواج کند.(3)

29. کتاب حسین بن سعید و النوادر: یحیی الأرزق گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره مردی سؤال کردم که کنیزی خانه زاد را به عنوان همسر دارد و با زن آزاده ای هم ازدواج میکند، ولی زن را از همسر اول خود با خبر نمی سازد، چه حکمی دارد؟ فرمودند: زن آزاده اگر بخواهد، میتواند بماند و اگر نخواست میرود.

1- . نوادر احمد بن محمد: 69
2- . نوادر احمد بن محمد: 69
3- . نوادر احمد بن محمد: 69

گفتم: مهریه را گرفته و ببرد؟ فرمود: آری، به همان مقداری که فرج خود را حلال کرده است (مهریه تعیین کرده).(1)

30. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: مرد نباید با کنیز ازدواج کند در حالی که زن آزاده را در نکاح دارد و اگر خواست زن آزاده را به نکاح در آورد در حالی که کنیز عقدی هم دارد، باید دو سوم مالش را به زن آزاد و یک سوم را برای کنیز تقسیم کند.(2)

31. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: با داشتن کنیز عقدی میتوان با زن آزاده ازدواج کرد و در حالی که همسر آزاده دارد، نباید با کنیز ازدواج کند و نباید در حالت داشتن همسر مسلمان، با مسیحی یا یهودی ازدواج کرد. هر کس این کار را بکند، نکاحش باطل است.(3)

32. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالرحمن گوید، از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا مرد میتواند با زن مسیحی ازدواج کند در حالی که زن مسلمان دارد؟ یا با کنیز در حالی که زن آزاده دارد؟ فرمودند: در حالی که زن مسلمان آزاده دارد، با هیچ کدام نمی تواند ازدواج کند. اما در حالی که زن کنیز یا مسیحی دارد، می تواند با زن مسلمان آزاده ازدواج کند. و به زن مسلمان دو سوم مال و به کنیز و مسیحی یک سوم مال می رسد.(4)

33. کتاب صفوه الأخبار: مردی نزد امیر المؤمنین علی علیه السّلام آمد و گفت: این مملوک من است و بدون اجازه من ازدواج کرده. امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند: آنها را از هم جدا کن. آن مرد به مملوک خود گفت: ای خبیث! زنت را طلاق بده. امام علی علیه السّلام به غلام گفتند: اگر خواستی طلاق بده و اگر خواستی نگهدار. فرمود: این حرف صاحب غلام که (زنت را طلاق بده) نشانه رضایت او و قبول داشتن ازدواج است که در این صورت، حق طلاق با غلام است.

1- . نوادر احمد بن محمد: 70
2- . نوادر احمد بن محمد: 69
3- . نوادر احمد بن محمد: 69

4- . نوادر احمد بن محمد: 69

34. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: اگر مردی در یک زمان با زن آزاده و کنیز ازدواج کند، نکاح آنها باطل است.(1)

35. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: اگر مرد آزادی با کنیزی ازدواج کند، کنیز روزها در خدمت خانواده خود اوست و شبها نزد همسرش می آید و نفقه او هم بر عهده شوهر است. ولی اگر خانواده کنیز مانع شوند که شب در خدمت شوهرش باشد، نفقه ای هم در کار نیست.(2)

36. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام در خصوص بریره چهار قضیه را فرمود. عایشه قصد خرید بریره را داشت، صاحبان بریره شرط کردند که ولایت بریره مال آنها باشد و سپس بریره را خرید. رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر منبر رفت و فرمود: چه گمان می کنند کسانی که غلام و کنیز خود را می فروشند و شرط می گذارند که ولایت کنیز و غلام از آنها باشد؟ ولایت از آن کسی است که خرید می کند و مال می پردازد. وقتی عایشه با او کتابت کرد (تا پول خود را به اقساط بدهد و سپس آزاد شود)، بریره در میان مردم می گشت و طلب صدقه می کرد و به نزد عایشه رفته و گوشت و نانی به او هدیه کرد. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: چیزی هست که بخوریم؟ عائشه گفت: نه، جز آنچه بریره برای ما آورده است. پیامبر فرمود: بیاور. آنها برای بریره صدقه است و برای ما هدیه. و آن را خوردند. وقتی بریره دوره کتابت خود را به پایان رساند، رسول خدا صلّی الله علیه و آله بریره را مخیر ساخت در حالی که شوهر داشت، و او هم خود را بر گزید (از شوهرش جدا شد) پیامبر فرمودند: یک سوم حیض را عده نگهدار.(3)

37. کتاب الغارات: ابراهیم بن محمد الثقفی: امام علی علیه السّلام نامهای نگاشت: از جانب عبد خدا امیرالمؤمنین به عوسجه بن شداد. سلام بر تو؛ امّا بعد؛ قلب عابدان و بندگان نادان را طمع به لرزه میاندازد تا جایی که دچار خدعه و نیرنگ می شوند. من تعجب کردم از اینکه کنیزی را که دستور خریدش را داده بودم،

1- . نوادر الراوندی: 38
2- .نوادر الراوندی: 38

3- . نوادر الراوندى: 54

از مالک او خریداری کردی و هنگام خریدن او نمی دانستی که شوهر دارد. وقتی این کنیز نزد من آمد، از او سؤال کردم (شوهر داشت) و من همراه غلام خود مثعب، او را برای تو پس فرستادم. پس کسی را که کنیز به تو فروخته شوهرش را فرا خوان و ناموس او را از شوهرش بخر و خلاصش کن و اگر رضایت نداد که ناموسش را بفروشد، پول کنیز را پس بگیر و او را به فروشنده برگردان؛ والسّلام. عبدالله بن أبی رافع نوشته است که این مورد در سال سی و نه هجری بوده است.

38. کتاب عاصم بن حمید: محمد بن مسلم گوید: غلام امام صادق علیه السّلام بر او گذر کرد: امام او را فرا خواند و گفت: ای قین. گفتم: قین چیست؟ گفت: آهنگر، و فرمود: من فلان کنیز را به تو بازمیگردانم به شرط آنکه ما را یک درهم خربزه چاشت میهمان کنی. به امام عرض کردم: فدایت شوم، ما در کوفه نقل می کنیم که برای امام علی علیه السّلام کنیزی خریداری شد یا اینکه به او هدیه کردند. علی علیه السّلام از کنیز پرسید: فارغ هستی یا مشغول (شوهر داری یا نه)؟ گفت: مشغولم. پس امام شخصی را فرستاد و ناموس کنیز را با پانصد درهم خریداری کرد. امام صادق علیه السّلام فرمودند: بر امام علی علیه السّلام دروغ بستهاند یا اینکه واقعیت را به خوبی حفظ نکردهاند. آیا نشنیدهای که خداوند چگونه می فرماید: {خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او بر نمی آید.}(1)

1- . کتاب عاصم بن حمید: 26

باب هفدهم : مهریه و احکام آن

آیات:

- «لا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَريضَةً وَ مَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنينَ وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَريضَةً فَنِصْفُ ما فَرَضْتُمْ إِلاَّ أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَا الَّذى بِيَدِهِ عُقْدَهُ النِّكاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوى وَ لا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصير»(1)

{و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مَهری معین کرده اید، پس نصف آنچه را تعیین نموده اید [به آنان بدهید]، مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد؛ و گذشت کردنِ شما به تقوا نزدیکتر است. و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش مکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.}

- «وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقين»(2)

{و فرض است بر مردان پرهیزکار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.}

- «وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَىْ ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنيئاً مَريئا»(3)

{و مَهرِ زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.}

1- . البقره/ 236-237
2- . البقره/ 241
3- . النساء/4

- «قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِکَ وَ ما أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنی إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ، قالَ ذلِکَ بَیْنی وَ بَیْنَکَ أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلا عُدْوانَ عَلَیَّ وَ اللَّهُ عَلی ما نَقُولُ وَکِیلٌ »(1)

{[شعیب] گفت: «من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو در آورم، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی، و اگر ده سال را تمام گردانی، اختیار با تو است، و نمی خواهم بر تو سخت گیرم، و مرا ان شاء اللّه از درستکاران خواهی یافت.» [موسی] گفت: «این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر یک از دو مدّت را به انجام رسانیدم، بر من تعدّی [روا] نباشد، و خدا بر آنچه می گوییم وکیل است.» }

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا نَکَحْتُمُ الْمُؤْمِناتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَما لَکُمْ عَلَیْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَها فَمَتِّعُوهُنَّ وَ سَرِّحُوهُنَّ سَراحاً جَمیلاً»(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر زنان مؤمن را به نکاح خود درآوردید، آنگاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید، طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آنها عده ای که آن را بشمارید، نیست؛ پس مَهْرشان را بدهید و خوش و خرّم آنها را رها کنید. }

روایات:

1. قرب الاسناد: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله هیچ یک از دخترانش را تزویج نکرد و هیچ کدام از زنانشان را به نکاح خود در نیاورد که مهریهاش بیش از دوازده اوقیه و نصف (پانصد درهم) باشد.(3)

1- . القصص/ 28- 27
2- . الإحزاب/ 49
3- . قرب الاسناد: 10

1. أربعين الشهيد: در اين كتاب نيز همين روايت مذكور است.(1)

2. قرب الاسناد: اميرالمؤمنين عليه السّلام فرمودند: من نمى پسندم كه مهريه كمتر از ده درهم باشد تا مبادا شبيه مهريه زنا باشد.(2)

3. علل الشرايع: اين حديث در اين كتاب هم مذكور است. - شيخ صدوق (ره) گفته است: آنچه از مهريه به آن فتوا مى دهم، چيزى است كه طرفين به آن راضى باشند، حتى اگر اندكى شكر باشد.(3)

4. علل الشرايع: محمد بن مسلم به نقل از امام صادق عليه السّلام گويد: گفتم: كمترين ميزان مهريه كه كفايتكننده چيست؟ فرمودند: يک مقدار شكر.(4)

5. قرب الاسناد: امام صادق عليه السّلام فرمودند: رسول الله صلّى الله عليه و آله فاطمه عليها السّلام را به عقد على عليه السّلام در آوردن، با زرهى حطمى (بزرگ و ضخيم) كه سى درهم مى شد.(5)

6. علل الشرايع: حسين بن خالد گويد: از امام موسى بن جعفر عليه السّلام پرسيدم كه مهرالسنه پانصد درهمى چگونه جارى شد؟ فرمودند: خداوند بر خود واجب فرمود كه هر مؤمنى كه يكصد بار تكبير و حمد و تسبيح و لا اله الا الله و صلوات بر محمد صلّى الله عليه و آله و آل او گويد، و سپس بگويد: خدايا مرا به ازدواج حورالعين در آور، خداوند او را به ازدواج حوريان بهشت در آورده و اين دعاها را مهريه حوريان قرار دهد. و خداوند بر پيامبر خود وحى نمود كه مهريه زنان مؤمنه مسلمان را پانصد درهم مقرر سازد.(6)

7. المحاسن: اين حديث در المحاسن نيز منقول است.(7)

8. الاختصاص: اين حديث در اين كتاب نيز روايت شده است.(8)

1- . اربعين الشهيد: 19
2- . قرب الاسناد: 67
3- . علل الشرايع: 501
4- . علل الشرايع: 501

5- . قرب الاسناد: 80
6- . علل الشرايع: 499، عيون الاخبار 2: 84
7- . المحاسن: 313
8- . الاختصاص: 102

10. عیون الاخبار: حسین بن خالد گوید: به موسی بن جعفر علیه السّلام گفتم: فدایت شوم! چگونه مهریه زنان پانصد درهم مقرر شد؟ فرمودند: خداوند تبارک و تعالی بر خود واجب فرمود که هر مؤمنی یکصد بار تکبیر و تسبیح و حمد و لا اله الا الله گوید و یکصد بار بر محمد صلّی الله علیه و آله و خاندانش صلوات فرستد و سپس بگوید: خدایا مرا به ازدواج حورالعین در آور، خداوند او را به ازدواج حورالعین در آورد، و سپس مهریه زنان را پانصد درهم مقرر نمود. و هر مؤمنی که از برادر دینی اش محارم او را خواستگاری کند و پانصد درهم نیز بدهد ولی او از تزویج امتناع ورزد، قطعاً در حق او ظلم کرده و مستحق آن است که خداوند حوریان بهشتی را به ازدواجش در نیاورد.(1)

11. علل الشرایع: محمد بن اسحاق گوید: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: آیا می دانی مهریه زنان چگونه چهار هزار درهم شد؟ گفتم: خیر. فرمودند: ام حبیبه دختر ابوسفیان در حبشه بود، پیامبر صلّی الله علیه و آله او را خواستگاری کرد و نجاشی چهار هزار درهم از پیامبر درخواست کرد و پس از آن بود که اینان این مبلغ را میگیرند، اما مهریه [سنت] پانصد درهم می باشد.(2)

12. المحاسن: این حدیث در المحاسن نیز مذکور است.(3)

13. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: رسول خدا صلّی الله علیه و آله با هیچ یک از زنان خود به بیش از از پانصد درهم ازدواج نکرد و هیچ یک از دخترانشان را به بیش از دوازده اوقیه و نصف که هر اوقیه چهل درهم و نصف بیست درهم است (پانصد درهم) به تزویج در نیاورد.(4)

14. امالی الصدوق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر کس در مهریه بر زن ظلم روا دارد، نزد خداوند زنا کار است و خداوند در روز قیامت می گوید: ای بنده، من کنیزم را بر اساس عهد و پیمان به ازدواج تو در آوردم، اما تو به عهد من وفا نکردی و به کنیز من ظلم کردی. و از حسنات آن مرد گرفته شده و به

1- . عیون الاخبار 2: 84

2- . علل الشرايع: 500
3- . المحاسن: 301
4- . معانى الاخبار: 214

زن به اندازه حق و حقوقش داده میشود، و اگر حسنهای برای مرد باقی نماند، فرمان دهد که به خاطر شکستن عهد، او را به سوی آتش برند؛ و از پیمان سؤال خواهد شد.(1)

15. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: سارقان سه گروهند: کسی که مانع زکات شود. کسی که مهریه زنان را بر خود حلال بدارد، و نیز کسی که قرضی بگیرد و قصد پرداخت آن را نداشته باشد.(2)

16. عیون الاخبار: در کتاب علل ابن سنان از امام رضا علیه السّلام روایت می کند که برای امام نامهای نوشت و درباره علت مهریه و وجوب آن بر مردان و اینکه چرا واجب نیست که زنان به همسرانشان چیزی بدهند پرسید. امام جواب دادند: زیرا خرج و مخارج بر مردان است، زن خود را عرضه می دارد و مرد خریدار است و این خرید و فروش بدون بها نیست و خرید بدون دادن بهای جنس امکان ندارد. با اینکه زنان به خاطر دلایل بسیار، از تعامل و تجارت برحذرند.(3)

17. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: صداق بر مرد واجب شده است نه بر زن، گرچه هر دو یک کار را انجام می دهند. مرد وقتی حاجت خویش را از زن بر آورده سازد، از او دور می شود و منتظر بر طرف شدن حاجت زن نمی شود، به این خاطر است که صداق بر مرد واجب شده نه زن.(4)

18. صحیفه الرضا: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تعالی هر گناهی را ببخشد، مگر گناه کسی را که مهریه را انکار کند یا دستمزد کسی را که اجیر کرده غصب نماید یا مرد آزادی را بفروشد.(5)

19. فقه الرضا: اگر ازدواج کردی، سعی کن که از مهریه سنت که پانصد درهم است تجاوز نکنی، زیرا رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر همین مقدار دخترانش را

1- . امالی الصدوق: 428
2- . الخصال 1: 101
3- . عیون الاخبار 2: 94، علل الشرایع: 501

4- . علل الشرايع: 513
5- . صحيفه الرضا: 30

شوهر داد و زنانش را به نکاح در آورد، و مهریه را قبل از اینکه دخول کنی بپرداز و یا قسمتی از آن را، کم باشد یا زیاد، مانند پیراهن یا درهم و دینار یا خادم.(1)

20. السرایر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: صداق زنان رسول الله صلّی الله علیه و آله دوازده اوقیه و نیم که هر اوقیه چهل درهم و نیم - بیست درهم - (در مجموع پانصد درهم) بود.(2)

21. تفسیر العیاشی: عمر بن یزید گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: مرا با خبر ساز از کسی که با مبلغی بیشتر از مهریه سنت نبوی ازدواج کند، آیا جایز است؟ فرمودند: اگر از مهریه سنت نبوی فراتر رود، این دیگر مهریه نیست بلکه هدیه و هبه است. زیرا خداوند می فرمایند: «وَ آتَیْتُمْ إِحْدیهُنَّ قِنْطاراً فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئا»، {و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید، چیزی از آن را پس مگیرید.} که منظور هبه است، همانطور که به تو گفتم. سپس مهریه زنان را به دلیلی واجب ساخت. گفتم: چگونه می پردازد و مهریه زنان چقدر است؟ فرمودند: مهریه زنان مؤمنه، پانصد درهم است که مهریه سنت می باشد و گاهی کمتر از آن است ولی بیشتر نمی شود. و هر یک از زنان مؤمنه که مهریه اش پانصد درهم باشد، قسمتی از مهریه به او پرداخت شود. و هر کسی که از روی فخر و بزرگی مهریه را افزون بر پانصد درهم کند و به علتی پرداخت مهریه بر او واجب شود، همان پانصد درهم مهریه سنت بر او واجب است.(3)

22. مکارم الاخلاق: امام علی علیه السّلام فرمودند: مهریه زنان را زیاد نکنید، چرا که باعث عداوت شود.(4)

23. مکارم الاخلاق: پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی که پیش از دخول کردن شوهر بر وی، مهریه خود را به او صدقه دهد، خداوند در ازای هر دینار، ثواب آزادی یک بنده را برایش می نویسد. گفته شد: ای رسول خدا، بعد

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . السرائر: 48
3- . تفسیر العیاشی 1: 229

4- . مكارم الاخلاق: 272

از دخول، هبه چه حالتی دارد؟ فرمود: تردیدی نیست که این از روی الفت و مودت خواهد بود.(1)

24. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمودند: پلیدترین گناهان سه چیز است: کشتن [حیوان]، حبس مهریه و ندادن دستمزد کارگر.(2)

25. کتاب حسین بن سعید و النوادر: احمد بن محمد گوید: از موسی بن جعفر علیه السّلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج میکند اما به نسیه، چه حکمی دارد؟ فرمود: امام محمد باقر علیه السّلام با زنی به نسیه ازدواج کرد، سپس به امام صادق علیه السّلام فرمود: فرزندم، من چیزی ندارم که به عنوان قسمتی از صداق به او بدهم و دخول کنم، ردایت را به من بده تا به او بدهم. امام صادق علیه السّلام چنین کرد و پدرش بر آن زن دخول کرد.(3)

26. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی زنی را به صورت نسیه به عقد خود در می آورد، آیا حلال است که قبل از اینکه چیزی به او بدهد دخول نماید؟ فرمود: خیر، مگر اینکه چیزی از مهریه را به او بدهد.(4)

27. کتاب حسین بن سعید و النوادر: صفوان بن یحیی گوید: سخن شعیب علیه السّلام: {من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو در آورم، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی.} را به امام کاظم علیه السّلام عرض کردم و گفتم: حضرت موسی علیه السّلام کدام یک از دو زمان را به انجام رساند. فرمود: مدت طولانی تر را که ده سال بود. گفتم: آیا پیش از پایان شرط. فرمود: قبل از اینکه شرط به پایان رسد. گفتم: آیا مرد میتواند با زنی ازدواج کند و با پدر زن شرط نماید که او را دو ماه اجاره کند. فرمودند: حضرت موسی میدانست که شرط را تمام خواهند کرد، اما این مرد چگونه بداند که زنده خواهد بود تا وفای به عهد کند؟ برخی نزد پیامبر صلّی الله علیه و آله زنی را به

1- . مکارم الاخلاق: 272
2- . مکارم الاخلاق: 272
3- . نوادر احمد بن محمد: 69

4- . نوادر احمد بن محمد: 69

سوره ای از قرآن و یک درهم و یک مشت گندم عقد خود در می آوردند. به ایشان گفتم: مرد میتواند با زنی با مهریه ای معلوم ازدواج کند و قبل از اینکه چیزی به او بدهد، بر او دخول کند؟ فرمودند: مرد باید کم یا بیش از مهریه را به زن پیشکش نماید، مگر اینکه وفای به عهد و آبرویی داشته باشد که اگر حادثهای برایش رخ داد، به جای او پرداخت کنند که در این صورت اشکال ندارد.(1)

28. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی قبل از اینکه شوهرش دخول کند، مهریه اش را بر شویش ببخشد، خداوند در ازای هر دینار، ثواب آزادی یک برده را برایش می نویسد. گفته شد: یا رسول الله، پس هبه بعد از دخول چگونه است؟ فرمود: همانا آن، فقط از روی مودت و الفت است.(2)

رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند هر گناهی را می بخشد مگر کسی را که مزد کارگری را که اجیر کرده نپردازد و مهریه زن را نپردازد.(3)

29. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام در خصوص آیه: {و مَهرِ زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید.} فرمود: به زنان مهریه ای را که به واسطه آن، ایشان بر شما حلال شده اند، بدهید و هر کس در پرداخت مهریه زن ظلم کند و از زن کام گیرد، در واقع زنا کرده است.(4)

30. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: هر گاه پرده خوابگاه افکنده شود، مهریه واجب می شود، چه دخول شود و یا نشود.(5)

31. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام درباره زنی که به اجبار مورد خول قرار می گیرد، فرمود هیچ حدی بر او نیست و او باید مهر المثل بگیرد.(6)

1- . نوادر احمد بن محمد: 69
2- . نوادر الراوندی: 6
3- . نوادر الراوندی: 36

4- . نوادر الراوندی: 37
5- . نوادر الراوندی: 37
6- . نوادر الراوندی: 47

32. مجالس الشیخ: امام باقر علیه السّلام فرمودند: اگر مردی از راه حرام مالی به دست آورد، حج و عمره و صله رحم او قبول نسیت، و حتی عورت زنش را نیز بر او حرام و فاسد می کند.(1)

33. الهدایه: مهریه سنت نبوی پانصد درهم است، هر کس بر آن بیافزاید، باید به سنت باز گردد، و اگر مرد یک درهم یا بیشتر از سنت نبوی بپردازد و سپس بر همسرش دخول کند، زن بعد از آن دیگر حقی ندارد و همان مبلغی که پیش از دخول گرفته، کفایت می کند.(2)

34. المجازات النبویه: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: مهریه زنان را افزون نکنید، زیرا مهریه، سقیا (سیراب کردن) خداوند سبحان است. سید رضی - رحمه الله - در خصوص این حدیث می فرمایند: این استعاره است و منظور اعلام این مطلب است که سازگاری زنان و در خدمت مردان بودن در این نیست که مهریه ایشان اضافه شود و صداقشان افزون گردد و همانا مهریه زنان به تقدیر خداوند است. و مهریه مانند بختها و روزی و شانس و سهم است. گاهی زن مهریه اش ناچیز است ولی عاشق وفاق و سازگاری است و گاهی کم عشق و بی محبت است، حتی اگر مهریه اش بسیار باشد. و رسول خدا صلّی الله علیه و آله آن را به (سقیا الله) تشبیه کرده که مانند باران است؛ به شخصی می دهد و دیگری از آن محروم است، به شهری باران می بارد و به شهری ممنوع می شود و این از بهترین عباراتی در باره این معنایی است که بدان اشاره کردیم و دلیل آوردیم.(3)

35. الدر المنثور: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند: خداوند آن گاه که دنیا را آفرید، طلا و نقره را در آن نیافریده بود؛ و وقتی که آدم و حوا را به زمین فرستاد، همراه آنها طلا و نقره فرو فرستاد و به صورت چشمه هایی (معادنی) در زمین قرار داد تا پس از آنها باعث منفعت فرزندانشان شود. و آن را صداق حوا از سوی آدم قرار داد و شایسته نیست کسی بدون صداق ازدواج کند.(4)

1- . امالی الطوسی 2: 293
2- . الهدایه: 68
3- . المجازات النبویه: 182

4- 4. الدر المنثور 1: 56

36. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام در خصوص زنی که به عقد مردی در میآید، سپس آن مرد میمیرد و صداقی برای او قرار نداده، میفرماید: ارثیه مرد برای زن کافی است.(1)

37. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام درباره مردی که ازدواج کرده ولی برای زن صداق واجب نکرده و پس از آن و قبل از اینکه دخول کرده باشد میمیرد، حکم نموده که این زن صداق ندارد و ارث می برد.(2)

38. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام فرمودند: هر زن مطلقهای متعه دارد، جز مختلعه (زنی که با دادن مالی از شوهرش جدا شده است).(3)

39. قرب الاسناد: ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره کلام خدا {و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید.}(4)پرسیدم: اندازه مالی که دارا و ندار [به زن مطلقه] می بخشند چقدر است؟ فرمود: علی بن الحسین علیه السّلام با یک بار شتر، (زن مطلقه خود را) بهرهمند میکرد.(5)

40. علل الشرایع: حسین بن زراره به نقل از پدرش گوید: از امام محمد باقر علیه السّلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج می کند ولی با حکم زن در خصوص مهریه. امام فرمود: نباید با فرمان و حکم زن از مهریه سنت نبوی یعنی دوازده اوقیه و نصف، معادل پانصد درهم نقره تجاوز کند. عرض کردم: به نظر شما، اگر مرد در مهریه حکم کند و زن به آن راضی باشد، چه حالتی دارد؟ فرمودند: آنچه که مرد حکم کرده، چه کم باشد و چه زیاد، بر زن جایز است. عرض کردم: چگونه جایز نیست که زن بر مرد حکم کند ولی عکس آن جایز است؟ امام فرمودند: زیرا خدا مرد را برای مهریه زن حَکَم قرار داده، و زن نباید از مهریه سنت نبوی که پیامبر زنان خود را با آن به نکاح خود در آورند، تجاوز کند. و من آن زن را به سنت باز گرداندم

1- . قرب الاسناد: 46
2- . قرب الاسناد: 50
3- . قرب الاسناد: 50
4- . البقره / 236
5- . قرب الاسناد: 81

و مجاز شمردم که مرد حکم کند و امر مهریه را بر عهده مرد گذاشتم و راضی به آن شدم و بر زن واجب است که حکم مرد را قبول کند، کم باشد یا زیاد.(1)

41. قرب الاسناد: از امام موسی کاظم علیه السّلام درباره مردی سؤال شد که با زنی با مهریه صد دینار ازدواج کرده، به این شرط که همراه او به سرزمین او بروند و اگر زن همراهش نرود، مهریه اش پنجاه دینار است. حال اگر زن با شوهرش نرود، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: اگر مرد بخواهد زن را به دیار شرک ببرد، شرطش جایز نیست و باید صد دیناری را که تعیین کرده بپردازد. و اگر بخواهد او را به دیار مسلمانان و دارالاسلام ببرد، شرط آن مرد صحیح است. و مسلمانان باید به شروط خود متعهد باشند. و اگر مرد بخواهد زن رابه دیار خود ببرد، باید مهریه زن را بپردازد و یا مقداری از آن را که باعث رضایت زن میشود، بپردازد.(2)

42. قرب الاسناد: بزنطی گوید: برای امام موسی کاظم علیه السّلام نامه ای نگاشتم و در خصوص مرد خواجهای پرسیدم که زنی را به عقد خود در آورده و بعد از اینکه دخول نموده، طلاقش داده و هر دو مسلمان هستند، آیا شوهر باید چیزی از مهریه را بپردازد یا زن باید عده نگه دارد؟ رأی خود را بده جانم فدایت! فرمودند: این شایسته نیست.(3)

43. علل الشرایع: از امام جعفر صادق علیه السّلام در خصوص مردی که با زن باکره یا بیوه ازدواج می کند، روایت شده: اگر در پس پرده قرار گیرند یا در بر آنها بسته شود، سپس مرد زنش را طلاق دهد و زن بگوید که به من دست نزده و مرد هم بگوید که او را لمس نکردهام، نباید باور کرد، زیرا زن میخواهد عده را از خود دور سازد و مرد هم می خواهد مهریه را از گردن خود ساقط کند.(4)

44. الاحتجاج: الحمیری برای امام قائم علیه السّلام نامهای نگاشت بدین مضمون: یاران ما درباره مهریه زن دچار اختلاف شده اند، برخی گویند: اگر مرد بر

1- . علل الشرایع: 513
2- . قرب الاسناد: 124

3- . قرب الاسناد: 172
4- . علل الشرايع: 517

زن دخول کند، مهریه ساقط شده و چیزی برای زن نیست. برخی گویند: مهریه در دنیا و آخرت لازم است. این مسئله چگونه است و چه چیزی واجب است؟ امام علیه السّلام جواب دادند: اگر مرد مکتوب کرده باشد، مهریه در دنیا و آخرت بر ذمه اوست و اگر مکتوبی داشته باشد که در آن صدقاتی را که به زن داده ذکر کرده و بر زن دخول کرده، مهریه ساقط شود و اگر مکتوبی نداشته باشد که در آن صدقات مذکور باشد و بر زن دخول کرده باشد، باقیمانده مهریه ساقط می شود.(1)

45. فقه الرضا: هر کس زن خود را قبل از اینکه دخول کند طلاق دهد، عده بر زن واجب نیست و اگر مهریه را مشخص کرده باشد، نصف مهریه از آن زن است، و اگر مهریه را مقرر نکرده باشد، به زن مالی می بخشد، کم یا زیاد. آنکه دارد، خدمتکار یا چهارپایی می دهد و آنکه متوسط است، لباس می دهد و آنکه فقیر است، درهم یا انگشتری می بخشد، همانطور که خداوند فرموده: {و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید، توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود.}(2)

46. السرائر: عبدالله بن عجلان گوید: از امام علیه السلام سؤال کردم که چه چیزی باعث غسل مرد و زن می شود؟ گفت: اگر دخول نماید، غسل و مهریه و سنگسار [اگر حرام کرده باشند] واجب می شود.(3)

47. تفسیر العیاشی: سماعه بن مهران از امام صادق یا موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده است که از این آیه پرسیدم: {و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.} فرمود: منظور اموالی است که در دست ایشان است، از آنچه مالک آن هستند.(4)

48. سعید بن یسار گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم! خانمی به همسرش مالی می دهد تا با آن کار کند و هنگام پرداخت می گوید: از این مال خرج کن، اگر حادثه ای برایم رخ داد، آنچه که خرج کرده ای حلال و

1- . الاحتجاج 2: 314
2- . فقه الرضا علیه السلام: 32

3- . السرائر: 480
4- . تفسير العياشى 1: 219

پاک است؛ یا اگر حادثه ای برایت رخ داد، آنچه خرج کرده ای حلال و پاک است. امام فرمود: ای سعید، مسئله را دوباره بازگوی. وقتی خواستم مسئله را باز گویم، صاحب این سؤال که همراهم بود، خود را نشان داد و مسئله را تکرار کرد. وقتی سؤال تمام شد، امام با انگشت به آن مرد اشاره کرده و گفت: فلانی، اگر میدانی که همسرت آن مال را به تو تقدیم کرده، در حالی که عهدی است میان تو و او و خداوند، حلال است، حلال است، حلال است. سپس فرمود(1): خداوند می فرماید: {و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.} (2)

49. تفسیر العیاشی: امام جعفر صادق علیه السّلام در خصوص اینکه آیا مردی که زنش را طلاق داد باید به او متاعی دهد؟ فرمودند: آری، آیا دوست ندارید که از نیکوکاران (باشید) یا از پرهیزکاران باشید؟(3)

50. تفسیر العیاشی: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: هرگاه مرد زنش را قبل از اینکه دخول کند طلاق دهد، نصف مهریه واجب است. و اگر مهریهای مقرر نداشته است، پس باید متاعی نیکو به او بدهد، دارا به اندازه خود و نادار به اندازه خود. و آن زن عده ای ندارد و می تواند در همان لحظه با هر کس خواست ازدواج کند.(4)

51. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: شخص ثروتمند [به زن مطلقه خود] غلام و کنیز می بخشد و شخص نادار، گندم و کشمش و لباس و درهم می بخشد و فرمود: امام حسین علیه السّلام به زنی که طلاق داده بود، کنیزی بخشید و اگر زنی را طلاق می داد، متاعی به او ارزانی می داشت.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 219
2- . النساء / 4
3- . تفسیر العیاشی 1: 124
4- . تفسیر العیاشی 1: 124
5- . تفسیر العیاشی 1: 124

52. تفسیر العیاشی: ابن بکیر از امام صادق علیه السّلام در مورد آیه {و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید.} سؤال کردم. فرمود: امام سجاد علیه السّلام (به زن مطلقه خود)، راحله یعنی یک بار شتر میبخشید.(1)

53. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم گوید: از امام درباره مردی سؤال کردم که میخواهد زنش را طلاق دهد. فرمودند: باید قبل از طلاق متاعی به او ببخشد. خداوند می فرمایند: {و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید. توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود.}(2)

54. تفسیر العیاشی: امام موسی بن جعفر علیه السّلام درباره مردی که زنی رابه نکاح خود در آورده ولی مهریهای برایش مقرر نساخته، فرمودند: این زن ارث میبرد، باید عده نگهدارد و مهریه ندارد، و فرمود: آیا در کتاب خداوند نخوانده اید {و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مَهری معین کرده اید.}(3)

55. تفسیر العیاشی: منصور بن حازم گوید: به امام علیه السّلام عرض کردم: مردی با زنی ازدواج می کند و مهریه را مقرر می سازد سپس می میرد در حالی که دخول نکرده، چه حکمی دارد؟ امام علیه السّلام فرمودند: مهریه کامل و ارثیه برای زن محفوظ است. عرض کردم: اما مردم از شما روایت کرده اند که نصف مهریه به زن می رسد. فرمودند: سخن مرا به نیکی حفظ نکرده اند، این (نصف مهریه) برای مطلقه است.(4)

56. تفسیر العیاشی: امام باقر و امام صادق علیهما السّلام در خصوص آیه: {پس نصف آنچه را تعیین نموده اید [به آنان بدهید]، مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد.} فرموده اند: منظور کسی است که ولیّ و قیم زن می باشد که می تواند قسمتی از مهریه یا تمام آن را ببخشد.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 124
2- . تفسیر العیاشی 1: 124
3- . تفسیر العیاشی 1: 124

4- . تفسير العياشى 1: 125
5- . تفسير العياشى 1: 125

57. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرموده اند: کسی که بستن عقد نکاح در دستان اوست، او ولیّ و صاحب امر اوست.(1)

58. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرموده اند: {مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد.} منظور پدر است و یا برادری که پدر امر دخترش را به او سپرده و نیز کسی که امر و فرمانش در مال زن روا است و برای او خرید و فروش می کند. پس هر یک از آنها مهریه را ببخشد، جایز است.(2)

59. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص کسی که عقد نکاح در دست اوست می فرمایند: منظور ولی و قیم است که او را به نکاح در آورده و می تواند قسمتی از مهریه را بگیرد و یا درگذرد و نمیتواند از همه مهریه در گذرد.(3)

60. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: {مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد.} فرمودند: منظور پدر و مادر و برادر و مردی است که امر زن تحت قیمومیت او قرار گرفته و نیز کسی که امر و فرمانش در اموال زن جاری است. ابوبصیر گوید: عرض کردم: نظرتان چیست، اگر زن بگوید: من جایز نمی دانم (از مهریه ام بخشیده شود)، چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: درست نیست، چگونه آن شخص می تواند برای وی خرید و فروش کند و در مال زن دخالت کند، ولی جایز نباشد که (از مهریه) ببخشد؟(4)

61. تفسیر العیاشی: رفاعه گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره کسی که عقد نکاح در دستان اوست پرسیدم، فرمودند: او کسی است که زن را به ازدواج

1- . تفسیر العیاشی 1: 125
2- . تفسیر العیاشی 1: 125
3- . تفسیر العیاشی 1: 125
4- . تفسیر العیاشی 1: 125

کسی در می آورد، [می تواند] قسمتی از مهریه را گرفته و قسمتی را واگذارد، ولی نمی تواند همه مهریه را ببخشد.(1)

62. تفسیر العیاشی: اسحاق بن عمار گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره آیه: {مگر اینکه ببخشند} سؤال کردم. فرمود: زن می تواند از نصف مهریه خود بگذرد. گفتم: {مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد} فرمودند: منظور پدر آن زن است که جایز است از قسمتی از مهریه در گذرد و نیز برادرش که قیم اوست و به منزله پدر می ماند، اما اگر برادرش بر آن زن قیّومیت نداشته باشد، أمر و فرمانش بر زن لازم الاجرا نیست.(2)

63. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السّلام در خصوص آیه: {مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد.} فرمودند: منظور ولی زن است که می تواند مهریه را ببخشد یا از قسمتی از آن بکاهد.(3)

64. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: {مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد.} فرمود: منظور پدر و برادر و مردی است که قیمومت زن به او سپرده شده و نیز کسی که امر و دستورش در اموال زن جاری است و با آن اموال، خرید و فروش می کند. پس هر یک از آنها که از مهریه بگذرند، جایز است. گفته شد: اگر زن بگوید من جایز نمی دانم، در این صورت نظرتان چیست و چه حکمی دارد؟ امام فرمودند: زن نمی تواند این کار را بکند، آیا جایز است که تجارت با اموال او توسط شخصی جایز باشد و مداخله در امر مهریه جایز است؟(4)

65. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره آیه: {و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.} فرمود: متاعی که مرد می دهد، بعد از انقضای عده زن است؛ و شخص دارا به اندازه خود و شخص نادار به اندازه خود بپردازند. اما در زمان عده اش، چگونه باید به زن متاعی

1- . تفسیر العیاشی 1: 126

2- . تفسير العياشى 1: 126
3- . تفسير العياشى 1: 126
4- . تفسير العياشى 1: 126

دهد در حالی که زن به مرد امید بسته است و مرد هم به زن امید بسته است و خداوند میان آنها حکم می کند. مرد دارا به زن غلام و کنیز می دهد و شخص نادار گندم و کشمش و لباس و درهم می دهد. امام حسن بن علی علیه السّلام به زنی که طلاق داده بودند، کنیزی عطا کرد و زنی را طلاق نمی داد مگر اینکه متاعی به او هدیه می کرد. حلبی گفته است: متاع و هدیه زن مطلقه بعد از انقضای عده اوست و شخص دارا و نادار به اندازه دارایی خود هدیه می دهد.(1)

66. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام و موسی بن جعفر علیه السّلام در خصوص متاع و هدیه ای که بر زن مطلقه هدیه می شود، فرمودند: به قدر و اندازه دارایی همسرش باشد.(2)

67. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص مردی که زنش را قبل از اینکه دخول نماید طلاق داده، فرمودند: اگر آن مرد مهریه ای مقرر داشته باشد، نصف مهریه برای زن است و عده هم ندارد. اما مرد باید متاع و هدیه ای به زن بدهد؛ زیرا خداوند می فرماید: {و فرض است بر مردان پرهیزکار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.} أحمد بن محمد از برخی اصحاب امام علیه السّلام نقل کرده است که هدیه و متاع دادن به زن مطلقه واجب است.(3)

68. تفسیر العیاشی: ابو بصیر گوید: به امام محمد باقر علیه السّلام عرض کردم: {و فرض است بر مردان پرهیزکار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.} اگر مرد تنگدست باشد، کمترین میزان متاع چیست؟ امام فرمودند: روبند و مشابه آن.(4)

1- . تفسیر العیاشی 1: 126
2- . تفسیر العیاشی 1: 130
3- . تفسیر العیاشی 1: 130
4- . تفسیر العیاشی 1: 129

باب هجدهم : تدلیس و عیب هایی که باعث فسخ ازدواج می شود

روایات:

1. سرائر: حلبی گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره زنی که برص دارد پرسیدم. فرمود: امیرالمؤمنین علیه السّلام در خصوص زنی که برص داشت و ولیّ او، وی را به نکاح شخصی در آورده بود، فرمود: مهریه برای این زن لازم است و مهریه بر عهده کسی است که او را شوهر داده و این به خاطر آن است که ولیّ زن در ازدواج نیرنگ به کار برده. اگر مردی با زنی ازدواج کند و ولیّ زن او را شوهر داده باشد اما از عیب او خبر نداشته باشد، پرداخت مهریه بر او لازم نیست و مهریه از زن معیوب گرفته می شود.(1)

2. سرائر: محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السّلام سؤال کردم: مردی به خواستگاری از دختر آزاد یک شخص می رود، ولی شب هنگام، پدر، کنیزی را به جای دختر خود نزد خواستگار فرستاد. [حکمش چیست؟] امام فرمود: آن کنیز زاده به پدرش پس داده می شود و دختر آزاد به خواستگار داده می شود و مهریه دختر بر ذمّه پدر است.(2)

مناقب: اسماعیل بن موسی گوید: شخصی به خواستگاری دختر مردی میرود که مادرش غیر عرب است. آن مرد دختر عربی را به نکاح او در می آورد. اما به جای او دختری دیگر که مادرش غیر عرب بود را برای خواستگار می فرستد. خواستگار بعد از دخول، قضیه را فهمید، نزد معاویه رفت و قصه را برایش گفت: معاویه گفت: معضلی است که فقط ابوالحسن می تواند حلش کند. خواستگار

1- . السرائر: 480
2- . السرائر: 480

1. نزد امیرالمؤمنین علی علیه السّلام به کوفه رفت و قصه را برای امام تعریف کرد. امام فرمودند: پدر آن کنیز باید دختر عرب خود را که به نکاح خواستگار در آورده، به وی بدهد و صداق برای خواهر غیر عرب است، به خاطر اینکه با او همبستری شده و خواستگار هم نباید دختر غیر عرب را لمس کند تا عده اش به اتمام رسد و پدر این دختران هم باید به خاطر کاری که انجام داده، با شلاق تنبیه شود.(1)

2. نوادر الراوندی: مردی به علی علیه السّلام گفت: یا امیرالمؤمنین، همسرم مرا با لباس و خدمه و چیز های دیگر فریب داد. وقتی با او ازدواج کردم و مهریه سنگینی هم مقرر نمودم، متوجه شدم که آن لوازم، مال او نبوده. امام فرمودند: چیزی برای تو نیست؛ او فقط خواسته، خود را بنمایاند. و فرمود: آیا اگر تو به او می گفتی که صد هزار درهم دارم و با او ازدواج می کردی، صدهزار درهم از تو می گرفت؟ گفت: خیر.(2)

3. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام در خصوص مرد عنین (کسی که توان مجامعت ندارد) حکم میکرد: از روزی که از زنش شکایت کرده است، (شاید بارور شود) یک سال به او مهلت داده شود (3)

4. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی علیه السّلام پرسید: مردی خواجه به نیرنگ زنی را به نکاح در می آورد، حکمش چیست؟ فرمود: شلاق بخورد، اگر دخول کرده باشد، از هم جدا شوند و نصف مهریه را بدهد.(4)

5. قرب الاسناد: و نیز از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره مردی پرسیدم که توان مجامعت ندارد و به نیرنگ با زنی ازدواج کرده، چه حکمی دارد؟ فرمود: مهریه بر او واجب است، و اگر معلوم شود که وی نمیتواند با زنان همبستر شود، باید از هم جدا شوند.(5)

1- . مناقب ابن شهر آشوب 2: 197
2- . نوادر الراوندی: 47
3- . قرب الاسناد:50
4- . قرب الاسناد: 180
5- . قرب الاسناد: 180

1. قرب الاسناد: و نیز از امام پرسیدم، درباره زنی که به نیرنگ خود را به مردی تزویج نموده، در حالی که آلت جنسی ندارد. امام فرمود: از هم جدا می شوند و مهریه هم به زن تعلق نمی گیرد.(1)

2. معانی الاخبار: امام باقر علیه السلام فرمود: مردی نزد قومی برای خواستگاری رفت. گفتند: پیشهات چیست؟ گفت: چهار پایان را می فروشم. به او زن دادند، بعد فهمیدند که وی گربه می فروشد. پس به دعوا نزد علی بن ابی طالب علیه السّلام شدند، امام نکاح را جایز شمرد و فرمود: گربه ها چهار پا هستند.(2)

3. فقه الرضا: اگر مردی ازدواج کند، سپس دچار جنون شود تا حدی که اوقات نماز را نداند، باید از هم جدا شوند. اما اگر اوقات نماز را بشناسد، زن باید صبر کند. و اگر مرد خواجه ای زنی اختیار کند و نیرنگ به کار برده باشد، باید جدا شوند و مرد شلاق بخورد، چرا که فریب کاری کرده و باید نصف مهریه را بدهد، و بر زن عده لازم نیست. حال اگر زن راضی به آن مرد باشد، جدا نمی شوند و پس از آن، دیگر زن چاره ای ندارد. اگر مرد ناباروری زنی را اختیار کند و زن نداند و ناباروری مرد به یک علت بیماری باشد، زن باید صبر کند تا مرد خود را معالجه نماید؛ پس اگر مرد معالجه شد که زن همچنان به همان نکاح قبلی همسر اوست و اگر معالجه نشد، باید جدا شوند و نصف مهریه مال زن است و لازم به عده نگهداشتن نیست. اما اگر زن به همان حالت مرد راضی بود، جدا نمی شوند، ولی پس از آن، دیگر زن چاره ای ندارد.

اگر زن ادعا کرد که شوهرش با او همبستر نمی شود، خواه توان همبستری داشته باشد یا نداشته باشد، ولی مرد می گوید: همبستری کرده، در اینجا مرد باید قسم بخورد و زن باید بیّنه و دلیل بیاورد، زیرا او مدعی است؛ و اگر زن ادعا کرد که مرد ناتوان است و مرد انکار کرد، حکم آن است که مرد در آب سرد بنشیند، اگر آلت او شل شد، ناتوان است و اگر جمع شد، توان جنسی دارد. اگر مرد با زنی ازدواج کرد و دید که آلت زنانه به واسطه استخوان و یا پاره گوشتی مسدود است و

1- . قرب الاسناد: 190
2- . معانی الاخبار: 413

یا زن مجنون است و یا برص دارد، زن را بدون نیاز به طلاق، به خانواده اش بر میگرداند. شوهر نزد ولیّ زن می رود و اگر چیزی داده باشد، پس می گیرد، و اگر چیزی نداده باشد که هیچ. (1)

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام در خصوص مرد خواجه ای که به نیرنگ و فریب با زنی ازدواج کرده بود فرمود: باید از هم جدا شوند، مرد شلاق بخورد و مهریه زن گرفته شود.(2)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: امیر مؤمنان علی علیه السّلام در خصوص زنی که خود را منسوب به قبیله ای کرده و ادعا می کرد زنی آزاد و از آن قبیله است، در حالی که دروغ می گفت و با این کار ازدواج کرده بود، فرمود: این زن به اربابش باز گردانده می شود و همسرش نیز مال خود را باز پس میگیرد و زن دیگر حقی به گردن مرد ندارد و اگر فرزندی به دنیا آورده، غلام محسوب می شود.(3)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کند و گوید: زنی آزاد با مردی مملوک، به این حساب که او هم آزاد است ازدواج کرد و بعد فهمید که مرد مملوک است. امام فرمود: او (زن) بر خود مالکتر است؛ پس اگر دخول کرده باشد، مهریه برای زن لازم است، و اگر دخول نکرده باشد، مهریه ای برای او نیست. اما اگر زن نسبت به مملوک بودن مرد آگاه شده باشد و دخول شده باشد، دیگر حق انتخاب ندارد.(4)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام فرمود: امام علی علیه السّلام در خصوص زن آزادی که غلامی او را فریب داده بود و او را به عقد خود در آورده بود، در حالی که زن نمی دانست او غلام است، فرمود: اگر زن بخواهد، باید جدا شوند.(5)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 31
2- . نوادر احمد بن محمد: 64
3- . نوادر احمد بن محمد: 64
4- . نوادر احمد بن محمد: 65

5- . نوادر احمد بن محمد: 65

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام در خصوص زنی که عیب خود را پنهان کرده بود و خود را به عقد مردی در آورده بود، و آن مرد فهمید که زن عیبی را پنهان ساخته، حکم فرمود: مهریه از زن گرفته شود و زن هیچ حقی بر شوهر ندارد.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابن أبی عمیر از حماد و او از حلبی و از امام صادق علیه السّلام مانند این حدیث را نقل کرده اند.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام فرمودند: اگر مردی توان مجامعت ندارد، یک سال به او مهلت داده می شود، سپس اگر زن بخواهد، با کسی دیگر ازدواج می کند و اگر نخواهد، در کنار مرد می ماند.(3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: الحلبی از امام صادق علیه السّلام روایت کند که امام در خصوص مردی که از قومش ازدواج کرده و متوجه می شود که چشم همسرش چپ است و خانواده اش از مرد پنهان کرده اند، فرمود: مرد نمیتواند به خاطر این عیب، زن را بر گرداند، و نکاح زمانی قابل برگشت است که زن برص یا جذام داشته باشد، یا مجنون باشد و یا فرجش مسدود باشد. عرض کردم: نظرتان در باره مهریه زن، اگر مرد دخول کرده باشد، چیست؟ فرمود: برای زن مهریه به خاطر فرجش که حلال شده، لازم است، اما ولیّ زن باید به همان اندازه که شوهرش به عنوان مهریه پرداخته، به شوهر غرامت دهد.(4)

5. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالرحمن بن أبی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی با زنی که زنا کرده بود ازدواج می کند. فرمود: اگر شوهر بخواهد، صداق را از کسی که زن را به نکاح او در آورده، بازپس می گیرد، اما صداق زن به خاطر فرجش که حلال شده، پا برجاست؛ و اگر بخواهد، میتواند زن را ترک کند.(5)

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 65
3- . نوادر احمد بن محمد: 65
4- . نوادر احمد بن محمد: 65

5- . نوادر احمد بن محمد: 65

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام در خصوص مردی که با زنی ازدواج می کند، ولی وقتی با او همبستر می شود، می بیند زن نابینا است یا برص دارد یا فلج است، فرمود: زن معیوب به کسی که نیرنگ به کار بسته باز می گردد و مهریه به شوهر برگشت داده می شود و مهریه زن بر عهده ولیّ اوست؛ و اگر عیبی داشته باشد که مردان نمیتوانند ببینند، شهادت زنان در این عیب جایز است.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام فرمودند: در کتاب علی علیه السلام، در خصوص زنی که عیبی داشت و آن را با نیرنگ مخفی ساخته بود و به عقد مردی در آمده بود و آن عیب را ظاهر نکرده بود، چنین آمده: مهریه برای زن به خاطر فرجش که حلال شده، محفوظ است و مهریه ای را که شوهر مقرر نموده است، بر عهده آن کسی است که زن را به ازدواج شوهرش در آورده و عیب زن را مخفی داشته است.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: رفاعه بن موسی گوید: از امام علیه السّلام در خصوص زنی که حد خورده (زنا کرده) و بعد به ازدواج شخصی در آمده، فرمودند: با بازگرداندن نکاح، میان آنها جدایی افکنده نمیشود. و نیز فرمودند: حضرت علی علیه السّلام در این خصوص حکمی ندارد، اما در خصوص زنی که برص داشت، ایشان میان آنها جدایی انداخت و مهریه هم بر عهده کسی است که عیب زن را پنهان داشته و او را به ازدواج شوهرش در آورده.(3)

کتاب حسین بن سعید و النوادر: حلبی گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم ؛ زنی از طریق زنا بچه ای به دنیا آورده اما جز ولیّ او کسی خبر ندارد، آیا صحیح است که ولی این زن او را شوهر دهد، در حالی که زن را توبه کار ببیند یا اینکه کار نیکویی انجام دهد؟ امام فرمودند: اگر این مطلب را به شوهر نگوید و بعد ها شوهر بفهمد، می تواند صداقی را که به زن داده، از پدر یا ولیّ زن

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 65
3- . نوادر احمد بن محمد: 65

1. به خاطر تدلیسی که انجام داده بگیرد و مهریه بر عهده ولیّ زن است. اما صداقی که زن گرفته، مال خود اوست، به خاطر فرجش که حلال شده، و اگر مرد بخواهد زن را نگه دارد، اشکالی ندارد.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام در خصوص مردی که برای خواستگاری نزد قومی رفته و (به دروغ) میگوید: من فلان بن فلان از قبیله فلان هستم، ولی بعداً مشخص شد که وی فلان شخص از فلان قبیله نبوده، فرمودند: امام علی علیه السّلام در خصوص مردی که دو دختر داشت، دختری از زنی آزاده و دیگری کنیز زاده و دختر اصیل را به ازدواج مردی در آورد ولی در شب زفاف دختر کنیز را برای شوهر فرستاد و شوهر با او همبستر شد، حکم نمودند: دختر آزاد به شوهر داده شود، دختر کنیز هم به پدرش برگردانده شود و مهریه او هم بر عهده پدرش است. و نیز در خصوص مردی که با زن نابینا و چلاق یا برص دار ازدواج کرده بود، فرمودند: این زن به نزد ولیّ او برگردانده میشود، مهریه هم توسط ولیّ زن به شوهر پرداخت میشود؛ و فرمودند: و اگر زن عیبی داشت که مردان مجاز به رؤیت نیستند، شهادت زنان در این خصوص جایز است.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: زنی که برص دارد یا چلاق و نابینا است، برگردانده می شود.(3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر مردی با زنی ازدواج کند و توانایی همبستری نداشته باشد، یک سال به او مهلت داده می شود تا خود را معالجه کند. و نیز در خصوص مردی که دچار بیماری شده و قدرت جماع ندارد، فرمودند: اگر زن بخواهد، می تواند از شوهرش جدا شود.(4)

1- . نوادر احمد بن محمد: 65
2- . نوادر احمد بن محمد: 65
3- . نوادر احمد بن محمد: 65
4- . نوادر احمد بن محمد: 65

1. رجال الکشی: ابن مسکان گوید: برای امام صادق علیه السّلام نامهای نگاشتم، در خصوص مردی خواجه که عیب خود را پنهان ساخته بود و زنی را به نکاح خود در آورده بود. امام در جواب فرمودند: باید از هم جدا شوند و مرد هم شلاق بخورد.(1)

2. کتاب صفوه الأخبار: امیرالمؤمنین علیه السّلام در خصوص زنی که ادعا می کرد شوهرش توان همبستری ندارد، در حالی که مرد این مطلب را انکار می کرد، امر فرمودند: زنان درون آلت زن را با ماده ای زعفرانی رنگ پر کنند، در حالی که شوهرش از این موضوع خبر نداشت، سپس به شوهر گفت: بر زن دخول کن. اگر آلت مرد به رنگ زعفرانی آغشته شود، ناتوان نیست.

1- . رجال الکشی: 327

باب نوزدهم : محرّمات نکاح و علل آن

آیات:

- «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْأَخِ وَ بَناتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهاتُكُمُ اللاَّتی أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَهِ وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللاَّتی فی حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللاَّتی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلاَّ ما قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً، وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ كِتابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ أُحِلَّ لَكُمْ ما وَراءَ ذلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوالِكُمْ مُحْصِنين»(1)

{[نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمّه هایتان، و خاله هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرهایتان که به شما شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنانتان، و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسران همبستر شده اید - پس اگر با آنها همبستر نشده اید، بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید]- و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر - مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد- که خداوند آمرزنده مهربان است. و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنانِ نامبرده]، برای شما حلال است.}

روایات:

1- . النساء/ 24-23

1. الخصال: امام موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: از پدرم درباره کسانی که خداوند ازدواج آنها را ممنوع ساخته و یا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج با آنها را ممنوع ساخته است، سؤال شد. فرمودند: آنچه را خداوند ممنوع ساخته، سی و چهار شخص اند که هفده تای آن در قرآن و هفده تای آن در سنت است. اما آنچه در قرآن آمده: زنی که زنا کرده است که خداوند فرموده {و به زنا نزدیک مشوید.} و نیز ازدواج با زن پدر که خداوند فرموده: {و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده اند، نکاح مکنید.}

و نیز زن حائض و خداوند فرموده: {از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می پرسند، بگو: «آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید.» خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد.} و از ازدواج در هنگام اعتکاف {و در حالی که در مساجد معتکف هستید.} و اما آنچه که در سنت نبوی آمده: همبستری در ماه رمضان به هنگام روز. و ازدواج مرد با زنی که مورد لعنت و نفرین قرارش داده. ازدواج با کسی که در عده است. همبستری در حالت احرام، چه ازدواج کند یا دخترش را به ازدواج کسی در آورد. ازدواج با زنی که به او گفته [تو بر من همچون پشت مادرم هستی] قبل از اینکه کفاره دهد و با زن مشرک و ازدواج مرد با زنی که نه باره طلاقش داده، ازدواج با کنیز در حالتی که زن آزاد را در نکاح دارد؛ و ازدواج با کافر ذمی در حالی که زن مسلمان دارد؛ و ازدواج با زنی که عمه اش یا خاله اش را در نکاح دارد؛ ازدواج با کنیز بدون اجاره مولایش. ازدواج با کنیز برای کسی که توان ازدواج با زن آزاده را دارد. ازدواج با کنیزان به اسارت درآمده، پیش از تقسیم کردن آنها و نیز ازدواج با کنیز مشرک؛ و ازدواج با کنیز قبل از اینکه او را استبراء کند (یک حیض کامل ببیند)؛ و ازدواج با کنیز مُکاتَب (قیمتش را به اقساط به صاحبش میپردازد) و آن کنیز قسمتی از بهای آزادی خود را پرداخت نموده است.(1)

1- . الخصال 2: 310

1. الاحتجاج: زندیقی از امام صادق علیه السّلام پرسید: چرا خداوند زنا را حرام ساخته؟ فرمودند: به خاطر فساد و از بین رفتن میراث و اصل و نسب خانوادگی. در زنا، زن نمی داند چه کسی او را حامله کرده و بچه هم نمی داند که پدرش و بستگانش و فامیل هایش چه کسانی هستند. زندیق پرسید: لواط را چرا حرام ساخته است؟ امام فرمودند: اگر جماع با پسران حلال بود، مردان از زنان بی نیازی می جستند و بدین خاطر تولید مثل قطع شده و فرج زنان تعطیل میشد و در این کار فساد بسیاری بود. زندیق پرسید: چرا دخول به حیوانات را حرام ساخته؟ امام فرمودند: زشت و ناپسند است که مرد نطفه خویش را ضایع سازد، اگر این کار حلال بود، هر مردی الاغی می گرفت و سوار می شد و در عین حال، دخول هم می کرد و در این کار فساد زیادی است، پس خداوند سوار شدن بر پشتشان را حلال و دخول بر فرجشان را حرام ساخت و زنان را برای مردان خلق کرد تا به آنها آرام گیرند و در کنارشان ساکن شوند، تا زنان محل رفع شهوتشان و مادر فرزندانشان باشند.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: علی بن ابراهیم درباره سخن خداوند {و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده اند، نکاح مکنید؛ مگر آنچه که پیشتر رخ داده است.} گفت: عرب زنان پدرانشان را به نکاح خود درمی آوردند و اگر مردی فرزندان زیادی داشت و این زن مادر آنها نبود [یعنی فقط زن پدر بود] هر کدام از این فرزندان [بعد از مرگ پدر] مدعی او می شدند. پس خداوند ازدواج با آنها را حرام ساخت و فرمود: {نکاح [اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمّه هایتان، و خاله هایتان، و دختران برادر.} تا آخر آیه، پس اینها محرمند و و افراد بالاتر و پایین تر از آنها نیز محرمند؛ اما آن کسی که خود محرم است ولی دخترش حلال است، عمه و خاله هستند و مادرزنها هم محرمند و دخترشان حلال است، اگر دختر اولش که زن او بوده بمیرد و یا او را طلاق داده باشد.(2)

1- . الاحتجاج 2: 93
2- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 135

1. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام در خصوص آیه: {و زنانِ شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید.} فرمودند: منظور زنان شوهر دار هستند.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام درباره {المحصنات من النساء} فرمودند، منظور زنان شوهردار هستند.(2)

3. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: گر شوهر زن را ملاعنه کند، برای همیشه بر او حرام است. و نیز مردی که زنی را در ایام عدّه به ازدواج درآورد و این موضوع را بداند، آن زن برای همیشه حرام اوست. و نیز مردی که زنی را سه بار طلاق داده، (آن زن) برای همیشه حرام است مگر اینکه زن به ازدواج مردی دیگر در آید. و نیز شخص مُحرم [إحرام بسته] که می داند ازدواج حرام است، اگر زنی را به ازدواج در آورد، آن زن برای همیشه حرام است.(3)

1- . تفسیر العیاشی 1: 232
2- . نوادر احمد بن محمد: 68
3- . تفسیر العیاشی 1: 233

باب بیستم : آنچه که از ازدواج ها قبل از اسلام نهی شده

روایات:

1. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: در اسلام، جلب، جنب و شغار نیست. فرمود: جلب: کسی است که همراه با اسب خریداری می شود تا با آن سوار کاری کند. و جنب کسی است که در کنار اسبان میایستد و بر آنها فریاد می زند. و شغار کسی است که در جاهلیت دختر خود را به ازدواج مردی در می آورد، به شرط آن که مرد هم خواهرش را به او بدهد.

صدوق گوید: یعنی در جاهلیت مرد دختر خود را به ازدواج مرد دیگری در می آورد، به شرط اینکه مهریه اش آن باشد که مرد خواهرش را به ازدواج صاحب دختر در آورد.(1)

معانی الاخبار: ابوهریره گوید: بدل در جاهلیت چنین بود که مرد به دیگری می گفت: زنم را به تو می دهم و تو هم زنت را به من بده، تو زنت را رها کن، من هم زنم را رها می کنم. خداوند فرمودند: {اینکه به جای آنان، زنان دیگری بگیری، بر تو حلال نیست، هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند اُفتد.} ابوهریره گوید: روزی عیینه بن حصین بر پیامبر صلّی الله علیه و آله بدون اینکه اجازه بگیرد، وارد شد، در حالی که عایشه کنارش بود، پیامبر فرمود: پس اجازه گرفتن چه شد ؟ گفت: از زمانی که یادم می آید از هیچ یک از مردان قبیله مُضر اجازه نگرفتهام. سپس گفت: این حمیرا که در کنارت نشسته کیست؟ فرمود: این عایشه أم المؤمنین است. عیینه گفت: آیا بهترین زنان را به تو بدهم و عایشه را به من بدهی؟ رسول خدا فرمود: خداوند این کار را برایم حرام ساخته. وقتی آن مرد

1- . معانی الاخبار: 274

1. رفت، عایشه گفت: این کیست ای رسول خدا؟ فرمودند: این شخصی احمقی است که از او اطاعت می شود و همین طور که میبینی، رئیس قبیلهاش است.(1)

2. امالی الصدوق: در مناهی پیامبر آمده است: پیامبر نهی فرموده اند که مردی به دیگری بگوید: خواهرت را به ازدواج من در آور، من نیز خواهرم را به نکاح تو در می آورم.(2)

1- . معانی الاخبار: 275
2- . امالی الصدوق: 424

باب بیست و یکم : همشأن بودن در ازدواج و آنکه برخی مؤمنان

اشاره

همشأن هستند و مکروه بودن ازدواج با گروهی از مردم و منع سخت گیری

روایات:

1. علل الشرایع و عیون الاخبار: جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای محمد! خداوند بر تو سلام فرستاد و فرمود: دختران باکره مانند میوه درخت هستند، اگر رسیدند، هیچ راه چارهای نیست جز چیدن آنها، و گرنه خورشید آنها را خراب می کند و باد آنها را تغییر می دهد و اگر دختران باکره آنچه را که زنان می فهمند، بدانند، هیچ چاره ای جز شوهر دادن آنها نیست، در غیر این صورت، بیم هر گونه فتنهای برایشان می رود. رسول خدا بر منبر شد، خطبهای خواند و مردم را به آنچه خداوند فرمان داده بود آگاه ساخت. مردم گفتند: به چه کسانی شوهر دهیم؟ فرمود: به هم شأنهای خود. گفتند: هم شأن ها چه کسانی هستند؟ فرمود: برخی مومنان هم سنگ و هم شأن یکدیگر هستند. پیامبر از منبر پایین نیامد مگر اینکه ضباعه را به عقد مقداد بن اسود در آورد، سپس فرمود: ای مردم! من دخترم عمویم را به عقد مقداد درآوردم تا حدود و مرتبت نکاح مشخص شود.(1)

2. امالی الصدوق: پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمودند: نکاح یعنی بردگی، هر کدام از شما که خواست دختر خویش را به تزویج شخصی در آورد، در واقع او را برده آن شخص کرده و باید دقت کند که دختر خویش به بردگی چه کسی در می آورد.(2)

1- . علل الشرایع 578 و عیون الاخبار 1: 289
2- . امالی الصدوق 2: 132

1. امالی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: اگر شخصی برای خواستگاری نزد شما آمد که از دین و امانت داری اش رضایت داشتید، دختر به او بدهید، و اگر این کار را نکنید، فتنه ای در زمین و فسادی بزرگ خواهد بود.(1)

2. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: هم شأن یعنی اینکه شخصی عفیف باشد و دستش باز باشد.(2)

3. قرب الاسناد: علی به نقل از برادرش امام موسی علیه السّلام گفت: پرسیدم، آیا دخترم را به ازدواج جوانی در آورم که طبعی آرام دارد و پدرش هم مشکلی ندارد؟ فرمود: اگر در آن جوان چیز بدی نمیبینی، دخترت را به ازدواجش در آور.(3)

4. علل الشرایع: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: قریش را دشنام ندهید و با عرب کینه توزی نکنید و غلامان را خوار و ذلیل نکنید و با اهل نخلستان همسکنا نشوید و دختران خویش را به ازدواج آنها در نیاورید، زیرا آنها رگی دارند که آنها را به سوی بی وفایی می کشد.(4)

5. فقه الرضا: اگر شخصی به خواستگاری نزدت آمد و از دین و اخلاقش رضایت داشتی، دختر را به عقدش درآور و فقر و ناداری اش تو را از این کار بازندارد. خداوند فرموده است: {و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی نیاز گرداند.} و نیز خداوند فرمودند: {اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست.} و نباید با شرابخوار وصلت شود. هر کس این کار را بکند، گویا دختر را به سوی زنا فرستاده است.(5)

1- . امالی الطوسی 2: 133
2- . معانی الاخبار: 239
3- . قرب الاسناد: 108
4- . علل الشرایع 2: 79
5- . فقه الرضا علیه السلام: 31

1. فقه الرضا: رسول خدا صلّی الله علیه و آله نظری بر فرزندان امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و نیز دختران جعفر بن ابی طالب انداختند و فرمودند: پسران ما برای دخترانمان و دختران ما برای پسرانمان.(1)

2. فتح الابواب: امام جواد علیه السّلام برای علی ابن اسباط نگاشتند: ما فهمیده ایم که تو کسی را مناسب برای ازدواج با دخترانت پیدا نمی کنی که هم تراز تو باشد. در این باب خیلی فکر نکن، خداوند بر تو رحمت آورد، زیرا پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند: اگر کسی نزد شما آمد که از اخلاق و دینش راضی بودید، به او دختر دهید و اگر این کار نکنید، باعث فتنه در زمین و فساد بزرگی خواهد شد.(2)

10. تفسیرالعیاشی: امام جعفر صادق علیه السّلام در خصوص این آیه: {برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] بَری.} فرمودند: به معنی آن است که دختری یتیم نزد مردی است و او را از ازدواج منع می کند، مگر اینکه مالی به مرد بدهد و یا مردی همسری دارد و او را کتک می زند تا اموالی از خود را به مرد ببخشد. خداوند از این کار منع نمود.(3)

11. تفسیر العیاشی: هاشم بن عبدالله بن سری عجلی گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره کلام خدا پرسیدم: «وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَيْتُمُوهُن» {آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] بَرید.} امام سخنی را گفت و سپس فرمود: آن چنان که در قبیله گویند، اگر کسی لباسی بر روی دختر افکند، او را گرفتار خود سازد و دختر نمی تواند غیر از آن مرد با دیگری ازدواج کند، در جاهلیت [پیش از اسلام] بوده است.(4)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 48
2- . فتح الابواب: دست نویس
3- . تفسیر العیاشی 1: 228
4- . تفسیر العیاشی 1: 229

12. مناقب: یکی از خوارج به هشام بن الحکم گفت: آیا عجم با عرب ازدواج می کند؟ فرمود: آری. گفت: آیا عرب با قریش ازدواج می کند؟ فرمود: آری. گفت: آیا قریش میتواند با بنی هاشم ازدواج کند؟ فرمود: آری. آن خارجی نزد امام صادق علیه السّلام آمد و ماجرا را برای امام تعریف کرد و گفت: آیا این سخنان را می پذیری؟ امام فرمود: آری، من خود نیز این کلام را گفتهام. خارجی گفت: اکنون نزد تو آمده ام تا خواستگاری کنم. امام جعفر علیه السّلام فرمودند: تو باید با کسی که هم شأن تو در دینت است ازدواج کنی و تو را قوم و قبیلهات کفایت میکند. اما خداوند کریم ما را از گرفتن صدقه که اضافه های دست مردم است مصون و مبرّا داشته است. و ما کراهت داریم که کسی را در آن مواردی که خداوند ما را در آن برگزیده و کرامت کرده و به دیگران کرامت نکرده، شراکت دهیم [یعنی تو ای خارجی، هم شان ما نیستی.] آن مرد خارجی برخاست در حالی که می گفت: به خدا کسی را ندیدم که مثل او مرا پاسخ دهد، به خدا که بدترین و سخت ترین جواب بود و او بر خلاف قول یارش {هشام}چیزی نگفت.(1)

13. کتاب الزهد: امام باقر علیه السلام می فرماید: امام زین العابدین علیه السّلام زنی را در شهر مکه دیده و او را پسندیدند، از او خواستگاری کرده و ازدواج نمودند. آن زن نزد امام بود و امام دوستی از انصار مدینه داشت که از این ازدواج ناراحت بود. این مرد از بانو درباره اصل و نسبش پرسید و زن جواب داد که از خانواده ذی الجدّین از بنی شیبان است. مرد نزد امام آمد و گفت: جانم به فدایت! هنوز هم ازدواج تو با این بانو بر من سنگین است و پیش خود گفتم: امام علی بن الحسین علیه السّلام چرا با چنین زن ناشناس و گمنامی ازدواج کرده؟ البته مردم هم چنین می گویند. من اصل و نسبش را پرسیدم تا اینکه فهمیدم او از قبیله بنی شیبان است. امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: من گمان می کردم که تو بیش از این ها نیک نظر و خردمند باشی. خداوند اسلام را آورد و به واسطه اسلام، انسانهای فرو دست را بالا کشید و کمبودها را کامل ساخت و سرزنشها به واسطه اسلام برطرف

1- . مناقب ابن شهر آشوب 3: 381

شد، و بر شخص مسلمان سرزنش و کراهت نیست (که با فروتر از خود ازدواج کند) بلکه سرزنش و نکوهش مال زمان جاهلیت بود.(1)

14. کتاب الزهد: علی بن الحسین علیه السّلام با کنیز عمویش امام حسن علیه السّلام ازدواج کرد و مادرش را هم به تزویج غلام خود درآورد. وقتی این خبر به عبدالملک بن مروان رسید، به امام نامه نوشت که ای علی بن حسین! گویا تو مکان و جایگاهت را در میان قومت و مردم نمی دانی. با کنیزکی ازدواج کردی و مادرش را به ازدواج غلامت درآوردی. امام در جواب نوشت: نامهات را فهمیدم. ما را اسوه و راهبر، رسول الله صلّی الله علیه و آله است. او دختر عمویش زینب را به عقد زید که غلامش بود درآورد و با کنیز خود، دختر حی بن اخطب ازدواج کرد.(2)

15. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه شخصی برای خواستگاری آمد که از دین و امانت داری او رضایت دارید، دخترتان را به ازدواجش درآورید، و اگر این کار را نکنید، باعث فتنه در زمین و فسادی بزرگ خواهد شد.(3)

16. نوادر الراوندی: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند: با هم شأن های خود ازدواج کنید و به آنها دختر دهید و برای نطفه های خود (همسری در خور) برگزینید.(4)

17. مصباح الانوار: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اگر خداوند امام علی علیه السّلام را خلق نمی کرد، برای فاطمه علیها السّلام، هم شأنی بر روی زمین نبود.

1- . کتاب الزهد از حسین بن سعید، باب التواضع و الکبر، این کتاب دست نویس است.
2- . کتاب الزهد از حسین بن سعید، باب التواضع و الکبر، این کتاب دست نویس است.
3- . نوادر الراوندی: 12
4- . نوادر الراوندی: 12

باب بیست و دوم : نکاح با مشرکان، کافران، مخالفان و دشنام دهندگان به اهل بیت علیهم السلام

آیات:

- «وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَ لَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّهِ وَ الْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آياتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُون»(1)

{و با زنانِ مشرک ازدواج مکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیزِ با ایمان بهتر از زنِ مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آوَرَد. و به مردانِ مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده با ایمان بهتر از مردِ آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آوَرَد. آنان [شما را] به سوی آتش فرا می خوانند، و خدا به فرمان خود، [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می خواند، و آیات خود را برای مردم روشن می گرداند، باشد که متذکّر شوند.}

- «الْمُحْصَناتُ مِنَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنينَ غَيْرَ مُسافِحينَ وَ لا مُتَّخِذى أَخْدانٍ»(2)

{و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را پنهانی دوست خود بگیرید.}

- «قالَ يا قَوْمِ هؤُلاءِ بَناتى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ»(3)

{گفت: «ای قوم من، اینان دختران منند. آنان برای شما پاکیزه ترند.}

1- . البقره / 221
2- . المائده / 5
3- . هود / 78

- «قالَ هؤُلاءِ بَناتی إِنْ کُنْتُمْ فاعِلینَ»(1)

{گفت: «اگر می خواهید [کاری مشروع] انجام دهید، اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید].» }

- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا جاءَکُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإیمانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَی الْکُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتُوهُمْ ما أَنْفَقُوا وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ إِذا آتَیْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوافِرِ وَ سْئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَ لْیَسْئَلُوا ما أَنْفَقُوا ذلِکُمْ حُکْمُ اللَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ وَ اللَّهُ عَلیمٌ حَکیمٌ، وَ إِنْ فاتَکُمْ شَیْ ءٌ مِنْ أَزْواجِکُمْ إِلَی الْکُفَّارِ فَعاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذینَ ذَهَبَتْ أَزْواجُهُمْ مِثْلَ ما أَنْفَقُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ»(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند، آنان را بیازمایید. خدا به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید؛ نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال. و هر چه خرج [این زنان] کرده اند، به [شوهران] آنها بدهید، و بر شما گناهی نیست که - در صورتی که مِهرشان را به آنان بدهید- با ایشان ازدواج کنید، و به پیوندهای قبلی کافران متمسّک نشوید [و پایبند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرتد و فرارِی خود که به کفّار پناهنده شده اند] خرج کرده اید، [از کافران] مطالبه کنید، و آنها هم باید آنچه را خرج کرده اند [از] و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفّار رفت [و کفّار مِهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت یافتید؛ پس به کسانی که همسرانشان رفته اند، معادل آنچه خرج کرده اند بدهید، و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید. و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفّار رفت [و کفّار مِهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت یافتید؛ پس به کسانی که همسرانشان رفته اند، معادل آنچه خرج کرده اند بدهید، و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید. }

1- . الحجر/ 71
2- . الممتحنه / 10-11

روایات:

1. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام در جواب سؤالی که درباره ازدواج مرد مؤمن با زن مسیحی یا یهودی شد، فرمودند: هرگاه مسلمان را بتواند عقد ، به زن یهودی و نصرانی چه احتیاجی است؟ گفته شد: اگر در زن غیر مسلمان دل بسته باشد چه؟ فرمود: اگر ازدواج کند، باید آن زن را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک منع سازد، ولی بدان که این مرد را در دینش نقصانی باشد.(1)

2. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام باقر علیه السّلام فرمودند: با زن نصرانی و یهودی ازدواج نکن، در حالی که زن مسلمان داری.(2)

3. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: وقتی زن مسلمان داری، با زن یهودی و نصرانی ازدواج نکن و هر کس این کار را بکند، نکاحش باطل است. (3)

4. کتاب حسین بن سعید و النوادر: سماعه گوید: از امام علیه السّلام درباره زن یهودی و نصرانی پرسیدم که آیا مسلمان می تواند با آنها ازدواج کند، در حالی که زن مسلمان دارد؟ فرمودند: خیر، امّا میتواند با زن مسلمان ازدواج کند، در حالی که زن یهودی و نصرانی دارد.(4)

5. کتاب حسین بن سعید و النوادر: عبدالرحمن گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا مرد می تواند زن نصرانی را به عقد درآورد، در حالی که زن مسلمان دارد؛ یا با کنیز ازدواج کند در حالی که زن آزاده دارد؟ فرمودند: نباید هیچ یک از آن ها را بر سر زن مسلمان و آزاده آورد، اما می تواند زن مسلمان را در حالی که کنیز و زن نصرانی دارد بگیرد و دو سوم از اموال مرد برای زن مسلمان و یک سوم از اموالش برای نصرانی و کنیز است. (5)

1- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
2- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
3- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
4- .نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
5- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69

6. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: آیا مرد مسلمان می تواند با زن مجوس ازدواج کند؟ فرمودند: خیر، اما اگر کنیزی مجوس داشت، اشکالی ندارد بر او دخول کند و از او کنار کشد و فرزندش را هم نخواهد.(1)

7. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره گوید: از امام باقر علیه السّلام پرسیدم: آیا می توان با زن مرجئه یا حروریّه ازدواج کرد؟ فرمودند: خیر، بر تو باد ازدواج با زنان کم عقل {ساده و بی مساله}. زراره گوید: زن یا مؤمن است یا کافر. فرمودند: کجا هستند آنهایی که خدا مستثنی کرده است. سخن خداوند از سخن تو صادق تر است که فرمود: «إِلاَّ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا یَسْتَطیعُونَ حیلَةً وَ لا یَهْتَدُونَ سَبیلا»،(2) {مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند و راهی نیابند.}(3)

8. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: با زنان اهل شک و تردید {در ایمان} ازدواج کنید و به مردان اهل شک زن ندهید. زیرا زن از ادب و رفتار مردان تأثیر می پذیرد و مرد میتواند وی را به دین خود در آورد.(4)

9. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: شایسته نیست که عرب صحرانشین با زن مهاجر ازدواج کرده و او را از محل مهاجرتش بیرون ببرد تا زن مهاجر اعرابی {بادیه نشین} شود، مگر این که خود مرد، سنت و سفر را خوب فرا گرفته باشد، و اگر این کار را در سرزمین هجرت انجام دهد، او مهاجر است.(5)

10. کتاب حسین بن سعید و النوادر: سماعّه گوید: از امام علیه السّلام درباره ازدواج با آنها و نماز همراه آنها سؤال کردم و ایشان فرمود: این تلخترین تمدید

1- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
2- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69
3- . النساء / 98
4- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 69

5- . نوادر احمد بن محمد بن عيسى: 69

است، اگر بر آن توانایی داشته باشند؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ایشان ازدواج کرد و علی علیه السّلام هم پشت سرشان نماز خواند.(1)

11. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابن سنان گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: چگونه یک مرد مسلمان میشود و ازدواج و میراث او حلال شده و با چه چیز خونش حرام میشود؟ فرمودند: هرگاه اسلام آورده و آن را آشکار سازد، خونش حرام می شود و ازدواج و میراثش هم حلال می گردد.(2)

12. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله زنانی را به ازدواج منافقان مشهوری درآوردند، سپس نام ابوالعاص بن الربیع را برد و نام دیگری را نبرد.(3)

13. کتاب حسین بن سعید و النوادر: زراره گوید: به امام باقر علیه السّلام گفتم: میترسم حلال نباشد که با دختری ازدواج کنم که بر مذهب من نباشد. فرمود: چه چیزی تو را باز می دارد از زنان کمعقلی که نمیدانند شما بر چه مذهبی هستید و دشنام هم نمیدهند.(4)

14. کتاب حسین بن سعید و النوادر: فضل بن یسار گوید از امام باقر علیه السّلام درباره ازدواج با ناصبین [دشنام دهندگان به شیعه] و نماز خواندن پشت سر آن ها پرسیدم. فرمودند: با آن ها وصلت نکن و پشت سرشان نماز نخوان.(5)

15. کتاب حسین بن سعید و النوادر: ابن سنان گوید: از ابا عبدالله علیه السّلام درباره ناصبی که عداوت و دشنام او شناخته شده است پرسیدم که آیا مؤمن می تواند به او زن دهد، در حالی که میتواند او را رد کند؟ فرمودند: آدم مؤمن با زن ناصبی ازدواج نکند و نباید ناصبی با زن مؤمنه ازدواج کند و مستضعف هم نباید با زن مؤمنه ازدواج کند.(6)

1- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71
2- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71
3- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71
4- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71

5- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71
6- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71

16. کتاب حسین بن سعید و النوادر: فضیل بن یسار گوید: به امام باقر علیه السّلام عرض کردم: همسرم، خواهری دارد مسلمان که رأی و اندیشه اش بی اشکال است، ولی در بصره کسی نیست که او را به ازدواجش درآورم، چه نظری دارید درباره این که او را به (همین) مردم شوهر دهم. فرمودند: او را به کسی شوهر ده که هم رأی و اندیشه با اوست. و تزویج زنی که ناصبه نیست، اشکالی ندارد.(1)

17. رجال الکشی: زراره بر امام صادق علیه السّلام وارد شد. امام فرمود: ای زراره، همسری داری؟ گفت: نه. فرمود: چه چیزی تو را از ازدواج منع کرده؟ گفت: نمی دانم آیا صلاح است که با این جماعت [ناصبی] ازدواج کنم یا نه؟ امام فرمود: چگونه خود را نگه داشتهای، در حالی که جوان هستی؟ گفت: کنیز میخرم. فرمود: پس از چه روی ازدواج با کنیزان صلاح است؟ گفت: اگر نسبت به کنیز شک کنم، او را می فروشم. فرمود: من در این خصوص از تو سؤال نکردم، بلکه منظورم این است که چگونه ازدواج با کنیز را صلاح می بینی [در حالی که زن آزاده وجود دارد]؟ زراره گفت: پس امر می فرمایید که ازدواج کنم؟ فرمود: این دیگر به عهده توست. زراره گفت: این سخن دو گونه تفسیر می شود: یا این که، اگر مرا فرمان به ازدواج ندهید، برایتان اهمیت ندارد که عصیان خدا کنم و دیگر این که، این سخن شما فقط مربوط به شخص من می شود. امام فرمود: بر تو باد ازدواج با زنان کمعقل.

زراره گوید: گفتم: پس مانند نظر حکم بن عتیبه و سالم بن أبی حفصه عمل کنم؟ فرمود، خیر، بلکه با زنی ازدواج کن که مذهب شما را نمی شناسد و دشنام هم نمی دهد. پیامبر خدا دخترانی را به عقد ابوالعاص ابن ربیع و عثمان بن عفان درآورد و با عایشه و حفصه و دیگران ازدواج کرد. زراره گفت: من در جایگاه پیامبر نیستم، او بر اساس حکم خود عمل می کرد، یعنی انسان ها یا مؤمناند یا کافر. خداوند فرموده: «فمنکم کافر و منکم مؤمن». امام صادق علیه السلام فرمودند: پس «أصحاب أعراف»، و «المؤلفه قلوبهم» و آنان که هم کار نیک می

1- . نوادر احمد بن محمد بن عیسی: 71

کنند و هم کار بد کجایند؟ و کسانی که روزی می خورند ولی نامی از آن ها برده نشده، کجا قرار میگیرند؟(1)

18. رجال الکشی: داود بن علی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من گناهی مرتکب شدهام که خداوند نخواهد بخشید: فرمود: چیست؟ گفت: دخترم را به ازدواج فلان شخص از بنی امیّه درآوردم. امام فرمود: اگر تو دخترت را به نکاح فلان شخص درآوردهای، رسول الله صلّی الله علیه و آله هم دخترش را به عقد عثمان بن عفّان درآورده و اسوه و الگوی من رسول خداست.(2)

مؤلف: تمام این روایت در باب احوال اصحاب امام صادق علیه السّلام مذکور است.

19. تفسیر النعمانی: امیر المؤمنین علی علیه السّلام در خصوص کلام خدا: { و با زنانِ مشرک ازدواج مکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیزِ با ایمان بهتر از زنِ مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آوَرَد. و به مردانِ مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده با ایمان بهتر از مردِ آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آوَرَد. آنان [شما را] به سوی آتش فرا می خوانند، و خدا به فرمان خود، [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می خواند، و آیات خود را برای مردم روشن می گرداند، باشد که متذکّر شوند.} فرمودند: مسلمانان با اهل کتاب ازدواج می کردند تا این که این آیه نازل شد و نهی نمود که مرد مسلمان با زن مشرک ازدواج کند. سپس خداوند در سوره مائده چیزی را وحی نمود که آیه قبلی را منسوخ می کرد. پس فرمود: «وَ طَعامُ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ حِلٌّ لَکُمْ وَ طَعامُکُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکُمْ»، {و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است.}(3)

1- . رجال الکشی: 128
2- . رجال الکشی: 325
3- . المائده / 5

و خداوند ازدواج با آن ها را آزاد ساخت، بعد از آن که نهی فرموده بود. و این سخن را «وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ» به حال خود باقی گذاشت.

20. نوادر الراوندی: امام علی علیه السّلام فرمودند: برای مسلمان جایز نیست که با کنیز یهودی و مسیحی ازدواج کند، زیرا خداوند فرموده است: {از دختران مؤمنه خودتان.} امام علی علیه السّلام در ادامه فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله کراهت داشتند که با زنان یهودی و مسیحی ازدواج شود، مبادا که فرزند به وجود آمده را یهودی و مسیحی به سوی خود کشد [غیرمسلمان شود]. (1)

21. الهدایه: ازدواج با زن مجوس و ناصبی حرام است.

22. الهدایه: ازدواج با زن یهودی و مسیحی جایز است، امّا باید از شرب خمر و خوردن گوشت خوک ممانعت شوند و کسی که با آنها ازدواج کند، در دینش نقصانی است.(2)

23. علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمودند: با زنان اهل شک و تردید {ضعیف الایمان} ازدواج کنید، امّا به آن ها دختر ندهید، زیرا زن از ادب همسرش فرا می گیرد و مرد میتواند او را به دین خود وادارد.(3)

24. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام از ازدواج با اهل حرب (خوارج) کراهت داشتند.(4)

25. علل الشرایع: علی بن الحسین علیه السّلام فرمودند: مادامی که اسیر در دست مشرکان گرفتار است، حلال نیست که ازدواج کند، مبادا که صاحب فرزندی شود و در دست آن ها کافر بماند.(5)

26. تفسیر علی بن ابراهیم: {[بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده

1- . نوادر الراوندی: 48
2- . الهدایه: 68

3- . علل الشرايع: 502
4- . قرب الاسناد: 65
5- . علل الشرايع: 503

شده. }(1) خداوند ازدواج با اهل کتاب را حلال ساخت، بعد از آن که در سوره بقره آن را حرام داشته بود {و با زنان مشرک ازدواج مکنید، تا ایمان آورند. }(2)

و حلال است ازدواج با اهل کتاب، آن هم کسانی که جزیه می دهند. اما اگر اهل کتاب در سرزمین شرک باشند و جزیه نپردازند، ازدواج با آن ها حلال نیست.(3)

27. فقه الرضا: اگر با زن یهودی یا مسیحی ازدواج کردی، او را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک بازدار. و بدان که با ازدواج با آنها، در دین تو نقصانی هست؛ و جایز نیست ازدواج با زن مجوس؛ و جایز نیست که بیشتر از دو زن از اهل کتاب یا کنیزان را به عقد خود در آوری.(4)

28. تفسیر العیاشی: زراره گوید به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا می توان با زنی از مرجئه یا حروریه یا قدریه ازدواج کرد؟ فرمودند: خیر. بر تو باد ازدواج با زنان کمعقل {ساده و بی مساله }. زراره گوید: پس این کلام چه می شود، زن یا مؤمن است یا کافر؟ فرمودند: پس آنهایی را که خداوند مستثنی کرده چه می شوند؟ و سخن خداوند از تو صادق تر است که {مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند و راهی نیابند. }(5)

29. تفسیرالعیاشی: حمران گوید: از امام صادق علیه السّلام درباره (الّا المستضعفین) پرسیدم. فرمودند: آن ها اهل ولایت هستند. گفتم: کدام ولایت؟ فرمود: منظور ولایت در دین نیست، بلکه ولایت در ازدواج و ارث بردن و هم نشینی است، آن ها نه مؤمن هستند و نه کافر، بلکه به تقدیر و فرمان خداوند امید دارند.(6)

1- . المائده / 5
2- . البقره / 221
3- . تفسیر علی بن ابراهیم 1: 163
4- . فقه الرضا علیه السلام: 31
5- . تفسیر العیاشی 1: 269
6- . تفسیر العیاشی 1: 269

30. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره {و زنان پاکدامن از مسلمان.} فرمودند: آن ها زنان مسلمان هستند.(1)

31. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السّلام درباره کلام خدا سؤال شد: {و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده.} که فرمودند: این آیه را « وَ لا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوافِرِ»(2) {زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید} منسوخ کرده است.(3)

32. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام درباره {و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده.} فرمودند: آن ها زنان عفیفه هستند.(4)

33. تفسیر العیاشی: راوی از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل میکند که فرمود: از حضرتش درباره {و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده} سؤال کردیم که منظور چه کسانی هستند و معنای احصان آنان چیست؟ فرمودند: زنان عفیفه ایشان (اهل کتاب) هستند.(5)

باب بیست و سوم : اسلام یکی از زوجین

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم علیه السّلام پرسید: زنی اسلام می آورد و سپس همسرش هم مسلمان می شود، آیا این زن

1- . تفسیر العیاشی 1: 296
2- . ممتحنه / 10
3- . تفسیر العیاشی 1: 296
4- . تفسیر العیاشی 1: 296
5- . تفسیر العیاشی 1: 296

برای مرد حلال است؟ فرمود: این مرد برای همسر بودن سزاوار تر است مادامی که زن ازدواج نکرده، اما زن آزاد است که انتخاب کند.(1)

2. قرب الاسناد: و نیز گوید از امام موسی علیه السّلام درباره زنی پرسیدم که پیش از همسرش مسلمان شده و با دیگری ازدواج نموده است، چه حالتی دارد؟ فرمود: این زن مال کسی است که با او ازدواج کرده و به همسر اول خود باز نمی گردد.(2)

3. قرب الاسناد: شخصی از امام رضا علیه السّلام سؤال کرد: زن مسیحی مسلمان می شود و پس از او همسرش هم مسلمان می شود. آیا بر همان ازدواج اول خواهد باقی می مانند: فرمودند: خیر، باید دوباره ازدواج کنند.(3)

4. فقه الرضا: امام رضا علیه السّلام به نقل از امام محمد باقر علیه السّلام فرمودند: زنی که مسلمانشود و شوهری مسیحی داشته باشد، همچنان همسر او باقی می ماند مادامی که او را از دارالهجره خارج نکرده باشد.(4)

1- . قرب الاسناد: 109
2- . قرب الاسناد: 109
3- . قرب الاسناد:167
4- . فقه الرضا علیه السلام: 31

باب بیست و چهارم : تعداد همسران آزاده و غلام

آیات:

- «وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تُقْسِطُوا فِی الْیَتامی فَانْکِحُوا ما طابَ لَکُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ ذلِکَ أَدْنی أَلاَّ تَعُولُوا»(1)

{و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زنِ آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده اید [اکتفا کنید]. این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال وار گردید]. }

روایات:

1. قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم علیه السّلام نقل کرده است: از وی سؤال کردم، مردی چهار زن داشته، یکی از آن ها فوت می کند، آیا صلاح است تا پایان زمان عدّه او، زنی دیگر بگیرد؟ فرمودند: اگر فوت کرده است، مرد می تواند هر وقت که خواست، ازدواج کند.(2)

2. قرب الاسناد: و نیز گفت: از امام موسی علیه السّلام درباره مردی پرسیدم که چهار زن دارد، یکی از آن ها را طلاق می دهد، آیا صلاح است که قبل از

1- . النساء / 3
2- . قرب الاسناد: 109

انقضای ایام عدّه زن مطلقه، ازدواج کند؟ فرمود: خیر، صلاح نیست مگر آن که ایام عدّه زن مطلقه به اتمام رسد.(1)

3. الخصال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: بیشتر از چهار زن آزاد را نمی توان در عقد داشت.(2)

4. عیون الاخبار: در نامه ای که امام رضا علیه السّلام برای مأمون نوشت، همانند این روایت موجود است.(3)

5 . علل الشرایع: در کتاب علل ابن سنان است که گفت: امام رضا علیه السّلام علت ازدواج یک مرد را با چهار زن و علت حرام بودن ازدواج یک زن با بیش تر از یک مرد را چنین مرقوم فرموده اند: زیرا مرد اگر با چهار زن ازدواج کند، همه فرزندان منسوب به او هستند و اگر زنی دو یا چند همسر داشته باشد، معلوم نیست که فرزند مال کیست؟ چون همگی در نکاح با زن مشترک هستند و در این حالت، در اصل و نسب و ارثیه و شناسایی فساد حاصل می شود.

محمد بن سنان گوید: از جمله دلایل حلال بودن چهار همسر برای یک مرد این است که تعداد زنان بیش تر از مردان است - والله أعلم - خداوند می فرمایند: {هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.} و این تقدیر خداوند است تا بدین وسیله اغنیاء و فقراء آزاد باشند، و مرد به اندازه قدرتش ازدواج کند و سپس دایره ازدواج را گسترده تر ساخت و شامل کنیزان و اسیران جنگی هم نمود و در آن حدّ و مرزی قرار نداد، زیرا آن ها به عنوان اموال و غنیمت هستند و خداوند امکان داده که مرد هر چه قدر که اموال می خواهد گردآورد؛ و علت این که برده می تواند فقط با دو نفر ازدواج کند، در این است که برده نصف مرد آزاده در طلاق و در نکاح محسوب میشود. و برده بر خود مالکیت ندارد و مالی هم ندارد، بلکه این سرور اوست که به او مالی می بخشد و

1- . قرب الاسناد: 111
2- . الخصال 2: 395
3- . عیون الاخبار 2: 124

این باعث فرق و تمییز میان برده و شخص آزاد است و نیز داشتن بیش از دو زن برای برده باعث می شود که از خدمت کردن به صاحبانش باز ماند. (1)

6. قرب الاسناد: حماد بن عیسی گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم (در حالی که کسی جز غلام او در کنارش نبود) و گفتم: فدایت شوم! مرا باخبر ساز که غلام با چند نفر می تواند ازدواج کند؟ فرمود: پدرم فرمود که امام علی علیه السّلام فرمودند: با بیشتر از دو زن نمی تواند ازدواج کند.(2)

7. قرب الاسناد: امام علی علیه السّلام فرموده اند: غلام نمی تواند با بیشتر از دو زن ازدواج کند.(3)

8. فقه الرضا: جایز نیست که با بیش از دو نفر از زنان اهل کتاب یا کنیزان ازدواج کنی، ولی می توانی با چهار زن مسلمان آزاده ازدواج کنی و غلام هم می تواند با دو زن آزاده یا چهار کنیز ازدواج کند.(4)

9. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: در هر چیزی اسراف وجود دارد مگر در [نکاح با] زنان. خداوند فرموده: {هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.} و نیز فرموده: {زنانی که کنیز شما هستند نیز بر شما حلال است.}(5)

10. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمودند: حلال نیست که نطفه مردان در بیشتر از چهار رحم از زنان آزاده جاری باشد.(6)

11. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: مردی که چهار زن دارد و یکی از آن ها را طلاق دهد، نمی تواند با زن دیگری ازدواج کند، مگر آن که عدّه زن مطلقه به اتمام برسد.(7)

1- . علل الشرایع: 504
2- . قرب الاسناد: 9
3- . قرب الاسناد: 50
4- .[4] فقه الرضا علیه السلام: 31

5- . تفسير العياشى 1: 218
6- . تفسير العياشى 1: 218
7- . نوادر احمد بن محمد: 70

12. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام جعفر صادق علیه السّلام در خصوص مردی که چهار زن داشت و یکی از آن ها را طلاق داده و با زنی جدید، قبل از این که عدّه زن مطلقه به اتمام رسد، ازدواج کرده بود، فرمودند: زن جدید را به خانواده اش بازگردانید تا زن مطلقه عدّه اش کامل شود. و زن جدید هم عدّه را به اتمام رساند؛ و اگر مرد بر زن جدید دخول کرده باشد، مهریه واجب است و اگر دخول نکرده باشد، مهریه ندارد و عدّه هم ندارد. و اگر خانواده زن مطلقه خواستند که پس از ایام عدّه او را شوهر دهند، مختارند و اگر نخواستند، شوهر ندهند.(1)

13. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر مردی چهار زن داشت و یکی از آن ها را طلاق داد، نباید با زن دیگری ازدواج کند تا این که ایام عدّه زن مطلقه تمام شود. و فرمود: نباید نطفه او در پنج زن جاری باشد. (2)

14. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امام موسی بن جعفر علیه السّلام نیز مانند این سخن را فرموده اند. گفته شد: حتی اگر [نفر پنجم] متعه باشد؟ فرمودند: حتی اگر متعه باشد.(3)

15. الهدایه: جایز است که مرد با چهار زن آزاده ازدواج کند و هر چهار تای آن ها را با هم داشته باشد و نیز می تواند دو کنیز را با هم داشته باشد که البته دو کنیز اهل کتاب؛ و غلام هم می تواند با دو زن آزاده یا با چهار کنیز ازدواج کند.(4)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . نوادر احمد بن محمد: 70
2- . نوادر احمد بن محمد: 70
3- . نوادر احمد بن محمد: 70
4- . الهدایه: 68

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109